



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

سجده

۱۰

تعمیر و مرمت
سجدههای امامزاده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف)

نویسنده:

آیت الله العظمی سید روح الله موسوی خمینی قدس سره

ناشر چاپی:

موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۷	صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) جلد ۱۰
۱۷	مشخصات کتاب
۱۸	اشاره
۳۲	بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن خیریه بانوان اصفهان
۳۲	خواهران در نهضت پیشوا و موجب قدرت بودند
۳۲	راه مستقیم الهی انسانی را از نقص به کمال می برد
۳۳	اصل امر به معروف و نهی از منکر جهت اصلاح جامعه
۳۵	فرمان امام خمینی به حجت الاسلام قوچانی
۳۶	فرمان امام خمینی به آیت الله مدنی
۳۷	گفتگوی امام خمینی با ابوجهاد عضو سازمان مقاومت فلسطین
۳۹	بیانات امام خمینی در دیدار با سفیر الجزایر
۴۰	بیانات امام خمینی در جمع روشندان
۴۰	انسان ، با (بصیرت) انسان است نه با (بصر)
۴۰	تلاش بی ثمر مغرضین و شایعه سازان به منظور متوقف ساختن نهضت
۴۳	بیانات امام خمینی در جمع شورای پنج نفری صدا و سیما جمهوری اسلامی
۴۳	اگر این دستگاه (رادیو و تلویزیون) اصلاح بشود، امید است یک مملکت اصلاح شود
۴۳	تحقق جمهوری اسلامی در گرو اسلامی شدن مراکز ملی و دولتی
۴۴	باید اشخاصی که متعهد و معتقد به جمهوری اسلامی باشند، در راس کارها قرار دهید
۴۴	سرتاسر این مملکت ، فریادشان این بود که ما اسلام را می خواهیم
۴۵	هوشیاری در مقابل اعمال آلوده خائنین به اسلام و مملکت
۴۷	قیام بر ضد حکومت اسلامی در حکم کفر است
۴۹	بیانات امام در دیدار با کارکنان بخش زبانهای خارجی رادیو تلویزیون
۴۹	رادیو تلویزیون حساسترین دستگاه کشور است

- ۵۰ اصلاح رادیو تلویزیون اصلاح جامعه است
- ۵۰ اسلام مرز ندارد
- ۵۱ تبلیغات مفسدین در کردستان
- ۵۱ رفع ناپسامانی های کشور با اجرای احکام اسلام
- ۵۳ آنان که بر ضد ما تبلیغ می کنند، از اسلام می ترسند
- ۵۳ از برنامه های انحرافی پرهیز کنید
- ۵۴ ضد انقلاب می خواهد کردستان را از ایران جدا کند
- ۵۴ ما نمی خواهیم برادرکشی بشود
- ۵۶ بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده های شهدای سردشت
- ۵۶ همه انسان ها رفتنی هستند، چه بهتر که در راه خدا فدا شوند
- ۵۶ با وحدت کلمه و قدرت ایمان ، بدون توجه به تبلیغات دشمنان به پیش بروید
- ۵۸ بیانات امام خمینی در جمع علمای غرب تهران
- ۵۸ هدف اصلی مخالفت ها و توطئه های دشمنان ، از بین بردن اسلام است
- ۵۹ ولایت فقیه همان ولایت رسول الله است
- ۶۱ ولایت فقیه ضد دیکتاتوری است ، نه دیکتاتوری
- ۶۲ نقش مجالس سوگواری و گریه بر شهید در زنده نگه داشتن قیام کربلا و حفظ اسلام
- ۶۴ قلمفرسائی مغرضین بر علیه روحانیت ، این طلیعه داران آزادی
- ۶۵ بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اهالی مسجد ارباب تهران
- ۶۵ این آقایان روشنفکر که حالا در اقلیت واقع شده اند، می خواهند بگویند رای اکثریت میزان نیست
- ۶۷ نصیحتی به مخالفین برای بازگشت به مسیر ملت و پرهیز از توطئه و هرج و مرج
- ۶۹ بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان دانشکده افسری و فرماندهان ارتش جمهوری اسلامی
- ۶۹ ارتش ، اساس و رکن استقلال یک کشور است
- ۶۹ با تصفیه و اصلاح ارتش ، استقلال کشور حفظ می شود
- ۷۱ بیانات امام خمینی در جمع کارمندان شهرداری قائم شهر (شاهی سابق)
- ۷۱ هیچ یک از این خرابی ها از نهضت نیست
- ۷۲ تکلیف بر ملت در تلاش جهت نیل به خودکفائی و استقلال با استفاده از ذخائر خداداد

- ۷۴ محاکمه شاه و استرداد اموال به یغما رفته از طریق وی
- ۷۵ اعمال رسوای جاسوسان به اصطلاح فدائی خلق
- ۷۵ ضرورت همکاری مردم در اداره مملکت بر حسب وظیفه الهی
- ۷۶ بیانات امام خمینی در جمع افسران فارغ التحصیل
- ۷۶ افسران ارشد با زبردستان خود همان کنند که پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمود
- ۷۶ توجه به اسلام ، ضامن استقلال مملکت
- ۷۶ اکنون که لشکر اسلام هستید، در خدمت اسلام باشید
- ۷۸ بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پرسنل پایگاه نیروی هوایی آذربایجان شرقی
- ۷۸ با حفظ وحدت و اتکال به اسلام نهضت را پیش ببرید
- ۷۸ تکلیف اقشار ملت در رفع و بازسازی خرابی ها و عقب ماندگی های حاصل از رژیم شاهنشاهی
- ۷۹ نیروهای نظامی باید اسلامی شوند
- ۷۹ از تشبثات و تبلیغات ضد انقلابیون نهراسید
- ۸۰ بیانات امام خمینی در جمع اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان بابل
- ۸۰ آشوب ضدانقلابیون سدی برای انجام اقدامات عمرانی در کشور
- ۸۱ پوچی شایعات مفسده جویان
- ۸۱ اسلام ، خطری برای مستکبران و رباخواران
- ۸۳ برتری انقلاب ایران در مقایسه با سایر انقلابات به دلیل ماهیت اسلامی آن است
- ۸۳ با دل محکم و مشت گره کرده نهضت را به پیش ببرید
- ۸۴ قیام برای خدا شکست ندارد
- ۸۵ ولایت فقیه مجری قانون و مخالف دیکتاتوری است
- ۸۷ بیانات امام خمینی در میان جمعی از دبیران عضو انجمن اسلامی آذربایجان شرقی
- ۸۷ راس همه اصلاحات ، اصلاح فرهنگ است
- ۸۸ مفهوم آزادی و اختناق در قاموس رژیم سابق و غربزدگان
- ۸۹ روابط ما با آمریکا و شوروی ، مثل رابطه بره با گرگ است
- ۹۱ ای فدائیان خلق ! شما از کجا اسلحه آوردید؟
- ۹۲ بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران سمیرم و اعضای جهاد سازندگی اصفهان

- توطئه اجانب و عمالش در تضعیف نیروهای دفاعی کشور ۹۲
- کوشش در خودکفائی کشاورزی گامی به سوی رهائی از سلطه ابرقدرت ها ۹۲
- وظیفه کارگران و کارمندان دولت در اصلاح کارخانه ها و وزارتخانه ها ۹۳
- لزوم پاکسازی منحرفین از تلویزیون ۹۳
- ملت ، با وحدت و اتکال به خدا در اصلاح امور کشور بکوشند ۹۴
- بیانات امام خمینی در جمع مسوولان جهاد سازندگی قم ۹۵
- قم ، شهر همیشه پیشقدم در امور نهضت ۹۵
- قطع وابستگی از شرق و غرب به شرط فعالیت همه جانبه اقشار ۹۵
- اغفال یک ملت رشید و متحول ، روئائی است باطل ۹۶
- اشکال تراشی های بیمورد دلیلی روشن بر عدم رشد سیاسی ۹۷
- دعوت از روشنفکر نمایان و مدعیان خلق به حرکت در مسیر ملت ۹۸
- بیانات امام خمینی با نمایندگی دانش آموزان تبریز و اعضای جهاد سازندگی فیروزآباد ۱۰۰
- انقلاب ایران بهترین انقلابی بوده است که در دنیا تا کنون پیدا شده است ۱۰۰
- همه قشرها باید کمک بکنند تا این مملکت را نجات بدهند ۱۰۱
- شرق یک فرهنگ اسلامی دارد که مترقی ترین فرهنگ است ۱۰۳
- پیام امام خمینی به شورای انقلاب جمهوری اسلامی به مناسبت آغاز قرن ۱۵ هجری ۱۰۵
- بیانات امام خمینی در دیدار با اعضای انجمن اسلامی دانشجویان مدرسه عالی ترجمه مفیدی ۱۰۶
- ما باید خودمان را پیدا کنیم تا بتوانیم سر پای خودمان بایستیم ۱۰۶
- تمام گرفتاری های مسلمین از امریکاست ۱۰۸
- تا فکر شما مستقل نباشد کشور شما مستقل نمی شود ۱۰۸
- استفتا گروهی از زنان مبارز ایران از محضر امام خمینی در مورد طلاق گرفتن زنان ۱۱۰
- پیام امام خمینی به مناسبت بیست و پنجمین سالگرداستقلال الجزائر ۱۱۱
- بیانات امام خمینی در دیدار با گروه امداد تهران ۱۱۳
- ما از اول هم امیدمان به نیروی انسانی الهی ملت بوده است ۱۱۳
- این مغزهای پوسیده را بگذار فرار کنند ۱۱۳
- مملکت مال زاغه نشینان است ۱۱۵

- ۱۱۶----- ما مغزهای سازنده را می خواهیم ، نه مغزهای فاسد را -----
- ۱۱۸----- بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده های شهدای پانزده خرداد سال ۴۲ و شهدای حوادث بندر انزلی -----
- ۱۱۸----- قیام پانزده خرداد نقطه عطفی در تاریخ و مبدأ نهضت ما -----
- ۱۱۸----- اینها (روشنفکرانها) اشخاصی هستند که آزادی را در آن چیزهایی که تباهی می آورد، می دانند -----
- ۱۱۹----- ولایت فقیه برای شما یک هدیه الهی است -----
- ۱۲۳----- بیانات امام خمینی در جمع سفرای کشورهای اسلامی -----
- ۱۲۳----- عید مسلمین وقتی است که مسلمین استقلالشان را به دست بیاورند -----
- ۱۲۴----- اسلام می خواهد که دولت ها خدمتگزار ملت ها باشند -----
- ۱۲۵----- ما باید با سلاح ایمان با قدرت ها مقابله کنیم -----
- ۱۲۹----- پیام امام خمینی به مناسبت سیزده آبان (روز دانش آموز) -----
- ۱۳۰----- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانش آموزان مدارس تهران -----
- ۱۳۰----- همه مسائل پیش من می آید، من بی اطلاع از مسائل نیستم -----
- ۱۳۰----- مقابله ملت ایران با تمام قدرتها -----
- ۱۳۲----- همه باید برای هم کار بکنند -----
- ۱۳۴----- عمال رژیم منحوس شاهنشاهی نمی گذارند برای کردها کاری انجام بگیرد -----
- ۱۳۷----- بیانات امام خمینی در دیدار با دانشجویان دانشکده علوم و ادبیات -----
- ۱۳۷----- تبلیغات دامنه دار اجانب در وابسته نمودن شرق به کشورهای غربی -----
- ۱۳۷----- اگر شما بخواهید استقلال و آزادی واقعی پیدا بکنید، باید کاری کنید که در همه چیز خودکفا باشید -----
- ۱۳۸----- رژیم منحوس پهلوی عامل عقب ماندگی کشور -----
- ۱۳۹----- باید دانشگاه افرادی را تربیت کند که احتیاج را از خارج سلب کند -----
- ۱۴۰----- استقلال با وابستگی جمع نمی شود -----
- ۱۴۱----- اصلاح و اداره امور مملکت با تعلیم و تربیت صحیح نسل آینده -----
- ۱۴۲----- پیام امام خمینی به مناسبت آیت الله قاضی طباطبایی -----
- ۱۴۳----- بیانات امام خمینی در گروهی از زندانیان سیاسی رژیم گذشته -----
- ۱۴۳----- سعادت از آن کسانی است که تکلیف خویش را ادا کردند -----
- ۱۴۳----- به دنبال شهادت مردان بزرگ باید اراده ها مصمم تر گردد -----

- ۱۴۴ ----- برای پیاده کردن محتوای مترقی اسلام ، مردانه در میدان باقی بمانید
- ۱۴۴ ----- در انجام کارها توجه تان به خدا باشد که عمل برای خدا بخت ندارد
- ۱۴۵ ----- همه اقشار ملت قیام کنند برای رسیدن به خودکفائی و رفع حوائج خویشتن
- ۱۴۶ ----- کوشش کنید که کارتان برای خدا باشد
- ۱۴۷ ----- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان عربستان سعودی مقیم ایران
- ۱۴۷ ----- نهضت اسلام نمی تواند محصور در یک کشور باشد
- ۱۴۷ ----- برای منادیان حقوق بشر سیاست و موجودیت شان مطرح است ، نه جان انسان ها
- ۱۴۸ ----- داشتن زندگی شرافتمندانه در گرو یافتن اسلام واقعی و انسان ساز است
- ۱۴۹ ----- اسلام برای اصلاح جامعه شمشیر کشیده ، نه برای کشورگشائی
- ۱۵۰ ----- بیانات امام خمینی در جمع ورزشکاران و گروهی از اهالی مردم قزوین
- ۱۵۰ ----- لزوم احساس مسوولیت و همیاری کلیه اقشار ملت در آباد ساختن کشور طاغوت زده
- ۱۵۰ ----- تبلیغات مفسده جویانه شیاطین با سمپاشی و ایجاد یاس در میان مردم
- ۱۵۱ ----- شرح خدمات و تحولاتی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به وقوع پیوسته است
- ۱۵۳ ----- توصیه به ملت در حفظ کیان مملکت و هدم اخلاالگران
- ۱۵۵ ----- بیانات امام خمینی در جمع اعضای کمیته ها و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی استان خراسان
- ۱۵۵ ----- هراس منحرفین از تحقق اسلام
- ۱۵۶ ----- اشاعه مادیت ، هدف شوم منحرفین در برداشت مغرضانه از اسلام
- ۱۵۷ ----- لزوم بقای کمیته ها و دادگاه های انقلاب جهت حفظ نظام کشور
- ۱۵۹ ----- بیانات امام خمینی در جمع دانش آموزان و دانشجویان در دبیرستان حکیم نظامی قم به مناسبت روز دانش آموز
- ۱۵۹ ----- تا حیات دارم خدمتگزار همه هستم
- ۱۵۹ ----- همه گروه ها در یک معنی مجتمع شوند و آن حفظ کشور و کیان اسلام است
- ۱۵۹ ----- مقصد ما، استقلال ، آزادی ، جمهوری اسلامی است
- ۱۶۰ ----- با وحدت ، اعجاز بزرگ تاریخ یعنی شکست همه ابرقدرت ها را ایجاد کردید
- ۱۶۱ ----- اشکال تراشی برای تضعیف ملت است
- ۱۶۱ ----- ای ملت عزیز، قوی باش که پشتیبان تو خداست
- ۱۶۲ ----- بیانات امام خمینی در جمع مسوولین امور تربیتی نواحی نوزده گانه و دانش آموزان مدارس تهران

- قیام ملت ایران جهت مطالبه حق و آزادی و استقلال بود ۱۶۲
- توطئه دشمنان جهت مایوس نمودن ملت از انقلاب اسلامی ۱۶۲
- خائنین تلاش می کنند برای اینکه مردم را بازی بدهند ۱۶۳
- لزوم تحول فرهنگی در همه شؤون کشور برای نیل به پیروزی نهائی ۱۶۵
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان اصفهان ۱۶۷
- محکوم کردن اقدامات اسلامی _ انقلابی با استفاده از انگ ارتجاع ۱۶۷
- شرایط مالکیت مشروع و چگونگی مصادره اموال طبق موازین شرعی ۱۶۷
- نصیحت به اقشار ملت در حفظ حدود و ثغور اسلام و جلوگیری از هرج و مرج ۱۶۸
- دخل و تصرف در حدود مالکیت ها از اختیارات ولی فقیه است ۱۷۰
- بیانات امام خمینی در جمع کارکنان بیمه مرکزی ایران ۱۷۱
- اینها می خواهند شایعه درست کنند و روحیه شما را تضعیف کنند ۱۷۱
- جوان های ما باید با تمام قدرت این توطئه ها را از بین ببرند ۱۷۲
- با انقلابی بزرگتر از انقلاب اول ریشه غارتگران را قطع خواهیم کرد ۱۷۳
- تضعیف روحیه ملت با نشر مطالب خلاف واقع به منظور شکست نهضت اسلامی ۱۷۴
- بیانات امام خمینی در جمع شهرداران سراسر کشور ۱۷۶
- لزوم توجه به قشر مستضعف و منطقه غیر مرفه ۱۷۶
- فرمان امام خمینی به ثقة الاسلام رکنی ۱۷۷
- فرمان امام خمینی به هیأت حسن نیت مأمور در کردستان ۱۷۸
- فرمان امام خمینی به شورای انقلاب در رابطه با استعفای مهندس بازرگان ۱۷۹
- بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان دانشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان و گروه فنی عمران اعزامی به کردستان ۱۸۰
- مقصد توطئه گرها این است که جوانهای ما را از راهی که رفتند مایوس کنند ۱۸۰
- آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند ۱۸۱
- باید جوانهای ما گول تبلیغات فدائیان خلق را نخورند ۱۸۲
- باید با همت ملت یک انتخابات صحیحی بشود ۱۸۵
- ولایت فقیه این قانون مترقی اسلام ، خاری است در چشم دشمنان ۱۸۶
- آمریکا با سرنیزه نمی آید به میدان شما، با قلم می آید ۱۸۸

- پیام امام خمینی در رابطه با سفر دو تن از نمایندگان ویژه آمریکا ۱۹۰
- بیانات امام خمینی در جمع کارمندان و کارکنان شهرداری اهواز ۱۹۱
- غارت کشور پرثروت ما، سوغات تمدن بزرگ ۱۹۱
- مملکت را باید خود ملت اداره کند ۱۹۲
- سمپاشی خدمتگزاران رژیم سابق برای مایوس کردن ملت از دولت اسلامی ۱۹۲
- نگه داشتن شاه در آمریکا و نوازش او به اسم انسان دوستی ۱۹۴
- سفارت آمریکا، مرکز جاسوسی و توطئه بوده، نه سفارتخانه ۱۹۴
- ملتی که برای خدا قیام کرده و شهادت طلب می کند از هیچ چیز نمی ترسد ۱۹۵
- با بودن شاه در آمریکا و لانه جاسوسی در اینجا، مذاکره با آمریکا فایده ندارد ۱۹۵
- ملت باید درمقابل توطئه های مفسدین بیدار باشید ۱۹۷
- ملت راهش را پیدا کرده و بدون خوف از ابرقدرت ها آن راه را می رود ۱۹۸
- به جای قلمفرسایی و کارشکنی، نیرویتان را صرف خدمت به مستضعفین کنید ۱۹۸
- مصاحبه خبرنگاران شبکه رادیو تلویزیون آلمان غربی با امام خمینی ۲۰۰
- فرمان امام خمینی به دادستان کل انقلاب اسلامی ۲۰۴
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن تبلیغات فرهنگ اسلامی و جمعیت شیر و خورشید (سابق) خرم آباد ۲۰۵
- عید غدیر روز نصب علی (علیه السلام) شخصیت والای تربیت یافته دامان پیامبر برای امامت ۲۰۵
- تداوم رسالت پیامبر و ائمه هدی در سایه ولایت فقیه ۲۰۶
- ولایت فقیه حاکمیت قانون الهی است، نه دیکتاتوری ۲۰۶
- بیانات امام خمینی در دیدار با نماینده پاپیل ششم ۲۱۰
- موضع گیری سازشکارانه پاپ در برابر جنایات آمریکا ۲۱۰
- جنایات و خیانت های رژیم پهلوی قابل شمارش نیست ۲۱۱
- آقای پاپ باید کارتر را استیضاح کند ۲۱۲
- ما تابع آراء ملت هستیم ۲۱۳
- آقای کارتر ما را از مبارزه نترساند، ما اهل مبارزه هستیم ۲۱۵
- فرمان امام خمینی به ثقة الاسلام مروی ۲۱۷
- بیانات امام خمینی در جمع پرسنل کلانتری بیست و یک تهران ۲۱۸

- ۲۱۸ ----- لغزش در کارها به حساب جمهوری اسلامی ثبت می شود -----
- ۲۱۸ ----- با پیاده شدن اسلام یک حالت اطمینان برای ملت و کشور پیدا می شود -----
- ۲۱۹ ----- مردم را از خودتان و خودتان را از مردم بدانید -----
- ۲۲۰ ----- فرمان امام خمینی به حجت الاسلام جنتی -----
- ۲۲۱ ----- پیام امام خمینی به آیت الله شیرازی -----
- ۲۲۲ ----- فرمان امام خمینی به شورای انقلاب در مورد کمک به زلزله زدگان استان خراسان -----
- ۲۲۳ ----- پیام امام خمینی به ملت ایران در رابطه با کمک به زلزله زدگان استان خراسان -----
- ۲۲۴ ----- بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان مجلس خبرگان -----
- ۲۲۴ ----- مردم بی تفاوت نباشند نسبت به سرنوشتشان ، سرنوشت ما این قانون اساسی است -----
- ۲۲۴ ----- در غرب جز غارت ملت های مظلوم و خیانت و جنایت خبری نیست -----
- ۲۲۶ ----- تمام امور به ید قدرتمند خداوند انجام می پذیرد -----
- ۲۲۷ ----- فرمان امام خمینی درباره آزادی زنان و سیاهپوستان گروگان -----
- ۲۲۸ ----- پیام امام خمینی به خواهران و برادران کرد -----
- ۲۳۰ ----- بیانات امام خمینی در دیدار با استاندار اصفهان و اعضای بنیاد مسکن انقلاب اسلامی شهرستان قم -----
- ۲۳۰ ----- عمل خلاف مقاصد اسلامی ، ضرر به جمهوری اسلامی است -----
- ۲۳۱ ----- لزوم رعایت موازین عدل اسلامی در همه کارها -----
- ۲۳۳ ----- مصاحبه خبرنگار سی . بی . اس آمریکا با امام خمینی -----
- ۲۴۲ ----- فرمان امام خمینی به حجت الاسلام نوری -----
- ۲۴۳ ----- بیانات امام خمینی در دیدار با جمعی از روحانیون -----
- ۲۴۳ ----- محرم امسال ، ماه مبارزه با ام الفساد قرن آمریکا -----
- ۲۴۳ ----- کارتر و امثال او، توده های بزرگ ملت ها را، جزء جهان حساب نمی کنند -----
- ۲۴۴ ----- پناه دادن این مجرم (شاه) خودش یک شکست سیاسی است برای کارتر، لکن نمی تواند بفهمد -----
- ۲۴۵ ----- ما روی موج های نفت نشسته ایم ، و دنیا نفت می خواهد -----
- ۲۴۶ ----- ملت از موضع بحق خود یک قدم به عقب نخواهد رفت -----
- ۲۴۸ ----- رمز بقای اسلام و پیروزی نهضت ، حفظ سنگر مساجد و مراسم سوگواری سیدالشهدا و روضه خوانی -----
- ۲۵۰ ----- دست هائی الان در کار است که می خواهند یکی یکی اشخاص موثر را از بین ببرند -----

- از مناقشات دست برداشته و تسلیم رای ملت شوید ۲۵۱
- پیام امام خمینی به مناسبت روز عرفه ۲۵۳
- بیانات امام خمینی در جمع افسران نیروهای سه گانه ارتش جمهوری پاکستان در بازگشت از سفر حج ۲۵۵
- ما با همه ملت های مسلم برادریم و در شادی و غم آنها شریک هستیم ۲۵۵
- مسلمین باید در مقابل ابرقدرت ها ید واحده باشند ۲۵۵
- آمریکا در مقابل مسلمین نمی تواند خودنمایی کند ۲۵۶
- ملت ما شهادت را برای خود سعادت و شرف می داند ۲۵۷
- اگر ایران شکست بخورد مستضعفین شکست خورده اند ۲۵۷
- پیام امام خمینی به جنبش های آزادیبخش جهان ۲۵۹
- مصاحبه خبرنگار ژاپنی با امام خمینی ۲۶۱
- بیانات امام خمینی در جمع پاسداران مرکز تهران ۲۷۰
- در راس همه مسائل اسلامی ما، قضیه مواجهه با آمریکا است ۲۷۰
- مملکت اسلامی باید همه اش نظامی باشد ۲۷۱
- امروز باید همه یک شعار بدهند ۲۷۱
- پیام امام خمینی در رابطه با تشکیل شورای امنیت برای رسیدگی به امر جاسوس های آمریکائی ۲۷۲
- فرمان امام خمینی به حجت الاسلام ربانی املشی ۲۷۳
- پیام امام خمینی به ملت ایران پیرامون همه پرسى قانون اساسی ۲۷۴
- مصاحبه امام خمینی با پنج نفر از خبرنگاران مطبوعات اروپا ۲۷۵
- مصاحبه خبرنگار روزنامه فرانسوی لوموند (اریک رولو) با امام خمینی ۲۸۵
- پیام امام خمینی به ملت ایران در رابطه با زلزله ۲۸۹
- پیام امام خمینی در رابطه با پرهیز مردم از اختلاف ۲۹۰
- بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان مجلس خبرگان ۲۹۱
- بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان مجلس خبرگان ۲۹۱
- امروز غائله به پا کردن ، به نفع آمریکا و به ضرر اسلام است ۲۹۱
- لزوم حفظ آرامش ، جهت رفع گرفتاری ها ۲۹۲
- بیانات امام خمینی در دیدار با نماینده کیمایل سونگ رئیس جمهور کره شمالی ۲۹۴

- ۲۹۴ ----- عمال آمریکا با چماق می خواهند قانون اساسی را نقض کنند
- ۲۹۵ ----- ما مجلسی را قبول داریم که ظلمهای آمریکا را بررسی کند، نه این مجالس فرمایشی
- ۲۹۷ ----- بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان کرمانشاه (باختران)
- ۲۹۷ ----- پشتیبانی تمام قشرهای ملت از اشغال سفارت
- ۲۹۷ ----- اشخاصی که مفسده می کنند از آمریکا الهام می گیرند
- ۲۹۸ ----- با وحدت کلمه و اسلام امور را به پیش ببریم
- ۲۹۹ ----- آمریکا باید کارتر را از صحنه سیاست خارج کند
- ۳۰۰ ----- فرمان امام خمینی به مسؤولین امر، کمیته ها و سپاه پاسداران
- ۳۰۱ ----- فرمان امام خمینی به دکتر ابراهیم یزدی
- ۳۰۲ ----- بیانات امام خمینی در جمع خواهران و برادران کفن پوش از بابلسر
- ۳۰۲ ----- مقصود عمال آمریکا این است که ملت را از آن راهی که می رفت منحرف کنند
- ۳۰۳ ----- این اشخاص که فریاد می زنند ما طرفدار خلق هستیم ، می خواهند شما را از مقصد اصلی (دشمنی با امریکا) منحرف کنند
- ۳۰۵ ----- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از جامعه پیشه وران اصفهان
- ۳۰۵ ----- تلاش و تبلیغات دشمنان اسلام در ممانعت از تحقق و معرفی اسلام
- ۳۰۶ ----- دو تاویل ناقص و نادرست از قرآن
- ۳۰۶ ----- نیل به دموکراسی و مادیات ، تاویل نادرستی از خواسته های ملت ایران
- ۳۰۷ ----- هدف انبیا و ادیان الهی ، نجات انسان از ظلمات به نور
- ۳۰۸ ----- استعمار فکری از نقشه های بزرگ ابرقدرت ها
- ۳۰۹ ----- اتکا به خود، رمز استقلال
- ۳۱۰ ----- استقلال فکری شرط اول استقلال است
- ۳۱۱ ----- فتاوی فقهای اسلام ، ضربه ای بر پیکر استعمار
- ۳۱۲ ----- وابستگی روشنفکران غربزده
- ۳۱۲ ----- تا ما خودمان را پیدا نکنیم ، نمی توانیم مستقل بشویم
- ۳۱۴ ----- فرمان امام خمینی به وزیر امور خارجه
- ۳۱۵ ----- بیانات امام خمینی به حجت الاسلام ربانی شیرازی
- ۳۱۶ ----- بیانات امام خمینی در دیدار با سرپرست اعضا و کارکنان کمیته های چهارده گانه امداد امام

- ۳۱۶ ----- خسارات معنوی ، بیش از خسارات مادی نیاز به امداد دارد
- ۳۱۶ ----- طرفداران طاغوت ، امروز به حسب ظاهر طرفدار اسلامند
- ۳۱۷ ----- مخالفت پشت پرده با اسلام از صفات منافقین
- ۳۱۷ ----- برخورد با منافقین ، مشکلتر از برخورد با طاغوت ها
- ۳۱۸ ----- اسلام از صدر تا امروز، مبتلای منافقین بوده است
- ۳۱۹ ----- مجاهدین صدر اسلام ، الگوی روش ما
- ۳۲۰ ----- فرمان امام خمینی به ثقة الاسلام منهاج
- ۳۳۰ ----- درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، 1279 - 1368.

عنوان و نام پدیدآور: صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) / تدوین سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی (گروه انتشارات).

وضعیت ویراست: [ویراست؟].

مشخصات نشر: تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، 1370 - مشخصات ظاهری: ج.

شابک: دوره 5-126-422-964: ؛ 36000 ریال: ج. 1، چاپ دوم 3-127-422-964: ؛ 3500 ریال (ج. 2، چاپ دوم)؛ 3500 ریال (ج. 3، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 3، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 3، شمیز)؛ 3500 ریال (ج. 4، چاپ دوم)؛ 3500 ریال (ج. 5، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 5، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 5، شمیز)؛ 3500 ریال (ج. 6)؛ 4950 ریال (ج. 8، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 9، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 9، شمیز)؛ 9500 ریال (ج. 9، چاپ دوم)؛ 36000 ریال (ج. 10، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 10، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 10، شمیز)؛ 39000 ریال (ج. 11، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 15، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 15، شمیز)

یادداشت: ج. 1 و 2 (چاپ دوم: 1370).

یادداشت: ج. 3 - 5 (چاپ دوم: تابستان 1371).

یادداشت: ج. 3، 5 و 10 (چاپ؟: بهمن 1361).

یادداشت: ج. 6 (چاپ اول: زمستان 1371).

یادداشت: ج. 8 (چاپ دوم: 1373).

یادداشت: ج. 9 و 15 (چاپ؟: بهمن 1361).

یادداشت: ج. 9 (چاپ دوم: پائیز 1374).

یادداشت: ج. 10 (چاپ دوم: بهار 1378).

یادداشت: ج. 11 (چاپ دوم: 1378).

موضوع: خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، 1279 - 1368. -- پیام ها و سخنرانی ها

موضوع: فتوا های شیعه -- قرن 14

موضوع: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، 1357 -- اسناد و مدارک

موضوع: ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، 1358 - -- اسناد و مدارک

شناسه افزوده: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی. گروه انتشارات

شناسه افزوده: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

شناسه افزوده: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی

رده بندی کنگره: DSR1572 1370

رده بندی دیویی: 955/08308

شماره کتابشناسی ملی: م 66-73

ص: 1

اشاره

- ۱۵ - قیام بر ضد حکومت اسلامی در حکم کفر است
- بیانات امام خمینی در دیدار با کارکنان بخش زبان‌های خارجی رادیو تلویزیون
۵۸۷/۲۹
- ۱۷ - رادیو تلویزیون حساسترین دستگاه کشور است
- ۱۷ - اصلاح رادیو تلویزیون اصلاح جامعه است
- ۱۸ - اسلام مرز ندارد
- ۱۸ - تبلیغات مفسدین در کردستان
- ۱۹ - رفع ناپسانمانی‌های کشور با اجرای احکام اسلام
- ۲۱ - آنان که بر ضد ما تبلیغ می‌کنند، از اسلام می‌ترسند
- ۲۱ - از برنامه‌های انحرافی پرهیز کنید
- ۲۲ - ضدانقلاب می‌خواهد کردستان را از ایران جدا کند
- ۲۲ - ما نمی‌خواهیم برادرکشی بشود
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده‌های شهدای سردشت
۵۸۷/۲۹
- ۲۴ - همه انسان‌ها رفتنی هستند، چه بهتر که در راه خدا فدا شوند
- ۲۴ - با وحدت کلمه و قدرت ایمان، بدون توجه به تبلیغات دشمنان به پیش بروید
- بیانات امام خمینی در جمع علمای غرب تهران
۵۸۷/۳۰
- ۲۶ - هدف اصلی مخالفت‌ها و توطئه‌های دشمنان، از بین بردن اسلام است
- ۲۶ - ولایت فقیه همان ولایت رسول الله است
- ۲۷ - ولایت فقیه ضد دیکتاتوری است، نه دیکتاتوری
- ۲۹ - نقش مجالس سوگواری و گریه بر شهید در زنده نگه داشتن قیام کربلا و حفظ اسلام
- ۳۰ - قلمفرسایی مغرضین بر علیه روحانیت، این ظلم‌داران آزادی
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اهالی مسجد ارباب تهران
۵۸۷/۸۱
- ۳۳ - این آقایان روشنفکر که حالا در اقلیت واقع شده‌اند، می‌خواهند بگویند رأی اکثریت میزان نیست!
- ۳۳ - نصیحتی به مخالفین برای بازگشت به مسیر ملت و پرهیز از توطئه و هرج و مرج
- بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان دانشکده الفسری و فرماندهان ارتش
۵۸۷/۸۱
- ۳۷ -

- ۳۷ - ارتش، اساس و رکن استقلال یک کشور است
- ۳۷ - با تصفیه و اصلاح ارتش، استقلال کشور حفظ می‌شود
- بیانات امام خمینی در جمع کارمندان شهرداری قائم‌شهر (شاهی سابق) ۵۷۸۲
- ۳۹ - هیچ‌یک از این خرابی‌ها از نهضت نیست
- ۳۹ - تکلیف بر ملت در تلاش جهت نیل به خودکفائی و استقلال با استفاده از ذخائر خداداد
- ۴۰ - محاکمه شاه و استرداد اموال به یغما رفته از طریق وی
- ۴۲ - اعمال رسوای جاسوسان به اصطلاح فدائی خلق
- ۴۳ - ضرورت همکاری مردم در اداره مملکت بر حسب وظیفه الهی
- بیانات امام خمینی در جمع افسران فارغ‌التحصیل ۵۷۸۲
- ۴۴ - افسران ارشد با زبردستان خود همان کنند که پیغمبر (ص) می‌فرمود
- ۴۴ - توجه به اسلام، ضامن استقلال مملکت
- ۴۴ - اکنون که لشکر اسلام هستید، در خدمت اسلام باشید
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پرستل بایگانه نیروی هوائی
- ۴۶ - آذربایجان شرقی ۵۷۸۳
- ۴۶ - با حفظ وحدت و اتکال به اسلام نهضت را پیش ببرید
- ۴۶ - تکلیف اقشار ملت در رفع و بازسازی خرابی‌ها و عقبماندگی‌های حاصل از...
- رژیم شاهنشاهی
- ۴۶ - نیروهای نظامی باید اسلامی شوند
- ۴۷ - از تشبثات و تبلیغات صدانقلابیون نهراسید
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان پابل ۵۷۸۳
- ۴۸ - آشوب صدانقلابیون سدی برای انجام اقدامات عمرانی در کشور
- ۴۸ - بوجی شایعات مفسده‌جویان
- ۴۹ - اسلام، خطری برای مستکبران و رباخواران
- ۴۹ - برتری انقلاب ایران در مقایسه با سایر انقلابات به دلیل ماهیت اسلامی آن است
- ۵۱ - بادل محکم و مشت گره کرده نهضت را به پیش ببرید
- ۵۱ - قیام برای خدا شکست ندارد
- ۵۲ - ولایت فقیه مجری قانون و مخالف دیکتاتوری است
- ۵۳

- بیانات امام خمینی در میان جمعی از دبیران انجمن اسلامی
- ۵۵ آذربایجان شرقی ۵۷/۸۴
- ۵۵ - رأس همه اصلاحات، اصلاح فرهنگ است
 - ۵۶ - مفهوم آزادی و اختناق، در قاموس رژیم سابق و غریزدگان
 - ۵۷ - روابط ما با آمریکا و شوروی، مثل رابطه بره با گرگ است
 - ۵۹ - ای فدائیان خلق! شما از کجا اسلحه آوردید؟
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از باسداران سمیرم و اعضای جهادسازندگی
- ۶۰ اصفهان ۵۷/۸۵
- ۶۰ - توطئه اجانب و عمالش در تضعیف نیروهای دفاعی کشور
 - ۶۰ - کوشش در خودکفائی کشاورزی گامی به سوی رهائی از سلطه ابرقدرت‌هاست
 - ۶۱ - وظیفه کارگران و کارمندان دولت در اصلاح کارخانه‌ها و وزارتخانه‌ها
 - ۶۱ - لزوم پاکسازی منحرفین از تلویزیون
 - ۶۲ - ملت، با وحدت و اتکال به خدا در اصلاح امور کشور بکوشند
- بیانات امام خمینی در جمع مسؤولان جهادسازندگی قم
- ۶۳ ۵۷/۸۶
- ۶۳ - قم، شهر همیشه پیشقدم در امور نهضت
 - ۶۳ - قطع وابستگی از شرق و غرب به شرط فعالیت همه‌جانبه اقشار
 - ۶۴ - اغفال یک ملت رشید و متحول، رویائی است باطل
 - ۶۵ - اشکال‌تراشی‌های بی‌مورد دلیلی روشن بر عدم رشد سیاسی
 - ۶۶ - دعوت از روشنفکر نمایان و مدعیان خلق به حرکت در مسیر ملت
- بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان دانش‌آموزان تبریز و اعضای جهادسازندگی
- ۶۸ فیروزآباد ۵۷/۸۶
- ۶۸ - انقلاب ایران بهترین انقلابی بوده است که در دنیا تاکنون پیدا شده است
 - ۶۹ - همه قشرها باید کمک بکنند تا این مملکت را نجات بدهند
 - ۷۱ - شرق یک فرهنگ اسلامی دارد که مترقی‌ترین فرهنگ است
- پیام امام خمینی به شورای انقلاب جمهوری اسلامی به مناسبت آغاز قرن ۱۵
- ۷۳ هجری ۵۷/۸۶
- بیانات امام خمینی در دیدار با اعضای انجمن اسلامی دانشجویان مدرسه عالی
- ۷۴ ترجمه مفیدی ۵۷/۸۷
- ۷۴ - ما باید خودمان را پیدا کنیم تا بتوانیم سربای خودمان باشیم
 - ۷۶ - تمام گرفتاری‌های مسلمین از آمریکا است
 - ۷۶ - تا فکر شما مستقل نباشد، کشور شما مستقل نمی‌شود

- استفتاء گروهی از زنان مبارز ایران از محضر امام خمینی در مورد طلاق گرفتن
 ۷۸ ۵۸/۸۷ زنان
- پیام امام خمینی به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد استقلال الجزایر ۵۸/۸۸
 ۷۹
- بیانات امام خمینی در دیدار با گروه امداد تهران ۵۸/۸۸
 ۸۱
 — ما از اول هم امیدمان به نیروی انسانی — الهی ملت بوده است
 ۸۱
 — این مغزهای بوسیده را بگذار فرار کنند
 ۸۱
 — مملکت مال زاعغه نشینان است
 ۸۳
 — ما مغزهای سازنده را می خواهیم، نه مغزهای فاسد را
 ۸۴
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده های شهیدای پانزده خرداد سال ۴۲ و ۴۳
 ۸۶ ۵۸/۸۹ شهدای حوادث بندر انزلی
- قیام پانزده خرداد نقطه عطفی در تاریخ و مبدأ نهضت ما —
 ۸۶
 — اینها (روشنفکر نماها) اشخاصی هستند که آزادی را در آن چیزهایی که تباهی
 ۸۶ می آورد، می دانند
 ۸۷
 — ولایت فقیه برای شما یک هدیه الهی است
- بیانات امام خمینی در جمع سفرای کشورهای اسلامی ۵۸/۱۰
 ۹۱
 — عید مسلمین وقتی است که مسلمین استقلالشان را به دست بیاورند
 ۹۱
 — اسلام می خواهد که دولت ها خدمتگزار ملت ها باشند
 ۹۲
 — ما باید با سلاح ایمان با قدرت ها مقابله کنیم
 ۹۳
- فصل نهم: انقلاب دوم
 ۹۵
- پیام امام خمینی به مناسبت سیزده آبان (روز دانش آموز) ۵۸/۱۰
 ۹۷
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانش آموزان مدارس تهران ۵۸/۱۱
 ۹۸
 — همه مسائل پیش من می آید، من بی اطلاع از مسائل نیستم
 ۹۸
 — مقابله ملت ایران با تمام قدرت ها
 ۹۸
 — همه باید برای هم کار بکنند
 ۱۰۰
 — عمال رژیم منحوس شاهنشاهی نمی گذارند برای کردها کاری انجام بگیرد
 ۱۰۲
- بیانات امام خمینی در دیدار با دانشجویان دانشکده علوم و ادبیات ۵۸/۱۱
 ۱۰۵
 — تبلیغات دامنه دار اجانب در وابسته نمودن شرق به کشورهای غربی
 ۱۰۵
 — اگر شما بخواهید استقلال و آزادی واقعی پیدا بکنید، باید کاری کنید که در

- ۱۰۵ همه چیز خودکفا باشید
- ۱۰۶ - رژیم منحوس بهلوی عامل عقبماندگی کشور
- ۱۰۷ - باید دانشگاه افرادی را تربیت کند که احتیاج را از خارج سلب کند
- ۱۰۸ - استقلال با وابستگی جمع نمی‌شود
- ۱۰۹ - اصلاح و اداره امور مملکت با تعلیم و تربیت صحیح نسل آینده
- ۱۱۰ پیام امام خمینی به مناسبت شهادت آیت‌الله قاضی طباطبائی ۵۷/۱۱
- ۱۱۱ بیانات امام خمینی در جمع گروهی از زندانیان سیاسی رژیم گذشته ۵۷/۱۱
- ۱۱۱ - سعادت از آن کسانی است که تکلیف خویش را ادا کردند
- ۱۱۱ - به دنبال شهادت مردان بزرگ باید اراده‌ها مصمم‌تر گردد
- ۱۱۲ - برای پیاده کردن محتوای مترقی اسلام، مردانه در میدان باقی بمانید
- ۱۱۲ - در انجام کارها توجه‌تان به خدا باشد که عمل برای خدا باخت ندارد
- ۱۱۲ - همه اقشار ملت قیام کنند برای رسیدن به خودکفائی و رفع حوائج خوشتن
- ۱۱۳ - کوشش کنید که کارتان برای خدا باشد
- ۱۱۴ بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان عربستان سعودی مقیم ایران ۵۷/۱۱
- ۱۱۵ - نهضت اسلام نمی‌تواند محصور در یک کشور باشد
- ۱۱۵ - برای منادیان حقوق بشر سیاست و موجودیت‌شان مطرح است، نه جان انسان‌ها
- ۱۱۶ - داشتن زندگی شرافتمندانه در گرو یافتن اسلام واقعی و انسان‌ساز است
- ۱۱۷ - اسلام برای اصلاح جامعه شمشیر کشیده، نه برای کشورگشائی
- ۱۱۸ بیانات امام خمینی در جمع ورزشکاران و گروهی از اهالی قزوین ۵۷/۱۲
- ۱۱۸ - لزوم احساس مسؤولیت و همیاری کلیه اقشار ملت در آباد ساختن کشور طاغوت زده
- ۱۱۸ - تبلیغات مفسده‌جویانه شیاطین با سمپاشی و ایجاد یأس در میان مردم
- ۱۱۸ - شرح خدمات و تحولاتی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به وقوع پیوسته است
- ۱۱۹ - توصیه به ملت در حفظ کیان مملکت و هدم اخلاص گران
- ۱۲۱ بیانات امام خمینی در جمع اعضای کمیته‌ها و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی استان خراسان ۵۷/۱۲
- ۱۲۳

- ۱۲۳ — هراس منحرفین از تحقق اسلام ۲/۱۸۸۵
- ۱۲۴ — اشاعه مادیت، هدف شوم منحرفین در برداشت مغرضانه از اسلام
- ۱۲۵ — لزوم بقای کمیته‌ها و دادگاه‌های انقلاب جهت حفظ نظام کشور
- بیانات امام خمینی در جمع دانش‌آموزان و دانشجویان در دبیرستان حکیم نظامی قم
- ۱۲۷ — تا حیات دارم خدمتگزار همه هستم
- ۱۲۷ — همه گروه‌ها در یک معنی مجتمع شوند و آن حفظ کشور و کیان اسلام است
- ۱۲۷ — مقصد ما، استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی است
- ۱۲۷ — با وحدت، اعجاز بزرگ تاریخ یعنی شکست همه ابرقدرت‌ها را ایجاد می‌کند
- ۱۲۸ — کردید
- ۱۲۹ — اشکال تراشی برای تضعیف ملت است
- ۱۲۹ — ای ملت عزیز! قوی باش که پشتیبان تو خداست
- بیانات امام خمینی در جمع مسئولین امور تربیتی نواحی نوزده گانه و دانش‌آموزان مدارس تهران ۵/۸/۱۳
- ۱۳۰ — قیام ملت ایران جهت مطالبه حق و آزادی و استقلال بود
- ۱۳۰ — توطئه دشمنان جهت مأیوس نمودن ملت از انقلاب اسلامی
- ۱۳۱ — خائنین تلاش می‌کنند برای اینکه مردم را بازی بدهند
- ۱۳۳ — لزوم تحول فرهنگی در همه شئون کشور برای نیل به پیروزی نهائی
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان اصفهان ۵/۸/۱۴
- ۱۳۵ — محکوم کردن اقدامات اسلامی — انقلابی با استفاده از انگ ارتجاع
- ۱۳۵ — شرایط مالکیت مشروع و چگونگی مصادره اموال طبق موازین شرعی
- ۱۳۶ — نصیحت به اقشار ملت در حفظ حدود و ثغور اسلام و جلوگیری از هرج و مرج
- ۱۳۸ — دخل و تصرف در حدود مالکیت‌ها از اختیارات ولی فقیه است
- بیانات امام خمینی در جمع کارکنان بیمه مرکزی ایران ۵/۸/۱۴
- ۱۳۹ — اینها می‌خواهند شایعه درست کنند و روحیه شما را تضعیف کنند
- ۱۴۰ — جوان‌های ما باید با تمام قدرت این توطئه‌ها را از بین ببرند
- ۱۴۱ — با انقلابی بزرگتر از انقلاب اول ریشه غارتگران را قطع خواهیم کرد
- ۱۴۲ — تضعیف روحیه ملت با نشر مطالب خلاف واقع به منظور شکست نهضت اسلامی

- بیانات امام خمینی در جمع شهرداران سراسر کشور ۵۷/۱۴ ۱۴۴
- ۱۴۴ — لزوم توجه به قشر مستضعف و منطقه غیرمرافق
- فرمان امام خمینی به نطقه الاسلام رکنی ۵۷/۱۴ ۱۴۵
- فرمان امام خمینی به هیأت حسن نیت مأمور در کردستان ۵۷/۱۵ ۱۴۶
- فرمان امام خمینی به شورای انقلاب در رابطه با استعفای مهندس بازرگان ۵۷/۱۵ ۱۴۷
- بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان دانشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان و گروه فنی عمران اعزامی به کردستان ۵۷/۱۶ ۱۴۸
- ۱۴۸ — مقصد توطئه‌گرها این است که جوان‌های ما را از راهی که رفتند مأیوس کنند
- ۱۴۸ — آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند
- ۱۵۰ — باید جوان‌های ما گول تبلیغات فداثیان خلق را نخورند
- ۱۵۳ — باید با همت ملت یک انتخابات صحیحی بشود
- ۱۵۴ — ولایت فقیه، این قانون مترقی اسلام، خاری است در چشم دشمنان
- ۱۵۶ — آمریکا با سرنیزه نمی‌آید به میدان شما، با قلم می‌آید
- پیام امام خمینی در رابطه با سفر دو تن از نمایندگان ویژه آمریکا ۵۷/۱۶ ۱۵۸
- بیانات امام خمینی در جمع کارمندان و کارکنان شهرداری اهواز ۵۷/۱۷ ۱۵۹
- ۱۵۹ — غارت کشور پرثروت ما، سوغات تمدن بزرگ!
- ۱۶۰ — مملکت را باید خود ملت اداره کند
- ۱۶۰ — سپاه‌های خدمتگزاران رژیم سابق برای مأیوس کردن ملت از دولت اسلامی
- ۱۶۲ — نگه داشتن شاه در آمریکا و نوازش او به اسم انسان‌دوستی
- ۱۶۲ — سفارت آمریکا، مرکز جاسوسی و توطئه بوده، نه سفارتخانه
- ۱۶۳ — ملتی که برای خدا قیام کرده و شهادت طلب می‌کند از هیچ چیز نمی‌ترسد
- ۱۶۳ — با بودن شاه در آمریکا و لانه جاسوسی در اینجا، مذاکره با آمریکا فایده ندارد
- ۱۶۵ — ملت باید در مقابل توطئه‌های مفسدین بیدار باشد
- ۱۶۶ — ملت راهش را پیدا کرده و بدون خوف از ابرقدرت‌ها آن راه را می‌رود
- ۱۶۶ — به جای قلم‌فرسایی و کارشکنی، نیرویتان را صرف خدمت به مستضعفین کنید

- مصاحبه خبرنگاران شبکه رادیو تلویزیون آلمان غربی با امام خمینی ۵۸/۸۱۷
 ۱۶۸
 فرمان امام خمینی به دادستان کل انقلاب اسلامی ۵۸/۸۱۸
 ۱۷۲
 بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن تبلیغات فرهنگ اسلامی و جمعیت شیروخورشید (سابق) خرم‌آباد لرستان ۵۸/۸۱۸
 ۱۷۳
 - عید غدیر روز نصب علی (ع) شخصیت والای تربیت یافته دامان پیامبر برای امامت
 ۱۷۳
 - تداوم رسالت پیامبر و ائمه هدی در سایه ولایت فقیه
 ۱۷۴
 - ولایت فقیه حاکمیت قانون الهی است، نه دیکتاتوری
 ۱۷۴
 بیانات امام خمینی در دیدار با نماینده باب یل ششم ۵۸/۸۱۹
 ۱۷۸
 - موضع گیری سازشکارانه باب در برابر جنایات آمریکا
 ۱۷۸
 - جنایات و خیانت‌های رژیم پهلوی قابل شمارش نیست
 ۱۷۹
 - آقای باب باید کارتر را استیضاح کند
 ۱۸۰
 - ما تابع آراء ملت هستیم
 ۱۸۱
 - آقای کارتر ما را از مبارزه نترساند، ما اهل مبارزه هستیم
 ۱۸۳
 فرمان امام خمینی به نطق الاسلام مروی ۵۸/۸۲۰
 ۱۸۵
 بیانات امام خمینی در جمع پرسنل کلانتری بیست و یک تهران ۵۸/۸۲۱
 ۱۸۶
 - لغزش در کارها به حساب جمهوری اسلامی ثبت می‌شود
 ۱۸۶
 - با پیاده شدن اسلام یک حالت اطمینان برای ملت و کشور پیدا می‌شود
 ۱۸۶
 - مردم را از خودتان و خودتان را از مردم بدانید
 ۱۸۷
 فرمان امام خمینی به حجت الاسلام جنتی ۵۸/۸۲۲
 ۱۸۸
 پیام امام خمینی به آیت الله شیرازی ۵۸/۸۲۲
 ۱۸۹
 فرمان امام خمینی به شورای انقلاب در مورد کمک به زلزله‌زدگان استان خراسان ۵۸/۸۲۳
 ۱۹۰
 پیام امام خمینی به ملت ایران در رابطه با کمک به زلزله‌زدگان استان خراسان ۵۸/۸۲۳
 ۱۹۱

- بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان مجلس خبرگان ۵۷/۲۴ ۱۹۲
 - مردم بی تفاوت نباشند نسبت به سرنوشتشان، سرنوشت ما این قانون اساسی است
- ۱۹۲
 - در غرب جز غارت ملت‌های مظلوم و خیانت و جنایت خبری نیست
- ۱۹۲
 - تمام امور به يد قدرتمند خداوند انجام می‌پذیرد
- فرمان امام خمینی درباره آزادی زنان و سیاه‌پوستان گروگان ۵۷/۲۶ ۱۹۵
- پیام امام خمینی به خواهران و برادران کرد ۵۷/۲۶ ۱۹۶
- بیانات امام خمینی در دیدار با استاندار اصفهان و اعضای بنیاد مسکن انقلاب اسلامی شهرستان قم ۵۷/۲۶ ۱۹۸
 - عمل خلاف مقاصد اسلامی، ضرر به جمهوری اسلامی است
- ۱۹۸
 - لزوم رعایت موازین عدل اسلامی در همه کارها
- ۱۹۹
- مصاحبه خبرنگار سی. بی. اس (C.B.S) آمریکا با امام خمینی ۵۷/۲۷ ۲۰۱
- فرمان امام خمینی به حجت‌الاسلام نوری ۵۷/۲۸ ۲۱۰
- بیانات امام خمینی در دیدار با جمعی از روحانیون ۵۷/۲۹ ۲۱۱
 - محرم امسال، ماه مبارزه با ام‌الفساد قرن، آمریکا
 - کارتر و امثال او، توده‌های بزرگ ملت‌ها را جزء جهان حساب نمی‌کنند
 - پناه دادن این مجرم (شاه) خودش یک شکست سیاسی است برای کارتر، لکن نمی‌تواند بفهمد
- ۲۱۲
 - ما روی موج‌های نفت نشسته‌ایم، و دنیا نفت می‌خواهد
- ۲۱۳
 - ملت از موضع بحق خود یک قدم به عقب نخواهد رفت
- ۲۱۴
 - مادامی که ما با هم اختلاف داریم، این قدرتهای بزرگ از ما استفاده می‌کنند
- ۲۱۵
 - رمز بقای اسلام و پیروزی نهضت، حفظ سنگر مساجد و مراسم سوگواری سیدالشهدا و روضه‌خوانی
- ۲۱۶
 - دست‌هایی الان در کار است که می‌خواهند یکی یکی اشخاص مؤثر را از بین ببرند
- ۲۱۸
 - از مناقشات دست برداشته و تسلیم رأی ملت شوید
- ۲۱۹
- پیام امام خمینی به مناسبت روز عرفه ۵۷/۳۰ ۲۲۱

بیانات امام خمینی در جمع افسران نیروهای سه گانه ارتش جمهوری پاکستان در ۲۳۰ -

بازگشت از سفر حج ۵۸/۹/۳ ۲۳۳ -

ما با همه ملت‌های مسلم برادریم و در شادی و غم آنها شریک هستیم ۲۳۳ -

مسلمین باید در مقابل ابر قدرت‌ها یگانه باشند ۲۳۳ -

آمریکا در مقابل مسلمین نمی‌تواند خودنمایی کند ۲۳۳ -

ملت ما شهادت را برای خود سعادت و شرف می‌داند ۲۳۵ -

اگر ایران شکست بخورد مستضعفین شکست خورده‌اند ۲۳۵ -

پیام امام خمینی به جنبش‌های آزادیبخش جهان ۵۸/۹/۴ ۲۳۷ -

مصاحبه خبرنگار ژاپنی با امام خمینی ۵۸/۹/۵ ۲۳۹ -

بیانات امام خمینی در جمع پاسداران مرکز تهران ۵۸/۹/۶ ۲۳۸ -

در رأس همه مسائل اسلامی ما، قضیه مواجهه با آمریکا است ۲۳۸ -

مملکت اسلامی باید همه‌اش نظامی باشد ۲۳۹ -

امروز باید همه یک شعار بدهند ۲۳۹ -

پیام امام خمینی در رابطه با تشکیل شورای امنیت برای رسیدگی به امر ۲۴۰ -

جاسوس‌های آمریکائی ۵۸/۹/۶ ۲۴۰ -

فرمان امام خمینی به حجت‌الاسلام ربانی املشی ۵۸/۹/۶ ۲۴۱ -

پیام امام خمینی به ملت ایران بپیرامون همه‌پرسی قانون اساسی ۵۸/۹/۷ ۲۴۲ -

مصاحبه امام خمینی با پنج نفر از خبرنگاران مطبوعات اروپا ۵۸/۹/۸ ۲۴۳ -

مصاحبه خبرنگار روزنامه فرانسوی لوموند (اریک رولو) با امام خمینی ۵۸/۹/۹ ۲۵۳ -

پیام امام خمینی به ملت ایران در رابطه با زلزله ۵۸/۹/۱۰ ۲۵۷ -

پیام امام خمینی در رابطه با برهیز مردم از اختلاف ۵۸/۹/۱۵ ۲۵۸ -

بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان مجلس خبرگان ۵۸/۹/۱۵ ۲۵۹ -

استقبال ملت از قانون اساسی، موجب یأس دشمنان اسلام ۲۵۹ -

- ۲۵۹ - امروز غائله به پا کردن، به نفع آمریکا و به ضرر اسلام است
- ۲۶۰ - لزوم حفظ آرامش، جهت رفع گرفتاری‌ها
- بیانات امام خمینی در دیدار با نماینده کیم ایل سونگ رئیس‌جمهور کره شمالی
- ۲۶۲ ۵۸۹/۱۶
- ۲۶۲ - عمال آمریکا با چماق می‌خواهند قانون اساسی را نقض کنند
- ۲۶۲ - ما مجلسی را قبول داریم که ظلم‌های آمریکا را بررسی کند، نه این مجالس
- ۲۶۳ فرمایشی
- بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان کرمانشاه (باختران)
- ۲۶۵ ۵۸۹/۱۹
- ۲۶۵ - پشتیبانی تمام قشرهای ملت از اشغال سفارت
- ۲۶۵ - اشخاصی که مقسده می‌کنند از آمریکا الهام می‌گیرند
- ۲۶۶ - با وحدت کلمه و اسلام امور را به پیش ببریم
- ۲۶۷ - آمریکا باید کارتر را از صحنه سیاست خارج کند
- فرمان امام خمینی به مسئولین امر، کمیته‌ها و سپاه پاسداران
- ۲۶۸ ۵۸۹/۲۰
- فرمان امام خمینی به دکتر ابراهیم یزدی
- ۲۶۹ ۵۸۹/۲۰
- بیانات امام خمینی در جمع خواهران و برادران کفن‌پوش از بابلسر
- ۲۷۰ ۵۸۹/۲۱
- ۲۷۰ - مقصود عمال آمریکا این است که ملت را از آن راهی که می‌رفت منحرف کنند
- ۲۷۰ - این اشخاصی که فریاد می‌زنند ما طرفدار خلق هستیم، می‌خواهند شما را از مقصد اصلی (دشمنی با آمریکا) منحرف کنند
- ۲۷۱
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از جامعه پیشموران اصفهان
- ۲۷۲ ۵۸۹/۲۱
- ۲۷۲ - تلاش و تبلیغات دشمنان اسلام در ممانعت از تحقق و معرفی اسلام
- ۲۷۴ - دو تأویل ناقص و نادرست از قرآن
- ۲۷۴ - نیل به دموکراسی و مادیات، تأویل نادرستی از خواسته‌های ملت ایران
- ۲۷۵ - هدف انبیا و ادیان الهی، نجات انسان از ظلمات به نور
- ۲۷۶ - استعمار فکری از نقشه‌های بزرگ ابرقدرت‌ها
- ۲۷۷ - انکاه به خود، رمز استقلال
- ۲۷۸ - استقلال فکری شرط اول استقلال است
- ۲۷۹ - فناوری‌های اسلام، ضربه‌ای بر پیکر استعمار
- ۲۸۰ - وابستگی روشنفکران غریزه

- ۲۸۰ — تا ما خودمان را پیدا نکنیم، نمی‌توانیم مستقل بشویم
- ۲۸۲ فرمان امام خمینی به وزیر امور خارجه ۵۷/۹/۲۲
- ۲۸۳ فرمان امام خمینی به حجت‌الاسلام ربانی شیرازی ۵۷/۹/۲۳
- بیانات امام خمینی در دیدار با سرپرست، اعضا و کارکنان کمیته‌های چهارده گانه
 امداد امام ۵۷/۹/۲۴
- ۲۸۴ — خسارات معنوی، بیش از خسارات مادی نیاز به امداد دارد
- ۲۸۴ — طرفداران طاغوت، امروز به حسب ظاهر طرفدار اسلامند
- ۲۸۵ — مخالفت پشت‌پرده با اسلام از صفات منافقین
- ۲۸۵ — برخورد با منافقین، مشکلتر از برخورد با طاغوت‌ها
- ۲۸۶ — اسلام از صدر تا امروز، مبتلای منافقین بوده است
- ۲۸۷ — مجاهدین صدر اسلام، الگوی روش ما
- ۲۸۸ فرمان امام خمینی به نطقه‌الاسلام منہاج ۵۷/۹/۲۴

عنوان و نام پدیدآور : صحیفه نور : مجموعه رهنمودهای امام خمینی (قدس سره) / تهیه و تدوین انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی

مشخصات نشر : تهران: انتشارات سروش، 1369.

مشخصات ظاهری : ج.

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرست نویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت : عنوان عطف: صحیفه نور

شماره کتابشناسی ملی : 5863402

ص: 14

بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن خیریه بانوان اصفهان

خواهران در نهضت پیشوا و موجب قدرت بودند

بسم الله الرحمن الرحيم

از آمدن بانوان محترم، خواهرهای عزیز برای ملاقات من، تشکر می‌کنم و خوش آمد عرض می‌کنم و سعادت و سلامت همه شما را، همه ملت ایران را از خداوند تعالی مسئلت می‌کنم. شما خواهران در این نهضت سهم بسزائی داشتید و در همه جا کمک کردید و پیشوا بودید نسبت به مردها و موجب قدرت شدید نسبت به آنها، از این جهت هم تشکر می‌کنم.

و چون در بین راه هستیم و باز مراحل هست که این مراحل باز باید طی بشود، من امیدوارم که باز شما تتمه این راه را با قدرت و با ایمان طی بکنید تا اینکه نهضت ما که نهضت اسلامی است به آخر برسد و اسلام آنطور که خواست خدای تبارک و تعالی است، در ایران و در سایر مناطق پیاده بشود.

راه مستقیم الهی انسانی را از نقص به کمال می‌برد

در رأس همه امور تربیت انسانی است برای همه انبیا، برای تربیت مردم که اشخاصی که در قوه دارند چیزهائی را، انبیا آمدند که این قوه‌ها را بالفعل کنند، انسان بالقوه انسان بالفعل بشود، استقامت داشته باشد در کارها، در عقائد، و به صراط مستقیم کنند. شما خواهران، آنی که متکفل بچه‌هاست توجه کنند که بچه‌ها را تربیت انسانی بکنند و آن که متکفل یک جمعیت است، آن جمعیت را به راه خدا و صراط مستقیم بکنند. این راه مستقیم الهی است که می‌تواند انسان را از نقص رو به کمال ببرد، از ظلمات به نور برساند. خدای تبارک و تعالی مردم را دعوت کرده است که از ظلمت‌ها به سوی نور بروند و در ظلمات باقی نمانند. کارهائی که انحرافی است ظلمات است، اخلاق زشت ظلمت است، اعمال زشت ظلمت است. نور آن است که خداوند دعوت به او کرده است و اسلام هدایت به او.

اصل امر به معروف و نهی از منکر جهت اصلاح جامعه

کوشش کنید که احکام اسلام را، هم عمل کنید و هم وادار کنید که دیگران عمل کنند. همانطوری که هر شخص و هر فردی موظف است که خودش را اصلاح کند، موظف است که دیگران را هم اصلاح کند. اصل امر به معروف و نهی از منکر برای همین است که جامعه را اصلاح کند.

جامعه

ص: 1

ما در زمان این طاغوت رو به فساد رفته بود، رو به تباهی رفته بود و مهم این بود که جوان های ما را، چه جوان های مرد و چه جوان های زن ، اینها را رو به تباهی کشیدند و در این پنجاه سال ، تمام تبهکاری بود. الان که بحمدالله آن رژیم هم ، رژیم منحط از بین رفت و انشاء الله دیگر مثل آنها برگشت ندارند. امیدواریم که همه چیزمان را اسلامی کنیم و تربیت _ تربیت _ تربیت های اسلامی باشد و تربیت های انسانی باشد، حرکات و سکنات منطبق بر قواعد اسلامی باشد.

اگر بخواهید مملکت خودتان ، کشور خودتان مستقل باشد، اگر بخواهید از زیر قید گرفتاری های اجانب بیرون بیایید، باید متشبث به اسلام بشوید. اسلام بود و این صداها (الله اکبر) که شما را به پیروزی رساند. من امیدوارم که باز این صداها محفوظ باشد و این علاقه هائی که به اسلام هست محفوظ بماند و به آن حدی که باید برسیم ، برسیم و مملکت ما سعادت مند باشد.

راجع به بنگاهی که دارید (معلولین) من راجع به مستضعفین اجازه سهم امام تاکنون نداده ام ، لکن به این موسسه که شما ذکر می کنید، من اجازه دادم که در اصفهان کسانی بخواهند از بابت سهم امام به این موسسه کمک کنند، به این معلولین کمک کنند مجاز هستند.

انشأ الله خداوند همه شما را سعادت مند کند و همه ما را خدمتگزار اسلام و خدمتگزار به میهن عزیز.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 2

فرمان امام خمینی به حجت الاسلام قوچانی

بسمه تعالی

جناب مستطاب حجة الاسلام آقای حاج شیخ رمضانعلی قوچانی دامت افاضاته

طوماری به امضای جمع زیادی از جامعه روحانیت و اهالی محترم قوچان واصل گردید که درخواست نموده اند جنابعالی جهت ارشاد و تبلیغ و رسیدگی به امور مذهبی و اقامه نماز جماعت و رفع نیاز دینی بدانجا بروید و در آنجا بمانید و با توجه به وضع زمان و آشنایی جنابعالی به محل ، مقتضی است دعوت آقایان محترم را پذیرفته و ضمن انجام وظایف مذهبی ، اهالی را به اتحاد و یگانگی دعوت کنید.

امید است اهالی محل نیز قدردان وجود شریف بوده و از همکاری های لازمه در پیشبرد اهداف عالیہ اسلام دریغ نورزند. از خدای تعالی موفقیت همگان را خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاته

روح اللہ الموسوی الخمینی

ص: 3

فرمان امام خمینی به آیت الله مدنی

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب سید العلماء الاعلام و حجت الاسلام آقای حاج سید اسد الله مدنی دامت افاضاته به قرار گزارشاتی که از شهرستان همدان می رسد آشفتگی هائی در سطح شهر موجود و بیم آن می رود که گروه های منحرف اسلامی اختلافات و انحرافات نمایند که با نهضت اسلامی و انقلاب اسلامی مخالف باشد لهذا جنابعالی با آنکه در مجلس خبرگان نماینده هستید عجلتاً به مدت ده روز یا دو هفته به همدان تشریف ببرید و اوضاع منطقه را بررسی نمائید و احوال و فعالیت های منحرفین را از نزدیک سخت مورد مراقبت قرار دهید و انشاء الله تعالی پس از برگزاری مجلس خبرگان مدتی طولانی برای بررسی اوضاع و سامان دادن به اوضاع آشفته به همدان تشریف برده و به مسائل مربوطه و امور شرعیه و گرفتاری شهر و منطقه مربوط به آن رسیدگی و اصلاح فرمائید.

جنابعالی که به شایستگی علمی و عملی موصوف هستید منصوب به امامت جمعه در شهر همدان می باشید و چون امامت جمعه از مناصب مربوط به ولی امر است کسی بدون نصب نمی تواند تصدی کند و نیز جنابعالی مجازید در تعیین قاضی شرع برای دادگاه های شهر و حومه .

اهالی محترم و مؤمن انقلاب موظفند از معظم له پشتیبانی قاطع کرده و وجود محترم ایشان را غنیمت شمارند. جناب ایشان وکیل اینجانب در اخذ وجوه شرعیه و صرف در موارد مقرر هستند. اهالی محترم وجوه شرعیه خود را به ایشان بدهند که مورد قبول است .

والسلام علی عباد الله الصالحین و رحمة الله و برکاته

روح الله الموسوی الخمينی

گفتگوی امام خمینی با ابوجهاد عضو سازمان مقاومت فلسطین

بسم الله الرحمن الرحيم

امام: آقای ابوعمار چگونه است؟

ابوجهاد: الحمدلله، در جو مبارزه قرار دارند و پیوسته از جانی به جای دیگر سیر انقلابی دارند.

امام: امیدوارم که انشاءالله به زودی در قدس مستقر شوند.

ابوجهاد: انشاءالله ما امیدواریم قدس از جاهائی باشد که به زودی بتوانیم از شما در آنجا استقبال به عمل آوریم.

امام: قدس مال همه مسلمانان است.

ابوجهاد: انشاءالله و این آرزوی همه ماست که با پیگیری و مقاومت می توان به این آرزو رسید. عزم راسخ مسلمین و ایمانشان ما را به موفقیت خواهد رساند.

امام: و با وحدت کلمه مسلمانان و خصوصاً سران آنها. اما این گرفتاری هائی که در این مدت طولانی برای برادرهای ما در قدس پیدا شده است، در اثر سهل انگاری روسای اعراب بوده است. و من بیش از بیست سال در خطابه هایم، در گفتارم به اینها توصیه کردم، به سران دولت ها که این اختلافات محلی جزئی را کنار بگذارند و برای اسلام و برای پیشبرد اهداف اسلام باهم همفکری کنند و با هم اتحاد داشته باشند. و من باید بگویم که اظهار خجلت می کنم که در مقابل بیش از صد میلیون جمعیت عرب و صد میلیون جمعیت مسلم، هشتاد میلیون تقریباً جمعیت مسلم، یک عده معدودی بیایند و در مقابل اینها آنطور کارها را بکنند و این هم نمی شود عذر باشد که پشتیبان آمریکاست، برای اینکه آمریکا پشتیبان شاه هم بود، لکن وقتی که یک ملت اجتماع کردند بر یک مطالبی، نه قدرت شیطانی شاه توانست مقاومت کند نه پشتیبانی

ابر قدرت ها، بلکه مطلق قدرت ها اگر اتحاد پیدا بکنند، جمعیت عرب و سران مهم این جمعیت ها اگر اتحاد پیدا بکنند، شکی نیست که نه امریکا می تواند در مقابل شان کاری انجام بدهد و نه دیگر قدرت ها. و این مع الاسف مطلبی است که مشکل است که تحقق پیدا کند، لکن من از خدای تبارک و تعالی می خواهم که یک همچو مشکلی را با قدرت خودش حل کند. و اضافه کنید به اینکه در عین حال که ملت ما نه اسلحه داشت و نه تربیت نظامی و آنها مجهز به همه جهازات بودند و آن انتظامات هم داشتند و مجهز به جهاز نظامی بودند، معذک چون شعب واحد بودند و قوه واحده بودند و مهمتر اینکه استناد به خدای تبارک و تعالی داشتند و با فریاد (الله اکبر) زن و مرد و بچه و بزرگ پیش رفتند به طوری که همه قدرت ها در هم شکسته شد. و دولت های اسلامی مجهز به جهازات هستند، معذک در مقابل یک همچو عنصری قیام نمی کنند، بلکه بعضی از آنها خیانت هم بکنند. خداوند انشاءالله آنها را بیدار کند و مسلمین را پیروز.

ما چون مبتلای به مشکلاتی شبیه به مشکلات شما هستیم می دانیم که وضع شما و مشکلات شما چیست. ما الان مبتلا هستیم به نظیر همین مشکلات مثل مشکلاتی که در کردستان ایجاد کردند و دول خارجی به وسیله عمال شان در خوزستان برای ما آنهمه اشکالات ایجاد کردند که ما باز مبتلای به آن هستیم و در سیستان و بلوچستان هم ممکن است که ایجاد این مشکلات را بکنند.

البته جهاد برای خدای تبارک و تعالی مشکلات دارد. بیشتر از این مشکلات، مشکلاتی بود که پیغمبر اکرم در صدر اسلام داشت و مسلمین داشتند، لکن چون قدرت ایمان داشتند توانستند که اسلام را قبل از گذشت نیم قرن، در تقریباً تمام آن کره که آنوقت معموره بود مستقر کنند و شما با تمام مشکلات که دارید یک مطلب دارید و آن اینکه ایمان با شماست و شما استناد به خدا داشته باشید و این استناد به خدا تمام مشکلات را انشاءالله حل خواهد کرد. مشکلات زیاد است لکن اراده مصمم ملت و مهمتر استناد به خدای تبارک و تعالی مشکلات را آسان می کند. و ما هم امیدواریم که همه مشکلات شما رفع بشود. و باز از خدا می خواهیم که ما را متوجه به خدای تبارک و تعالی بکند، و هم مشکلات شما رفع بشود. و باز از خدا می خواهیم که شما را بیشتر از پیش متوجه به قدرت لایزال الهی بکند و با استناد به خدای تبارک و تعالی باکی نیست و نصر با شماست انشاءالله و با ما. و البته هر مسلمی باید با مسلم دیگر برادر باشد و با مشکلات سهیم باشد و ما هم با شما سهیم هستیم در این مشکلات چنانچه سابقاً بودیم من راجع به مشکلات مادی هم بعضی اقدامات کردم. و من امیدوارم که ما بتوانیم هم مشکلات معنوی و هم مادی را به خواست خدای تبارک و تعالی، هم از شما و هم از خودمان، با هم رفع بکنیم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در دیدار با سفیر الجزایر

بسم الله الرحمن الرحيم

از عواطف شما متشکرم. ما این نهضت را یک نهضت ایرانی نمی دانیم، بلکه نهضت اسلامی و نهضت مستضعفین در مقابل مستکبرین است.

ما با شما در این نهضت نیز شریک هستیم. امیدوارم که حکومت مستضعفین بر ضد مستکبرین تحقق پذیرد و اسلام با آن محتوای مترقی که دارد در همه جا پیاده شود و تمام ملت ها بیدار شوند و برای اسلام قیام کنند و نیز دولت های اسلامی با هم وحدت کلمه داشته باشند و برای اسلام و تحت لوای اسلام برای رفع گرفتاری های ملت های ضعیف از دست شرق و غرب کوشش کنند. خدای تبارک و تعالی قادر است که مشکلات را رفع نماید. ما در عین حالی که گرفتار مشکلات فراوانی هستیم، لکن اعتماد به خدای تبارک و تعالی داریم و امیدواریم که تمام مشکلات و گرفتاری های ما و سایر مسلمین با کمک خداوند حل بشود ملت برادر ما الجزایر، با عزت و سلامت بر مشکلات خود غلبه کند.

سفیر الجزایر: ما در یک مقطع تاریخی ملت ایران قرار گرفته ایم، درک می کنیم که باید به مبارزه ادامه داد و ما در خدمت شما هستیم، نه یک خدمت کلاسیک، بلکه متعهد به خدمت شما و به ملت ایران و اسلام می باشیم.

امام فرمود: من به شما اطمینان می دهم که مبارزه در راه خدا همراه با موفقیت است و دعای ما هم همین است که توجه به خدا را فراموش نکنیم.

سفیر الجزایر گفت: ما زیاد به زیارت شما می آئیم تا احترامات و سلام رهبران و ملت مسلمان الجزایر را خدمت شما و ملت مبارز ایران ابلاغ نمایم. ما در ایران و در میان شما زندگی کرده و وضع را درک می کنیم. امیدواریم این انقلاب که یک انقلاب اسلامی و قرآنی است به رهبری شما تحقق یابد و تا پیروزی کامل ادامه پیدا کند. البته این آرزوی هر مسلمانی است در هر لحظه. دنیا و تمام مسلمانان واقعی دنباله رو راه و گام های مثبت شما می باشند، گام هایی که همیشه به نفع ملت های مسلمان برداشته شده و می شود.

بیانات امام خمینی در جمع روشندان

انسان، با (بصیرت) انسان است نه با (بصر)

بسم الله الرحمن الرحيم

من از شما روشندان تشکر می‌کنم که تشریف آوردید از نزدیک شما را ببینم. و من روی اسلامی نورانی شما را می‌بینم و به شما مژده می‌دهم که خدای تبارک و تعالی یار شماست، یار همه است و از خدای تبارک و تعالی توفیق و سعادت شما را خواستارم. و این معنا را باید بدانید که انسان به روح انسان است، انسان به بصیرت، بصیرت قلبی انسان است. این آلات ظاهری، آلاتی است که وسیله است و اینها از بین رفتنی است. آنچه باقی می‌ماند روح انسان است و آنچه در انسان سعادت را ایجاد می‌کند بصیرت انسان است. و من امیدوارم که شماها بصیرت به طور کامل داشته باشید و خدای تبارک و تعالی به شما توفیق و سعادت عنایت کند.

تلاش بی‌ثمر مغرضین و شایعه سازان به منظور متوقف ساختن نهضت

و چیزی که می‌خواهم به شما آقایان عرض بکنم این است که ما امروز مبتلا هستیم به یک شایعه هائی که روی آن شایعه ها می‌خواهند این نهضت را نگذارند تحقق پیدا کند. یکی از شایعه ها که شایعه سازان نشرش می‌دهند و گاهی برای ما می‌نویسند، گاهی در نطق های اشخاصی دیده می‌شود حتی شنیدم که دیشب هم در مسجد امام یک آقای همین معنا را گفته است، این است که فلانی اصلا دست به او نمی‌رسد، هیچ کس نمی‌تواند با او ملاقات کند، فقط چند تا اهل علم، چند تا معمم، همین یک کانال است و آن کانال معممین، مردم دیگر اصلا ملاقات با ایشان نمی‌کنند. شما الان آقایانی هستید که روشندان هستید و امید اینجا و از نزدیک دارید مرا می‌بینید و هر روز قریب چند صد نفر در اینجا می‌آیند و بسیاریشان می‌آیند در این منزل، در این اطاق به اندازه ای که گنجایش دارد اینجا از اشخاص مختلف، اینطور نیست که اینها می‌گویند، مغرضین می‌گویند که یک کانال فقط فلانی دارد. من هیچ کانال خاصی ندارم، من هیچ اصحابی ندارم، من با همه مردم، با همه قشرها ملاقات می‌کنم، مطالب همه را می‌شنوم، کاغذها به من می‌رسد و همه اخبار که در ایران واقع می‌شود آنهایی که مهم است و باید به ما برسد می‌رسد. من، هم گوش می‌کنم رادیو را در وقتی که اخبار را پخش می‌کند و هم نگاه می‌کنم تلویزیون را، هم تمام یعنی اکثر مطبوعات اینجا آنهایی که مورد اهمیت است می‌آیند و هم

خلاصه اینها برای من نوشته می شود می آید و هم اخبار همه جا به وسیله وزیر ارشاد برای من می آید و هم اخبار مملکت به وسیله ژاندارمری کل و رئیس ارتش و عرض می کنم که جاهای دیگر، شهربانی برای من می آید، من بی خبر نیستم از اوضاع مملکت .

اینها یک دسته مغرض هستند که خیال می کنند که مرا توی تخته ای ، چیزی ، جعبه ای گذاشته اند در آن را هم قفل کرده اند در آن را هم یکی دو تا معمم باز می کنند و مرا می بینند و دیگر مردم دیگر نمی بینند. شما الان می بینید و می شنوید که بیرون این خانه چه اشخاص و چه جمعیتی هستند (گوش کن آقا، گوش کن) چه اشخاصی هستند، چه جمعیت هائی هستند که من باید گاهی در این اطاق ، گاهی در بیرون ، بله اگر توقع این است که من با یکی یکی افرادی که روزی چند هزار نفر در اینجا مجتمع می شوند، من با یکی یکی وقت خاصی بدهم ، خلوت بدهم ، من وقت خلوت ندارم که بدهم همیشه از صبح که من پا می شوم تا ظهر جمعیت های متعدد می آیند، عده کثیری هم در این اطاق می آیند با من ملاقات می کنند. حتی منتشر کردند که این کسی که گفتند دیشب در مسجد امام صحبت کرده است که آقای نجفی هم حتی آمدند منزل ایشان ، راهشان ندادند. آقای نجفی دیشب پیش من بودند، چه کسی راهشان نداده است ؟ مگر آقای نجفی را می شود کسی راه نداد؟ دیشب آقای نجفی قریب سه ربع ساعت ، یک ساعت اینجا من خدمتشان بودم . من نصیحت می کنم به این آقایان ، من عرض می کنم به این آقایان که یا تحت تاثیر اشخاص و گفته های اشخاص واقع نشوند یا اعمال غرض نکنند. بعضی از اشخاص غرضمندند لکن بعضی ها اینطور نیست فقط کنار نشسته اند، هر کس هر چه می گوید باورشان می آید و آنوقت هم منتشر می کنند. خوب ، این خلاف انسانیت است ، خلاف اسلامیت است که انسان هر چه شنید فوراً پخشش کند در همه جا که فلانی هیچ کس با او ملاقات نمی کند، آقای نجفی هم رفتند آنجا، راهش ندادند. خوب ، این اهانت به یک مسلمانی است مثل آقای نجفی ، به یک عالمی است که شما بگوئید که راهش ندادند آنجا. این چه حرف نامربوطی است که گفته شده است . من از کسانی که با من ملاقات دارند، می بینند من را و هر روز دارند می آیند می بینند، خواهش می کنم که اینها را بگویند به مردم که ما در خانه مان باز است من از بس که ملاقات می کنند خسته می شوم . خوب ، من یک پیرمرد 80 ساله هستم ، ضعف دارم ، معذک خوب ، وقت دارم برای مردم و مردم با من ملاقات می کنند. اخبار مردم به من می رسد، احتیاجات مردم به من می رسد، لکن البته مشکلاتشان زیاد است مشکلات همه زیاد است و برای رفع اشکالات یک اشخاصی هستند که آنها مشغولند و قشرهائی هستند که مشغول رفع اشکالات هستند و دولت هم مشغول است لکن کار زیاد است ، اشکالات زیاد است و خوب است که آقایانی که یک قدری توجه دارند، گویندگان و آنهایی که حرفشان در رادیوها پخش می شود، یک قدری ملاحظه کنند، خلاف واقع نگویند یا باور نکنند خلاف واقع ها را که فلانی یک کانال دارد، ای امام حرف های مردم را گوش بکن . آقا حرف های مردم پیش من است ، شما هر حرفی را که می خواهید پرسید که من از مملکت اطلاع دارم ، همه جهات را گزارش کردستان هر روز برای من می آید. شما این چه حرف های نامربوطی است که می زنید و چه تبلیغات سونی که می کنید و

غرضمندانه فریاد می زنید؟

خداوند همه تان را انشاءالله اصلاح کند و خداوند انشاءالله این نهضت را به پیروزی برساند و اشخاصی که غرضمند هستند هدایتشان کند
خدای تبارک و تعالی ، و مسلمین نصرت و اسلام را قوت بدهد.

ص: 10

بیانات امام خمینی در جمع شورای پنج نفری صدا و سیما جمهوری اسلامی

اگر این دستگاه (رادیو و تلویزیون) اصلاح بشود، امید است یک مملکت اصلاح شود

بسم الله الرحمن الرحيم

دستگاه رادیو تلویزیون چنانچه من کرارا گفته ام، یک دستگاهی است که حساسترین دستگاه های تبلیغاتی هر کشوری است که هم از از طریق بصر و هم از طریق سمع از آن مردم استفاده می کنند و آنطوری که به رادیو و تلویزیون - به تلویزیون - توجه می کنند مردم، به هیچ دستگاهی آنطور توجه نمی کنند، از دستگاه کوچکی که برای بچه ها گذارده تا آن برنامه هایی که برای دیگران.

اگر این دستگاه اصلاح بشود و برنامه های آن برنامه های اصلاحی باشد، امید است که یک مملکت اصلاح بشود و اگر این دستگاه یک دستگاهی باشد که نظیر زمان همان طاغوت باشد، مردم به همان حال باقی می مانند. از وظائف مهمی که این شورا دارد که در آنجا اعضا محترمشان مجتهد و آقای موسوی هم که ما از سوابقشان اطلاع داریم و می شناسیم ایشان را، هستند، وظیفه مهم این است که مراقبت بشود از این دستگاه به طوری که محتوایش یک محتوای جمهوری اسلامی باشد.

تحقق جمهوری اسلامی در گرو اسلامی شدن مراکز ملی و دولتی

ما بخواهیم یک جمهوری اسلامی در ایران محقق بشود، همین که ما بگوئیم جمهوری اسلامی، رای بدهیم به جمهوری اسلامی، کار تمام نیست، باید دستگاه های اطلاعاتی، روزنامه هایش، رادیو، تلویزیون، ادارات، تمام مراکز دولتی و تمام مراکز ملی، بازار، در صحرا، در داخل، در کارخانه ها، باید طوری بشود که هر کسی وارد اینجا شد، خودش را احساس کند که وارد شده است در یک دستگاهی که از اسلام آنجا خبر هست اثر هست از اسلام، باید قدم اسلام در همه این دستگاه ها باشد و آن چیزهایی که برخلاف موازین اسلامی است، برخلاف جمهوری اسلامی است که همه بر خلاف مصالح ملت است، اگر باشد، اینها باید از بین برود. مثلا- در تلویزیون یک قضایا، قضایای فیلم هاست، این فیلم ها باید یک فیلمهای آموزنده باشد. فیلم هایی که وقتی نگاه کنند جوان های ما، منحرف بشوند، اینها را باید از آن احتراز کرد.

اگر چنانچه یک وقتی اشخاصی در آنجا باشند که بخواهند یک همچو اعمالی را انجام بدهند،

اگر نصیحت می شود بکنید، نصیحت کنید اگر نه تصفیه باید بشود. یک مسوولیت بزرگی است مسوولیت شما، و آن این است که یا این جمهوری اسلامی را به جلو می رانید به واسطه تبلیغاتتان، به واسطه نمایش هایی که در آنجا داده می شود، فیلم هائی که در آنجا داده می شود و یا به عقب می رانید، این خیلی مسوولیت بزرگی است. ما تا بخواهیم این کارکن های هر جا را، کارمندهای هر جا را، تا بخواهیم که به آنها بفهمانیم که ما نباید همه چیزمان تقلید از غرب باشد، این طولانی است.

اینها گمان می کنند که وقتی که در رادیو تلویزیون مثلا آمریکا یک جوری بود، انگلستان یک طوری بود، ما هم باید از آنها تقلید بکنیم، هر چه آنها کردند، ما بکنیم. چنانچه این یک مساله ای است که تقریبا ما مواجه با آن هستیم و در همه جا که گمان می کنند که باید فرم ممالک ما هم، فرم آنجا باشد تا ما بخواهیم این فرم را تغییر بدهیم و بفهمانیم به همه قشرها که نباید اینطور باشد و ما خودمان باید در افکارمان، در آرائمان مستقل باشیم، این طولانی است.

باید اشخاصی که متعهد و معتقد به جمهوری اسلامی باشند، در راس کارها قرار دهید

الان شما موظفید که همه این کسانی که در این کارها هستند و راس کار هستند در تلویزیون (البته بنگاه بزرگی است) مراقبت کنید که یک اشخاصی که متعهد باشند و به اسلام و معتقد به جمهوری اسلامی باشند و بدانند که جمهوری اسلامی یعنی چه، محتوایش باید اسلامی باشد، باید آنها را در راس کارها قرار دهید در سرتاسر ایران، در همه جا و برنامه هایتان، آنهایی که گفتنی است گویندگانی پیدا بکنید و خیلی ها حاضرند که بیایند آنجا صحبت بکنند از اشخاص فاضل و دانشمند، از علما و اشخاص منورالفکر، اشخاص هر طبقه ای بیایند صحبت بکنند و از آنها استفاده بکنید و باید هم این کار بشود.

و آنچه راجع به دیدنی هاست و فیلم هاست توجه کنید که فیلم ها یک فیلمهای انحرافی نباشد، فیلم هایی نباشد که مثلا فرض کنید که یک منظره هائی که سابقا بود و انحرافات برای جوان های ما ایجاد می کرد، نباشد. ما اگر این جوان هایمان را و این بچه هایمان را، حتی آنچه که برای بچه ها نمایش داده می شود باید یک جوری باشد که این بچه از اول یک طوری بار بیاید که مستقل باشد در فکر، مستقیم باشد و متعهد بار بیاید و همین طور فیلم های بالاتر باید خیلی توجه به آن بشود که رسیدگی بکنید، نظارت بکنید، نگذارید دست اشخاصی که متعهد نیستند. اگر پیدا شدند اشخاص، باید به آنها حالی کنید، اگر نمی شود، تصفیه کنید و این یک امر ضروری و لازم است.

سرتاسر این مملکت، فریادشان این بود که ما اسلام را می خواهیم

و از مسائلی که لازم است من تذکر بدهم، این است که این انقلابی که در ایران حاصل شد، این انقلاب پیرویش در اثر دو مطلب بود: یک مطلب مهمش که از همه مطالب بالاتر بود این بود که مردم

با اسلام پیش رفتند، یعنی سرتاسر این مملکت فریادشان، فریاد این بود که ما اسلام را می خواهیم. از آن رژیم سابق که یک رژیم فاسد بود، مردم بدی دیدند در طول عمرشان، جوان های ما در تمام عمرشان از آنوقت که چشم باز کردند، بدی دیدند و این رژیم را فاسد می دانستند، و از آن طرف مسلمان بودند، به اسلام عقیده داشتند. از این جهت _ فریادها _ ما هر مطلبی را از یک ملتی بخواهیم اخذ بکنیم، باید ببینیم که زبان ملت چیست تا بفهمیم که این ملت چه می خواهد، خودمان بخواهیم حکم بکنیم، باید ببینیم که زبان ملت چیست تا بفهمیم که این ملت چه می خواهد، خودمان بخواهیم حکم بکنیم که این ملت ما فلان چیز را می خواهد، این حرف غلطی است، حرف صحیح این است که ما مطالعه کنیم در حال ملت، گوش بدهیم به صدای ملت ببینیم چه می خواهد؟ یک ملتی که همه فریاد می زنند که ما جمهوری اسلامی می خواهیم، (نه شرقی و نه غربی، جمهوری اسلامی) ما دیگر حق نداریم که بنشینیم بگوئیم که نه، این ملتی که قیام کرده اند، برای این قیام کرده اند که دموکراسی باشد، در اسلام همه چیز هست به معنای سالمش، اما ما می بینیم که همه مردم دارند می گویند که ما جمهوری اسلامی می خواهیم، ما حق نداریم که تاویل کنیم و بنشینیم خودمان هر چه دلمان می خواهد بگوئیم که نخیر، مردم که این حرف ها را دارند می زنند، یک چیز دیگر را ما گردنشان بگذاریم. این خلاف واقع است.

امر دومی که بود، این بود که همه قشرها با هم متحد شدند، در این مساله همه متحد بودند، اگر یک اشخاصی هم بودند که یک انحرافی داشتند، در این شوری که مردم داشتند، آنها ساکت بودند، کارشکنی نمی کردند، همه با هم مجتمعا عمل کردند و پیش رفتند و همه با هم اسلام را می خواستند، این دو تا مطلب اساس پیروزی این مملکت بود.

هوشیاری در مقابل اعمال آلوده خائنین به اسلام و مملکت

و اگر چنانچه ما خیال کنیم که الان ما تا آخر مساله را حل کرده ایم یک خیال باطل است. ما الان اگر اوائل راه نباشیم، بین راه هستیم، باز نرسیده ایم به آن مقصدی که داریم. خوب مقصد بزرگ ما این بود که اینهایی که تصرف در مملکت ما داشتند، مستشارانشان در مملکت ما کار می کردند، همه چیز ما را آنها نظارت می کردند، دستور از آنجا صادر می شد و دولت ها عمل می کردند، خود محمدرضا این را اقرار کرد که از سفارتخانه ها تعیین می کردند که وکلایی باشند و ما هم عمل می کردیم، منتها این را که گفت، می خواست بگوید که نه، حالا- دیگر ما اینطور نیستیم، در عین حالی که پدرش را اینطوری معرفی می کرد، خودش هم در اوائل امر، خودش را اینجوری معرفی می کرد، لکن اینکه گفت، روی ناشیگری کرد، روی این نظر گفت که می خواست حالا- بگوید که من دیگر حالا اینطور نیستم و بعد هم که همه فهمیدند که در زمان این بسیار بدتر بود وابستگی به خارج از زمان پدرش، این وابستگی که این داشت، بسیار زیاده تر بود از آن وابستگی هائی که او داشت، او هم وابسته بود نه به اندازه این. و آنی که برای ما همه چیز را آورد، این دو مطلب بود: اسلام، وحدت کلمه. مع الاسف بعد از اینکه این انقلاب این قدم اول را برداشت و پیروز شد و این سد را شکستش، این اشخاصی که آن وقت هم مخالف

بودند، لکن حرف نمی زدند و آن اشخاصی که تحت تاثیر تبلیغات سوء غربی ها و اینها واقع شدند، اینها شروع کردند یک جبهه هائی درست کردن، جبهه های مختلف، در صورتی که صلاح نبود، صلاح این بود که جبهه ها همه با هم باشند تا اینکه ما این مساله را وقتی که به آخر رساندیم آنوقت هر جبهه ای دلش بخواهد علیحده، هر حزبی بخواهد علیحده، هر چیزی علیحده. اما به این زودی که ما باز در بین راه هستیم بیائیم متفرق بشویم، این صحیح نبوده است، لکن خوب، شده است.

و الان در آذربایجان شما گمان نکنید که ملت آذربایجان از اسلام رویش را برگردانده، آنها همیشه توجه به اسلام داشتند، همیشه متوجه به مصالح کشور بودند، همیشه پیشقدم بوده است آذربایجان، همیشه خون جوانانش را داده اند برای اسلام، اینجور نیست که حالا گفته بشود که نه دیگر آذربایجانی دیگر کاری به اسلام ندارد، پشت کرده به اسلام و دولت اسلام را دارد می شکند، آذربایجانی رفته است و تلویزیون را گرفته است، رفته است و استنادار را بیرون کرده است. این کارهائی است که مسلمان نمی کند، این کارهائی است که اشخاصی می کنند که توطئه گردند و از امریکا دستور می گیرند یا از جاهای دیگر دستور می گیرند. ملت آذربایجان همچو کاری نمی کند و لهذا آنها فریاد می کنند که ما اسلام را می خواهیم.

ما احتمال این معنا را که ملت آذربایجان یک چنین کاری بکند آنهم نسبت بدهند به یک کسی که خودش می گوید دروغ است این حرف ها، در رادیوهایشان بخوانند به اینکه لشگر هم به ما پیوست، قوای انتظامی به ما پیوست، این مساله همان مسائلی است که یک مملکت دیگری است که به ما پیوست، این از حلقوم کسی بیرون می آید که اصلا به اسلام اعتقاد ندارد، از حلقوم کسی بر می آید که خائن به این مملکت است. اینهائی که رفتند الان تلویزیون را گرفتند و به خیال خودشان یک فتحی کردند، اینها همان دست نشانده هائی هستند که پرونده های بعضی شان موجود است. باید آذربایجانیها توجه داشته باشند، یک وقتی تحت تاثیر واقع نشوند که خدای نخواستہ برای آذربایجانی یک لکه ننگی بشود تا ابد که آذربایجانی که همیشه طرفدار اسلام بود، حالا اینها به اسم اینکه ما مثلا چه می خواهیم و چه می خواهیم، بر خلاف مصالح اسلام، بر خلاف دولت اسلام. این مساله، قیام بر ضد اسلام است، قیام بر ضد دولت اسلام است.

ما نمی خواهیم که خونریزی بشود، ما نمی خواهیم که برادرکشی بشود والا این پوسیده ها که نمی توانند این کارها را انجام بدهند. ما اگر یک روز بگوئیم به مردم، خود مردم آذربایجان کار را اصلاح می کنند، لکن باید ملتفت باشند، لااقل پشت کنند به این اشخاص. و باید این مطلب را برادرهای آذربایجانی ما، برادرهای کردستانی ما، برادر بلوچستانی ما عرض می کنم سیستانی ما، هر کجا که هستند، بختیاری ها، همه جا باید این معنا را بدانند که یک مملکتی مال خودتان است، خودتان باید اداره اش کنید. تا حالا مال شما نبود این مملکت، هیچ چیز دست شما نبود، همه چیز دست دیگران بود.

حالا که این زحمت ها کشیده شده است این خون ها ریخته شده است، این نابسامانی ها برای

یک مملکت پیدا شده، حالا می‌خواهیم بگوئیم دست خود شما باید باشد، حالا یک دسته مغرض یک دسته انگل هستند، اینها آمده‌اند و میدان افتاده‌اند و هر جا یک فسادی ایجاد می‌کنند. باید اهالی هر منطقه‌ای خودش توجه به این داشته باشد که آلوده اش نکنند اینها، یک وقت خدای نخواستہ هر جا یک صدائی بلند بشود و هر جا یک مسالہ ای، غائلہ ای درست بشود و نتوانند دیگر اصلاحش بکنند.

در هر صورت باید توجه به این معنا داشت و یکی از وظائف تلویزیون و رادیو این است که مسائل را آنطوری که هست، به مردم بفهمانند که مسائل چیست، اصلاً از کی صدا دارد بلند می‌شود. اعلام کردند که گروه فرقان هم به ما متصل شده چریک‌های خلق هم به ما متصل شد. گروه فرقان کی‌اند؟ چریک‌های خلق کی‌اند؟ هر آدمی و هر گروهی را باید از رفقاییش فهمید که کی‌ها هستند تا بفهمیم اینجا چکار هستند. آن کس که می‌گوید گروه فرقان به ما گرایش پیدا کرد، چریک‌های خلق به ما متصل شد، این همان است مقصدش، همان‌ها هستند، اینهایی که اینها را دارند اداره می‌کنند، همان قضایا همان‌ها هستند، همان‌ها ایند که روابطشان با غیر، الان بعضی‌شان معلوم شده است. بازی نخورند برادرهای ما، توجه داشته باشند که هیچ مسلمانی با این امر موافق نیست، هیچ ملائی با این امر موافق نیست، هیچ مرجعی با این امر موافق نیست و هرگز همچو چیزی را به مراجع نسبت ندهند، که آنها موافق نیستند با یک مسالہ خلاف اسلامی.

قیام بر ضد حکومت اسلامی در حکم کفر است

قیام بر ضد حکومت اسلام، خلاف ضروری اسلام است، خلاف اسلام است بالضروره. حکومت الان حکومت اسلامی است. قیام کردن بر خلاف حکومت اسلامی، جزایش جزای بزرگی است. این را نمی‌شود بگوئیم که یک ملائی عقیده اش این است که باید بر خلاف حکومت اسلامی قیام کرد. همچو چیزی محال است که یک ملائی بگوید، یک ملائی عقیده داشته باشد به این معنا که بر خلاف اسلام باید عمل کرد، باید شکست اسلام را. اینها نسبت می‌دهند به بعضی از مراجع این مسائل را. دروغ است این حرف‌ها، هرگز نخواهند گفت. قیام بر ضد حکومت اسلامی در حکم کفر است، بالاتر از همه معاصی است، همان بود که معاویه قیام می‌کرد، حضرت امیر قتلش را واجب می‌دانست قیام بر ضد حکومت اسلامی یک چیز آسانی نیست و اینها الان قیام کرده‌اند بر ضد حکومت اسلامی. در هر صورت من امیدوارم که سر عقل بیایند همه و از این مفسده‌ها دست بردارند و همه علما بلاد، اینها را نصیحت کنند. مراجع اینجا، مراجع جاهای دیگر، علما بلاد اینها را نصیحت کنند که دست از این کارهای خلاف بردارند، بر ضد حکومت اسلامی قیام نکنند، خیال نکنند که نمی‌شود آنها را دفع کرد، ما نمی‌خواهیم، ما نمی‌خواهیم که یک برادرکشی در ایران بشود، چنانچه در کردستان هم نخواستیم و نمی‌خواهیم و دلمان می‌خواهد که با آرامش و با صحت درست بشود.

در هر صورت یکی از وظائف رادیو و تلویزیون این است که مسائل را آنطوری که هست پخش بکنند. اختیار را دست اشخاصی که می‌خواهند مسائل را معوج، کج و معوج عرضه بکنند، اختیار را

دست آنها نباید آقایان بدهند و باید درست توجه کنند و رادیو تلویزیون سرتاسر مملکت را همچو کنند که همه اش محتوا، محتوای اسلامی، موافق مصالح کشور، موافق مصالح اسلام. امروزی که ما با یک همچو قدرت بزرگی مواجه هستیم و آنها پی توطئه ها می گردند، از خارج، از داخل، حالا مبادا یک وقتی ملت ما غفلت از این دشمن عظیم بکنند، از این دشمن شیطان بکنند و مشغول بشود به این کارهایی که در یک وقت فرصت هم می شود این کارها را بکنید. در یک همچو موقعیتی که ما هستیم، هر ندائی که بر خلاف پیدا بشود، هر ندائی که موجب تضعیف بشود، این ندا از کفر است و این ندا از زندقه است و باید ملت ما توجه به آن داشته باشد.

خداوند همه شما را موفق کند که حالا که این دستگاه در شورای شما هست، به خوبی انجام وظیفه بدهید و همه برنامه هاتان را رسیدگی کنید که از چیزهایی که بر خلاف اسلام است، برخلاف مصالح اسلام است، اجتناب بشود.

والسلام علیکم ورحمة الله

ص: 16

بیانات امام در دیدار با کارکنان بخش زبانهای خارجی رادیو تلویزیون

رادیو تلویزیون حساسترین دستگاه کشور است

بسم الله الرحمن الرحيم

من کرارا به آقایانی که از رادیو تلویزیون اینجا آمدند تذکر دادم که این دستگاهی که شماها اداره می کنید حساسترین دستگاهی است که در این کشور است .

سایر رسانه ها از قبیل مطبوعات و اینها موثرند، لکن در یک قشر خاصی ، اولاً تیراژشان آنقدر زیاد نیست که به همه کشور و به همه افراد برسد و ثانیاً بسیاری از افراد کشور ما هستند که سواد ندارند تا بتوانند استفاده کنند، لکن از آن طرف تا آمده است که روزنامه ها به دست اشخاصی که دور هستند برسد باز دو سه روزی ، دو روزی طول می کشد. اما رادیو یک دستگاهی است که همه قشرهای ملت و همه افراد چه باسواد و چه بیسواد از آن استفاده می کنند و رادیو تلویزیون علاوه بر اینکه جهت سمعی دارد استفاده سمعی ، استفاده بصری هم دارد و الان هم وضع طوری است که در همه دهات کشور ما، بلکه سایر همه کشورها هم در دهات کوچکش هم ، این رادیو و تلویزیون هست ، مثل سابق نیست که به یک دسته ای منحصر باشد، اشخاصی هم که مثلاً ضعیف هستند از حیث مادیات ، معذک کوشش می کنند که از مخارج خودشان کاهش بدهند و یک رادیو بخرند در صورتیکه شاید بسیارشان هم تلویزیون هم داشته باشند و شما هر حرفی را که منعکس کنید در رادیو، همان آن ، به همه کشور و به همه جاهائی که موج رادیو می رسد، همان آن ، می رسد و اگر این دستگاه یک دستگاه صحیح باشد، این می تواند یک خدمت بسیار بزرگی بالاتر از همه خدمت ها به مملکت بکند.

هیچ واعظی نمی تواند حرف خودش را جز در آن چهار دیواری که او هست (اگر رادیو نباشد) نمی تواند برساند و هیچ گوینده ای نمی تواند حرفش را بیش از آن جائی که محیط خودش هست یا حالا بلندگو هم که هست یکقدری زیادتر، اما این دستگاه دستگاهی است که حرفها را تا اعماق دهات و شهرستان ها و خارج و اینها می رساند. اگر یک دستگاهی باشد که آموزنده باشد، دستگاهی باشد که تربیت کننده باشد، مسائل کشور را به آنطوری که هست طرح کند، مشکلات را به آنطوری که هست بگوید، از انحرافات پرهیز کنند، از آن اشخاصی که توطئه بر ضد اسلام دارند، بر ضد کشور دارند و با گفتارشان اگر در رادیو واقع بشود، مردم را منحرف می کند و کشور را به تباهی می کشد، اگر چنانچه از آنهم احتراز بکنند که هم در جانب برنامه هائی که می خواهند پخش بکنند دقت بکنند که چه

برنامه هائی باشند و هم در جانب احتراز از آن چیزهائی که مضر به حال کشور است مضر به حال ملت است و موجب تباهی کشور می شود، اگر چنانچه از آنها احتراز بکنند خدمت بزرگی است که به کشور خودشان و به ملت خودشان و به اسلام می توانند بکنند. اگر خدای نخواستہ از آن طرف واقع بشوند مثل آن دستگاہ در زمان طاغوت که در خدمت او بود و همه دستگاہ ها انحراف در آن باشد، عکس هائی که جوان ها را به تباهی می کشد، برنامه هائی که بر ضد نهضت اسلامی مردم ماست، برنامه هائی که بر ضد انقلاب اسلامی است که این جوان های ما خونشان را در راهش دادند، اگر خدای نخواستہ یکوقت این دستگاہ یک همچو کارهائی را بکند، یک خیانت بسیار بزرگی است که از همه دستگاہ ها، خیانت این اثرش بیشتر است .

اصلاح رادیو تلویزیون اصلاح جامعه است

بنابراین اصلاح این دستگاہ ها، اصلاح جامعه است و فساد اگر در این دستگاہ ها واقع بشود، فساد جامعه است . مسوولیت بسیار بزرگ است، مسوولیت شماها بسیار بزرگ است، خصوصا شماهائی که به زبان های مختلف دنیا پخش می کنید مسائل را، می توانید که مسائلی را که خارج پخش می کنید طوری باشد که به این نهضت، به اسلام، به کشور خدمت بکند و می شود هم خدای نخواستہ یک مسائلی باشد که در خارج که منعکس بشود اسلام را یک جور دیگری، نهضت را یک جور دیگری تحقیر بکند، خوب مع الاسف ما الان در وضعی واقع هستیم که دشمن های ما از همه اطراف برای اینکه منافعشان به خطر افتاده است یا دستشان از منافع ما کوتاه شده است اینها از همه اطراف کوشش دارند که به هر طوری شده است، یک تشنجی ایجاد کنند مثلاً یکی از مسائلی که خوب اخیراً به آن مبتلا هستید و هستیم مسائل کردستان است در کردستان اشخاصی که منحرف هستند، می روند و تبلیغات می کنند که اینها اصلاً کردها را می خواهند نباشند. اینها می خواهند _ به _ کردها را، همه را می خواهند از بین ببرند _ تبلیغات مختلفی _ آن اشخاصی تبلیغ می کنند که با، نه کرد رفیق هستند و نه ترک و نه فارس اینها عمال خارج هستند و برای آنها می خواهند کار بکنند.

اسلام مرز ندارد

ما کرارا عرض کردیم به همه برادرهای کردمان که آمدند اینجا، برادرهای بلوچمان که آمدند اینجا که اسلام اینطور مرزهائی که در سایر مسلک ها هست، ندارد اسلام با صراحت می گوید که آنی که پیش خدا کرامت دارد، آدم متقی است، آدمی است که روشش صحیح باشد، تقوا داشته باشد، فاسد نباشد، مفسد نباشد و نسبت به همه عرب و عجم و کرد و ترک و اینها بطور علی السوا به همه نظر دارد. همانطوری که خدای تبارک و تعالی در ایجاد یک طایفه با طایفه دیگری فرق ندارد، همه را نعمت _ ایجاد _ داده است و همه را نعمتهائی در دستشان گذاشته است که خودشان باید فعالیت، البته موادش را گذاشته است، فرق نگذاشته است بین این ناحیه که کرد می نشیند، آن ناحیه که ترک

می نشیند آن ناحیه که عرب است ، آن ناحیه عجم است ، این حرف ها در کار نیست .

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در عین حالی که خودشان عرب بودند، از ایشان نقل می کنند که فرموده اند که فخری بر عرب و از عرب بر عجم نیست و از عجم بر عرب نیست ، هیچکدام به دیگری تفرقی ندارد، همه آنها از یک پدرند و از یک مادرند و علی السوا هستند، در عین حالی که اسلام این معنا را می گوید، جمهوری اسلامی هم همین معنا را می خواهد پیاده بکند، ما همین معنا را در راس برنامه هایمان هست معذک خوب ، تبلیغات می کنند، در خارج ایران به یک جور تبلیغ می کنند، در داخل ایران به یک جور تبلیغ می کنند، در خارج ماها را یک دیکتاتوری که مثل هیتلر یا بدتر از هیتلر معرفی می کنند که این یک آدمی است که پستان های زن ها را داده بریده اند، خوب البته آنها تبلیغ می کنند _ اما این خوب _ کردستان که پیش ماست ، اینجا هم که در آغوش ماست ، پیش ماست ، اینجا هم مع الاسف تبلیغ می کنند و یکدسته ای از مردم ساده باور می کنند.

تبلیغات مفسدین در کردستان

ما برادر همه هستیم ، آنها برادر ما هستند، آنها حمله می کنند و برادرها را می کشند، از این طرف می روند برای دفاع از این کردستان که نگذارند که مفسدین که از خارج الان دارند هم فوج فوج می آیند و هم اسلحه می فرستند و هم مبلغ می فرستند و هم چریک درست می کنند و می فرستند و می خواهند یک منطقه را به آتش بکشند، از این طرف وقتی که می روند برای دفع آنها، تبلیغات می کنند به اینکه اینها اصلا می خواهند جوان های کرد را بکشند _ اینها _ خود آنها می ریزند می کشند، وقتی اینها دفاع از آنها می کنند، همان معنائی که خودشان کردند، گردن این طرف می گذارند.

در بیمارستان ها آنطور فضاحت آنها در آوردند و اینها رفتند جلوگیری کردند، عین همین معنا را به اینطرف نسبت دادند، همین دیروز چند تا ورقه با امضای چریکهای فدائی خلق اینجا پیش آوردند که اینها را منتشر کردند در آنجا چه چیزهایی را نسبت دادند به جمهوری اسلامی ، چه حرف هایی نسبت دادند، خوب جمهوری اسلام ، اگر اسلام نباشد که دیگر جمهوری اسلام معنا ندارد. ما همه فریادمان و همه ملت مان فریادشان این بود که ما اسلام را می خواهیم .

رفع نابسامانی های کشور با اجرای احکام اسلام

ما هم الان تمام کوششمان اینست که احکام اسلام را پیاده کنیم ، می خواهیم تفاوت ما بین طبقات را که یکی مثلا کرد است در کردستان است به او نرسیدند سابق ، آن یکی فرض کنید که جای دیگر است به او نرسیدند سابق و آقا می گویند که کردستان از همه جا عقب تر است و من این را کرارا عرض کردم که شما کردستان را فقط اطلاع دارید _ که شما _ بختیاری ها هم که پیش ما می آیند، می گویند که بختیاری از همه جا عقب مانده تر است برای اینکه آنها همان محیط را دیدند، بلوچی هم وقتی که می آید، می گویند از همه عقب افتاده تر و گرسنه تر و بیچاره تر بلوچها هستند برای اینکه آنها

تبلیغات آنها به گوششان خورده، آنی که وجدانا دیدند که کردستان هیچ برایش کاری انجام گرفته نشده است، نه بیمارستان دارد، نه اسفالت دارند، نه چه دارد، خیال می کنند که فقط اینجا ندارد، جاهای دیگر همه آن تبلیغات را که کردند، همه را درست کردند، اینجا را نکردند، بلوچ ها هم خیال می کنند که این تبلیغاتی که شده است و آنی که خودشان به چشم می بینند، عینا می بینند، می بینند که اینجا خوب با هم مخالف است، می گویند پس جاهای دیگر درست است و حال آنکه در مدتی که ما به ایران آمدیم و طوائف مختلفه آمدند اینجا و همه این مسائل را گفتند، من گفتم، درست شما می گوئید برای اینکه یک چیزی آدم با چشمش می بیند، یک چیزی را می شنود، شما گوش هایتان پر شده از تبلیغاتی که تمدن بزرگ و دروازه تمدن بزرگ گوش ها را پر کرده، از آنطرف می بینید که خوب، اینجا که نیست، خیال می کنید که همینجا نیست، دیگر جاها تمدن بزرگ رسیده، آنها هم خیال می کنند همه جا هست الا اینجا، وقتی بگردیم می بینیم هیچ جایی، خوب از تهران، تهران که پایتخت است شما بروید تهران در این زاغه ها ببینید که کردها و عرض کنم بلوچ ها کارشان بدتر است یا این زاغه نشین های اطراف تهران، اینهایی که الان در حاشیه تهران هستند، من اینها را گاهی وقت ها در تلویزیون می بینم خانه شان را نشان می دهند، سوراخ هائی که از این سوراخ ها بیرون می آیند، بچه هاشان، زندگیشان را، اینها را من باید بگویم خیلی بدتر از کردستان، خیلی بدتر از بلوچستان، در حاشیه تهران هستند. آقا بنابراین بود که این مملکت را اینطوری بزرگ کنند نگذارند اصلا یک رشدی بکنند، اصلا بنابراین بود که ما ذخائر زیر پایمان را آنها ببرند، ذخائر ما را ببرند و ملت ما خودشان گرسنگی بخورند، خودشان بدبختی بکشند. شما گمان نکنید که کردستان بدتر از همه جاست، بلوچستان از کردستان می گویند بدتر است، بلوچ می گوید بلوچستان بدتر، شما می گوید کردستان بدتر، هر دو درست می گوید برای اینکه می بینید قضایا را می گوئید، می بینید از بدتر که چیزی نمی شد و من که اطراف تهران را از نجف که بودم به من هی اطلاع دادند، اینجا هم که آمدم در تلویزیون چند دفعه تا حالا دیدم، دیگر زندگی از این بدتر؟ باید چه بگویم اسمش را؟ یک سوراخ آدم می بیند که یک مرد آمد بیرون، یک زن آمد بیرون، چند تا بچه آمدند، یک سوراخ، اصلا بنا بر این بوده است که اینطور بکنند و حالا- هم بنا بر این است که نگذارند این نهضت به ثمر برسد، برنامه هائی که در اسلام هست پیاده بشود، چه کنند که نمی گذارند، می روند در هر جا که ببینند چند تا گوش هست، آنها به آن می خوانند به اینکه، نه این اسلام بدتر از سابق، اینها همان مسائل است - اسمش - اسم رویش گذاشتند، اینها دیکتاتورتر هستند از دیگران، دیکتاتوری عمامه بدتر از دیکتاتوری کذا، کدام دیکتاتوری؟ خوب من یک عمامه ای هستم، کدام از ما، چه دیکتاتوری؟ همه آقایان دیدند که دارند ترویج می کنند، البته اینها - می خواهند - چیزهائی که داشتند از دستشان رفته و می خواهند تبلیغ کنند بر ضد ما.

آنان که بر ضد ما تبلیغ می کنند، از اسلام می ترسند

مع الاسف برادرهائی که در عراق هم هستند به گوششان همین مسائل فرورفته است از بس که در چیزهای عراق، در روزنامه های عراق، همین امروز یک آقائی که از عراق آمده بود به من گفت که اینقدر در روزنامه ها به ایران تاخت می کنند و به انقلاب ایران تاخت می کنند و انقلاب ایران را مثلا انقلاب غیر اسلامی می دانند، انقلاب فاشیستی می دانند، از این مسائل اینها می گویند، شاید بسیاری از برادرهای عراقی ما باورشان بیاید، لکن برنامه این است که نگذارند، ترسیدند از اینکه نبادا اسلام تحقق پیدا کند، آنها از اسلام می ترسند، اینهایی که تمام ذخائر شما را به چپاول بردند و هر چه هم اینجا جواهر داشت و ارزش داشت، هر چه داشت بار کردند و بیرون رفتند، اینها می ترسند، اتباع اینها می ترسند، اینهایی که عرض می کنم که دارند این آشوب ها را می کنند، می ترسند که نبادا یکوقت اسلام تحقق پیدا کند و کلاه اینها پس معرکه باشد.

از برنامه های انحرافی پرهیز کنید

آقا من دارم عرض می کنم، به کردها عرض می کنم، به ترک ها عرض می کنم، به بلوچ ها عرض می کنم، به همه قشرها عرض می کنم گول این حرف هائی که اینها می زنند نخورید. بگذارید این خونی که از جوان های ما رفته است به ثمر برسد، کاری نکنید که تمام خون ها هدر برود و ما باز گردیم به رژیمی که یا مثل آن رژیم شاهنشاهی یا بدتر از او بیاید و حکومت کند اینجا باز کردستانش تا آخر عقب و بلوچستانش تا آخر عقب، همه جا عقب. باید همه بنشینید، با هم فکر کنید، توجه کنید، گول این حرف هائی که اینها می آیند می زنند نخورید، اینها هستند که، همین هائی که می گویند خلق، خلق، برای خلق عرض می کنم که دارند نوحه سرائی می کنند، خوب همین هایندها که خرمن ها را از آتش می زنند! همین هایندها که یک کشاورزی، یک عمر برای خودش، یک سال زحمت می کشد یک خرمن درست می کند که نان بچه هایش را بدهد، یک کبریت می زنند آتشش می زنند، همین ها می گویند ما برای خلق داریم چه می کنیم و چه می کنیم، گول اینها را نخورید.

و من از همه شما تقاضا دارم به اینکه برنامه هایتان را اصلاح کنید، برنامه هائی باشد که مفید باشد برای جامعه، برنامه هائی باشد که مسائل و مشکلات جامعه را بگوید، از برنامه های انحرافی پرهیز کنید. گاهی من می بینم که در رادیو هست چیزهائی که انحرافی است و مع الاسف آن انحرافی را چند دفعه می گذارند و آن چیزی که صحیح است یا نمی گذارند و یا منحرفش می کنند و می گذارند. خوب این یک خیانت بزرگی است ما چه باید، چقدر باید به اینها بگوئیم، من کرارا گفتم که شما باید خدمت بکنید به این دستگاه، به این کشور. نه اینکه کشور. نه اینکه یک اشخاص منحرفی را در آنجا راه بدهید که برنامه های انحرافی را اگر یک کسی یک صحبت انحرافی بکند، مکرر، مکرر تماش می گذارند، در رادیو می گذارند، در این رادیو و تلویزیون هم می گذارند همین که یک مساله انحرافی شد در رادیو می گذارند، در تلویزیون هم می گذارند، اگر یک کسی جواب این انحراف را

بدهد یا نمی گذارند اصلا و یا اگر بگذارند بطور انحراف می گذارند.

ضد انقلاب می خواهد کردستان را از ایران جدا کند

این مصیبت هائی است که ما الان به آن مبتلا هستیم ، من مصیبت های زیاد دارم و لکن نمی توانم همه مصیبت هایم را بگویم شما فکر بکنید، شما توجه بکنید، اینها می خواهند کردستان را از ایران اصلا کنار بگذارند و ببرند سراغ یک چیزهای دیگری نمی خواهند خدمت به شماها بکنند. قصد خدمت نیست ، قصد این است که ایران را تکه تکه بکنند، بعد همه یک کودتا درست کنند و تمامش کنند و همه اش تحت نظر دیگران و همان برنامه های سابق و همان بساط سابق را می خواهند درست بکنند. بیدار بشوید، ملت ما باید بیدار بشود، ملتی که توانست با توانائی خودش و با مشیت محکم خودش توی دهن تمام قدرتمندها زد، این ملت قدرتمند است ، لکن باید وحدتش را حفظش بکند، اگر وحدتش را حفظ کند قدرتمند است یعنی خدا همراه او است . اگر شما وحدتان را حفظ کنید (یدالله مع الجماعه)، با جماعت شما خدا هست و شما، همه را از بین خواهید برد. نترسید از این هیاهوی اینها، این چهار تا از اشخاص منحرف هستند که می شود بزودی اینها را از بین برد.

ما نمی خواهیم برادرکشی بشود

من این را گفتم قبلا که قضیه کردستان اگر نبود، اختلاط اینها با برادرهای کرد که اگر بخواهند یکوقتی اینها از بین ببرند، بسیاری از زن و بچه کرد از بین می رود اینها یک روز، ده روز، چند روز از بین می رفتند. لکن ما چه بکنیم ، اینها حالا مختلط شدند و جمعیشان در بین جمعیت اینها مختلط است . اگر بخواهند خدای نخواستہ یک کاری بکنند، خوب همه افراد از بین می روند و ما نمی خواهیم یک چنین چیزی بشود. ما می خواهیم کردها محفوظ بمانند. مسلمان ها را ما می خواهیم حفظشان بکنیم و اینها مع الاسف چون مختلط با آنهاست ، ما دستمان الان بسته است که نمی توانیم بطور قاطع عمل بکنیم والا کاری ندارد اینها را از بین بردن . از اطراف ایلات ، بعضی ایلات و عشایر به من می نویسند که شما بگوئید ما می رویم کار را انجام می دهیم و من چه بکنم ؟ خوب ما به ایلات بگوئیم بروید بجنگید، یکوقت یک جنگ برادرکشی بشود؟ ما نمی خواهیم این کار بشود، خود کردستان باید اینها را تصفیه بکند. راهشان ندهد توی دهاتشان ، راهشان ندهد توی شهرستانهاشان ، خودشان باید این کار را بکنند، نگذارند که یکوقتی خدای نخواستہ دیگر کارد به استخوان برسد و یک کشتاری بشود که دیگر تر و خشک خدای نخواستہ با هم بسوزد. باید خودشان جلوگیری کنند، خودشان این اشخاص را معرفی کنند. ما گفتیم که غیر از یک چند نفر از این سران که دیگر خیانتکار و آدمکش _ و این _ هستند، تمامشان مورد عفو هستند، تمامشان برادرهای ما هستند، آنها هم که در حزب دموکرات هستند، برادرهای ما هستند، بیایند برگردند به آغوش ملت ، بیایند با خود ملت بشوند، شلوغی نکنند، اینقدر کارهای خلاف نکنند، اینقدر گمان نکنند که نمی شود اینها را از بین برد، نمی خواهیم که یکوقت

خدای نخواستہ در بین آنها اشخاصی که گناه ندارند، زن و بچه مردم کرد که از خود ما هستند، به منزله اولاد ما هستند، ما نمی خواهیم که صدمه به آنها وارد بشود والا کاری ندارد که اینها را از بین بردن هم ارتش قوی است، هم ژاندارمری قوی است و هم سپاه پاسداران. این سپاه پاسداران از اطراف یکوقتی اگر صحبت بشود، از اطراف می ریزند و کار را تصفیه می کنند.

ما نمی خواهیم که برادرکشی بشود، ما می خواهیم با مسالمت، با ملایمت، با برادری کارها درست بشود، شما این عده فاسدی که نمی گذارند زندگی شما زندگی صحیح باشد و می خواهند کردستان را به خون بکشند، بعد هم هر جا توانستند شما خودتان اینها را تصفیه کنید، نگذارند که کسی دیگر بیاید و تصفیه کند. خودتان، جوان های محترم خودشان، جوان های برومند خودتان تصفیه کنید اینها را.

خداوند انشاءالله همه شما را حفظ کند، موفق باشید، موید باشید و باز هم تکرار می کنم که برنامه هایتان را برنامه های خوب قرار بدهید، برنامه های (پلتیک) قرار بدهید، درست با زبان (پلتیک) مسائل را بگوئید برای آنها، این مفاسدی که در آنجا هست، آن اشخاصی که در آنجا مفسده جو هستند، مسائل، مسائل مفسده هستند، اینها را بگیرد و معرفی کنید، اینها نمی خواهند که آرامش در این مملکت پیدا بشود. به زبان های خارجی اگر چنانچه پخش می کنید بگوئید مسائل ایران را مسائل ایران، مسائلی نیست که مثلاً یک مسائلی باشد که بخواهند مردم را زیر بار ستم مثلاً چه بکنند، همین چند وقتی بود که باز اسلام تحقق پیدا نکرده است، مهلت نمی دهند که برنامه های اسلامی تحقق پیدا بکند، مگر می شود یک جایی را اصلاح کرد وقتی شلوغ است و بهم ریخته، وقتی جنگ است در یک جایی که نمی شود رفت خانه ساخت، نمی شود رفت اسفالت کرد، نمی شود رفت مریضخانه درست کرد، خوب نمی گذارند اینها، اینها را بیرون کنید از مناطق خودتان، آنوقت ببینید چه خواهد شد در اینجا و همینطور سایر مناطق، شما هم که هر کدامتان برنامه های خارجی دارید، مسائل ایران را درست آنطوری که هست بگوئید، مطالبی که آنها در روزنامه هایشان می نویسند، مطالبی که آنها در رادیوهایشان می گویند بفهمانید به مردم خارج که اینها دروغ دارند می گویند، اینها همان عمال ساواکی سابق یا از اجانب هستند، از ابرقدرت ها هستند که می خواهند که مملکت ما به همان حال باشد و اینها همه چیز آن را ببرند، از این جهت اینطور تبلیغات را می کند.

انشاءالله خداوند همه تان را تایید کند و مؤید و موفق باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده های شهدای سردشت

همه انسان ها رفتنی هستند، چه بهتر که در راه خدا فدا شوند

بسم الله الرحمن الرحيم

من به همه شهدائی که در راه اسلام جان خودشان را فدا کردند، سلام می فرستم و از خدای تبارک و تعالی برای همه رحمت و آمرزش از خدا طلب می کنم و به همه بازماندگان آنها تسلیت عرض می کنم و من شریکم در غم همه و من خدمتگزار به همه هستم و دعاگو.

البته مصیبت برای بازماندگان زیاد است، لکن چون در راه خداست و شما خودتان را با صاحب شرع، با ولی اعظم، با رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در بین آنها خودتان را وارد کردید، آنها هم عزیزان خودشان را در راه اسلام داده اند و شما هم عزیزان خودتان را داده اید و خواهرها هم همین طور. و آن چیزی که آسان می کند مصیبت ها را، این است که همه انسان ها رفتنی هستند و همه ماها رفتنی هستیم و چه بهتر که در راه خدا فدا بشویم و فدا شدند آنهایی که رفتند به جوار رحمت خدا.

با وحدت کلمه و قدرت ایمان، بدون توجه به تبلیغات دشمنان به پیش بروید

و من امیدوارم که این نهضت تا اینجا که آمده است و با همت جوان های برومند ما و با همت ملت بزرگ ما به اینجا رسیده است، از این به بعد هم با همت آنها، این راه را طی بکنیم و انشاءالله اسلام به آنطوری که هست، به آن مترقی که هست در ایران تحقق پیدا بکند. می دانید که دشمن های اسلام الان به دست و پا افتاده اند که نگذارند اسلام تحقق پیدا بکند. در کردستان آنهمه غائله را درست کردند و اینها دشمن های اسلامند که آنجا غائله هارا درست کرده اند و عزیزان ما را کشته اند و در عین حال در نوشته هایشان نسبت می دهند به جمهوری اسلامی که جمهوری اسلامی اینها را کشته است و کردستان را می خواهد قتل عام مثلا بکند.

اینها تبلیغاتی است که بر ضد جمهوری اسلامی می شود و برادرهای ما نباید گوش کنند به این تبلیغات و باید همانطوری که با قدرتمندی پیش رفته اند، از این به بعد هم با همان قدرت، قدرت ایمان، قدرت اسلام، با وحدت کلمه، همه با هم انشاءالله با وحدت کلمه، با وحدت اسلام این راه را طی بکنیم. از این حرف هائی که اینها می زنند و از این دست و پائی که الان اینها می زنند هیچ وحشتی نیست، هیچ کاری اینها نمی توانند انجام بدهند. البته یک شلوغ کاری هائی می کنند، یک زحمت هائی تولید

می کنند، لکن آنها می خواهند باز رژیم سابق را یا شبیه او را برگردانند و این آرزوئی است که به گور خواهند برد.

من از خدای تبارک و تعالی سلامت همه شما را خواستارم و رحمت برای شهدا و سعادت و عافیت و اجر برای شما از خداوند تبارک و تعالی می خواهم و من خدمتگزار همه تان هستم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 25

بیانات امام خمینی در جمع علمای غرب تهران

هدف اصلی مخالفت ها و توطئه های دشمنان ، از بین بردن اسلام است

بسم الله الرحمن الرحيم

من باید از آقایان تشکر کنم که تشریف آورده اند و از نزدیک _ یک _ با هم ملاقات می کنیم و مسائلی که داریم طرح می کنیم ، شما فرمودید و ما هم بعضی عرائض را عرض می کنیم .

من می دانم که شما آقایان و سایر اهل علم همیشه از اول ، از اول نهضت تا حالا در این نهضت شرکت داشتید و مردم را شماها واداشتید به عمل و از این به بعد هم امید به شماست و امیدوارم که از این به بعد هم موفق باشید برای خدمت به اسلام . چیزی که الان هست ، تشکیلی که اهل باطل دارند باهم پیدا می کنند. کسانی که سابق با هم متفرق بودند و در این مدت ها کنار بودند، دخالت نداشتند در این نهضت ، نشسته بودند کنار منتظر فرصت بودند و حالا فرصت به دستشان آمده است ، قلم هایشان آزاد شده است و گفتارشان آزاد شده است ، مجالسشان آزاد شده است . متفرقات اهل باطل با هم دارند مجتمع می شوند و مجتمعات اهل حق دارند خدای نخواستہ از هم متفرق می شوند.

ما باید آن اشخاصی که ، گروه هائی که در مسیر اسلام نیستند، در مسیر نهضت اسلامی نیستند، در مسیر ملت نیستند، آنها را از مقالاتشان ، از گفتارشان ، از کردارشان بشناسیم و شما که بحمدالله زمام امت اسلام در دستتان هست ، روحانیون که زمامدار امور اسلامی هستند، وفادار به نهضت هستند، متعهد هستند، آنها را به مردم ، مردم را توجه بدهند به این تشکل ها، تشکل هائی که مشغولند شیاطین و مجالس درست می کنند و حرف ها می زنند اینها از یک مطلب می ترسند و آن اسلام است . مخالفین ما از اسلام می ترسند. هر چه وابسته به اسلام است ، اینها اگر از آنها انتقاد می کنند، آن نقطه اصلی که آنها می خواهند حمله کنند خود اسلام است . همانطوری که در زمان این پدر و پسر خبیث ، از اسلام چون خارجی ها می ترسیدند، اینها را وادار کردند که با اسلام مخالفت کنند، لکن در پوشش اینکه با روحانیت مخالفت کنند، با منبر مخالفت کنند، با محراب مخالفت کنند، مجالس را قدغن کنند. در این پوشش ها، اسلام نقطه نظر بود، برای اینکه آنها از شما اگر بترسند، برای اینکه شما کارمند اسلام هستید، شما طرفدار اسلام هستید. از این جهت مخالفشان با شما مخالفت با اسلام است . تشکلات آنها الان همان نحوی که در سابق بوده است و آنها با قلدری عمل می کردند، حالا اینها با تشکل و با قلم های زهر آگین و صحبت های انحرافی مشغول شده اند. آنها سابق با سر نیزه اهل علم را،

اهل تقوا را، مومنین را می‌کوبیدند، با سر نیزه مجالس وعظ و خطابه را، مجالس عزاداری بر شهدا را می‌کوبیدند، اینها با قلم . قلم اینها همان سر نیزه سابق است ، آن سر نیزه به صورت قلم در آمده ساواک به منزله ، به صورت یک گروه های دیگر در آمده و مقصد همان مقصد است . باید بیدار بشود ملت ما .

به صورت های مختلف با اسلام مخالفت می‌کنند، در مجلس خبرگان به مجرد اینکه صحبت ولایت فقیه شد، شروع کردند به مخالفت حتی در آخر، در این اخیرا، در همین دو روز سه روز پیش از این ، در یکی از مجالسشان این منحرفین (اینهایی که از اسلام هیچ اطلاعی ندارند، اینهایی که مخالف با اسلام هستند) در مجلسشان گفتند که این مجلس خبرگان باید منحل بشود و دیگران هم دست زدند برای آن تظاهر کردند. اینها از مجلس خبرگان می‌ترسند برای اینکه مجلس خبرگان می‌خواهند ولایت فقیه را اثبات کنند، مجلس خبرگان می‌خواهند تصویب کنند آن چیزی را که خدای تبارک و تعالی فرموده است و اینها از او می‌ترسند. اینها خیال می‌کنند که اگر چنانچه ولایت فقیه پیش بیاید، قضیه قلدری پیش می‌آید و دیکتاتوری پیش می‌آید، در صورتی که در اسلام این حرف ها نیست . خیر، اینها حرف می‌زنند، اینکه می‌گویند که دیکتاتوری پیش می‌آید، نه این است که ندانند اینطور نیست ، لکن اینها از اسلام متنفرند. اینها باید بفهمند این را که تا این محراب و منبر هست و تا این خطابه خوان ها و این اسلام و مسلمین و این بازار اسلام و این جوانان مسلمان هستند، نمی‌توانند کاری بکنند. اینها باید بفهمند این را که در خدمت رژیم سابق یا در خدمت ارباب های رژیم سابق دارند کار می‌کنند، اگر فهمیده هستند، از روی فهم می‌کنند، خائن هستند و اگر چنانچه از روی بی اطلاعی و جهالت هست ، جاهل هستند.

ولایت فقیه همان ولایت رسول الله است

قضیه ولایت فقیه یک چیزی نیست که مجلس خبرگان ایجاد کرده باشد. ولایت فقیه یک چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است ، همان ولایت رسول الله است و اینها از ولایت رسول الله هم می‌ترسند. شما بدانید که اگر امام زمان سلام الله علیه حالا بیاید، باز این قلم ها مخالفند با او و آنها هم بدانند که قلم های آنها نمی‌تواند مسیر ملت ما را منحرف کنند. آنها باید بفهمند اینکه ملت ما بیدار شده است و مسائلی که شما طرح می‌کنید ملت می‌فهمد، متوجه می‌شود، دست و پا نزنید، خودتان را به ملت ملحق کنید، بیایید در آغوش ملت . قلم های شما از تفنگ های آن دموکرات ها به اسلام بیشتر ضرر دارد. نطق های شما به اسلام ضررش بیشتر از آن توپ هائی است که آنها به جوانان ما می‌بندند و تفنگ هائی که آنها می‌بندند، ضررش به اسلام بیشتر است برای اینکه آنجا دشمن معلوم است و شما به صورت های مخفی به میدان می‌آیید. قلم های شما از سر نیزه های رضاخان بدتر است برای اسلام و شما مضرت تر هستید از رضاشاه و محمدرضا برای اسلام برای اینکه آنها معلوم بود مخالف هستند و مردم می‌شناختند آنها را مخالفت می‌کردند با آنها، مقاومت می‌کردند. شما در پوشش اسلام ، در پوشش طرفداری از خلق مسلمان بر خلاف اسلام دارید عمل می‌کنید. ملت شما را

می شناسد و شما نمی توانید این نهضتی را که به دست ملت پیا شده است و این نهضتی را که با خون جوان های ما و با آنهمه زجر و با آنهمه زحمت و با آنهمه کارهایی که انجام دادند آنها و مقاومت کردند اینها، این نهضت را به اینجا رساندند، شما نمی توانید، کوچکتر از آن هستید که این نهضت را منحرف کنید، بیخود کوشش نکنید. اگر همه ملت مجتمع شدند که ما نمی خواهیم مجلس خبرگان را، خوب آنها گفته اند، خودشان هم می توانند برگردند، اما شما چکاره هستید؟ شما چند نفر آدم که یکی تان می گوید و باقی تان هم دست می زند. اینها همان هائی است که در زمان رضاخان هم، در زمان محمدرضا هم یکی می گفت و باقی دست می زدند، شماها نمی توانید در مقابل ملت بایستید، شما رای نداشتید، هیچ یک از شما وارد نشده است در این مجلس خبرگان، اگر وارد شده هم، یکی دو تای منحرف وارد شده است که کاری از او نمی آید، از این جهت است که شما وحشت تان برداشته است. مگر شما نمی توانید که مجلس خبرگانی که ملت با آن آرأ زیاد این مجلس را درست کرده، با یک کلمه ای که شما می گوئید (ما می گوئیم که منحل باشد) مگر با این حرف ها شما می توانید، مگر شما قابل آدم هستید. (اگر چنانچه ولایت فقیه بشود، دیگر همه قدرت ها دست فقیه می آید) پس بنابراین عزا باید بگیری.

اینها اگر همه قدرت ها دست رئیس جمهور مثلاً کذایی بیاید، هیچ حرفی ندارند، همه قدرت ها دست رئیس جمهور باشد. اگر همه قدرت ها دست یک نخست وزیر مثلاً منحرفی بیاید، آن هم حرفی به آن ندارند، اما اگر قدرت، نه آن قدرتی که قدرت شیطانی است، اینکه نظارت بر امور مملکت است که مبدا معوج بشود، باز هم با رای ملت، باز هم رای ملت است که آن اشخاص را یا آن هیات هائی را که مثلاً می خواهند درست بکنند، با رای ملت درست می شود، با اکثریت. شماها در اقلیت هستید، نشسته اید آنجا با قلم می خواهید حکومت کنید بر اکثریت. شماها قلدر هستید، او با سر نیزه حکومت می کرد، شما با قلم خواهید حکومت کنید و سر نیزه او شکست، قلم شما هم می شکند. بیدار باشید آقایان و بیدار باشند ملت ما که این منحرف ها در کنار نشسته اند و با هم دارند مجتمع می شوند و می خواهند ملت ما را منحرف کنند و نهضت ما را اینها خیال دارند سرکوب کنند و لکن بدانید که نمی توانند و همه آنها با تمام طوائفشان یک عده معدودند که در قضیه فراندوم معلوم شد چی هستند. مردم همان مردمند، بیخود اینها زحمت به خودشان ندهند. ملت همان ملت است، بازار همان بازار است، دانشگاه همان دانشگاه است، مدارس علمی همان مدارس علمی است، خطباً ما همان خطباً هستند، علماً بلاد ما همان علماً بلاد هستند، هیچ تزلزلی در آنها حاصل نشده است. گمان نکنید که این حرف های شما تزلزل، بلکه تصمیم را زیادتیر می کند، قوت می دهد به اینهایی که برای اسلام می خواهند کار بکنند. هر چه شما قدم بر خلاف اسلام بردارید، این جمعیت مصمم تر می شود. بیخود آبروی خودتان را نبرید. بیخود هی مقاله ننویسید، بیخود هی صحبت نکنید، زحمت به خودتان ندهید، ملت همان ملت است و راه هم همان راه است و دارند می روند.

شما از ولایت فقیه نترسید، فقیه نمی خواهد به مردم زورگویی کند. اگر یک فقیهی بخواهد زورگویی کند، این فقیه دیگر ولایت ندارد. اسلام است ، در اسلام قانون حکومت می کند. پیغمبر اکرم هم تابع قانون بود تابع قانون الهی ، توانست تخلف نکند. خدای تبارک و تعالی می فرماید که اگر چنانچه یک چیزی بر خلاف آن چیزی که من می گویم تو بگویی من ترا اخذ می کنم و تینت را قطع می کنم ، به پیغمبر می فرماید. اگر پیغمبر یک شخص دیکتاتور بود و یک شخصی بود که از او می ترسیدند که مبادا یک وقت همه قدرت ها که دست او آمد دیکتاتوری بکند، اگر او شخص دیکتاتور بود، آنوقت فقیه هم می تواند باشد. اگر امیرالمومنین سلام الله علیه یک آدم دیکتاتوری بود، آنوقت فقیه هم می تواند دیکتاتور باشد. دیکتاتوری در کار نیست ، می خواهیم جلوی دیکتاتور را بگیریم . ولایت فقیه ولایت بر امور است که نگذارد این امور از مجاری خودش بیرون برود، نظارت کند بر مجلس ، بر رئیس جمهور که مبادا یک پای خطائی بردارد، نظارت کند بر نخست وزیر که مبادا یک کار خطائی بکند، نظارت کند بر همه دستگاه ها، بر ارتش که مبادا یک کار خلافی بکند. جلو دیکتاتوری را ما می خواهیم بگیریم ، نمی خواهیم دیکتاتوری باشد، می خواهیم ضد دیکتاتوری باشد، ولایت فقیه ضد دیکتاتوری است نه دیکتاتوری . چرا اینقدر به دست و پا افتاده اید و همه تان خودتان را پریشان می کنید بیخود؟ هر چه هم پریشان بشوید و هر چه هم بنویسید، کاری از شما نمی آید. من صلاحتان را می بینم که دست بردارید از این حرف ها و از این توطئه ها و از این غلط کاری ها. برگردید به دامن همین ملت ، همانطوری که توصیه به دموکرات ها کردم به شما هم می کنم و شما و آنها را مثل هم می دانم منتها شما ضررتان بیشتر از آنهاست .

من توصیه می کنم به شماها اینقدر اجتماع نکنید و اینقدر حرف نزنید. هر روزی یک چیزی درست کنید و هر روز یک کاغذ بنویسید و هر روز یک نشریه ای بدهید، نه ، اینها غلط است ، اینها اسباب این می شود که نهضت ما خدای نخواستہ اگر (اگر، والا شما کوچکتر از آن هستید) اگر این نهضت خدای نخواستہ به ثمر نرسد، تمام شماها، آنهایی که البته پیوسته به خارجی ها هستند و پیوسته به رژیم هستند، آنها در صف بالا می نشینند و باز پارک ها و باز بساط را درست می کنند، اما ملت ما چه می شود حالش ؟ این ملت ضعیفی که دو هزار و پانصد سال زیر یوغ آنها بوده که شما برایشان مرثیه خوانی می کنید و پنجاه سال زیر یوغ این پدر و پسر، پنجاه و چند سال زیر یوغ این پدر و پسر بودند که شما حالا دارید طرفداری از آنها می کنید، منتها با صورت و طرفداری از ترشان می کنید، طرفداری از مقصدشان می کنید، این ملت ما حالش چه می شود؟ این مملکت ما حالش چه می شود؟ این اسلام حالش چه می شود؟ شما دارید کمک می کنید به دشمن های کشور ما، به دشمن های ملت ما و خودتان یا ملتفت نیستید یا از روی التفات می کنید، بعضی تان از روی التفات است ، بعضی تان هم التفات ندارید به مساله . اینقدر هیاهو درست نکنید.

هر چند روزی که یک اجتماعی می شود یکی می ایستد صحبت می کند، یا نوار می گوید و هر چه

می گوید همه اش خلاف واقع ، می گویند که فلانی را اصلا هیچ کسی ملاقات نمی کند. این فلانی که از صبح (من را می گویند) که از صبح که بیدار می شوم تا ظهر اینهمه جمعیت که شما بیرونش را می بینید، آن حیاطش را می بینید، اینجایش را می بینید و حالا هم شما همه مجتمع هستید، قبلا این طایفه ای که علیل بودند، بودند پیش من و قبلش هم یک عده ای ، بعد هم یک عده ای تا ظهر هم همین طور، می گویند ایشان ، کسی با او ملاقات نمی کند. مقصود اینها این است که نگذارند یک نضجی پیدا کند این ، مایوس کنند مردم را. (خیر هیچ راهی دیگر، راهی بر فلانی نیست) حتی دیشب از قراری که گفتند، یکی از گویندگان که البته سوء نیت ندارد، لکن سوء ادراک دارد، یکی از گوینده ها در مسجد امام گفته است که فلانی را هیچ اصلش نمی شود دیگر ملاقات کرد. الان ، الان من ملاقات با شما ندارم؟! و قبل از این هم نداشتم؟! و بعد از این هم ندارم؟! _ عرض می کنم _ ملاقات هیچ ما نداریم؟! با مردم هم همین می گویند که فلانی را نمی گذارند با او ملاقات کنند. آن آقای که هر روزی که فرصت پیدا کند، صحبت می کند، آن هم همین طور دنبال اینکه فقط یک راه ، یک کانال هست برای فلانی ، یک چند نفری هستند که همان ها می توانند، اما سایر مردم اصلش راهی ندارند. این جمعیت ، مردم نیستند؟! و این اطاق که هر ساعت پر می شود از جمعیت ، از زن ، از مرد و همه طوائف مختلف ، اینها همه اش موهومات است؟! واقعیت ندارد؟! این فرمایشات آنها صحیح است که یک مطلب است . اینها می خواهند که مردم را بترسانند، تضعیف کنند از آن طرف من را تضعیف کنند و روحانیت را تضعیف کنند، از آن طرف مردم را تضعیف کنند. مردم را نمی توانند تضعیف کنند، مردم همان مردم هستند من هم تضعیف اشکالی ندارد و من چهار روز دیگر می میرم و همه شما هستید و همه شما پیش می برید، این حرف نیست .

در هر صورت بیدار بشوید آقایان ، توجه داشته باشید دشمن ها در صدد هستند و قلم ها در صدد هستند، قدم ها در صدد هستند، زبان ها در صدد هستند، اغفال می خواهند بکنند مردم را، ملت را، بیدار باشید و گول اینها را نخورید و توجه به مسائل بکنید، مسائل را درست حل بکنید.

نقش مجالس سوگواری و گریه بر شهید در زنده نگه داشتن قیام کربلا و حفظ اسلام

و اما قضیه ای که آقا فرمودند راجع به منبر و راجع به محراب ، این را من باز هم گفته ام (اگر سانسور نشود، و اگر سانسور بشود، ممکن است من یک کار دیگر بکنم) اسلام را تا حالائی که شما می بینید، اینجا ما نشسته ایم ، سیدالشهدا زنده نگه داشته است . سیدالشهدا سلام الله علیه تمام این چیز خودشان را، همه جوانان خودش را، همه مال و منال ، هر چه بود، هر چه داشت (مال و منال که نداشت)، هر چه داشت ، جوان داشت ، اصحاب داشت ، در راه خدا داد و برای تقویت اسلام ، مخالفت با ظلم ، قیام کرد، مخالف با امپراطوری آن روز که از امپراطوری های اینجا زیادتربود، قیام کرد در مقابل او با یک عده قلیل و با این عده قلیل در عین حالی که شهید شد غلبه کرد، غلبه کرد بر این دستگاه ظلم و شکست داد آنها را.

ما که دنبال او هستیم و مجالس عزا از آن وقت به امر حضرت صادق سلام الله علیه و به سفارش ائمه هدی علیهم السلام، ما پیا می کنیم این مجالس عزا را، ما همان مساله را داریم می گوئیم، مقابل ظلم است، مقابل ظلم ستمکاران، ما زنده نگه داشتیم، خطبای ما زنده نگه داشتند قضیه کربلا را و زنده نگه داشتند قضیه مقابله یک دسته (یک دسته کوچک اما با ایمان بزرگ) در مقابل یک رژیم طاغوتی بزرگ. گریه کردن بر شهید، نگه داشتن، زنده نگه داشتن نهضت است. اینکه در روایت هست که کسی که گریه بکند یا بگریاند یا به صورت گریه دار خودش را بکند، این جزایش بهشت است، این برای این است که حتی آنی که با صورت گریه دار خودش را چیز می کند، صورتش را یک حال حزن به خودش می دهد و صورت گریه دار به خودش می دهد، این نهضت را دارد حفظ می کند، این نهضت امام حسین سلام الله علیه را حفظ می کند. ملت ما را این مجالس حفظ کرده. بیخود نبود که رضاخان، مامورین ساواک رضاخان، تمام مجالس عزا را قدغن کردند، این همین طوری نبود. رضاخان همچو نبود که اصل مخالف با این مسائل بشود. رضاخان مامور بود، مامور بود به اینکه آنهایی که کارشناس بودند، آنهایی که ملتفت بودند مسائل را، دشمن های ما که مطالعه کرده بودند در حال ملت ها و مطالعه کرده بودند در حال ملت شیعه، می دیدند آنها که تا این مجالس هست و تا این نوحه سرایی های بر مظلوم هست و تا آن افشاگری ظالم هست، نمی توانند برسند به مقاصد خودشان. زمان رضاخان قدغن کردند به طوری که تمام مجالس در ایران قدغن شد، کارهای خودشان را انجام دادند، دست اهل منبر را، دست علما را بستند و نگذاشتند که اینها تبلیغات خودشان را بکنند و آنها تبلیغات را از آن طرف شروع کردند و ما را به عقب راندند و تمام مخازن ما را به چپاول بردند. در زمان محمدرضا هم به همین معنا منتها با فرم دیگر، به فرم دیگر، نه با آنطور سر نیزه به یک جور دیگر این طایفه را می خواستند کنار بگذارند، حالا هم همان ها، منتها جوان های ما را بازی می دهند، همان مساله است، همان مساله زمان رضاخان است که مجالس را او قدغن کرد.

حالا یک دسته ای آمدند می گویند که نه، دیگر روضه نخوانید. نمی فهمند اینها که روضه یعنی چه، اینها ماهیت این عزاداری را نمی دانند چیست. نمی دانند که این نهضت امام حسین آمده تا اینجا، تا این نهضت را درست کرده، این تابع، این یک شعاعی است از آن نهضت، نمی دانند که گریه کردن بر عزای امام حسین، زنده نگه داشتن همین معنا که یک جمعیت کمی در مقابل یک امپراطوری بزرگ ایستاد. دستور است این، دستور عمل امام حسین سلام الله علیه، دستور است برای همه: (کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا) دستور است به اینکه هر روز و در هر جا باید همان نهضت را ادامه بدهید، همان برنامه را. امام حسین با عده کم همه چیزش را فدای اسلام کرد، مقابل یک امپراطوری بزرگ ایستاد و (نه) گفت. هر روز باید در هر جا این (نه) محفوظ بماند و این مجالسی که هست، مجالسی است که دنبال همین است که این (نه) را محفوظ بدارد. بچه ها و جوان های ما خیال نکنند که مساله، مساله ملت گریه است، این را دیگران القأ کردند به شماها که بگویند ملت گریه. آنها از همین گریه ها می ترسند برای اینکه گریه ای است که گریه بر مظلوم است،

فریاد مقابل ظالم است، دسته هائی که بیرون می آیند، مقابل ظالم هستند، قیام کرده اند. اینها را باید حفظ کنید، اینها شعائر مذهبی ماست که باید حفظ بشود، اینها یک شعائر سیاسی است که باید حفظ بشود. بازیتان ندهند این قلمفرساها، بازیتان ندهند این اشخاصی که با اسماً مختلفه و با مرام های انحرافی می خواهند همه چیز را از دستتان بگیرند و اینها می بینند که این مجالس، مجالس روضه، ذکر مصائب مظلوم و ذکر جنایات ظالم در هر عصری مقابل ظالم قرار می دهد. اینها ملتفت نیستند که اینها خدمت دارند می کنند به این کشور، خدمت دارند می کنند به اسلام، توجه ندارند جوان های ما. بازی این بزرگ ها را نخورید، اینها خیانتکارند، اینهایی که تزریق می کنند به شما ملت گریه، ملت گریه، اینها خیانت می کنند. بزرگ هایشان و ارباب هایشان از این گریه ها می ترسند، دلیلش این است که رضاخان آمد همه اینها را برد از بین و مامور بود. دلیلش این است که رضاخان آخرش که رفت، انگلستان در رادیوی دهلی اعلام کرد که ما این را آوردیم، حالا- هم بردیم، راست هم می گفتند. آورده بودند برای سرکوب کردن اسلام و یکی از راه هایش همین بود که این مجالس را از دست شما بگیرند. جوان های ما خیال نکنند که دارند یک خدمتی می کنند می روند توی مجلس، اگر صحبت عزا بشود، می گویند نه، این را نگو، غلط است این حرف، باید این را بگویند، باید این ظلم ها را بگویند تا مردم بفهمند که چه گذشته آن وقت و باید هر روز این کار بشود، این جنبه سیاسی دارد، جنبه اجتماعی دارد.

قلمفرسائی مغرضین بر علیه روحانیت، این طلیعه داران آزادی

بازی نخورید از این حرف های نامربوطی که می زنند و از هر طرف حمله کرده اند به اینکه اسلام را از بین ببرند و از هر طرف حمله کرده اند به اینکه این نهضت را از بین ببرند، گاهی روحانیتش را از بین می برند، گاهی چه. این روحانیون بودند که شما را آزاد کردند، حالا قلم هایتان را به ضد روحانیون قلمفرسائی می کنید؟! شما کجا بودید آنوقتی که روحانیون حبس می رفتند؟ آنوقتی که پای روحانی ما را اره کردند. شما کجا بودید؟ آنوقتی که با روغن پای روحانی ما را سوزاندند، شما کجا بودید؟ حالا سر درآوردید و حرف می زنید و- نمی دانم- به ولایت فقیه اشکال می کنید؟- نمی دانم- مجلس را می خواهید منحل بکنید؟ مگر شما قدرت این را دارید؟ توی دهنتان می زخم من. دست بردارید از این حرف ها، از این مزخرفات، وارد بشوید در جرگه اسلام، وارد بشوید در جرگه مسلمین بگذارید که این مملکت سر و سامان پیدا بکند. او در کردستان، دموکرات در کردستان خلاف می کند، آقایان در تهران. بس است دیگر، کفایت کرد.

خداوند همه شما را انشاءالله مویده و منصور و نهضت را به پیش ببرید. از هیچ چیز نترسید، هیچ خوف به خودتان راه ندهید. تا اتکال به خدا دارید، تا اسلام را سرمشق خودتان قرار دهید، کسی نمی تواند به شما تعدی کند. خداوند همه تان را انشاءالله حفظ کند. موفق باشید.

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اهالی مسجد ارباب تهران

این آقایان روشنفکر که حالا در اقلیت واقع شده اند، می خواهند بگویند رای اکثریت میزان نیست

بسم الله الرحمن الرحيم

انسان باید به تدریج تجربه پیدا کند. ما قبل از انقلاب نمی دانستیم که بعد از انقلاب چه خواهد شد، تجربه نداشتیم. حالا که انقلاب شده است می بینیم که یکی از ثمرات انقلاب هرج و مرج شده است، هر کس هر چه دلش می خواهد می گوید، هر کس هر عملی را که می خواهد انجام می دهد و ابدا در فکر این نیستند که آیا این حرفی که می زنند در مسیر ملت است، آنکه ملت خواسته بود و رای مثبت به او داد یعنی رای اکثریت قاطع که تمام مخالفین وقتی یک طرف شدند و ملت هم یک طرف، صد، صدی نود و هشت ملت رای داشتند و دو، تمام مخالفین، و ملت ما با فریاد و با رای، رای به جمهوری اسلامی داد. جمهوری که ملت ما می خواهد این است که محتوای این جمهوری احکام اسلام باشد و تمام مملکت روی احکام اسلام اداره بشود و آنچه که خدای تبارک و تعالی فرموده است به وسیله پیغمبر اکرم و به ما رسیده است به وسیله ائمه اطهار، آنها تحقق پیدا بکنند. حالا که رای مردم دادند و تمام کارها با نظر مردم انجام گرفته است، می بینیم که گروه های مختلفی پیدا شده اند و هر کس هر جور دلش می خواهد صحبت می کند، وقتی هم که از آنها سوال بکنند، برهانش این است که انقلاب شده است و چون انقلاب شده است دیگر باید همه انقلابی باشند و معنی انقلابی این است که دیگر موازین ندارد و میزان عقلی، میزان انسانی و میزان اسلامی در کار نیست. نطق ها می شود، کاغذها نوشته می شود، قلم ها به کار افتاده است در گوشه و کنار کشور و هر کس هر چه به نظرش می آید می نویسد و می خواهد تحمیل کند به یک ملت سی و چند میلیونی. همین آقایانی که فریاد می زنند که باید دموکراسی باشد، باید آزادی باشد، همین آقایان می نشینند دور هم و یک چیزی پیش خودشان می گویند و می خواهند تحمیل کنند به یک ملت سی و چند میلیونی. مثلا مجلس خبرگان با اکثریت ملت رفته است و مشغول کار است حالا می بینیم که یک دسته چند نفری دور هم جمع می شوند و می گویند مجلس خبرگان باید منحل بشود.

من نمی دانم که این آقایان (باید منحل بشود) چکاره اند که می گویند باید منحل بشود. برای چه منحل بشود؟ برای اینکه این آقایان اهل علم هستند؟! برای اینکه آقایان به اسلام عقیده دارند و احکام

اسلام را دارند جمع می کنند؟! چون گفتند که ولایت فقیه باید باشد و نظارت فقیه باید باشد؟! اینها از نظارت فقیه در امور می ترسند، می گویند قدرتمند می شود فقیه، وقتی قدرتمند شد هرج و مرج می شود و _ عرض می کنم که _ از آن مسائل که می گویند، لکن مضایقه ندارند که مثلاً یک قدرتی دست نخست وزیر باشد، یک قدرتی دست رئیس جمهور باشد لکن معمم نباشد، غربی باشد، هر چه می خواهد باشد. منطق تقریباً به حسب واقع این، لکن صورت یک صورت دیگر است. ما می گوئیم که شما می توانید که، یک اقلیت ده نفر، صد نفر، هزار نفری می تواند که حالا بگوید ملت رای داده است به جمهوری اسلامی، لکن باید جمهوری باشد، نه اسلامی؟ این (باید) یعنی چه؟ (باید این کار بشود)، این (باید)، این صد نفر، هزار نفر چکاره اند که در مقابل یک ملت (باید) می گویند؟ مجلس خبرگان را مردم تعیین کردند، تهران بیش از دو میلیون به مرحوم آقای طالقانی رای دادند، بیش از دو میلیون به آقای منتظری رای دادند، قریب دو میلیون به دیگران رای دادند یک میلیون و چقدر به دیگران رای دادند، اکثریت آوردند، در شهرهای دیگر اکثریت آوردند، اکثریت قاطع آوردند و دیگران در اقلیت بودند، حالا که در اقلیت واقع شدند، این آقایان روشنفکر و این آقایانی که ادعای دموکراسی می کنند، حالا که در اقلیت واقع شدند، می خواهند که بگویند نه، رای اکثریت میزان نیست، باید منحل بشود.

من می پرسم از این آقایان که چرا باید منحل بشود، چه شده است؟ چطور شما (باید) می گوئید؟ شمائی که مدعی این هستید که باید آزادی باشد، شما می گوئید رای آزاد ندادند مردم؟! شما می گوئید که مردم آزاد نبودند در رای و رای درست ندادند؟!

فرض این است که از اول شما این مطلب را نگفتید آن وقتی که مردم رای دادند و همه مردم هم دیدند که رای آزاد مردم دادند اینها خیال می کنند که اگر مجلس منحل بشود، مجلس دیگر نمی خواهیم یا دوباره از سر باید انتخاب بشود. اگر صد مرتبه انتخابات بشود مردم علمایشان را انتخاب می کنند صد مرتبه، اگر صد مرتبه انحلال پیدا کند مجلس و دوباره مردم چیز باشند، مردم اشخاصی که متدینند و اشخاصی که شناخته شده اند و اشخاصی که _ عرض می کنم که _ غربزه نیستند و اشخاصی که توجه به اسلام دارند، اینها را تعیین می کنند. شما باورتان بیاید که اینطور نیست که شما خیال می کنید که اگر چنانچه منحل بشود، اولاً انحلال نمی شود، کسی حق ندارد، خود ملت حق دارند، و ثانیاً اگر منحل بشود یک وقت بگوئید که خوب، ما قانون دیگر نمی خواهیم، بس است، خوب، شما حق یک همچو چیزی ندارید. یک وقت می گوئید که قانون می خواهیم، قانون هم ملت باید تعیین کند. مجلس موسسان باشد. ملت متدینین را، علمایشان را، متدینین شان را تعیین می کند. و کلاً دارالشورا هم باشد، باز همین طور است. شماها باید عزا بگیریید برای اینکه نه در مجلس خیلی راه دارید و نه در مجلس موسسان خیلی راه دارید و نه در جاهای دیگر راه دارید و علتش این است که یک ملتی است فریاد زده است که ما اسلام را می خواهیم و دنبال این است که اسلام را به دست بیاورد، وقتی دنبال این است که اسلام را به دست بیاورد، صد دفعه هم که شما آن را به هم بزینید (با اینکه نمی توانید به هم بزینید) صد دفعه هم که آن را به هم بزینید باز مردم می گویند همان اسلام . بله، می توانید شما تبلیغ کنید که

یک وقتی مردم از اسلام برگردند، همه ملت برگردند آنوقت دست شما می افتد، اما مادامی که مردم فریاد می زنند که ما اسلام را می خواهیم، هر روز هم دارند باز داد می کنند که ما اسلام و جمهوری اسلامی را می خواهیم، مادامی که این مساله هست، دیگر نمی شود این را تغییرش داد و معنا ندارد که یک اقلیتی بخواهد تحمیل کند به یک اکثریتی، این خلاف دموکراسی است که شما به او عقیده دارید، خلاف آزادی است، خلاف همه انسانیت است بخواهند یک عده معدودی که اقلیت هستند تحمیل کنند بر یک عده، این همان است که زمان رضاخان هم بود که یک عده معدودی بودند و با سر نیزه تحمیل کردند بر ملت یک چیزها را، حالا سر نیزه تبدیل شده است به منطق و تبدیل شده است _ عرض می کنم _ به قلم و تبدیل شده است به توطئه و اینها، و اینطور می خواهند که به مردم اغفال کنند، تحمیل کنند، چیز بشود، آن هیچ نیست .

نصیحتی به مخالفین برای بازگشت به مسیر ملت و پرهیز از توطئه و هرج و مرج

من اعتقاد این است که آقایان باید فکر بکنند، آقایانی که علاقه می گویند داریم به اسلام، علاقه می گویند داریم به ملت، علاقه داریم به کشور، باید فکر بکنند، باید در همین مسیری که این سیل دارد می رود، خودشان را وادار کنند، اگر بخواهند برخلاف آن مسیر بروند سیل آنها را خواهد برد از بین . اینها بر همان مسیر ملت راه بروند و خیال نکنند که این ملت نمی فهمد چیزی، نخیر، ملت بهتر از ماها می فهمد، همانطور راه خودش را پیدا کرده و دارد می رود و آن معنایی که شما خیال کردید که اینها تحصیل نکرده اند، تحصیل اگر کدورت در ذهن ها و در قلوب اشخاص بیاورد، معلوم نیست که آن تحصیل هائی که شما می گوئید، یک هدایتی بکنند. مردم هدایت شدند و هدایت کردند مردم را، الان هم همه مطلع هستند که چه می خواهند بگویند. یک وقت می گوئید نمی دانند چه می خواهند. آخر مردم مطلعند که چه می خواهند. اگر چنانچه ولایت فقیه را که معنایش این است که آنی که خدای تبارک و تعالی برای نظارت در امور و تعیین مراکز قدرت مشخص کرده آن عبارت از فقیه جامع الشرائط است، اگر همین را شما به فراندم ملت بگذارید، همان رایی که او آورد، این رای را هم خواهد آورد. مردم همین را می خواهند، مردم آن چیزی که خدا می خواهد، آن چیزی که پیغمبر خدا فرموده، می خواهند. بیخود دست و پا می کنند، باید به مسیر ملت بیایند و اگر واقعا علاقه مندند که این مملکت یک مملکت صحیحی بشود بگذارند یک آرامشی پیدا بشود، بگذارند که یک آرامشی پیدا بشود، توطئه در اطراف نشود، توطئه در مرکز، در کردستان و در سایر جاها نشود تا یک آرامشی پیدا بشود، وقتی که این آرامش پیدا شد آنوقت همه چیز ملت به جای خودش هست، همه چیز ملت درست می شود، دست اجانب کوتاه می شود و نمی گذارند دیگر برگردند. اما الان یک دسته در تهران توطئه کنند، یک دسته در بلوچستان توطئه کنند، هر دسته در یک جایی ممکن است یک وقتی به اینطور چیزها یک نهضت خدای نخواستہ شکست بخورد و اگر شکست بخورد همه چیزمان از بین خواهد رفت . همه با هم باشید، همه ملت باشید، همه دست به دست هم بدهید، همانطوری که از اول هم این نهضت را آنهائی که شرکت

داشتند، نهضت را رساندند تا اینجا، باز هم با هم باشید تا این نهضت انشاالله به ثمر برسد و انشاالله آن چیزی را که خدا و رسول خدا می خواهد و آن چیزی را که قرآن مجید می خواهد، این چیزها عملی بشود و این صلاح دین و دنیای همه ملت است و صلاح همه مملکت است. و هیچ وقت خیال نکنید که دیکتاتوری در اسلام است، یا دیکتاتوری در روحانیت است، یا دیکتاتوری در اینطور چیزها، ابد این حرف ها در کار نیست، دیکتاتوری در کار نیست. شماها دیکتاتوری نکنید، ملت ما دیکتاتور نیستند، ملت ما هم دیکتاتور نیستند، علماً ما هم دیکتاتور نیستند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 36

بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان دانشکده افسری و فرماندهان ارتش جمهوری اسلامی

ارتش، اساس و رکن استقلال یک کشور است

بسم الله الرحمن الرحيم

شما می دانید که ارتش اساس و رکن استقلال یک کشور است. اگر ارتش اصلاح بشود، استقلال کشور حفظ می شود و اگر خدای نخواستہ در ارتش یک فساد، یک فسادی باشد، استقلال کشور به خطر می افتد. و می دانید که امروز افرادی که ناصالح هستند و افراد چپ، افراد وابسته به رژیم سابق در همه جا نفوذ دارند و لا محاله در ارتش هم هستند و اگر اینها بمانند در ارتش، ممکن است که ریشه بکنند، ممکن است توطئه بکنند و خدای نخواستہ یک وقت یک ارتش را به فساد بکشند.

با تصفیه و اصلاح ارتش، استقلال کشور حفظ می شود

بنابراین تصفیه ارتش از مسائل بسیار مهم است که با تصفیه ارتش حفظ استقلال کشور می شود و شما موظفید به اینکه استقلال کشورتان را حفظ کنید و موظفید به اینکه انشاءالله تصفیه بکنید و افرادی که می دانید که نالایق هستند، می دانید که فاسد هستند، می دانید که مفسده جو هستند، اینها را از خودتان، از بین خودتان خارج کنید، تصفیه کنید، یک ارتش مستقل اسلامی _ انسانی که در خدمت کشور و در خدمت ملت و در خدمت اسلام باشد.

شما می دانید که سابق، بنا بر این بود که ارتش را در مقابل قرار بدهند. این نکته اش این بود که چون سران بالا خیانتکار بودند و از ملت ها می ترسیدند، چون از ملت می ترسیدند، علاج را این می دیدند که باید با ملت مقابله کنند. از این جهت قوای انتظامی را و بالاتر قوای ساواک را در مقابل ملت قرار داده بودند برای ایجاد رعب. مردم وقتی که این لباس را می دیدند به وحشت می افتادند، وقتی اسم ساواک را می شنیدند وحشت می کردند. اگر یک مشکلی برای کشور پیش می آمد، اگر دامن نمی زدند به آن، (به آن مشکل) لکن همراهی نمی کردند، بی تفاوت بودند برای اینکه می دیدند که اینها مقابل هم هستند، تربیت اینطور شده است که تمام قوای انتظامی و دولتی در مقابل ملت باشند.

بحمدالله آن طرز فکر رفت و به جای او طرز فکر دیگر آمد و حالا مهم است این مطلب که شماها حفظ کنید این معنا را که با ملت پیوندتان پیوند برادری باشد، آنطوری نباشد که از شما بترسند، اینطور باشد که شما را با آغوش باز بپذیرند. الان می بینید که هر جا که شما بروید، مردم به شما اظهار

بشاشت می کنند، شعار می دهند برای شما، در صورتی که سابق فرار می کردند. این را نباید حفظ کرد، چنانچه در بین خودتان (که من افسر ارشد هستم، من افسر هستم) دیگران به دیگران ظلم بکنند، خدای نخواستہ این طرز نباشد. همه مراتب باید محفوظ باشد، اطاعت باید بشود اما برادری هم باید باشد، اطاعت فرزندی از پدر باشد. شما با زبردستان خودتان خوشرفتاری کنید و آنها احساس کنند که شما مسائل آنها را می خواهید، آنها را دوست دارید، آنها از خود شما هستند، پیوند شما هستند. وقتی اینطور شد، یک ارتش، ارتشی اسلامی می شود. ملت هم با ارتش اسلام دوست است، رفیق است، پشتیبان است. و همه با هم برادر باشید و همه با هم در خدمت اسلام و در خدمت کشورتان و امیدوارم که دیگر آن مسائل سابق و چپاول سابق، آن زورگوئی های سابق برنگردد، همه با هم برادرانه زندگی کنیم و همه با هم برادرانه حفظ کشورمان بکنیم. من دعاگوی همه تان هستم، خدمتگذار همه هستم خداوند همه تان را انشاءالله حفظ کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 38

بیانات امام خمینی در جمع کارمندان شهرداری قائم شهر (شاهی سابق)

هیچ یک از این خرابی ها از نهضت نیست

بسم الله الرحمن الرحيم

همانطور که تذکر دادید، ملت ایران وارث یک مملکتی است که پنجاه و چند سال در زیر فشار و صدماتی از داخل و خارج بوده است و یک مملکت خرابه تحویل دادند و رفتند. هم خزانه های اینجا را خالی کردند و هم شهرها و دهات و همه جا را به فساد کشاندند و هم با اسم تمدن بزرگ خرابکاری کردند و الان که آنها رفتند، یک کشور به هم ریخته در هر جهت و خرابه، نه اقتصاد سالم دارد و نه جهات دیگرش سالم است و مردم در فقر و فاقه فرو رفته اند و همه این فقر و فاقه ها و نابسامانی ها ارثی است که به شماها رسیده است و هیچ یک از این خرابی ها از نهضت نیست، از آنهاست، حتی در وقتی هم که نهضت شد و انقلاب شد، خرابی ها را نسبت به مردم آنها کردند. و یک مملکت به ظلم کشیده دو هزار و پانصد سال و به خراب کشیده و ظلم کشیده پنجاه سال که ما شاهد آن بودیم، نمی شود با یک ماه، دو ماه، یک سال، دو سال تعمیرش کرد. لکن مردم ایران، مثل یک سی و پنج میلیون جمعیت محبوس که در حبس را باز کردند و ریختند بیرون و از آن حبس که بیرون آمدند ناراحتی های ایام حبس را هم در بیرون دارند.

الان ناراحتی هایی که این ناراحتی ها هم همان ارث رژیم سابق است، یعنی اشخاصی که پنجاه سال تحت فشار بودند، اختناق بوده است، الان یکدفعه خودشان را آزاد می بینند، ناراحت بودند حالا خودشان را می بینند آزادند، حالا که آزادند فکر این معنا را نمی کنند که از این حبس که بیرون آمدند، خودش یک نعمت بسیار بزرگی بود که محتاج به تشکر است از خدای تبارک و تعالی که ما را از یک همچو قید و بندی، از همچو زجری خلاص کرده، لکن به جای اینکه تشکر کنند، به جای اینکه همراهی کنند، همه دست به هم بدهند برای تعمیر این خرابه، مع الاسف یک دسته ای کارشکنی می کنند، یک دسته ای باور. دستجاتی از منحرفین، از اشخاصی که آنها هم باز مانده، باقیمانده رژیم سابقند و طرفداران او و می خواهند نگذارند این مملکت سر و سامان پیدا بکند، بین مردمی که از حبس بیرون آمدند می افتند و مردم هم عقده های حبس را دارند و عقده های پنجاه و چند ساله در آنها هست، می افتند بین آنها آن عقده هایی که مردم از رژیم سابق برایشان باقی مانده است، اینها به حساب دولت حالا و رژیم حالا و نهضت می آورند و مع الاسف بسیاری از جوان های پاک ما باورشان می آید، کمک به آنها می کنند.

تکلیف بر ملت در تلاش جهت نیل به خودکفائی و استقلال با استفاده از ذخائر خداداد

ملت ما باید بدانند که یک نعمتی خدای تبارک و تعالی به او اعطا کرد که همه دنیا الان نظر دارند و با اعجاب به آن نگاه می کنند. خدای تبارک و تعالی یک نظر عنایتی به این ملت فرمود که این سد بزرگ شیطانی را که همه قدرت ها با او موافق بودند شکسته شد و شکستند و ملت ما با قدرت ایمان این سد را شکستند و کسانی که آنها را غارت می کردند و همه اموالشان را به غارت می بردند و خرابی کردند و بدتر از آن نیروهای انسانی را نمی گذاشتند رشد بکنند، اینها رفتند، حالا ملت فکر نمی کند که دزدها رفتند و چپاولگرها بیرون رفتند. الان یک چیزی است که مال خودتان است مثل اینکه هر کسی موظف است به حسب وجدان خودش که عائله خودش را خدمت به او بکند و اداره بکند، الان به حسب وجدان، ما همه موظفیم که یک مملکتی که از حلقوم دیگران بیرون آوردیم و مال خودمان شده است، خودمان خدمت به آن بکنیم، نرویم کنار بنشینیم بگوئیم که شما از چنگال دیگران بیرون آوردید، خودتان درستش بکنید، نمی شود. این دیگر همچو چیزی است. شماها بیرون آوردید، ملت بیرون آورده. همین ملتی که یک همچو نهضتی کرد و یک همچو پیروزی برایش حاصل شد، باید این مملکت را خود ملت اداره بکند، هر کس به هر اندازه ای که می تواند، البته یک قشر نمی تواند، دو قشر نمی تواند، روحانیت نمی تواند، دولت نمی تواند _ عرض می کنم که _ کارگر تنها نمی تواند، صنعتگر تنها نمی تواند، لکن هر کدام یک گوشه آن را باید بگیرند. هر کس در هر کاری که مشغول است، آن کار را خوب انجام بدهد.

اینهمه خرابی ها که هست و اینهمه گرفتاری هائی که هست الان برای ملت شما که مع الاسف گنج ها زیر پایشان بود و خودشان گرسنگی می خوردند، ذخیره ها زیر پایشان بود خودشان نشسته بودند گرسنگی می خوردند و اینطور برنامه بود، حالا که این مملکت مال خودتان شده است، حالا باید کوشش بکنید، خصوصا در امر زراعت باید کوشش بکنند، سستی به خرج ندهند، اگر بخواهند سستی به خرج بدهند در امر کشت و زرع و اینها، باز ما این پیوستگی که به آمریکا و سایر جاها داشتیم، این پیوستگی را باز هم باید ادامه بدهیم. وقتی یک مملکتی مال خودتان شد، یک مملکتی که قابل است، یک مملکتی است که همه چیزش خوب است، غنی است مملکت ما، منتها دست خائن ها افتاده بود، حالا که دست خودتان افتاده، کشاورزی این مملکت که باید علاوه بر اینکه اداره خود مملکت را بکنند، صادرات هم داشته باشد، نباید به یک روزی بیفتد که باز دست ما طرف آمریکا دراز باشد به اینکه گندم بده، جو بده _ نمی دانم _ چه بده و اگر یک روز نخواهند بدهند، ما گرسنه بمانیم. باید خود کفا بشویم، ما باید بیدار بشویم، باید خدمت کنیم به این مملکت. خدمت به این است که کشاورزها در زمین هایی که دستشان است زرع بکنند، کشت بکنند، آبیاری بکنند و همت به خرج بدهند و این معنی را هم باید تذکر بدهم که غصب نباید بکنند مال مردم را. اینکه بعضی ها گفتند که نخیر هر کس هر چه دستش آمد بکارد، خیر، باید زمین ها روی موازین شرعی روی موازین الهی، مالکینی که دارد، آنها کشت و زرع بکنند و کسانی که متکفل کشت و زرع هستند، روی موازین کشت و زرع بکنند، مسامحه نکنند در این مطلب تا

بلکه انشالله در ظرف یکی دو سال، دو سه سال دیگر ما خودمان لااقل خودکفا بشویم و بتوانیم خودمان سرپا بایستیم.

اگر ما مسامحه نکنیم و وابسته به خارج باشیم، این وابستگی اقتصادی به خارج قهرا وابستگی سیاسی می آورد، قهرا وابستگی اجتماعی می آورد و ما همان اسیرها خواهیم بود که بود و به ما همان ها حکومت خواهند کرد که کردند. ما باید از این جهت اقتصادی فارغ بشویم، یعنی دستمان پیش دیگران دراز نباشد که بده به من، که هر وقت جلو آن را بخواهد بگیرد ما فلج بشویم. باید ما خودمان و این مواد غذایی که لازم داریم که مواد اولیه ای است که هر مملکتی احتیاج به آن دارد، این مواد اولیه مان را به دست بیاوریم و تغذیه مان با خودمان باشد و این به این است که کشاورزها در سرتاسر ایران الان که پائیز است، کشت های پائیزی را بکنند، وقتی که بهار شد، کشت های بهاری را بکنند و همه دست به هم بدهند و دولت هم کمک بکند و می کند کمک و باید کمک بکند. با کمک دولت و کمک خودتان و مردم دیگر هم به آنها کمک بکنند. این یک مساله حیاتی است برای مملکت ما که به هم زدند همه کشاورزیش را و از بین بردند. حالا بخواهیم ادامه حیات داشته باشیم باید احیانش بکنیم. احیانش به این است که همه با هم دست به هم بدهند و اداره بکنند مملکت شان را و همین طور در هر شهری که این شهرداری ها و اینها هستند و این شورای شهر هست کمک کنند مردم به آنها، نمی توانند. الان امروز همین اهالی شورای شهر قم آقایان آمده بودند اینجا و اظهار می کردند که اینقدر خرابی هست که ما نمی توانیم بدون اینکه یک کمک هایی باشد از طرف دولت، از طرف مردم، از همه اطراف باشد، نمی توانیم ما اداره بکنیم اینجا را. خرابی ها زیاد است، اشکالات زیاد است، فقر زیاد است. این باید در هر شهری اهالی شهر کمک بکنند. اینها بندگان خداوند که گرفتار هستند. خدای تبارک و تعالی عنایت دارد به بندگان خودش. این مستمندا، فقیرها عیال خدا هستند، اداره باید اینها بشوند، فقرا را خدای تبارک و تعالی امر کرده است که اداره شان باید بکنیم، یک دسته غنی بنشینند کنار و اینها، بیچاره ها به فقر بگذرانند. من بیشتر به این کارخانه دارها و این متمکین که گاهی می آمدند اینجا و بعضی شان هم می خواستند من را اغفال بکنند، به آنها گفتم آقا این نمی شود که همان مسائل زمان طاغوت حالا هم اجرا بشود. یک دسته آن بالاها بنشینند و مرفه و هر چه بخواهند هرزگی بکنند، یک دسته هم این زاغه نشین های تهرانی که همه تان می بینید و در شهرهای خودتان هم هست امثالش، این نمی شود، این عملی نیست. من اخطار کردم، این یک خطری برای مردم هست. اگر خدای نخواستہ جمهوری اسلامی نتواند جبران کند این مسائل اقتصادی را که اول مرتبه زندگی مردم است و مردم مایوس بشوند از جمهوری اسلامی و مایوس بشوند از اینکه اسلام هم برای آنها بتواند در اینجا کاری انجام بدهد، اگر در این محیط یک انفجار حاصل بشود، دیگر نه من و نه شما و نه هیچ کس، نه روحانیت و نه اسلام نمی تواند جلوییش را بگیرد. انفجار اگر در زمان طاغوت حاصل می شد، ماها می توانستیم با نصیحت، با موعظه، با امر، مهارش کنیم، اما اگر انفجار در متن اسلام حاصل بشود، مردم با یاس از جمهوری اسلامی منفجر بشوند، دیگر قابل مهار نیست. این ثروتمندا بفهمند این مطلب را که اگر خدای

نخواستہ یک وقت یک انفجاری کہ نشود مہارش کرد در یک ملتی پیدا بشود، ہمہ این بزرگ ہا و ہمہ این ثروتمندہا و اینہا تر و خشک با ہم خواہند سوخت . فکر بکنند، بنشینند برای این ملت فکر بکنند، ہی نشینند آن کنار و خودشان ہر طوری بخواہند عمل بکنند و ہر طوری بخواہند زندگی بکنند و تماشا کنند این زاغہ نشین ہا و تماشا کنند این مردمی کہ نمی شود اسمش را گذاشت . این زندگی است کہ اینہا می کنند؟ زندگی است کہ من وقتی نگاہ می کنم حیوانات ہم بہتر از اینہا زندگی می کنند، حیوانات را ہم در این تلویزیون نشان می دہند، خیلی خوب در این جنگل ہایی کہ دارند زندگی می کنند، خیلی ہم خوب زندگی می کنند. و در ضمن جہاد سازندگی کہ ہست ، خانہ ہایی کہ مردم در آنہا زندگی می کنند، آنہا را ہم نشان می دہند خیلی زندگی آنہا بہتر از اینہاست ، یعنی اصلا طرف نسبت نیست . چرا باید اینطور باشد؟ باید ہمہ دست بہ ہم بدهند. ملت ، دولت ، ثروتمندہا، کارخانہ دارہا، ہمہ اینہا دست بہ ہم بدهند و این مشکلہ را حلش بکنند. اگر این مشکلہ حل نشود و خدای نخواستہ یک انفجاری در متن اسلام ، در متن جمہوری اسلام پیدا بشود، این دیگر قابل مہار نیست ، ہیچ کس نمی تواند جلوش را بگیرد. قبل از اینکہ یک همچو مسائلی پیش بیاید و خصوصاً کہ خوب ، دشمن ہای اسلام و دشمن ہای مسلمین و دشمن ہای کشور اسلامی ہم از خارج و داخل مشغول شدند بہ _ عرض می کنم _ توطئہ کردن .

محاکمہ شاہ و استرداد اموال بہ یغما رفتہ از طریق وی

و اخیراً ہم کہ شاہ رفتہ آمریکا و پذیرفتند او را منتہا بہ اسم اینکہ سرطان دارد و انشاء اللہ صحیح باشد این ، منتہا دیروز کہ آقای یزدی اینجا بودند و گفتند کہ یک همچو کاری شدہ است و ما ہم شرایطی کردیم ، لکن بردند او را بہ اسم اینکہ در مریضخانہ باید بخوابد و دیگر ہم قابل علاج نیست . من بہ ایشان گفتم کہ خوب ، پس پول ہای ما چہ می شود، خوب ، او بمیرد، پول ہای ما چہ می شود؟ ایشان گفتند کہ باید در محاکمہ اینجا پروندہ ہا جمع بشوند و در محاکمہ اینجا محکمہ تشکیل بشود و تعیین بشود، این پروندہ ہایشان رسیدگی بشود تا آن پروندہ ہا را در خارج کہ ببریم دادگستری ہای آنجا رسیدگی می کنند و آنوقت ممکن است کہ ما بہ دست بیاوریم و بنابراین است کہ پروندہ ہا را اشخاصی کہ اطلاع بر آن دارند، ہر کس اطلاع دارد، ہر بنگاہی کہ اطلاع دارد، وزارتخانہ ہا کہ اطلاع دارند، اینہا را جمع بکنند و دادگاہ جمع آوری بکنند و بعد ہم بہ توسط وکلانی کہ در آنجا قرار می دہند این رسیدگی بشود کہ نرود از بین . مرحوم مدرس خدا رحمتش کند یک وقتی کہ رضاخان رفتہ بود و در یک جایی در یک سفری و برگشتہ بود، ایشان گفتہ بود کہ من بہ شما دعا کردم ، تعجب کردہ بود کہ خوب ، ایشان دشمن سر سخت من است چطور بہ من دعا کردہ ؟ گفتہ بود نکتہ اش این است کہ اگر تو در این سفر از بین می رفتی پول ہای ما از بین می رفت ، ما برای حفظ پول ہایمان بہ تو دعا کردم . حالا ما دعا نمی کنیم بہ این ، اما انشاء اللہ امیدواریم کہ نتوانند. این پول ہا را و این ثروتی را کہ اینہا بردند، یک چیز کوچکی نیست . دیشب این آقا می گفت کہ پول ، پولی کہ مال

خود این شخص است پول یک سال نفت است ، یک سال نفت ، الان در بعضی از این بانک های خارجی پول شخصی این است که خودش شخصا گذاشته است که میلیاردها دلار است . در هر صورت ، اینها خراب کردند اینجا را و خوردند و بردند، نه خود او تنها، اقشار دیگری که اطراف او بودند.

اعمال رسوای جاسوسان به اصطلاح فدائی خلق

الان هم اینها که هستند و فدایی خلق ، فدای خلق و با فدایی خلق ، خلق را به باد فنا دارند می دهند و خرمن ها را آتش می زنند و کارخانه ها را از کار باز می دارند و همه خرابکاری ها را دارند می کنند و جاسوسی شان هم ثابت است و ارتباطشان هم با _ عرض می کنم که _ با صهیونیسم و اینها ثابت است ، اینها الان افتاده اند بین مردم و به اسم اینکه ما فدای شما هستیم ، ما چه ، فدای اینها هستند لکن خرمنشان را آتش می زنند!! فدائی اینها هستند، لکن در کردستان آنقدر آدم می کشند و الان هم در کردستان مشغول همین فتنه گری هستند!! فدائی های اینطوری هستند.

ضرورت همکاری مردم در اداره مملکت بر حسب وظیفه الهی

در هر صورت مملکت باید با دست خود مردم ، با دست خود اشخاص اداره بشود و شهرها باید به توسط خودتان اداره بشود، به توسط خودتان آباد بشود. ننشینید کنار بگوئید که شورای شهر درست شد و برویم کنار. شورای شهر خودش کاری نمی تواند، چند نفر آدمی است که مثل سایر دیگران ضعیف است و نمی تواند کاری بکند. تا همه با هم نباشند، همه با هم دست به هم ندهند، نمی شود این کارها انجام بگیرد. و این وظیفه انسانی ماست ، وظیفه الهی ماست که کمک کنیم همه به هم ، معاونت کنیم همه با هم تا بلکه انشاءالله کارها اصلاح بشود. خداوند همه شما را موفق و مؤید کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع افسران فارغ التحصیل

افسران ارشد با زیردستان خود همان کنند که پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمود

بسم الله الرحمن الرحيم

آقایان توجه دارند که انتقال پیدا کردند از ارتش طاغوتی به ارتش الهی . توجه دارند که رژیم تبهکار سلطنتی مبدل شد به رژیم جمهوری اسلامی که عدل در او سرلوحه تمام برنامه هاست . توجه دارند که حالا که ارتش اسلامی است وظائفشان با آن وقت که ارتش ، ارتش طاغوتی بود فرق دارد. همانطوری که موظفند سلسله مراتب را حفظ کنند، بزرگترها، صاحب منصب ها و افسرهای ارشد موظفند که با سایر طبقات به طور سلامت و به طور اسلامیت رفتار بکنند و گمان نکنند سربازان که حالا که انقلاب شد ما باید اطاعت نکنیم . اسلام اطاعت فقیه را واجب دانسته است و من امر می کنم به شما که اطاعت کنید از مافوق های خود و حفظ نظام را بکنید و من سفارش می کنم به افسرهای ارشد و دیگر افسرها که مراعات اسلامی خودشان را بکنند و با زیر دستان همان کنند که پیغمبر اسلام با زیردستان می فرمود و امیر المومنین سلام الله علیه .

توجه به اسلام ، ضامن استقلال مملکت

الان شما در آغوش اسلام هستید و برادر با همه مسلمین و همه در آغوش اسلام هستیم و باید وظائف اسلامی را عمل کنیم ، همچو نباشد که فقط اسم جمهوری اسلامی باشد، اسم ارتش اسلام باشد، ولی معنا و محتوا آنطور نباشد. برادرها! اگر بخواهید استقلال مملکت خودتان را حفظ کنید و اگر بخواهید از تحت یوغ ابرقدرت ها تا آخر خارج بشوید به اسلام توجه کنید و به احکام اسلام سر فرود آورید. اسلام برای شما و برای ما و برای ملت ما تمام آزادی ها و استقلال را فراهم می کند و در سایه اسلام ما می توانیم مملکت خودمان را حفظ کنیم . شما دیدید که ملت ما با نداشتن ابزار جنگی ، لکن داشتن ایمان بر تمام ابرقدرت ها که پشتیبانی می کردند از رژیم سابق غلبه کردند و این نبود جز اتکال به اسلام و اتکال به قرآن کریم .

اکنون که لشکر اسلام هستید، در خدمت اسلام باشید

و من امیدوارم که شما برنامه تان ، برنامه اسلامی باشد، در زندگانی شخصی در زندگانی نظامی ،

در برخورد با ملت . برخوردهای سابق ، برخوردهای دشمنی بود، ملت ما با ارتش آشتی نداشت ، برای اینکه آنها را وادار می کردند به اینکه به ملت ظلم کنند و ملت هم وادار می شد به اینکه به آنها پشت کند. لکن اکنون که شما لشگر اسلام هستید، ارتش اسلام هستید، ملت پشتیبان شماست و شما هم باید پشتیبان ملت باشید. مرزهای خودتان را باید حفظ کنید، مزداری کنید. باید نظم را حفظ کنید، سلسله مراتب باید حفظ بشود و تمام شما در خدمت اسلام و همه ما در خدمت اسلام و من در خدمت همه شما. سلام بر همه شما و درود الهی بر همه ملت .

ص: 45

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پرسنل پایگاه نیروی هوایی آذربایجان شرقی

با حفظ وحدت و اتکال به اسلام نهضت را پیش ببرید

بسم الله الرحمن الرحيم

من از شما تشکر می‌کنم که از نزدیک آمدید با هم ملاقات کنیم، ملاقات برادرانه و ذکر گرفتاری هائی که داریم، البته مطمئن باشید که گرفتاری‌ها یک انگیزه اساسی که جلوی این نهضت را بگیرد ندارد. آن نهضتی که نهضت ملتی که ابرقدرت‌ها را از پا درآورد و به عقب کشاند نمی‌شود که با شرارت بعضی اشرار و بعضی باقیمانده‌های رژیم سابق یا دست‌نشانده‌های امریکا و صهیونیسم بتوانند بر این نهضت غلبه کنند. غلبه با شماست. شما همانطور که با کمک ملت و وارد شدن در صف ملت بر مشکلات بزرگ غلبه کردید، انشاءالله از این به بعد هم با حفظ وحدت خودتان و با اتکال به اسلام و احکام اسلام این مقصد را به پیش خواهید برد و من امیدوارم که یک مملکت اسلامی که در هر جا شما بروید اسلام را ببینید و هر جا قدم رسول الله را ببینید و همه مان با هم در هر جای مملکت برویم رفاه ملت را ببینیم و عظمت مملکت را، عظمت کشورهای اسلامی را ببینیم، انشاءالله امید است متحقق شود. خدای تبارک و تعالی با شماست.

تکلیف اقشار ملت در رفع و بازسازی خرابی‌ها و عقب ماندگی‌های حاصل از رژیم شاهنشاهی

البته تکلیف هائی است، الان بر ما و شما و همه ملت هست. ما الان در بین راه هستیم سد بزرگ را شکستیم، لکن فساد هائی که آنها به جا گذاشتند و گرفتاری هائی که آنها به جا گذاشتند بازمانده است. خرابی‌ها مانده است، آشفستگی‌ها مانده است، عقب ماندگی‌ها مانده است، ما وارث یک مملکتی هستیم که در پنجاه و چند سال تحت فشار امریکا و انگلستان و سایر ممالک ابرقدرت بوده است و به صورت خرابه‌ای در آمده است که همه چیزش عقب مانده است و بالاتر از همه نیروی انسانی عقب مانده است، نگذاشتند که رشد بکند، نیروی انسانی را نگذاشتند که اسلام آن کار هائی را که می‌خواهد بکند، از این جهت ما یک مملکتی هستیم که جنگزده هستیم، مملکتی هستیم که پنجاه سال فساد در آن بوده است، فسادزده هستیم و باید با همت همه قشرها این فسادها از بین بروند و همه با هم دست به هم بدهیم و این بار را به محل خودش برسانید و این نهضت را ثمر بخش کنید. و تکلیف همه ما

این است که همه در هر محلی که هستیم به تکلیف خودشان عمل بکنند، تکالیف شخصی، تکالیف اجتماعی و تکالیف سیاسی، شما که در ارتش هستید (و امیدوارم که نیروی شما هر روز بیشتر بشود) شما در آنجا مشغول باشید برای اصلاح امور.

نیروهای نظامی باید اسلامی شوند

ارتش اساس یک مملکت است، حافظ یک مملکت است و اگر ارتش، اسلامی و فکرش اسلامی بشود، مملکت را به کمال مطلوب می رساند. شما حافظ حدود کشور هستید و کسی که حافظ حدود کشور اسلامی است باید خودش هم اسلامی باشد. باید در پادگان های شما اسلام حکومت کند، باید شما اسلامی باشید. باید تمام نیروهائی که هست، چه نیروهای نظامی و چه نیروهای دیگر، همه باید اسلامی بشوند. جمهوری اسلامی باید محتوایش تحقق پیدا بکند و اگر محتوا تحقق پیدا بکند، دیگر دست همه اجانب از شما کوتاه است.

از تشبثات و تبلیغات ضد انقلابیون نهراسید

توجه داشته باشید این قدرتی که داشتید حفظ بکنید، وحدت کلمه را حفظ بکنید، با هم باشید، همه گرفتاری هایی که بعد از هر انقلاب است، خیلی به نظر نیاورید. بعد از هر انقلاب البته گرفتاری های زیادی است خصوصاً یک انقلابی که وارث یک مملکتی است که پنجاه سال کوبیدند آن مملکت را و همه چیزش را از بین بردند. شما وارث یک همچو مملکتی هستید. بعد از هر انقلابی یک بیماری در ملت ها پیدا می شود و بحمدالله این انقلاب ما از همه انقلاب هائی که تاکنون اتفاق افتاده است پاکتر و صافتر و باید این را انقلاب سفید اسمش را گذاشت و من امیدوارم که چون انقلاب اسلامی بوده است و برای اسلام بوده است و با فریاد الله اکبر این انقلاب به پیروزی رسید، خدای تبارک و تعالی با ما باشد و انشاءالله هست و خدای تبارک و تعالی پشتیبان شما و پشتیبان ما پشتیبان ملت های اسلامی، پشتیبان ملت ایران باشد و همه با هم به پیش بروید و گرفتاری ها را انشاءالله رفع کنید قدرتمند باشید. هیچ از این حرف هائی که زده می شود، از این قلمفرسائی هائی که می شود و از این چیزهائی که در مثلاً بعضی مکتوبات گفته می شود که ایران حالا شلوغ شده و چطور است، خصوصاً چیزهای خارجی هیچ از اینها نترسید، هیچ خبری نیست. قدرت دست خودتان است و مملکت هم دست خودتان است. این چهار نفر و چند نفری هم که مفسده می کنند، اینها هم به قبرستان فرستاده می شوند. شما انشاءالله باقی هستید و باقی بمانید انشاءالله.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان بابل

آشوب ضدانقلابیون سدی برای انجام اقدامات عمرانی در کشور

بسم الله الرحمن الرحيم

من این چیزهایی که شما خواندید، نه اینکه دفعه اول بوده که می شنوم، ما از اول که این انقلاب بحمدالله به آن پیروزی نسبی رسید و سی و پنج میلیون جمعیت از حبس ها بیرون آمدند و بیرون ریختند، و بعد از آنی که از آن جهت هجمه ای بیرون آمدند، به فکر خودشان افتادند و توجه شان از نهضت کم شد و به فکر گرفتاری ها افتادند، تقریباً هر روز چندین مرتبه یا در کاغذها می خوانید یا در صحبت ها می شنوید. نه این است که ما غافل باشیم از این مسائل، این مسائل معلوم است و شما می دانید که اقلاً حالا ما وقتی صرفنظر از دو هزار و پانصد سال بکنیم، در این پنجاه و چند سال برنامه این بوده است که وضعیت ایران - آشوب - به آشوب بکشند، به تباهی بکشند، یعنی همه چیز ما را از بین ببرند. کشاورزی را که خود شما مطلع بر آن هستید می بینید که چه به روزش آوردند به اسم اصلاحات و همه چیز را، همه جا را عقب مانده نگه داشتند که الان که از هر جا که می آیند می گویند، هر گروهی که می آیند می گویند که اینجائی که ما هستیم از همه جا بدتر است. از کردستان همین حرف را می زنند، از بختیاری همین حرف را می زنند، از بلوچستان همین را می گویند، از خوزستان همین را می گویند و این برای این است که در همه جا این حرف ها هست. این عقب افتادگی ها و نگه داشتن مردم را در فقر و فاقه و بردن ذخایر ملت و دادن به دشمن های اسلام به طور رایگان، تقریباً این مساله، مسائل را پیش آورده است و مسائل هم بیشتر از اینهاست که شما می گوئید. شما یک مقدارش را البته گفتید، لکن می دانید که بیشتر از اینهاست، لکن به مملکتی که اولاً جمعیت سی و پنج میلیونی یکدفعه از اختناق بیرون آمد و آزاد شده، این تقریباً بعد از آزادی، همه برای خودشان حق قائلند که در همه مسائل دخالت کنند و باید هم بکنند. خوب، مسائل، مسائل خودشان است، لکن باید فکر این هم بکنند که آیا این مسائل که ذکر می شود، همه اش قابل حل است به این زودی ها؟ این خانه نداری مردم، این فقر و فلاکت مردم، این زاغه نشینی مردم، این عقب ماندگی اقتصاد، این فاسد شدن رژیم، کار کردن و - عرض می کنم - کشاورزی و امثال ذلک، اینها قابل این است که یک دولتی، یک جمعی مثلاً بتوانند این را به این زودی ها به حال اول، یعنی نه به حال اول، به حال صحیح برگردانند؟ این البته وقت لازم دارد. از آن طرف هم که شما می بینید که مهلت نمی دهند به دولت، مهلت نمی دهند به ما که بتوانیم با یک فراغی

فکر این مسائل را درست بکنیم، آشوب پیا می کنند. خوب، در یک کردستانی که آشوب هست، زد و خورد هست و دائما فتنه گری هست، می شود در آنجا حالا اسفالت بکنند؟ در نظر بگیرند آسفالتش بکنند؟ جنگ است در یک حال جنگ نمی شود که اسفالت کرد، نمی شود که خانه سازی کرد، نمی شود که کارهای عمرانی کرد و در یک حالی که دامن دارند می زنند به اینکه مردم را مایوس کنند از این مسائل، باز مردم را می خواهند کنار بگذارند، مایوس بکنند تا اینکه آن قدرتی که می تواند کارها را انجام بدهد و آن قدرت ملت است متشتت بشود و مایوس بشود و نتواند کار بکند، باید همه این امور را در نظر گرفت.

پوچی شایعات مفسده جویان

این مسائل که گفتید بسیار در دست مطالعه است که انجام بدهند. همین دیروز که بعضی از آقایان اینجا بودند، راجع به همین، بعضی از مسائل که گفتید، با من صحبت کردند و _ عرض می کنم که _ بناست که مطالعه کنند و عمل بکنند. شما خیال نکنید که به فکر ما نیستیم. _ ما _ می بینید که الان همه اینجا هستند و مسائل خودشان را می گویند و بعد از شما هم باز یک دسته دیگر هستند، بعد از آنها هم باز یک دسته دیگر هستند و ما باید بالای پشت بام برویم با مردم تماس بگیریم، پائین و اینجا و در عین حال می بینید که آنهایی که می خواهند مفسده کنند می گویند که فلانی اصلا کسی با او ملاقات نمی کند. الان شما که اینجا هستید، آنها نشسته اند با قلم خودشان می گویند که با فلانی کسی ملاقات نمی کند، یک کانال دارد و آن هم مثلا بعضی از اهل علم هست. در صورتی که من از صبح که پا می شوم (که شما می دانید خوب، من سنم هشتاد سال است) از صبح که پا می شوم تا ظهر که گاهی وقت ها نماز ظهرم یک قدری هم عقب می افتد، با مردم مختلف، با اشخاص مختلف، با زن ها، با مرد ها، با اهل علم، با غیر اهل علم طوایف مختلف با من صحبت می کنند و حرف هایشان را می زنند، همانطور که شما دارید می گویند، شما حرف هایتان را زدید. اینها که می گویند که فلانی کسی با او ملاقات نمی کند نظرشان این است که به مردم حالی کنند که فلانی نمی تواند کار بکند برای اینکه هیچ اطلاعی از هیچ جا ندارد، برای اینکه هیچ اطلاعی از جایی ندارد نمی تواند یک کاری انجام بدهد. در صورتی که من از همه جاها مطلعم. الان مسائلی که آقا راجع به کردستان می گفتند، من مطلع بودم، آن مسائل را بیشترش را مطلع بودیم.

اسلام، خطری برای مستکبران و رباخواران

و مسائلی که الان شما چیز کردید، مسائلی است که مکرر صحبت شده است، عرض می کنم که در فکر هستیم و شما مطمئن باشید که اسلام برای مستضعفین است. من اشخاصی که سرمایه دارها بودند، اشخاصی که _ عرض می کنم که _ کارخانه دارها بودند، مکرر اینجا، جمعیت شان گاهی آمدند اینجا، من با آنها صحبت کردم گفتم به اینکه نمی شود اینطور که یک دسته ای آنطور زندگی بکنند و

آنطور حتی برای سگ هایشان اتومبیل داشته باشند و یک دسته دیگر توی این زاغه ها باشند که هر ده نفرشان یک سوراخی ، اصلا قابل تحمل نیست . و من اعلام خطر کردم به آنها گفتم اگر خدای نخواستہ یک وقت مردم ، در متن اسلام انفجار پیدا بشود، یک وقت این است که در زمان طاغوت یک چیزی واقع می شد، خوب ، می گفتند طاغوت است و ماها هم به آنها می گفتیم که انشاءالله اسلام اگر تحقق پیدا کند، کارها انشاءالله درست می شود و حالا هم همان معنا را می گوئیم ، یک وقت این است که در اسلام خدای نخواستہ یک یاسی پیدا بشود برای خاطر اینکه ما هم توانیم این اشخاص فاسد را بکشیم یک قدری پایین و این مستضعفین را یک قدری بالا و به هم نزدیکشان بکنیم ، اگر یک انفجاری پیدا بشود با یاس از اسلام ، هیچ قدرتی نمی تواند خاموشش کند و این خطری است برای این طبقه ای که به فکر نیستند. من به آنها نصیحت کردم ، حالا هم به همه کسانی که دارای اموال زیاد هستند نصیحت می کنم که شما فکر بکنید، بدانید که اگر خدای نخواستہ این جمعیت مایوس بشوند، انفجار در آنها پیدا بشود، همه شما، همه ما از بین خواهیم رفت . باید فکری بنشینید بکنید خودتان ، خودتان فکر بکنید، البته آنها فکر نکنند، ما فکر می کنیم ، اینطور نیست که ما فکر نکنیم ، ما با وجوه شرعیہ ، با ولایت الهیہ با آنها عمل می کنیم . من در نجف هم که بودم ، در صحبتی که ، مصاحبه ای که از لوموند آمدند کردند گفتم به آنها که ما وضعمان چه جوری است . خودمان آنهایی که دارای کذا و کذا هستند به حساب می کشیم و حساب هایشان را رسیدگی می کنیم و اسلام اینطور نیست که همچو اجازه بدهد که این دسته آنطور، آن دسته آنطور، این ابد اسلام همچو اجازه ای را نداده . اینها باید حساب هایشان کشیده بشود، اینها اصلا حساب نداشتند با اسلام ، رباخوارها باید حسابشان کشیده بشود در موقعش ، البته حالا هم می کنند اما باید به طور صحیح بشود. در هر صورت شما متوجه باشید به اینکه ما می دانیم این گرفتاری ها را و من می دانم که در بعضی از جاها. و اما راجع به اینکه گفتید هماهنگ نیستند این دادگاه ها، همین معنا در چند روز پیش از این ، در قم یک اجتماعی از همه اینها شد و همه را دعوت کردند و یک وضع هماهنگی را پیشنهاد کردند، و انشاءالله این هم درست خواهد شد و ما می دانیم که خوب بعضی از اشخاص هستند و حتی بعضی از معممین هستند که درست عمل نمی کنند و ما باید البته با تدریج آنها را اصلاح بکنیم . درست خواهد شد، مطمئن باشید.

شما بودید که با مشت خالی این دولت قوی را، این قدرت شیطانی را شکستید و به جهنم فرستادید. شما حالا از چه می ترسید؟ از چهار تا دموکرات که ترس ندارد و چهار تا دزد. اینها دزدهایی هستند که من یادم هست ، شما شاید هیچ کدام یادتان نباشد که دزدها می آمدند، حتی در خمین که ما بودیم ، وقتی ریختند که می خواستند خمین را بگیرند منتها مردم جلوگیری کردند، اینها هر روز سرگردنه ها بودند و دزدی می کردند. ولی در یک مدتی دزدی ها همه متمرکز شد در یک جا و او در پیش رضاخان و پسرش ، همه دزدی ها را متمرکز کردند در یک جا، جلو گرفتند از سایر دزدها اما دزدی ها را خودشان کردند. حالا آنها رفتند و یک قدری بر آنها آزادی پیدا شده و چهار تا دزد هم دزدی می کند. از این چهار تا دزد چه کسی باید بترسد؟ هیچ کس از این چهار تا دزد نمی ترسد. اینها اصلاح می شود،

برتری انقلاب ایران در مقایسه با سایر انقلابات به دلیل ماهیت اسلامی آن است

شما اگر ملاحظه کنید آن انقلاباتی که در سایر جاها و کشور پیدا شده، انقلابات، انقلابی که در شوروی پیدا شده است، شصت و چند سال از آن می گذرد الان هم نابسامان است، الان هم در آن فساد هست. میلیون ها آدم را اینها می کشتند در این انقلابات، میلیون ها آدم. الان یک انقلاب های جزئی که واقع می شود می گویند _ کشتارش _ دو میلیون جمعیت کشته شده. این انقلاب ایران از باب اینکه انقلاب اسلامی بود، یک انقلابی بود که وقتی آنها که بر انقلاب تسلط پیدا کردند اعتقاد به اسلام داشتند، نمی ریختند بیخودی مردم را قتل عام بکنند، این انقلاب بهترین انقلاب هائی است که تاکنون واقع شده است. البته کشتار هم داشته است، لکن کم بوده زیاد نبوده، از آن طرف هم اشخاصی که در مرکز فساد بودند، اشخاصی که چندین سال مردم را به آتش کشیدند، چندین سال قتل عام کردند، اینها هم به سزای خودشان یک مقداری رسیدند هم فرار کردند ولیکن از همه انقلاب هائی که در عالم پیدا شده است این انقلاب اسلامی ایران برای خاطر اینکه اسلامی بوده از همه بهتر است و یک انقلاب صحیح است، یک انقلاب اسلامی است. و لهذا بعد از انقلاب یک آزادی مطلقى به همه داده شد. شما خیال می کنید در انقلابات دیگر آزادی می دهند؟ آزادی به مردم نمی دادند. بعد از انقلاب تمام مطبوعات را جلوی می گرفتند، تمام مجالس را جلوی می گرفتند، همه دستجات را جلوی می گرفتند، همه را به طور اختناق جلوی می گرفتند به اسم اینکه انقلاب، در انقلاب باید این چیزها بشود، لکن این انقلاب اسلامی جلوی هیچ طایفه ای را نگرفته، جلوی هیچ قلمی را نگرفت. چند ماه که معلوم شد که می خواهند توطئه کنند، توطئه گر هائی که بر ضد اسلام می خواستند توطئه بکنند، یک چند نفری را جلوی می گرفتند که نه، چه بکنید. حالا هم یک قلم های فاسد باز می گویند چرا جلوی فلان مجله، چرا فلان مجله، نمی دانند اینها، خوب، آن مجله، روزنامه کذا تمام چیزش از اسرائیل بوده است. اینها می خواهند که، توقع این را دارند که اسرائیل هم که در اینجا می خواهد توطئه کند نباید جلوی را گرفت، باید آزاد کرد قلم را. قلم آزاد، قلمی است که توطئه گر نباشد. قلمی آزاد است، روزنامه ای آزاد است که نخواهد این ملت را به عقب و به تباهی بکشد. این قلم ها همان سرنیزه سابق است که می خواهند ملت را به تباهی بکشند اینها. البته ملت تحمل نمی کند که جوان هایشان داده، حالا چهار نفر پشت میز نشین و بالانشین بنشینند و طرح بدهند و درست بکنند و بگویند که قلم آزاد نیست، چه آزاد نیست. کدام قلم ها آزاد نیست؟ قلم های فاسد آزاد نباید باشد. الان هم فاسدهاشان خیلی هایشان آزادند منجمله همین قلم هائی که می گویند چرا آزاد نمی گذارید، اینها هم توطئه گر هستند.

با دل محکم و مشت گره کرده نهضت را به پیش ببرید

در هر صورت شما مطمئن باشید، با دل محکم، با مشت گره کرده و محکم به جلو بروید و شما

پیروزید، اما شرط این است که آن نهضت به همان وضعی که آمد، به همان قدرتی که آمد، حفظش کنید. حالا هی نروید سراغ اینکه من چیزی ندارم، توی اداره مثلا جای من کمتر از کسی است. اینها چیزهای بعد از انقلابی است یعنی یک بیماری بعد از انقلاب. بیماری های بعد از انقلاب مضر است، آن توجه کردن به اینکه حالا، حالا من چه باید داشته باشم، ندارم، مثلا من باید مقام چه باشد، نیست.

و این چیزهایی که می بینید گفته می شود، البته یک دسته ما می دانیم که دسته ای هستند که زاغه نشین ها، ما می بینیم، متاسفیم برای آنها، متاثیریم برای آنها، لکن اینطور نیست که به فکر آنها نباشند، به فکر آنها هستند، به تدریج دارد می شود. همین الان که اینهایی که در بنیاد مستضعفین بودند، آمدند اینجا چیزهایشان نشان دادند که ما اینقدر عمل کرده ایم، اینقدر خانه درست کرده ایم. دارد می شود. البته سی میلیون جمعیت که بیشترشان (اگر نگوئیم بسیاری شان) بی خانمان و زندگی صحیح ندارند، یک همچو چیزی باید با تدریج درست بشود، پهلویش بگذارید اینکه اقتصاد ما را از بین بردند بکلی، قرض ها را هم گذاشتند به دوش ملت ما و از بانک ها قرض کردند و هر چه که داشتند برداشتند بردند، همه اینهایی که شما می بینید، فرض کنید این چیزهایی که اینها داشتند گرو بانک هاست و پول از آن گرفته اند، اینها در چند ماه قبلش معلوم می شد که به فکر این بودند که از بین خواهند رفت، دنبال این بودند که همه چیز را ببرند و بردند همراه خودشان.

قیام برای خدا شکست ندارد

ولی خدا با ماست و خدا با شماست و کسی که برای خدا کار می کند، قیام برای خدا می کند این از هیچ چیز نباید بترسد، یعنی از اینکه شکست هم بخورد نباید بترسد. این شکست نیست. ما برای خدا کار می کنیم. سیدالشهدا هم شکست خورد اما برای خدا کار می کرد و شکست داد، در عین حالی که در صورت شکست خورد، شکست داد شما هم انشاءالله پیروز خواهید شد و انشاءالله امیدواریم که آنطوری که ما می خواهیم اسلام تحقق پیدا بکند، اسلام متحقق بشود وقتی که متحقق شد همه چیزها درست خواهد شد.

و از مجلس خبرگان گله نکنید آنها علماً هستند، آنها در فکر همه چیز هستند، طرح دارند آنها _ خیال نکنید _ همین کسی که از مجلس خبرگان و عضو آنها بود دیروز پیش من بود، طرح دادند اینها. خیال نکنید که اینها می خواهند مستکبرین را دوباره سر کار بیاورند، اصلا مطرح نیست این مسائل، نه در مجلس خبرگان مطرح است و نه پیش مسلمان. یک کسی که مسلمانی فکر می کند، مطرح است که بخوانند دوباره بساط غارتگرهای سابق و رباخوری های سابق و نمی دانم سوار شدن به دوش کشاورزها و اینها و آن بساطی که خان ها برای کشاورزها درست می کردند؟ هیچ این مطرح نیست و هیچ خوف اینها را نداشته باشید و گول اینهایی که از مجلس خبرگان می تکذیب می کنند، فریب نخورند، اینها همان ها هستند که می خواهند که مجلس خبرگان نتواند کار بکند و این نهضت نتواند به نتیجه برسد و برگردد به آن حالی که خودشان می خواهند، آن حال، آنهایی که خوب هایشان

هستند یک جمهوری دموکراتیک می خواهند منهای اسلام، آنهایی که وابسته هستند که همان مسائل را می خواهند.

ولایت فقیه مجری قانون و مخالف دیکتاتوری است

در هر صورت، ما باید خودمان، شما، همه ملت مان دست به دست هم بدهیم و همانی که از اول فریاد می کردیم که آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی، همین را تعقیب کنیم. جمهوری اسلامی، احکام، احکام اسلام، باید احکام، احکام اسلام باشد. این حرف هایی که می زنند که خیر، اگر چنانچه ولایت فقیه درست بشود دیکتاتوری می شود، از باب اینکه اینها ولایت فقیه را نمی فهمند چیست. _ اگر ولایت _ ولایت فقیه نباید بشود، برای اینکه باید به حکومت ملت باشد. اینها ولایت فقیه را اطلاع از آن ندارند. مسائل این حرف ها نیست، ولایت فقیه می خواهد جلوی دیکتاتوری را بگیرد، نه اینکه می خواهد دیکتاتوری بکند. اینها از این می ترسند که مبادا جلو گرفته بشود. جلو دزدی ها را می خواهد بگیرد. اگر رئیس جمهور باید با تصویب فقیه باشد، با تصویب یک نفری که اسلام را بداند چیست، درد برای اسلام داشته باشد، اگر درست بشود نمی گذارد این رئیس جمهور یک کار خطا بکند. اینها این را می خواهند. اینها اگر یک رئیس جمهور غربی باشد همه اختیارات دستش بدهند هیچ مضایقه ای ندارند و اشکالی نمی کنند، اما اگر یک فقیهی که یک عمری را برای اسلام خدمت کرده، علاقه به اسلام دارد، با آن شرایطی که اسلام قرار داده است که نمی تواند یک کلمه تخلف بکند. اسلام دین قانون است، قانون، پیغمبر هم خلاف نمی توانست بکند، نمی کردند، البته نمی توانستند بکنند. خدا به پیغمبر می گوید که اگر یک حرف خلاف بزنی رگ و تینت قطع می کنم. حکم قانون است، غیر از قانون الهی کسی حکومت ندارد، برای هیچ کس حکومت نیست، نه فقیه و نه غیر فقیه، همه تحت قانون عمل می کنند، مجری قانون هستند همه، هم فقیه و هم غیر فقیه همه مجری قانونند. فقیه ناظر بر این است که اینها اجرای قانون بکنند، خلاف نکنند، نه اینکه می خواهد خودش یک حکومتی بکند، می خواهد نگذارد این حکومت هائی که اگر چند روز بر آنها بگذرد برمی گردند به طاغوتی و دیکتاتوری، می خواهد نگذارد بشود، زحمت برای اسلام کشیده شود. خون های جوان های شما در راه اسلام رفت، حالا ما دوباره بگذاریم که اساسی که اسلام می خواهد درست بکند و زمان امیرالمومنین بوده و زمان رسول الله صلی الله علیه و سلم بوده، بگذاریم اینها را برای خاطر چهار تا آدمی که دور هم جمع می شوند و پاهایشان را روی هم می اندازند _ عرض می کنم _ چائی و قهوه می خورند و قلمفرسائی می کنند، مگر ما می توانیم اینها را بزنیم، مگر ما می توانیم؟ قدرت جائر است برای کسی، برای یک مسلمان که تمام این خون هائی که ریخته شده هدر بدهد و اسلام را بگذاریم کنار و چیزهائی هم که ولایت فقیه (یک همچو ولایت فقیهی نداریم) خوب شما نمی دانید، شما فقیه را اطلاع بر آن ندارید که می گویند ولایت فقیه نداریم. ولایت فقیه از روز اول تا حالا بوده، زمان رسول الله تا حالا بوده. این حرف ها چه است که می زنند اینها، همه این اشخاص غیر مطلع بر فقه، غیر مطلع بر

مجاری

امور، این حرف ها را می زنند و اذهان را مشوب می کنند و اشخاص خیال می کنند که هی اینها نشستند اینجا برای سرمایه دارها، حالا این هم یک حرفی بود که حالا- شما- امروز من شنیده بودم که برای سرمایه دارها. مساله این حرف ها نیست، این مطالب تبلیغات است. هیچ ایدا دنبال این مطلب نباشید که اینها چیز بودند. اشخاص صالحند، دائما مشغول کار هستند و آنهایی که از اسلام می ترسند البته باید به همه چیز، چیز بکنند، اشکال، به همه چیز اشکال دارند، از آن طرف به هر فردی که پیش می آید اشکال دارند و به هر جمعی که پیش می آید اشکال دارند، هر که بگوید اشکال، به او اشکال دارند. انشاءالله خداوند همه شما را تایید کند، موفق باشید. من خدمتگذار همه شما هستم و ما انشاءالله امیدواریم که به آن مقصدی که همه مان داریم، مال همه است، اسلام مال همه است، به آن مقصد انشاءالله برسیم.

بیانات امام خمینی در میان جمعی از دبیران عضو انجمن اسلامی آذربایجان شرقی

راس همه اصلاحات، اصلاح فرهنگ است

بسم الله الرحمن الرحيم

آنچه که بعد از انقلاب بر شما معلمین و بر همه قشرهایی که سمت تعلیم و تربیت را دارند وظیفه است و لازم، اینکه این مغزهایی که در طول پنجاه و چند سال حکومت جائزانه و سلطه اجانب باید بگوئیم غریزه شدند، نجات بدهید، اگر بخواهید ملت شما نجات پیدا بکند. نجات ملت در فرهنگ و در دانشگاه ها باید طرح بشود. مادامی که ما پیوستگی مغزی داریم به خارج و اجانب، هیچ یک از این گرفتاری هایی که شمردید، نمی توانیم از زیرش فرار کنیم. راس همه اصلاحات، اصلاح فرهنگ است و نجات جوان های ما از این وابستگی به غرب، غرب بسیار چیزهای مفیدی دارد که برای خودش نگه داشته و یک قدری از آنها را صادر کرده است با بسیاری از جنایت ها به ممالک شرق. آن چیزی که آنها به اسم علم صادر می کنند، به اسم فرهنگ صادر می کنند، به اسم ترقی و تعالی صادر می کنند آن غیر از آنی است که پیش خودشان است. آنها برای ممالک شرقی یک طور دیگری فکر می کنند. اگر ملاحظه کرده باشید، همین چند روز، قبل، چند هفته قبل در یکی از روزنامه ها یا مجلات نوشته بود که فلان دواها، فلان قسم از دواها در آمریکا ممنوع است لکن برای جهان سوم صدورش مانع ندارد، اطبائی که در خارج می روند و تحصیل می کنند و دارای جواز می شوند، دیپلم می شوند و این کارهایشان را تمام می کنند، بسیاری از آنها را اجازه اینکه در خود آن کشور طبابت کنند نمی دهند، می گویند بروید در مملکت خودتان طبابت کنید. کیفیت تحصیلی که جوان های ما می روند به آنجا تحصیل می کنند و به خیال خودشان برای ترقی می روند، کیفیت تحصیل صحیح نیست یعنی آنها این معنا، این چیزهایی که نفع دارد برای همه به اختیار ما نمی گذارند. اگر چنانچه یک تعلیمی هم بکنند، یک تعلیم جزئی است و باید بگوئیم تعلیم استعماری. همه چیز ما را وابسته به خودشان در عین حال می کنند و به ما هم چیزی نمی دهند. ما الان در همه چیز به گمان همه یک نحو وابستگی داریم که بالاتر از همه، وابستگی افکار است. افکار جوان های ما، پیرمردهای ما، تحصیلکرده های ما، روشنفکرهای ما، بسیاری از این افکار وابسته به غرب است، وابسته به آمریکاست و لهذا حتی آنهایی که سوءنیت ندارند و خیال می کنند می خواهند خدمت بکنند به مملکت خودشان، از باب اینکه راه را درست نمی دانند و باورشان آمده است که ما باید همه چیز را از غرب بگیریم، این وابستگی را دارند و این

وابستگی سرمنشأ همه وابستگی هاست که ما داریم . اگر ما وابستگی فرهنگی را داشته باشیم دنبالش وابستگی اقتصادی هم هست ، وابستگی اجتماعی هم هست ، سیاسی هم هست ، همه اینها هست .

مفهوم آزادی و اختناق در قاموس رژیم سابق و غریزدگان

شما معلم ها و همه اساتید، توجه کنید به این معنا که غرب به ما چیزی نمی دهد که مفید باشد. دارد چیز مفید، اما به ما نمی دهد، صادر نمی کند، آنی که _ به ما صادر _ برای ما صادر می کند آن چیزهایی است که مملکتهای ما را به تباهی می کشد. آزادی صادر می کند، اما آزادی برای اینکه هر که هر فحشائی را می خواهد بکند آزاد است . مع الاسف اینهائی هم که در ایران هستند و آزادی طلب هستند باز وقتی که می بینید یک چیزی که برای مملکت ما تباهی داشته است و جلوییش را گرفتند آنها فریادشان در آمده است که اختناق است . اختناق این است که قلم هائی که بخواهند به نفع یک کشوری ، به نفع کشور شما، به نفع اسلام شما، به نفع ملت شما به کار برود، جلوییش را بگیرد. اگر چنانچه یک چیزی که بر ضرر جامعه ما هست ، بر ضرر نهضت ما هست ، بر ضرر کشور ما هست ، توطئه در کار باشد جلوییش را بگیرند این اسمش اختناق نیست ، این اسمش جلوگیری از فساد است . این دو تا را باید، این دو مرز را از هم جدا کرد. جلوگیری از فساد، آزاد قرار ندادن جوان ها را به اینکه در این مراکز فحشا وارد بشوند، هر وئینی بشوند، تریاکی بشوند، به فحشا وارد بشوند، قمار باز بشوند و امثال ذلک ، جلوگیری از اینها اسمش جلوگیری از آزادی نیست و اسمش اختناق نیست ، اسمش عمل کردن به نفع خود جوان هاست . در طول این مدتی که این سلسله خبیث در ایران حکومت کردند، یک چیزهائی آزاد بودند، هر که هر کاری دلش بخواهد بکند _ که _ دخالت در امور مملکتی و دخالت در سرنوشت خود کشور نباشد، هر کاری بخواهند بکنند، دامن هم به آن می زدند. مراکز فحشا در شهرهای بزرگ و خصوصاً در تهران از همه جا بیشتر و از مراکز صلاح بسیار بیشتر بود. می گفتند که مشروب فروشی بیشتر از کتابفروشی است . مراکز قمار، مراکزی که مهیا می کردند برای اینکه بچه ها را به فحشا بکشند، دخترها و پسرها را به فحشا بکشند، اینها آزاد، دامن هم به آن می زدند، وسائل هم برایش فراهم می کردند، تبلیغات هم از همه طرف می کردند، از تلویزیون تبلیغ می کردند، از رادیو تبلیغ می کردند، از مجلات _ چیز می کردند _ از روزنامه ها تبلیغ می کردند. گفته هایشان اینطور بود، نطق هایشان اینطور بود، این تبلیغات آزاد بود و جوان های ما را فاسد کرد لکن یک قلم که بتواند یک کلمه راجع به گرفتاری های ملت بنویسد آزاد نبود. یک زبان که بتواند یک کلمه راجع به مقدرات مملکتش صحبت بکند آزاد نبود. یک کلمه بر خلاف آن چیزی که آنها دلشان می خواست از کسی صادر می شد، سرنوشتی به دست ساواک بود و به آن بساط. آنها آزادی را در یک جبهه نگه داشته بودند و فریاد هم می زدند: (آزاد زنان و آزاد مردان) همین ها بودند مقصودشان که اینها آزادند هر کاری که می خواهند بکنند، به هر مرکز فحشائی می خواهند بروند. اختناق در یک جبهه دیگر بود، برای قلم هائی که اگر می خواست کسی یک کلمه راجع به مصالح مملکت بنویسد، راجع به مصالح اسلام بنویسد،

اینها آزاد نبود و اختناق بود. الان هم که ملاحظه می کنید، بعضی از قلم ها همین جور، همین طور دارند مشق می کنند، وقتی که یک توطئه گری را، یک توطئه گرانی را که فسادشان برای ملت ثابت است جلویشان را می گیرند، فریادشان در می آید که ای کذا و کذا! اگر جلوی یک فحشائی را بخواهند بگیرند باز هم صدای این آقایان در می آید که آزادی نیست لکن اگر کسی بخواهد یک عملی بکند که برای کشورش مفید است، برای آتیه کشورش مفید است، بیمه می کند استقلال کشور را، صدایشان در می آید که چرا باید اینطور بشود. می خواهند سانسور کنند. اشخاصی هستند که سانسورچی هستند با قلم های خودشان، منتها زورشان نمی رسد که با عمل بروند جلو بگیرند، با قلم های خودشان می خواهند سانسور کنند حتی مجلس خبرگان را می خواهند سانسور کنند، انتقاد می کنند، وقتی ریشه انتقاد را بررسی بکنید می بینید که ریشه انتقاد برمی گردد به اینکه اگر این درست بشود، بر خلاف امپریالیسم است، برخلاف مقاصد آنهاست. ریشه این است لکن در لفظ جور دیگر جلوه می دهند. الان ما گرفتار یک همچو مسائل هستیم و جوان های ما هم گرفتار، این وابستگی به غرب را دارند. ما باید همه دست به دست هم بدهیم و این گرفتاری را بیرون کنیم. غرب را فراموش کنید.

روابط ما با آمریکا و شوروی، مثل رابطه بره با گرگ است

من فکر می کردم که اگر ما بتوانیم یک دیواری مثل دیوار چین بین شرق و غرب بکشیم، بین ممالک اسلامی و چه بکشیم، دیوار زمینی و هوایی که مملکت ما از دست آنها نجات پیدا کند و حتی ترقیاتشان را هم ما عذرش را بخواهیم به نفع ما بیشتر است، حتی آنهائی که _ به اسم _ ترقی به ما می دهند _ به اسم _ شما ملاحظه کردید که در زمان محمدرضا، این خائن بدبخت که حالا نمی دانم آیا صحیح است که می خواهد به جهنم برود باز توطئه است این الان در دست بررسی است، در زمان این چقدر از ذخایر این مملکت برای خرید یک ابزارهای جنگی که خود ایرانی ها نمی توانند استعمالش کنند چقدر ذخایر ما، بودجه این مملکت صرف شد برای خریدن اینها، چیزهائی که به درد ما نمی خورد و برای پایگاه درست کردن برای آمریکا بود. نفت ما را، ثروت ما را دادند، در مقابلش به ما چه دادند؟ به ما این معنا را دادند که پایگاه برای آمریکا درست کردند. عوض پول نفتی که از ما گرفتند، نفت را از ما گرفتند عوضش یک اسلحه هائی، یک چیزهائی که ما خودمان نتوانیم استعمال کنیم و محتاج به کارشناس باشیم و مستشار باشیم و امثال ذلک و به درد خود آنها بخورد، پایگاه، خود آنها درست کنند در این مملکت و از پول ما برای خودشان پایگاه درست کنند. وارد کردن چیزهای مترقی آنها اینطوری است، برای خودشان است. شما تصور نکنید که اینها برای ما و برای صلاح ما یک قدم بردارند. هر که این را تصور بکند این جاهل است، که اینها بخواهند ممالک شرق یک قدم رو به ترقی برود. اینها نمی خواهند. ممالک شرق باید فکر خودشان باشند، نسیان کنند غرب را و خودشان مشغول بشوند به اصلاح حالشان. اگر ما می توانستیم که بکلی منقطع بشویم از اینها، اجازه می داد این مسائل که بکلی منقطع بشویم از اینها، به صلاحمان بود. خیال نکنید که روابط ما با آمریکا و روابط ما با _ نمی دانم _

شوروی و روابط ما با اینها یک چیزی است که برای ما یک صلاحی دارد. این مثل رابطه بره با گرگ است. رابطه بره با گرگ، رابطه صلاحمندی برای بره نیست. اینها می خواهند از ما بدوشند. اینها نمی خواهند به ما چیزی بدهند. اینها اعلام می کنند که این دوا در آنجا قدغن است، در شرق بفروشید. به حال ما چه فکری می کنند اینها؟ آن دوائی که آنجا قدغن است، دوائی است که مضر است لابد، تا قدغن کردند، اگر مضر نباشد که قدغن نمی کنند، این باید آنجا فروش برود. آنها چه فکر می کنند در حال شرق و در حال دنیای سوم؟ اینها چه فکری می کنند؟ اینها را چه جوری تصور می کنند؟ همین هائی هستند که برای حقوق بشر و نمی دانم برای حتی حقوق حیوانات مجامع دارند اما همه اش این مجامع، مجامع برای حفظ حقوق خودشان با اسم حقوق بشر، حقوق خودشان را حفظ می کنند و حقوق ما را پایمال می کنند. اینکه می گویند حقوق حیوانات هم باید باشد، طرفداری از حتی حیوانات، یک طایفه ای می گویند طرفداری از حیوانات که در ویتنام هزارها مردم را در سایر شهرها هزارها، صدها میلیون مردم را به آتش می کشند!! یک طایفه ای قضیه حقوق بشر را می گویند که این بشر را پایمال کردند و ما مع الاسف باورمان می آید از این مسائل و گویندگان ما از همین حقوق بشر و از همین ها پشتیبانی می کنند. حقوق بشر را اسلام می تواند پایه گذاری کند که سرانش مثل علی ابن ابیطالب است، نه کسانی که بشر را می خورند و اسم حقوق بشر رویش می گذارند. شرق باید بیدار بشود از این خوابی که او را کردند، از این غفلتی که آنها ایجاد کردند در ما باید بیدار بشویم. اگر بیدار نشویم ما طعمه آنها خواهیم بود. باید دانشگاه ها بیدار بشوند، باید از همین دبستان تا آخر دانشگاه از این افکار غریزه تهی بشوند و شرق روی پای خودش بایستد. اگر شرق روی پای خودش نایستد، باز وابسته باشد، وابسته فکری عمده است، خیال کند که همه چیزی از اوست، تا یکی مریض می شود به اطبا اینجا رجوع نمی کنند فوراً باید برود امریکا یا باید برود انگلستان، نمی شود اینجا، با اینکه یک دسته از اطبا که آمدند اینجا من گفتم که شماها، دانشگاه های ما چه کردند تا حالا که حالا وقتی که یک مریضی می شود باید بروند آنجا. می گفتند ما می توانیم معالجه کنیم لکن مردم اینجور شدند. این افکار، افکاری است که مملکت ما را به تباهی دارد می کشد که همه چیز ما از آنجا بیاید و همه چیز ما باید وابسته به آنجا باشد. حالا- چون اتومبیل ما از آنجاست و برق ما هم نمی دانم چه و زهر مار ما از آنجاست پس باید فرهنگ ما از آنجا باشد، پس باید همه چیز ما از آنجا باشد. آقا بدانید که اینها برای ما هیچ صلاحی نمی خواهند، اینها کوشش می کنند که ما از حیوانات پست تر باشیم، اینها کوشش می کنند که ما یا اشخاصی بار بیائیم غریزه، برای آنها کار نکنیم و اگر نه بمانیم در این حال عقب افتادگی و ببرند آنها همه چیز ما را. شرق باید بیدار بشود، باید حساب خودش را از غرب جدا کند، تا آنقدر که می تواند. اگر می توانست باید تا آخر جدا کند، حالا که نمی شود، تا آنقدر که می تواند باید جدا کند لاقول فرهنگش را نجات بدهد.

ای فدائیان خلق! شما از کجا اسلحه آوردید؟

جوان های ما را نجات بدهید. دولت ها موظفند جوان های ما را نجات بدهند دانشگاه ها موظفند این جوان ها را نجات بدهند. مع الاسف افرادی که از خود آنها، وابسته به آنها، وابسته به امریکا و امثال اینهاست، الان در بین دانشگاه ها موجود، در بین دانشسراها موجود، در صحراها موجود، در کردستان موجود، در بلوچستان موجود، اینها اشخاصی هستند که از آنها ارتزاق می کنند و برای آنها خدمت می کنند والا جوان ها پول از کجا آوردند که یک وقت بگویند به دو هزار نفر، سه هزار نفر کارمند، نفری چقدر ما می دهیم که کار نکنند. پولشان کجا بود؟ از کجا آمده این پول؟ اینها که پول ندارند خودشان. اینها از آنجا دارد برایشان می آید. این اسلحه هائی که الان در کردستان به کار می رود از کجاست؟ اگر اینها خودشانند، واقعا مردمی هستند که برای مملکت خودشان دارند خدمت می کنند، اسلحه ها را باید پرسیم از آنها که شما از کجا آوردید. ای فدائیان خلق! شما از کجا اسلحه آوردید؟ شما وقتی کردستان فساد هست می روید به کردستان، حالا که کردستان می بینید که نمی توانید عمل بکنید از قراری که می گویند راه افتادند راه افتادند طرف رشت و آن حدود انزلی و آنجا. اسلحه را از کجا، پول را از کجا می آورید شما؟ جز این است که از خارج است؟ از هر خارجی وقتی که جوان های ما استفاده بکنند خائند. از هر خارجی، پول از خارج بگیرند برای فلج کردن مملکت، اسلحه بگیرند برای فلج کردن مملکت، بالاترین خیانت این است. معذک خودشان را روشن فکر و از آن طرف مردم را می کشند، از آن طرف منتشر می کنند که جمهوری اسلامی دارد کرد را می کشد. جمهوری اسلامی می خواهد کرد را نجات بدهد از دست شما، نمی خواهد که کرد را بکشد. اینها گرفتاری هاست و گرفتاری زیادتر از این است لکن من به شما مژده می دهم که ما پیروز هستیم من به شما مژده می دهم که این حالی که ملت ما الان پیدا کرده است و این حال بیداری که ملت ما پیدا کرده است، نتوانند آنها پیروز بشوند و خود شما خواهید پیروز شد. با قدرت فکر و تصمیم، با قوه به پیش بروید که شما پیروزید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران سمیرم و اعضای جهاد سازندگی اصفهان

توطئه اجانب و عمالش در تضعیف نیروهای دفاعی کشور

بسم الله الرحمن الرحيم

من امیدوارم که این جوان های برومند ما بتوانند آن خدمت شایسته ای که باید، به اسلام و کشور خودشان هست بکنند. و من امیدوارم که با نیروی اسلامی وزیر پناه اسلام بتوانیم به مشکلاتی که هست غلبه کنیم. عشایر ایران در زمان سابق یکی از پشتیبان های کشور بودند که به واسطه سلطه این رژیم و دستیاری اجانب اینها را یکی بعد از دیگری تضعیف کردند. این عشایر بودند که می توانستند در مقابل اینکه دیگران بخواهند تجاوز کنند به کشور خودشان، جلوگیری باشند، لکن پدر این محمد رضا، رضاخان که آمد، دستور این را ظاهراً داشت که این عشایر را تضعیف کند. البته بعضی از خان هایی که در آن وقت بودند تعدیات داشتند، لکن رضا خان از این باب تضعیف کرد آنها را بلکه شاید دستوراتی داشت که نباشند این کسانی که می توانند از کشور خودشان دفاع کنند و نمی گذارند به دیگران تجاوز کنند، یک دستور هم این بوده است که عشایر را از بین ببرند. آنها همه قدرت هائی که احتمال می دادند که در مقابل اجانب ایستادگی کنند، شکستند، قدرت روحانیت را شکستند، قدرت عشایر را شکستند و هر جایی که می شد، می توانستند، اینها را از بین بردند و کوچ دادند.

از این جهت یک خیانتی به ایران کردند و حالا که دست اینها کوتاه شده است باید عشایر ایران به وظائف ملی خودشان عمل کنند. و طوری نکنند که گفته بشود که حالا- که رژیم رفته است اینها به جان مردم افتادند. باید این جهت خیلی مراعات بشود که همه جهات اسلامی باشد.

کوشش در خودکفائی کشاورزی گامی به سوی رهائی از سلطه ابرقدرت ها

یک کشوری که الان مال خودتان شده است، این است که زراعت، الان یک زراعت است. فصل زراعت پائیزی است، این زراعت را کوشش کنید که به طور شایسته انجام دهند. ما اگر چنانچه زراعت خودمان، کشاورزی خودمان نتواند کفاف برای خودمان باشد، دستمان دراز باشد پیش امریکا و امثال امریکا برای ارزاقمان، وابسته خواهیم بود، نمی توانیم کاری انجام بدهیم، آنوقت در جهات سیاسی هم باید وابسته بشویم. باید شماهائی که، مردمی که مسوول کشاورزی بودند، باز هم مشغول باشند و کسانی که پیشتر به واسطه مشکلاتی که برایشان ایجاد شده بود نمی توانستند عمل بکنند، حالا

عمل کنند، دولت هم لازم است که پشتیبانی کند از کشاورزها، همراهی کند با آنها، هم آنها مشغول باشند، هم دولت، تا اینکه راجع به کشاورزی که یکی از امور مهمه مملکت ماست و ما باید صادر کنیم محصولات خودمان را به خارج، اینطور نباشد که ما باز هم هی گرفتار باشیم، دستمان پیش خارجی ها دراز باشد برای اینکه نان به ما بدهند.

این برای یک مملکتی اولاً به مملکت اسلامی عار است که دستش را دراز کند طرف امریکا که شما نان ما را بدهید، حالا بفروشید به ما، این یک عاری است برای ما. ما باید خود کفا بشویم در همه چیز، منجمله در قضیه کشاورزی. ایران مملکتی است که کشاورزی او باید کشاورزی غنی ای باشد. ایران می تواند که یکی از استان هایش مال خودش را کفاف بدهد و مابقی صادر بشود. چرا باید ایران محتاج باشد به غیر؟ اینها این کار را کردند. به اسم اصلاحات ارضی، بکلی کشاورزی را از بین بردند و مملکت ما را به تباهی کشیدند. حالا با خود شماهاست، با خود کشاورزهاست که کاری بکنند، مسامحه نکنند، مملکت مال خود شما الان شده است، مملکت مال خودتان است، خودتان باید آبادش بکنید.

یک باب، باب کشاورزی است که باید کشاورزی به طور شایسته عمل بشود و در طرف شما که مناطق کشاورزی است و در هر منطقه ای، ایران تمام مناطق تقریباً مناطق کشاورزی است و در همه مناطق که زمین دارند و صلاحیت دارد زمین ها از برای کشاورزی، کشاورزی بکنند. در جهات اسلامی و شرعی البته حفظ بکنند و کشاورزی بکنند تا انشاءالله از این جهت مستغنی شویم.

وظیفه کارگران و کارمندان دولت در اصلاح کارخانه ها و وزارتخانه ها

باز یکی از گرفتاری هائی که هست قضیه کارگراهاست که در کارخانه ها یک قدری اخلاص می شود، کم کاری می شود، بیکاری می شود. این کارخانه ها مال خودتان است، حالا باید شما هم، کسانی که در کارخانه ها هستند، آنها هم کاری بکنند، بلکه کار را زیاده تر بکنند از سابق تا جبران بشود. چنانچه یکی از مشکلات و چیزهائی که هست، قضیه کارمندهای دولت است. کارمندهای دولت هم از قراری که اطلاع به ما می دهند کاری نمی کنند، کم کاری می کنند، این تشریفات طاغوتی، باز هست اینها غلط است، اینها باید همه تبدیل بشود و در صدد برآیند که اصلاح بکنند. وزارتخانه ها در صدد برآیند که هر کدام خودش را اصلاح بکنند. تا کی باید ما در قید و بند این مسائل طاغوتی باشیم. یک مطلبی که دولت تصویب هم می کند، وقتی که گرفتار کاغذبازی ها می شود باز تا مدتی این گرفتاری وجود دارد و این شکایات مکرر دارد برای ما می آید. در هر روز شاید شکایت بیاید از دولت، از کارمندها، از ادارات، از اینها. اینها باید اصلاح بشود. نمی دانم کی می خواهند اصلاح بکنند این امور را.

لزوم پاکسازی منحرفین از تلویزیون

در هر صورت من از شماها متشکرم و از این مادرها و برادرها که در جهاد سازندگی هستند و

زحمت کشیدند خیلی تشکر می کنم . من وقتی که در تلویزیون این جهاد سازندگی را ارائه می دهند، البته آنطوری که باید ارائه نمی دهند، دست هائی در تلویزیون هست که انحراف پیدا می شود در آن و مثل اینکه مدیران تلویزیون درست نمی توانند برسند به مسائل ، دست هائی فاسد هست که بسیاری از کارها و بسیاری از چیزهائی که در تلویزیون هست چیزهای انحرافی است . بسیاری از شعارهائی که در تلویزیون هست ، اشعاری که در آنجا می خوانند، چیزهائی که در آنجا می کنند از همین گروه های انحرافی است . اینها باید اصلاح بشود. تا کی باید باز تلویزیون ما تابع مسائلی باشد که همه اش انحرافی است ؟ یک مساله انحرافی را چند دفعه در تلویزیون گویند، اظهار می کنند، آن مصاحبه چی ، می رود مصاحبه کند، توی دهان می گذارد چیزهائی را که برای ناراحتی مردم است ، چند دفعه تکرار می کند یک مطلب را، که از آنها یک اقراری بگیرد هر که آنجا هم که می گوید حالمان خوب است آن باز اصرار می کند به اینکه مردم را وحشت بیندازد که کارها هیچ که خوب نیست ، همه جهات فاسد است . اینها را باید بریزید بیرون از تلویزیون . اگر نمی توانند، من بفرستم بکنند این کار را. چرا این مسامحه این همه دارد می شود و در همه جا دارد مسامحه می شود و ما نمی دانیم باید چه بکنیم با این وضعی که هست . همه شان اهل مسامحه هستند، همه شان اهل این هستند که می خواهند برای خودشان یک مساله ای درست بکنند که مبدا یک قلمی بر خلافشان گفته بشود. باید یک جوری عمل بکنند که موافق رضای خدا باشد، موافق مسیر ملت باشد. باید این امور اصلاح بشود. اگر این امور اصلاح نشود، ما عقب افتاده می مانیم . و جهاد سازندگی را در عین حال بعضی از جاهایش که می بینیم خیلی خوشحال می شویم .

ملت ، با وحدت و اتکال به خدا در اصلاح امور کشور بکوشند

و من امیدوارم که خود ملت هیچ اتکال به قوای دیگر نکند، خود ملت مشغول بشوند به اصلاح کارهایشان و امیدوارم که با وحدت کلمه ملت و با پشتکارشان کارها اصلاح بشود و مملکت ما سر و سامان پیدا کند و مطمئن باشید که این وضعی که الان دارید که خانم هائی که مثلا باید در شهرها باشند و به رفاه _ به قول آن سابقی ها باشند _ حالا می روند از دهات و از جهاد سازندگی وارد می شوند مهندسین می روند، اطبا می روند، تحصیلم کرده ها می روند، این همدردی که پیدا شده است در بین ملت ما، اسباب اطمینان است که انشاءالله مسائل حل بشود و ما بر همه مشکلات غلبه کنیم و انشاءالله اطمینان داشته باشید که شما پیروز هستید. همه مسائل به دست خودتان حل می شود و من امیدوارم که کردستان هم به دست شما جوان ها و به دست پاسدارها و به دست ارتش و ژاندارمری و اینها چیزهایش حل بشود. این مسائل چیزی نیست و با قدرت پیش بروید. خداوند همه شما را حفظ کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع مسوولان جهاد سازندگی قم

قم، شهر همیشه پیشقدم در امور نهضت

بسم الله الرحمن الرحيم

من در این حالی که هستم و ملاحظه می فرمائید، کمتر موفق شدم که برادرهای قمی خودم را از نزدیک ببینم و آن علاقه ای که من به این جوان ها دارم، البته به همه جوان ها لکن قم که محل خود ماست و ما سوابق زیاد با این آقایان داریم، علاقه خودم را به آنها تقدیم کنم، این مساله باید برای همه ملت، توجه به آن بشود که امروز که این مملکت به دست توانای شماها (و مبدا آن از قم بود) به دست شما افتاده است و کشور مثل خانه خود شما هست باید خود صاحبخانه ها به فکر خانه هایشان باشند. صاحبخانه ها ملت هستند و خصوصاً این طبقه ای که کار می کنند، این طبقه ای که زحمت می کشند برای ملت خودشان و این خانه ای که الان مخروبه بوده است و به دست شماها افتاده است باید خودتان به فکر آن باشید. قم همیشه پیشقدم در امور بوده است و حالا هم آقا، آفازاده خودم مسائل را گفتند و زحمت های شما و فعالیت های شما را در امور مختلف شهرستان خودتان گفتند، باید تشکر کنم، هم از آقا و هم از همه آقایانی که شرکت کردند در این امور و می کنند. باید همه استان ها و شهرستان ها و روستاها، یک دست با هم مشغول بشوند برای ساختن.

قطع وابستگی از شرق و غرب به شرط فعالیت همه جانبه اقشار

من این را باز هم گفتم به بعضی از گروه ها که انسان خجالت می کشد که یک کشوری که باید صادر کند و صادرکننده باشد دستش را پیش آمریکا، این دشمن ملت و دشمن بشریت دراز کند و از او کمک بخواهد و او هم کمک را همین طوری به ما نمی دهد. آنها روی مقاصد خودشان اگر بخواهند کمک بکنند کمک به خودشان هست، نه کمک به ما و این _ باید ما این عار را از کشور خودمان بزدائیم. به فعالیت جوانها، به فعالیت قشرهای مختلف، کشاورزی مان را باید همچو تقویت بکنیم که بعد از یکی دو سال صادر کننده باشیم، دیگران از ما بخواهند نه ما از آنها. می دانید که اگر چنانچه ما احتیاج داشته باشیم در ارزاقمان به خارج، این وابستگی برای ما اسباب این می شود که در امور سیاسی هم وابسته باشیم، و ما باید وابستگی مان را از اجانب و از غرب و شرق قطع کنیم. اگر ما بخواهیم که مملکتمان یک مملکت مستقل آزاد مال خودمان باشد، باید در این اموری که مربوط به

اقتصاد است، مربوط به فرهنگ است، مربوط به امور دیگر کشور است خودمان فعالیت کنیم و نشینیم دیگران انجام بدهند. دولت هم مثل خود شما یکی از افراد این مملکت است، آن هم به اندازه قدرتش باید همراهی کند لکن ما نباید بنشینیم که دولت همراهی نکند و اگر او نکند ما کاری نکنیم. شما الان می بینید که به طوری که آقا فرمودند آنقدر کار پیش بردید با همت خودتان بدون اینکه به شما یک کمک صحیحی کرده باشند، حالا از این به بعد هم همه ملت اینطور باید باشد. باید همه دست به دست هم بدهند و این بار را به منزل برسانند.

اغفال یک ملت رشید و متحول، رویائی است باطل

شما می بینید که الان توطئه ها باز در کار است و امریکا که دشمن شماره اول بشر و ماست باز این شخص خائن را با بهانه اینکه مریض است برده است امریکا و ما نمی دانیم که آیا صحیح می گویند یا نه، بلکه بعضی اطبائی که در آنجا بودند و مطالعه بعضی پرونده ها را کردند گفتند مرض این مرضی نیست که احتیاج به آمدن امریکا باشد، او در همانجا هم که بود می شد که همانجا باشد و معالجه کند. از این معلوم می شود که یک توطئه ای در کار است، البته دیگر محمد رضا قابل اینکه یک آدمی بشود و بتواند یک نفسی بکشد این نیست لکن این را آلت قرار می دهند. این قدرتمندها و شیاطین این را آلت قرار می دهند برای اینکه با آلت این، یک فعالیت های دیگری بکنند و بک تیپ های دیگری و قشرهای دیگری برایشان خدمتگزاری بکنند لکن باید این مطلب را بدانند که شما دیگر دستتان کوتاه شد از ایران، دیگر شما نمی توانید دوباره همان مسائلی را که برای بدبختی این ملت پیش آوردید پیش بیاورید. ملتی است که خودش دیگر بپاخواسته است و همه تکلیف خودشان را می دانند. این تحولی که الان در ملت پیدا شده است که یک نمونه اش شما جوان های عزیز من هستید، که مشغول اینطور فعالیت ها هستید، زن ها مشغول فعالیت هستند، مردها مشغول فعالیت هستند، جوان ها همه مشغول فعالیت هستند، این تحول دیگر طوری است که پشتوانه این کشور است. آنوقت اینها می توانستند رخنه بکنند به اینجا که این تحول حاصل نشده بود، این بینائی برای ملت ما حاصل نشده بود. حالائی که از هر فردی پرسید که دشمن تو کیست می گوید دشمن من غرب و شرق است و امریکا هم در درجه اول است، صهیونیست هم در درجه اول است این را دیگر نمی توانید شما اغفال بکنید، این ملت را نمی توانید اغفال بکنید. بیخود متشبث شدید که یک جنازه ای را ببرید در کشور خودتان و او را بخواهید آلت دست قرار بدهید. البته ما اعتراض داریم به اینکه دشمن ما را و جنایتکار درجه اول را به ملت ما خیانتکار بزرگ را بردند و ما از آنها مطالبه می کنیم که باید این را به ما تحویل بدهند. ما از او طلبکار هستیم، ما خزائن مان پیش اینهاست، بانک های خارجی از پول های ملت ما که به وسیله شخص او و اتباع او ذخیره شده است الان موجود است و ما آنها را لازم داریم و باید برای ملت خودمان اخذ بکنیم و امریکائی که ادعا می کند که ما در این نهضتی که بوده است ما هم حالا خوشحال هستیم، این حرف هائی است که می زنند والا در حالی که نهضت بود، همین امریکا، من که پاریس بودم کرا را

فرستادند به اینکه شما شاه را حالا کاریش نداشته باشید، بگذازید باشد چه بعد هم بختیار را. در عین حالی که اینطور بوده است حالا آن آمریکا هم انقلابی شده است !!

اشکال تراشی های بيمورد دلیلی روشن بر عدم رشد سیاسی

همانطوری که حالا ملاحظه می کنید که هر کس می آید اینجا اشخاصی که من می شناسم آنها را چه جور اشخاصی هستند، می آیند اینجا ادعا می کنند که ما در زمان سابق چه فعالیت ها کردیم و چه مجاهده ها کردیم و چه زجرها کشیدیم، در صورتی که من می دانم که در زمان سابق آنها در رفاه بودند و هیچ فعالیتی هم نکردند، اگر هم فعالیت کرده باشند فعالیت هائی بوده است که برخلاف مسیر ملت بوده. حالا- این یک مساله ای است که دیگر رسم شده و چون دیدند که یک سیل خروشان در حرکت است و اگر چنانچه بخواهند خلاف این را بگویند این سیل آنها را می برد، البته بعضی از آنها باز هم یک حرف هائی می زنند و من میل دارم که این همه این روشنفکرهای به اصطلاح و همه این دانشگاه و روسای دانشگاه و معلمین دانشگاه و اساتید دانشگاه و همه این قشرها، من میل دارم که اینها همه به فکر این مملکت باشند، هی به فکر اینکه اشکال بکنند و بنشینند هی اشکال به این، اشکال به دادگاه ها و اشکال به پاسبان ها و اشکال به پاسدارها و اشکال به دولت و اینها، این کاشف از این است که ما باز رشد سیاسی نداریم. اگر یک ملتی رشد سیاسی داشته باشد، آن روزی که می بینید که از چنگال این گرگ ها، این ملت نجات پیدا کردند و ممکن است که آن ریشه های پوسیده باز به هم پیوند بکنند و اسباب زحمت بشوند برای این ملت، باید همه اینها با هم دست به هم بدهند، دیگر آن نشینند توی منزلش با الفاظش یا قلمش یا با مقاله اش مطالبی بگوید که برخلاف مسیر ملت است، این دلیل بر این است که ما رشد نداریم، هر چه هم روشنفکر باشیم لکن رشد سیاسی یک مساله دیگر است. هر چه هم عالم باشیم لکن رشد سیاسی یک باب دیگر است. ما اگر رشد سیاسی داشته باشیم حالا یک کشوری که از خودمان شده و می توانیم در این کشور زندگی صحیح بکنیم، زندگی انسانی بکنیم، زندگی آزاد و مستقل بکنیم، نباید همه گروه گروه بشویم که در ظرف مثلا- چند ماه دویست گروه با اسماً مختلف و با حرف های مختلف و باز همان مسائلی که در صدر مشروطیت برای شکستن آن قدرت هائی که آن وقت مجتمع شده بودند باز حالا دوباره مشغول شدند و آن وقت هم با حزب بازی و احزاب متعدد و اینها و مع الاسف احزاب هم که در این ممالک پیدا می شود همه مخالف با هم و همه توی سر هم می زنند. نباید حالا مردم یک همچو کاری را بکنند. اقشار ملت ما باید همه دست به هم بدهند و این مملکت را نجات بدهند نه اینکه حالا بنشینند هر چه می خواهند به دولت حمله بکنند، هر چه خواهند به ملت حمله بکنند، هر چه می خواهند به مجلس خبرگان حمله بکنند، هر چه خواهند به کمیته ها و هر چه خواهند به پاسدارها و سپاه پاسداران و هر چه خواهند به اینها حمله بکنند و تضعیف بکنند. امروز تضعیف ملت و پاسدار و این قشری که الان مشغول خدمت هستند، خیانت به این مملکت است. باید ما دست برداریم از این افکاری که داشتیم و داریم که ما هر چه دلمان می خواهد

بنویسیم (چون خوب می نویسم فکر این نباشم که چه چیز می نویسم) گاهی نویسنده ها اینطوری هستند، نویسنده اند، خوب چیز می نویسند لکن چیز خوب نمی نویسند، یک مساله مضر به مملکت را خیلی قشنگ و آب و تاب دار و طوری که پسند مثلا بعضی جوان ها باشد نویسند لکن محتوایش مضر به مملکت .

دعوت از روشنفکر نمایان و مدعیان خلق به حرکت در مسیر ملت

آقایان! به خود بیایید نویسنده های ما! گوینده های ما روشنفکرهای ما! این مملکت حالا از خودتان هست، بنشینید همه دست به دست هم بدهید، با این قشرهایی که مشغول فعالیت هستند شما هم فعالیت کنید. این بیچاره هایی که خانه می سازند، حمام می سازند، مسجد می سازند، داروخانه درست می کنند و امثال ذلک که حالا آقا شرح یک مختصرش را فرمودند، خوب شما هم بنشینید کمک بکنید. نمی توانید بروید حمام بسازید، لااقل حمام را خراب نکنید، نمی توانید بروید در بین کشاورزها درو بکنید، لااقل با قلم های خودتان این دروگرهای ما را اذیت نکنید. من متاسفم واقعا که می بینم یک اشخاصی که ممکن است به درد یک مملکتی بخورند دارند یک کارهایی می کنند که اگر چنانچه انشاءالله این نهضت پیش برود و پیش می برد (مطمئن باشید که شماها پیروز هستید و متکی به خدا چون هستید خداوند با شماست) من متاسفم که اگر این مملکت اینطوری که ما می خواهیم پیش برود، آن آنوقت اینها دیگر به درد ما باید بگوئیم نمی خورند برای اینکه کسی که در بین انقلاب با انقلاب مخالفت می کند، کسی که در بین انقلاب شروع می کند چیزهایی را گفتن که در امریکا عمال صهیونیسم می گویند (اینها نیستند، من نمی گویم اینها عمال او هستند، نفهمند بعضی شان همان حرف هایی که آنجا می زنند، اینها می زنند) خوب وقتی این انقلاب به آخر رسید دیگر جای شما را نمی گذارند در این مملکت باشد و ما میل داریم شما کار بکنید توی این مملکت چرا خودتان را در بین ملت ضایع می کنید؟ چرا خودتان را از ملت جدا می کنید؟ چرا یک نهضتی که تا این اندازه جلو رفته است شما کاری می کنید که خدای نخواستہ این توقف بکند یا یک قدری دیرتر به مقصد برسد؟ به مقصد می رسد لکن ممکن است که حرف های شما دیرتر اینها را به مقصد برساند چرا هر روز یک کاری می کنید که جوان های غافل از شما متاثر بشوند و بروند در دانشگاه و نمی دانم بروند در خیابان ها و این کارها را بکنند که خلاف مسیر ملت است؟ آخر فکری بکنید شما، بنشینید همه تان با هم جلسه کنید، فکر بکنید. هی نشینید و بنویسید و بر خلاف مسیر ملت هم بنویسید. من همین امروز یک روزنامه معوجی که پیش من آمد دیدم، سرتاسر دیشب یک قدرش را نگاه کردم، البته حالش را هم نداشتم بخوانم. سرتاسر یک روزنامه ای با اینکه خودش را مثلا گوید که ما با خلق، کذا هستیم سرتاسرش همه چیزهایی است که برخلاف مسیر ملت است، آخر چرا باید اینطور باشد؟ چرا شمائی که مدعی هستید که ما با ملت موافقیم، مدعی هستید که ما خدمت برای ملت کنیم، چرا باید روزنامه شما اینطور تحریک آمیز باشد؟ چرا روزنامه شما باید اینطور باشد که جوان های ما را منحرف کند؟

یک قدر فکر بکنید، یک قدر توجه بکنید، به خود بیایید.

من از شما قمی ها همیشه متشکر بودم و حالا هم متشکرم و برای شما و برای همه ملت دعا می کنم . خداوند انشاءالله شما را حفظ کند. همه ما را در پناه امام زمان سلام الله علیه حفظ کند و خدمتگزار به این مملکت قرار بدهد. همه را تایید کند انشاءالله .

ص: 67

بیانات امام خمینی با نمایندگی دانش آموزان تبریز و اعضای جهاد سازندگی فیروزآباد

انقلاب ایران بهترین انقلابی بوده است که در دنیا تا کنون پیدا شده است

بسم الله الرحمن الرحيم

من اول تشکر کنم از همه خواهرها و برادرها که از راه های دور آمده اند و در این اطاق کوچک ملاقات کنند و مطالب خودشان را بگویند تا آنجائی که من هم می توانم مطالبی به آنها عرض کنم . من مطلعم از اینکه گرفتاری زیاد است و مطلعم از اینکه در همه جا آشفتگی ها هست و البته اینطور آشفتگی ها دنبال یک انقلاب بزرگ هست و بحمدالله آشفتگی هائی که در ایران پس از انقلاب هست ، خیلی زیاد نیست ، چشمگیر نیست ، موجب خوف نیست ، لکن هست ، اسباب زحمت هست . خیلی انقلاب ها را اگر ملاحظه کرده باشید بعد از گذشتن سال های طولانی ، باز هم آرامش در مملکت ها نیست و در دنبال سر بعضی انقلابات ، تمام احزاب را از فعالیت باز داشته اند ، تمام روزنامه ها را توقیف کرده اند ، تمام اجتماعات را منع کرده اند به اسم اینکه انقلاب است و انقلاب معنایش این است که هیچ کس حق هیچ نفس کشیدن را ندارد ، اما شما ملاحظه کردید که انقلاب ایران ، همان روز انقلاب ، همه گروه ها را فرصت داد ، همه روزنامه ها را اجازه داد ، همه اجتماعات را اجازه داد فعالیت کردند ، چند ماه هم فعالیت کردند تا آنکه به ملت ثابت شد که بعضی از جناح ها مخالف مسیر ملت هستند و به ضد انقلاب عمل می کنند و توطئه ها دارند ، از آنها بعضی شان جلوگیری شد و مشغول بررسی هستند . باید گفت که انقلاب ایران در ایران بهترین انقلابی بوده است که در دنیا تا کنون پیدا شده است و نکته اش هم این است که ملت مسلمان ، انقلاب کردند . انقلاب ، مربوط به حزبی مثلا فرض کنید نبوده است ، مربوط به یک فرض کنید کودتائی نبوده است ، مربوط به یک کودتائی فرض کنید از طرف نظامی نبوده است ، یا از طرف حزب ، بلکه مال خود ملت بوده است و خود ملت قیام کرده است و خود ملت پیش برده است و طرف را شکست داده است و ملت هم ملت اسلامی بوده است از این جهت که ملت یک ملت مسلم بوده است بی جهت نمی خواسته است که اشخاصی را بکشد ، اشخاصی را حبس کند ، اشخاصی را منع کند از فعالیت ، هیچ ابدا نظر به این معانی نبوده است . از این جهت یک انقلاب بسیار آرامی بوده است ، ولو اینکه الان مفسده جوها کارشکنی هایی می کنند ، لکن خوب اینها اشخاصی هستند که ضد انقلاب هستند و ریشه دار هم نیستند ، فعالیت هاشان یک فعالیت های سطحی است که اصلاح می شود انشاءالله

همه قشرها باید کمک بکنند تا این مملکت را نجات بدهند

و شما دانید که یک مملکت اینطور خرابی که برای شما گذاشته اند که همه جایش آشفته‌گی بود و خرابی بود و عقب ماندگی بود، این بخواهد اصلاح بشود، به طریق عادی یک زمان طولانی می‌خواهد اصلاح بشود، آنها همه چیز را خراب کردند و بالاتر از همه چیز که خراب کردند دانشگاه و مراکز تحصیل بود، اینها از دانشگاه‌ها از باب اینکه می‌ترسند که در دانشگاه اشخاص صحیح تربیت بشود و مقابلشان بایستند نمی‌گذاشتند دانشگاه‌ها آنطوری که باید، مشغول کار بشوند و تحت نظر خودشان اداره می‌شد و تحت نظر خودشان این تعلیمات به آن قدری که مفید به خودشان بود بود فعالیت‌هایمان به همان حد بود و روی این اصل نیروی انسانی ما را نگذاشتند که ترقی بکند و رشد بکند و حالا که مجالی اگر بگذارند پیدا بشود باید از سر شروع کنند. طرح برنامه‌هایی برای فرهنگ و اصلاح فرهنگ و تصفیه از اشخاصی که باز هم در فرهنگ یا در جاهای دیگر هست که این همه باید با تدریج درست بشود، فوراً نمی‌شود پشت سر انقلاب این کارها درست بشود. کارهایی است که باید با تدریج درست بشود. خوب، انشاءالله امیدواریم که درست بشود. وقتی یک مجلس شورا با خود ملت، با رای خود ملت انشاءالله تحقق پیدا کرد و یک حکومت مستقر و مستمری به وسیله مجلس درست شد. بسیاری از کارها آنوقت اصلاح می‌شود، لکن البته مهلت می‌خواهد، نمی‌شود، یک آدم که ممکن است یک سرمایه‌خورد و به چند دقیقه سرما خوردن مریض می‌شود این را بخواهند صحیحش کنند گاهی یک ماه، دو ماه طول می‌کشد این چند دقیقه‌ای که این سرما خورده جبران کند. یک مملکتی که دو هزار و پانصد سال زیر ظلم این رژیم سلطنتی بوده و آنقدری که ما شاهد بودیم، پنجاه و چند سال زیر ستم بوده است و همه اشخاص دولت‌های بزرگ در او تصرف داشتند در همه چیزش و همه چیزش را آشفته کردند و البته باید با یک مدت طولانی اصلاح بشود، لکن امید است که اصلاح بشود. بحمدالله ما الان همه جا وقتی که بروید می‌بینید که همه توجه به اسلام دارند و توجه به اینکه باید از زیر بار ظلم بیرون بروند، از زیر بار اجانب خارج بشوند، این مطلبی شده است که عمومی شده، بچه‌های کوچک هم می‌گویند، پیرمردهای افتاده هم می‌گویند، جوان‌ها هم که باید بگویند، بحمدالله این روشنی و این بیداری که برای ملت ما حاصل شده است امید بخش است. همانطوری که شما ملت با نداشتن تجهیزاتی غلبه کردید بر این قدرت‌های بزرگ که همه قدرت‌ها دنبالش بودند، حکومت‌های اسلامی هم دنبالش بودند، لکن ملت وقتی یک چیزی را خواست، نتوانستند حفظش بکنند، با قدرت ملت حفظش بکنند. با قدرت ملت و با توجه ملت به اسلام و خدای تبارک و تعالی این سد بزرگ را شکستند و من امیدوارم که این ملت و با همین بیداری و یک قدری اغماض کردن از مشکلات، یک قدری توجه به اینکه کار باید با تدریج انجام بگیرد، کار باید با یک قدری حوصله، یک قدری صبر، یک قدری توجه به اینکه، مشکلات کم نیست زیاد است، نباید هر قشری فکر این بکنند که یک مشکلاتی ما داریم چرا الان درست شود، این اسباب این شود که نتوانند آنهایی که می‌خواهند رفع مشکلات را بکنند. نتوانند رفع بکنند. و لهذا من از همه قشرها، خصوصاً از جوان‌های دانشگاهی و

دانشسرانی و محصلین و اینها خواهش می کنم یک قدری توجه داشته باشند به اینکه آلت دست ، یک وقت واقع نشوند که با یک طوری که خود ماها هم ، خود شماها هم نمی توانید مطلع بشوید که چه است ، همچو مطلب را درست می کنند که حتی اعتقاد کنند که نه الان باید اعتصاب کرد، الان باید ریخت در خیابان ، اگر نریزم در خیابان ، چه خواهد شد. شما بدانید که هر چه آرامتر باشد مملکت ، بهتر می شود اصلاحش کرد، در یک محیطی که توی خیابان بریزند به جان هم نمی شود اقتصادش را درست کرد، نمی شود دانشگاهش را درست کرد، وقتی محیط آرام باشد، توجه بکنید که باید آرام بشود، محصلین سر کلاس بروند، مشغول کارشان بشوند، معلمین مشغول کارشان بشوند، اساتید مشغول کارشان بشوند، زارع مشغول کارش بشود، کارگر مشغول کارش بشود، آرامش در یک مملکتی پیدا بشود، آنوقت کسانی که می خواهند خدمت بکنند، این را می توانند خدمت بکنند، اما اگر آرامش نباشد، مثلاً فرض کنید که کردستان این اشخاص فاسد ریختند و به همش زدند، خوب ، کردستان نمی شود با اینکه به هم خورده است آسفالت بشود، یک جایی که جنگ با هم می کنند، آسفالت معنا ندارد یا مریضخانه درست بشود این باید آرامش پیدا بشود، تا بتوانند آنهایی که می روند برای اصلاح ، اصلاح بکنند. مثلاً آقایان که در جهاد سازندگی رفتند و خداوند همه شان را حفظ کند یک همچو کار بزرگی را مشغول شده اند و یک همچو فداکاری می کنند جوان ها، می روند در جهاد سازندگی ، کار بسیار با ارزش است ، لکن اگر یک وقتی فرض کنید در آنجا هم آمدند یک شلوغکاری کردند، یک کاری کردند، یک کار انجام بشود، خوب ، محیط وقتی به هم خورده بشود، آنها هم نمی توانند کارشان را انجام بدهند. ما به همه ملت باید عرض بکنیم که ملت باید بداند که الان مملکت مال خودش است ، یک مملکتی که مال خودش است باید آرامش را خودش حفظ بکند تا آنهایی که مشغولند کار را انجام بدهند، بتوانند مجال پیدا کنند که انجام بدهند. اگر این آرامش محل درست نشود کارها درست نمی شود. به هم ریختن مثلاً فرض کنید که دانشگاه ها، ریختن در خیابان ها، نرفتن سر کلاس ها کار را درست نمی کند، کار وقتی درست می شود که اینها مطالبی که دارند، بگویند، به آرامش بگویند تا رسیدگی بشود به آن مطالب و انشاء الله به آرامش عمل بشود به آن . شما خیال نکنید که دولت یک دولتی است که می خواهد کارشکنی بکند، خودش خواهد خیانت بکند، این حرف ها نیست در کار، خوب این اشخاص معلوم است اشخاصی اند که می خواهند کار انجام بدهند، البته کار، کار بزرگی است و به این زودی نمی توانند انجام بدهند، کار کاری است که یک قشر نمی تواند انجام بدهد. اگر همه ملت با هم دست به دست هم ندهند و کمک نکنند به هم ، نمی شود انجام داد، باید کمک کرد، کشاورزها کمکشان به این است که کشاورزیشان را زیاد بکنند، ما اگر کشاورزیمان طوری نشود که خودمان برای خودمان نتوانیم وسیله معاش را تهیه کنیم و دستمان پیش امریکا باشد که نان ما را بده خوب ، این پیوستگی است به آنها و آنها هر روز جلوی گرفتن ، ما ناچاریم که تحمیل هر چه بکنند، قبول کنیم از آنها تا اینکه نان به ما بدهند، در صورتی که آنها به ما خیانت خواهند کرد، باید فداکاری بکنیم که در معاشمان احتیاج به کسی نداشته باشیم و به قدرت این کشاورزهاست . الان وقت این است که فعالیت

بکنند، از آن طرف دولت همراهی بکند و کمک بکند و رفع گرفتاری ها را بکند از آن طرف هم آنها مشغول فعالیت بشوند و کشاورزیشان را توسعه بدهند. خوب، شما دیدید که در این سال گذشته که یک قدری توسعه دادند، خوب، خیلی فرق کرد با سال های قبل و من امیدوارم به اینکه این کشاورزها روز به روز رو به رشد بروند، به طوری که ما صادر کننده باشیم مملکت ما یک مملکتی است که می تواند صادر کننده باشد، زمین دارد، آب دارد و همه چیز دارد، مخازن همه جور دارد و ما می توانیم که در این امور صادر کننده باشیم، ما باید صادر کننده باشیم، ما نباید دستمان دراز باشد به پیش غیر که به ما گندم بدهید، جو بدهید در صورتی که مملکت ما باید صادر کند، باید همه دست به هم بدهند کمک بکنند و همین جهاد سازندگی کمک بزرگی است که اینها در همه چیز کمک باید بشود که همه قشرها باید کمک بکنند تا این مملکت را نجات بدهند. یک مملکتی که بخواهید از خودتان باشد و دیگر نتوانند در آن دخالت کنند، اول باید آن چیزی که مربوط به ارزاق خودمان است که احتیاج از حیث رزق ما به دیگران نداشته باشیم، نان ما را دیگران ندهند. برای ما عیب است که ما بنشینیم و نانمان را دیگران بگویند که ما به شما می دهیم، ما به شما نمی دهیم، ما به شما نمی دهیم باید خودمان تهیه کنیم و این به این است که کشاورزی را توسعه بدهیم. اگر قبلا کم کاری می کردند، حالا زیادتر کار بکنند. اشخاص کمک کنند به آنها و دولت کمک شایان به آنها بکند و از همه اطراف کمک بشود تا این کشاورزی به خوبی راه بیفتد. وقتی که راه افتاد، ما احتیاجمان را از غیر در جهت اقتصاد بریده بشود، آنوقت در همه کارها می توانیم با آنها مقابله کنیم و چه بکنیم، الان هم الحمدلله می توانیم در هر صورت همه قشرها الان موظفند که کوشش کنند برای حفظ آرامش و فعالیت کنند، بیکار نشینند، فعالیت بکنند، کار بکنند، تا اینکه مملکت خودشان را نجات بدهند.

شرق یک فرهنگ اسلامی دارد که مترقی ترین فرهنگ است

و همین طور این دانشگاه ها باید یک دانشگاه هائی باشد که ما دیگر احتیاج به خارج پیدا نکنیم که دستمان در آنوقتی که می خواهند یک کسی را معالجه کنند به دیگران دراز کنیم که بروید آنجا معالجه کنید، باید دانشگاه های ما و همه قشرها کاری بکنند که لااقل ما محتاج به غیر نباشیم، اینطور نباشد که اگر یکی مریض بشود، بگویند اینجا نمی شود معالجه اش کرد، اینطور نباشد که اگر یک گرفتاری بشود، بگویند نه، نمی شود دیگر درستش کرد، خودمان سر پای خودمان بایستیم، شرق باید سر پای خودش بایستد، اگر شرق بخواهد باز وابستگی فکری داشته باشد به آنها و گمان کند که همه چیز از آنجا باید بیاید، باید تا آخر وابسته باشد. شرق یک فرهنگ اسلامی دارد که بلندترین، مترقی ترین فرهنگ است، با این فرهنگ اسلامی باید تمام احتیاجاتش را اصلاح کند و دستش را پیش غرب دراز نکند، پیش این غرب و از غرب بخواهد، خودش باید درست بکند، سابق اینطور بوده است که کتب طیبی شرق در اروپا رفته است، اروپا را طیب کرده و آن طیب های بزرگ را درست کرده، کتب شرق بوده است، کتاب شیخ الرئیس بوده، کتب رازی بوده است و اینها کار کردند، حالا چه شده

است که ما حالا باید بعد از اینکه تمدن از شرق طرف غرب رفته است شرق تمدن را صادر کرده به غرب ، حالا ما به واسطه یک کارهای ناشایسته ای باید عقب افتاده باشیم و دستمان را طرف غرب دراز کنیم باید شرق سرپای خودش بایستد و خودش را بیابد، تبلیغات زیاد اسباب این شده است که شرق خودش را گم کرده ، خودمان را گم کردیم ، هر چیز صحبت می شود گوید باید شما ببینید اسمائی که در اینجا متعارف بود می گذاشتند، داروخانه اسمش اروپائی باشد خیابان هم باید اسم یکی از اروپائی ها یا امریکائی ها تویش باشد، هر جا می رفتی باید این باشد. اجناس هم که درست می کردند، خود ایران جنس می بافت باید این کنارش خط انگلیسی باشد، یا خط لاتین باشد و بگویند از انگلستان آمده است این ، گم کردیم ما خودمان را، باید پیدا کنیم خودمان را، خودمان را باید از همه این خیابان ها، از همه این داروخانه ها، از همه این موسسات ، این اسمائ نحس خارجی ها زدوده بشود تا اینکه کم کم افکار متوجه خودمان بشود که ما خودمان دارا هستیم اینجا، فرهنگ دارد شرق ، فرهنگ غنی دارد، کسی که فرهنگ غنی دارد چرا برود سراغ دیگران و از دیگران بخواهد فرهنگ را بگیرد و دیگران هم به ما فرهنگ نمی دهند نا فرهنگی می دهند، دیگران به ما نخواهند یک مطلبی که به درد ما بخورد به ما بدهند آنها چیزهایی که به درد خودشان می خورد به ما دهند، شواهد زیاد است در اینکه هر چه به درد خودشان می خورده است اینجا فرستادند در صورتی که آن چیزها ممکن است تباه کند ما را، باید اگر ما بخواهیم استقلال پیدا کنیم _ گم کردیم ما خودمان را _ باید از این غرزدگی بیرون برویم ، خیال نکنیم همه چیز آنجاست و ما هیچ نداریم ، خیر، ما همه چیز داریم و فرهنگمان فرهنگ غنی است ، باید پیدایش کنیم این فرهنگ را. خوب ، بالاخره هر کاری مبدائی لازم دارد و ابتدائی لازم دارد الان ابتدا این است که ما باید برویم دنبال اینکه همه چیز از خود ما باشد.

انشأالله خداوند همه تان را تایید کند، همیشه موفق کند و گرفتاری ها را رفع کند و همه مسائل را به قدرت خودش حل بکند.

پیام امام خمینی به شورای انقلاب جمهوری اسلامی به مناسبت آغاز قرن 15 هجری

شورای انقلاب جمهوری اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

در آستانه فرارسیدن یکهزار و چهار صدمین سال هجرت پر برکت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم که سر لوحه نهضت انقلابی اسلامی تحت راهنمایی قرآن کریم و رهبری انسان ساز والاترین مرد جهان است ، مقتضی است با همکاری ملت و دولت برای بزرگداشت این قرن عظیم و پر برکت برنامه های انقلابی برپا دارید.

قرن گذشته گر چه برای ملت عزیز ما و برای اسلام و کشور مصیبت بار بود، لکن نهضت اسلامی ایران در اواخر این قرن ، سرنوشت امت اسلام را در قرن آتی دگرگون خواهد نمود. امید واثق که شرق در بند و خصوصاً کشورهای اسلامی ، در زیر پرچم توحید به مبارزات خود برای استقلال و آزادی ادامه داده تا از چنگ غرب و شرق توطئه گر نجات پیدا کنند و این قرن ، قرن نورانی کشورهای اسلامی باشد. از خداوند متعال عظمت اسلام و مسلمین را خواستارم .

روح الله الموسوی الخمينی .

بیانات امام خمینی در دیدار با اعضای انجمن اسلامی دانشجویان مدرسه عالی ترجمه مفیدی

ما باید خودمان را پیدا کنیم تا بتوانیم سر پای خودمان بایستیم

بسم الله الرحمن الرحيم

مثل کشور ما مثل بیماری است که لااقل پنجاه و چند سال بیماری کشیده است و همه قشرها به بیماری او دامن زدند و الان از بار قشرهایی که دامن به بیماری او می زدند فارغ شده است لکن بیمار است. از بیماری که پنجاه و چند سال به بیماری او کمک کردند و خائنین دامن زدند، نباید متوقع بود که به مجرد اینکه دامن زن ها خارج شدند بیمار فوراً صحیح بشود. این بیماری که در جامعه ما از غرب پیدا شده است، از ممالک خارجی که می خواستند ما را همه چیزمان را ببرند، این بیماری غربی را توقع نداشته باشید که با هشت ماه یا با هشت سال یا با بیست سال این بیماری رفع بشود. اینهایی که در دانشگاه ها هستند بعضی شان البته پنجاه سال اینها از غرب به مغزهای آنها بیماری تزریق شده و تربیت شدند اینها به همان تربیت های غربی و آنها اینها را آماده کردند برای اینکه جوان های ما را آنطوری بار بیاورند. شما بخواهید که فوراً این بیمارها سالم بشوند یا این بیمارها را کنار بگذارید و سالم پیدا بکنید، این توقع غیر معقولی است. من می دانم که در همه قشرها و خصوصاً در مراکز تعلیم و تربیت که بیشتر خارجی ها عنایت داشتند به نگهداری آنها در یک سطح معینی یا منحرف کردن آنها از آن راهی که باید بروند آنقدری که به دانشگاه ها آنها عنایت داشتند که نگذارند رشد بکند بلکه آنها را به مسیر دیگری ببرند، به راه دیگری ببرند، شاید به جاهای دیگر اینقدرها عنایت نداشتند. در یک همچو مسیری که آنها عمال خودشان را وادار کردند و جوان های ما را به مسیر دیگری بردند، شما متوقع نباشید که فوراً آنها از آن مسیر برگردند و به مسیر ملت بیایند. لکن مایوس نباشید، ملت راه خودش را پیدا کرده است، شما جوان ها راه خودتان را پیدا کردید.

اگر امروز نشود تصفیه، فردا تصفیه می شود، ناچار از این تصفیه است یعنی یک ملتی که فهمیده مرضش چیست، ابتدای هر چیزی فهم این است که گرفتاری چیست. در این پنجاه سال ما را از اینکه بفهمیم گرفتاری ما چیست اغفال کرده بودند ما آن میکروب های فاسد را و مفسد را برای خودمان درمان می دانستیم. ما آنهایی که ما را به تباهی می کشیدند برای خودمان معالج می دانستیم. ما را اینطور درست کرده بودند، این تبلیغات دامنه دارشان به ما اینطور حالی کرده بودند که شما باید هر چه که می خواهید، هر تمدنی که خواهید، هر فرهنگی می خواهید، از غرب باید، به دست خودتان ندارید.

به این افکار پوسیده ای که اینها تزریق کردند به وسیله قلم های فاسد و به وسیله گفتارهای منحرف کننده و اینها ما را همچو بار آوردند و جوان های ما را همچو بار آوردند که آنکه زهر مهلک برای جامعه ما بود، خیال کند دوی دردش است. الان هم همین فاسدها بعضی از همین فاسدها در جامعه ما هستند، در همه جا هستند، در دانشگاه هم هست، در همه جای مملکت ما هست و توقع این را نداشته باشید که یک درد پنجاه و چند ساله، یک چند روزه و چند ساعت و چند وقت و چند ماه و چند سال معالجه بشود. شما ملاحظه کنید، یک کسی که یک ربع ساعت سرماخوردگی برایش پیش می آید یک ماه گاهی احتیاج به معالجه دارد و یک جامعه ای که 2500 سال زیر یوغ اشخاص بوده است که برای خودشان می خواستند جاه و مقام درست کنند و ظلمشان بر جامعه همه طرف بوده است و آنکه ما یادمان است پنجاه و چند سال بدترین اوقات را مملکت ما گذارند، بدترین اوقات تاریخ ما بود یعنی از همه اطراف به ما هجوم آورده بودند، به مملکت ما هجوم آورده بودند، همه قشرها را بعد از مطالعه در خدمت گرفته بودند و ما را از خودمان بکلی تهی کرده بودند.

باید ما، نه ما تنها، شرق باید شرق خودش را که گم کرده پیدا کند. اینها با تبلیغات خودشان ما را همچو به غرب برگرداندند و غربزده کردند که همه چیز خودمان را، همه مفاخر خودمان را یادمان رفت، برای خودمان دیگر چیزی قائل نیستیم. همین چند روز پیش از این یک آقای که من او را نمی شناسم آمد اینجا نشست همچو تند تند می شروع کرد گفتن که آقا ما محتاجیم به آنها، محتاجیم به آنها، ما از آنها باید همه چیز بگیریم، من اصلا جوابش را ندادم لکن یک همچو مغزهایی است. ما تا نفهمیم که محتاج به آنها نیستیم، نفهمیم که آنها محتاج به ما هستند، نه ما محتاج به آنها، نمی توانیم اصلاح بشویم. شرق همه چیز دارد فرهنگش از فرهنگ غرب بهتر است فرهنگ غرب از شرق رفته است همه چیزش از غرب بهتر است فقط تهی اش کردند از خودش، فقط تبلیغات دامنه داری که به وسیله نوکرهای اینها که الان هم موجودند در مملکت ما، الان هم با صورت های مختلف در مملکت ما موجودند و مع الاسف اشخاصی دامن می زنند به اینکه. اینها را بزرگ کنند، اینها ما را از خودمان تهی کردند به طوری که ما خیال می کنیم هر چیز هست از آنجاست. ما تا خودمان را پیدا نکنیم، تا شرق خودش را پیدا نکند، تا آن گمشده پیدا نشود، نمی توانیم سر پای خودمان بایستیم. باید از مغزهای ما اسم غرب زدوده شود. در مقابل آنوقت که هر خیابانی که می خواستند بیشتر ترویجش کنند خیابان روزولت، خیابان نمی دانم زهر مار هی از آنها هر دواخانه ای که می خواستند بیشتر مشتری پیدا کند یک اسم خارجی رویش می گذاشتند. هر دوائی را که می خواستند دوا را خودشان درست می کردند لکن می خواستند ترویج بشود، یک اسمی از آنها رویش می گذاشتند. هر پارچه ای را که می بافتند، اصفهان پارچه می بافت لکن اسم آنها را رویش می گذاشت. ما همه چیزمان را باختیم. حالا دزدها را بیرون کردیم اما خودمان را پیدا نکردیم باید خودمان را پیدا کنیم. شرق باید در غرب را ببندد، در غرب را به روی خودش ببندد. تا غرب راه به اینجا دارد شما به استقلال خودتان رسید و تا این غربزده هایی که در همه جا موجودند از این مملکت نروند یا اصلاح نشوند شما به

استقلال نخواهید رسید، اینها نمی گذارند. ما باید خودمان را پیدا کنیم تا بتوانیم سر پای خودمان بایستیم و بفهمیم ما هم موجودی هستیم

تمام گرفتاری های مسلمین از امریکاست

غرب به ما یک چیزی که مفید به حال ما باشد نخواهد داد و نداده است غرب هر چه به این طرف فرستاده آنهایی بوده که برای خودش مفید بوده است حالا مضر به حال ما باشد یا نباشد مطرح نیست. من این را مکرر گفته ام و از بس متاثر شده ام این را باز مکرر می کنم که در چند روز پیش از این، چند وقت پیش از این در مجله، در روزنامه خواندم که دواهایی در امریکا قدغن شده است که استعمال بکنند آنجا، لکن مجازند که به دنیای ثالث بفرستند. شما ببینید اینها چه نظری به ما می کنند ما را مثل یک موجود زنده شاید فرض نمی کنند، و الله برای هر موجود زنده هم انسان اینطور حاضر نیست که یک دواپی که مضر است، بفرستد که به حیوان بدهد. شما ببینید که ما با چه موجوداتی مقابل هستیم، با چه موجودات کثیفی در آمریکا ما مواجه هستیم. آمریکا (ملت را نمی گویم دولت را می گویم) دولت های ابر قدرت با ما چه معامله می کنند و ما باز خاضع آنها هستیم باز برای آنها کار می کنیم. بشکند قلم هایی که برای اینها دارد کار می کند و بشکند زبان ها و ببرد زبان هایی که به نفع اینها دارد صحبت می کند و باز ملت را می خواهد تباه کند. شما فکر کنید که دواپی که آنجا نباید استعمال بشود، بفرستند به دنیای ثالث، بفرستند پیش ما، جهنم، ما هر چه به سرمان آمد از این دواها مانعی ندارد، آنها پولش را بگیرند. از اول همین بوده است، چیزهایی که به حال ما مفید باشد به ما ندادند. آقا، تمام گرفتاری های شرق از این اجانب است، از این غرب است، از این امریکاست. الان تمام گرفتاری ما از امریکاست. تمام گرفتاری مسلمین از امریکاست، از این امریکایی است که صهیونیسم را آنطور تقویت کرده است و آنطور دارد تقویت کند و برادران ما را فوج فوج می کشند.

تا فکر شما مستقل نباشد کشور شما مستقل نمی شود

ما تا تمام حیثیت خودمان را نفهمیم، نفهمیم که چی بودیم، ما در تاریخ چه بوده و چه هستیم، چه داریم، تا اینها را نفهمیم استقلال نمی توانیم پیدا بکنیم. تا فکر شما مستقل نباشد، کشور شما مستقل نمی شود. بروید دنبال اینکه فکرتان را مستقل کنید. دانشگاه ها بروند دنبال اینکه جوان های ما را مستقل بجا بیاورند، تربیت کنند که بفهمند خودشان یک فرهنگ دارند، یک فرهنگ بزرگ دارند، بفهمند که فرهنگ از اینجا صادر شده است به خارج، بفهمند که ما هم یک چیزی در عالم هستیم و ما خودمان می خواهیم خودمان را اداره کنیم.

باید اینطور تربیت بشود حالا، باید تصفیه بشود از این مغزهای پوسیده ای که عاشق آمریکا هستند و عاشق غرب هستند، باید تصفیه بشود از این موجودات، باید ادارات ما تصفیه شود از آن خائن هایی که الان هم به نفع رژیم سابق یا کم عمل می کنند و یا عمل نمی کنند و یا ضدش را عمل

کنند. تصفیه می خواهد این مملکت و البته تصفیه وقت می خواهد، باید بشود اما یک دفعه نمی شود. تکلیف ما چیست؟ تکلیف هر یک از ما و هر یک از افراد ملت این است که آن کاری را که می کند خوب انجام دهد. شما متوقع این نباشید که استاد چه جور هست آن را هم باید دنبالش باشید اما نایستید به اینکه او عمل خوب بکند، خوب، اول عمل خوب را بکن. اول خودمان، از خودمان شروع بشود تا برسد به جامعه مان. اصلاح از اول باید از خود آدم شروع بشود تا برساند به اینکه دیگری را اصلاحش کند. خوب کار بکنید، جدی کار بکنید. کشاورزانمان جدی کار بکنند، کارگرانمان جدی کار بکنند، گول اینهایی که می خواهند ما را دوباره برگردانند به حال سابق، به حال اینکه وابسته، همه چیزمان وابسته به خارج باشد گول اینها را نخورند، گول تبلیغات اینها را نخورند. تکلیف ما این است که اولاً هر کاری که محول به ماست خوب انجام دهیم. محصلید خوب تحصیل کنید، معلمید خوب تعلیم کنید، استادید خوب استادی کنید، کارگرید خوب کار کنید، کشاورزید خوب کشاورزی کنید، ملائید خوب ملائی ات را بکن، هر چی هستی همان کاری که به تو محول است او را خوب انجام بده. اگر یک ملتی یک چنین هوشیاری برایش پیدا شد که هر که، هر شخصی کار خودش را خوب انجام بدهد، یک ملت اصلاح می شود زود هم اصلاح می شود.

اما اگر من بنشینم برای اینکه یکی دیگر کار بکند، شما بنشینید که من کار بکنم، من بنشینم شما کار بکنید، نه من کار انجام می دهم نه شما انجام می دهید. منتظر نباشید دیگران برای شما کار بکنند این انتظاری بود که ما منتظر باشیم آمریکا برای ما دلسوزی بکند، منتظر باشیم که آمریکا به ما اسلحه بدهد. اسلحه هایی به ما دادند که به دردمان نمی خورد و به ضرر ما بود. قراردادهایی با ما کردند که همه قراردادهایشان به ضرر ما بود یا اکثرش. آنها برای ما کار نمی کنند. ننشینید دیگران برای شما کار بکنند، خودتان کار کنید. ملت خودش کار بکند، هم خودش عملی را که می خواهد انجام بدهد خوب انجام دهد و هم به رفیقش بگوید خوب انجام دهد، هم به جامعه. (کلکم راع و کلکم مسئول) همین است. همه مسوولیم در مقابل ملت و مسوولیم در مقابل خودمان. خودم را اصلاح کنم دیگران را هم اصلاح کنم، به هر مقداری که می توانید، باز ننشینید به اینکه من اهل منبر نیستم نمی توانم یک جامعه ای را دعوت کنم، من اهل خطابه نیستم نخیر، شما همان مقداری که می توانید خودت عمل بکن، به رفیقت هم به همان زبانی که داری بگو که خوب عمل کن، او هم خودش عمل کند به رفیقش بگوید. اگر یک همچو حسی در یک مملکت پیدا شد، مملکت زود اصلاح شود که ما ننشینیم که دیگران برای ما کار بکنند، ما ننشینیم که از غرب برای ما وارد بشود، ما خودمان کار بکنیم و خودمان کارهایمان را انجام بدهیم و غرب را فراموش کنیم. خداوند انشاءالله همه شمارا حفظ کند و موفق و موید و به پیش برآید.

استفتا گروهی از زنان مبارز ایران از محضر امام خمینی در مورد طلاق گرفتن زنان

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور مقدس رهبر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی دام ظلّه

مسئله اختیار طلاق به دست مرد، موجب ناراحتی و تشویش خاطر گروهی از زنان مبارز ایران شده است و گمان می کنند که دیگر به هیچ وجه حق طلاق ندارند و از این موضوع افرادی سوء استفاده کرده و می کنند. نظر جنابعالی راجع به این مسئله چیست؟

پاسخ امام خمینی به این استفتا:

بسم الله الرحمن الرحيم

برای زنان محترم، شارع مقدس راه سهل معین فرموده است تا خودشان زمام طلاق را به دست گیرند. به این معنی که در ضمن عقد و نکاح اگر شرط کنند که وکیل باشند در طلاق، به صورت مطلق یعنی هر موقعی که دلشان خواست طلاق بگیرند و یا به صورت مشروط، یعنی اگر مرد بدرفتاری کرد یا مثلاً زن دیگری گرفت، زن وکیل باشد که خود را طلاق دهد، دیگر هیچ اشکالی برای خانم ها پیش نمی آید و می توانند خود را طلاق دهند. از خداوند متعال توفیق بانوان و دختران محترم را خواستارم. امید است تحت تاثیر مخالفین اسلام و انقلاب اسلامی واقع نشوید که اسلام برای همه مفید می باشد.

روح الله الموسوی الخمينی .

پیام امام خمینی به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد استقلال الجزایر

بسم الله الرحمن الرحيم

در آغاز بیست و پنج سال رهائی کشور عزیز الجزایر از تحت سلطه جابرانه استعمارگران متمدن نما، درود و تحیات خود و ملت شریف ایران را نثار آنان نموده و به ملت برادر خویش صمیمانه تبریک عرض می نمایم . ملت ما تلخی سلطه اجانب و مفتخواران نفتخوار مخصوصاً آمریکا را چشیده و غم شما برادران را احساس نموده است و به حسب اخوت ایمانی در غم و شادی ملت شریف الجزایر و سایر ملت های عزیز اسلامی شریکند. من امیدوارم که مسلمانان جهان در آستان قرن حاضر گرفتاری های خود و منشأ آن را به درستی بررسی کنند و با اتحاد همه جانبه و اتکال به اسلام و در زیر پرچم پر افتخار آن از قید و بندهای استعمارگران رهائی یابند. مسلمین که در آستان این قرن ، دردهای جانفرسای خود را یافته و از قدرت های شیطانی بزرگ جز گرفتاری های گوناگون و چپاولگری ها و جنایات چیزی ندیده اند باید با هم پیوستگی صمیمانه و توجه به خداوند بزرگ و اسلام عزیز به فکر چاره برآیند. چاره و یا مقدمه اساسی ، آن است که ملت های مسلمان و دولت ها اگر ملی هستند کوشش کنند تا وابستگی فکری خود را از غرب بزدایند و فرهنگ و اصالت خود را بیابند و فرهنگ مترقی اسلام را که الهام از روحی الهی می باشد بشناسند و بشناسانند. شرق و آفریقای عزیز، این قاره ای که با نهضت اسلامی ملی و قیام خونین مردم دلاور الجزایر از خواب گران بیرون آمد و کشوری بعد از کشور دیگر، خود را از چنگال آمریکا و کشورهای استعمارگر دیگر نجات داد باید روی پای خودشان بایستند و شدیداً با فرهنگ صادراتی مبارزه کنند. کشورهای آسیا و سایر کشورهای در بند در قاره های دیگر باید بدانند که آنچه از غرب و شرق توطئه گر و استعماری و از آمریکای متجاوز بر کشورهای ستم کشیده صادر شود، تباهی و فساد آن قابل مقایسه با صلاح آن نیست . تمام کشورهای اسلامی چون ایران بنا به وظیفه اسلامی خویش باید از کشورهای در حال رشد و مبارزه با استعمار مادی و معنوی پشتیبانی کنند. کشورهای اسلامی باید در مقابل اسرائیل اشغالگر که اکثر گرفتاریهای کشورهای اسلامی به دست آن است موضع خصمانه داشته باشند و با تمام نیرو از آرمان فلسطینی و لبنان عزیز دفاع کنند. کشورهای اسلامی باید از سازمان های آزادیبخش سراسر جهان دفاع کنند ما توطئه مصر و آمریکا و اسرائیل را برای درهم کوبیدن نهضت بزرگ مردم مبارز فلسطین شدیداً محکوم می کنیم . سران و نمایندگان کشورهایائی که در الجزایر عزیز جمع شده اید! بیائید

متحد شویم و دست جنایتکاران چپ و راست را که در راس آن آمریکاست قطع نموده و اسرائیل را از ریشه برکنیم و حق مردم فلسطین را به خودشان بسپاریم . از خداوند متعال بیداری مسلمین و اتحاد کلمه آنان و عظمت کشورهای اسلامی را خواستارم .

والسلام علیکم وعلی عبادالله الصالحین

روح الله الموسوی الخمینی .

ص: 80

بیانات امام خمینی در دیدار با گروه امداد تهران

ما از اول هم امیدمان به نیروی انسانی الهی ملت بوده است

بسم الله الرحمن الرحيم

از زحمت هائی که شمردید و فعالیت هائی که در منطقه خودتان انجام دادید من تشکر می کنم و خداوند تعالی اجر به شما خواهد داد. باید ما بدانیم که خود ما باید مشغول فعالیت باشیم. خود ملت در هر جا که هست باید به خرابی هائی که در طول شاهنشاهی و در طول این پنجاه و چند سال برای مملکت ما پیش آمده است خود ملت باید قیام کند، قیام برای خدا و قیام برای بندگان خدا. شما منتظر این نباشید که این ادارات، این استانداری ها و امثال اینها برای شما کار بکنند، اینها بسیارشان همان مغزهای فاسد رژیم سابقند بسیاری از اینها اگر کار شکنی نکنند، کمک نمی کنند و ما نباید بنشینیم که این مغزهای فاسد به ما کمک کنند. ما جوان های خودمان بحمدالله زیاد و تحول بزرگی که در مملکت ما حاصل شده است و جوان های ما را که بسیاری در مراکز غیر مشروع بوده اند کشانده است در خدمتگزاری به خلق و خدمتگزاری به خدای تبارک و تعالی، باید ما از نیروی این جوان ها استمداد کنیم. ما از اول هم امیدمان به ملت و جوان های برومند ملت بود. ما همیشه توجه مان به خود ملت، به نیروی انسانی الهی ملت بوده است و با استمداد از همین طبقه کارگر، طبقه تحصیلکرده جوان، بازاری ها، از همین طبقات به قول آنها طبقات پائین و به قول من طبقات بالا استفاده کردیم. اینها بودند که نهضت را به اینجا رساندند و اینها هستند که می توانند به پیش ببرند، اینها بودند که در آنوقت که نهضت کرده بودند، نشستند که فلان استاندار با آنها همراهی کند یا فلان اداره با آنها همراهی کند اینها خودشان قیام کردند و بسیاری از ادارات و کارمندان ادارات هم کمک کردند لکن در بین اینها اقشاری هستند، افرادی هستند که الان هم مشغول کارشکنی هستند و اینکه می بینید که به شما کمک نمی کنند این روی همان طرز فکری است که اینها در آن رژیم طاغوتی داشتند که آن طرز فکر را به این زودی نمی توانیم ما عوض کنیم.

این مغزهای پوسیده را بگذار فرار کنند

این ملت ما در طول پنجاه سال یک طرز فکری در آن پیدا شده است، یک وضعی در دماغش پیدا شده است که به این زودی نمی شود عوضش کرد.

آنهائی که در خدمت رژیم بودند و چندین سال

خدمت کردند به آنها و الان هم خدمتگزار به اجانب هستند و الان هم آرزوی این را کنند که باز آن رژیم و یا فاسدتر از او برگردد که اینها باز کاخ نشین بشوند و ملت ما حتی کوخ هم پیدا نکند، اینها الان هم در صدد هستند، اینها چند تایشان، چند نفرشان که در همین چند روز اجتماع کرده بودند در یک جائی، افسرده بودند برای اینکه - قهر - در ایران اشخاصی را اعدام کردند، همان معنائی را که آمریکائی ها آنجا می گفتند اینها در ایران و در یک محضر محترم می گفتند که این اعدام ها اسباب این می شود که ما دیگر حیثیمان را در دنیا از دست بدهیم ما یک حیثیتی در زمان محمد رضا داشته ایم حالا داریم از دست می دهیم!! ما خیلی حیثیت داشتیم؟ کدام حیثیت را شماها دارید پیش خارج که حالا می خواهید از دست بدهید؟ ما جنایتکارهایمان را بگذاریم راه بروند در بین مردم و مادرها و پدرهایی که بچه هایشان را کشته اند، برای اینکه شما دلتان می خواهد که در خارج به شما تبریک بگویند؟ شما اینقدر مغزهای خودتان را باخته اید که خیال می کنید که اگر چند تا جنایتکار را مثلا اعدام کنند و چند تا جنایتکار را تادیب کنند، حیثیت ما از بین می رود. شما چه حیثیتی دارید در دنیا که از بین برود؟ دنیا شما را به چه حیثیتی قبول کرده است؟ دنیائی که آمریکایش اینطوری است که دوا را می گوید که در اینجا صرف نکنید و بفرستید در دنیای ثالث، در دنیای سوم. دوائی که آنجا به مردمش نمی دهند از باب اینکه ضرر دارد، می گویند بفرستید به دنیای سوم، شما این حیثیت را در دنیا دارید و ما می خواهیم این حیثیت را که شما دارید از بین ببریم، یک حیثیت انسانی برای شما پیدا کنیم. شما اینقدر گریه نکنید برای این خانها که کشته شدند از قبیل نصیری و امثال ذلک می گوئید مغزها فرار می کنند، این مغزهای پوسیده بگذار فرار کنند، این مغزهایی که برای اجانب کار کردند، این مغزهایی که جزء سازمان امنیت بودند بگذار فرار کنند. شما برای آنها خیلی افسرده نباشید، این مغزها باید فرار کنند، البته الان می بینید که این مغزها، می بینید که نمی توانند در اینجا به آن استفاده هائی که می کردند استفاده کنند حالا از اینجا فرار می کنند دنبال همان معانی که دلشان می خواهد می روند. مگر هر مغزی که علم به قول شما در آن بود این مغز شریف است؟ احمدی هم در زمان رضاخان دکتر بود، لکن دکتری بود که با آمپول خودش مرگ بر مردم تزریق می کرد. احمدی را شاید اکثر شما اسمش را هم نشنیده باشید، اما ما بودیم در آن زمان که مامور این بود که به ملیین، به اشخاصی که اظهار مخالفت با دیکتاتوری می کردند آمپول مرگ تزریق می کرد. آن هم یک مغزی بود. حالا اگر یک همچو مغزی از ایران فرار کرد، ما بنشینیم غصه بخوریم که مغز فرار کرده؟ شماها چطور اینطور تشخیص می دهید که این مغزهایی که رفته اند پیش ارباب هایشان، این مغزهایی که مجتمع شده اند در انگلستان و بر ضد ایران دارند تباری می کنند و تظاهر می کنند، این مغزهایی که دنبال بختیار دارند جمع می شوند و بختیار و اینها را انگلستان پناه داده و در زیر پناه سر نیزه انگلستان دارند زندگی می کنند، ما برای اینها بنشینیم اظهار تأسف بکنیم؟ یا این مغزهایی که به آمریکا فرار کردند برای اینکه بروند آنجا پولهایی که در اینجا جمع کرده اند آنجا خرج بکنند، ما برای اینها باید اظهار تأسف بکنیم؟ فکرایتان را عوض کنید، افکاری که پنجاه سال در مغزهای شما جمع شده است و اصلا تشخیص نمی توانید بدهید به واسطه آن افکار مابین

عوض کنید خودتان را. ما باید این مملکت را عوض کنیم ، این افکار را عوض کنیم . دانشگاه ما باید عوض بشود، از این افکار عوض بشود. این مغزهایی که بچه های ما را سی سال ، چهل سال به تباهی کشیدند بگذار فرار کنند، یک مغزهایی صحیح بیایند روی کار. حالا که می خواهند تصفیه کنند و اشخاصی خیرمند می خواهند تصفیه بکنند، شما نشسته اید غصه می خورید که چرا تصفیه می کنند، غصه می خورید که چرا اعدام می کنند. کی ها را اعدام کردند؟ برای کی غصه می خورید؟ ای اساتید دانشگاه (یعنی بعضی شان) برای کی غصه می خورید؟ برای نصیری نشسته اید نوحه سرائی می کنید؟! برای هویدا نوحه سرائی می کنید؟! برای کی ؟ بعد هم می گویند که یک بچه دوازده ساله را اعدام کرده اند. خوب اینهمه آنهایی که با ما مخالفند می گویند، آن مخالفین می گویند من هم امر کرده ام که پستان زن ها را ببرند؟ آنها می گویند که یک بچه دوازده ساله را، آنها می گویند یک زن حامله را، والا نه بچه دوازده ساله اعدام می شود و نه زن حامله اعدام می شود. این چه حرف هائی است که شما می زنید؟ چرا کمک می کنید به استعمار؟ چرا کمک می کنید به رژیم شاهنشاهی ؟

ای مغزهای پوسیده ! ای انسان های از بین رفته ! بیدار بشوید یک قدری چرا اینطور بحث می کنید؟ چرا اسلام را تخطئه می کنید؟ چه شده شما را که اسلام را تخطئه می کنید؟ جوان های ما بیدار بشوید. ای جوان های برومند! ای خواهران ما! ای برادران ما! بیدار بشوید. ای شمائی که با دست شما نهضت به اینجا رسید، و این آقایان که حالا اشکال می کنند، در کنار نشسته بودند و یا کمک می کردند و یا بی تفاوت بودند و حالا آمده اند در میدان ، ای جوان هائی که در مقابل توپ و تانک رفتید، ای خواهرهائی که جوان های خودتان را از دست دادید و خودتان هم در بین مردم تظاهر کردید و الله اکبر گفتید، حفظ کنید خودتان را، نهضت خودتان را حفظ کنید، ننشینید دیگران برای شما کار بکنند اینها برای شما کار نمی کنند همانطور که اجانب کار نمی کنند اینها هم کار نمی کنند.

باید ادارات تصفیه بشود، باید فرهنگ تصفیه بشود، باید دانشگاه ها تصفیه بشود، باید به دست اشخاصی بیفتد که پیوندش با رضاخان پهلوی و با محمدرضاخان پهلوی در سال های طولانی نبود. اینهایی که با آنها پیوند دارند نمی توانند در این مملکت ، مملکت ما را اداره کنند، اینها باید تصفیه بشوند، دولت باید تصفیه کند اینها را. اتکال به قدرت خودتان بکنید همانطوری که می بینید خودتان اینهمه کار را انجام دادید و می گوئید استاندار ما همراهی نمی کند و شاید بعضی وقت ها هم کارشکنی بکند، ابدا اعتنا به همراهی او نکنید و خودتان کار بکنید، اتکال به قدرت الهی ، همانطور که از اول نظرتان به این نبود که این قشرهای بالا با شما کمک بکنند و نکردند و کارشکنی هم شاید کردند، همین طور حالائی که به سازندگی رسیدید خودتان سازنده باشید خودتان دنبال مطالب خودتان بروید.

مملکت مال زاغه نشینان است

ملت خودش باید قیام کند مملکت مال شما است ، این مغزها فرار می کنند و مملکت مال شماست ، اینها ارزشها را برداشتند و فرار کردند و حالا هم دارند یکی یکی فرار می کنند و می بینند دیگر

اینجا جای دزدی نیست . مملکت مال خود شماسست ، مال جوان های ماست . مملکت مال زاغه نشینان اطراف تهران است که من خدا می داند برای اینها غصه می خورم و برای اینها تا حالا-فکری نشده . مملکت مال اینهاست نهضت را اینها پیش برده اند. در یکی از روزهایی که تلویزیون نشان می داد اطراف تهران را و یکی از او پرسید که شما چه می کردید، می گفت که (یک مرد پیرمردی تقریباً بود، با یک عده از یک سوراخی بیرون آمد، از یک جایی که جای انسان نبود بیرون آمد) گفت ما صبح که می شود می رویم به تظاهر، زندگیشان این بود و صبح می رفتند تظاهر، می رفتند کمک می کردند به ملت . ما مرهون اینها هستیم ما زندگی مان را اینها اداره می کنند، اینها اداره کردند و این جمعیت و امثال این جمعیت . جوان ها، جوان های دانشگاهی ، جوان های اداری آنهایی که پیوند با ملت داشتند، بازاری ، کشاورز، کارگر، همه اینها، آن طبقه بالا به ما کاری نداشتند حالا هم کارشکنی می کنند و همه چیز می خواهند، می گویند مغزها فرار کردند. بگذار فرار کنند، جهنم که فرار کردند این مغزها، مغزهای علمی نبودند این مغزها، مغزهای خیانتکار بودند والا کسی از مملکت خودش فرار می کند به آمریکا؟! از مملکت خودش فرار می کند به انگلستان و زیر سایه انگلستان می خواهد زندگی بکند؟! پیوند می کند با بختیار و امثال بختیار که مملکت ما را به تباهی کشیدند؟! این مغزها بگذار که فرار بکنند، بهتر که فرار می کنند، غصه نخورید برای اینها، برای اینها که کشته شده اند غصه نخورید اینقدرها. برادرها خودتان بیدار باشید که این مغزهایی که دارند فرار می کنند این مغزهاست که شما را به تباهی کشیده اند، این مغزهاست که نگذاشتند جوان های ما تحصیل کامل بکنند، اینها باید هم بروند، باید هم فرار کنند، دیگر جای زندگی برای آنها نیست برای اینکه یک ملت بیدارند، یک ملت بیدار نمی گذارد که شما هر کدامتان هر کاری می خواهید بکنید.

ما مغزهای سازنده را می خواهیم ، نه مغزهای فاسد را

باید خودتان ، خودتان را اداره کنید، باید همه مان به میدان بیاییم و خودمان ، فکر اینکه یک استانداری یک کاری بکنند، یک کاری کسی بکند، این را اتکال به آنها نکنید، خودتان همانطوری که می گوئید، الحمدلله الان یک تحولی حاصل شده است که همه طبقات ، مهندسش می آید کار می کند، دکترش می آید کار می کند. اینهایی که حالا مغزهای انسانی دارند، اینها که مغزهایی ندارند که فرار کنند. آقا مغزهایی که فرار می کنند، ما هم یک مغزهایی داریم که _ دارد توی _ با اینکه مغز علمی هستند دارند به مردم کمک می کنند، دارند می روند درو می کنند، این مغزها را ما می خواهیم ، نه آن مغزهایی که حالا که برایشان تعیش حاصل نیست فرار کنند. چرا به خود نمی آیند اینها؟ چرا اینها نمی فهمند مقدار خودشان را و مقدار مملکت ما را؟ ما این مغزهایی را می خواهیم که در عین حالی که دکتر است ؟ در عین حالی که مهندس است می رود در جهاد سازندگی و جهاد سازندگی را راه می اندازد. ما این مغزها را می خواهیم که از آمریکا پا می شود می آید اینجا می گوید من آمده ام برای کمک ، نه از اینجا پا بشود فرار کند از اینجا، این مغزهای فرار به درد ما نمی خورد بگذار فرار کنند. اگر شما هم

می دانید که در اینجا جایتان نیست شما هم فرار کنید، راه باز است . مملکت ما آدم می خواهد حالا، نه مغزهایی که می روند زیر پناه انگلستان و زیر پناه آمریکا. خداوند به همه شما توفیق عنایت کند و من وقتی شماها را، این چهره های انسانی ، نورانی ، خدمتگزار را می بینم مباحثات می کنم به اینکه مملکت ما اینطور است .

دنیا الان نظرش به مملکت ماست ، نه به آن طبقه ، به شما، نه به آن طبقاتی که سابق هم سر همه کارها بودند و الان هم شما می گوئید که اتومبیل هایشان ، بچه هایشان را می برند به آنجا، به مدرسه و از همین اتومبیل ها هست و به ما نمی دهند برای جهاد سازندگی . دنیا به شما نظر دارند، نه به این اتومبیل سوارها، نه به اینهایی که در کاخ می نشینند. کوخ نشین ها هستند که مؤونه این مملکت و سرمایه این مملکت است ، نه آن کاخ نشین ها. خداوند این کوخ نشین ها را برای ما حفظ کند و خداوند این مسلمین که تعهد دارند برای اسلام ، این جوان هایی که خدمت دارند می کنند به کشور خودشان ، خدمت دارند می کنند به اسلام ، خداوند برای ما حفظ کند. خداوند همه شما را، خواهرها را، برادرها را حفظ کند و قدرت عنایت کند. مطمئن باشید که با این روحیه ای که دارید پیروز هستید و نمی تواند کسی بر شما غلبه کند و شما بر همه غلبه خواهید کرد.

والسلام علیکم ورحمة اللّٰه وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده های شهدای پانزده خرداد سال 42 و شهدای حوادث بندر انزلی

قیام پانزده خرداد نقطه عطفی در تاریخ و مبدأ نهضت ما

بسم الله الرحمن الرحيم

پانزده خرداد که ما مردان با اراده ای را از دست دادیم و جوانانی از دست ملت ما رفت، نقطه عطفی در تاریخ و مبدأ این نهضت است. آنها که در پانزده خرداد قیام کردند، قیام مردانه کردند و در مقابل دژ خیمان نه گفتند و به شهادت رسیدند، آنها مبدأ این نهضت عظیم شدند. من از خدای تبارک و تعالی برای آنها رحمت استدعا می کنم و برای بازماندگان آنها سلامت و صبر و سعادت. همین قیام ها بود که امروز می بینید در یک مجلس گروه های مختلف مجتمع می شوند با مقصد واحد. همین قیام ها بود که مابین دانشگاه و مدارس قدیمی ما را جوش داد و مابین قشرهای مختلف را جوش داد به طوری که همه با حال وحدت و با وحدت اراده، با وحدت مقصد این راه را طی کردند و تا آنجا رساندند و به این نحو که ملت ما الان زنده است و راه خودش را یافته است این راه را هم طی خواهد کرد و نهضت را به ثمرهای انسانی _ اسلامی خواهد رساند. این خواهرهایی که از بعض نعمت ها، از نعمت گوش و زبان محروم هستند و الان آمدند اینجا، این خود اسباب امیدواری است که همه قشرها مجتمع هستند در این مقصد الهی، خداوند آنها را حفظ کند و به سعادت برساند.

اینها (روشنفکر نماها) اشخاصی هستند که آزادی را در آن چیزهایی که تباهی می آورد، می دانند

من امیدوارم که این قشرهای مختلفی که هست، همه توجه داشته باشند که این توطئه هایی که الان در بین هست با توجه خودشان خنثی کنند. شما دیدید و خانم های به قول خودشان روشن فکر دیدند که یک دروغی در تهران منتشر کردند و این خانم ها بدون اینکه رسیدگی کنند به خیابان ها می خواستند بریزند در صورتی که اصلا یک همچو قانونی که آنها خیال می کردند مطرح نبود، معذک، مع الاسف این روشن فکرها معلوم شد که اینقدر بی توجه به مسائل روز هستند و به مسائلی که مربوط به سرنوشت شان هست که مطالبی که در رادیو، در رادیو و تلویزیون، در مطبوعات منتشر شده است اینها نگاه نکردند و فقط به نوشته بعض اشخاص مفسد نگاه کردند و بدون توجه خواستند ترتیب اثر بدهند. اینها توطئه نیست؟ اینها کشف از یک توطئه فاسد نیست که یک مساله ای که اصلا مطرح نشده

است نسبت بدهند که گذشت در قانون اساسی که زن هیچ حقی ندارد؟ در صورتی که اصلاً مطرح نشده است و از اموری نیست که مربوط به قانون اساسی باشد. بیدار نمی شوند این جوان های ما؟ این جوان های زن و مرد ما بیدار نمی شوند که یک همچو توطئه هائی در کار هست؟ توجه نمی کنند که یک دروغ را که بعد از یک روز کشف می شود معذک آنها منتشر می کنند و از جهالت اشخاص بهره برداری می کنند؟ به کجا باید گفت که شمائی که اینقدر به قول خودتان دانشمند و روشنفکر هستید، به یک قانونی که سرنوشت شما بستگی به آن دارد اینقدر بی عنایت هستید که نه روزنامه را نگاه کردید، نه رادیو گوش کردید، نه رادیو تلویزیون را. و همین طور بی جهت اسباب این شد که ما را سرشکسته کنید که روشنفکرهای ما اینطور مردم هستند، اینطور جمعیت هستند که تحت تاثیر یک دروغی که بعد از یکی دو روز فاش می شود واقع می شوند و خودشان اینقدر بی اطلاعند که از گزارش ها و از چیزهائی که می گذرد در مملکت شان هیچ توجه ندارند، هیچ اطلاعی ندارند. خودتان را اصلاح کنید، توجه کنید به سرنوشتهای خودتان. اینهایی که این دروغ ها را پخش می کنند اینها برای شما نمی خواهند یک سعادت ایجاب کنند، اینها همان ها هستند که با اسم آزادمردان و آزادزان شما را و همه جوان های ما را به تباهی کشیدند. اینها اشخاصی هستند که آزادی را در آن چیزهائی که تباهی می آورد می دانند، و اما آن چیزهائی که تباهی ندارد، آن چیزهائی که برای سرنوشت ملت است در آن چیزها آزادی نمی دهند. اینها همان طائفه هستند و اینها می خواهند همان مسائل را پیش بیاورند و از چیزهائی که اینها منتشر می کنند، شما توجه داشته باشید. اسلام برای همه شماست.

ولایت فقیه برای شما یک هدیه الهی است

این معنا که از من قبلاً سوال شده است و جواب دادم که طلاق در صورتی که در ضمن عقد با مرد (وقتی که می خواهند عقد کنند) شرط بکنند و در ضمن عقد این شرط بشود که _ طلاق _ وکیل در طلاق خودش یا مطلق. یا در شرائطی یک سوالی پیش آورده است به اینکه این زن هائی که حالا تحت زوجیت هستند چه؟ این ولایت فقیه را مخالفت می کنند در صورتی که نمی دانند از شؤون فقیه هست که اگر چنانچه یک مردی با زن خودش رفتارش بد باشد او را اولاً نصیحت کند و ثانیاً تأدیب کند و اگر دید نمی شود اجرا طلاق کند. شما موافقت کنید با این ولایت فقیه. ولایت فقیه برای مسلمین یک هدیه ای است که خدای تبارک و تعالی داده است. منجمله همین معنائی که شما سؤال کردید و طرح کردید که زن هائی که الان شوهر دارند اگر چنانچه گرفتاری هائی داشته باشند چه باید بکنند؟ آنها رجوع می کنند به آنجائی که فقیه است، به مجلسی که در آن فقیه است به دادگاهی که در آن فقیه است و فقیه رسیدگی می کند و اگر چنانچه صحیح باشد، شوهر را تأدیب می کند، شوهر را وادار می کند به اینکه درست عمل کند و اگر چنانچه نکرد طلاق می دهد. ولایت دارد برای این امر که اگر چنانچه به فساد می کشد، یک زندگی به فساد کشیده می شود طلاق می دهد و طلاق اگر چه در دست مرد است لکن فقیه در جائی که مصلحت اسلام را دید، مصلحت مسلمین را دید و در جائی که دید نمی شود

به غیر این ، طلاق بدهد این ولایت فقیه هست . ولایت فقیه برای شما یک هدیه الهی است . در هر صورت ما الان گرفتار یک مشت اشخاصی مختلف السلیقه و مختلف العقیده ای که _ همه در این معنائی که _ همه در این معنا که نخواهند این مملکت به سر و سامان برسد شریکند ، در عقائد مختلفند ، بعضی گروه هاشان با بعضی گروه های دیگر دشمن هم هستند لکن در یک چیز موافقتند و آن اینکه مخالف با اسلام ، مخالفت با آن چیزی که همه ملت ما به آن رای دادند ، در این ، اینها موافقتند یعنی در باطل خودشان اتفاق دارند . شماها در حق خودتان مجتمع باشید این باطلها نمی توانند کاری بکنند شماها توجه داشته باشید که اسلام برای شما ، برای ما ، برای همه ، برای همه بشر مفید است . اسلام یک طرحی است که برای مستضعفین بیشتر از دیگران مفید است و برای همه مفید است . از اسلام نترسید و نترسانید مردم را . شماهایی که قلم دستتان می گیرید و هر چه دلتان می خواهد می نویسید ، یا هر چه دلتان می خواهد صحبت می کنید ، شماها اسلام را بی اطلاع از آن هستید ، شما یک کلمه اسلامی شنیدید ، گاهی هم یک کتابی خواندید که نویسنده اش هم از اسلام اطلاع صحیحی نداشته است ، بدون اطلاع از اسلام ، بدون اطلاع از فلسفه احکام اسلام ، شماها سمپاشی می کنید و معلوم هم نیست که واقعا مقصدتان این باشد که یک کار صحیحی انجام بدهید ، منتها اشتباه بکنید . نخیر ، من خیلی احتمال می دهم که بسیاری از اینها ، نه همه ، بسیاری از اینها اشخاصی باشند که حالا که دیدند آن رژیم به هم خورده است و آن _ چیزهایی که _ منافی که آنها در آن رژیم می بردند و آنقدر فاصله ای که مابین آنها و مابین مردم بوده است ، در طرح اسلامی آنطور نمی تواند مطرح باشد ، اینها حالا به دست و پا افتادند که بلکه نگذارند این نهضت پیش برود . شما ملاحظه کردید که قدم به قدم مخالفت کردند ، آن روز که نهضت بود همین در تهران و در سایر جاها ، هی مخالفت ها بود و دست و پا می زدند به اینکه (همین داخلی ها ، خارجی ها که سر جای خودشان دست و پا می زدند) به اینکه شاه را نگه دارند ، وقتی که شاه رفت دست و پا می زدند به اینکه بختیار را نگه دارند ، توی خیابان ها راه می افتادند و قانون اساسی می گفتند . قانون اساسی معنایش حفظ شاهنشاهی است و آنها قانون اساسی را برای شاهنشاهی اش می خواستند نه سایر مسائلش . وقتی که بختیار هم رفت ، دنبالش باز هی صحبت قانون اساسی بود ، می خواستند حفظش کنند . من که در پاریس بودم می آمدند آنجا پیغام می دادند ، خودشان می آمدند که بگذارید که این شورای سلطنتی باقی باشد و با شورای سلطنتی یک کارهایی بکنید بعد ما کارهایی بکنیم بعد چه . خوب من می دانستم اینها یا نمی فهمند مطلب را یا مقصدشان این است که همان مسائل حفظ بشود . شورای سلطنتی را ما فرض کنید قبول کنیم معنایش این است که سلطنت را قبول کردیم والا شورای سلطنتی با _ چیز _ شاه است ، هر وقتی بخواهد کنارش می گذارد . این معنایش این است که ما خود شاه را قبول داریم . می آمدند بعضی از همین روشنفکرها و بعضی از همین اشخاصی که حالا انقلابی شدند ، همین ها می آمدند می خواستند ما را اغفال کنند یا خودشان هم نمی فهمیدند ، که شما کاری بکنید که این شورای سلطنتی باقی باشد در صورتی که آن که رئیس شورای سلطنتی بود آمد پاریس من گفتم تا استعفا نکرده من با تو ملاقات هم نمی کنم ، استعفا هم کرد او . ولی معذک از

اینجا می آمدند می گفتند می چه . _ این _ آن قدم هم که از بین رفت و ملت ما بحمدالله پیروز شد، بعد در هر قدم مخالفت واقع می شد، در رفراندمش باز مخالفت می کردند، در مجلس خبرگانش ، در انتخاباتش باز مخالفت می کردند، حالا هم با مجلس خبرگان مخالفت می کنند، بعد هم با مجلس شورا مخالفت خواهند کرد، بعد هم با رئیس جمهوری مخالفت خواهند کرد. این مخالفت ها همین طور سلسله مراتب محفوظ است برای اینکه با اساس مخالفند چون با اساس مخالفند. اینها فروع آن اساس است ، و با آن مخالفت می کنند. لکن باید بدانند که این دست و پا زدن ها دیگر فایده ندارد. ما هیچ وقت از این دست و پا زدن های شما نمی ترسیم . ما می دانیم که شماها دیگر کاری از شما نمی آید، این نویسندگی از شما می آید و یک گفتن از شما می آید، خوب هر چه می خواهید بنویسید و هر چه می خواهید بگوئید، لکن شما بیدار بشوید، شما بفهمید که باید در مسیر این راه بروید. دنیاتان هم در مسیر این ملت است ، اگر شما دنیاتان هم بخواهید اداره بشود، یک سیلی راه افتاده ، برخلاف مسیر این سیل هلاکت می آورد. شما بخواهید برخلاف مسیر این ملت که مسیر اسلام است ، برخلاف مسیر اینجا، این سیل خروشان که این سلسله خبیثه را و آن رژیم شاهنشاهی را به هم کوبید شما چهار نفر بخواهید مقاومت بکنید و مقابله بایستید، شما را این سیل می برد. برای دنیای خودتان هم (اگر اهل دنیا هستید) برای دنیای خودتان فکر بکنید. اینقدر مخالفت نکنید با ملتی که جوان هایش و همه چیزش در راه این نهضت داده و در راه اسلام داده و شماها هیچ کاره بودید. اگر مخالفت هم نمی کردید کاری به این کارها نداشتید، نشسته بودید تو منازل خودتان و کاخ های خودتان و مشغول تعیش خودتان بودید، حالا آمدید و باز مخالفت با این ملت می کنید. این صلاح خودتان نیست ، صلاح دنیاتان نیست ، صلاح دین تان نیست . بیائید با این سیل همراه بشوید تا اینکه بتوانیم ما این نهضت را تام و تمام به آخر برسانیم و به زودی انشاءالله ، گر چه مخالفت های شما اسباب این نمی شود که این سیل خروشان توقف کند، لکن برای ما یک عیبی است که بگویند این اشخاصی که مثلا دارای کذا و علم کذا و کذا هستند اینها با ملت خودشان مخالفت دارند می کنند، این اشخاصی که مدعی این هستند که باید دموکراسی باشد و آن حرف هائی که می زنند، همین اشخاص با حکومت ملت دارند مخالفت می کنند، با همین ملتی که نود و هشت و بیشتر درصد مردم رای داشتند، با اینها دارند مخالفت می کنند، با همین مجلس خبرگانی که با آرا عمومی آنطور تعیین شدند، حالا اینها دارند باز مخالفت می کنند، اینها اصلا اطلاعی ندارند که قضیه ولایت فقیه چی هست ، اصلا از سر و ته ولایت فقیه سر در نمی آورند که اصلا چی چی هست ، در عین حالی که سر در نمی آوردند می نشینند می گویند اگر بنا باشد که ولایت فقیه بشود دیکتاتوری می شود، کذا می شود. مگر امیرالمؤمنین که ولی امور مردم بود دیکتاتوری بود، مگر خود پیغمبر که ولایت داشت دیکتاتور بود. مگر بگویند که ولایت برای پیغمبر هم نیست ، پیغمبر هم مثل سایر مردم ، و از اینها بعید نیست این را بگویند، لکن جرات نمی کنند بگویند. دیکتاتوری کدام است ، در اسلام همچو چیزی مطرح نیست ، اسلام دیکتاتور را محکوم می کند، اسلام یک نفر فقیه بخواهد اگر دیکتاتوری بکند از ولایت ساقطش می کند.

چطور دیکتاتوری می گوئید می کند اسلام و این حرف ها را

می زنید. اگر می دانید و می گوئید، چرا باید در مخالف مسیر ملت سیر بکنید و این مسائل را بگوئید. و اگر نمی دانید، چرا انسان ندانسته یک حرفی را بزند همین بیخود بدون اینکه بفهمد چی هست مساله بیاید یک همچو مسائلی را بگوید.

انشأالله من امیدوارم که ما همه با هم، آنهایی که از پانزده خرداد جوان دادند و سرپرست خودشان را از دست دادند و آنهایی که الان مشغول به فعالیت هستند، همه باهم مقصد را طی بکنیم و به آن نقطه آخر پیروزی برسیم. خداوند همه تان را حفظ بکند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 90

بیانات امام خمینی در جمع سفرای کشورهای اسلامی

عید مسلمین وقتی است که مسلمین استقلالشان را به دست بیاورند

بسم الله الرحمن الرحيم

من این عید بزرگ اسلامی را به همه ملت بزرگ اسلام تبریک عرض می کنم و امیدوارم که عیدها بر ملت های اسلامی مبارک و سعید باشد و از شما آقایان تشکر می کنم که تشریف آوردید تا از نزدیک ما با شما مطالبمان را در میان بگذاریم . عید مسلمین وقتی سعید و مبارک هست که مسلمین خودشان استقلالشان را و مجدشان را، آن مجدی که در صدر اسلام برای مسلمین بود به دست بیاورند. مادامی که مسلمین در این حال هستند، در حال تفرق و تشتت ، و در حالی که همه چیزشان پیوسته به غیر است ، هیچ روزی برای آنها مبارک نیست . مبارک آن روزی است که دست اجانب از ممالک ما، از ممالک اسلامی کوتاه شود و مسلمین روی پای خودشان بایستند و امور مملکتشان را خودشان به دست بیاورند.

من نمی دانم که این مشکلاتی که هم دولت های اسلامی و هم ملت های اسلامی به آن توجه دارند، چه وقت باید حل بشود. یک مشکل ، مشکل بین ملت ها و دولت های آنها. از مشکلات بزرگی که مسلمین به آن گرفتار هستند مشکلی است که بین ملت ها و دولت هاست ، هر دولتی با ملت خودش . و مشکل دیگر اشکالی است که بین دولت های اسلام است ، بعضی ها با بعضی . مشکل دولت ها و ملت ها این است که دولت ها باز خودشان را نشناختند و ملت خودشان را نشناختند، اینها باز گمان می کنند که باید فرمانفرمائی کنند و ملت باید کورکورانه اطاعت . مادامی که این مشکل هست که دولت ها می خواهند فرمانفرمائی کنند و برای خاطر این فرمانفرمائی سرکوبی کنند ملت های خودشان را، این مشکل نخواهد رفع شد و اگر این مشکل رفع نشود، مشکل های اساسی ما که گرفتاری ماست به دست ابرقدرت ها، حل نخواهد شد و مادامی که دولت ها باز تکالیف خودشان را ندانند، مشکل را می دانند، می دانند که این اختلافاتی که بین خودشان هست موجب گرفتاری ها و نابسامانی های ممالکشان هست ، لکن به واسطه بعضی از مسائل یا اغراض یا خیانت بعضی از جناح ها این مشکل را حل نمی کنند، تا کی ما باید گرفتار این مشکلات باشیم و وابسته به غرب و شرق ؟ کی می خواهیم ، کی دولت های اسلامی می خواهند بیدار بشوند؟ و کی دولت های اسلامی با ملت های خودشان آنطور که در صدر اسلام بین دولت های اسلامی و اسلام و ممالک خودشان و کشور خودشان و ملت خودشان بوده است ، تا کی ما

می خواهیم جدا باشیم از ملت ؟

اسلام می خواهد که دولت ها خدمتگزار ملت ها باشند

شما ملاحظه بکنید این دو حالی را که ملت ما داشتند، یک حال ، حال زمان رژیم شاهنشاهی از اول شاهنشاهی تا آخر و خصوصا در این پنجاه و چند سال که من تمامش را یادم هست و شاید شماها یادتان نباشد لکن خوب بعضی اش را ادراک کردید، مقایسه با آن زمان ، با زمانی که ملت ما غلبه کرد بر همه قدرت ها و این سد بزرگ را شکست ، مقایسه ما بین این دو حال را بکنید و حکومت ها هم مقایسه کنند در بین این دو حال و ببینند باید چه بکنند. در حالی که رژیم سابق بود، ملت از دولت جدا بود، نه جدای بی تفاوت ، جدائی که در مقابل هم ایستاده بودند. دولت و شاه مخلوع تمام همش را بر سرکوبی ملت قرار داده بود و با تمام قدرت ملت را می کوبید، حبس می کرد، زجر می کرد، اعدام می کرد و اجازه نفس کشیدن نمی داد، ملت هم با او مخالفت داشت و اگر مشکلی برای دولت پیدا می شد اگر ملت بر آن مشکل اضافه نمی کرد از آن مشکل هم چیزی را کسر نمی کرد، معاونت نمی کرد، بلکه اگر چنانچه شکست می خورد دولت ، ملت خوشحال بود و اگر دولت یا شاه غلبه می کرد، ملت متأثر بود، ما دیدیم و شما هم شنیدید و من هم بعضی اش را شنیدم و بعضی اش را دیدم ، رضاخان در اینجا حکومت کرد، حکومت جائزانه و غیرقانونی و با ملت آن کرد که تاریخ ثبت خواهد کرد. آن روزی که کشورهای اجانب هجوم آوردند و کشور ما را گرفتند و همه چیز ما در معرض خطر بود لکن من شاهد بودم که وقتی که رضاخان از ایران بیرون رفت و بیرونش کردند، ملت ما، در عین حالی که آنقدر ناراحت بود از آمدن اجانب ، خوشحال شد، این را یک هدیه آسمانی می دانست . من به پسر بی رشد او سفارش دادم که نکن کاری که مثل پدرت وقتی اگر از بین بروی مردم شادی بکنند. نشنید و بعد وقتی که رفت ملت ما شادی ها کردند، در خیابان ها شادی های زیاد کردند. این دولتی که با ملت خودش مخالف هست ، و حالا را ملاحظه کنید دولتی که در مقابل ملت نایستاده است . ملت هر روز نمی ترسند که مامورین دولت بریزند و بگیرند و ببرند و حبس کنند و آزار بدهند آنها را. الان ملت طوری است که اگر برای دولت مشکلی پیدا بشود خود ملت پیشقدم می شوند برای رفع اشکال . الان که دولت نمی تواند این گرفتاری هایی که ملت ما پیدا کرده است به واسطه رژیم سابق ، نمی تواند همه اطراف او را حل بکند، ملت ما ریختند و در همه قشرها دارند کمک می کنند. همین امروز قبل از آمدن آقایان _ که جهاد سازندگی _ اشخاصی که در جهاد سازندگی در خود قم مشغول فعالیت هستند، آمدند پیش من و فعالیت هائی که خودشان کرده بودند، بدون اینکه از دولت هم کمکی باشد، برای من شمرند که بسیار زیاد بود، چقدر ساختمان و چقدر درو کردن گندم ها و زراعت ها برای کشاورزها و چقدر حمام و چقدر بهداری و امثال اینها. این ملتی که کشور خودش را از خودش می داند و دولت خودش را هم از خودش می داند، وقتی که کشور از خودش شد و دولت از خودش ، نه دولت احساس این را می کند که باید با سرنیزه با ملت رفتار کند و نه ملت می ترسد که دولت همچو کاری بکند و

احساس این را می‌کند که اجنبی است و اگر خدمت به او کند، خدمت به اجنبی است. شما این دو حال را ملاحظه کنید، آن حال، حالی بود که ملت از دولت جدا بود و این حالی است که ملت از دولت جدا نیست این حال همانی است که اسلام می‌خواهد که دولت‌ها خدمتگزار ملت‌ها باشند مشکله بزرگ ما مسلمین این است که مع الاسف باید بگویم ما رشدمان کم است، رشد سیاسی مان کم است. ما باز گمان می‌کنیم که با سرنیزه و با فشار و با سازمان امنیت و با ارتش می‌شود که یک ملتی را اصلاح کرد و یک مملکتی را استقلالش را به دست آورد، ما باز اینطور فکر کنیم، دولت‌های ما باز فکر این هستند که ملت خودشان را با هر طوری که هست سرکوبی کنند. این مشکل کی باید رفع بشود؟ و این دولت‌ها کی به خود بیایند که با ملت‌های خودشان، با ملت‌هایی که شما که زندگی می‌کنید برای زحمت‌هایی است که آنها دارند می‌کشند، با ملت‌های خودتان دوست باشید و آنها پشتیبان شما و شما خدمتگزار آنها اگر ملت‌ها احساس بکنند که دولت‌ها برای پشتیبانی و خدمت به آنها آمدند هیچ اشکال نیست که آنها هم در خدمت حاضرند و بیشتر حاضرند، این مشکله را به دست خود دولت‌هاست که حل بکنند و مع الاسف نمی‌کنند. این یکی از مشکلات ماست که تا این مشکل حل نشود امید اینکه ما بتوانیم با ابرقدرت‌ها مخالفت کنیم و بتوانیم آنها را از ممالک خودمان بیرون کنیم، نیست.

مشکل دوم هم که مثل همین مشکل است، مشکل دولت‌هاست با هم، چرا باید دولت‌های اسلامی با هم اینطور باشند که هر کدام به طرف دیگر بکشند؟ چرا باید یک کشورهایی که دارای همه چیز هستند و دارای همه جور قدرت هستند، اسرائیل با آن عده کم بیاید و به آنها اینطور حکمفرمائی کند؟ چرا باید اینطور باشد؟ جز این است که ملت‌ها از هم جدا و دولت‌ها جدا و دولت‌ها از هم جدا و یک میلیارد جمعیت، یک میلیارد جمعیت مسلمین با همه تجهیزات که دارند نشسته‌اند و اسرائیل آن جنایات را به لبنان می‌کند و به فلسطین می‌کند و آنها نشسته‌اند و تماشا می‌کنند؟ تماشاگر هستند؟ آنقدر صدای برادرهای ما از آنجا بلند است و ما گوش می‌کنیم و نشستیم تماشاگر هستیم. کی ما باید قدرت خودمان را بیاییم؟

ما باید با سلاح ایمان با قدرت‌ها مقابله کنیم

شما می‌دانید، در تاریخ دیدید که مسلمین صدر اسلام با یک عده کم اما مجتمع و با ایمان غلبه کردند، در ظرف کمتر از نیم قرن بر تقریباً معموره آنوقت غلبه کردند برای اینکه با هم بودند و اسلحه ایمان دست آنها بود. کی ما می‌خواهیم این اسلحه ایمان را که کنار گذاشته شده است به دست بگیریم و با این قدرت‌ها با اسلحه ایمان مقابله کنیم؟ شما دیدید که یک ملتی که عددش کم و هیچ اسلحه نداشت و هیچ ابزار جنگی نداشت و هیچ نظامیگری نداشت ابزار ایمان داشت و با ابزار ایمان غلبه کرد بر یک قدرت شیطانی که همه قدرت‌ها دنبال او بودند، نه همان ابرقدرت‌ها، همه قدرت‌ها دنبال او بودند. این قدرت ایمان بود که یک مشت مردم را که هیچ نداشتند غلبه داد، این همان قدرتی بود که در صدر اسلام با یک ابزار کم و یک عدد کم غلبه کردند بر روم با آن بساط. بر امپراطوری

ایران با آنهمه ابزار و با آن چیز، آنها تهی بودند از ایمان و اینها دست پر بودند در ایمان، غلبه کردند. کی ما می خواهیم، مسلمین کی می خواهند از این خواب بیدار بشوند؟ و کی می خواهند که مشکلات بین خودشان را رفع بکنند؟ تا مشکلات بین خودتان رفع نشود، تا مشکل بین مشکلات بین دولت ها و ملت های خودشان رفع نشود و مشکلات بین خود دولت ها رفع نشود، امید اینکه شما بتوانید مجد خودتان را به دست بیاورید، نداشته باشید. ما از سال های طولانی در این مطلب هی گفتیم و هی نوشتیم و هی گفتیم و آنها هم شنیدند و تماشاگر بودند. خداوند انشاءالله ما مسلمین را بیدار کند و ما مسلمین را به وظایف اسلامی خودمان، به وظایف الهی خودمان آشنا کند و خداوند انشاءالله یک توفیقی بدهد که ما عیدهایمان عید باشد، نه عیدهایمان عیدی باشد که ما گرفتار ابرقدرت ها هستیم، عیدهای مان عید باشد. خداوند همه شما را تایید کند و همه ممالک اسلامی را تقویت کند و ایمان به همه ما بدهد و توجه به مشکلات و رفع کردن مشکلات.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

سرانجام بذر رهنمودهای بیداری باغبان پیر و هشیار در کشتزار پاک، امت جوانه میزند و در قلب، خزان در 13 آبان به شکوفه

می نشیند.

گروهی از پاکترین و آگاهترین فرزندان امام امت، با رهنمود ولایت امر، اسماعیل وار با عزم شهادت، ابراهیم گون تبر را نه بر شانه بت اعظم» می نهاد که بر فرق او می کوبند... الله اکبر... دانشجویان خط، امام شیشه عمر دیو سپید دیوهای کاخهای سپید گول آمریکا را بر سنگ اراده الهی میکوبند... و جادوزدگان قرون و اعصار مستضعفان، جهان با چشمانی لبالب از اشک شوق و شگفتی، می بینند که گول، دودی، خاکستری بیش نبود... و به هوا رفت...

اگر ابراهیم، نخست «خردک بت»ها را فرو شکست و سپس تبر را بر دوش «بت اعظم» نهاد؛ این فرزندان ناب ابراهیم زمان هم از آغاز تبر را بر فرق بت اعظم کوفتند و خرده، بتان لعبتها را که در شکم کثیف وی پنهان بودند بیرون ریختند.

و، امام بحق این حماسه عظیم را «انقلاب دوم» نامیدند... که در همین فصل می خوانید.

پیام امام خمینی به مناسبت سیزده آبان (روز دانش آموز)

بسم الله الرحمن الرحيم

روز سیزده آبان، روز هجوم وحشیانه رژیم منحوس به دانشگاه و کشتار دسته جمعی دانشجویان عزیز ماست .

رژیم مخالف با تمام مظاهر تمدن و پیشرفت کشور، یک روز به مدرسه فیضیه و مدارس علوم اسلامی در سراسر ایران حمله ور می شد و یک روز به دانشگاه تهران و مدارس و دانشگاه های سراسر ایران، این مراکز دانش و دانشمندان . اکنون که سالروز حمله به دانشگاه است، برای پیوستگی بیشتر لازم است روحانیون عزیز قم و تهران و سایر شهرستان های نزدیک به تهران در مراسمی که در دانشگاه تهران است، شرکت نمایند و همچنین روحانیون تمام شهرهای ایران در دانشگاه هر نقطه از ایران که بدین مناسبت مجلس بزرگداشتی برقرار کرده اند، شرکت نمایند و با حضور در دانشگاه های سراسر ایران و پیوستن به دانش آموزان و دانشجویان و استادان عزیز، توطئه های جدائی افکنانه بین این دو نیروی مترقی را خنثی کنند.

دشمنان ما در هر فرصت خصوصا در این روز از هیچ توطئه ای دست بردار نیستند و با هر وسیله ممکن می خواهند آرامش را از ملت عزیز سلب کنند.

بر دانش آموزان، دانشگاهیان و محصلین علوم دینی است که با قدرت تمام حملات خود را علیه امریکا و اسرائیل گسترش داده و امریکا را وادار به استرداد این شاه مخلوع جنایتکار نمایند و این توطئه بزرگ را بار دیگر شدیداً محکوم کنند. بر دانش آموزان، دانشگاهیان و محصلین علوم دینی است که با تمام نیرو و وحدت خویش را حفظ و از انقلاب اسلامی خود طرفداری نمایند و بر ملت است که از این دو جناح عزیز با تمام قدرت پشتیبانی کنند. دست خدا به همراه همگی باد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانش آموزان مدارس تهران

همه مسائل پیش من می آید، من بی اطلاع از مسائل نیستم

بسم الله الرحمن الرحيم

اینطور نیست که من مطلع نباشم، افراد و گروه ها مرتب می آیند و وضع مناطق خودشان را می گویند و نامه می دهند، این اجتماعات بیرونی و این اجتماعات داخلی و از این مسائلی که شما گفتید، من اکثرش مطلعم. اینکه می گوئید روزنامه ها را نمی دهند، من، روزنامه ها پیش خودم می آید خلاصه اش هم پیش من می آید هم از ناحیه ارتش، هم از ناحیه ژاندارمری، هم از ناحیه وزارت ارشاد مسائلی می آید پیش من، من بی اطلاع نیستم. اینکه می گوئید که نمی گذارند به شما برسد، روی همین حرفی است که اشخاص غرضمند گفته اند و مع الاسف شما هم با آن ذهن صافتان باور می کنید، باور کردید اما می بینید که شما اینجا هستید و از صبح تا حالا دستجات مختلف در همین اطاق بودند و در این محل جمعیت های زیاد کاغذهاشان را می دهند و منتها اکثر کاغذها چیزهایی است که به من ارتباط ندارد.

مقابله ملت ایران با تمام قدرتها

شما مثل اینکه از انقلاباتی که در دنیا واقع شده است، کم توجهش کردید و انقلاب مثل یک تبدیل مثلا نخست وزیری یا یک رئیس جمهور می دانید شما می دانید که این انقلاب ایران یک انقلاب نمونه است، از حیث اینکه انقلاب هائی که در دنیا بوده است و در این صد سال اخیر زیاد هم بوده است، آنها با یک کودتای نظامی بسیاری از اوقات واقع می شده است یک قدرت شیطانی می رفته است، یک قدرت شیطانی دیگر جایش می آمده است. به مجرد اینکه انقلاب می شده است و این کودتا تحقق پیدا می کرده است، دست و دهان و قلم همه را می شکستند. در همین چند روز که ملا-حظه می کنید یک انقلابی در یکی از ممالک واقع شده است و دنبالش به طوری که رسانه ها می گفتند تمام مطبوعات تعطیل، تمام فعالیت های سیاسی تعطیل، تمام احزاب تعطیل و خفقان برای همه. و باز انقلاباتی که در دنیا شده است مثل انقلاب اکتبر، انقلاب فرانسه، اینها در سال های طولانی، تا سال های طولانی این دنبالش زحمت ها، قحطی ها و کشتارهای چند میلیونی. همین شوروی ها که حالا اینقدر هو بلند کرده که شصت و چند سال است انقلاب کردند و انقلاب هم در عین حالی نظامی بوده است معذک باز

استقرار ندارد، قتلی که در آنجا واقع شده، آنقدر کشتاری که در آنجا واقع شده قابل احصا نیست. انقلابی که در ایران واقع شده است اکثر مردم نمی دانند چه شده است، نمی دانند مقابله کی با کی بوده است، اطلاع ندارند که این انقلاب بی نظیر است. یک جمعیت سی و چند میلیونی دست خالی بدون ابزار جنگ و بدون اینکه نظامیگری داشته باشند، اینها برای خاطر توجه شان به اسلام، توجه شان به دیانت، آنها حرکت کردند و نهضت کردند و چه کردند.

تمام قدرت هائی که، تقریباً تمام قدرت های بزرگ و کوچک همه مخالف بودند، شوروی مخالف بود، انگلستان مخالف بود، در راس آنها آمریکا مخالف بود، دول غربی همه مخالف بودند، بعضی اظهار موافقت می کردند، آنها برای اینکه کم کم دیده بودند که دارد جلو می رود، و الا مخالف ایران بودند. ملت ایران بود با همه رژیم ها، مقابله ایران بود با تمام قدرت ها.

یک همچو انقلابی که همه قدرت هائی که چشم طمعشان به این مملکت دوختند، دستشان از منافع زیادی که از این مملکت می بردند بریده شده است، بازار از دستشان گرفته شده است، نفت از دستشان گرفته شده است، گاز از دستشان گرفته شده است، منابع زیرزمینی و روزمینی از شان گرفته شده است و اینها الان همه در مقابل اینها ایستادند و همه توطئه می کنند. شما در یک همچو انقلابی توقع دارید که به مجرد اینکه این انقلاب واقع شد، مثل اینکه نخست وزیری را تغییر دادند یا رئیس جمهوری را تغییر دادند. اینها، باید همه این امور درست باشد. یک نخست وزیری تغییر کرده؟ اما توجه نمی کنید که قضیه این حرف ها نبوده است، قضیه مقابله یک عده بی سلاح با تمام قدرت هائی که در عالم روابط داشتند با اینجا، چشم داشتند به اینجا، همین دول عربی که می گوئید، همین ها مخالف بودند، عراق مخالف بود، کویت مخالف بود - عرض می کنم که - یمن بود، مصر بود، چه، چه... و آمریکا و انگلیس و همه شان، فرانسه بود، همه مخالف بودند، آنوقت یک انقلاب و همه اینها را عقب زده با اینکه اکثر اینها یا بیشتر از اینها و با بسیاری از اینها منافع داشتند اینجا و حالا چشمشان را هم باز نمی توانند ببوشند از منافعشان. آمریکا نمی تواند چشم از منافعش بپوشد، انگلستان هم نمی تواند، سایرین هم نمی توانند، آنوقت شما می فرمائید که هیچ قضیه ای تا حالا تحقق پیدا نکرده است و هیچ چیز درست نشده است، عوض نشده است، در صورتی که این چیزهائی که شمردید، بسیاری درست شده منتها عرضه نشده است. شاید من هم خیال می کردم گاهی که خوب، چه می کردند، گاهی وقتی عرضه می کنند می بینید که یک دولت هشت ماهه با این ترتیب، با اینکه وضع آشفته است از همه جهت، یعنی بعد از اینکه ملت ما پیروزی را تحصیل کرد، پشت دیواری که شکست، یک خرابه ای هم گذاشته بودند اسمش ایران بود. سی و پنج میلیون جمعیت که همه در حبس بودند، شما، برای حتی این خانم ها همچو ساده نبود که یک وقت اینجا جمع بشوید، برای ما امکان نداشت. اگر برای همچو حرف هائی راجع به اجتماع خودمان، راجع به سیاست، راجع به اجتماع، راجع به مملکت می خواستید بگوئید، امکان نداشت برایتان که بیاید اینجا بنشینید و آسوده و راحت مقاله خودتان را بخوانید و مقصد خودتان را طرح بکنید. شما اینها را کم نگیرید، کم حساب نکنید.

شما نمی دانید که الان در چه حالی

هستید، پنج سال پیش از این در چه حالی بودید. شما نمی دانید که مملکت ما سی و پنج میلیون حبسی، از حبس بیرون رفته. اگر صد نفر حبسی را، در حبس را باز کنند، یکدفعه بگویند بیاید بیرون، خراب می کنند، برای اینکه دیگر یک آشفتگی این است که خرابکاری می کنند.

سی و پنج میلیون جمعیت که در همه جایش سازمان امنیت و سایر قوای انتظامی و دولتی در همه جا مردم را به سیخ کشیده بود، یا حبس، یا نفس نکشیدن، یک روزنامه نداشت که یک کلمه بتواند بنویسد، اگر بخواهد بنویسد یک کلمه، در رادیو تلویزیون امکان نداشت که جز مدح آریامهر چیز دیگری بگویند. تمام رسانه ها، رسانه بود که برای آنها داشتند فریاد می زدند و تبلیغات می کردند. امکان نداشت که یک نفر بتواند یک اجتماعی داشته باشد، یک راهپیمایی امکان نداشت. در تمام آن مدت امکان نداشت برای کسی که یک پانصد نفر جمع کند و راه بروند، بر فرضی که بخواهند یک مطلب صحیحی هم بگویند، برسد آنجائی که در مقابل دولت بخواهند یک مطلبی را بگویند، هیچ امکان نداشت برایشان. این مطلب را شما هم کم حساب می کنید که در پنج سال پیش از این نفس ها همه قطع شده بود، قدم ها و قلم ها همه شکسته شده بود، مطبوعات همه در اختناق بودند، مردم همه در گرفتاری بودند، جوان ها در حبس بودند، مردم، سیاسیون نفس شان قطع شده بود، روحانیون امکان نداشت برایشان یک مطلبی را در منابر بگویند، امکان نداشت برایشان یک مساله مربوط به جامعه را بگویند. الان همه این مسائل یکدفعه حل شد، یکدفعه همه سر بلند کردند و دیدند و دیدند که بیرون حبسند و آزاد، آزادی بعد از اختناق و حبس پنجاه ساله، امکان ندارد که دنبالش آن تقاضاهای سی و پنج میلیونی نباشد، همه تقاضاها هم این است که شما نمی کنید، هی به من می گویند. خوب _ من _ مگر من همه کاره ام، من یک طلبه هستم، هستم اینجا منتها من نصیحت می کنم، اینها هم که ملاحظه می کنید از دولت و از قوای مردمی که اطراف هستند، همه مشغولند. شما نمی دانید که چقدر خانه درست شده است در این دهات و در این اطراف، چقدر اسفالت کردند، خود مردم یا دولت چند مدرسه درست کردند. همه اینها درست شده است.

همه باید برای هم کار بکنند

اما یک مملکتی اینطور دست شما داده است، درست شدنش، سی و پنج، پنجاه سال خراب کردند، اگر در این دو هزار و پانصد سال، پنجاه سال، تیشه برداشتند و بیل و کلنگ برداشتند و خراب کردند، مملکتی که پنجاه سال خراب شده است نمی شود هشت ماه، شما هر چه دلتان بخواهد توی سینی بگذارند جلوی تان و تعارف تان بکنند، خودتان باید خدمت بکنید، شما خودتان را کنار نگذارید و بگویند نکردند. بگویند نکردیم. ما باید بگوئیم چه کردیم. مگر این مملکت مال وزیر است، مگر مملکت مال امیر است، مگر مملکت مال روحانی است، مملکت مال همه است، همه باید بگوئیم چه کردیم، نشینید هی بگوئید چه کردند، آنها هم مثل شما می مانند مثل سابق نیست که یک هیأت حاکمه ای باشد که همه چیز باید دست او باشد و شما هم قدرت نداشته باشید که کاری بکنید و هیچ حرفی نزنید همه

منافع هم تو جیب او برود. سابق اینطور بود که هر چه منفعت تو جیب هیأت حاکمه می رفت و بستگان او، وقتی اینطور بود خوب مردم باید بگویند شما همه منافع را می برید و هیچ کاری هم برای ما نمی کنید جز خرابی، منتها جرات نمی کردند بگویند، مساله اینطور بود ولی جرات نمی کرد نفس بکشد. حالا- که این مملکت مال همه شده است، یک هیأت حاکمه بخواهد هر چه دست می آید بگذارد جیش، ما نداریم، شما خیال کنید اینها یک کدامشان یک شاهی استفاده نامشروع داشته باشد، نیست در کار- کارشان هست- خودشان مردم صالحی هستند منتها نباید ما بنشینیم همه مان، خانم ها و آقایان- عرض کنم- جوان ها، پیر مرد ها بنشینند بگویند که برای ما چه کردند. مگر آنها با شما فرقی دارند که برای شما، شما برای آنها چه کردید. همه باید برای هم کار کنند. همانطوری که آنها موظفند که کار بکنند، شما هم موظفید که کار بکنید برای مردم، من هم موظفم کار بکنم. یک مملکتی است مال همه تان، مال یک دسته خاصی نیست که شما بگوئید که این که منافعش می برد پس چرا کار نمی کند. منافع مال همه است، مضارش هم مال همه است، مملکت هم مال همه است، اما توقع نداشته باشید که یک بچه ششماهه، هشتماهه، ده ماهه این بتواند کارهای فلاسفه را بکند. این مملکت ما الان مثل یک بچه هفت هشتماهه می ماند که تازه تولد شده با همه دردها، با همه رنج ها، با همه بیماری ها یک همچو مملکتی که مثل یک طفل هشتماهه مبتلا به تمام بیماری ها خصوصا بیماری های بعد از انقلاب زیاد است، بسیار سخت است. شما یکی تان یک روز بیایید اینجا بنشینید و ببینید این افرادی که می آیند اینجا چه می گویند، چه می خواهند. فلان مرد می گوید که من زن ندارم برای من یک زن، فلان دختر می نویسد که من یک شوهر می خواهم. خیلی از کاغذها از این سنخ حرف هاست، از این سنخ حرف ها که اینهایی که می آیند اینجا دست هاشان، شما یک وقت بیایید تماشا کنید ببینید که خیلی از اینها دست شان بلند است و یک پاکت دست شان است آنوقت شما خیال می کنید که این یک پاکت راجع به یک مسائل سیاسی و یک مسائل اساسی است و اینها را که ما نمی گیریم، اطلاع بر جانی نداریم. الان تو این اطاعتی که من نشستم آن یک جای بزرگی است که برای کاغذ است، آن کاغذهایی که آمده است و ما دیدیم که چه می خواهند، چه می گویند اینها الان اینطوری هست که هر که هر گرفتاری دارد، خیال می کند، خوب ما انقلاب کردیم که زمین چطور بشود، ما انقلاب کردیم شوهر داشته باشیم، ما انقلاب کردیم چه بشود- نمی دانستیم- ما انقلاب کردیم، حالا که انقلاب کردیم خودتان درست کنید. به ما چه زحمت کشیدند، خود ملت زحمت کشیده و خودشان انقلاب کردند و خودشان این جرثومه فساد را از اینجا بیرون کردند. الان خودتان هستید، خودتان چرا، به من چکار دارد که به من مراجعه کنید. من هم مثل یکی از شما، من هم مثل شما هستم، الحمدلله نعمت جوانی هم دارید و قدرت هم دارید من آتش را هم ندارم و دولت هم مثل شما می ماند، شما دولت را- یک چیزی هست- یک چیز دیگری حساب نکنید، آن هم یک قدرت محدود دارد، یک اشخاص محدود. اینها الان وقتی که کار یک نفر را می خواهند عوض کنند مدت ها باید بگردند، فکر کنند که چه باشد، سابقه اش باید چه باشد. مثل سابق نیست که همه معلوم بشود که چه مردمی هستند، مردم جراری

هستند که معلوم می شود، آنها هم همان مردم جرار می خواستند سر کار بگذارند و می گذاشتند. حالا می خواهند یک آدمی باشد که مسلم باشد، متدین باشد، امین باشد، تمایل به راست و چپ نداشته باشد شرایط دارد برای پیدا کردن یک نفری که چه بکند و ندارند آن را من می دانم که الان در ادارات خیلی هست اشخاصی که ناباب هستند، این اداره بخواهند این را برش دارند، کسی نیست که اینجا بنشیند این کار را درست کند معذک دارند تصفیه می کنند، مشغولند، بسیار هم از اینها بیرون کردند، بسیار هم از اینها تغییر داده شده است لکن شما توقع تان زیاد نباشد. آقا ما به شما بگوئیم که شما برای ما چه کردید، ما اینقدر زحمت کشیدیم حبس رفتیم، شما هم حبس رفتید ما هم حبس رفتیم، چرا شما به ما می گوئید که برای ما چه شده، ما به شما می گوئیم چه می کنید، برای ما چه کردید. فرقی نمی کند، همه مان باید بگوئیم که ما باید چه بکنیم (باید چه بکنیم) بگوئید. اما باید چه بکنید شما، شما باید کاری بکنید که این صداها هی کم بشود. اگر بخواهید مملکت تان را درست بکنند، با آرامش باید درست کنند. اگر یکی جائی تظاهر و دعواست نمی شود اسفالتش کرد. اگر یک مدرسه ای که صبح وارد می شوید می بینید که یک دسته از آن ور ریخته، یک دسته از آن ور ریخته، تو سر هم می زنند نمی شود تو این مدرسه درس خواند، نمی شود هم اصلاحش کرد. نمی شود بگوئید شما، آموزش و پرورش چرا کار نمی کند. خوب نمی گذارند.

عمال رژیم منحوس شاهنشاهی نمی گذارند برای کردها کاری انجام بگیرد

این کردستانی که الان می بینید که به این خرابی است، یک دسته از همین انگل ها و از همین هائی که مربوط به رژیم منحوس شاهنشاهی است یا مربوط به چپ و راست، یا همه راست (چپی ها فعلا دخالت و اینها نمی توانند داشته باشند، الان آمریکائی به صورت چپ و راست) خوب اینها نمی گذارند که برای کردها یک کاری انجام بگیرد. بودجه برایشان تعیین کردند اما خوب یک مملکتی که وقتی که یک فوج از آنجا راه می رود و با تفنگ می زنند، می توانند بروند آنجا آسفالت کنند، مثلا بروند مدرسه بسازند، می توانند بروند آنجا حمام و دبیرستان و آن چیزهائی که احتیاج دارند؟ خوب نمی شود این. کوشش کنید که این منحرف هائی که هی تضعیف می کنند شماها را (هیچ کاری نشده، هیچ کاری نشده) الان تضعیف شماست. خیلی کار تاکنون شده، یعنی من باید بگویم به شما که این هشت ماهی که اینها کار کردند در یک همچو محیطی..... که کار تمام است در یک همچو محیطی، با همچو وضعی، با همچو کارشکنی هائی، خیلی کار شده منتها این کارها عرضه نشد به مردم که بگویند چقدر کار کردیم. همین دیروز که آمدند اینجا یک دسته ای که مال قم بودند، اینجا وقتی که خواندند راجع به کارهائی که کردند، راجع به حمام ها، راجع به _ عرض می کنم _ اسفالت ها و راجع به خانه سازی ها و امثال ذلک، شمردند زیادش صفحه بزرگی بود که نوشته و قبل از آن هم راجع به همین جهاد _ چیز _ بنیاد مستضعفین، شما خیال می کنید بنیاد مستضعفین چیزی در آن نشده، نه چیز خیلی زیاد شده منتها زیادت از آن باید بشود. مستضعفین تقریبا چندین میلیونند، چندین میلیون

اشخاصی هستند که ضعیفند و همه هم از رژیم سابق به ارث برده شده . همه اینها که می بینید که مثلا خانه ندارند، زندگی شان درست نیست ، اسفالت ندارند، اینها که در انقلاب اینجور نشده ، این در رژیم سابق اینها شده . در رژیم سابق جرات نمی کردند، آب نداریم ، به حبس می بردندشان اگر می گفتید اسفالت نداریم ، کتک شان می زدند. حالا دیگر نه کتک است ، نه حبس و نه زجر، هیچ این حرف ها نیست در کار وقتی نیست همه صدایشان در می آید، تمام مستضعفین صدایشان در می آید که نه آب داریم و نه برق داریم . خوب از شما می پرسم خوب شمائی که نه آب دارید نه برق ، تازه این کار شده ؟ می گویند نه ، ما از سی سال چهل سال اینجور بوده . خوب از اول اینجور بوده ، اینها هم که دارند می سازند. اگر بگویند هیچ کاری کردند، نخیر! خیلی کار کردند. اینقدرها لوله کشی کردند آب بردند و آب رساندند، اینقدر جاده ها را ساختند، در هر جا که بروید این مسائل هست ، خانه ها زیاد ساخته شده ، اما برای چند میلیون جمعیت به این زودی درست نمی شود آنها هم قبول دارند، البته خیلی از چیزها مانده است ، اما نه این است که کاری نکردند، تا حالا هیچ کاری نشده ، انقلاب شده مثل اول . اگر انقلاب نشده بود و مثل اول بود که شما اینجا ننشسته بودید، اگر شما اینجا آمده بودید، وقتی بیرون می رفتید جایتان حبس بود. انقلاب شده مثل اول یعنی چه ؟ اینها تضعیف می کنند روحیه شما را. شما قوی باشید، قدرتمند باشید، با همان قدرتی که همچو سد بزرگی را شکستید، جلو بروید، درست می شود مملکت تان ، نترسید از این حرف ها یک دسته ای ماندند از این دسته هائی که مثل دزدها، دزدها هم هستند که سرگردنه می روند دزدی می کنند، من خودم اطلاع دارم ، از آنوقت هائی که در زمان احمد شاه یادم هست ما مبتلا بودیم به دزدها، مبتلا بودیم به این اشخاصی که می آمدند مثل رجبعلی و مثل نایب حسین کاشی و مثل آن میرزا علینقی ها و آنها که شما حالا اسم شان را هم نشنیدید، اینها می رفتند غارت می کردند، دهاتی که ما در آن بودیم غارت می کردند. کاشان ، اصل حکومت در کاشان نمی توانست کاری بکند، همه اش این غارتگرها بودند، غارتگرها آنجا غارت می کردند، همه کارها را انجام می دادند، تا زمان رضاشاه همه غارت ها را منحصر کردند به یک غارتگر، همه را سرکوب می کردند، یک غارتگر جای همه نشست و آن غارت می کرد. پیشتر غارتگرها متعدد بودند بعدش همه سرکوبی شدند، آن هم به _ چیزی _ که دستوری که از خارج داشتند، همه را سرکوبی کردند و متمرکز شد قوا در یک نفر که آن هم غارتگر بود. شما خیال نکنید که کاری نشده . نه خیلی کار شده ، معجزه شده ، اعجاز شده . این فریادی که اینجا می بینید امکان نداشت که سابق یک کسی بیاید و یک صدائی بکند. می بینید آزادی ، نعمت آزادی از همه چیزهای دنیا بیشتر است . شما الان طوری هستید که می آئید منزلتان فکر این نیستید که خوب اینجا هستیم ، مبدا سازمان امنیت بیاید مثلا برادرم را بگیرد، پدرم را بگیرد، شوهرم را بگیرد _ عرض می کنم _ آنطور چیزها، این خوف ها را داشتید. حالا راحت می خوابید نه سازمان امنیت می آید و کسی را بگیرد و نه دولت می فرستد کسی را بگیرد و نه چی و دزدها را دولت گرفته ، آن غارتگرها را، آنهایی که شما را اذیت کردند در طول تاریخ ، آنها را دارند خوب یکی یکی می گیرند، بعضی شان را به جزایشان می رسانند بعضی شان را نمی رسانند.

اما شما

باورتان نیاید که به شما می گویند که هی (چه شد، چه شد، چه شد) این حرف هائی است که همین کسانی که مربوط به رژیم سابق هستند این حرف ها را می زنند برای اینکه به شما بگویند که اصلا اسلام هم مثل آنها. نمی دانند که برکت اسلام بود که دزدها را از این مملکت بیرون کرد، از برکت اسلام است که این آزادی الان هست ، برکت اسلام بود که بعد از انقلاب همچو آزاد کردند همه را، تمام مطبوعات آزاد شد، منتها بعدش دیدند که ، پنج ، شش ماه که گذشت ، دیدند که این مطبوعات وابسته به اسرائیل است بعضی شان ، بعضی شان دارند توطئه می کنند بر ضد مملکت ، خوب روی یک قواعدی نباشد که رسیدگی بشود و هر کدام که اینطور هستند جلوشان گرفته بشود. که هیچ انقلابی در دنیا نمی توانید پیدا کنید مثل انقلاب ایران که بعد از انقلاب ابداً گرفتاری در کار نبود و آزادی مطلق بود، اجتماعات آزاد بود و حزب ها همه آزاد بود و مردم همه شان بطور آزادی مسائلشان را می گفتند مطالبی که داشتند می کردند، انتقادات می کردند. این معنا هم که گفتید که به شما مطالب را نمی رسانند، این هم از جمله حرف هائی است که اینها می زنند برای اینکه بفهمانند به مردم که من یک آدم بی اطلاعی هستم ، وقتی من یک آدم بی اطلاعی هستم نمی توانم حرفم یک حرف صحیحی باشد. من بی اطلاع نیستم . تا شما الان آمدید چقدر حرف زدید پیش من نشستید حرفتان را زدید، آن هم یک کسی او را نمی بیند. صبح و ظهر و شب و همه وقت هستم ، منتها از صبح تا ظهرش بنا بود که اجتماعات باشد و بعدش من را یک قدری آزاد بگذارند. این وقت آزادی من است که الان شما دارید می بینید. انشأالله که همه تان موفق باشید. من به همه دعا می کنم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در دیدار با دانشجویان دانشکده علوم و ادبیات

تبلیغات دامنه دار اجانب در وابسته نمودن شرق به کشورهای غربی

بسم الله الرحمن الرحيم

من یک جمله با آقایان صحبت کنم، بعد هم، ما باید زحمت بکشیم تا در همه جناح ها خودکفا باشیم. امکان ندارد که استقلال به دست بیاید، قبل از اینکه استقلال اقتصادی داشته باشیم. اگر ما بنا باشد که در اقتصاد احتیاج داشته باشیم، در چیزهای دیگر هم وابسته خواهیم شد و همین طور اگر در فرهنگ ما وابستگی داشته باشیم، در اساس مسائل وابستگی پیدا می کنیم.

مع الاسف تبلیغاتی که در طول تاریخ باید بگوئیم شده است از آنوقتی که این خارجی ها راه پیدا کردند به کشورهای شرقی، تبلیغاتی که شده است اسباب این شده است که شرقی ها این گمان را پیدا کردند که هر چه کمال است در غرب است و این اسباب این شده است که خودشان را بکلی در مقابل غرب و در مقابل شرقی که نظیر اوست و در مقابل آمریکا و اینها باختند خودشان را شرقیین. در هر جناحی که می روید می بینید که در آن جناح صحبت می از غرب است، صحبت می از خارج است.

اگر یک دوائی در اینجا، در خود ایران هم پیدا بشود، باز به عشق دوائی خارج به خورد ایرانی ها می دهند. اگر یک پارچه خوبی هم ایران خودش تهیه کند و بیافد، باز باید با اسم فاستونی انگلیسی به مردم بفروشد. هر چیزی را که شما بروید سراغش می بینید که می صحبت از این است که _ باید ما از آنها _ باید از آنها بیاید. از گویندگان سابق که حالا مرده است و آنوقت یا بعضی وقت ها رئیس مجلس بود یا در مجلس سنا بود گفته بود که نه، ما اصلش باید همه چیزمان را انگلیسی کنیم. آن از خدمتگزارهای انگلیس بود. این معنا که با تبلیغات دامنه دار وابسته های به آنها و خود آنها در ایران منتشر شده است، اسباب این شده است که ما دیگر به خودمان اعتماد نکنیم، استنادمان به خارج باشد، استقلال فکری و مغزی نداشته باشیم.

اگر شما بخواهید استقلال و آزادی واقعی پیدا بکنید، باید کاری کنید که در همه چیز خودکفا باشید

اگر ما خواهیم مستقل باشیم، باید از همه جهات خودمان را مستغنی کنیم و از حالا در صدش برائیم از حالا باید، حالائی که مملکت شده است مال خودتان و دست اجانب کوتاه شده است و امید

است تا آخر کوتاه باشد و این خیانتکارها هم رفتند و این ریشه های گندیده شان مانده است .

ما باید این مملکت که مال خومان شده است حالا، مثل خانه خودمان باید خدمت کنیم و از الان در صدد این برآیم که خودمان را مستغنی کنیم از این غرب و شرق . شما این را بدانید که غرب و شرق به ما بلکه به غرب و شرق آن بالاها و به این شرقی که ما در آن زندگی می کنیم ، به ممالک اسلامی ، اینها هیچ ابدا یک منفعت صحیحی نمی دهند، هر چه به ما بدهند چیزهائی است که یا به درد خودشان دیگر نمی خورد و به ما می دهند و یا اینکه به صورت ، یک چیزی را می دهند که به درد ما دیگر نخورد.

اگر چنانچه به ما از علوم خودشان فرض کنید یک چیزی بدهند، یک چیزی که به درد ما درست نخورد می دهند. اگر این جوان های ما بروند در آنجا، در مدارس آنجا تحصیل کنند، آن تحصیلی را _ که به جوان های _ و آن علمی را که به جوان های ما یاد می دهند، این در آن مدارس استعماری است . مدارس خودشان ، آن مدرسی که برای خودشان است ، غیر آن مدرسی است که برای دنیای سوم است . آنها دنیای سوم را یک چیز دیگر می دانند، برای انسان دنیای سوم اصلش چیزی قائل نیستند، اصلش برای انسان های دنیای سوم هیچ حیثیتی قائل نیستند بلکه شاید حیواناتی که در آنجا زندگی می کنند عنایت آنها به آنها بیشتر از انسانی است که در اینجا زندگی می کند، دوائی که در آنجا استعمالش ممنوع است در اینجا استعمالش مجاز است ، می فرستند در دنیای سوم ، طبیعی که در آنجا طبابتش ممنوع است ، می فرستند او را اینجا و اینجا طبابتش مجاز.

این طبیب هائی که آنجا درس می خوانند، آنها را _ اجازه _ بسیاری شان را اجازه این نمی دهند که در آنجائی که تصدیق هم به او دادند و دیپلم هم به او دادند، همه تصدیق ها را دادند به او اما مشروط به این است که تو بروی در محل خودت طبابت بکنی ، اینجا حق نداری طبابت بکنی ، برای اینکه وضع آن چیزی که برای ممالک به نظر آنها استعماری ، برای دنیای سوم که برایش هیچ حیثیت قائل نیستند، همه چیزهائی که آنها برای خودشان می خواهند برای ما نمی خواهند، برای ما یک چیز دیگر می دهند. این را من سابق هم گفتم که ما در پاریس که بودیم ، از این جوان هائی که در آلمان مشغول تحصیل بودند آمدند پیش ما و گفتند که ما در اینجا که تحصیل می کنیم ، نمی گذارند ما بالا برویم ، در یک حد معینی ما را نگاه می دارند نمی گذارند که ما مرتبه بالا برویم . مع الاسف در همین دانشگاه های ما هم راه پیدا کرده بودند و نمی گذاشتند آن رشدی که باید جوان های ما ببینند بکنند و بعضی از این اساتید دانشگاه و اینها وابسته بودند و مامور بودند به اینکه نگذارند اینها یک رشد صحیحی بکنند. اگر شما بخواهید استقلال پیدا بکنید و آزادی حقیقی پیدا بکنید، باید کاری بکنید که در همه چیز خودکفا باشید، مستغنی باشید. کشاورز باید کاری بکند که دیگر ما احتیاج گندمی به خارج نداشته باشیم ، دانشگاهی باید کاری بکند که ما در طبابت دیگر احتیاج به خارج نداشته باشیم ، در مهندسی احتیاج به خارج نداشته باشیم .

رژیم منحوس پهلوی عامل عقب ماندگی کشور

این بی انصاف ها در آن رژیم سابق آنطور می خواستند ما را عقب مانده نمایش بدهند و به

خودمان حالی کنند که اسفالت هم وقتی می خواستند بکنند از خارج می آوردند، اگر می خواستند جاده سازی بکنند، یک اسفالت بکنند، یک بنائی درست کنند، یک راهی درست کنند، هر چه ، می گفتند متخصص باید از خارج باشد. نه اینکه اینجا نبود، هست اینجا، لکن اینها می خواستند جوری بکنند که ما همه چیزمان را ببازیم و وابسته به غیر باشیم . هر چیزی را اینها می گفتند باید ما از خارج وارد کنیم . هی با فلان شرکت ، با فلان شرکت خارجی ، با فلان شرکت خارجی پیمان و چیز می بستند و راهسازی را به آنها می دادند و راهسازها یا کنار باید بنشینند، عمله ها باید یک چیز جزئی بکنند و مهندسين آنها با حقوق های فلان و فلان آقائی و فرمانفرمائی بر ما حکومت بکنند و ما را یک دسته ، مملکت ما را یک دسته وابسته بکنند و عمله و پائین و اینطور نمایش می دادند و هر چه از خارج می آمد، یک مهندسی از خارج می آمد، یک مهندسی از خارج می آوردند که مهندسين خود شما بهتر از آنها بود لکن او را می آوردند با صد هزار تومان یا کمتر یا بیشتر می آوردند به او می دادند و اینهایی که از او هم بهتر بودند زیر دست او قرار می گرفتند.

وضع مملکت ما در این مدت و خصوصا در این پنجاه سال اخیر یک همچو وضعی شده بود و ما باید از این ، خارج کنیم خودمان را. ما اگر بخواهیم که یک مملکت مستقل باشیم باید همه چیز، در همه چیزمان جدیت کنیم که خودکفا باشیم ، مریض ما دیگر خارج نرود، چیزهایی که ما خودمان می توانیم درست کنیم خودمان درست کنیم و هر چیز را می توانید در صدد بر آئید. وقتی انسان باشد می تواند درست کند، می تواند همچو کاری را بکند لکن وضع را اینطوری به بار آورده بودند که ما باورمان آمده بود که چیزی نداریم ، ما چیزی نمی دانیم باید ما از خارج بگیریم ، باید همه چیز از خارج بگیریم . و اگر واقعا اینطوری است که یک مصیبتی است و اگر اینطور نیست و ما را اینطور تربیت کردند که باورمان بیاید، این هم یک مصیبت دیگری است .

باید دانشگاه افرادی را تربیت کند که احتیاج را از خارج سلب کند

باید دانشگاه جدیت کند به اینکه افرادی را همچو بار بیاورد که ، همچو تربیت و تعلیم بکنند که احتیاج را از خارج سلب کند، طبیب طبیب خودمان باشد و ما احتیاج نداشته باشیم به طبیب خارج یا رفتن به خارج ، وقتی می خواهد یک لوزه ای عمل کند، در رژیم سابق لوزه یکی از بچه هایش _ نمی دانم _ یا از بستگانش می خواست عمل کند از اروپا می آورد که لوزه اش را عمل کنند.

یک همچو وضعی را می خواستند به ما و به دنیا اینطور نمایش بدهند که ما یک طبیب لوزه عمل کن نداریم ، اینطور می خواستند ما را در خارج نمایش بدهند یا مامور بودند که اینطور بکنند که ما را یک مردمی که اصلا هیچ از هیچ چیز اطلاع نداریم ، مملکت ما اسفالت هم نمی تواند درست کند، یک راهسازی هم نمی تواند بکند، مملکت ما یک بنا هم نمی تواند درست کند. بناهای شهر، همین مدرسه فیضیه که ملاحظه می کنید و در این دری که از مدرسه فیضیه وارد می شوند به صحن ، یک حاشیه ای آن بالا دارد با یک نقشی (آنوقت ها که من دیدم ، حالا که مدت هاست من ندیده ام) تا آخر

کاشیکاری، آنوقت که ما قم بودیم در سی سال، چهل سال پیش که ما اینجا بودیم و نرفته بودیم بیرون، این بساط نبود. برای من نقل کرده بودند که یکی از متخصصین خارجی آمدند و این را دیدند گفتند این دیگر قابل این نیست که کسی بتواند مثل این درست کند برای اینکه این رنگ آمیزی که در آن شده، هر یک از این رنگ ها یک مقدار حرارت خاصی می خواست و چون این مقدار حرارت خاص می خواهد که زیادیش می برد و کمی اش نمی رساند او را و اینها پهلوی هم که اینها را که گذاشتند، اینها اینطوری هست، نمی توانیم دیگر ما درست کنیم. اساتید ما اینطور بودند، بناهای ما، کاشیکاری ما اینطور بوده که آنها تصدیق می کردند که ما نداریم مثل این را. طب ما را در اروپا تا حالا هم شاید طب ابوعلی را و رازی را، حالا هم شاید تدریس بکنند. مع الاسف ما آنها را کنار گذاشتیم، مفاخر خودمان را کنار گذاشتیم چسبیدیم به آنها. تا ما از این وابستگی درنیائیم، امید اینکه برای ما یک استقلال صحیحی، یک مملکتی که بتوانیم به آن بگوئیم که یک مملکت مستقل است نباید داشته باشیم.

شما جوان ها، شمایی که جوان ها را تربیت کنید در صدد این باشید که اولاً مغزهای ما را، آنها را از این چیزی که پر کردند از آنها، این مغزهایی که پر شده است از اینکه مغز شرقی را برداشتند جایش مغز غربی گذاشتند، شستشو کنید و به آنها حالی کنید که شما خودتان مفاخر داشتید، خودتان فرهنگ دارید، خودتان همه چیز دارید. به آنها حالی کنید که باید خودتان هر کاری بکنید. ما اگر خودمان یک امر ناقص هم داشته باشیم، بهتر از این است که پیش دشمن مان دست دراز کنیم و یک امر کامل از آنها بگیریم. من متأسفم از اینکه ما پیش دشمن هامان باید برویم و اظهار احتیاج بکنیم. اگر باز احتیاج به یک ممالکی بود که دوست بودند به ما، خوب، روابط دوستانه بود اما ممالکی که امروز الان ملاحظه می کنید در انگلستان بختیار دشمن ایران را آنجا بردند و زیر پرچم خودشان حفظ کردند و پلیس آنجا در حمایت پلیس آنجا حفظ می شود و بر ضد ایران مقاله می نویسد و حرف می زند و اجتماعات درست می کند و اینها و اگر جوان های ما بخواهند یک چیزی بگویند، پلیس آنجا جلوشان را می گیرد و آن دشمن شماره یک ما را بردند در امریکا به اسم اینکه معالجه کنند (حالا یا معالجه می خواهند بکنند یا به اسم معالجه) بردند برای اینکه توطئه کنند. ما باز دست مان دراز کنیم پیش امریکا بگوئیم گندم بده، یا پیش انگلستان بگوئیم چه بده؟!.

استقلال با وابستگی جمع نمی شود

من متأسفم واقعا و همه متأسفند که ما باید احتیاج داشته باشیم به دشمن های خودمان. ما باید خودکفا باشیم. این را باید کشاورزی مان را همچو درست بکنیم، همه دست به هم بدهند، کشاورزها، دولت، اشخاصی دیگر که این کشاورزی به حدی برسد که ما بتوانیم صادر بکنیم مملکت ما صادر کننده بوده است و حالا ما گرفتار این معنا شدیم.

مملکت ما یک آذربایجانش اگر چنانچه درست کشاورزی بشود، یک خراسانش اگر درست کشاورزی بشود برایمان کافی است، مابقی اش باید صادر بکنیم. مع الاسف با اسم اصلاحات ارضیه ما را به این روز نشانند که می بینید و چیزهای دیگر ما هم همین طور. همه چیزمان باید مستقل بشود. استقلال با وابستگی جمع نمی شود. و ما فرهنگمان وابسته بشود استقلال نداریم، اقتصادمان وابسته بشود استقلال نداریم. اول باید آن مطلب را درستش کرد، استقلال فرهنگی، استقلال اقتصادی اول باید او را درستش کرد تا ما بتوانیم اسم خودمان را یک مملکت بگذاریم، یک مملکت مستقل بگذاریم.

اصلاح و اداره امور مملکت با تعلیم و تربیت صحیح نسل آینده

و من امیدوارم که جوان های ما، اساتید ما، اساتید دانشگاه ما، همه نویسندگان ما، روشنفکرهای ما همه بیدار بشوند، متوجه بشوند که غفلت ها شده است، تا حالا اغفال ها ما را کردند، مغزهای ما را عوض کردند. باید همه دست به هم بدهیم، نویسنده کمک کند به این نهضت، گوینده کمک کند به این نهضت، روزنامه ها کمک کنند به این نهضت، نه اینکه روزنامه ها را آدم ببیند، بعضی روزنامه ها را گاهی من می بینم (به غیر این معروف ها) بعضی از آنها سر تا ته آن چیزهایی است که به حال این ملت مضر است. در بین همین روزنامه ها هم باز پیدا می شود اگر بخواهد یک، البته یک دسته ای هستند نمی خواهند، یک دسته منافعشان را به این دیدند که غربی ها به اینجا حکومت بکنند یا امثال این خائن ها بیایند سر کار، آنها نمی خواهند.

اما آنهایی که اینطور نیستند، آن دسته از نویسنده ها و روشنفکرها، از اساتید دانشگاه، از معلمین، از سایرین که اینطور نیستند و جوان ها که باز اینطور بلا اشکال نیستند، برای اینکه آنها در رژیم سابق کاری نداشتند تا آنطور بشوند، باید فکر این معنا باشند که ما خودمان انسانیم، ما خودمان فرهنگ داریم، ما خودمان می توانیم تربیت و تعلیم کنیم و می توانیم کار انجام بدهیم و مشغول بشویم. حالا اول وقت است، اولی است که دست این جنایتکارها کوتاه شده است از مملکت ما، آنها هم که ما را چاپیدند آنها هم حالا دستشان کوتاه شده، ما به فکر این باشیم که خودمان را درست بکنیم. اول مطلب این است که جوان های ما درست بشوند، این جوان هایی که در آتیه باید این مملکت را حفظ کنند، این مملکت را اداره بکنند، اینها باید درست تربیت بشوند و اصلاح بشوند.

خداوند همه شما را انشاءالله توفیق بدهد و همه ما را، خواهرها را، برادرها را توفیق بدهد که خدمتگزار این مملکت باشیم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

پیام امام خمینی به مناسبت آیت الله قاضی طباطبایی

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله وانا اليه راجعون

با کمال تأسف ضایعه ناگوار شهادت عالم مجاهد حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج سید محمد علی قاضی طباطبائی رحمه الله علیه را به عموم مسلمانان متعهد و علمای اعلام مجاهد و مردم غیور مجاهد آذربایجان و خصوص بازماندگان این شهید سعید تسلیت عرض و از خداوند متعال صبر انقلابی برای مجاهدین راه حق و اسلام خواستارم .

ملت عزیز برومند ایران و آذربایجانیان غیرتمند عزیز باید در این مصیبت های بزرگ که نشانه شکست حتمی دشمنان اسلام و کشور و عجز و ناتوانی و خود باختگی آنان است ، هر چه بیشتر مصمم و در راه هدف اعلاى اسلام و قرآن مجید بر مجاهدات خود افزوده و از پای ننشینید تا احقاق حق مستضعفین از جباران زمان بنمایند. عزیزان من در انقلابی که ابر قدرت ها را به عقب رانده و راه چپاولگری آنان را از کشور بزرگ بسته است ، این ضایعات و ضایعات بالاتر اجتناب ناپذیر است . ما باید از کنار این وقایع با تصمیم و عزم و خونسردی بگذریم و به راه خود که راه جهاد فی سبیل الله است ، ادامه دهیم . شهادت در راه خداوند، زندگی افتخار آمیز ابدی و چراغ هدایت برای ملت هاست .

ملت های مسلمان از فداکاری مجاهدین ما در راه استقلال و آزادی و اهداف توسعه اسلام بزرگ الگو بگیرند و با پیوستن به هم سد استعمار و استثمار را بشکنند، به پیش به سوی آزادی و زندگی انسانی بروند. از خداوند متعال عظمت اسلام و مسلمین و رحمت و مغفرت برای شهدای راه حق و شهید سعید طباطبائی خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

بیانات امام خمینی در گروهی از زندانیان سیاسی رژیم گذشته

سعادت از آن کسانی است که تکلیف خویش را ادا کردند

بسم الله الرحمن الرحيم

آنچه بود گذشت و سعادت را آنها بردند که تکلیف خودشان را ادا کردند، چه در حبس چه در زیر شکنجه و چه بیرون از حبس. باید مهیا باشید برای مصیبت ها، یکی بعد از دیگری. شما یک انقلابی کردید و یک سدی را شکستید که در دنیا نظیرش کم یا نبوده است، منتظر نباشید که بعد از شکستن این سد و کوتاه شدن دست ابرقدرت ها از خزائن شما و رفتن خائنین از این کشور و کوتاه شدن دست استفاده جوها همین طور به این سادگی مطلب بگذرد.

به دنبال شهادت مردان بزرگ باید اراده ها مصمم تر گردد

ما باید مهیا باشیم که باز شهید بدهیم. چنانچه دیروز، دیشب یکی را دادیم، مرحوم آقای قاضی رحمة الله به شهادت رسید و قبل از او هم بوده است و بعد از او هم خواهد بود، لکن این شهادت ها اراده های شماها را باید مصمم تر کند. شما در یک راهی قدم بر می دارید که در این راه شهادت های بسیار از مردان بزرگ واقع شده. راه اسلام است، برای اسلام قیام کردید و برای حق قیام کردید و کسی که برای حق قیام کند، برای اسلام قیام کند، همه چیز باید پیش او سهل و آسان باشد. شهادت یک هدیه ای است از جانب خدای تبارک و تعالی برای آن کسانی که لایق هستند و دنبال هر شهادتی باید تصمیم ها قوی تر بشود و بفهمانید به اینهایی که اینطور کارهای ناجوانمردانه کنند که دیگر نمی توانند با یک همچو کارهایی اعاده بدهند آن مسائل سابق را، بلکه این نحو کشتن که به طور ناگهانی و دزدکی می کشند این دلیل بر شکست آنها است. اگر اینها قدرتی داشتند در میدان می آمدند، تا آن وقتی که یک قدرتی داشتند در میدان بودند و شما هم در میدان و ملت ما آنها را عقب زد، دیگر این آشفتگی های جزئی و این دست و پازدن هایی که گاهی یک کسی را به شهادت می رسانند، گاهی یک دزدی کنند، سرگردنه ها دزدی می کنند، این دغلبازی ها دلیل بر این است که اینها دیگر مایوس هستند و شکست خورده هستند.

برای پیاده کردن محتوای مترقی اسلام، مردانه در میدان باقی بمانید

شما هم قویدل باشید و از این شهادت ها هیچ ابدا باکی نداشته باشید و مردانه همانطوری که تا حالا قیام کردید و نهضت کردید و این سد عظیم را شکستید، مردانه در میدان باقی باشید و جلو ببرید این نهضت را تا اینکه انشاءالله اسلام با آن محتوای مترقی اش پیاده بشود و مملکت ما یک مملکت اسلامی به تمام معنا بشود یعنی تمام قشرهایش اسلامی بشود یعنی هم دولت یک دولت اسلامی باشد هم وزارتخانه ها یک وزارتخانه های اسلامی باشد، هم ادارات، ادارات اسلامی باشد هم استانداری ها استانداری های اسلامی باشد، هم بازار و دانشگاه و امثال ذلک .

باید ما کوشش کنیم برای این مقصد بزرگ یعنی این مقصدی که انبیا دنبال این مقصد بودند و تا آخر هم دنبال این مقصد بودند و به پیش رفتند، ماها باید به تبعیت از انبیا خدا، به تبعیت اولیاً خدا این مکتب را به پیش ببریم و انشاءالله این مملکت را یک الگویی قرار بدهیم از برای سایر کشورهای اسلامی و بلکه سایر کشورهایی که مستضعفین گرفتار مستکبرین هستند و امیدوارم که موفق بشوید.

در انجام کارها توجه تان به خدا باشد که عمل برای خدا باخت ندارد

شما در این کارهایی که انجام می دهید، چه در جهاد سازندگی، چه در پاسداری و چه در دادگاه ها و هر جا هستید، ادارات، توجه تان به خدا باشد. (کی کمک به من می کند کی نمی کند) خیلی مطرح نباشد پشتیبان . شما دارید یک عمل انسانی _ اسلامی برای خدا انجام می دهید، توانستید انجام بدهید که به آن نتیجه هم رسیدید، اگر توانستید هم انجام بدهید باز شما برد دارید، برای اینکه پیش خداست، مطلب الهی است . کسانی که برای خدا کار می کنند هیچ وقت باخت در آن نیست آنهایی که برای دنیا کار می کنند باخت دارند که اگر نرسیدند خوب، باختند و عمرشان هم هدر دادند، اگر برسند هم باخت دارند لکن آنهایی که برای خدا قیام می کنند، اطاعت امر خدا را می خواهند بکنند، نهضت برای خدا، قیام برای خدا، عمل برای خدا، این هیچ وقت شکست ندارد. در ظاهر هم اگر خیال بشود که ما نتوانستیم عمل بدهیم پس شکست خورده ایم، به حسب واقعش شکستی نخوردیم، برای اینکه ما برای خدا کار کردیم و کسی که برای خدا کار بکند همین دنیا نیست قضیه، جاهای دیگر ما داریم، برد آنجا است . البته دولت مکلف است، استاندارها مکلف هستند که همراهی کنند و این جهاد سازندگی که جوان ها مشغول هستند یا سایر کارهایی را که جوان ها مشغول هستند، به قدر احتیاجی دارند، احتیاجات آنان را برآورند به مقداری که می توانند. دولت مسامحه نشود و آنها هم باید عمل بکنند. یعنی همه ما موظفیم به اینکه یک کشورری که از گلوی استعمار بیرون کشیدیم، حالا خودمان اداره اش کنیم به طوری که دیگر محتاج به آنها نباشیم . این احتیاج به دشمن تلخترین چیزهایی است که در ذائقه انسان باید باشد یک وقت انسان احتیاج دارد به برادرهای خودش، اینهم خوب نیست لکن یک وقت احتیاج داشته باشد به دشمن خودش، یعنی آنی که در طول تاریخ ما را استضعاف کرده، در طول تاریخ به ما خیانت کرده، جنایت کرده است، حالا ما محتاج به او باشیم در ارزاقمان، دستمان را پیش دراز

کنیم که گندم بده، دستمان را پیشش دراز کردیم که مستشار بده، این به نظر انسان تلخترین چیزهایی است که در ذائقه انسان باید باشد که پیش دشمنش، پیش آنکه همه چیزش را از بین برده، دست دراز کند که به من ارزاق ما را بده. باید ملت ما این تحول را پیدا کند که عارش بیاید که به آمریکا بگوید گندم به ما بده یا مستشار به ما بده، خودش باید دنبال کار خودش باشد، خودش باید قیام کند و حوائج خودش را برآورد.

همه اقشار ملت قیام کنند برای رسیدن به خودکفائی و رفع حوائج خویش

همه باید با هم کمک بکنیم، یعنی ملت، همه قشرهای ملت باید در صدد این باشند که خود کفا باشند، محتاج نباشند. آنوقت قشر کشاورز، کشاورزی باید توسعه بدهد و زیاد توسعه بدهد. الحمدلله در این سال توسعه پیدا کرده بود بلکه در جایی دیدم که راجع به قم و اطراف قم بود که چهار مقابل قم و اطراف قم زیاد شده است امسال از سال های سابق. ما امیدواریم که سال های بعد زیاد جوری بشود که ما صادر کننده باشیم و آنها محتاج به ما باشند، نه جوری باشد که ما پیش کسانی که به ما آنطور رنج دادند برویم و بگوئیم شما به ما گندم بدهید. بعدش هم باید در همه امور اینطور باشد.

اگر یک مملکتی بخواهد مستقل باشد، اول شرط این است که احتیاج نداشته باشد به غیر اگر احتیاج داشت که نمی تواند مستقل باشد، احتیاج خودش یک وابستگی است. اگر یک روزی آن کسی که ما به او محتاج فرض کنید باشیم، یک روزی جلوی ما را بگیرد، خوب ما باید تسلیم بشویم. ما باید کاری بکنیم که مستقل بخواهیم بشویم، کاری بکنیم که محتاج نباشیم. این هم به اینکه دانشگاهی بنایش را بر این بگذارد در دانشگاه خودش کاری بکند که آن مقداری که مملکت خودش محتاج است بتواند آن مقدار را درست بکند. اطبا، عار است برای یک مملکتی که خارج از طب او استفاده کرده، حالا هم هر کس هر چیز می شود از اینجا پا شود و برود به لندن پیش دشمن های ما، پیش آن که الان دشمن ما را در آنجا دارد حفاظت می کند، آمریکا، پیش آن که دشمن بزرگ ما را دارد حمایت می کند و پشتیبانی از او می کند و توطئه گری می کند. عار است برای ما که مریض های ما بروند در یک چنین مملکتی که آنطور هستند. ما باید اطبامان هم در خود مملکت ما تربیت بشوند هی مایوس نباشند از اینکه ما نمی توانیم اینقدر خودشان را نیازند. خوب پیش هم هی می گفتند: (خوب نمی شود با این قدرت ها، نمی شود با این قدرت ها در افتاد، بیائید بسازیم، بیائید بسازیم) لکن شما دیدید وقتی ملت خواست شد. وقتی یک ملتی یک چیزی را می خواهد بشود، خدا همراهش است. همانطوری که آن وقت می گفتند نمی شود این قدرت را به هم زد و شما عمل کردید و شد، حالا- هم که می گویند ما نمی توانیم مثلا خود کفا بشویم راجع به چیزها، خیر می توانیم و باید همت کنیم و بشویم. باید طبیب از خود ما باشد، مهندس از خود ما باشد، همه چیز از خود ما باشد، احتیاج به این نداشته باشیم که ما از خارج وارد کنیم، مغز از خارج وارد کنیم، ما خودمان باید دارای مغز صحیح باشیم. این مغزهایی هم که می گذارند می روند، اینها هم به درد ما نمی خورند. خودتان باید حالا از اول بسازید خودتان را برای

اینکه کشور خودتان را خودتان اداره نکنید خیلی هم دنبال این نباشید که حالائی که دارید کار می کنید خیر باید حتما همه ادارات هم با شما همراهی کنند، شما برای خدا کار نکنید البته آنها باید این کار را نکنند لکن اگر یک وقتی یک لنگی پیدا شد هیچ ادا خوف به خودتان راه ندهید و یاس به خودتان راه ندهید. خودتان قدرتمندید، خودتان می توانید عمل کنید.

کوشش کنید که کارتان برای خدا باشد

من امیدوارم که خداوند همه شما را توفیق بدهد و همه ما را توفیق بدهد که برای خدا کار بکنیم تا شکست در آن نباشد. این از همه توفیق ها بالاتر است که ما خودمان طوری بکنیم که کارهایمان برای او باشد. خدمت به ملت خدمت به او است. خدمت به مملکت خود شما خدمت به خداست. مملکت، مملکت خداست. خدمت کردن برای اینکه ما محتاج به اجانب نباشیم، این خدمت بزرگی است، خدمت الهی است، برای خداست این. کوشش کنید که کارتان برای خدا باشد وقتی برای خدا باشد از هیچ چیز باک نداشته باشید، خدا همراه شماست و کسی که خدا همراهش است از هیچ نباید باک داشته باشد.

امیدوارم که خداوند همه شما را تایید کند و موفق باشید و اگر مطالبی هم هست ممکن است بنویسید چون من وقت اینکه حالا بنشینم یک مدتی صحبت کنم ندارم.

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان عربستان سعودی مقیم ایران

نهضت اسلام نمی تواند محصور در یک کشور باشد

بسم الله الرحمن الرحيم

مع الاسف آقایان وقتی آمدند که ظهر است و من وقتی ندارم لکن چند کلمه عرض کنم . این نهضت ایران نهضت مخصوص به خودش نبوده و نیست ، برای اینکه اسلام مال طائفه خاصی نیست ، اسلام برای بشر آمده است ، نه برای مسلمین و نه برای ایران . انبیا مبعوثند بر انسان ها و پیغمبر اسلام مبعوث بود بر انسان ها ، خطاب به ناس یا (ایها الناس) و ما که نهضت کردیم برای اسلام نهضت کردیم . جمهوری ، جمهوری اسلامی است . نهضت برای اسلام نمی تواند محصور باشد در یک کشور و تواند محصور باشد در حتی کشورهای اسلامی نهضت برای اسلام همان دنباله نهضت انبیاست . نهضت انبیا برای یک محل نبوده است ، پیغمبر اکرم اهل عربستان است لکن دعوتش مال عربستان نبوده ، محصور نبوده به عربستان ، دعوتش مال همه عالم است .

برای منادیان حقوق بشر سیاست و موجودیت شان مطرح است ، نه جان انسان ها

انبیا آمدند که انسان را بسازند . انسان یک موجودی است در ابتدا مثل سایر حیوانات است ، اگر رشد بکند یک موجود روحانی می شود که بالاتر از ملائکه الله می شود و اگر طرف فساد برود یک موجودی است که از همه حیوانات پست تر است الان شما در این انسان هائی که در دنیا هستند و ادعای انسانیت می کنند ، ادعای طرفداری از بشر می کنند ، ادعای حمایت از حیوانات می کنند ، شما الان این اشخاص را که بک همچو ادعاهایی دارند ملاحظه می کنید ، که گمان ندارم در تمام حیوانات یک حیوانی به درندگی اینها پیدا بشود ، یک حیوانی که ، یک موجودی که تمام این بشر و بشریت را برای نفع خودش می خواهد ، میلیون ها آدم را می کشد برای اینکه یک نفعی ببرد . حیوانات اگر چنانچه حیوانخوار باشند ، به اندازه شکم شان وقتی سیر شدند رها می کنند ، وعده دیگر سراغ کار ، اما این انسانی که انسان که از حیوانات است و بدترین حیوان است برای یک منفعت جزئی حاضر است که فوج فوج این انسان ها را بکشد ، انسان های دیگری ، آنهایی که سر راه نفع او ایستاده اند یا لااقل به نفع او عمل نمی کنند ، این انسان ها پیش آنها اصلا موجودیت شان مطرح نیست . آنها حاضرند که چند صد هزار ، چند صد میلیون جمعیت را بکشند تا اینکه یک جائی را برای سیاست خودشان

تصاحب کنند. جنگ هائی که الان در دنیا هست و بوده است و سابق بوده است شما ملاحظه کنید که چه می کنند اینها با این بشری که ادعا می کنند که ما برای حقوق بشر مثلا طرح داریم ، مجله داریم . همین ها وقتی که چهار نفر در ایران به واسطه جنایات پنجاه ساله شان کشته شوند، در محاکمه اینجا محکوم به اعدام می شوند. همین هائی که در آنجا در روزنامه هایشان شروع می کنند به نوحه سرائی کردن و انتقاد از محاکم اینجا، همین هائی که الان در میدان های جنگ برای سرکوبی و کشتن آدم ها برای رسیدن به یک چیزی که مثلا فرض کنید برای او یک به حسب تو هم یک نفعی دارد.

داشتن زندگی شرافتمندانه در گرو یافتن اسلام واقعی و انسان ساز است

اینهائی که الان مشغول کشتن فوج فوج آدم هستند، از دو سه نفر چند آدمی که در اینجا پنجاه سال جنایت کرده اند و چند صد نفر آدم کشته یا امر به کشتن کرده اند وقتی که اینها را در محاکم محکوم به اعدام می کنند فریادشان بلند می شود، در همین حالی که افراد آنها الان مشغول آدمکشی هستند، فوج فوج مردم را کشتند. همین ها برای اینها نوحه خوانی می کنند و مع الاسف در بین خود جمعیت های اسلامی ، جمعیت شرقی ، در مملکت ، در ممالک شما موجودهایی هستند که یا باورشان آمده است حرف های اینها را که آدم بگوید اینها بسیار عقب مانده اند. از حیث افکار، یا باورشان نیست لکن برای آنها کار می کنند که باید بگوئیم خیانتکارند. در بین ما هست در بین شما هم هست افرادی که همان مسائلی که آنها می خواهند، همان مسائلی که در غرب گفته می شود آنها در بطن جامعه خودشان طرح کنند و می گویند. همانطوری که مطبوعات آمریکا، مطبوعاتی که تحت نظر مستقیم صهیونیسم هستند، اینها همان مطالبی را که آنها می نویسند در نویسنده های ما بعضی شان ، در گوینده های ما بعضی شان ، همان مسائل اینجا هم هست ، در ممالک شما هم هست . الان تا ممالک شرق ، ممالک اسلامی تا اسلام را نیابند نمی توانند زندگی شرافتمندانه بکنند. مسلمین باید اسلام را پیدایش کنند، اسلام از دست شان فرار کرده . ما الان اسلام را نمی دانیم چیست . اینقدر به مغز ما خوانده است این غرب و این جنایتکارها که اسلام را ما گمش کردیم . تا اسلام را پیدا نکنید نمی توانید اصلاح بشوید. از آن مرکز که کعبه معظمه است و مرکز اجتماع مسلمین است در هر سال گرفته تا آخر بلاد مسلمین ، اسلام گم است نمی دانند چیست و لهذا مسلمین جمع می شوند و در مکه معظمه در یک محلی که خدای تبارک و تعالی آن محل را قرار داده برای اجتماع مسلمین ، اجتماع معنوی مسلمین ، جمع می شوند و نمی دانند چه می کنند، استفاده اسلامی از آن نمی کنند. یک همچو مرکز سیاسی را متبدلش کردند به یک اموری که اصلا غفلت از همه مسائل مسلمین ، باید اسلام را پیدایش کنند. مسلمین اگر حج را پیدا کنند آن سیاستی که در حج به کار رفته است از طرف اسلام ، همان را پیدا کنند کافی است برای اینکه استقلال خودشان را پیدا کنند، ولی مع الاسف ما گم کردیم اسلام را. آن اسلامی که الان دست ماست بکلی از سیاست جداش کردند، سرش را بردند، آن چیزی که اصل مطلب است از آن بردند و جدا کردند و مابقی اش را دست ما دادند. همان ما را به این روز نشانده است که ما نمی شناسیم سر

اسلام را، ما نمی شناسیم . ما تا پیدا نکنیم اسلام را، تا همه مسلمین پیدا نکنند اسلام را نمی توانند به مجد خودشان برسند.

اسلام برای اصلاح جامعه شمشیر کشیده ، نه برای کشورگشائی

مجد اسلام آن بود که در صدر اسلام بود، آن بود با یک جمعیت کم دو تا امپراطوری را از بین برد. آن مجد اسلام بود، نه برای کشورگشائی ، برای آدم سازی . این خیال است ، اشتباه است که خیال می کنند که کشورگشائی می کند اسلام ، اسلام کشورگشائی نمی کند. اسلام می خواهد همه کشورها آدم بشوند. اسلام دنبال این می رود که آنهایی که آدم نیستند آدمشان کند. در یک جنگی وقتی که اسیر کرده بودند یک عده ای را، به حسب تاریخ هست که اینها را بسته بودند داشتند می آوردند رسول اکرم گفت ببین من باید با زنجیر اینها را به بهشت ببرم . اسلام برای اصلاح جامعه است و اگر شمشیر کشیده ، شمشیر را برای این کشیده است که مفسدهائی که نمی گذارند این جامعه اصلاح بشود را از بین ببرد تا سایرین اصلاح بشوند مسائلی هم که آن آقا خواندند مسائل کثیری بود. اینها انشاءالله امیدوارم که اگر ما توفیق پیدا بکنیم ، اگر مسلمین توفیق پیدا کنند، بتدریج درست بشود. حالا ما گرفتاری های زیادی داریم که محتاجیم به دعای همه مسلمین . خداوند همه شما را تایید کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 117

بیانات امام خمینی در جمع ورزشکاران و گروهی از اهالی مردم قزوین

لزوم احساس مسوولیت و همیاری کلیه اقشار ملت در آباد ساختن کشور طاغوت زده

بسم الله الرحمن الرحيم

من خوشحالم که با شما ورزشکارهای عزیز، ورزشکارهایی که برای ملت ما پشتوانه هستید، امروز مواجه هستم. من به شما دعا می کنم ، به همه ملت و به شما ورزشکارها که قدرت جسمی و انشاءالله قدرت روحی هم دارید. البته مشکلات هست و مشکلات دنبال هر انقلابی اجتناب ناپذیر است لکن مشکلاتی نیست که نشود جبران کرد، مشکلاتی است که با یک فرصتی قابل جبران است لکن باید این احساس در ملت ما باشد که بعد از آنکه طاغوت رفت ، یعنی قدرتی که هر چه می خواست برای خودش می خواست و همه ثروت ما و ذخائر ما را به نفع خودش و ارباب های خودش چپاول کرد، بعد از رفتن یک همچو طاغوتی کشور به دست خود شما افتاده است ، یعنی مال شماست ، هر جایی دیگر مال خود اهالی آنجاست ، باید اهالی هر ناحیه ای ، اهالی هر شهرستانی ، اهالی هر روستائی کوشش کند برای ساختن همان جایی که هستند. اگر همه دست به هم ندهید و همه قشرها کمک نکنید، به این زودی نمی شود این کشور را که پنجاه سال اقلا در خرابیش کوشیده شده است آباد کرد.

تبلیغات مفسده جویانه شیاطین با سمپاشی و ایجاد یاس در میان مردم

الان دست هائی ، قلم هائی ، زبان هائی در کار است که ملت ما را مایوس کند، اشکالاتی می تراشند و نقل می کنند و می نویسند و می گویند. همه اش برای این است که روح یاس در شما، در جوان های ما، در قشرهای ملت ما ایجاد کنند. اگر روح یاس پیدا بشود در یک جامعه ای ، آن جامعه سست می شود و اگر سست شد، نمی تواند به پیروزی برسد. آنها هم چون به حسب شناخت روانشناسی خود به اینجا رسیده اند که باید این ملت را مایوس کرد، هر چه بشود، هی می گویند هیچ نشد. همین که تبلیغات و بوق های تبلیغاتی شان در صدد این است که بگویند خوب ، انقلاب شد و هیچ کاری نشد، این برای این است که شما را از این انقلاب مایوس کنند. این یک مطلبی است که شیاطین الهام به اینها کرده اند که این ملتی که با عزم راسخ خودش یک همچو قدرت بزرگی را شکست در صورتی که هیچ در دستش نبود و با ایمان راسخ خودش و اجتماع و وحدت کلمه این سد را شکست ، آنها یک همچو قدرتی از کشور ما و جوان های ما دیدند و این خوف در شان پیدا شد که اگر اینطور

پیش برود، دیگر امکان ندارد که آنها بتوانند باز آن چپاولگری خودشان را اعاده بدهند، پس چه بکنند؟ از طریق های مختلف شروع کردند به سمپاشی، هر جا توانستند عملاً هم خرابکاری کردند مثل کردستان، خوزستان، اینجاها عملاً هم مشغول به فساد و مفسده شدند، چنانچه می دانید اخیراً هم جنایت بزرگی کردند و عده ای را از سربازها به شهادت رساندند و همین طور باز جنایت دومی را که اشاره کردید که مرحوم آقای قاضی طباطبائی رحمة الله که از دوستان سابق من هستند و سوابق دارم با ایشان، ایشان حبس ها رفته است، مجاهدات کرده، تبعیدها شده است، آنها اینطور اشخاص را یکی یکی ترور می کنند و منظور این است که مایوس کنند شما را، آنجا هم که عملاً دست به کار توانند بشوند، شروع می کنند با تبلیغات.

شرح خدمات و تحولاتی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به وقوع پیوسته است

هر روز ما مشاهد این مطلب هستیم که یک دسته ای می آیند اینجا شکایت می کنند که مثلاً فرض کنید که در بلد ما، در طرف های ما کارهایی نشده است و پیشرفت هائی نکرده اند و گاهی هم به طور کلی می گویند که این انقلاب شد اما چیزی به دست نیامد. از این جهت من باید به شما عرض بکنم که انقلاب هشتماهه _ حدود هشت ماه است علی الظاهر _ باید شما ببینید که در این انقلاب هشتماهه باید چی به دست ما بیاید، چه آمده است تا شکایت از آنهایی که نیامده است بکنیم. آمده ها را هیچ اصلاً این نویسنده ها توجه به آن نمی کنند، یعنی توجه دارند لکن برای ایجاد روح یاس در مردم آنها را اصلاً ذکر نمی کنند، هی از آن چیزهایی که باید بشود و حالا نشده، هی آن را به رخ می کشند و آن چیزهایی که شده اصلاً از آن ذکری نمی کنند، هی می گویند چه شده. حالا من عرض می کنم که آن چیزی که به تصدیق همه ملت شده است و آن اینکه دزدها را بیرون کرد، اشخاصی که سرمایه های این مملکت را می دزدیدند و به خارج بردند و نفت ما را، گاز ما را و سایر معادن را به خارج می فرستادند در ازایش هم چیز مختصری می گرفتند آن هم برای خودشان، به ملت کاری نداشتند، خوب، این کار شده است. این را کسی می تواند بگوید که این کار نشده است و محمد رضا باز مشغول به خرابکاری است یا آمریکا باز در ایران مستشار دارد و مشغول به بردن و خوردن است؟ یک همچو کار بزرگی که سابقه در دنیا ندارد که یک ملت بدون هیچ ساز و برگی مثل آمریکا که اینجا را در حلقومش بلعیده بود، از حلقومش بیرون کشیدند، این را هیچ ذکر نمی کنند که یک همچو کاری شده است. می توانند بگویند نشده است؟ نمی توانند بگویند، اما اصلاً این را هیچ حرفش را نمی زنند، حرف نمی زنند که ما امروز یک وضعیتی داریم که مملکتمان دست خودمان است. شما این آزادی که الان دارید شما می توانستید در پنج سال پیش از این، پیش من بیائید؟ اگر یک همچو اجتماعی قاچاقی می آمد بیرون، سرنوشتش جز این بود که باید برود حبس؟ خوب، این یک نعمتی نیست که برای ما حاصل شده است که حالا ما با هم که سال های طولانی شاید هیچ وقت هم ما خدمت شما نرسیده باشیم حالا در یک مجلس نشسته ایم با هم صحبت می کنیم، مسائل کشورمان را، مسائل مملکتمان را داریم می گوئیم؟ این کار شده

است، این شده‌ها را اصلاً ذکری از آن کنند، گویند انقلاب چه کرده، انقلاب اسلامی چه کرده است. این انقلاب اسلامی برای خاطر اسلامی بودنش با انقلاب هائی که در دنیا واقع شده است، فرق‌ها دارد. یک فرقش این است که در انقلاب هائی که می‌شده در کودتاهائی که می‌شده (همین چند روز کودتائی که شده است در یک جائی، تمام مطبوعات و تمام احزاب و تمام اجتماعات را قدغن کردند) انقلاباتی که شده است گاهی یک میلیون، دو میلیون جمعیت کشته شده است. بعد از انقلاب کشتار دستجمعی می‌شود. این انقلاب، اسلامی چون بود، هیچ بعد از انقلاب کشتاری که مردم را بکشند و مثلاً اینهایی که حالا غلبه کرده اند، مردم چون غلبه خود ملت بود، آن هم ملت اسلامی، آن هم با اسم اسلام. دنبال این نه مطبوعات قدغن شد و نه اجتماعات قدغن شد و نه احزاب قدغن شد، تا چند ماه بعد بعضی‌ها را دیدند مشغول توطئه اند، الان هم مشغولند، بعضی‌ها را دیدند که از خارج چیز اخذ می‌کنند و دارند توطئه می‌کنند، بعضی‌مجلات اینطوری و بعضی‌مطبوعات اینطوری را دادگاه جلو گرفت برای اینکه ملت را داشت به تباهی می‌کشید اما باز همه مطبوعات هستند سر جایشان، احزاب هم هستند سر جایشان و درهای این مملکت هم باز به همه جا. این یک نعمتی است که ما از اسلام داریم و از این انقلاب اسلامی، نعمت بزرگ آزادی. شما الان دیگر نمی‌ترسید از اینکه سازمان امنیت شب بیاید بهانه بگیرد، شما را بگیرد ببرد و حبس کند و اصلاً معلوم نشود که چه شد. چقدر جوان‌های ما در حبس رفتند که معلوم نشد چه شد. آنهایی که معلوم شد و ماها مطلع از آن هستیم چقدر زیاد هست و چقدر جوان‌های برومند ما را کشتند و چه کردند، اما عده کثیری اصلاً اطلاع از آنها حاصل نمی‌شد. عده زیادی را اینها آنطوری که آنوقت‌ها که حمله می‌کردند به هر طرف، می‌گفتند نشانند آنها را توی هلیکوپتر یا چی، می‌برند بالای دریا باز می‌کنند و می‌ریزند آنجا. اینها حالا هست دیگر؟ اینها از آثار این انقلاب نیست؟! این بی‌انصاف‌ها که می‌گویند که انقلاب شد و چیزی نشد، اینها را نمی‌بینند؟ کورند اینها؟ یا می‌بینند و خائند؟ اشکال‌تراشی‌های دیگر که برق، آب، خرابی، چه، چه، چه. خوب، اولاً ما به آنها می‌گوئیم که اینها در انقلاب حاصل شده یا از اول بوده؟ آیا آنهایی که آسفالت نداشتند، آنهایی که آب آشامیدنی نداشتند، آنهایی که بهداری نداشتند، آنهایی که حمام نداشتند، این از چیزهائی است که در انقلاب این ناداری حاصل شده است یا نداشتند؟ قبلاً نداشتند. ما از هر کس می‌پرسیم که خوب، شما که آسفالت می‌گوئید نداریم، از کی ناداری؟ می‌گویند از اول هیچ برای ما آسفالت درست نکرده اند. راست هم می‌گویند. خوب، آنها نکردند و خراب گذاشتند و رفتند، از ناحیه انقلاب این ضرر وارد نشده منتها شما می‌گوئید باید انقلاب این کار را بکند. انقلاب مال همه شماست، انقلاب را همه شما کردید، مملکت هم مال همه شماست. همه باید کمک بکنید، دولت هم یکی است، نشستیم ما به اینکه همه کارها را دولت بکند. آن کارهائی که شده است که از ناحیه‌های مختلف باز می‌آیند به ما می‌گویند که فلان کارها شده است، چقدر عمارت ساخته شده، چقدر خانه برای مستضعفین ساخته شده، چقدر زمین‌ها آسفالت شده است، چقدر زمین‌ها را درو کرده اند، چقدر این جهاد سازندگی خدمت کرده، اینها را هیچ ذکر کنند، اینها را جزء اینکه چیزی نشده ذکر می‌کنند. همین‌ها را

جهاد سازندگی قم آمدند پیش من و آنها گفتند که الان در تمام اطراف قم و چیزهایی که مربوط به قم است دیگر ما نقیصه نداریم، همه را درست کردیم. اینها را هیچ ذکر نمی کنند. چقدر حمام، چقدر اسفالت، چقدر عرض بکنم که درو، چقدر فلان، اینها را اصلا ذکر نمی کنند. این برکتی که از ناحیه انقلاب پیدا شده است که خود ملت مشغولند، این احساسی که در ملت ما پیدا شده است که باید تعاون کند، باید اعانت کند، این از برکات این انقلاب است، اینها را اصلا ذکر نمی کنند می گویند چی شده، هیچی نشده، اما فرض کنید که یک نفر آدم یا چند نفر آدم حالا دارای قرض هستند، دارای نمی دانم چی هستند، می گویند خوب، بعد از انقلاب قرض ما ادا نشده. مگر انقلاب که می شود باید قرض ها ادا بشود؟ بتوانند، ادا می کنند. اگر بتوانند قرض هم ادا می کنند اما این بهانه گیری ها برای این است که شماها را، جوان های ما را مایوس کنند، اگر مایوس کردند جوان های ما، این نهضت پیش نرود. کار زیاد شده است و خدمت به مملکت زیاد شده است و این خدمت هایی که شمردم در راس همه خدمت هاست. بالاترین خدمت بیرون کردن این دزدها از مملکت بود که شده است این، این را انقلاب کرده، نشده یعنی چی؟ چه چیز نشده؟ اینها می گویند که باز سازمان امنیت ما داریم؟! باز اویسی و نمی دانم کذا هستند سر کار؟! نصیری و امثال اینها؟! خوب، همه اینها از بین رفتند، کی این کار را کرد؟ ملت این کار را کرد برای انقلاب اسلامی اش، این انقلاب است که این کارها را انجام داده است و مشغولند الان به کار، هم ملت مشغول است و هم دولت مشغول است. این جهاد سازندگی که می روند برای خدمت به مردم، گاهی وقت ها من در تلویزیون می بینم خیلی من خوشحال می شوم از این روحیه اینها، البته این خانم های ضعیف البتیه البته نمی توانند بروند یک زمین بزرگی را درو بکنند لکن حضور آنها در این مزرعه ها موجب این می شود که این، خود صاحبان آنجا تقویت می شوند و کارهانشان دو چندان می شود. این دکترها و مهندسی و تحصیل کرده ها و اینها که وارد می شوند در یک جایی مشغول می شوند به ساختمان یک چیزی و مشغول می شوند به کار یک چیزی، اینها اسباب این می شود که خود آن اهالی آنجا هم به کار واداشته می شوند. کار زیاد شد، اینها کارهایی است که در سطح مملکت دارد می شود و شده است لکن این بی انصاف ها می خواهند مایوس کنند شما را، ایجاد یاس کنند تا اینکه به واسطه ایجاد یاس هی کم دست بردارند از کار و بگویند که کاری نشده. خوب، تبلیغات تاثیر دارد در انسان، خوب، تبلیغ، تبلیغ که کاری نشده، این کارهایی که شده را آدم یادش می رود.

توصیه به ملت در حفظ کیان مملکت و هدم اخلاگران

شما قوی باشید چنانچه هستید، شما ورزشکارید و ورزشکارها قویند و مومن. ایمانتان را حفظ کنید و از این حرف هائی که اینها می زنند و گفتگوهای که می کنند ابدا خوف به خودتان راه ندهید و توجه به این داشته باشید که مملکت مال خود شماست و مال خودتان را خودتان باید حفظ بکنید و کسانی که در هر جا هستند باید مملکت را به عنوان اینکه مال خودشان است خودشان حفظ بکنند و

اینهایی که شلوغکاری می کنند باید به آنها یا بی اعتنائی کرد یا مشت توی دهانشان زد و از بین برد اینها را تا مملکت آرامش پیدا کند و با آرامش ، آنوقت ساختن حسابی نهائی خواهد شد. مادامی که آرامش در یک مملکتی نباشد و شلوغکارها و آن اشخاصی که ریزه خوار آن رژیم سابق بودند و خدمتگزار به آن رژیم سابق بودند مشغول شدند به اینکه شلوغکاری بکنند و نگذارند آرامش پیدا بشود، وقتی آرامش نباشد نمی شود سازندگی صحیح بشود. در یک شهری که آرامش نیست نمی شود در آن شهر دیگر ساختمان بشود و در آن شهر آسفالت بشود یا در آن ناحیه آسفالت بشود باید آرامش حفظ بشود تا به دنبال این کارها بروند و من امید وارم که شماها با قدرت جسمی و روحی که دارید در این نهضت پیش بروید و ابتدا به خودتان هیچ یاس راه ندهید که یاس از جنود شیطان است . یکی از جنود شیطان یاس است و این شیاطین که دارند یاس ایجاد می کنند اینها هم از جنود شیطانی هستند و شما یاس به خودتان راه ندهید، امیدوار باشید، پشتمانه شما خدای تبارک و تعالی است و مملکت ، مملکت امام زمان است و شما انشاءالله پیروز خواهید بود. و به خدا خداوند شما ورزشکارها را و اهالی قزوین را که سوابق دارند و سوابق دینی دارند، خداوند همه را حفظ کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 122

بیانات امام خمینی در جمع اعضای کمیته ها و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی استان خراسان

هراس منحرفین از تحقق اسلام

بسم الله الرحمن الرحيم

عتبه بوسی مولا علی ابن موسی (علیه السلام) از آرزوهای من است. کرارا هم از خراسان اظهار لطف کردند آقایان و دعوت کردند و من اگر فرصتی پیدا بکنم، آرزو دارم که بیایم خدمت ایشان و خدمت همه ملت خودم خراسان، لکن شما می دانید که الان من گرفتاری هائی دارم و در یک اجتماعات بزرگی هم برای من میسر نیست که رفت و آمد کنم، از این جهت عجلتا، موقتا معذور هستم و امیدوارم که دعا بفرمائید من موفق بشوم به یک همچو توفیق بزرگ.

اسلام یک خار بزرگی شده است در چشم اشخاصی که از اول نمی توانستند اسلام را ببینند، منتها قبل از انقلاب از باب اینکه دولت طاغوت بود، قلم ها و قدم ها و گفتارها به اسلام خیلی توجه نداشت، حالا که دولت طاغوت منقرض شد و تا آخر برگشت ندارد و رژیم جمهوری اسلامی شد، اینهائی که اسلام مثل استخوانی در گلوی آنهاست در صدد برآمدند که نگذارند این حقیقت تحقق پیدا بکند. تمام این اختلافاتی که می بینید با شماها دارند، با کمیته ها دارند، با دادگاه های انقلاب دارند، با روحانیون دارند و با پاسدارها دارند، اساسش اختلاف با اسلام است. آنهائی که نمی توانند بشنوند اسم اسلام را، حالا می بینند که اسلام پیش آمده است و انشاءالله با محتوای خودش تحقق پیدا می کند، آنها را خوف بر داشته است که اگر این حقیقت تحقق پیدا کند، شیاطین طرد خواهند شد. از این جهت با تمام قوائی که دارند، با اسماً مختلف، با اسم اسلام، با اسم خدمتگزاری به مردم، با اسم فدائی خلق، با اسم های مختلف، اینها به میدان آمدند، یعنی به میدان خدا آمده اند و اینها نمی فهمند به اینکه اگر همه اینها مجتمع بشوند و برای ملت خدمت بکنند، زود این ملت و این کشور به نتیجه که خواهد می رسد، و اگر همه اینها مخالفت بکنند مخالفت شان به جایی نمی رسد، لکن مشکلاتی ایجاد می کند. اگر در کردستان این مشکلات را ایجاد نکرده بودند، حالا مثل سایر جاها آرام بود و توانستند مسلمین که در آنجا هستند، دولت و ملت، آنجا را آباد کنند لکن آنها که نمی خواهند این آرامش پیدا بشود و حقیقت مطلب این است که اسلام را نمی خواهند، در آنجا به یک طوری فتنه گری می کنند و در هر مرکزی با یک اسمی. همان ها باز اسلام را نمی خواهند، بعضی شان هم اگر اسلام را بخواهند یک اسلام وارونه می خواهند. آن اسلامی که اسلام پیغمبر اکرم است و آن اسلامی که به وحی الهی آمده

است، وحی را هم در آن تصرف می کنند و به صورت دیگر در می آورند.

اشاعه مادیت، هدف شوم منحرفین در برداشت مغرضانه از اسلام

من کرارا این مطلب را در نجف هم گفتم و اینجا هم گاهی گفته ام که ما در یک مدتی گرفتار بودیم به یک قشر از مردم و به قشری از اهل علم که اینها اسلام را از آن طرف نگاه کردند. عرفا اسلام را قبول داشتند لکن تمام مسائل را برمی گرداندند به آن معانی عرفانی، مسائل روز قائل نبودند و حتی اگر روایتی یا آیه ای در جهاد می آمد آنها همان جهاد نفس را می گفتند هست و اسلام را با یک صورت دیگری غیر از آن صورت واقعی که جامع است، جامع همه اطراف است نظر می کردند. من گفتم ما یک مدت هائی مبتلای به آنها بودیم که البته مردم صالحی بودند لکن اسلام را با یک صورت می دیدند، یک بعد اسلام را نظر می کردند. و یک مدتی اخیرا ما مبتلا شدیم به یک عده ای که اینها عکس آنها هستند، تمام معنویات را اینها به مادیات برمی گردانند. می گویند مسلمیم، لکن نه توحیدشان توحید اسلامی است و نه بعثت شان بعثت اسلامی است و نه نبوت شان نبوت اسلامی است و نه امامت شان و نه معادشان، همه اش بر خلاف اسلام است، نه اینکه تازه، یعنی ده سال، پانزده سال است پیدا شده اند. در وقتی که اوائل شاید حوزه علمیه قم بود، بعضی از همین سنخ آدم ها که معموم بودند یک روزی آمدند بعضی شان پیش من و گفتند که اینطور فهمیدم که معاد همین عالم است، جزا هم همین عالم است. این آدم ها بودند، از سابق هم بودند، حالا زیاد شدند. من نجف که بودم یک آدمی آمد از طرف یک گروهی و بیشتر از بیست روز، بعضی ها می گویند بیست و چهار روز آنجا ماند، هر روز هم آمد پیش من، من یک ساعت یا بیشتر به او مهلت دادم که صحبت کرد، تمام صحبتش هم از قرآن بود و نهج البلاغه، تمام صحبتش، من سوءظن به او پیدا کردم و یادم آمد قصه ای که مرحوم سید عبدالمجید همدانی داشته است که نقل می کنند که یک نفر یهودی آمده بود پیش ایشان و مسلمان شده بود، بعد از یک چند وقتی ایشان دیده بود ایشان خیلی مسلمان شده خواسته بودش، گفته بود تو من را می شناسی؟ گفت بله شما از علمائید. می دانید که من مثلا اولاد پیغمبر هستم؟ می دانید که من پدرانم مسلمان بودند؟ (اینهمه چه، چه) حالا هم عالم هستم در این جمعیت؟ بله همه اینها را می دانم. خودت را هم می شناسی؟ بله، یهودی زاده ام. همه پدرهایت یهودی بودند خودت هم یهودی و تازه مسلمان شدی، من یک معمائی پیشم هست و او این است که چطور تو از من بیشتر مسلمان شدی، چه شده است که تو اظهار سلامت بیشتر از آنی است که ما هستیم. شنیدم که بعد رفته و دیگر ایشان را ندیده بود. معلوم شد حيله ای بوده برای یک کارهائی. از این حيله ها هست. من دیدم که این خیلی مسلمان شده و تمام حرفش از اسلام و نهج البلاغه و فلان و در خلال حرف هایش دیدم که روی اعوجاج دارد مسائل را، حرف هائی را می زند. من هیچ حرف با او نرادم، جوابش را ندادم، فقط گوش کردم که بفهمم چه آدمی است، فقط یک کلمه ای که او گفت که ما می خواهیم قیام مسلحانه بکنیم، گفتم قیام مسلحانه حالا وقتش نیست، برای اینکه نیروی خودتان را از بین می برید و کاری ازتان نمی آید. یک دسته ای از اینها که حالا شما

بینید که اظهار اسلام می کنند، از شما هم بیشتر دارند اظهار اسلام می کنند، از این سنخ جمعیت هستند که اسلام را اگر هم بخواهند، نه آن اسلامی است که پیغمبر اکرم فرموده است، یک چیز دیگری، وارونه اش می خواهند بکنند به یک صورت دیگری، در ارتش همه چیزش را می خواهند وارونه کنند. در بین این افراد خیلی از اینها هستند که بسیار اسم اسلام را می برند و بسیار هم دلسوزی برای اسلام می کنند، اما اگر دلسوزی بکنند، برای آن اسلام خودشان، نه برای اسلام ما. بعضی دیگر هم هستند که اصلاً نه، اعتقادی به اسلام هم ندارند چنانچه به این انقلاب هم اعتقادی نداشتند ولی حالا صد در صد اسلامی شدند و انقلابی. حالا شما توانید یک کسی را پیدا کنید که بگوید من انقلابی نیستم. همه هم می گویند ما از اول بودیم. الان همه اینهایی که می آیند، می گویند ما حبس ها رفتیم، چه کردیم، مخالفت ها کردیم در زمان طاغوت. حالا دیگر اسم آن رژیم پیش آنها هم طاغوت شده است در صورتی که در دلشان این نیست. اینها الان از اسلام می ترسند، سخت هم می ترسند، در صورتی که اسلام برای همه خوب است، لکن اینها وحشت شان زد، البته برای خیانتکار، اسلام هم خوب نیست، هیچ دین توحیدی برای اسلام خوب نیست، اسلام مخالف با خیانت هاست، مخالف با این است که این جوان های ما را به تباهی بکشند به اسم اسلام یا به اسم ترقی و تعالی و این مملکت ما را به آنطور که دیدید کشیدند، به اسم تمدن بزرگ. اینها هم که می گویند اسلام، نظیر تمدن بزرگ آن مردک است که با اسم تمدن بزرگ مملکت ما را به اینجا رسانید که الان همه جمع شدند و نمی توانند اصلاحش کنند. اینها هم با اسم اسلام می خواهند بکلی اسلام را کنار بگذارند و یک چیز مادی جای او بگذارند که همه چیزش مادی باشد. به اسم اسلام، ترویج مادیت را می کنند بعضی شان. ما باید یک اسلامی که برای همه خوب است، این اسلامی که هم معنویات دارد، معنویاتش بالاترین معنویات است، مادیاتش هم سالم ترین مادیات، بیایند در همین با ما، همراه با مسلمان ها، همراه با جوان ها، همراه با این روحانیون عزیزی که همه چیزشان را الان گذاشتند برای همین کار این آقائی نیست که می بینند. یک وقتی است که باید رفت، وظیفه است.

لزوم بقای کمیته ها و دادگاه های انقلاب جهت حفظ نظام کشور

این کمیته ها باید باشد. غلط می کند کسی که می گوید کمیته نه. کمیته ها اگر نباشند، پاسدارها اگر نباشند، این دادگاه ها اگر نباشند، کی می تواند این مملکت را اداره کند؟ کی اداره کرد این مملکت را آن روزی که این مردک رفت و آشفته شد همه چیز؟ همین روحانیون اطراف همه ولایات و این جوان هایی که برای خدا قیام کرده بودند و این مردم متعهدی که برای خدا قیام کرده بودند، اینها آمدند و همه جا را دست گرفتند، و درست کردند آشفستگی ها را. اگر نبودند، حالا هیچ کس نبود، هیچی نبود. حق ندارد کسی نسبت به اینها یک تعدی بکند و یک فرمانفرمائی. این کمیته ها باید باشند، این پاسدارها باید باشند، این دادگاه انقلاب باید باشند. دادگستری غلط می کند که به اینها حرفی زند. دادگستری روی موازین خودش برود، آن هم موازین غلطی که باید اصلاح بشود. این بعضی از این

روسای دادگستری از همان طاغوتند که باید گم بشوند بروند سراغ کار خودشان ، نباید بنشینند و حکمفرمایی کنند و به دادگاه های ما یا به سپاه پاسداران ما یا به اهل علم ما که در کمیته ها هستند حرفی بزنند. غلط می کنند اینها، اینهایی که باید بروند گم بشوند از این مملکت ، حالا آمدند نسبت به اشخاص دارند حرف می زنند. همین طور اشخاص دیگری که در استان ها هستند، در جاهای دیگر هستند، اینها نمی توانند و نباید یک وقتی اهانت کنند راجع به مسلمان ها، راجع به این اهل علمی که مشغول برای خدمت به این خلق هستند، برای پاسدارها که مشغول خدمت هستند، برای کمیته ها که مشغول خدمت هستند، برای دادگاه ها که مشغول خدمت هستند. اگر اینها نباشند، که تو نمی توانی هی حرف مفت بزنی . اینها اصلا کاری کردند که مجال دادند به شما که می توانید حرف بزنید و هر چه دلتان هم می خواهد بگویند.

قدرتمند باشید، شما خراسانی ها قدرتمند هم هستید الحمدلله و قدرتمند باشید. شما یک پناهگاه دارید، پناهگاه اسلامی و آن بقعه مطهر علی ابن موسی (علیه السلام) است که کسی که یک همچو پناهگاهی دارد این قدرتمند است . کمیته ها قدرتمند باشند، دادگاه ها قدرتمند باشند، علمائی که در آنجا در کمیته ها هستند قدرتمند باشند، اعتنا نکنند به این حرف های مفتی که بعضی ها که مخالف با این انقلاب هستند و اسلام در چشم شان مثل خاری فرو رفته است ، اعتنا به اینها نکنند. البته من راجع به بعض مسائل هم با دولت باز صحبت خواهیم کرد و امیدوارم که با قدرت و قوه و ایمان همانطوری که تا اینجا آمدید و همه چیز را رفتند آنها، تمام شد، این ریشه های گندیده هم زیر خاک گندند، اگر یک وقت هم بخواهند بیرون بیایند قیچی شان می کنند تمام می شود. انشأالله خداوند شما را حفظ کند، موفق باشید. من دعاگوی همه هستم و شما احتمال این را بدهید که اگر به من بگویند که خدمتگزار، بهتر از این است که بگویند رهبر. رهبری مطرح نیست ، خدمتگزاری مطرح است . اسلام ما را موظف کرده که خدمت کنیم ، خدمتگزاری مطرح است . ما همه با هم ، همه مجتمعا با هم دست به دست هم ، از پاسدارهای عزیز تا اهل علم عزیز، تا اهل منبر عزیز، تا اهل کمیته ها، تا اهل همه ، ما همه ملت با هم . یک مملکتی است مال همه ، یک مملکتی مال همه است ، همه موظفیم این مملکت را خودمان اداره بکنیم . حال دیگر مال خودمان ، منافع مملکت ما را دیگر امریکا نمی تواند ببرد، منافع مال خودتان است ، مملکت هم مال خودتان ، خودمان باید زحمت بکشیم و کشت بکنیم و منافعش مال خود ملت ما باشد. انشأالله خداوند تاییدتان کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع دانش آموزان و دانشجویان در دبیرستان حکیم نظامی قم به مناسبت روز دانش آموز

تا حیات دارم خدمتگزار همه هستم

بسم الله الرحمن الرحيم

من امروز آمده ام در میان شما دانشجویان عزیز به دو منظور: یکی بزرگداشت روز شهادت جوان های عزیز در دانشگاه در اثر هجوم وحشیانه مامورین جبار و یکی برای پیوند بین قشر روحانی و قشر دانشگاهی و دانشجویان، من این پیوند را تبریک عرض می کنم به روحانیون و تبریک عرض می کنم به دانشگاهیان. من آمده ام تا پیوند خدمتگزاری خودم را به شما عزیزان عرضه کنم که تا حیات دارم خدمتگزار همه هستم، خدمتگزار ملت های اسلامی، خدمتگزار ملت بزرگ ایران، خدمتگزار دانشگاهیان و روحانیون، خدمتگزار همه کشورهای کشور و همه قشرهای کشورهای اسلامی و همه مستضعفین جهان.

همه گروه ها در یک معنی مجتمع شوند و آن حفظ کشور و کیان اسلام است

یک پیوند باید بین این دو قشر مرفعی و این دو مغز متفکر باشد، یعنی روحانیون عزیز و دانشگاهیان عزیز و یک پیوند باید بین روشنفکران، نویسندگان، تمام کسانی که منور الفکر هستند، با قشرهای ملت، با این دو قشری که قبلاً ذکر کردم باشد، برادران ما در هر جا که هستند و به هر شغل که اشتغال دارند و به هر لباس که هستند و به هر مرتبه ای که از دانش و علم هستند باید بدانند که اگر چنانچه با هم اجتماع نداشته باشند، اجتماع فکری نداشته باشند، برای این ملت مستضعف خدمتگزار نباشند، برای این کشور اسلامی خدمتگزار نباشند، کار این کشور و بار این کشور به منزل مشکل رسد، می رسد لکن مشکل می رسد و اگر چنانچه این قشرهای متفرق، این گروه های متفرق، این آراء متفرق، این مسلک های متعدد در یک معنا با هم مجتمع بشوند و آن حفظ کشور و حفظ کیان اسلام، با تحقق یک همچو معنا ما به مقاصد عالیة اسلامی که همان مقاصد عالیة ملت ها و همان مقاصد مستضعفین است به زودی خواهیم رسید.

مقصد ما، استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی است

ما اینهمه جوان دادیم، در دانشگاه ها جوان دادیم، در مدرسه های قدیمی جوان دادیم، در مدارس

علمی و اسلامی و فرهنگ جوان دادیم، در خیابان ها و بازارها و کوچه ها شهید دادیم که به مقصد برسیم، برای مقصد بود و آن مقصد همان بود که ملت ما فریاد کشیدند و آن را خواستند: استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی.

برادرهای عزیز من، برادرهای روشنفکر، برادران نویسنده و صاحب قلم، برادران دانشگاهی، دانشجویان محترم، روحانیون معظم، بازاریان محترم، کارگران عزیز، کارمندان محترم بیائید به هم بیونید، بیائید تمام قلم ها و تمام قدم ها و تمام گفتار ما بر منافع این قشر مستضعف باشد، نگذارید خون این شهیدان هدر برود، نگذارید زاغه نشینان ما باز ادامه بدهند به زاغه نشینی، نگذارید ابر قدرت ها باز به طمع بلعیدن ما بیفتند، نگذارید توطئه های ابر قدرت ها و خائنین رشد پیدا کنند. ای قشرهای روشنفکر و ای قشرهای نویسنده، قلم ها و گفتار خودتان را در راه این مستضعفین صرف کنید، ای دانشمندان ما، ای دانشجویان ما، ای فرهنگیان ما، دانشگاهیان ما، اجتماعات خودتان را برای راه این مستضعفین تقویت کنید، شما بودید که اینهمه خدمت کردید و اینهمه خون دادید و اینهمه حبس رفتید و اینهمه زجر کشیدید برای خلاصی از یوغ دشمنان، خلاصی از چپاولگری چپاولگران، نگذارید زحمات خودتان هدر برود، قلم ها را در راه خدمت به این خلق به کار بیندازید، گفتار را در راه خدمت به مستضعفین و اعمال را در خدمت به مستضعفین.

با وحدت، اعجاز بزرگ تاریخ یعنی شکست همه ابرقدرت ها را ایجاد کردید

ای دوستان من! ای برادران من! از تفرقه پرهیزید و همانطور که امروز روز پیوند روحانی و دانشگاهی و دانشجویان است، ادامه بدهید به این پیوند و روشنفکران و نویسندگان، تمام قشرها به این دو پیوند عزیز بیونند. شما دیدید با پیوند قشرهای مختلف اعجاز بزرگ تاریخ را ایجاد کردید و آن شکست همه ابرقدرت ها بود، امروز آنها از کار نشسته و مشغول توطئه هستند، شما را به روی هم بازی می دادند، و می دارند و از اجتماع باز می دارند، هر قشر شما با قشر دیگر تفرقه افکنی می کنند، آنها بین اقشار تفرقه افکنی می کنند، کمک نکنید به این تفرقه افکنی ها که این، کمک به دشمنان کشور است، به دشمنان اسلام است انتقاد اینقدر نکنید بدون جهت، بهانه گیری نکنید بدون جهت که این به نفع دشمنان ماست. هر روز نگوئید انقلاب شد و هیچ نشد این خیانت به ملت است. ملت همه چیز داد و بزرگترین چیز را به دست آورد و آن آزادی و کوتاهی دست دشمنان و برای همین فریاد می کرد و این را به دست آورد، نگوئید چیزی نشد، شد و معجزه شد، آنهایی که می گویند نشد، برای تضعیف روحیه ملت است، برای سست کردن اراده ملت است، این دانسته یا ندانسته خدمت به استعمار است، این دانسته یا ندانسته خدمت به رژیم منحط شاهنشاهی است. کارهای بزرگی شد، کارهای معجزه آسا، شکست طاغوت، شکست ابرقدرت ها، امروز مملکت ما مستقل است احدی در او تصرف نمی تواند بکند و اجازه نمی دهیم که چپ و راست در این مملکت دخالتی بکند، اجازه دهیم که ذخائر ما را به چپاول ببرند، از این چیز بهتر چه می خواستید از یک انقلاب؟ همان که ملت می خواست، آزادی را

می خواست ، حاصل است ، همه الان آزاد نشسته اید و در همه جا آزاد مجتمع هستید و در پنج سال پیش هیچ توانستید یک همچو اجتماعی را ایجاد کنید. آزادید، این چیزی بود که ملت می خواست و شد، مستقل هستید، هیچ قدرتی به شما تواند حکومت کند، مستقل هستید و این مطلبی است که شد، این چیزی است که ملت می خواست و شد. رژیم را ساقط کردید و جمهوری اسلامی را ایجاد کردید و این امری است که شد، این سه مطلب را ملت ما می خواست و هر سه مطلب شد.

اشکال تراشی برای تضعیف ملت است

ای کوتاه فهمان! ای خیانتگران! اینقدر تزویر نکنید که چه شد، همان که ملت می خواست شد. ملت ما برای شکم قیام نکرده بود، ملت ما برای این امور منحط قیام نکرده بود، ملت ما برای آنچه قیام کرده بود، شد، چطور می گوئید نشد؟ و از این به بعد هم تمام خواست های دست دوم ملت انجام خواهد گرفت . و نه قدرت های خارجی و نه توطئه های داخلی و نه قلم ها و نه گفتارها نمی تواند جلوگیری کند از این سیل خروشان . برادران من بدانید که این مسائلی را که طرح می کنند و این اشکالاتی که می تراشند همه برای تضعیف شماست ، همه برای این است که شما را مایوس کنند، می خواهند شما را از اسلام مایوس کنند، آنهایی که منافع خودشان را از دست داده اند یا در خطر می بینند خواهند شما را مایوس کنند، می خواهند شما را از قدرت خودتان مایوس کنند تا سست بشوید و آنها به مقاصد خودشان برسند لکن باید بدانند که ملت ما دیگر نه سست خواهد شد و نه شما دیگر به مقاصد خودتان می رسید.

ای ملت عزیز، قوی باش که پشتیبان تو خداست

این اشخاصی که طرفداری می کنند از قدرت های بزرگ ولو به واسطه تضعیف ملت ، اینها هستند که فرانسه شان آنطور است که بختیار را پناه داده است و جوانان ما را به حبس کشیده و آمریکایشان آن است که جرثومه فساد را در پناه خودش دارد حفظ می کند اگر دست برندارند از این شیطنت ها، اگر او بختیار را بخواد حفظ بکند و او محمد رضای مخلوع را، ما با آنها به طور دیگر معامله می کنیم ، ما نخواهیم گذاشت که توطئه های آنها به ثمر برسد و ما با وضع دیگر با آنها معامله خواهیم کرد، ملت ما برای همه چیز حاضر است ، توطئه ها را می شکنیم و این جرثومه های فساد را یا اصلاح می کنیم و یا طرد. ای ملت عزیز! قوی باش که پشتیبان تو خداست ، با اراده مصمم به پیش برو که نگهدار تو خداست ، تو برای خدا و برای جمهوری اسلامی قیام کردی ، قویدل باش که پیروز خواهی شد.

خداوند انشاءالله جوان ها را برای ما حفظ کند، همه طبقات را برای ما حفظ کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع مسوولین امور تربیتی نواحی نوزده گانه و دانش آموزان مدارس تهران

قیام ملت ایران جهت مطالبه حق و آزادی و استقلال بود

بسم الله الرحمن الرحيم

شما برادرها و خواهرها چه فکر می کنید راجع به امور انقلاب و چه تزریقاتی به شما می کنند راجع به این نهضت؟ من باید به شما عرض بکنم که نهضت ما با پیروزی آمده است و با پیروزی جلو می رود و هیچ نگران این معنا نباشید برای اینکه یک ملتی وقتی که یک مطلبی را خواست آن هم مطلبی که حق است، حق ملت هاست، یک ملتی که تمام قشرهایش نهضت کرد و بپا خاست و این قیام هم قیامی بود که حق خودش را مطالبه کرد، آزادی را مطالبه می کرد، استقلال را مطالبه می کرد و چون مسلم است جمهوری اسلامی را، یک همچو ملت بپاخاسته برای مطالبه حق خودش، همین اسباب این شد که نتوانستند. این ابرقدرت ها سال های دراز این حق را از این ملت سلب کرده بودند و آزادی به هیچ وجه نبود، استقلال نبود، رژیم، رژیم غیر قانونی سلطنتی بود، نتوانستند که حفظ کنند آن رژیم را و نتوانستند آن اختناق که سابق بود و سابقه داشت در این مملکت، باز نگهش دارند و نتوانستند وابستگی ما را به غیر حفظ کنند.

توطئه دشمنان جهت مایوس نمودن ملت از انقلاب اسلامی

ما الان مستقیم، مملکت مال خود شماست، نه شرق، نه غرب، نه قدرت های بزرگ، هیچ کدام تصرف در اینجا ندارند و توانند داشته باشند. با همان قدرتی که شما بیرونشان کردید، با همان قدرت حفظ می کنید استقلال خودتان را، حفظ می کنید این آزادی خودتان را، حفظ می کنید رژیم حاضر که جمهوری اسلامی است. هیچ نگرانی نداشته باشید، من به شما اطمینان می دهم که با این روحیه ای که در ملت ما پیدا شده است و با این قیام مردانه ای که ملت ما کرد، شکست داد قدرت های بزرگ جهانی را، قضیه، قضیه محمد رضا تنها نبود، قضیه، قضیه آمریکا بود، شوروی بود، انگلستان بود، قضیه اینها هم نبود، قضیه همه ممالک، دولت هائی که یک روابطی با اینجا داشتند، همه دولت ها مخالفت می کردند، منتها بعضی ها به صراحت مخالفت می کردند و بعضی ها به کنایه. در عین حال که شما یک طرف بودید همه قدرت ها یک طرف و نباید به حسب حساب هائی که این حسابگرها کنند، نباید ما پیروز بشویم، نباید این سد را ما بشکنیم برای اینکه ما چه دستمان بود، حالا چهار تا

تفنگ شما می بینید دستتان است اینها از غنائم جنگی است ، شما قبل از این دستتان چیزی نبود، آنها تا دندان مسلح بودند، همه چیز داشتند و شما با دست خالی لکن با قلب پر از ایمان ، قلب های نورانی پر از ایمان و فریادهای الله اکبر، در مقابل فریاد الله اکبر نمی تواند کسی بایستد. یک ملت سرتاسر، یک بچه اینقدری که تازه زبان باز کرده ، با سایر مردم هم صدا الله اکبر و مرگ بر شاه ، این سیل خروشان خراب کرد همه سدهائی که در مقابل شما بسته بودند و الان شما پیروز هستید منتها آنها حالا به دست و پا افتادند که ناراضی درست کنند در صورتی که شما از این پیروزی خودتان راضی هستید، شما همان ها را که می خواستید دستتان آمد. این فریادها چه بود؟! این بود، (آزادی ، استقلال ، جمهوری اسلامی)، الان دست شماست . چطور این خانه خراب ها می گویند چیزی گیر ما نیامده ، اینهایی که خواهند شما را باز مایوس کنند، سست کنند، اینها می گویند چیزی نشده است . مگر ملت چه می خواست که بشود. شما هیچ وقت صدا، فریاد کردید که نان می خواهیم؟! فریاد کردید منزل می خواهیم کی همچو فریادی ؟ همه تان با هم جمع شدید، زن و مرد، بچه و بزرگ فریاد کردید آزادی ، استقلال ، جمهوری اسلامی . همانی که ملت ما خواست دستش آمد، چطور اینها می گویند که جمهوری اسلامی ، انقلاب شد چیزی دست ما نیامد. مگر انقلاب برای چه شده بود. انقلاب برای این سه تا مقصد، سه تا مطلب بود که اساس مطلب است . آقا شما آزادی را کم چیزی فرض می کنید. از بالاترین نعمت هائی که در عالم هست آزادی انسان است . انسان حاضر است همه چیزش را فدای آزادی خودش بکند. این حبس سی و پنج میلیونی شکست و شما آزاد شدید. انقلاب شما کاری از شما نیامد؟! اینها اینطور تحقیر می کنند ملت ما را، این نویسنده های ما اینطور تحقیر می کنند ملت را که ملت انقلاب کرد چیزی گیرش نیامد.

خائنین تلاش می کنند برای اینکه مردم را بازی بدهند

ملت هر چه خواست گیرش آمد. ملت گندم نمی خواست ، آن هم گیرش می آید، اما هیچ کس فریاد کرد در این فریادها _ که ما فریاد کنند _ که ما گندم می خواهیم؟ فریاد کرد که ما خانه می خواهیم؟ ما اجاره خانه می خواهیم؟ ما منفعت می خواهیم؟ اینها اصلا مطرح نبود پیش ملت ما، ملت ما هر چیزی که خواست به تمام عیار گیرش آمده ، البته رژیم جمهوری اسلامی آمده است ، لکن خوب ، باید محتوایش هم به تدریج گیر بیاید. هیچ از این صحبت هائی که این گوینده ها می کنند، از این مقالاتی که این نویسنده ها می نویسند و از این شب نامه هائی که این چپی ها منتشر می کنند هر روز منتشر امروز شاید هفت ، هشت تایش پیش من آمد، این خانه خراب ها می گویند که حالا بدتر از زمان محمد رضا شد، برای اینکه الان زندانی سیاسی بیشتر از آن وقت ها، سرتا ته بگردید اگر یک زندانی سیاسی آدم پیدا کردید که توی حبس باشد، بله ، زندانی سیاسی به آن معنا که می خواهد این مملکت را به عقب براند، هست در حبس هاشان از همان رژیم سابق ، از همان رژیم سابق باز هم هست ، اما آنی که آن وقت بود، با اینی که حالا است مقایسه بکنید، آنی که آن وقت بود، بهترین فرزندهای اسلام و بهترین

فرزندهای ایران زیر شکنجه بودند و زیر ظلم بودند و در حبس بودند و حالا بدترین خیانتکارها آنجا هستند. اینها فکر نمی کنند، می دانند اما برای اینکه مردم را بازی بدهند، جوان های ما را بازی بدهند این را نویسند که حالا هم با آن وقت فرقی نکرده ، آن وقت زندانی سیاسی داشتیم حالا هم زندانیان سیاسی . اولاً دروغ می گویند که این سرتاسر مملکت پر زندانی ، خوب ، حالا که می گوئیم که صحیح ، اما کی ها آن وقت زندان بودند، کی ها حالا زندان هستند، آن وقت امثال طالقانی و امثال اینها زندان بودند، حالا امثال نصیری زندان است . حالا فرقی نکرده با آن وقت؟! حالائی که تمام آزادگان از زیر بند ستم بیرون آمدند و آزادند الان ، الان همه مان با هم آزادانه نشستیم صحبت می کنیم که بیشتر امکان نداشت بر ایمان ، اینها آزاد، خائن ها در حبس ، آن وقت خادم ها به ملت ، خادم های به انسانیت ، به اسلام در زندان بودند، خائن ها بیرون بودند اشتلم می کردند، حالا خادم های ملت ، دوست های ملت ، خدمتگزارهای به ملت بیرون هستند، خیانتکارها، آن هم یک مشتشان ، خیانتکارها بیش از اینهاست بسیارشان فرار کردند، بسیارشان هم این زیرها گم شدند و بسیارشان هم خودشان را جا زدند که اینها باید به تدریج درست بشود. پس فرقی مابین آنوقت و حالا نیست؟! در نظر توی بی اطلاع از همه چی یا بااطلاع و خائن فرق نیست . تو فرقی مابین طالقانی و نصیری چون نمی گذاری ، از این جهت نصیری در حبس باشد یا طالقانی ، پشت فرق نمی کند بلکه بعکس است ، تو می خواهی او آزاد باشد و او در حبس باشد. حالا که امثال اینها بیرون آمدند و دارند _ و دارند _ خدمت می کنند و امثال آن خیانتکارها یا فرار کردند یا چیز کردند، این فرق کرده است . البته جنابعالی و امثال شما و امثال شب نامه نویس ها و امثال آنهایی که می خواهند باز رژیم سابق را یا امثال او را به میدان بیاورند، به این معنا می گوئید فرقی نکرده شما، البته پیش شما هم باز فرق کرده ، شما متأسفید از اینکه این جمعیت خدمتگزار بیرون بیایند و آن جمعیت در حبس باشند، برای این حبسی حالا دارد فریاد می زند که ای حبسی های ما چه ، ای حبسی های ما چه . این حبسی هائی که الان هستند، این آقای نویسنده ای که به یک گروهی هستند، نمی دانم چه گروهی ، زهر ماری هستند، این اظهار تأسف می کند بر اینهایی که حالا در زندان هستند مثل اظهار تأسف امریکا بر قتل نصیری و هویدا و امثال اینها. البته همه از این سنخ هستند همه چون باهمند، برادرها! با هم باشید، جوان ها خواهرها! عزیزان من ! همه تان با هم باشید. این حرف هائی که اینها می زنند درست تامل کنید در آن که اساس چه است که می گویند چیزی نشده است ، می گویند آنجا هم حالا حبسی هست ، این اساس مطلب درد اینها ببینید چه است ، نمی فهمند اینها که آنی که ملت می خواهد، شد. نشد یعنی چه ؟ یعنی حالا باز رژیم سلطنتی است ؟ حالا باز امریکا در اینجا حکومت می کند؟ حالا باز مستشارهای آمریکا در اینجا حکومت می کنند؟ حالا _ باز ما در توی حبس و تبعید _ عرض می کنم _ اینها هستیم ؟ حالا مملکت ما مال خودمان نیست ، دیگران می برند؟ حالا باز آن ظالم هائی که آنقدر ستم به ما می کردند باز مشغول همان کارها هستند؟ اینها نیست در کار، همه چیز تحقق پیدا کرد یعنی آنی که ملت می خواست ، ما خواست ملت را از فریادش باید بفهمیم ، خواست ملت ، یعنی همه ملت خواستشان این بود که داد می زدند، خواستشان این بود که _ می توانستند _

می گفتند، فریاد می زدند روز و شب در پشت بام ها و در توی خیابان ها به فریاد می نشستند و فریاد می کردند، سر تا ته فریادشان هر چه پرسید جز این سه تا کلمه نبود، ما در هیچ یک از این فریادها نشنیدیم که خانه ما مثلا خانه خوبی نیست ، حتی این زاغه نشین ها به فکر این نبودند که توی زاغه نشستند، تمام نظر، تمام خواست ، این سه تا مطلب بود و این سه تا مطلب تمامش حاصل است .

لزوم تحول فرهنگی در همه شئون کشور برای نیل به پیروزی نهائی

چطور جمهوری ، انقلاب واقع شد و هیچ چیز نشد؟ انقلاب برای آن که واقع شد، شد، انقلاب برای چیزهای دیگر نبود، برای این بود. بله ، جمهوری اسلامی شده است اما محتوایش الان محتاج به یک زمانی است که اسلامی بشود. شما توقع دارید که دو هزار و پانصد سال تعلیمات غلط، حالا ما از آن دو هزار و پانصد سال و اینها را گذاشتیم ، پنجاه سال در مرئی و منظر ما بود، شما توقع دارید که یک جمعیتی که پنجاه سال جوان هایش با این تبلیغات بزرگ شدند، بچه ها از سن کوچکی که چشمشان را باز کردند تا وقتی که به دانشگاه رفتند، تا وقتی که به بازار رفتند، تا وقتی که به کارگری رفتند، به دهقانی رفتند، هی در گوششان خواندند که تمدن بزرگ و آریامهر کذا، و یک رژیمی که تمام اداراتش اداری بود که برخلاف مصالح کشور بود، از همه اش ، حتی هر جایش بگردید، مصالح کشور مطرح نبود، مصالح خود آنها یا مثلا فرض کنید که ارباب ها. اگر دانش به ما می خواستند به جوان های ما دانش بیاموزند، یک دانش استعماری می آوردند، اگر تعلیم و تربیت بود، تعلیم و تربیتی بود که به نفع آنها باشد، تعلیم و تربیتی که به نفع خود کشور باشد در کار نبود. شماها توقع دارید که اینها که پنجاه سال در این اداره کار خلاف کردند، فوراً متبدل بشود یک شیطان به یک ملائکه ؟ امکان ندارد، تدریج لازم دارد، بخواهند اینها را، ادارات را خالی کنند از این جمعیتی که اینقدر تربیت شدند، خوب ، اداره نمی شود، این باید به تدریج هی فرد خوب پیدا بشود جای این بگذارند، فرد بد را بگذارند کنار باید بشود، هیچ چاره ندارند. اگر مملکت بخواهد یک مملکت مستقل برای خودتان باشد، باید این تحولات حاصل بشود، یک فرهنگ استعماری برگردد به یک فرهنگ استقلال ، مستقل . همه چیز باید عوض بشود، مغزهای استعماری برگردد به یک مغزهای مستقل ، تا این نشود، ما نمی توانیم به آن پیروزی نهائی برسیم . به این پیروزی رسیدیم که این پیروزی یعنی آنی که ملت خواست اولش بود و از دلش فریاد می کرد، به او رسید، خدا به او داد، لکن خوب ، تتمه دارد. حالا خواست های ثانی هست ، خواست های ثانی این است که همه ادارات ما اسلامی باشد _ بشود _ بازار ما یک بازار اسلامی باشد، در کشاورزی که می رویم ، ببینیم که اسلامی است ، در ادارات می رویم در کارخانه ها می رویم ، هر جا برویم ببینیم که قدم اسلام در آنجاست . خواست دوم هر مسلمانی است _ و تو نگوید، اگر صحبتش نکند او خواست است ، _ هر مسلمانی می خواهد که اسلام که یک مذهب مترقی است و ابعادش تمام اینها را می گیرد به همان تربیت و تعلیم اسلامی که با آن تربیت و تعلیم انسانی یک جوان هائی رشد بکنند، یک ملتی رشد بکند و به آن تربیت تمام چیزهایش درس می شود، دیگر از

استعمار بوئی پیدا نخواهد شد، از استعمار بوئی نخواهد شد، از استعمار بوئی نخواهد بود، از این اشتباهاتی که می شود و از این غلط اندازی هائی که می شود و از این کاغذ بازی هائی که می شود و از این رفتن توی عدلیه ، در این گیر و بندی های عدلیه ، از اینها هیچ اسمی نخواهد بود. این خواست ماست ، خواست ملت است لکن خواست دومی است که اولش حاصل شد، آئی که ایستاد و گفت می خواهم ، او شد. بیخود این را می گویند که انقلاب شد و چیزی نشد، می دانند هم ، بعضی از اینها شیاطینند می دانند، لکن می خواهند اینطوری بگویند برای اینکه شماها را، مردم را سست کنند. جوان های ما باید متوجه این معنا باشند که این شیاطین را بشناسند و این وسوسه ها، وسوسه های خناس است ، اینها را بشناسند و به خدا پناه ببرند از وسواس خناس که در رأسشان آمریکاست و اذتاب او تا برسد به آنهایی که در بین قشرهای ما هم از اذتابشان موجود است .

خداوند همه شما را انشاءالله حفظ کند، موفق باشید، مؤید باشید و همه با هم باشید و من هم به خدمتگزاری قبول کنید که من خدمتگزار هستم و تا آخر خدمتگزارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان اصفهان

محکوم کردن اقدامات اسلامی - انقلابی با استفاده از انگ ارتجاع

بسم الله الرحمن الرحيم

چاره نیست که ما تحمل کنیم برچسب ارتجاع را. ما ارتجاعی هستیم که دست خائنان را از مملکت قطع کردیم و ما ارتجاعیون آزادی را به مملکت برگردانیدیم و ما ارتجاعیون استقلال را به مملکت خودمان برگردانیدیم و ما ارتجاعیون دزدها را که بر ذخائر ما سلطه داشتند، از مملکت خودمان خارج کردیم و ما ارتجاعیون آزادی به همه قشرها دادیم و بعد از اینکه توطئه معلوم شد، از بعضی دادگاه ها به واسطه توطئه ای که شده بود، نگذاشتند توطئه را انجام بدهند. ما باید تحمل کنیم این مسائل را و باید هم از همین هایی که در ایران هستند و به اسم روشنفکر یا به اسم نویسنده و امثال ذلک هستند و خرابکار هستند، این برچسب ها را قبول کنیم.

شرایط مالکیت مشروع و چگونگی مصادره اموال طبق موازین شرعی

مسائل اسلام مسائلی نیست که الان بشود در یک مجلسی یا چند مجلس مسائل اقتصادی را، مسائل اجتماعی اش را، مسائل سیاسی اش را طرح کرد. مساله مالکیت به یک معنا، مالکیت هم مشروع، هم مشروط، محترم است، لکن معنا این نیست که هر کس هر کاری می خواهد بکند و مالکیت از هر جا می خواهد پیدا بشود. مشروع بودن معنایش این است که روی موازین شرعی باشد، ربا در کار نباشد، مال مردم استثمار بی جهت نباشد. اگر به من نسبت دادند که حد و مرزی ندارد، اگر مقصودشان این است که حد و مرزی ندارد یعنی نه قیدی دارد و نه حدی دارد، این غلط نسبت دادند. من نمی دانم این کسی که گفتید نسبت داده است، چه کسی است و چرا نسبت داده است؟ مالکیت در صورتی که مشروع باشد، روی موازین باشد، محترم است، چه ما مرتجع باشیم، چه نباشیم، و مالکیت غیر مشروع محترم نیست. اینهایی که اندوخته کردند و هیچ حسابی نداشتند و هیچ موازینی نداشتند، مال های مردم را اینها اندوخته کردند، مال های مردم مصادره باید بشود لکن این معنا باید معلوم بشود که مصادره اموال روی موازین اداری، روی موازین قانونی باید باشد، اگر بنا باشد که هر کس برسد، بریزد و مصادره کند، این هرج و مرج است، هرج و مرج نباید - در یک مملکتی، حالا که شما انقلاب کردید پس باید هرج و مرج هم باشد؟ - هرج و مرج نباید باشد، باید روی موازین باشد.

دادگاه های

انقلاب هستند، وقتی که مراجعه کنید به آنها، که این سرمایه ها که اینها پیدا کردند، آنها کردند، از غیر مشروع بوده، آن رسیدگی می کند، اگر چنانچه غیر مشروع بوده مصادره می کنند اما به مجرد اینکه فرض کنید که کسی بگوید که مال زاغه نشین هاست، ما هم حالا می گوئیم که مملکت اولی هست به زاغه نشین ها تا دیگران، اما معنایش این نیست که الان زاغه نشینان بریزند و مردم را از خانه شان بیرون کنند یا بگیرند جاها را معنایش این است که روی موازین باید عمل بشود به طوری که زاغه نشین ها هم _ عرض بکنم که _ خانه نشین بشوند و مرفه باشند. در هر صورت ملاحظه این معنا باید بشود که الان از هر جوی استفاده می کنند این اشخاصی که دشمن با شما هستند، از هر تربیتی، از هر جوی استفاده و استفاده ها می کنند. یکی اش همین است که بریزند مردم را به هم، آنها بریزند بگیرند و آنها بریزند اخراج کنند و این خودش یک اغتشاشی می شود. موازین باید داشته باشد، اسلام اینطور نیست که هرج و مرج را بگوید که نه، هرج و مرج جایز است، اسلام حدود دارد و باید روی حدودش عمل بشود. اگر اشخاصی باشند که مال مردم را بردند، هر کس نمی تواند برود مال را از او بگیرد که این مال مردم است، باید روی موازین باشد، روی موازین قانونی باشد. یا فرض کنید مالی یا زمینی یا آپارتمانی یا هتلی مال مردم باشد و یک کسی از مال مردم درست کرده باشد، این هم باید روی موازین قانونی باشد و به طور هرج و مرج نباشد. مساله مصادره، یک مساله است، مساله هرج و مرج، یک مساله دیگر.

آقایان باید توجه داشته باشند که به مجرد اینکه یک چیزی به گوششان خورد و مطلب را هم درست نفهمیدند چیست، بریزند و بشکنند _ عرض بکنم _ که مصادره کنند و بعد هم اعلام کنند که ما با قوه قهریه مقابله خواهیم کرد؟! خوب این معنایش هرج و مرج است، همانی است که می خواهند یک عده ای که این مملکت اینطوری بشود، به هرج و مرج کشیده بشود، آرامش نباشد تا نتوانند مسائل را حل بکنند.

نصیحت به اقشار ملت در حفظ حدود و ثغور اسلام و جلوگیری از هرج و مرج

شماها کوشش کنید که مسائل را روی موازین عمل بکنید، شما کوشش کنید که آرامش محفوظ باشد و روی موازین پیش برود. وقتی که آرامش شد و روی موازین پیش رفت، ظلم به کسی نخواهد شد و اما اگر بنا باشد که روی موازین نباشد، این بالاخره وقتی دست یک دسته اشخاص جوان افتاد که آدم های خوبی هستند، بین آنها هم یک دسته اشخاص مفسد افتادند، این کم کم می رسد به هرج و مرج و کم کم به زد و خورد و کم کم به کشت و کشتار و یک شهری را، یک مملکتی را ناآرام می کند وقتی ناآرام کرد دیگر نمی شود کارهای اصلاحی را کرد. شما همیشه باید توجه به این بکنید کارها اصلاحی باشد، نه کارها روی موازین فساد باشد. کار اصلاحی هم باید روی آرامش باشد، نه اینکه هر کس هر کاری دلش می خواهد بکند و بگوید که ما انقلابی هستیم، حالا که انقلابی هستیم دیگر نه دادگستری و نه قوانین شرع و نه هیچ چیز دیگر در کار نیست، ما خودمان هر کاری دلمان می خواهد بکنیم. نخیر مساله اینطور نیست، در هیچ حکومتی، در حکومت علی بن ابی طالب هم اینجور نبوده که

هرج و مرج باشد، هر کس هر کاری دلش بخواهد بکند. اگر یک کار خلاف می کرد، حضرت امیر می آورد و حدش می زد. اینطور است مسأله .

شما خیال نکنید که حالانی که انقلاب شده پس ما هر کاری دلمان می خواهد بکنیم . ضد انقلابی ها جزء شماها می شوند، شما هم نمی شناسید آنها را، تحریک هم می کنند، می ریزید می شکنید و یک مملکت را اینطوری نمایش می دهید که اینجا هرج و مرج است ، یک مملکت هرج و مرجی است ، هر کس هر کاری دلش می خواهد بکند، هر کس هم هر خانه ای را می خواهد بگیرد و هر هتلی را هم می خواهد بگیرد. اینها صحیح نیست ، اینها را من نصیحت می کنم به شما که متوجه باشید که کاری نکنید که دنیا به ما بگویند یک دسته وحشی جمع شدند در شهرها و در ایران و هر کاری هر کسی دلش می خواهد می کند، نه موازین قانونی هست ، نه موازین شرعی هست ، نه رجوع به دادگاه ها هست ، نه رسیدگی هست و هر کس ، هر کی را تشخیص داد به اینکه فرض کنید که ناباب است ، بدون اینکه مراجعه به مواردش بکند، خودش برود عمل بکند. یک همچو چیزی حکومت جنگل است . کاری نکنید که ایران را متهم کنند به اینکه حکومت جنگل دارند، حکومت وحشیگری دارند. باید شما الان همه جهات را حفظ کنید و بیشتر آداب اسلامی را باید حفظ بکنید. آداب اسلامی این است که هر کسی موظف بداند خودش را به اینکه حفظ حدود و ثغور را بکند، نه اینکه هرکس هر کاری ، هر کمیته ای دلش می خواهد هر کاری بکند، از او پرسند چرا، می گوید انقلاب است . هر پاسداری هر کاری دلش می خواهد بکند از او پرسند، می گوید این انقلاب است . هر جوانی هر کاری می خواهد بکند، بگوید انقلاب است ، معنایش این است که اصلا انقلاب آن هم انقلاب اسلامی هرج و مرج است ، انقلاب اسلامی حکومت جنگل است . این غلط است باید موازین داشته باشد، روی موازینش ، همانطوری که دیدید مال بسیاری از این اشخاصی که ثابت شده است که اینها اموال شان ، اموال غیر مشروع بوده است ، مصادره شده است و به بیت المال برگشته است ، آنجا هم همین طور است . اگر چنانچه شما اطلاعاتی دارید به اینکه این آدم مال مردم را مصادره کرده ، باید بروید بگوئید و چیز بکنید تا ثابت بشود که روی موازین نبوده و اینها البته یک مساله دیگر هم هست و آن این است که حساب آنها کشیده خواهد شد ولی با یک صبر، با یک حوصله حساب این سرمایه دارهایی که بزرگند و معلوم است که این سرمایه دارها روی مشروعیت به این زیادی نمی شود، اینها را حسابشان را می کشند و آن مقداری را که غیر مشروع است ، ازشان مصادره می کنند. اما نه معنایش این است که شما بگوئید که حالانی که بنا شد چه باشد پس تا یک هتلی ما دیدیم از یک کسی است ، بریزیم و بگیریم ، دیگر هیچ موازین نداشته باشد. باید موازین داشته باشد نه اینکه هر کسی هر کاری دلش می خواهد بکند و هر کس هر طوری عمل بکند و اسمش هم این است که انقلاب است . انقلاب اسلامی معنایش این است که متحول شده است یک مملکت طاغوتی که هر کس می خواست ظلم بکند، می کرد به اتکال سرنیزه ، مبدل شده است به یک مملکت اسلامی که روی موازین اسلامی عمل می شود. موازین اسلامی این است که اگر فرض کنید که یک کسی جرمی کرده است ، خودش نمی تواند برود آن جرم را عوض کند،

باید برود به محکمه ، محکمه عرض حال بدهد اثبات بکند، وقتی که ثابت شد، کار را بکند. یا فرض کنید که یک مالی را غیر مشروع می داند از کسی یا طلبی از کسی دارد، مال غیر مشروعی دست کسی هست ، باید برود به محکمه عرض بکند به اینکه مساله اینطوری است که این آدم اموالش چطور است ، آنها تحقیق بکنند، محاکم هم تحقیق بکنند، اگر چنانچه اموال چی هست مصادره بکنند.

این یک عرضی است که می کنم که اگر شما بخواهید مملکت تان استقلال داشته باشد، آزادی در آن باشد، مملکت ، یک مملکت اسلامی باشد، اول چیزی که بر همه ما لازم است این است که از هرج و مرج جلوگیری بکنیم . نباید هر کس صبح از خواب بلند شد، هر کاری دلش بخواهد بکند. این معنایش این است که اصلا حد و مرزی برای هیچ چیز نیست و این غلط است و باید از آن جلوگیری بشود و خود جوان ها و خود اشخاص که متعهد به اسلام هستند، اینها باید جلوگیری بکنند از این معانی و شما بدانید که اشخاصی که با اسم اسلام توی شما وارد می شوند، با اسم تعهد به انقلاب توی شما وارد می شوند و آنها می خواهند نگذارند این انقلاب به ثمر برسد، یک کارهایی را انجام می دهند، یک درگیری ها را درست می کنند، یک تظاهرات درست می کنند _ عرض می کنم _ مدارس را به هم می زنند، همه جهات را به هم می زنند برای اینکه مقصد خودشان که عبارت از آن است که ارجاع بشود باز همان مسائل اول ، آن عمل بشود. شماها با یک هوشیاری ، با توجه باید این کار را بکنید.

دخول و تصرف در حدود مالکیت ها از اختیارات ولی فقیه است

اسلام با مستمندان بیشتر آشنایی دارد تا با آن اشخاصی که چه هستند. این اشخاص هم اموالشان همانطوری که گفتید این اموال بسیار مجتمع اینها از راه مشروع نیست ، اسلام اینطور اموال را به رسمیت نمی شناسد و در اسلام اموال مشروع و محدود به حدودی است و زائد بر این معنا ما اگر فرض بکنیم که یک کسی اموالی هم دارد، خوب اموالش هم مشروع است ، لکن اموال طوری است که حاکم شرع ، فقیه ، ولی امر تشخیص داد که این به اینقدر که هست نباید اینقدر باشد، برای مصالح مسلمین می تواند غصب کند و تصرف کند و یکی از چیزهایی که مترتب بر ولایت فقیه است و مع الاسف این روشنفکرهای ما نمی فهمند که ولایت فقیه یعنی چه ، یکی اش هم تحدید این امور است . مالکیت را در عین حال که شارع مقدس محترم شمرده است ، لکن ولی امر می تواند همین مالکیت محدودی که ببیند خلاف صلاح مسلمین و اسلام است ، همین مالکیت مشروع را محدودش کند به یک حد معینی و با حکم فقیه از او مصادره بشود.

انشأالله خداوند همه شما را محترم و معظم کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع کارکنان بیمه مرکزی ایران

اینها می خواهند شایعه درست کنند و روحیه شما را تضعیف کنند

بسم الله الرحمن الرحيم

در یک روایتی است که رسول خدا که مبعوث شد، آن شیطان بزرگ فریاد کرد و شیطان ها را دور خودش جمع کرد و اینکه مشکل شد کار بر ما. در این انقلاب شیطان بزرگ که آمریکاست شیاطین را با فریاد دور خودش دارد جمع می کند و چه بچه شیطان هائی که در ایران هستند و چه شیطان هائی که در خارج هستند، جمع کرده است و هیاهو به راه انداخته است .

شما می دانید که ایران در مدت حکومت این دو خبیث که حکومتشان هم برخلاف قانون بود، یک برهه ای از زمان گرفتار انگلستان بود و بعد هم گرفتار آمریکا یعنی عمده اش آمریکا. رضاخان را انگلیس ها آوردند و مامورش کردند برای ما و محمدرضا را متفقین که آمدند ایران (به حسب گفته خودش) صلاح دیدند که محمدرضا باشد. البته آنها صلاح ملت را که نمی دیدند صلاح خودشان را می دیدند. در طول این مدت هم گرفتاری های همه جانبه ملت ما را، چه زن ها و چه مردها همه می دانید، شاید بسیاری را یادتان نباشد که من یادم است که اینها در زمان رضاخان به اسم اتحاد شکل ، به اسم کشف حجاب چه کارها کردند، چه پرده ها دریدند از این مملکت ، چه زورگویی ها کردند و چه بچه ها سقط شد در اثر حمله هایی که اینها می کردند به زن ها که چادر را از سرشان بکشند. آن زمان گذشت با تلخی و همان متفقینی که این را آورده بودند یعنی انگلیس ها که آورده بودند، همان ها او را از اینجا بردند و اعلام هم کردند. رادیوی دهلی آنوقت دست اینها بود، اعلام کردند که ما این را آوردیم و بعد که خیانت کرد، بردیم . و بعد هم جواهراتی که جمع کرد و چمدان ها را بست و برد و در کشتی گذاشت که همراهش ببرد، بین راه آنطوری که یکی از همراهانش نقل کرده بودند، بین راه یک کشتی مخصوص حمل دواب آوردند متصل کردند به آن کشتی رضاخان را آنجایی که جایش باید باشد، آنجا بردند و او گفته بود که چمدان ها، گفتند چمدان ها بعد می آید. او را بردند به آن جزیره و چمدان ها را هم آنها بردند و خوردند. بعد نوبت غارتگری به این دومی رسید که آن را اکثراً یادتان است ، یعنی اواخرش را که همه یادتان است ، از اولش هم بسیاریتان یادتان است که اینها چه کردند و چه جنایاتی در این مملکت کردند با چه اسماً فریبنده . مع الاسف از این تبلیغات همه جانبه ای که اینها کردند بعضی از افراد باورشان آمده است و بعضی ها هم که شریک جرمند با آنها و حالا هم مشغول فعالیت هستند.

اینها همان شیاطینی هستند که حالا به فریاد آمریکا مشغول انجام عمل هستند، مشغول شیطنت هستند و باید ملت ما با هوشیاری، با بیداری این توطئه‌ها را خنثی کند. و مهم توطئه‌ها این دروغ پراکنی هائی که، شایعه سازی هائی است که الان متعارف است، شایعه های زیاد برای تضعیف روحیه ملت، فرض کنید که چند تا دزد در یک جایی چند نفر را می کشند، یکوقت می بینیم که خبر می رسد که صد نفر را کجا کشتند، 25 نفر را سر بریدند، در خبر دوش چهارصد نفر آنها را کشتند و حال آنکه اینها نبوده است. اینها می خواهند شایعه درست کنند برای تضعیف. (تمام پاسگاه‌ها از بین رفت، تمام چه شد) همه اش برای این است که یک شیطنتی بکنند و تضعیف کنند روحیه شما را، روحیه ما را. از جمله حرف هایی که می زده می شود و می پراکنده می شود از اطراف که (یک انقلابی شده است اما چیزی نشده است فقط یک انقلابی شده است و از فرم شاهنشاهی به فرم آخوندی برگشته است اصلا چیزی نشد).

جوان های ما باید با تمام قدرت این توطئه ها را از بین ببرند

این یک مطلبی است که من دیروز هم باز گفته ام، حالا هم عرض می کنم که آنکه ملت می خواسته همه آن شده است. چه ملت می خواست؟ ملت آن فریاد که می کرد چه می گفت؟ نمی گفت که آزادی و استقلال و جمهوری اسلامی؟ کدام یکیش نشده است؟ الان آزادی هست، به طوری که من و شما می توانیم اینجا بنشینیم صحبت کنیم، پنج سال پیش از این می توانستیم؟ استقلال هست. الان این بساطی که آمریکا در آورده است و این هیاهویی که این شیطان بزرگ فریاد می زند و شیاطین را دور خودش جمع می کند این، برای این است که دستش کوتاه شده است، دستش از ذخایر ما، از منافی که در اینجا داشت کوتاه شده است و ترس این را دارد که دیگر تا آخر این کوتاهی باشد، از این جهت توطئه می کند و آن مرکزی هم که جوان های ما رفتند گرفتند آنطور که اطلاع دادند مرکز جاسوسی و مرکز توطئه بوده است. آمریکا توقع دارد که شاه را ببرد به آنجا مشغول توطئه، پایگاهی هم اینجا برای توطئه درست کنند و جوان های ما بنشینند و تماشا کنند؟! باز ریشه های فاسد به فعالیت افتاده بودند که ما هم یک دخالتی بکنیم و جوان ها را بگوئیم که شما بیرون بیاید از... چیز... آنجائی که رفتند. جوان ها یک کاری کردند برای اینکه دیدند، خوب ناراحت کردند این جوان ها را، یک شاهی که در طول 50 سال این مملکت را به غارت کشیده است و به چپاول برده است و داده است و داده خوردند و خودش خورده است و بالاتر از این آنقدر قتل نفس کرده است، کشتار عمومی کرده است، پانزده خرداد آنطوری که معلوم شد، پانزده هزار نفر کشته شده است در روز پانزده خرداد و از آنوقت تا حالا شاید صد هزار نفر ما مقتول داشته ایم و چند صد هزار نفر ما معلول داشته ایم که ما هر روز مواجه با این معلول ها هستیم. الان به من گفتند که معلولینی که در اینجا هستند معلولین یک دسته ای از اینهاست، بسیاری از اینها همان معلولین زمان این انقلاب است و به دست آنها شده. گفتند که روز عید غدیر خم جلسه ای دارند شما هم بیاید، البته من هم می روم آنجا. توقع دارند که یک کسی که پنجاه سال به این ملت آنطور کرده است و حالا آمریکا با یک بهانه بیخود او را برده است نگه داشته است در پناه

خودش و برایش وسایل آرامش تهیه کرده است و به اسم مریض بودن یا به واقع مریض بودن (فرقی نمی کند) او را برده در آنجا و نگه داشته و جوان های ما که آنجا اظهار مخالفت می کنند، آنها را یا متفرق می کنند یا حبس می کنند، به همین دو، سه روز که در این مجسمه آزادی که یک دروغ شاخداری است در آمریکا آزادی، جوان های ما رفتند به آنجا متصل شدند و یک پارچه بستند به آنجا که شاه را باید بدهید، پلیس رفته و آنها را متفرق کرده و چند نفر از آنها را گرفته است. توقع این هست که جانی دست اول ما را ببرند آنجا نگه دارند و حمایت از او بکنند و اینجا هم مرکز توطئه درست کنند و مرکز پخش چیزهایی که توطئه گری است درست بکنند _ و تربیت _ نمی دانم همه چیزهایی که می خواهند بکنند و ملت ما و جوان های ما و جوان های دانشگاهی ما و جوان های روحانی ما بنشینند تماشا کنند تا خون این صد هزار نفر تقریباً (یا کمتر یا بیشتر) هدر برود برای اینکه احترامی قائل بشوند به آقای کارتر و امثال اینها!! توطئه ها نباید باشد. البته اگر توطئه نبود، اگر این خرابکاری ها نبود، اگر آن کار فاسد نبود، همه مردم آزادند در اینجا موجود باشند، اما وقتی توطئه است در کار، وقتی که آنطور کارهای فاسد انجام می گیرد، ناراحت می کند جوان های ما را، جوان ها توقع دارند در این دنیا که مملکتشان که آنقدر برایش زحمت کشیدند، دستشان باشد. وقتی می بینند توطئه است که می خواهند که دوباره برگردد به حال سابق و دوباره همه چیزشان به باد برود، نمی توانند بنشینند. توقع نباید باشد که اینها بنشینند تماشا کنند و آنها چپاولگری هایشان را کردند حالا توطئه هایشان را بکنند و رشد پیدا بکنند این توطئه و چه بشود جوان های ما باید با تمام توجه و با قدرت این توطئه ها را از بین ببرند.

با انقلابی بزرگتر از انقلاب اول ریشه غارتگران را قطع خواهیم کرد

امروز روزی نیست که ما بنشینیم و نگاه کنیم. امروز، حال از آنوقتی که محمدرضا بود یکقدری عمیق تر است، بدتر است. آنوقت معلوم بود که این خائن ایستاده در مقابل ملت، ملت هم می شناخت او را و مقابل ایستاده بود. امروز خیانت های زیرزمینی است، یک توطئه های زیرزمینی است که توطئه های زیر زمینی در همین سفارتخانه ها که هست، دارد درست می شود که مهمش و عمده اش مال شیطان بزرگ است که آمریکا باشد و نمی شود بنشینید و آنها توطئه شان را بکنند. یک وقت ما بفهمیم که از بین رفت یک مملکتی و با حرف های نامربوط دموکراسی و امثال ذلک ما را اغفال کنند که مملکت دموکراسی است و هر کسی حق دارد در اینجا بماند، هر کس حق دارد توطئه بکند. این حرف های نامربوط را باید کنار گذاشت و ملت ما همانطوری که تا حالا پیش آمده، از اینجا به بعد هم باید پیش برود و قطع کند دست اینها را و اگر چنانچه اینها آدم نشوند و شاه را که خزائن ما را در برده است و در بانک ها مقادیر بسیار زیادی که ما حالا شاید بعضی از آن را مطلع باشیم در بانک ها سپرده است و همه مال ملت است، تا این را برنگرداند و اگر این را برنگرداند ما طوری دیگری با آنها رفتار می کنیم، با انگلستان هم طوری دیگر رفتار می کنیم. اینها خیال نکنند که همین طور نشستیم گوش می کنیم که هر غلطی اینها می خواهند بکنند. نخیر، اینطور نیست. مسأله، مسأله _ باز _ انقلاب است.

یک انقلاب زیادت‌تر از انقلاب اول خواهد شد. باید سر جای خودشان بنشینند و این خائن را او برگرداند و آن خائن، بختیار خائن را هم او برگرداند. نه اینکه بختیار خائن را ببرند آنجا و بنشینند و توطئه کند و افراد دور خودش جمع کند و _عرض بکنم_ روزنامه بنویسد و اطلاعات درست بکند و جوان‌های ما را دولت انگلستان توقیف کند و بگیرد برای خاطر اینکه تظاهر بر ضد شاه یا بر ضد بختیار کرده‌اند. اگر دست بردارند از اینها و این جانی‌ها را تحویل ندهند یا لاقابل بیرون نکنند از مملکت خودشان، ما تکلیف دیگری داریم و عمل می‌کنیم به آن تکلیف.

تضعیف روحیه ملت با نشر مطالب خلاف واقع به منظور شکست نهضت اسلامی

باید به قدرت پیش برویم. اگر اظهار ضعف، اگر احساس این را بکنند که ما ضعیف شدیم _ احساس بکنند _ اگر این تضعیف‌هایی که این نویسندگان بی انصاف ما از این ملت می‌کنند، احساس بکنند اینها که این نوشته‌ها در ما تأثیر کرده است، این احساس را اگر بکنند، جری خواهند شد و حمله خواهند کرد، کارهای خودشان را بدتر خواهند کرد. احساس ضعف در خودتان نکنید، هر چه این نویسندگان بنویسند که (چیزی نشده است و این مملکت به همان حال سابق هست) و همانطور در یک نوشته‌ای که من پرروز دیدم نوشته است که (در رژیم سابق سیاسیون در بند بودند، در حبس بودند، حالا هم سیاسیون در حبسند، هیچ فرقی نکرده در رژیم سابق آن اختناق و کذا بود، حالا هم همانطور است.) خوب این برای این است که روحیه را تضعیف کنند. حالا ما حساب می‌کنیم این را، در رژیم سابق عده‌ای محبوس بودند، عده‌ای گرفتار بودند، حالا هم عده‌ای محبوسند، این شک ندارد، اما چه کسانی هستند؟ در رژیم سابق چه کسانی حبس بودند و در رژیم حالا چه کسانی حبس هستند؟ چه گروهی در رژیم سابق اعدام می‌شدند؟ _ در رژیم حالا هم اعدام _ ما ببینیم در رژیم سابق کی اعدام می‌شد و در این رژیم کی اعدام می‌شود؟ این را دیگر حساب نمی‌کنند اینها. سر بسته می‌گویند، که خیال می‌کنند جوان‌ها بازی می‌خورند از این حرف‌ها. در رژیم سابق آنهایی را که می‌کشتند، بهترین جوان‌های ما و متعهد و مسلم، برای اینکه می‌گفتند که خلاف نکنید، می‌گفتند که مملکت ما را به باد ندهید. علمای اسلام بودند. این آقای منتظری مدت‌ها در حبس بود، آن مرحوم آقای طالقانی مدت‌ها در حبس بود و امثال اینها زیاد. آنهایی که اعدام شدند چه اشخاصی اعدام شدند؟ مرحوم سعیدی اعدام شد و امثال اینها. از همین علمایی که در همه اطراف اینها گرفتند و در بعضی وقت‌ها در حبس، این آقای لاهوتی که الان در _ چیز _ پاسداران هست، ایشان مدت‌ها حبس بود و چه زجرهایی این مرد دیده است و چه اهانت‌هایی دیده است. در تبعید فضلالی این حوزه، علمای این حوزه، دانشمندان این حوزه در تبعید بودند، این طرف، آن طرف اینها را می‌بردند و تبعید می‌کردند. آنهایی که حبس بودند در آنوقت این صنف مردم بودند، آنها هم که اعدام شدند آنجور اشخاص بودند، آنها هم که تبعید شدند، آنجور اشخاص بودند. حالا بیائیم این طرف قضیه را ببینیم که فرقی ما بین حالا و آنوقت نیست. اعدام شده است هویدا، نصیری، اینها برای او دارند سینه می‌زنند. اینهایی که الان دارند

می نویسند که فرقی نکرده، اینها همین هایی است که در آمریکا صحبتش را می کنند که چرا؟ چرا؟ و آن بی انصاف های طرفدار حقوق بشر صدایش را درآوردند که چرا اعدام می شود. همان هائی که در آنوقتی که دارد می نویسد چرا در ایران اعدام می شود؟ در جاهای زیادی از قبیل همین آمریکای فاسد قتل عام دارد می شود، یک کلمه راجع به آن نمی گویند، اما این طرفش را که هویدا را اعدام کردند یا نصیری را اعدام کردند یا این اشخاص فاسد را، صدای هیاهوشان در آمده و اینها هم که در اینجا و از عمال آنها هستند می نویسند که فرقی نکرده است، حالا هم اعدام هست، آنوقت هم اعدام بود. حبسی ها چه کسانی هستند؟ آنوقت چه کسی بودند؟ شما حالا یک دانه حبسی پیدا می کنید که این یک آدم صحیح باشد و حبس باشد؟ یک آدمی پیدا می کنید یک آدم متدین، یک آدم ملی یک آدم باشد؟ آنوقت که حبس بودند، همه ملیون حبس بودند _ و همه عرض بکنم که _ امثال ذلک و حالا کی حبس هست؟ اینهایی که جنایت زیاد کردند و آنهمه جنایات را کردند اینها حبس هستند. آنوقت وضع حبس حالا _ را با این جنایتکاران ببینید، با وضع حبس آنوقت را با آن جنایتکاران. با آن مردم صحیح، وضع آنوقت آنطور بود، که باید از آنهایی که حبس بودند بشنوید چی شده است. اینها را تا آن حدودی که ما اطلاع داریم، که مهمش تهران است، اشخاصی که در آنجا هستند و مکررا ما هم سفارش کرده ایم، ابدا تعدی به کسی نمی کنند. از حبس ها، حبس هایی نیست که نارضایتی داشته باشند، حبس هستند، اما این بی انصاف ها می نویسند که در حبس بدتر می گذرد از آنوقتی که در آنجا در آن حبس ها، آن حبس ها پای یکی از علمای ما را اره کردند (اینطوری که نقل کرده اند) این حبس های حالا بدتر از آن حبس ها هست؟! اینها همه همان شیاطینی هستند که به فریاد کارتر، دور خودش جمع شده است برای اینکه از این، همانطور که آن شیطان بزرگ از قرآن و اسلام می ترسید، حالا اینها هم از این نهضت که یک نهضت اسلامی است می ترسند و دنبال همان شیطان بزرگ مشغول شیطنت هستند و تضعیف می کنند روحیه ملت ما را. باید ملت ما، جوان های برومند ما باید با کمال قدرت پیش بروند و از این توطئه ها اصلا ترسند، اینها قابل آدم نیستند که انسان از شان بترسد و این شلوغی ها هم که گاهی وقت ها همین شیاطین ایجاد می کنند و همین طرفدارهای این فاسدها ایجاد می کنند، اینها هم حلش اشکالی ندارد.

بیانات امام خمینی در جمع شهرداران سراسر کشور

لزوم توجه به قشر مستضعف و منطقه غیر مرفه

بسم الله الرحمن الرحيم

من میل دارم که عمل ما بیشتر از قولمان باشد یا موافق با قولمان . الان شهرها و روستاهای ایران و حتی شهر تهران گرفتار کمبودهایی بوده و هست و این به عهده شهرداری ماست که با کمک مردم اقدام کنند و شهرها و روستاهای اطراف را آباد کنند و آنچه که مهم است این است که آن قشر مستضعف بیشتر مورد نظر باشد، آن حاشیه های اطراف تهران ، آن زاغه نشین ها و آن چادرنشین های اطراف تهران بیشتر مورد نظر باشند تا قسمت شمال شهر و در شهرهای دیگر، روستاهای دیگر توجه به این قشر مستضعف از توجه بر قشر مرفه بیشتر باشد.

مع الوصف در رژیم سابق این قشر اصلا مورد عنایت نبود و اگر کاری می کردند برای همان قشر مرفه می کردند و لهذا در شمال تهران شهری است غیر از جنوب شهر است ، اصلا آنجا یک شهر دیگری است این هم یک شهری دیگری و این غیر مطابق بودن دو طبقه به این شدیدی ، خدای نخواستہ سبب می شود انفجاری حاصل بشود که کسی نتواند مهارش کند. شما شهرداری های محترم باید توجه کنید که امروز شهرها و دهات و روستاها همه مال خود ملت است و در تصرف دیگری نیست و حتی مال خود ملت شده . خود ملت و خود شهردارها که از ملت هستند باید در آباد کردن این مملکت کوشش کنند خصوصا آن طرف هائی که خرابی داشته و به آنها نرسیده بودند. دهات و شهرهائی که دو طرف دارند یک طرف مرفه و یک طرف غیر مرفه شروع کنید وقتی به درجه مرفه رسید آنوقت یک کار اساسی شما کردید. من امیدوارم خداوند همه شما را تایید کند و در راه خدمت به این کشور و خدمت به اسلام همه موفق باشید و همه ما موفق باشیم در این خدمت .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

فرمان امام خمینی به ثقة الاسلام رکنی

بسمه تعالی

جناب مستطاب سیدالاعلام و ثقة الاسلام آقای سید محمد جواد رکنی حسینی دامت افاضاته

نامه ای از اهالی محترم بندر لنگه واصل گردید که درخواست کرده بودند جنابعالی در محل ، اقامه نماز جمعه نمایید و با توجه به وضع زمان ، مقتضی است دعوت آقایان را پذیرفته و بدین وسیله جنابعالی به امامت نماز جمعه منصوب می شوید تا ضمن انجام این فریضه الهی مردم را به وظائف خطیری که بخصوص در این برهه از زمان دارند، آشنا سازید. امید است اهالی محترم نیز از این فرصت استفاده نموده و با اجتماع بیشتر و بهتر در انجام این فریضه بزرگ همکاری های لازمه را مبذول دارند.

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی .

ص: 145

فرمان امام خمینی به هیأت حسن نیت مأمور در کردستان

بسم الله الرحمن الرحيم

هیأت حسن نیت مأمور در کردستان _ سنندج

جناب آقای مهندس مهدی بازرگان به جهاتی از مقام نخست وزیری استعفا نمودند و امور کشور محول شد به شورای انقلاب . هیأت حسن نیت لازم است به کار خود ادامه دهد و با شورای انقلاب در تماس باشد. امید، رفاه حال برادران کرد به طور شایسته فراهم شود.

روح الله الموسوی الخمينی .

ص: 146

فرمان امام خمینی به شورای انقلاب در رابطه با استعفای مهندس بازرگان

بسم الله الرحمن الرحيم

شورای انقلاب جمهوری اسلامی

چون جناب آقای مهندس مهدی بازرگان با ذکر دلایلی برای معذور بودن از ادامه خدمت در تاریخ 14/8/58 از مقام نخست وزیری استعفا نمودند، ضمن قدردانی از زحمات و خدمات طاقت فرسای ایشان در دوره انتقال و با اعتماد به دیانت و امانت و حسن نیت مشارالیه استعفا را قبول نمودم. شورای انقلاب را مأمور نمودم برای رسیدگی و اداره امور کشور در حال انتقال، و نیز شورا در اجرای این امور بدون مجال ماموریت دارد:

1 _ تهیه مقدمات همه پرسی قانون اساسی

2 _ تهیه مقدمات انتخابات مجلس شورای ملی

3 _ تهیه مقدمات تعیین رئیس جمهوری

لازم به تذکر است که با اتکال به خداوند متعال و اعتماد به قدرت ملت عظیم الشان، باید امور محوله را خصوصاً آنچه مربوط به پاکسازی دستگاه های اداری و رفاه حال طبقات مستضعف و بی خانمان است، به طور انقلابی و قاطع عمل نمایند.

روح الله الموسوی الخمينی .

بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان دانشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان و گروه فنی عمران اعزامی به کردستان

مقصد توطئه گرها این است که جوانهای ما را از راهی که رفتند مایوس کنند

بسم الله الرحمن الرحيم

از مشکلاتی که ما مواجه هستیم، همین استفاده توطئه گرها از احساسات جوان هاست، این توطئه گرها که دیدند شکست خورده اند و نمی توانند با ملت ما به مبارزه برخیزند، برای اینکه ملت ما یکپارچه در مقابل آن قدرت های بزرگ ایستاده و پیش برد، حالا درصدد این برآمدند که از این احساسات پاک جوان های ما استفاده هائی به نفع خودشان بکنند و جوان های ما غافل از این هستند. از جمله استفاده هائی که اینها می خواهند بکنند این است که: این تحولی که حاصل شد، این انقلابی که شد، این هم چیزی نشد. این را در سطح کشور با تبلیغاتی که آنها دارند، دارند منتشر می کنند و مقصد آنها این است که جوان های ما را از آن راهی که رفتند مایوس کنند. جوان های ما هم مع الاسف با تمام احساسات پاکی که دارند (که امید ما به آنهاست) نمی نشینند حساب بکنند که روی حساب با آنها صحبت بکنند. اینها می گویند که انقلاب شد و هیچ نشد، خوب جوابشان را شما جوان ها می گوئید که آن اصولی که اصل مقصد ملت بود، چه بود؟ تا ببینیم آن شده است یا نشده است. آن اصول را ما باید یک قدم، چند قدم برگردیم جلو. آن روزی که ملت ما در خیابان ها ریختند، از بانوان محترمه و جوان های محترم، ببینیم اینها چه می خواستند، اینکه خواستند شده است یا نشده است؟ آنهایی که می خواستند، آنکه از سرتاسر کشور فریادش در خیابان و در کوچه ها و در مدارس و در همه جا بلند بود این بود که (استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی) این سه تا کلمه سر زبان همه بود. آن روز هیچ فکر دیگر نداشتند جز اینکه این رژیم را ساقطش کنند و تبدیلیش کنند به یک رژیم دیگری آزادی به دست بیاورند، بعد از اختناق پنجاه و چند ساله (اگر نگوئیم دو هزار و پانصد ساله) و استقلال به دست بیاورند که ممالک دیگر آقائی اینجا نکنند و نیابند و ما را اسیر خودشان بکنند. اصول مسائلی را که ابتدائی، یعنی مسائل ابتدائی ملت ما بود این سه تا بود. اینها که می گویند انقلاب شد و هیچی نشد، می گویند این اصولی که اصول خواست دست اول ملت بود، این نشده است؟ یعنی الان باز رژیم سلطنتی است؟ یعنی الان باز اختناق است؟ یعنی الان باز مشاورهای این دولت های بزرگ در اینجا مشغول کار هستند و مشغول فعالیت هستند و دولت ما یا ملت ما تحت سلطه آن هاست؟ خوب، اگر اینها را به شما بگویند، جوابش را شما خودتان می دهید که نه اینها الان حاصل است این آزادی است که شما و ما را در اینجا

جمع کرده است. شما پنج سال پیش از این امکان برای تان داشت که در یک همچو جلسه ای بنشینید صحبت بکنید؟ این آزادی است که شما در بیرون، در هر جا صحبت می کنید، انتقاد می کنید، از رژیم سابق انتقاد می کنید، از دولت لاحق انتقاد می کنید، اینها همه آزادی است، هیچ کس هم نمی آید به شما بگوید که نه انتقاد نکنید. پس آزادی الان حاصل است برای ما. یکی از آن چیزهایی که ملت ما فریاد می کرد برایش، به دست آورده.

آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند

استقلال هم اگر چنانچه آنها می گویند که الان آمریکا در اینجا دارد حکومت می کند، شما می بینید که الان مرکز فساد آمریکا را جوان ها رفته اند گرفته اند و آمریکائی هائی هم که در آنجا بودند گرفتند و آن لانه فساد را به دست آوردند و آمریکا هم هیچ غلطی نمی تواند بکند و جوان ها مطمئن باشند که آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند. بیخود صحبت اینکه اگر دخالت نظامی، مگر آمریکا می تواند دخالت نظامی در این مملکت بکند؟ امکان برایش ندارد، تمام دنیا توجهشان الان به اینجا است. مگر آمریکا می تواند مقابل همه دنیا بایستد و دخالت نظامی بکند؟ غلط می کند دخالت نظامی بکند. نترسید، نترسانید. هم این تعبیری که جوان های ما از روی باز احساسات جوانی کردند که اگر چنانچه آمریکا بخواهد دخالت نظامی بکند ما چه خواهیم کرد، اصلا این آگرش را هم نباید بگویند. آمریکا عاجز از این است که دخالت نظامی در اینجا بکند اینها یک مسائلی در پیش شان است، یک مطالبی در پیش شان است که روی آن مطالب گرفتاری هائی دارند، نمی توانند این کارها را بکنند. اگر آنها می توانستند دخالت نظامی بکنند، شاه را نگه می داشتند. با تمام قدرتشان، قدرت های تبلیغی چیز کردند که نگهش دارند و ملت ما اعتنا نکرد به آن و نه تنها او، همه قدرت ها پشت سر هم ایستاده بودند که نگه دارند شاه را و نتوانستند نگه دارند برای اینکه ملت یک چیزی را که خواست نمی شود مقابل ملت بایستد کسی و چه بکند، هیچ ابداء. این مطلب را اصلا جوان های ما پیش نیاوردند این مطلب را که دخالت نظامی. آنها همیشه دخالت هایشان دخالت های شیطنتی است، توطئه است. آنها اگر بخواهند یک کاری هم بکنند، وادار می کنند جوان های ما را که آنها تظاهر بکنند و در تظاهر عمال آنها بیابند درگیری بکنند با اینها و یک غائله راه بیندازند که ما نتوانیم یک محیط آزاد پیدا بکنیم، یک محیط آرام پیدا بکنیم و مسائلی را که می خواهیم طرح بکنیم و می خواهیم ایجاد بکنیم، بتوانیم آنها از این راه شیطنت ها پیش می آیند. آنها شیطان هایشان را پیش همین جوان های صاف دل عزیز می فرستند تبلیغات می کنند، می نویسند به دیوار چه می کنند، عده، عده، یک وقت می بینید که یک عده جوان را راه انداختند توی خیابان ها به یک تظاهراتی، تظاهرات بحق لکن آنها از همین تظاهرات بحق می خواهند استفاده ناحق بکنند.

همین قضیه ای که الان قضیه روز است در دنیا، قضیه قبضه سفارت آمریکا یعنی نه سفارت، محل توطئه آمریکا که جوان ها کشف کردند خیلی از چیزهایش را در همین قضیه دیشب به ما اطلاع

دادند که زمزمه است در تبریز و در تهران و در بعضی جاهای دیگر که یک تظاهراتی بکنند برای پشتیبانی از آقای مهندس بازرگان خوب همین قضیه را آنها خواستند (حالا نمی دانم موفق بشوند یا نه) خواستند که یک همچو چیزی درست بکنند بعد کم کم این را بکشاند به یک جایی که مثلاً سفارت عراق هست بریزند بشکنند، سفارت _ فرض کنید که _ افغانستان هست بریزند بشکنند که مملکت ایران را مواجه کنند با همه ممالک. آن شیاطین یک همچو نقشه هائی دارند. جوان های ما باید بیدار بشوند که تحت تاثیر اینها واقع نشوند، اینها که می گویند تظاهر بکنید. مگر آقای بازرگان با شورای انقلاب مخالفتی دارند؟ اینها همه، همه یک باب است منتها آقای بازرگان یک قدری خسته شده بودند، یک قدری _ عرض کنم _ عذرهای داشتند و گفتند که حالا من کنار باشم، لکن نه این است که حالا ایشان که کنار هست دیگر آقای بازرگان دخالتی در امور ندارد، ایشان یکی از آن اشخاصی است که مورد احترام همه است خیال نکنند که یک بی احترامی به ایشان شده است، نخیر مورد احترام است. و برای خاطر یک امری که ملت هم قبول دارند، نیفتند توی خیابان ها راه بیندازند یک چیزی که آنها که می خواهند یک بازی درست کنند یک وقتی یکی را بزنند بکشند. یک دو تا شعار از، (شما اگر یادتان باشد من نبودم در اینجا لکن برای من نقل می کردند) این دستجاتی که در قم آنوقت بر ضد رژیم سابق شعار می دادند، اینها شعار آرام می دادند، یکدفعه می دیدند که از اینجا یک کسی یک چیزی انداخت یک شیشه ای را شکست، یک بانکی را شکست، یک جایی را خراب کرد، گاهی یک آدمی را کشت می ریختند به جان هم، یک کشتاری پیدا می شد زیاد. آنها روی حساب، همیشه روی نقشه حساب می کنند و اینطور کارها را می کنند. قضیه دخالت نظامی ابد مطرح نیست، دخالت های توطئه گری اینطوری یعنی از قوای خود ما استفاده می کنند، قوه خودشان را از آن استفاده نمی کنند، در این ممالک از قوای خود ما استفاده می کنند خوب شما کردستان را ببینید که اینها از چه استفاده می کنند، یک نفر سرباز آمریکائی نمی آید آنجا یک کاری بکنند، آنها با شیطنت استفاده می کنند از خود این افرادی که یا وابسته هستند به آنها یا اعوجاج دارند، آنوقت این دست دومی ها که اعوجاج دارند، از ساده دلی بعضی از کردها استفاده می کنند، با آنها یک _ چیز _ صحبت می کنند منتشر می کنند که بنا دارند که تمام کردستان را بکوبند. این ارتش ایران که رفته آنجا برای اینکه جلوگیری کند از اینکه آنها دارند می کشند و سر می برند و اذیت می کنند، فوراً آنها دنبالش بر می دارند می نویسند که ما می خواهیم، یعنی دولت ایران می خواهد که کردها را بکوبد. آن رفته که کردها را حفظ بکند اینها می گویند رفته کردها را بکوبد.

باید جوانهای ما گول تبلیغات فدائیان خلق را نخورند

این اشخاصی که هی فدائی خلق خودشان را معرفی می کنند، من که در این چیزهایی که برای پشتیبانی از این جوان ها بود که آنجا را گرفتند، به گوش من نخورد که اینها پشتیبانی کرده باشند. اگر اینها آمریکائی نیستند، چطور پشتیبانی نکردند از اینها؟ اگر اینها مال شوروی هستند خودشان یا خیر

ملی هستند، آدمی که ملی است با آمریکا خوب دشمن است همانطوری که همه ملت ما دشمن است، همانطوری که همه ملت ما دشمن شماره اول خودش را امروز آمریکا می داند، برای اینکه دشمن شماره اول ما را برده است آمریکا نگه داشته است. آنوقت هم که آن بود، دشمن شماره یک ما آنها بودند اینها اذتاب آنها بودند، اینها کسانی بودند که ماموریت داشتند برای وطنشان، یعنی ماموریت داشتند که این وطن را نگذارند که یک قدم جلو برود. مائی که و شمائی که و ملت ما که دشمن شماره یکش را آمریکا می داند و حالا هم که جوان ها رفتند آنجا را گرفتند دیدند که مرکز توطئه بوده آنجا، به گوش من نخورد که از این فدائیان خلق یک پشتیبانی از اینها شده باشد. از سایر گروه ها به گوشم خورد، حالا شاید بوده الان من نشنیده باشم و لکن شاید شماها شنیده باشید، به گوش من نخورد. اگر اینها یک چیزی بر خلاف دولت بود یا بر خلاف اسلام بود یک قضیه ای واقع شده بود، اینها حالا می دیدید که چقدر به آن دامن می زدند. یکی از نقشه ها همین است که همین ها (همین الان در این منزل من موجود است، یعنی تقریباً می آورند برای من اینها را از طریق هائی) همین هائی که با امضای چریک های فدائی خلق است، همین ها دارند هی یک دروغ هائی را منتشر می کنند که نگذارند این نهضت به چیزش برسد. منتشر می کنند که خوب در کردستان هیچ کاری نشد، هیچی، هیچی. شما الان خواندید اینقدر کارها در عین حالی که آنها نمی گذارند بشود، در عین حالی که اگر بخواهد یک کارهائی اساسی تر بشود، محیط آرام لازم است. می شود با اینکه در یک شهری جنگ باشد بعد یک دسته ای بروند آسفالت کنند؟ خوب، نمی شود این. الان شما اینقدر کارها را خواندید که در کردستان شده است و کردید شماها، جوان ها (خدا حفظتان کند) اینها معذک بدون اینکه یک حیائی داشته باشند می گویند هیچ کاری نشده اصلش در آنجا، اصلاً همان قضیه ای بود که بوده. در یکی از نوشته هایشان نوشته اند که حبس های سیاسی در زمان محمدرضا بوده است لکن حالا همانطور است یا بیشتر، حبسی سیاسی. اینها فکر این را نکردند که آخر حبسی سیاسی که الان شما اسمش را می گذارید، حبس های سیاسی بوده است که در زمان محمدرضا خان آن کارها را می کرده است؟ دزدها را شما حبسی سیاسی حساب می کنید؟ آنهائی که بر ضد این مملکت و بر ضد این ملت قیام کرده بودند و آن همه خیانت کرده بودند، آنها را جزء رجال سیاسی شما حساب می کنید؟ نصیری جزء رجال سیاسی است؟ هویدا جزء رجال سیاسی است یا جزء دزدها هستند اینها؟ شما چرا رجال سیاسی را بدنام می کنید به اینکه اینها را اسمشان را رجال سیاسی می گذارید؟ ساواکی ها جزء رجال سیاسی هستند؟ آئی که الان در حبس فعلی دادگاه های ما هست همین ساواکی ها هستند و همین خیانتکارها و همین اشخاصی که یا کشته اند یا امر به کشتن کرده اند و یا زجر کرده اند جوان های ما را، آنطور کارها را با همه طبقات کردند. زمان رضا، محمدرضا کی حبس بود؟ چه طبقه ای حبس بودند؟ علما، دانشگاهی ها، رجال ملی، اینها حبس بودند. حالا کی حبس است؟ ساواکی ها. خوب، شما اگر ساواکی نیستید، چطور اینها را رجال سیاسی می دانید؟ شما چطور ساواکی ها را جزء رجال سیاسی حساب می کنید؟ اگر شماها پیوندی با رژیم سابق ندارید، اگر شما جزء اجزای ساواک نیستید، اگر شما فعالیت برای ساواکی ها نمی کنید، چطور

ساواکی ها که الان در حبسند در مقاله تان می نویسید که رجال سیاسی ، حالا بیشتر از آنجا از زمان چیز حبسند؟ شما دزدها را جزء رجال سیاسی می آورید؟ معلوم شد سیاست شما غیر آن سیاستی است که در نظر ملت ماست و مردم اصیل ماست .

اگر شما با آنها پیوند ندارید، چطور می گوئید که آنوقت و حالا هر دو دسته رجال سیاسی بودند که اینها محبوس بودند. آنوقت وقتی که ما حبس داشتیم، حبسی داشتیم مثل مرحوم طالقانی مثل آقای منتظری، مثل آقای لاهوتی، از اهل علم کثیری از اینها در حبس بودند و زجر کشیدند. یکی از ملاهای محترم ما را پایش را در آنجا اهر کرده بودند از قراری که برای ما گفتند از رجال سیاسی طبقه غیر ملاها هم خوب، اشخاصی محترمی بودند که سال های طولانی در حبس بودند و سال های طولانی در زیر شکنجه و زجر بودند برای اینکه مخالف بودند با آن رژیم. آنوقت اینها حبس بودند، حالا ساواکی ها حبس هستند. این آقایانی که اسم خودشان را چیز خلق، فدائی خلق گذاشتند می گویند فرقی نکرده، خیال می کنند حبس (خیال نمی کنند، می خواهند اغفال کنند، خیال نمی کنند) که نخیر، حبس میزان است، چه دزد را حبس بکنند و چه یک شخص امین را، فرقی ندارد، فرقی ندارد که دزدها را حبس بکنند یا اشخاصی امین را حبس بکنند، فرقی ندارد که چپاولگرها و آدمکش ها را حبس بکنند یا اشخاصی که می خواهند جلوگیری از چپاولگری بکنند حبس بکنند. اینها منطقتشان این است ، باید در مقابلشان جوان های ما گول نخورند از این تبلیغات فاسد. آمریکا اینطوری تبلیغ می کند، آمریکا نظامی می آورد اینجا، آمریکا نویسنده می آورد اینجا، آمریکا گوینده می آورد اینجا، آمریکا عمال خودش که سال های طولانی آنها را تربیت کرده است می فرستد اینجا که اوضاع ما را بهم بزنند. آمریکا کردستان را آنطوری به هم می زند، تهران را آنطور مغشوش می کند و گاهی فرض کنید که دانشگاه ها را به هم می زند و گاهی تو خیابان ها می ریزند و چه می کنند. و این اینطور کار می کند. امروز که جوان های ما این لانه فساد را گرفتند و در مقابل اینکه آنها بدترین خلق خدا را و بدترین جانی های ما را گرفتند آنجا بردند و نگه داشتند و پذیرائی از او می کنند و می خواهند معالجه اش بکنند و با این بهانه های خلاف انسانی، امروز هم الان توطئه هست برای اینکه از حسن نیت جوان های ما، از صفای سریره جوان های ما استفاده سوء بکنند فرض کنید بیخ گوش آنها بخوانند که خوب انگلیس هم مثل آمریکا چه فرقی می کند، بریزند آنجا را خراب کنند، خوب عراق هم مثل آنجا چه فرقی می کند، بریزند آنجا را هم بگیرند، فرانسه هم مثل آنجا، که ما را معرفی می کنند که نه تنها قضیه روی موازین نیست قضیه روی هرج و مرج است. اینها می خواهند ما را معرفی کنند که ما مملکتمان هرج و مرج و درهم و برهم و هر که هر کاری دلش می خواهد بکند، تا به دنیا بفهمانند به اینکه یک مملکتی است که محتاج به قیم است، قیمش هم کی است؟ آقای کارتر. خودش محتاج به قیم است که اینقدر آدمکشی نکند. اینها جنون سیاسی دارند، اینها جنون دارند که اینقدر مردم را به کشتن می دهند و اینقدر فساد می کنند، اینها مجنونند، اینها باید بروند در تیمارستان ها معالجه بشوند، مغزهای اینها باید معالجه بشود. اینها می خواهند معرفی کنند ملت ما را که یک ملت هرج و مرج طلب و یک ملتی هستند که وحشی و چه .

(یکی از الان یادم نیست که کی بود که) نقل کردند از او که ما ایستاده بودیم در یکی از جاهائی که نظاهرات اینها، ایرانی ها بود آنوقت که زمان محمدرضا بود، یک آمریکائی هم پیش من ایستاده بود گفت ببین این وحشی ها را، گفته بود، من به او گفتم اینها وحشی اند که دارند حق خودشان را می گیرند؟ اینها می خواهند ما را اینطوری . ما آنوقت هم که یک کلمه حقی می گوئیم اینها ما را به وحشیگری منتسب می کنند. جوان های ما ملتفت باشند، توجه داشته باشند که هر کسی هر چه می گوید باور نکنند. یکی از چیزهای بزرگی که اینها دارند این است که سمپاشی کنند به طوری که ما را از این انقلاب مایوس کنند. این یکی از کارهای بزرگ اینهاست که می خواهند بکنند که از این انقلاب ملت ما مایوس بشوند و بگویند خوب کاری انجام نگرفته . اگر کارهای دست اول است ، که عرض کردم همه اش انجام گرفته است کارهای دست دوم هم چیزی است که مشغول انجامش هستند. همین در دولت آقای بازرگان چقدر کارها انجام گرفته ، چقدر خانه سازی شده و بی انصاف ها می گویند یک خانه ساخته نشده . در این جهاد سازندگی چقدر خدمت کرد این ملت به این ملت خودش و به این اشخاصی که مشغول کشت و زرع بودند. چقدر شما الان خدمت ها شمردید که رفتید همه جا هر چه نابسامانی بوده درستش کردید، اینها باز می گویند هیچی نشده . از آنطرف خودشان فعالیت می کنند که چیزی نشود، این اشخاصی که خودشان را معرفی می کنند که ما فدائی خلق هستیم ، با یک کبریت آتش می زنند حاصل عمر چندین نفر کشاورز را که این خرمن را تهیه کرده است ، این فدائی خلق یک کبریت می زند این را آتشش می زند، این فدائی خلق یک تفنگ می زند، آن لوله نفت را سوراخ می کند که حاصل زحمت این ملت از بین برود. آمریکا اگر کار می کند اینطوری کار می کند. آمریکا نظامی اینجا نمی فرستد آمریکا بدتر از نظامی اینجا می فرستد. اینها بدتر از نظامی هستند، انسان با نظامی حال خودش را می داند، نظامی می آید جلو ما هم می رویم جلو، نظامی آمریکا اگر بیاید اینجا ما هم می رویم جلو، من هم می روم جلو، همه شما می روید جلو نظامی نمی فرستد او، خاطر جمع باشید. از آمریکا هیچ نترسید از این توطئه هایش بترسید، اینها را هم باید خنثی کنید. این هم خود شما جوان ها باید در دانشگاه هستید اگر آمدند توی دانشگاه خواستند اخلاص بکنند جلوشان را بگیرید، در کارخانه ها هستید اگر آمدند آنجا جلوشان را بگیرید، در جهاد سازندگی هستید اگر آمدند آنجا خواستند اخلاص کنند جلوشان را بگیرید، هر جا هستید جلوشان را بگیرید، نگذارید اینها رشد پیدا بکنند. اینها الان نوکر شماره یک آن کسی است که ما دشمن شماره یک حساب می کنیم .

باید با همت ملت یک انتخابات صحیحی بشود

انشأالله خداوند همه شما را تأیید کند و موفق باشید و این معانی که شما فرمودید، باز از ریشه همان است که عرض کردم . شما توقع این را نداشته باشید که یک مملکتی که همه چیزش را آشفته کردند و فرار کردند، همه چیزش را، اقتصادش را از بین بردند، اینقدر قرض به عهده این ملت گذاشتند و فرار کردند، همه چیز ما را اینها به هم زدند و فرار کردند، توقع این را نداشته باشید که حالا

انقلاب که شد فوراً همه چیز سر جایش بیاید، اینها وقت لازم دارد، باید یک دولت مستقری با همت شماها، با همت ملت، یک انتخابات صحیحی بشود با همت ملت، ملت می شناسند افراد صالح را، لازم نیست که حالا یک چند سال هم ما در شان بدهیم، نخیر خودشان می فهمند، این ملت چیز می فهمد، می فهمد کی آدم صالح است کی آدم ناصالح، البته گاهی هم یک کسی خودش را جا می زند اما این گاهی است. هر کسی در هر شهری که هست طول این بیست، سی سالی که همراه با این مردم بوده می داند که اینها کدام یکی شان از ریشه های آنهاست کدام یکی شان نیستند، می فهمند کی بوده است که در آنجا خوش رقصی کرده و کی بوده است که نه، آنطور نبوده مخالف بوده و نتوانسته صحبت کند، می شناسند. مردم آنی را باید انتخاب بکنند که می شناسند که به این ملت خدمتگزار است و دلش برای این طبقه ضعیف می سوزد. ما نمی خواهیم یک مجلس اعیان درست کنیم. مجلس سنا را، مجلس اعیان به آن می گویند، ما می خواهیم اعیان را از بین ببریم، آدمشان کنیم آنها را، آن اعیانی که در مجلس سنا نشستند و آنقدر خیانت به مملکت ما کردند آن مجلس را ما اصلاً بستیم درش را. مجلس شیوخ و مجلس اعیان و مجلس سنا، اینها یک دسته مفتخواری بودند، پیر مردهای آخر عمرشان بعد از همه خیانت ها، پیر مردهائی بودند که آنجا می رفتند جمع می شدند و عرض می کنم شاید رفیقش هم که نشسته بود راجع به اینکه دواش چه است یا غذاش چه است صحبت می کرد و پول این ملت را می خورد. این را درش را بستند، تمام شد دیگر، ما مجلس سنا نداریم، مجلس شورا داریم، مجلس شورا هم نمی خواهیم از طبقه بالا-درست بشود، مجلس شورا می خواهیم از آدم ها، آدم هائی که متوجه اند به اینکه به این ملت چه گذشته است در پنجاه و چند سال و در طول نظام شاهنشاهی و لاقلاً در این مواردی، در این مدتی که دیده اید خودتان، این آدم هائی که می بینند اینطور بر این ملت گذشته است اشخاص را هم می شناسند در شهرهای خودشان، در روستاهای خودشان می شناسند اینها را و دیدند اینها در طول این مدت چه کرده اند، آنها که مخفی آنوقت کار کردند علناً مردم را اذیت می کردند، آن اشخاصی را باید کنار بگذارند و یک اشخاصی که امین هستند، اشخاصی که معروف است پیش شان به امانت، به دیانت، به خدمت به مردم، آنها را تعیین می کنند باید هم تعیین بکنند. مجلس انشاءالله مستقر بشود، انشاءالله قانون اساسی مان به رأی گذاشته شود، تقریباً نزدیک به تمام شدنش است به رأی گذاشته می شود بعد از اینکه ما ملاحظه اش کردیم و تصدیقش کردیم به رأی گذاشته می شود.

ولایت فقیه این قانون مترقی اسلام، خاری است در چشم دشمنان

ملت ما اگر بخواهند سردی بکنند، یکی از اموری که توطئه در آن هست این است که راجع به این قانون اساسی مردم را سرد کنند. از آنها بپرسید خوب این قانون اساسی که شما می گوئید که قانون است ارتجاعی، کدام یکی از این موادش ارتجاعی است؟ اولی که دست رویش گذارند، دست می گذارند روی ولایت فقیه اول دست آنجا گذارند برای اینکه این یک طرح اسلامی است و

آنها از اسلام می ترسند. آنها اسلام را ارتجاع می دانند، آنها جرات نمی کنند به کلمه اسلام بگویند ارتجاعی است، می گویند که اینها می خواهند ما را به 1400 سال پیش برگردانند. این همان تعبیر دیگر است منتها کلمه اسلام را نمی گویند. آنقدر به ولایت فقیه اثر مترقی بار است که در سایر این موادی که شما ملاحظه می کنید، معلوم نیست مثل آنجا باشد یک نفر آدمی که همه جهات اخلاقی و دینانی اش و ملی بودنش و علم و عملش ثابت است پیش ملت و خود ملت این را تعیین می کنند، این نظارت می کند بر اینکه مبدا خیانت بشود. همان رئیس جمهوری که ملت خودشان تعیین می کنند و انشاءالله دیگر از این به بعد امین تعیین می کنند، لکن معذک برای محکم کاری یک فقیهی که عمرش را صرف در اسلام کرده است و عمرش را برای اسلام خدمت کرده گذارند ببینند این چه می کند، مبدا یک وقت خلاف بکنند. رئیس جمهور آتی ما خلاف نمی کند لکن محکم کاری شده که نگذارند این خلاف بکنند. روسای ارتش ما و ژاندارمری ما و این رؤسای درجه اول، دیگر از این به بعد اشخاصی نیستند که خیانت بکنند لکن محکم کاری شده است که همین فقیه را ناظر قرار بدهند و هکذا آن موارد حساس را نظارت کند فقیه و تصرف می کند فقیه و این از اموری است که مترقی ترین موادی است که در قانون اساسی اینها چیز کردند و اینها دشمن ترین مواد پیش شان این است. همین ها بودند که فریاد می کردند و می نوشتند که خوب دیگر اسلام را می خواهد چه کند، خوب بگویند جمهوری، از اسلام می ترسیدند (خوب به جای اسلام بگذارید دمکراتیک، جمهوری دمکراتیک) اینها نمی فهمند که این همه دموکراسی که در عالم معروف است، کجاست؟ کدام مملکت را شما دارید؟ این ابرقدرت ها کدام یکی شان به موازین دموکراسی عمل کرده اند؟ یک دموکراسی که در هر جایی یک معنا دارد، در شوروی یک معنا دارد، در آمریکا یک معنای دیگر دارد، پیش ارسطو یک معنای دارد، پیش حالا یک معنای دیگر دارد، ما می گوئیم یک چیزی که مجهول است و هر جا یک معنا از آن می کنند ما نمی توانیم آن را در قانون اساسی مان بگذاریم که بعد هر کسی دلش می خواهد آنجوری درستش کند. ما می گوئیم اسلام. اسلام هر جا یک معنا ندارد، اسلام یک معناست و همه مسلمان ها شناسند آن را. ما می گوئیم جمهوری اسلام، ملت ما هم جمهوری اسلامی را خواسته بود. همین را که ملت ما با تقریبا (اتفاق کلمه) (درصد دو، یک و نیم) مخالفت، این مخالفت اسمش نیست همین که ملت ما خواست و با اصطلاح آنها دموکراسی بودن اقتضای این را می کرد با جمهوری اسلامی، از اسلامش می ترسند، نه از جمهوری اش. حالا- با مجلس خبرگانش قبل هم با انتخابات مجلس خبرگان مخالفت کردند و بعد هم با مجلس خبرگان مخالفت می کردند و بعد هم خواهد آمد که با مجلس شورا مخالفت خواهند کرد و بعد هم با این رفتارندمی که برای قانون اساسی است خواهند مخالفت کرد. درد همین است که چرا اسلام. این دردشان است و ملت ما هم همه مقصد خودش را اسلام داند برای اینکه از اسلام می بیند که آن چیزی که می خواهد حاصل می شود. اسلام، هم دنیاست و هم آخرت. ملت ما اسلام را می خواهد و اینها با ملت ما مخالفند برای خاطر اینکه اسلام را می خواهد. اگر این ملت می گفت که جمهوری فقط، اینها همه برایش سینه می زدند و برایش تبریک می گفتند، اما حالا که کلمه اسلام آمده توی کار،

نه با این مخالفند، این ارتجاعی است . اینها اسلام را ارتجاعی می دانند، اینها خدا را مرتجع می دانند یک همچو مرد می اند. اگر اعتقاد به او داشته باشند (اعتقاد که ندارند) اینها با پیغمبر اسلام بدترند تا با شماها، برای اینکه اساس را او گذاشته است . این ارتجاعی بود که شما ملت ارتجاعی ، این ارتجاعی بود که دست خیانتکارها را از این مملکت برید و اینها این را مساله ارتجاعی می دانند. این ارتجاعی بود که شماها را به سرنوشت خودتان حاکم کرد. نمی دانم کی اینها می خواهند بیدار بشوند و کی می خواهند دست بردارند از این مغلطه کاری های خودشان ، از این مخالفت های خودشان . من متأسفم که یک جمعیتی که باید به این مملکت خدمت بکنند، باید الان قردانی بکنند که این ملت خون خودش را داد و چپاولگرها را بیرون کرد و مفتخورها را دستشان را قطع کرد و آدمکش ها را بعضی شان را به جزای خودشان رساند و بعضی شان را هم می رساند انشاءالله ، من متأسفم که اینها نمی آیند میدان با این ملت موافقت کنند. ملتی که همه چیزش را داده و حالا شما آزادانه نشسته اید توی اتاق های تان و پای تان را روی پای خودتان اندازید و بر خلاف این ملت قلمفرسائی می کنید. انسان متأسف می شود از اینکه این چه افکاری است که اینها دارند، هی (ارتجاع ، ارتجاع (هر کلمه ارتجاع که می گویند اگر دلشان را بشکافید، بر می گردد به اینکه اسلام ارتجاعی است ، منتها جرات نمی کنند بگویند. بعضی شان هم با صراحت یک کلمه ای گفتند و توبه کردند و بعدش و معلوم نیست که توبه حقیقی هم باشد.

آمریکا با سرنیزه نمی آید به میدان شما، با قلم می آید

بیدار بشوند ملت و بیدار بشوند جوان های ما، توجه داشته باشند به اینکه آمریکا با سرنیزه نمی آید به میدان شما، با قلم می آید به میدان شما، با قوای انتظامی نمی آید به اینجا، با آن اشخاصی که دارد و دارد این امور را می گرداند به دست آنها، با آنها می آید به میدان ما، اینها را باید توجه به آن داشته باشید. آلت دست واقع نشوید. هی سردتان بکند که هیچی نشد. همه چیز شده است شما این چیز را چطور کم حساب می کنید که یک قدرت شیطانی که پشت سرش همه قدرت ها بودند، نه فقط قدرت های ابر قدرت و نه قدرت های دست دوم هم پشت سرش بودند، شما شکستید او را، از این بالاتر چه می خواهید؟ شما در دنیا یک آبرویی پیدا کردید، یک عظمتی الان در دنیا پیدا کردید که کسی ندارد. این را از بین نبرید برای خاطر اینکه مثلاً فرض کنید فلان جا آسفالتش کم است (باینکه مشغولند به همه کارها) چرا آسفالت نشده . مگر شما خون بچه های تان را دادید که آسفالت عوضش بگیرید؟ مگر شما عوض می خواستید برای این کار، آسفالت می خواستید مگر شما؟ شما برای خدا کار کردید و برای خدا کسی کار می کند از آسفالت بالاتر است ، از همه چیز بالاتر است . نشینید و هی بگوئید، هی هر روز بیائید اینجا شکایت از امور بکنید این شکایت ها را بگذارید برای بعد، حالا ما بین راهیم باید این قدرت را بشکنیم تا آخر، باید این توطئه را خفه کنیم و این توطئه هاست که شماها را وادار می کند که هی بیائید بگوئید که هیچی نشده هیچی نشده ، فلان جا نشده . ببینید اینها چه می گویند، چه شده ، اینهاست که شده . خدا انشاءالله شما را حفظ کند. همه تان را حفظ کند. انشاءالله خدا این جوان های

ما، این جوان های ما که مشغول بودند از اول تا حالا و فداکاری کردند برای ما، برای اسلام نگه دارد اینها را. من دعاگوی اینها هستم ، من خدمتگزار اینها هستم . من اگر می توانستم می رفتم من هم مثل آنها خدمت کردم لکن خوب من یک پیرمردی هستم اینجا نشستم و جز یک زبان الکن چیزی ندارم . خداوند همه شما را حفظ کند و موفقتان کند.

ص: 157

پیام امام خمینی در رابطه با سفر دو تن از نمایندگان ویژه آمریکا

بسم الله الرحمن الرحيم

از قرار اطلاع نمایندگان ویژه کارتر در راه ایران هستند و تصمیم دارند به قم آمده و با اینجانب ملاقات نمایند. لهذا لازم می دانم متذکر شوم دولت امریکا که با نگهداری شاه، اعلام مخالفت آشکار با ایران را نموده است و از طرفی دیگر آنطور که گفته شده است سفارت آمریکا در ایران محل جاسوسی دشمنان ما علیه نهضت مقدس اسلامی است، لذا ملاقات با من به هیچ وجه برای نمایندگان ویژه ممکن نیست و علاوه براین :

1 _ اعضای شورای انقلاب اسلامی به هیچ وجه نباید با آنان ملاقات نمایند.

2 _ هیچ یک از مقامات مسؤول حق ملاقات با آنان را ندارند.

3 _ اگر چنانچه آمریکا شاه مخلوع، این دشمن شماره یک ملت عزیز ما را به ایران تحویل دهد و دست از جاسوسی برضد نهضت ما بردارد، راه مذاکره در موضوع بعضی از روابطی که به نفع ملت است باز می باشد.

روح الله الموسوی الخمينی .

بیانات امام خمینی در جمع کارمندان و کارکنان شهرداری اهواز

غارت کشور پر ثروت ما، سوغات تمدن بزرگ

بسم الله الرحمن الرحيم

یکی از آثار این نهضت اسلامی این است که قشرهای مختلف با ما ملاقات می کنند و مسائلی که دارند آنها، طرح می کنند و مسائلی هم که ما داریم با آنها در میان می گذاریم . شما که کارمندان شهرداری اهواز هستید و حالا زحمات خودتان را، خدمات خودتان را در آنجا شرح دادید، این موجب تشکر من است و خدای تبارک و تعالی به شما اجر خواهد داد انشاءالله . امروز کشور شما احتیاج به خدمت دارد. شما مطلعید که کشوری برای شما گذاشتند که شهرهایش هم مخروبه بوده است ، تهران که مرکز است جنوبش آن است که می بینید و حاشیه هایش و این بیچاره های زاغه نشین و امثال اینها، آن است که گاهی در تلویزیون می بینید و خودتان مطلعید. بنابراین بوده است که این طبقه ضعیف ، طبقه مستضعف ، اینها به همین حال عقب ماندگی در هر جا هست باشند و ذخائر آنها به عیاشی یک دسته و به دادن به مفت و رایگان از بین برود. اهواز با آن ذخیره خداداد، خوزستان با آن ثروت هنگفت باید شهرش آنطور باشد، دهاتش بدتر. من یک وقتی که ، خیلی سال قبل از آنجا عبور کردم دیدم که این ، در با راه آهن می رفتیم نزدیک بعضی از دهات ، این بچه ها و بزرگ ها و اینها هجوم می آوردند طرف آنجائی که ما عبور می کردیم و مع الاسف همه به حالی بودند که موجب تأثر بود، در جائی که ثروشان ، ثروت خدا داد در زیر پایشان بود، خودشان آنطور مستمند بودند، مملکتی که ثروتش زیاد بوده است ، ذخایر زمینی اش الی ماشاءالله بوده است باید باز به حال مخروبه باشد. این تمدن بزرگ ، این را به ما، برای ما سوغات آورد که همه چیزهای ما را دادند به غیر و خود ما را در یک مملکت پر ثروت ، یک مملکتی که قابل است از برای اینکه صد و پنجاه میلیون جمعیت یا بیشتر در او زندگی مرفه داشته باشند، سی و چند میلیون جمعیت که اکثرشان وضع شان وضع صحیح نیست ، ثروت ها به جیب یک دسته مجتمع شده و به خارج منتقل شده و علاوه بر آن تمام ذخائر ما را دادند به خارجی ها و یک ثمن بخشی گرفتند، آن هم صرف مملکت نشد، خوردند و بردند حالا هم که ملاحظه می کنید آن دشمن شماره یک شما را که همه ثروت های ما را برده است و در بانک ها جمع کرده است ، امریکا برده است در آنجا دارد لالائی برای او می خواند و دارد از او پذیرائی می کند.

وضع اینطور بود و بحمدالله شما موانع را مرتفع کردید. آنهایی را که نمی گذاشتند کار انجام گیرد، مرتفع شدند. حالا دیگر دست خودمان است و باید همت کنید، برای ساختن یک کشوری که خرابه بود، همت لازم دارد و مهم این است که افراد هر یک خودشان را مسؤول بدانند، هم مسؤول خودشان بدانند، هم مسؤول کارهای دیگران، مسؤول خودشان که کاری که به آنها محول شود مثل مثلا شماها که در شهرداری اهواز هستید، هر کاری که محول به هر فردی است، منتظر این نشود که یک کس دیگری کاری بکند، این باید کار خودش را خوب انجام بدهد و اگر چنانچه دید آن برادرش، آن رفیقش کارش را خوب انجام نمی دهد، مسؤول او هم هست باید او را هدایت کنند. (کلکم راع)، همه باید مراعات بکنید و همه تان هم مسؤولید، همه ما مسؤولی یک مملکتی را باید خود شما اداره کنید، باید خود ملت اداره کنند.

سمپاشی خدمتگزاران رژیم سابق برای مایوس کردن ملت از دولت اسلامی

و مع الاسف الان گروه های مختلفی با عقاید مختلفی که بسیارشان خدمتگزاران همان رژیم سابق بودند یا خدمتگزارهای خارجی ها هستند، اجنبی ها هستند، بین مردم در تمام قشر مملکت افتادند به طریق های مختلف، به راههای مختلف سمپاشی می کنند. یکی از چیزهایی که اینها زیاد صحبتش را می کنند این است که برای مردم هیچ فکری نشده است و هیچ کاری تا حالا انجام نگرفته است، در صورتی که برای مردم هم خیلی کار شده است منتها ارائه نشده است و این هم از خطاهائی است که تا حالا واقع شده است که کردید زیاد هم کار کردید لکن تبلیغات می کنند که هیچ کاری نمی کنند، تبلیغات زیاد می کنند. در رژیم سابق عمده کارشان تبلیغات بود، کار انجام نمی دادند، لکن هر دفعه که شما رادیو را گوش می دادید که تمدن بزرگ، تمدن بزرگ. حالا کار زیاد می کنند، خوب، شما الان دارید می گوئید که ما شهر را چقدر برایش خدمت کردیم. دیروز هم یک دسته ای آمده بودند باز راجع به جای دیگر، تقریباً (بسیار می آیند اینجا، گروه هایی که خدمت کردند و کار کردند و در جهادسازندگی زیاد کار انجام گرفته و الان خانه برای مستمندان زیاد درست شده است، لکن تبلیغات نمی شود، نشده است، باید به ملت فهماند که مشغول خدمت است، دستگاه های دولتی مثل سابق نیست، حالا- مشغول خدمتند، البته همچو نیست که رضایتبخش باشد به تمام معنا، پاکسازی لازم دارد، بدون پاکسازی نمی شود، یعنی هم وزارتخانه ها، هم ادارات، همه جا پاکسازی می خواهد باید از عناصری که آن عناصر برخلاف ملت بودند و مردم خودشان شناسند آنها را، باید از این عناصر پاک بشود. مملکت اگر بخواهید یک مملکتی باشد که مستقل و آزاد برای خودتان باشد، در عین حالی که پاکسازی لازم است و آنطوری که باید نشده است و حالا بناست بشود، من تأکید راجع به این کار زیاد کردم، لکن عرضه تبلیغات نداشتند، عرضه نکردند کار خودشان را که ما این کارها را کردیم، باید عرضه کنید کارهاتان را به ملت و بفهمانید به ملت. اینها افتادند دنبال این مطلب که مایوس کنند ملت را از این نظام جدید،

بگویند حالا هیچ کاری نشده است، هیچ در آنوقت نبوده، حالا هم نیست. باید شما با تبلیغات خودتان، با عرضه خودتان کارهایی که انجام می دهید، ملت ما باید آن کارهایی که انجام می دهید و ما می بینیم که مهندسین شان، اطباءشان، دکترهایشان می آیند می روند در همین جهاد سازندگی کار می کنند برای مردم و سازندگی می کنند، لکن چون عرضه نمی شود درست، آن دسته خائن، آن دسته ای که برای دیگران کار می کنند، افتادند به اینکه کاری نشده است، هیچ کاری نشده است این رژیم هم مثل رژیم سابق است در صورتی که هیچ شباهتی این جمهوری اسلامی با رژیم سابق، هیچ شباهتی ندارد. در رژیم سابق کسی قدرت حرف زدن نداشت، کسی قدرت انتقاد نداشت، یک کلمه انتقاد با نابودی او تمام می شد، یک قلم که یک نصف سطر در انتقاد نوشت نابودش می کردند. حالا راه انتقاد باز است، همه می آیند انتقاد می کنند، همه از دولت انتقاد می کنند همه از هر چیزی که صحیح نیست انتقاد می کنند، ارشاد می کنند، چطور حالا با آنوقت مثل هم است؟ سابق همه دارائی شما را می بردند و عوضش این کار آمریکا نفت ما را می بردند و به جای نفت، از آن نفت، به ما اسلحه هایی می دادند که نتوان آن اسلحه ها را با آن اعمال کنیم. برای چه می دادند، برای اینکه پایگاه درست کنند آنجا، عوض نفت ما برای خودشان پایگاه اینجا درست می کردند، مستشاران اینجا حاکم بر ما بودند و ما یک مملکتی شده بودیم که پایگاه برای آمریکا، و الان هم در خیلی جاها می گویند هست این پایگاه ها، نه اینکه آنها تصرف دارند، لکن جاهاشان هست. آن روز نفت ما می رفت به مفت و مجان برای آمریکا و یک مقداری هم که می خواستند عوض به ما بدهند، عوضش اسلحه بود و آن چیزهایی بود که برای خودشان در اینجا فایده داشت، نه برای ما، این اسلحه هایی که آوردند، برای خودشان فایده داشت برای ما هیچ فایده ای نداشت. حالا در عین حالی که باز یک سلطه حساسی پیدا نشده است، باز استقرار پیدا نکرده حکومت ما، در عین حال نفت دیگر آنطور رایگان نمی رود، برای هیچ جایی رایگان نمی رود و مال خود شما هست، در ازای نفت دیگر نمی توانند تحمیل کنند که باید حتما آهن پاره بردارید، برای ما پایگاه درست کنید، این هم از این جهت، چطور فرقی نکرده است حالا با سابق؟ این هم یک فرق. فرق های اساسی، آزادی، استقلال، فرق اساسی راجع به سازندگی هم که معلوم است که یک مملکت به این و سیعی با آن خرابی با یک ماه، دو ماه، یک سال، دو سال نمی شود آن را برگرداند به بهشت برین، زحمت لازم دارد، خراب کردند اینها، پنجاه و چند سال کوشش کردند در خرابی این مملکت به اسم آباد کردن و به اسم تمدن بزرگ، آباد کردن یک جایی که پنجاه سال، پنجاه و چند سال به خرابی کوشش شده است، به این آسانی درست نمی شود. این اشخاصی که دور افتادند و پیش جوان های ما، از احساسات پاک جوان های ما استفاده غیر صحیح می کنند، اینها هر جا می رسند می گویند خوب، هیچ کاری نشده. کارهایی که شده است یک کارهای اعجاز آمیز بوده است، اینها را اصلش صحبتش نمی کنند، کارهای اعجاز آمیز کرده این مملکت، کارهایی کرده است که تمام حساب های حسابگرها را باطل کرده است معذک اینها هیچ صحبتش نمی کنند، اگر یک جایی یک چیزی ببینند صد مقابلش می کنند و منتشرش می کنند.

نگه داشتن شاه در امریکا و نوازش او به اسم انسان دوستی

اینها نمی دانم چه جور مردمی هستند، خودشان را به اسم خدمتگزار جا می زنند، لکن دائما بر خلاف مسیر ملت قدم بر می دارند و قدم هاشان برخلاف مسیر ملت است، کارشکنی می کنند، مردم را به یاس کشانند. اینها نمی دانند این معنا را که اگر مردم مأیوس بشوند به منزله شکست خوردن است؟ یا می دانند و عمدا این کار را می کنند؟ من بسیاریشان را عقیده ام هست که عمدا، با حساب دقیق، این اعمال حساب شده است، حسابش هم از خارج است. حالا هم که آن لانه فساد را جوان های ما رفتند و گرفتند، روی این اصل که دشمن ما را شما نگه داشتید و نوازش می کنید، در صورتی که ما خزائن مان پیش او هست، طلب از او داریم، باید بیاید اینجا طلب های ما را بدهد، خزائن مملکت را برده است و بانک ها را پر کرده است، این همه جنایات کرده و این همه جوان های ما را در حبس های آنها و در خیابان ها به دستور این فاسد، این عنصر خبیث به خاک و خون کشیده شدند، حالا بردند در امریکا و نوازشش می کنند و به اسم انسان دوستی، انسان دوستی آنها این نحوه است، انسان دوستی سران امریکا این است که کسی که پنجاه سال یا سی و چند سال مملکتی را به خرابی کشیده است و یک انسان های بزرگ را کشته است یا از بین برده است یا حبس کرده است یا تبعید کرده است یا خانمان هاشان را خراب کرده است، این انسان را آنها انسان حساب کنند و انسان دوستی شان هم این است که یک همچو جانی درجه اول را ببرند و معالجه کنند و به اسم معالجه ببرند و بخواهند نوازش کنند و توطئه کنند.

سفارت آمریکا، مرکز جاسوسی و توطئه بوده، نه سفارتخانه

حالا- که این لانه فساد کشف شده است خیلی چیزها برای ملت ما باید کشف بشود. آنجا دستگاه های جاسوسی زیاد، مع الاسف در ظرف چند ساعتی که نتوانستند این جوان های عزیز ما درها را درست باز بکنند برای اینکه درها جوری بوده است که قابل باز کردن نبوده است، رمزهایش را نمی دانستند اینها، در آن زیر زمین های بزرگ، اسناد بزرگی که از جاسوسی شان بوده است، از جنایت هاشان بوده است، از خائینی بوده است که با آنها همکاری داشتند بکلی از بین بردند، تمام را به طور مثل پودر گرفتند در آوردند کاغذها را، معذک یک مقداریش را که دیگر فرصت برایشان نشده است که از بین ببرند، دست دوم و سومش مانده است که برای کشف اینها و فهم اینکه اینها چه هست، محتاج به کارشناسان است، این جوان ها خودشان دانند لکن آن مقداری که می توانند باید، می خواهند ارائه بدهند و ارائه می دهند لکن بسیاری از آنها کارشناس لازم دارد، رمز است، خیلی از جعبه ها را، صندوق هائی که در آنجا هست رمز است و باز کردنش محتاج به اینکه کارشناس باشد. اینها یک مرکز توطئه و مرکز جاسوسی در مملکت قرار دادند. سفارتخانه ها حق ندارند که (حفاظت شان با خود دولت است) تفنگدار وارد کنند و اینها تفنگدارها در آنجا داشتند، اسلحه ها در آنجا داشتند. سفارتخانه ها حق ندارند که جاسوسی کنند، توطئه بکنند و اینها جاسوسی می کردند.

ملتی که برای خدا قیام کرده و شهادت طلب می کند از هیچ چیز نمی ترسد

بعد هم آقای کارتر تفضل فرمودند که دو نفر بفرستند با ماصحبت بکنند. ما چه صحبتی با شما بکنیم؟ صحبت با شما کی بکنند؟ جواب این زن هائی که بچه هاشان را از دست دادند، پدرهائی که جوان هاشان را از دست دادند، آنهائی که در این طول زمان از آمریکا ضربه خوردند، ممالکی که ضربه خوردند اینقدر، ما جواب اینها را چه بدهیم؟ ما جواب این مملکت های کثیری که با امر آمریکا، با توطئه آمریکا، آنها را به نابودی کشیدند، وجدانا جواب آنها را چه بدهیم؟ بنشینیم با کی صحبت کنیم؟ رد کردم این را که نه، نه ما یک همچو حقی داریم نه دیگران یک همچو حقی دارند. ما تابع ملت هستیم، ما خدمتگزار ملت هستیم، ما باید روی مسیر ملت سیر بکنیم، ما هیچ خوفی از این نداریم که بر بخورد به آقای کارتر یا امثال او و توطئه زیادت بکنند. یک کسی، یک کشوری که برای خدا قیام کرده است، فریادش الله اکبر بوده، او را از چه می ترسانند اینها. یک کشوری است که جوان ها در میدان رفتند و با تانک ها مقابله کردند، نه جوان ها، بچه ها، یکی از دوستان می گفت که من خودم شاهد بودم که یک موتورسواری، بچه ده، دوازده ساله حمله کرد به تانک و رفت زیر تانک. یک همچو مملکتی را نمی توانند اینها خوف در آن ایجاد کنند، کی را می ترسانند، من از بچگی در جنگ بودم، تا حالا نگفتم، مأمورد هجوم زلقی ها بودیم، مورد هجوم رجبعلی ها بودیم و خودمان تفنگ داشتیم و من در عین حالی که تقریباً اوائل شاید بلوغم بود، بچه بودم، دور این سنگرهائی که بسته بودند در محل ما و اینها می خواستند هجوم کنند و غارت کنند، آنجا رفتیم سنگرها را سرکشی می کردیم. اینها از چی ما را می ترسانند؟ ما بر ایمان مطرح نیست این امور، ما شیعه آنها هستیم که بچه های کوچکشان را فدا کردند برای اسلام، ما از چه بترسیم، مملکت اسلامی پیشمان مطرح است، هیچ چیزی مطرح نیست پیشمان جز اسلام، و یک ملتی فریاد می زنند، الله اکبر می گویند و جمهوری اسلامی را خواهند. ما پیشمان چیز دیگر مطرح نیست، ما نمی ترسیم از اینکه آمریکا توطئه کند یا فرض کنید تهدید کند ما را، ما از تهدید او ترسیم، ملت ما هم نمی ترسد، آن کسی می ترسد که این دنیا را دار قرار می داند، آنها که این را دار قرار نمی داند، دار قرار را جای دیگر می داند.

ملتی که می گوید من شهادت را استقبال می کنم، جوان هائی که می آیند، حالا هم می آیند پیش من بعضی می گویند که شما دعا کنید که ما شهید بشویم، مادرها می گویند دعا کنید که من یک جوان دادم این جوانم هم شهید بشود. یک همچو تحولی که در یک ملت پیدا شده از چه چیزی می ترسد این ملت، آقای کارتر ما را از چه چیز می خواهد بترساند. تفنگدارهای آنها، نظامی های آنها از چه چیز ما را می ترسانند، بفرستند هر کاری می خواهند بکنند، ببینند می شود یا نمی شود یک ملت بیداری را با آن حرف های بیهوده آنها و چیز اغفال کرد.

با بودن شاه در آمریکا و لانه جاسوسی در اینجا، مذاکره با آمریکا فایده ندارد

ما با کی ملاقات کنیم؟ با چه جمعیتی ملاقات کنیم؟ با آنهائی که اسم خودشان را بشر دوست گذاشتند لکن دوائی اگر چنانچه ببینند که بخواهند تجربه کنند که آیا ضرر دارد یا ندارد می فرستند در

طرف های ، همانطوری که شما، دکترهای شما وقتی که بخواهند امتحان کنند یک دوائی را به خرگوش می زنند با به موش می زنند، اینها به دنیای سوم می فرستند، ما با اینها می توانیم بنشینیم صحبت کنیم؟! ما با اینها می توانیم که ، مملکتی را که آنها اینطور ما را حساب می کنند، مثل خرگوش ما را حساب می کنند یا بدتر، امتحان دواهاشان را روی جوان های ما می کنند، ما با اینها چه صحبت بکنیم . آنها که شبکه جاسوسی در اینجا درست کردند، توطئه درست کردند، کردستان و امثال اینها را، اینها نقشه می کشند و راه می دهند، ما با اینها بنشینیم صحبت بکنیم ، چی چی صحبت بکنیم ؟ ایشان می خواهند چه صحبت بکنند؟ ما می گوئیم یک نفر آدمی که پنجاه و چند سال خودش ، پدرش در اینجا حکومت جائزانه برخلاف قوانین اسلام ، برخلاف میل ملت حکومت کردند و همه چیز ما را از بین بردند، بدهند دست ما، یک مطلب حقی است ما بگوئیم بدهید این جانی را که جوان های ما را کشته است ، این جانی که همه ذخایر ما را به رایگان داده است و خیانت و جنایت به ما کرده ، این را دست ما بدهید. چه می گوئید شما؟ خواهید بیائید بگوئید که باشد آنجا، یا می خواهید بیائید بگوئید که نه ، شما دیگر حالا ببخشید ایشان را؟ چه چیز می خواهید به ما بگوئید؟ می خواهید تحویل بدهید، خوب ، تحویل بدهید، دیگر گفتگو ندارد، حرف ندارد این ، خوب تحویل بدهید این جانی را، تحویل ما بدهید، لانه جاسوسی هم از اینجا بردارید، بنشینیم آنوقت دولت ما صحبت بکنند راجع به مسائل ارتباطاتی که معلوم نیست یک ارتباط صحیح هم باشد، لکن با همه ملت ها، ما با هیچ ملتی بد نیستیم ، اسلام آمده بود برای تمام ملل ، برای ناس (یا ایها الناس) ، اسلام برای همه است ، دلسوز برای بشر است ، ما هم تابع اسلامیم ، ما هم دلسوزیم برای بشر، ما با هر کس که با ما به طور انسانی رفتار کند ما با او دوستیم ، اما ما را حساب کنند، ما را از موش بدتر نکنند که دواهای خودشان را روی ما حساب کنند، روی ما امتحان کنند، ما را هم آدم حساب کنند آنها. اینهایی که دم می زنند از این طرف و از آن طرف ، فهمند این را که آنها به شما چه نظری دارند، آنها شما را چه می دانند. حیثیت ما از دست می رود، این حبسی ها، این شلاق ها حیثیت ما را، آقا، آنها برای ما چیزی قائل نیستند، آنها شما را موش دانند بدتر از موش می دانند، آنها از حیوانات می گویند حمایت می کنیم ، اما ما را آنطوری حساب می کنند. شما چه حیثیتی دارید، ما چه حیثیتی پیش اینها داریم ، ما چه صحبتی با اینها داریم ، چه چیز بنشینیم با اینها بگوئیم . آن کسی که لانه جاسوسی اش در ایران هست و آنطوری که اینها می گویند، می گویند اصلا عقل ماها نمی تواند برسد که اینکه اینها چه بساطی اینجا درست کردند برای توطئه ، کارشناس ها باید بروند آنجا تا بفهمند، تا چه اندازه هم بفهمند، من نمی دانم ، یکی شان که اینجا بود، آنجا آمده بود پیش من گفت ما یک چیزی پیدا کردیم به اندازه عدس ، این گیرنده و فرستنده است ، گفت اندازه عدس است . روابط، اینها با همه جا داشتند، مرکز جاسوسی شاید شرق بوده اینجا، اینجا را جای امنی برای خودشان درست کرده بودند، آقای آریا مهر اینجا را تقدیم کرده بود به اینها هر کاری بخواهند بکنند، مرکز جاسوسی همه جا بوده ، می گویند نه مخصوص به ایران بوده است ، برای همه جا، اینجا مرکزیت برای همه جا داشته است و مرکز توطئه برای همه جا بوده است . این مرکز را از اینجا کلکش را بکنند و آن خائن را هم دست ما

بدهند تا ما، جای این پیدا بشود که حالا ما بنشینیم یک صحبتی بکنیم. در زمان محمدرضا، آن اوائل نهضت دست و پا کردند که یک تفاهمی بشود، یک دفعه که آمدند پیش ما که می خواهیم که مثلا ملاقاتی، چیزی طرح بشود، من به ایشان گفتم که علم هستش، ما وارد مذاکره نمی شویم، شما اول علم را کنار بگذارید، بعد وارد مذاکره بشویم ببینیم چه بگوئیم. حالا هم تا این مرکز جاسوسی در اینجا پیاست و تا آن خائن را که آنجا بردند و آنجا هم یک مرکز جاسوسی دیگر می خواهند درست بکنند و یک مرکز، توطئه دیگر می خواهند درست بکنند، تا آن آنجاست و این اینجاست جای صحبت نیست. نه من صحبت می کنم نه کس دیگر، وقتی این دو تا از بین رفت آنوقت بنشینیم ببینیم باید چه بگوئیم، ببینیم که آیا رابطه ما، رابطه با یک مظلوم با یک ظالم، یا قلدر با یک مستضعف است، نه ما دیگر رابطه ای نداریم و اگر رابطه انسانی است، روابط انسانی با هیچ جا مانعی ندارد و ما با ملت ها خوب هستیم.

ملت باید در مقابل توطئه های مفسدین بیدار باشید

اینها با هر طریقی که شده است می خواهند که این نهضت را آلوده کنند. الان از قراری که شنیدم راجع به این جوان های پاکی که رفتند در این مراکز فساد، این جوان هائی که من نمی شناسم شان لکن از عمل معلوم است که عمل انسانی بوده، پاک بوده (اشخاصی هم که می شناسند می گویند که مسلم هستند) خوب، الان یک دسته ای از همین خرابکارها و همین هائی که سنگ ملت را به سینه می زنند دارند اینها را با توطئه خودشان می خواهند بد نام کنند اینها را توی ملت، بگویند باید این اسناد را بیاورند، همین امروز بیاورند اینجا والا خودشان چه جورند. آقا اسناد امریکاست، اسناد کسی است که ورزیده شده و در توطئه، مگر او، این را می شود آوردش آنجا و علنی گفت که یک همچو، مگر اینطوری نوشته اند آنجا که چه قضیه چیست، فلان حزب با ماست، فلان جمعیت با ما. اینطوری نیست، اینها را با حروف می نویسند، یک جا نمی نویسند، اسنادش را آنی که مهم بوده است در نظر آنها بعد از چهار پنج ساعت، آن چند ساعتی که اینها نتوانستند به آنها دستیابی کنند، از بین بردند، یک مقدارش هم که مجال نشده و به نظر آنها دیگر خیلی مهم نبود، باقی مانده. اینها مجال لازم دارد تا اینکه بشود کشفش کرد چه است، لکن معذک مفسده جوها شروع کردند به سمپاشی و می خواهند چهره این جوان ها و چهره نورانی این جوان ها را پیش ملت لکه دار کنند. ملت بیدار باشند، به این حرف مفت ها گوش نکنند، اینها عمال همان ها هستند، هر کسی راجع به اینها کار شکنی بخواهد بکند، می خواهند این لانه جاسوسی را از دست اینها بیرون بیاورند و اینها را پیش ملت لکه دار بکنند تا اینکه اربابانشان بتوانند باز تاخت و تاز بکنند. ملت بیدار باشد توجه داشته باشد، به این توطئه هائی که از طرف خود آنها دارد می شود و روابط هست بین شان و این افراد ناصالح، اینها می خواهند کاری بکنند که این جوان های پاکدل ما را، به آنها تهمت بزنند تا بین ملت یک تفرقه ای حاصل بشود و این محل برای آنها محفوظ باشد و آن آدم جانی هم به اینجا برنگردد. اینها الان در فکر این معنا هستند.

ملت ما باید بیدار

باشد، با بیداری راه برود معذک باید تشنج هیچ نباشد، آرامش باید باشد، اگر یک دسته ای آمدند گفتند که فلان سفارتخانه مثل این است ، هیچ گوش به آنها ندهید، همه سر جای خودشان آرام . ما الان تمام نقطه نظرمان این سفارتخانه است ، ملت ایران تمام توجهش به این سفارتخانه است ، ملت ایران تمام توجهش به این است که این خائن را از آمریکا بیرون بکشد و بیاورد اینجا. بله ، اگر این خائن به یک مملکت دیگر، به انگلستان هم رفته بود، ما با انگلستان همان را می کردیم که با این ، با آمریکا، اگر به فرانسه رفته بود همین طور. لکن آمریکا، آن که دشمنی اش از همه کس بر ما زیادت است و ما آنقدر صدمه که از آمریکا دیدیم از هیچ کس ندیدیم ، این اوست که دست به اینطور جنایات دارد می زند.

ملت راهش را پیدا کرده و بدون خوف از ابرقدرت ها آن راه را می رود

و ما هیچ خوفی در دلمان نیست راجع به اینکه این یک کاری بکنند، یک تروری بکنند، ترور را کسی از آن می ترسد که اینجا را جایگاه خیال کند و جا گرم بکند. کسی که میل دارد از اینجا برود پیش آنهایی که جهاد کردند و مردند و کشته شدند، دیگر ترس ندارد این حرف ها، ترور به جهنم . همین پیروز به من مکرر گفتند، نه ، همین پیروز، پیروز هم باز بعضی از آقایان آمدند که توطئه ای شده است در اینجا، گفتم خوب ، این هم جزء آنها باشد، جهنم . ملت ما دیگر احتیاجی به افراد ندارد، احتیاج به یک فردی مثل من ندارد. ملت ما همه شان الان راه خودشان را پیدا کردند و دارند می روند، من هم نباشم راه را می روند، شما هم نباشید راه را می روند. ملت ما اینطور شده دیگر خوفی در کار نیست تا ما را بترسانند از قدرت ها.

به جای قلمفرسایی و کارشکنی ، نیرویتان را صرف خدمت به مستضعفین کنید

باید همه ش ما و همه ما با چشم های باز، دل های روشن ، به این توطئه ها نظر بکنیم و این توطئه ها را بشکنیم و باز همه ما باید همان نیرو را صرف کنیم ، خدمت بکنیم ، آن هم اول خدمت به مستضعفین ، اول خدمت به زاغه نشین ها، اینهایی که ما مرهون آنها هستیم در پیشبرد این نهضت ، این طبقه ای که همه چیز، از همه چیز محرومند و شما الان گفتید که آب وقتی می خواستند ببرند، از چقدرها متر راه می بردند، شیلنگ می کشیدند و محله شیلنگ آباد شما گفتید که هست . برای اینها باید همه کار بکنند، همه دست به هم بدهند که خانه برای اینها درست بشود. چرا باید در زمستان یک عائله ای زیر چادر، خوب می دانید زیر چادر سرمای اینجا نمی تواند جوابش بدهد، اینها هیچ زندگی ندارند، ثروتمندها به داد اینها برسند، اینها نشینند آن طرف و بگویند که دولت بدهد، دولت هم باید بکند، همه باید انجام وظیفه بکنند، چرا نشستید تا همجنس ها، هم دین های شما، هم کشورهای شما در این زاغه ها زندگی بکنند، با آن وضع فلاکت بار زندگی می کنند، به داد اینها برسید آقا، نباید حالا مثل آنوقت باشد، یک دسته آن بالاها بنشینند و تفریح بکنند و پایشان را روی هم بیندازند و لم بدهند و مبل های گرانتیمت و بخرند به این جمعیت های زحمتکش و با قلم خودشان بر خلاف مسیر اینها و بر وفق خواست های

ابرقدرت ها قلمفرسائی کنند، نشینند این کار را بکنند، ما همه با هم باشیم ، مملکت از خودتان است ، همه بچه این مملکت هستید پس چرا یکی به آن طرف می کشد، یکی به این طرف می کشد. آقا چرا یک دسته تبلیغ آن طرفی ها را می کند، چپی ها را می کند، یک عده چیز راستی ها را می کند، مگر خودتان آدم نیستید، برای خودتان کار بکنید، برای این مملکت ، برای این ملت ، برای این بیچاره ها کار بکنید. کارشکنی لااقل نکنید، خوب ، بنشینید تو خانه مرفه تان و تفریحات خودتان را بکنید و عیاشی و هرزگی خودتان را بکنید، دیگر چرا کارشکنی می کنید.

خداوند انشاءالله همه ما را آدم بکند. قرآن برای آدم سازی آمده ، خدا ما را آشنا کند به قرآن کریم و به شما انشاءالله توفیق بدهد. از خدمت های شما من متشکرم ، اجرش با خداست . خدا با شماست و انشاءالله موفق و مؤید باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 167

مصاحبه خبرنگاران شبکه رادیو تلویزیون آلمان غربی با امام خمینی

سؤال: امام! شما که کوشش می کنید جامعه ای برقرار کنید که نمونه ارزش هائی باشد که در صدر اسلام دیده ایم، در زمان پیغمبر اسلام در مدینه و جامعه کوفه در زمان حضرت امیر دیده شده است، شما تصور می کنید که این ارزش ها که در آن جامعه بوده قابل انطباق با دنیای جدید قرن بیستم هست یا خیر؟ و چگونه؟

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم. ارزش ها در عالم در دو قسم است یک قسم ارزش های معنوی، از قبیل ارزش توحید و جهاد مربوط به الوهیت و از قبیل عدالت اجتماعی، حکومت عدل و رفتار عادلانه حکومت ها با ملت ها و بسط عدالت اجتماعی در بین ملت ها و امثال اینها که در صدر اسلام یا قبل از اسلام از آنوقتی که انبیا مبعوث شدند وجود داشته و قابل تغییر نیست. عدالت معنایی نیست که تغییر بکند، یک وقت صحیح و زمانی غیر صحیح باشد. ارزش های معنوی ارزش های همیشگی هستند که قبل از صنعتی شدن کشورها، ضمن و بعدا در آن نیز وجود داشته و دارد، عدالت ارتباطی به این امور ندارد. قسم دیگر اموری است مادی که به مقتضای زمان فرق می کند، در زمان سابق یک طور بوده است و بعد رو به ترقی رفته است تا به مرحله کنونی رسیده است و بعد از این هم بالاتر خواهد رفت. آنچه میزان حکومت و مربوط به اجتماع و سیاست است ارزش های معنوی است. در صدر اسلام در دو زمان، دو بار حکومت اصیل اسلام محقق شد، یک زمان رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) و دیگر وقتی که در کوفه علی ابن ابیطالب سلام الله علیه حکومت می کرد. در این دو مورد بود که ارزش های معنوی حکومت می کرد. یعنی یک حکومت عدل برقرار و حاکم ذره ای از قانون تخلف نمی کرد. حکومت در این دو زمان حکومت قانون بوده است و شاید دیگر هیچ وقت حاکمیت قانون را بدانگونه سراغ نداشته باشد حکومت که کم - ولی امرش (که حالا به سلطان یا رئیس جمهور تعبیرش می کنند) در مقابل قانون با پائین ترین فردی که در آنجا زندگی می کنند علی السوا باشد، در حکومت صدر اسلام این معنی بوده است. حتی قضیه ای از حضرت امیر در تاریخ است: در وقتی که حضرت امیر سلام الله علیه حاکم وقت و حکومتش از حجاز تا مصر و تا ایران و جاهای بسیاری دیگر بسط داشت، قضات هم از طرف خودش تعیین

می شد، در یک قضیه ای که ادعائی بود بین حضرت امیر و یک نفر یمنی که آن هم از اتباع همان مملکت بود قاضی حضرت امیر را خواست، در صورتی که قاضی دست نشانده خود او بود، و حضرت امیر بر قاضی وارد شد و قاضی خواست به او احترام بگذارد، امام فرمود که در قضا به یک فرد احترام نکنید، باید من و او علی السواء باشیم، و بعد هم که قاضی برضد حضرت امیر حکم کرد، با روی گشاده قبول کرد.

این حکومتی است که در مقابل قانون همگی علی السواء حاضرند، برای اینکه قانون اسلام قانون الهی است و همه در مقابل خدای تبارک و تعالی حاضرند، چه حاکم، چه محکوم، چه پیغمبر و چه امام و چه سایر مردم. ما حالا آرزوی این را داریم که حکومت ما شباهتی به حکومت صدر اسلام پیدا کند و اینطور نیست که همچو قدرتی داشته باشیم که بتوانیم همه محتوای حکومت اسلام را بلافاصله پیاده کنیم، خصوصاً که ما در زمانی زندگی می کنیم که اقلاً پنجاه و چند سال این مملکت محتوایش تغییر کرده است و همه چیزش منحنط و غیر اسلامی شده است. اگر بخواهیم تمام مغزهای فاسد شده را به مغزهای اسلامی و صالح برگردانیم، مدتی طولانی وقت لازم دارد اگر خدا بخواهد می شود و اگر نخواهد باید این آرزو را به گور ببریم.

سوال: امام! در کردستان فعالیت های نظامی یک مقداری شدید شده، چه راه حلی را در کردستان می بینید و به بحران کردستان چگونه می نگرید؟

جواب: کردستان قضیه ای نیست که بین ما و دولت ما و بین کردها باشد. کردها یا غیر کردها و همه طوائفی که در ایران زندگی می کنند همگی در مقابل قانون علی السواء هستند، در مقابل دولت علی السواء هستند. هیچ فرقی بین کرد و ترک و لر و غیره نیست. ما حکومت اسلامی داریم می گوئیم. حکومت اسلامی همان است که در صدر اسلام بوده است که همه طوائف در مقابل قانون علی السواء بودند. ما الان می خواهیم یک همچو معنائی را متحقق بکنیم که تمام طوائف علی السواء باشند. ما با کرد هیچ اختلافی نداریم، کردها هم با ما اختلافی ندارند. اینها که قضیه کردستان را ایجاد کردند دسته ای هستند که از خارج ارتزاق می شوند و الهام می گیرند که از این طرف یا از آن طرف، اکثراً از آمریکا، چنانکه بعضی نوشتجات هم که اخیراً به دست آورده اند موید آن است و معلوم شده که در قضایای خرمشهر و خوزستان و قضایای کردستان آمریکا دست داشته است، این مطلبی است که آنها پیش آوردند. ما گرفتار اجانب هستیم همانطور که تا حالا بودیم. مساله ای بین ما و کردها نیست که محتاج به حل باشد. مساله ما و کردها همان مساله ای است که بین ما و فارس ها است. فارس ها هم از ما می خواهند که امور شهرشان را خودشان اداره کنند و هیأتی را برای امور شهرشان تعیین

کنند که آباد بشود و برق و اسفالت و همه چیزشان درست بشود. این همان چیزی است که کردها، لرها و ترک ها هم می خواهند، فرقی بین آنها نیست. اگر نبود که ما برای خاطر کردها و زن و بچه های هموطنان خودمان فکر نمی کردیم، قضیه کردستان پیش ما چیزی نبود که راه حلی لازم داشته باشد راه حل نظامی اش درست انجام می شد بلکه اگر نظامی ها هم دخالت نمی کردند، خود افراد مملکت ایران می رفتند. مکررا از ما خواستند که بروند، عشایر و کسان دیگر خواستند که برای اصلاح کارها به آنجا بروند و این کارها را اصلاح بکنند، لکن ما نمی خواهیم برادرکشی بشود. ما امیدواریم با توجه به کاری که رفتند کردستان، قضیه با حسن تفاهم حل بشود و خود جمعیت کرد اشخاص خرابکار را کنار بگذارند تا تمام جهات حاصل بشود.

سوال: در اروپا تحرکی جدید به چشم می خورد و آن یک تحرک مذهبی است که این تحرک وجود نداشته، عموماً پیروان کاتولیک یعنی کسانی که به کاتولیک اعتقاد داشتند بوجود آوردند. این تحرک را چگونه ارزیابی می کنید و نظرتان در مورد پاپ چگونه است؟

جواب: آن تحرک مذهبی از این است که مردم از این پیشروی مادی سر خورده اند و دیدند که تمام این پیشرفت هائی که شده است چیزهائی نیست که برای بشر آرامش بیاورد بلکه زندگی آنها را بیشتر تباه کرده است، بیشتر این صنف ها به ضرر بشر بوده تا به نفع بشر. و آن چیزی که بشر طالب است این است که به روحش آرامش بدهد و آن چیزی که آرامش می آورد مذهب است از این جهت ممکن است که جاهای دیگر این احساس را کرده باشند، چنانچه ممالک ما این احساس را دارند که تنها در سایه مذهب است که بشر به آن آرامش روحی مطلوب می رسد چرا که در امور مادی این آرامش نیست، یک تحرکاتی است که منافی با آن آرامش است که بشر طالب است.

سوال: در خواست های شما نابودی کشور اسرائیل است، اگر این منجر به نابودی اسرائیل شود و فلسطینی ها پیروز گردند، یهودیان چه سرنوشتی خواهند داشت؟

جواب: یهودی ها حسابشان از صهیونیست ها جداست. اگر چنانچه مسلمین بر صهیونیست ها غلبه پیدا بکنند، همان حالی را پیدا می کنند که شاه مخلوع پیدا کرد و اما با یهودی ها کاری ندارند، ملتی هستند مثل سایر ملل زندگی آنها انجام می گیرد و تصرفی به آنها نیست.

سوال: حضرت امام! رابطه بین واشنگتن و تهران در حال حاضر خیلی بحرانی است و در حال مهیبی

است (بخصوص بعد از اشغال سفارت امریکا توسط دانشجویان) به نظر شما این روابط چگونه باید باشد و با نظر به موقعیت شخص شما چیست؟

جواب: نظر من این است که تمام این بحران‌ها را آمریکا ایجاد می‌کند. مسلمین و ملت ما به حسب نظر اولیائشان، مابین ملت‌ها هیچ فرقی نمی‌گذارند، به این معنا که بخواهند با یکی عدالت و با یکی بی‌عدالتی بکنند، لکن آمریکاست که نمی‌گذارد این آرامش پیدا بشود. آمریکا، آن کسی که پنجاه سال به این مملکت خیانت کرد و به امر او جوان‌های ما دستجمعی در خیابان‌ها کشته شدند و علما و روشنفکران ما به حبس رفتند، کشته شدند، آواره شدند، تبعید شدند، یک همچو موجودی را که تمام ملت ما با او دشمن است آمریکا برد و در منزل خودش در جایی که برای او مأمون درست کرده و نگاه می‌دارد و او و عائله‌اش را احترام می‌کند و با جوان‌های ما که در آنجا اعتراض می‌کنند با خشونت رفتار می‌کنند، واکنش این اعمال است که ملت بریزند و این کار را انجام بدهند و مسوولیت آن از خود آمریکاست و سفارتی که در ایران است یک توطئه‌هائی بود که حالا کشف شده است و با وجود این توطئه‌ها نمی‌شود گفت که ملت بنشینند و نگاه کنند و آنها هر کاری که می‌خواهند بکنند. از این جهت خود آمریکا منشأ این امور است، منشأ کارهائی که انجام گرفته است می‌باشد و در مقابل آن کارهای ناحقی است که آمریکا ظرف چندین سال با ما کرده است و ما دیگر نمی‌توانیم کارهائی که آنها می‌خواهند انجام بدهند تحمل کنیم، از این جهت باید آمریکا بفهمد که دیگر وقت آن ظلم‌ها گذشته است و باید حساب کار خودش را بکند و اگر ما دیدیم که بیشتر از این می‌خواهد جلو برود، ما هم کارهائی داریم که با ضرر آمریکا تمام خواهد شد.

سوال: امام! خیلی از شما متشکر هستیم. در حال حاضر نفتی که صادر می‌شود مقدار صدورش نسبت به سال‌های گذشته کمتر است، آیا این وضع ثابت خواهد ماند، یا پائین‌تر خواهد رفت؟ یا بالاتر خواهد رفت؟

جواب: این تابع صلاح‌دید دولت است. دولت هر طور صلاح بدانند و هر چه مصلحت مملکت باشد انجام می‌دهد. اگر مصلحت مملکت‌شان در پائین‌تر صادر کردن باشد، پائین‌تر می‌آید و اگر بالاتر برود، بالاتر می‌رود.

فرمان امام خمینی به دادستان کل انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای دادستان کل انقلاب اسلامی ایران به مناسبت حلول عید سعید غدیر مبدأ نصب امامت امت ، تمام کسانی که در دادگاه های انقلابی جرم های آنان طوری بوده که کمتر از دو سال محکوم به حبس شده اند مورد عفو قرار گیرند. دستور دهید به پرونده های آنان به اسرع وقت رسیدگی و آنان را آزاد کنند. لازم است به شکرانه این نعمت از خطاهای خود در پیشگاه خداوند متعال توبه کنند.

روح الله الموسوی الخمينی .

بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن تبلیغات فرهنگ اسلامی و جمعیت شیر و خورشید (سابق) خرم آباد

عید غدیر روز نصب علی (علیه السلام) شخصیت والای تربیت یافته دامان پیامبر برای امامت

بسم الله الرحمن الرحيم

من عید سعید را به همه مسلمین و بر ملت شریف ایران ، به شما آقایان تبریک عرض می کنم ، عیدی که در آن امامت ثبت شد و پیغمبر اسلام امام را برای امامت امت نصب کرد ، چه شخصی را ، چه شخصیتی را . شخصیت این مرد بزرگ که امام امت شد ، شخصیتی است که در اسلام و قبل از اسلام و بعدها هم کسی مثل او نمی تواند سراغ کند . یک موجودی که امور متضاده را در خودش جمع کرده . کسی که جنگجوست اهل عبادت نمی شود ، کسی که قوه بازو می خواهد داشته باشد اهل زهد نمی تواند باشد ، کسی که شمشیر می کشد و اشخاصی را که منحرفند درو می کند ، این نمی تواند که عاطفه و اهل عاطفه آنطور که این شخص داشت ، باشد . این شخصیت بزرگ امور متضاده را در خودش جمع کرده ، در عین حالی که روزها روزه ، و شب به عبادت مشغول و گفته شده است که شبی هزار مرتبه نماز می خواند و در عین حالی که غذای او آنطوری که در تاریخ ثبت شده است از نان و سرکه و فوفش زیت یا نمک بیرون نبوده است ، در عین حال قدرت بدنی ، آنطور قدرت است که ، آنطوری که در تاریخ است ، آن دری را که از خیبر ایشان کنده است و چندین زراع دور انداخته است ، چهل نفر نمی توانستند بلندش کنند .

در شمشیرزنی ، شمشیرهایش آنطور بوده است که با یک ضربه از این طرف که می زده دو نیم می کرده است ، از این طرف می زده دو نیم می کرده ، در صورتی که آنهایی که ضربه را می خوردند خود آهنی داشتند ، زره آهنی داشتند و گاهی هم دو تا زره به تنشان می کردند . آدمی که با نان و سرکه زندگی می کرده و بسیاری از روزها را روزه می گرفته است و افطار را با چند لقمه نان و نمک یا نان و سرکه افطار می کرده است ، جمع کرده است مابین آن زهد و این قوت بازو و این جمع بین دو امر متضاد است . آدمی که جنگجوست به آنطور که جنگجویان بزرگ را ، دلاوران بزرگ را به هزیمت وا می دارد و می فرماید اگر تمام عرب یک طرف باشند به من هجوم کنند ، من پشت نمی کنم ، این آدم در عطف آنطور است که وقتی یک خلخال از پای یک زن یهودی ربوده اند می فرماید که مرگ برای انسان آسان است (قریب به این) آدمی که در عرفان و علم ماورأ طبیعت آنطور است که نهج البلاغه حکایت

می کند از مقام عرفانش ، در عین حال شمشیر می کشد و کفار و اخلاالگران را از دم شمشیر می گذراند. ما شیعه همچو اعجوبه معجزه آسا هستیم .

تداوم رسالت پیامبر و ائمه هدی در سایه ولایت فقیه

من می گویم اگر چنانچه پیغمبر اسلام صلی الله علیه و اله و سلم غیر از این موجود تربیت نکرده بود، کافی بود برایش . اگر چنانچه پیغمبر اسلام مبعوث شده بود برای اینکه یک همچو موجودی را تحویل جامعه بدهد، این کافی بود. یک همچو موجودی که هیچ سراغ ندارد کسی و بعدها هم سراغ ندارد کسی ، امروز روز نصب اوست به امامت امت . یک همچو موجودی امام امت است ، البته کس دیگر به پای او نخواهد رسید و بعد از رسول اکرم کسی افضل از او در هیچ معنائی نیست و نخواهد بود. لکن در مراتب بعد هم که باید این امت هدایت بشود، پیغمبر اکرم که از دنیا می خواست تشریف ببرد، تعیین جانشین و جانشین ها را تا زمان غیبت کرد و همان جانشین ها تعیین امام امت را هم کردند، به طور کلی این امت را به خود وانگذاشتند که متحیر باشند، برای آنها امام تعیین کردند، رهبر تعیین کردند. تا ائمه هدی سلام الله علیهم بودند، آنها بودند و بعد فقها، آنهائی که متعهدند، آنهائی که اسلام شناسند، آنهائی که زهد دارند، زاهدند، آنهائی که اعراض از دنیا دارند، آنهائی که توجه به زرق و برق دنیا ندارند، آنهائی که دلسوز برای ملت ، آنهائی که ملت را مثل فرزندان خودشان می دانند، آنها را تعیین کردند برای پاسداری از این امت .

ولایت فقیه حاکمیت قانون الهی است ، نه دیکتاتوری

مع الاسف اشخاصی که اطلاع ندارند بر وضعیت برنامه های اسلام ، گمان می کنند که اگر چنانچه ولایت فقیه در قانون اساسی بگذرد، این اسباب دیکتاتوری می شود، در صورتی که ولایت فقیه است که جلو دیکتاتوری را می گیرد. اگر ولایت فقیه نباشد، دیکتاتوری می شود. آن که جلوگیری می کند از اینکه رئیس جمهور دیکتاتوری نکند، آن که جلو می گیرد از اینکه رئیس ارتش دیکتاتوری نکند، رئیس ژاندارمری دیکتاتوری نکند، رئیس شهربانی دیکتاتوری نکند، نخست وزیر دیکتاتوری نکند، آن فقیه است .

آن فقیهیی که برای امت تعیین شده است و امام امت قرار داده شده است ، آن است که می خواهد این دیکتاتوری ها را بشکند و همه را به زیر بیرق اسلام و حکومت قانون بیاورد. اسلام ، حکومتش حکومت قانون است ، یعنی قانون الهی ، قانون قرآن و سنت است و حکومت ، حکومت تابع قانون است ، یعنی خود پیغمبر هم تابع قانون ، خود امیرالمومنین هم تابع قانون ، تخلف از قانون یک قدم نمی کردند و نمی توانستند بکنند.

خدای تبارک و تعالی می فرماید که اگر چنانچه یک تخلفی بکنی ، یک چیزی را به من نسبت بدهی ، تو را اخذ می کنم ، و تینت را قطع می کنم . اسلام دیکتاتوری ندارد، اسلام همه اش روی قوانین

است و آن کسانی که پاسدار اسلامند اگر بخواهند دیکتاتوری کنند، از پاسداری ساقط می شوند به حسب حکم اسلام .

نترسانند مردم را از این قانون اساسی که تصویب کردند عده کثیری ، عده ای از علماً اسلام و دانشمندان . شماها را اغفال نکنند به اینکه بگویند که این قانون دموکراسی نیست ، ما اسلام را هم دموکراسی نمی دانیم . شما را اغفال نکنند اینها، که قانون اساسی برای چند هفته ، یک هفته ، دو هفته دیگر به آراء عمومی گذاشته می شود. شما را سرد نکنند از اینکه نروید رای بدهید. بروید رای بدهید. بعد می خوانند برای شما، قانون را منتشرکنند، مختارید در رای دادن ، می خواهید قبول می کنید، نمی خواهید رد می کنید، اگر رد کردید باز درست تر نوشته می شود و اگر قبول کردید، رای بدهید به آن . بی تفاوت نباشید نسبت به آن چیزی که سرنوشت شما به او وابسته است ، اسلام شما به او بسته است . امروز آن چیزی که باید مطرح بشود، آن مسائل اساسی است ، مساله قانون اساسی است ، مساله رئیس جمهور است ، مساله شورا است . باید شما این مطلب را توجه به آن داشته باشید، منحرف از این به هیچ وجه نشوید.

شما پنجاه سال یا بیشتر دندان روی جگر گذاشتید برای این نابسامانی ها، دو ماه دیگر دندان روی جگر بگذارید. این حرف ها که منتشر می کنند در اطراف که فلان جا فلان قضیه واقع شده است ، آسفالت نشده است ، بیمارستان نداریم ، طبیب صحیح نداریم ، کشاورزیمان کذاست ، تمام اینها برای این است که شماها را مایوس کنند از این مسائلی که در اول است و ما باید اول آنها را درست کنیم و بعد سراغ کارهای دیگر. شما را از این منحرف کنند و متوجه کنند به آن مسائل فرعی ، نظیر این می ماند که زلزله آمده باشد و اشخاصی را فرو گرفته باشد و باید همه برویم سراغ نجات آنها، یک دسته بیفتند بگویند آب ما کم است یا زراعت ما کم است و شما را از آن راه باز دارند. الان مملکت یک وضعی دارد که این شیطنت های اطراف ، دست های مختلف درصددند که راه را منحرف کنند و نگذارند که این قانون اساسی بگذرد و دنبالش هم نگذارند که مجلس شورا درست بشود و ریاست جمهوری و این مملکت متزلزل باشد و آنها توطئه بکنند و شما اغفال بشوید، شماها به راه های دیگر، راه های صحیح اما راه های دست دوم . تمامی مطالبی که شما گفتید صحیح است ، نه منطقه شما، همه مناطق اینطوری است . یک مملکتی که پنجاه سال کوشش کردند برای اینکه هم جوان های ما را عقب نگه دارند و هم فاسد کنند و هم مملکت ما را به هم بریزند، یک همچو مملکتی خیال نکنید که فقط خرم آبادش اینطور است ، شما خرم آبادش را می بینید، کردستانش هم اینطور است ، کردستانی هم همین حرف شما را می زند، خوزستانی ها هم همین حرف شما را می زنند، خراسانی ها هم همین حرف شما را می زنند، این زاغه نشینان اطراف تهران هم همین حرف شما را می زنند که از شما زندگی شان بسیار بدتر است ، لکن مسائل ، این مسائل ، مسائل دست دوم است . یک مملکتی الان در معرض این است که این اشخاصی که افتادند توی جمعیت ها و دارند افساد می کنند، در معرض این است که نگذارند این نهضت به آخر برسد یا لااقل معطلش کنند.

با قدرت پیش بروید، این مسائل دست اول را نظر کنید و با قوت و قدرت پیش ببرید و مطلب به آخر برسانید. وقتی که اصول مطلب تمام شد، این بیمار محتاج به معالجه است، لکن باید اول حیاتش را حفظ کرد، بعد بیماریش را معالجه کرد. مملکت ما یک مملکتی است که پنجاه سال کوشش شده است که بیمار و بیمارترش کنند، لکن یک مسائل رؤوسی است که اگر به او رسیدگی نشود، این مریض می میرد و یک مسائل دست دوم است که بعد از اینکه حفظ حیات او شد، آنوقت کوشش کنیم برای رفع بیماری ها، رفع نابسامانی ها من به شما عرض می کنم که تمام این مسائل که شما طرح می کنید صحیح است، لکن مسائل دست دوم است. فرهنگ باید بازسازی بشود، تصفیه بشود، ادارات باید تصفیه بشوند، همه اینها باید بشود، کشاورزی باید تقویت بشود که ما محتاج نباشیم به اینکه از دشمن های خودمان چیزی طلب کنیم، فرهنگ درست بشود، دانشگاه ما باید درست بشود که ما راجع به همه امور خودکفا بشویم، لکن آنها برنامه های دراز مدت است که باید با طول مدت این انجام بگیرد. این چیزی که الان محل بحث ما هست و مورد احتیاج همه ما هست، این امری است که در راس امور واقع شده است، این امری است که اساس مملکت شماسست و او این است که بروید تمام افراد خودتان را، تمام ملت را آشنا کنید به اینکه قانون اساسی را باید به آن رای بدهید و ملاحظه کنید، رای بدهید، البته آزادید هر رای دلتان می خواهد بدهید اما بی تفاوت نباشید نسبت به سرنوشت مملکت خودتان، نسبت به اسلام، نسبت به ملت، نسبت به کشور بی تفاوت نباشید، گوش نکنید به این حرف اینها که قانون اساسی خوب نشده و محتوایش چه است. اینها تمام در نظر دارند که نگذارند که شما رای بدهید به قانون اساسی و شما را بی تفاوت یا بدبین کنند. اینها آنهایی هستند که طرز فکرشان این است که اسلام اصلا عقب افتاده است. اینها طرز فکرشان این است که، عده زیادیشان هم هستند که اجیرند، اجرت می گیرند برای اینطور کارها، برای اینکه بنویسند، برای اینکه بگویند، برای اینکه بروند اطراف و شلوغکاری کنند، تمام مطلبشان این است که شما دیدید که در رفتارند راجع به جمهوری اسلامی کارشکنی می کردند که رای داده نشود، بعضی صندوق ها را سوزاندند و بعضی جاها را با تفنگ جلوگیری کردند که رای ندهند مردم. بعد از آنکه آنجا شکست خوردند، دنبال این رفتند که مردم رای ندهند راجع به وکلائی که، خبرگانی که می خواهند ملاحظه کنند، دستشان از آن کوتاه شد، دنبال این هستند که مردم رای ندهند برای قانون اساسی، اینها همان مردمی اند که با اساس مخالفند و شما اشخاصی هستید که بچه هایتان را، جوان هایتان را دادید برای اینکه اسلام را زنده بکنید، شما تابع امیرالمومنین اید، شما جوان هاتان را دادید برای اینکه اسلام را زنده بکنید، نه تابع مکتب های انحرافی که اصل این مسائل را کار ندارند و کاری با آن ندارند.

باید همه ما در این زمانی که احتیاج دارد اسلام به شما جوان ها، پیغمبر اکرم به شما الان احتیاج دارد، شما الان رفع کنید این احتیاجش را. احتیاج این است که بی تفاوت نباشید نسبت به مملکت تان. احتیاج این است که قانون اساسی، اساس مملکت شماسست، بی تفاوت نباشید که بروید سراغ کارتان بنشینید که فرض کنید که می خواهم یک خیاطی بکنم، می خواهم یک کار دیگری بکنم، سرنوشت

مملکت شماسه ، سرنوشت مذهب شماسه ، سرنوشت کشور شماسه ، سرنوشت ملت شماسه ، بی تفاوت نباشید.

باید همه شما دست به دست هم بدهید، همانطوری که تا حالا با اتحاد کلمه و با دست به دست دادن به هم تا اینجا رساندید و دشمن های خودتان را کنار زدید و این مفسده جوها را بیرون کردید، از حالا به بعد هم با وحدت کلمه دست به دست بدهید و این بار را انشاءالله به منزل برسانید. خداوند انشاءالله همه شما را تأیید کند. من دعاگوی شما هستم . من صلاح حال شما را می خواهم و صلاح دین و دنیای شما این است که در این برهه از زمان که مسائل اصلی در کار است ، راجع به مسائل دیگر که حق است با شما. ولی وقتش یک قدری زود است ، در یک وقتی است که مفسده جوها می خواهند نگذارند کارها انجام بگیرد، یک قدری آنجا را باید مهلت بدهید و همه در فکر این مطلب هستند و انشاءالله موفق و مؤید باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 177

بیانات امام خمینی در دیدار با نماینده پاپیل ششم**موضع گیری سازشکارانه پاپ در برابر جنایات آمریکا**

بسم الله الرحمن الرحيم

من اگر در این موقع حساس، مقامات دیگر تقاضای ملاقات کرده بودند برای این موضوع نمی پذیرفتم لکن مقام روحانیت ملت مسیح و پاپ اعظم احترامی دارند که ما پذیرفتیم و اتفاقا خوشحال هم شدم از اینکه ایشان پیام فرستاده اند تا من مطلبی که باید به ایشان تذکر بدهم، تذکر بدهم. من و ملت ما، بلکه ملت های مستضعف جهان اعم از مسلمین و نصاری و غیر آنها، یک نقطه ابهام پیش ماست که من میل دارم این نقطه ابهام را تذکر بدهم. گوش 35 میلیون جمعیت ایران که 50 سال است در زیر یوغ استعمار و فشار خصوص آمریکا و اخیرا فشار خصوص آقای کارتر هستند و گوش میلیون ها جمعیت مستضعف، انتظار نوازشی از مقام روحانیت پاپ داشت نوازش پدرانه ای که لااقل استفسار از حال این مستضعفین باشد و نسبت به مستکبرینی که به اینها ظلم شده است و در زیر فشار ظلم بودند، هشیاری داده شده باشد، میانجیگری شده باشد بین ملت های مستضعف و آن ابرقدرت ها که خودشان را مسیحی معرفی می کنند. و گوش، همچو ندای روحانی را نشنیده است تا حالا. چه شده است که ما 50 سال کشته دادیم، کشته های دستجمعی، در حبس بودیم، حبس های غیر انسانی که بهترین افراد این ملت را در آنجا شکنجه های غیر انسانی می دادند و یک میانجیگری در کار نبود و آقای پاپ اعظم به فکر این نیفتادند که از این ملت مستضعف پشتیبانی کنند یا لااقل میانجیگری کنند که ایشان دست از سر این مستضعفین بردارند. چه شد که امروز که ملت ما، جوان های ما که سال های طولانی تحت فشار و تحت رنج بودند، رفته اند و این چند نفری که در آن لانه جاسوسی بسر می بردند و عامل توطئه و جاسوسی بر ضد ملت ما بودند بلکه بر ضد منطقه و قرائن و شواهد بر این امر زیاد است و بزرگتر شاهد اینکه تمام پرونده ها و چیزهایی که در آنجا بوده است تا توانستند آنها را بدل به یک پودری کردند که قابل استفاده دیگر نیست. اگر اینها یک مسائل سفارتی بوده است احتیاج به این کار نبود، اگر یک مسائلی بود که مربوط به توطئه هایی که بر ضد ملت ماست نبود، این محتاج به این عمل نبود. حالا که این توطئه به ملت ما ثابت شده است و این عملی که این جوان های ما انجام داده اند، تمام ملت، تمام قشرهای ملت، الا بعضی منحرفین، در اینجا و در سایر ممالک دیگر از آن پشتیبانی کردند و این خواست تمام ملت ما بوده است، نه یک خواست از روی هوای نفسانی، بلکه یک خواست انسانی

بوده است که توطئه ها معلوم بشود، توطئه هایی که بر ضد بشر است، بر ضد کشورهای ماست و بالخصوص بر ضد ایران است معلوم بشود و این حق از برای ملت ما هست، سفارتخانه ها حق قانونی ندارند که جاسوسی بکنند یا توطئه و این مرکز به حسب آنطوری که کارشناس ها تاکنون توانسته اند بفهمند مرکز جاسوسی و مرکز توطئه بوده است. چه شد که در این وقت آقای پاپ اعظم به فکر این افتادند که ما برای حس انساندوستی و ایشان برای حس انساندوستی به فکر افتادند که اینها را باهاشان رفتار خوب بکنند و آزادشان بکنند؟ اما رفتار خوب، اسلام با دشمن های خودش هم رفتار خوب می کند و با اینها هم، این جوان ها که اسلامی هستند تا آنقدر که من شنیده ام رفتارشان، رفتار انسانی بوده است و نباید هیچ نگرانی از این باب داشته باشند.

جنایات و خیانت های رژیم پهلوی قابل شمارش نیست

و اما راجع به رهایی اینها، باید ما ببینیم که ما چه می خواهیم و ملت ما چه می خواهد. آن چیزی که ملت ما می خواهد آیا یک امر غیر مشروع است یا یک امر انسانی است؟ آیا بشر دوستی وادار کرده است این جوان های ما را که بروند و این مرکز را بگیرند و نگذارند توطئه به ثمر برسد یا خلاف این بشر دوستی است؟ آن چیزی که ملت ما می خواهد این است که این ملت از این آدم که الان در آمریکا هست 37 سال تقریباً رنج دیده است، 37 سال این به ملت ما خیانت کرده است و 37 سال ذخائر ما را به باد فنا داده است و 37 سال جوان های ما در تحت سلطه اینها زندگی انسانی نداشتند و 37 سال اختناق همه جانبه بر این مملکت و بر این ملت از طرف ایشان حکمفرما بوده است و با دست خود ایشان، به طوری که اشخاص نقل می کنند و با مباشرت در پانزده خرداد عده کثیری را به قتل رسانده است و با امرا و از پانزده خرداد تاکنون ما شاید بیش از صد هزار نفر مقتول و صدها هزار نفر مجروح و معلول داریم. این ملت با اینهمه رنجی که کشیده است، حالا می خواهد که این جانی برگردد و محاکمه به طور عدالت بشود، محاکمه بشود، اگر محکوم شد که اموال ما را برده است، از او بگیرند. الان اموالی که از مملکت ما به دست ایشان و کسانی که مربوط به ایشان است، بانک های خارج را از امریکا گرفته تا ممالک غربی پر کرده است، در صورتی که من خودم می دانم و ملت ما هم آن که به سن من است مشاهده کرده است و آن که نیست، شنیده است و تاریخ برای او گفته است، دیگران برای او گفته اند که پدر ایشان وقتی که کودتا کرد هیچ نداشت، یک سرباز بود صفرالید وقتی که سلطه پیدا کرد بر این مملکت شروع کرد املاک مردم را به زور از آنها گرفتن. شمال مملکت ما، مازندران، بهترین املاک سر سبز ما با فشارهای او و عمال او به قباله او به زور در آمده اند و بسیاری از کسانی که مالک بودند یا از روحانینی که در این امر یک نظری می دادند اینها را می گرفتند و به حبس می بردند و گاهی می کشتند و در زمان خود رضاشاه قتل عام مسجد گوهرشاد را من به خاطر دارم و کسانی که به سن من هستند به خاطر دارند که در مسجد و معبد مسلمین که مرکز اقامه نماز بود، عبادت خدا بود، اینها ریختند و یک عده از مظلومین که برای دادخواهی آنجا مجتمع شده بودند، قتل عام کردند و از بین

بردند. وقتی که او از ایران بیرون رفت یعنی بیرونش کردند، جواهرات ایران را هر چه توانست در چمدان های زیاد ریخت و از اینجا برد و در بین دریا انگلیسی ها از او گرفتند و بردند و خوردند. تا زمان او به سر رسید و نوبت به پسر رسید که همین پسر جانی را متفقین به ملت ما تحمیل کردند، در صورتی که ملت ما آن چیزهایی که از پدر دیده بود، هیچ راضی به این نبود که پسر او را بپذیرد لکن تحمیل کردند به ملت ما و این تحمیل اسباب این شد که هر چه آنها (برای خاطر اینکه او را به سلطنت رساندند) هر چه آنها بخواهند، این دست بسته و چشم بسته در اختیار آنها بگذارد. در طول مدتی که این سلطنت داشت ما اگر بخواهیم بشماریم اصول خیانت هایی که به ما کرده است، طولانی است و ما وقت اینکه بشماریم، نداریم لکن از نمونه هایی که به اسم خدمت به کشور ما ایشان انجام داده است، این ماموریت بوده است که در از آن نقتی که از مملکت ما برای آمریکا خارج می شده است، اسلحه می گرفتند، مهمات می گرفتند، در صورتی که آن اسلحه و مهمات برای خودشان و برای پایگاه های خودشان بود و این آدم نفت ما را داد و برای آنها پایگاه درست کرد به اسم پول نفت و در این چند سال اخیر و ده سال، پانزده سال اخیر آنقدر این جنایت کرد و آنقدر جوان های ما را کشت و آنقدر حبس های آنها پر بود از جوان های ما که نمی توانیم بشماریم.

آقای پاپ باید کارتر را استیضاح کند

ما میل داشتیم که در طول این مدت یکی از مقامات روحانی خارج و خصوص روحانی بزرگ نصاری یک تفقدی به حال این ملت ضعیف شده باشد. من نمی توانم باور کنم که واتیکان بیخبر بوده است از این مسائل و نمی دانم این نقطه ابهام را چه بکنم. اگر ملت ما از من پرسید که روحانیت مسیح موافق است با این جنایاتی که اینها کردند من چه جواب به اینها بدهم؟ روحانیت مسیح که می داند که قرآن کریم به طرفداری از مسیح و طرفداری از صدیقه طاهره مریم برخاست و آن چیزی که به خلاف واقع نسبت به آن طاهره مطهره می دادند، تکذیب کرد و با صراحت تکذیب کرد و اینطور طرفداری از عیسی مسیح کرد و باز طرفداری از علمای نصاری، رهبانان و قسسین نصاری در قرآن طرفداری شده است، در عین حالی که اسلام طرفداری از مسیح و علمای مسیح کرده است در قرآن، ما میل داشتیم که گوش ما را یک وقت هم نغمه امثال آقای پاپ نوازش بدهد و استفسار کند که این ملت چرا به اینطور می گذراند و از کارتر پرسد، استیضاح کند که چرا یک همچو آدمی را شما مسلط کردید بر این ملت و الان هم پرسد از کارتر که چرا یک نفری که سی و چند سال جنایت کرده است، خیانت کرده است و جنایات و خیانات او مشهود است، چرا بردید آنجا و نگه داشتید و باز در آنجا هم می خواهید توطئه بکنید.

ما از دست و پا کردن کارتر هیچ تعجب نداریم برای اینکه او مردی است که سیاسی و نه به معنای سیاست سالم، به معنای سیاستی که در نظر امثال کارتر است، به هر طور که شده است برای منافع خودش، برای منافع شخصی یا منافع به توهم اینکه منافع ملتش هست دست به هر جنایتی بزند و هر

دست پایی که دارد بکند برای اینکه این اشخاصی که الان پیش این جوان های ما هستند و ممکن است از آنها یک مسائلی بعدها کشف شود، مبادا کشف بشود. او باید این کار را بکند، لکن آقای پاپ چرا؟ ایشان چرا این کار را انجام می دهند و واسطه می شوند ما بین یک ملت مظلوم که می خواهد یک مقداری از مظلومه هایی که بر او شده است کشف کند و به مردم، به مستضعفین بفهماند که راه ظلم اینها چه است و از چه راه اینها ظلم می کنند و یک ظالم و یک کسی که توطئه گر است، ما اگر چنانچه می توانستیم در یک کشور دیگری این را محاکمه کنیم یعنی وسایل اینکه جنایات او را ما همه اش را در محکمه ببریم، اگر می توانستیم پیشقدم می شدیم که ایشان در یک کشور دیگری محاکمه بشود لکن آن جرائمی که این کرده است و آن پرونده هایی که ما داریم از او و آن شهودی که هستند که بالغ بر چندین میلیون شهود ما داریم که اینها بهشان ظلم شده است، به کشاورزها ظلم شده است، به کارگرها ظلم شده است، به علمای دین ظلم شده است، به دانشگاهی ها ظلم شده است، اینها همه شاهد های ما هستند و ما نمی توانیم چندین میلیون جمعیت را یا شما بگوئید بیست، بیشتر از بیست میلیون جمعیت را ما در خارج بیائیم برای ادای شهادت لکن ما برای اینکه احترامی به مقام پاپ گذاشته باشیم حاضریم که ایشان را بیاورند در مملکت ما و آقای پاپ هم بفرستند نمایندگان در اینجا هر کس هم می خواهد نمایندگان بفرستند در اینجا و یک دادگاهی که هست و الان دعوت کرده است او را به دادخواهی، در حضور نمایندگان پاپ و نمایندگان هر کس، حتی نماینده بدترین دشمن ما که عبارت از کارتر هست بیایند و محاکمه کنند اینها را و هر طوری که محکمه حکم کرد ما همانطور، ملت ما حاضر است.

ما تابع آرا ملت هستیم

و آقای پاپ این را بدانند که مساله، مساله ای نیست که من بتوانم بالشخصه حل کنم. ما بنای بر این نداریم که یک تحمیلی به ملتمان بکنیم و اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم ما تابع آرا ملت هستیم. ملت ما هر طوری رای داد ما هم از آنها تبعیت می کنیم. ما حق نداریم، خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که ما به ملتمان یک چیزی را تحمیل بکنیم. بله ممکن است گاهی وقت ها ما یک تقاضایی از آنها بکنیم، تقاضای متواضعانه، تقاضایی که خادم یک ملت از ملت می کند لکن اساس این است که مساله دست من و امثال من نیست و دست ملت است و ملت پشتیبانی از این کار را اعلام کرده است به طوری که اگر اطلاع داشته باشید رادیوها که اعلام می کردند، کلیاتش را که اعلام می کردند، انسان را خسته می کردند که اعلام های متعددی که بود. در هر صورت مساله ای که ما می خواهیم، یک مساله انسانی است، یک مساله ای است که بشر دوستی اقتضای این معنا را می کند. ملت ما به اعتبار اینکه مسلم است، بشر دوست است و شما هم به اعتبار اینکه ملت مسیح هستید، باید تبعیت از مسیح بکنید و بشر دوست باشید به آنطوری که حضرت مسیح بود و حس بشردوستی است که ملت ما را وادار می کند که جنایات ایشان رسیدگی بشود. رسیدگی بشود که معلوم بشود که چه در دنیا ایشان را وادار به این جنایات کرده است.

مردم دنیا بفهمند دشمن

بشر کی است و کی ایشان را وادار کرده است به اینکه تمام وقت خودش را صرف کند برای ظلم کردن به ما و برای جنابکاری و برای بردن ذخائر ما، تا ملت ها، مردم عبرت بگیرند. بنابراین آقای پاپ چه حکم می کند؟ من از ایشان می خواهم که ایشان تماس بگیرند با کارتر که کارتر به ایشان ملتجی شده است، تماس بگیرند و مسائل را درست بررسی کنند و اشخاصی را بفرستند مسائل را بررسی کنند، اینجا بررسی کنند، آنجا بررسی کنند. اگر واقعا آقای پاپ تشخیص دادند که اینهمه ظلم هائی که به ما شده است و اینهمه قتل عام هائی که شده است و اینهمه ذخائری که از این ملت ضعیف بردند، ملتی که الان هم در کنار این شهرها، حتی شهر تهران، نه خانه دارند و نه نان دارند و نه کار دارند، معذک ذخائر ما انبار شده است در بانک های خارجی به دست ایشان، اگر واقعا آقای پاپ این مطلب را صحیح می داند، یک وقت این است که ایشان نشنیده است این مطلب را، حالا ما به ایشان اعلام می کنیم که مساله این است. اگر با این ترتیب ایشان باز می گویند که باید وسایل رفتن اینها را بدون اینکه آن آدم را تحویل بدهند به ما، بدون اینکه حاضر بشوند به اینکه محاکمه بشود او، باز هم ما باید این کار را بکنیم، اعلام بکنند و ما گمان نمی کنیم همچو اعلامی را ایشان بکنند برای اینکه ایشان حتما با اینطور جنایات مخالف است، هر انسانی با اینطور جنایات مخالف است.

در هر صورت ما حرف غیر مشروع نداریم، حرفی داریم که هر کجای دنیا ببرد (الا پیش کارتر) حرف مقبول است، حرف صحیح است، جنایتکار ما را برید نگه دارید، بدهید دست ما، آن که جوان های ما را کشته است، آن که جوان های ما را در تاوه گذاشته و بو داده است، آن که جوان های ما را پایشان را اره کرده است بدهید دست ما، محاکمه اش می کنیم، محاکمه به عدالت. بفرستید نمایندگان را و ما با عدالت محاکمه می کنیم. اگر ما خلاف گفتیم، ایشان را باز بیاورند و بنشانند به تخت سلطنت و مردم هم تبعیت کنند و اگر چنانچه او خلاف گفته و آقای کارتر خلاف می گوید، شما آقای کارتر را به حسب نفوذ معنوی که دارید استیضاح کنید. شما بدانید که اینها به اسم اینکه ما مسیحی هستیم، بر خلاف مسیر مسیح رفتار می کنند. اینها اغفال کرده اند بعضی از جناح ها را در مال خودشان و این اگر به اسم نصاری، به اسم مسیحی ها، به اسم عیسی مسیح تمام بشود، این مشوه می کند روی ملت مسیح را.

آقای پاپ باید به فکر ملت مسیح باشد، به فکر همه ملت های مستضعف باشد، به فکر آبروی مسیحین باشد. اینطور اشخاصی که به اسم مسیح دارند یک همچو کارهای خلاف مسیر مسیح را انجام می دهند - آقای کارتر - باید اعلام کنند، به ملت آمریکا اعلام کنند، به همه ملت مسیحین اعلام کنند و جنایات این را بشمارند و اینها را معرفی کنند به ملت ها، همانطوری که ما نسبت به محمدرضا عمل کردیم که این را به مردم شناسانیدیم (مردم می شناختند لکن تبلیغات کردیم باز هم) شما هم این کار را انجام بدهید و ما در این صورت از شما متشکر خواهیم بود و ما یک مظلومه است که برای شما می گوئیم. ما به حکم اینکه مظلوم هستیم، پیش شما دادخواهی می کنیم که این ملت مسیح را نجات بدهید شما، ملت مسلم جای خودش، شما ملت مسیح را نجات بدهید. نجات به این است که این اشخاصی که در ممالک بزرگ به اسم مسیح و به اسم مسیحیت این جنایات را می کنند، این برای مسیح علیه السلام

خوب نیست و مسیحین مشوه می شود و جبهه شان و من به شما آقای پاپ عرض می کنم که اگر عیسی مسیح امروز بود کارتر را استیضاح می کرد. اگر عیسی مسیح بود ما را از چنگال این دشمن خلق و دشمن بشر نجات می داد و شما نماینده ایشان هستید و شما باید همان کاری که مسیح می کند بکنید.

آقای کارتر ما را از مبارزه نترساند، ما اهل مبارزه هستیم

خداوند انشاءالله که همه ما را آشنا کند به وظایف الهی، به وظایف دینی و همه ما طرفدار مظلومین باشیم و امید است که آقای پاپ توجهی به حال این ملت مظلوم بکند و ما را از اینکه نمی توانیم الان با این وضع مسائل ایشان را بپذیریم معذور دارند. لکن مساله اولی که ایشان گفتند، حاصل است. مساله ای که با اینها خوشرفتاری بکنند این مساله حاصل است و من میل دارم که شما که نماینده آقای پاپ هستید بروید و ببینید اینها را و آنها چه وضعی دارند، با آنها صحبت کنید ببینید که آیا آنها یک وضع بدی دارند. هیچ ابدًا از این خوف نداشته باشید که اینها ناراحت باشند، ابدًا ناراحت نیستند لکن خوب آقای کارتر تشبثات زیاد به همه اطراف کرده است، یک غریقی است که به همه چیز تشبث کرده است، گاهی اضافه می شود از یک جبهه ای که دخالت نظامی، گاهی گفته می شود که محصور کنید از حیث حصار اقتصادی، و مع الاسف یک نفر آدمی که ایرانی خودش را می داند و می گوید من ایرانی هستم قبل از اینکه مسلمان باشم (در صورتی که مسلمان بودنشان را نمی دانم، ایرانی بودنشان هم می دانم نیست) دستور می دهد یا تقاضا می کند از کارتر که محاصره اقتصادی بکن ایران را. ایرانی است، در انگلستان است، بختیار است می گوید من ملی هستم. و من این مطلبی را که یک روزی گفتم، شاهدش امروز پیدا شد. یک روز گفتم که اینها، این ابرقدرت ها ممکن است که 20 سال، 30 سال، یک کسی را در یک مقامی با یک وجهه ای حفظش کنند و نوکر آنها باشد لکن مامور باشد که به جهت لباس ملی به خودش پیوسته، مثل بختیار که خودش را به دکتر مصدق بسته است و ملی می گوید هستم. بعد از اینکه این مدت ها گذشت، آن روزی که باید از او استفاده کنند، بعد از 20 سال استفاده می کنند. از ایشان هم که سال های طولانی در جبهه ملی بود و مدعی ملیت بود و مدعی این بود که من اول ایرانی هستم و دوم اسلام، با اینکه این خودش کفر است معذک آن روزی که آنها می خواستند این عنصر به دردشان بخورد خورد و به جای بدترین مخلوق خدا که محمدرضا بود، به جای او مشغول شد به آدمکشی و جنایت و دستور آدمکشی داد منتها از او اطاعت نکردند. او هم می گفت که این ملت را به حصار اقتصادی بکشید. و این هر دو را من باید بگویم ما نه از اقدام نظامی می ترسیم و نه از محاصره اقتصادی. اما از او نمی ترسیم برای اینکه ما شیعه یک ائمه ای هستیم که آنها شهادت را استقبال می کردند، ملت ما هم امروز شهادت را استقبال می کند. فرضا که آقای کارتر بتواند نظامی بیاورد اینجا، با اینکه نمی تواند همچو کاری بکند، دخالت نظامی بکند، نمی تواند بکند، فرض می کنیم که خیر، تفاهم کنند این ابرقدرت ها که به ایران نظامی بفرستند، ما 35 میلیون جمعیت داریم که اینها بسیاریشان، بسیار زیادشان، آرزوی شهادت می کنند، ما با این 35 میلیون به میدان می رویم بعد که ما همه شهید

شدیم خودتان با ایران هر کاری می خواهید بکنید. از این ما نمی ترسیم، ما مرد جنگیم، ما مرد مبارزه هستیم، ما جوان هایمان با مشت مبارزه کردند با تانک ها و توپ ها و مسلسل ها. ما را آقای کارتر از مبارزه نترساند. ما اهل مبارزه هستیم ولو نداشته باشیم ابزار مبارزه، لکن بدن داریم در مقابل اینکه ما را بزنند و این را عمل خواهیم کرد. و اما قضیه اقتصاد، ما یک ملتی هستیم که به این گرسنگی خوردن ها عادت کرده ایم، ما 35 سال یا 50 سال می گوئید ما در این گرفتاری ها بودیم و عادت داریم به این گرسنگی خوردن ها، ما روزه می گیریم، ما یک وقت غذا می خوریم. اگر بنا باشد که آنها محاصره اقتصادی بکنند، فرضا که بتوانند و همه ملت ها تبع ایشان بشوند و حال آنکه این خیالی است خام و همچو چیزی تحقق پیدا نمی کند، فرضا که تحقق پیدا بکند، ما همان جو و گندمی که خودمان در مملکت خودمان کشت می کنیم، اقتصاد می کنیم و برای خودمان همان مقدار کافی است. ما در هر هفته یک روز گوشت می خوریم، گوشت خوردن خیلی چیز خوبی هم نیست و یک وعده هم ممکن است غذا بخوریم. ما را از این چیزها اینها نترسانند. اگر امر دایر بشود بین اینکه آبروی ما حفظ بشود یا شکم ما سیر بشود، ما ترجیح می دهیم که آبرویمان حفظ بشود، شکمان گرسنه باشد. و من از شما می خواهم که سلام من را به آقای پاپ اعظم برسانید و بگوئید که روی علاقه دینی که ما به هم داریم، همه اهل توحید هستیم، اهل خداشناسی هستیم، ما از شما می خواهیم که به این ملت ضعیف کمک کنید و نصیحت پدرا نه به همه ابرقدرت ها بکنید یا استیضاح کنید آنها را.

والسلام

ص: 184

فرمان امام خمینی به ثقة الاسلام مروی

بسمه تعالی

جناب مستطاب ثقة الاسلام و المسلمین آقای شیخ هادی مروی دامت افاضاته

با توجه به اختلافات و مشکلاتی که در شهر بهبهان و مسجد سلیمان موجود است و نظر به سوابقی که جنابعالی از وضع منطقه دارید مقتضی است مسافرتی بدانجا نموده و از نزدیک به آنها رسیدگی کنید و در رفع آنها بکوشید و اهالی محترم را از توطئه های دشمنان آگاه ساخته و به وظایف خطیری که در این برهه از زمان دارند واقف سازید و به اتحاد کلمه و پرهیز از هر نوع اختلاف و تفرقه دعوت نمائید. از خدای تعالی دوام توفیقات جنابعالی را خواستارم .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 185

بیانات امام خمینی در جمع پرسنل کلانتری بیست و یک تهران

لغزش در کارها به حساب جمهوری اسلامی ثبت می شود

بسم الله الرحمن الرحيم

من از شما برادرها و جوان های برومند که امروز عضو قوای انتظامی اسلام شده اید، تشکر می کنم و امیدوارم این خدمت هائی که می کنید مورد نظر خدای تبارک و تعالی باشد و در ساختن ایران به طوری که دلخواه اسلام است موفق باشید. اگر در دوره طاغوتی کاری می کردید ضررش به اسلام نبود برای اینکه در دوره طاغوت عمل می شد، اما امروز که در رژیم اسلامی هستیم و شما هم قوای اسلامی هستید، کلانتری اسلامی هستید، اگر خدای نخواستہ یک لغزش برای ما و برای شما پیدا بشود به حساب جمهوری اسلامی ثبت می شود و آنها که با این نهضت مخالفند دنبال این هستند که از ما و از شما و از جوان های ما یک لغزشی ببینند، لغزش را پای جمهوری اسلامی حساب می کنند و با هیاهو و بوق و کرنا راجع به جمهوری اسلامی کارشکنی می کنند.

با پیاده شدن اسلام یک حالت اطمینان برای ملت و کشور پیدا می شود

بنابراین وظیفه ما امروز بسیار سنگین است. وظیفه این است که همه با هم متحد و متفق بدون تحمیل بر ملت و حکفرمائی و بدون کارشکنی باید با هم برادروار این راهی را که تا اینجا آمده ایم انشاءالله به آخر برسانیم. من به شما برادرها مژده می دهم که اگر چنانچه برسیم به آنجائی که محتوای اسلام در همه جای این مملکت پیاده بشود یک حالت اطمینان برای ملت و کشور حاصل می شود که سرآمد همه خوبی هاست. انسان اگر چنانچه همه خوشی ها را داشته باشد لکن حال اطمینان نداشته باشد و متزلزل باشد، تمام آن خوشی ها تلخ می شود. شما فرض کنید که در یک کشتی نشسته اید و همه اسباب خوشی برای شما مهیاست، یک وقت کشتی متزلزل بشود و احتمال غرق باشد دیگر هیچ خوشی برای شما ندارد همه اش تلخ می شود. یک مملکت اگر چنانچه متزلزل باشد، باز خوف این باشد که ما گرفتار آمریکا بشویم، خوف این باشد که ما گرفتار سایر ابرقدرت ها بشویم، طمأنینه نباشد، استقلال روحی نباشد، پای خود قیام نکنیم، این خوشی ها دیگر لذتی ندارد و اگر چنانچه ما مطمئن باشیم که مستقل هستیم و آقابالاسر نداریم و خوف اینکه آنها به ما هجوم کنند یا کارشکنی در کارهائی بکنند نداشته باشیم، این طمأنینه روحی بهترین چیزی است که برای انسان هست.

من به شما مژده می‌دهم که انشاءالله این طمانینه به زودی برای شما حاصل بشود. شما هیچ خوف نداشته باشید این کسانی که به این ملت خیانت کردند و رفتند، دیگر برگردند. اینها دیگر برگشت برایشان نیست و خوف این را هم نداشته باشید که این قدرت هائی که چپاولگری می‌کردند در این مملکت و مال ملت را خوردند و بردند و از بین بردند برگردند. خود ملت مواجه با یک نابسامانی هائی است و نباید چنین خوفی به خودتان راه بدهید. با قدرت این راه را طی بکنید.

مردم را از خودتان و خودتان را از مردم بدانید

و آن چیزی که من باید به شما سفارش کنم این است که باید مراکزی که دست هر کس هست، مراکز دولتی که دست ارتش، دست ژاندارمری یا دست شماهاست، این مراکز باید مراکزی باشد که اشخاصی که در آن مراکز وارد می‌شوند ببینند که دارند در یک جائی وارد می‌شوند که آنجا مورد اطمینان آنهاست شما می‌دانید که سابق اگر بیچاره ای می‌خواست وارد کلانتری بشود، تا بیاید و برود چقدر ناراحتی روحی داشته، این ناراحتی های روحی اسباب یک عقده هائی شده است که بعد از اینکه آن رژیم هم ساقط شد تا این عقده ها از بین برود طول می‌کشد. باید اعمال و رفتار شما با مردم خوب باشد. مردم را از خودتان بدانید و خودتان را از مردم بدانید. الان وضع اینطوری است که شماها وقتی در آغوش مردم می‌روید با کمال خوشروئی و کمال رفت با شما رفتار می‌کنند، برای شما شعار می‌دهند، برای ارتش شعار می‌دهند و این بهترین چیزی است که برای یک ملتی هست که استقلال یک ملتی را حفظ می‌کند که همه قوا با هم باشند. آنطور نباشد که ملت خودش را از مردم جدا ببیند، قوای انتظامی هم خودش را از مردم جدا ببیند. این جدائی ها اسباب این می‌شود که تزلزل پیدا بشود. و هر چه با هم مجتمع تر باشید طمانینه بیشتر حاصل می‌شود و به مقصود زودتر می‌رسید من امیدوارم که همه ما تکلیف خودمان را بدانیم و همه ما احساس کنیم که ما در یک مملکتی با یک عده برادر داریم زندگی می‌کنیم. انشاءالله همه تان موفق و سالم باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

فرمان امام خمینی به حجت الاسلام جنتی

بسمه تعالی

جناب مستطاب حجت الاسلام حاج شیخ احمد جنتی دامه افاضاته

پیرو درخواست های زیادی که در مورد اقامه نماز جمعه در شهر اهواز از طرف اهالی محترم شده است ، جنابعالی به امامت نماز جمعه در آن شهر منصوب می شوید تا ضمن انجام این فریضه بزرگ ، مردم را در خطبه های نماز به وظایف خطیری که دارند آشنا سازید و از توطئه های دشمنان اسلام و مملکت آگاه کنید و به اتحاد و وحدت کلمه دعوت نمایید. امید است اهالی محترم از این فرصت استفاده نموده و به اجتماع بیشتر و هر چه باشکوهتر آنرا انجام دهند. از خدای تعالی توفیق همگان را در انجام وظایف الهی و عمل به دستورات اسلام خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 188

پیام امام خمینی به آیت الله شیرازی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت الله آقای شیرازی دامت برکاته _ مشهد مقدس

تلگرام جنابعالی از مکه معظمه در مورد پشتیبانی از عمل انقلابی دانشجویان مسلمان و مبارز ایران به مناسبت اشغال مرکز جاسوسی آمریکا و اقدامات متعاقب آن موجب مسرت گردید. تأیید جنابعالی و علمای اعلام و سایر اقشار ملت ایدهم الله تعالی از این اقدام شجاعانه سبب دلگرمی و پایداری همه مبارزان راه اسلام و ناامیدی کامل دشمنان و نمایانگر اتحاد همکاران در راه رسیدن به پیروزی نهایی خواهد بود. سلامت و سعادت همگان را از خدای تعالی خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمينی .

فرمان امام خمینی به شورای انقلاب در مورد کمک به زلزله زدگان استان خراسان

بسم الله الرحمن الرحيم

شورای انقلاب جمهوری اسلامی

به طوری که تاکنون اطلاع دادند، فاجعه زلزله خراسان مصیبت بزرگی به بار آورده است که محتاج به سرعت عمل است . لازم است تمام سازمان ها و نیروهای امدادی ، با هماهنگی به کمک بشتابند و برادران و خواهران خود را نجات دهند. دستور به تمام سازمان ها دهید به طور ضربتی عمل کنند و هماهنگی را مراعات نمایند.

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 190

پیام امام خمینی به ملت ایران در رابطه با کمک به زلزله زدگان استان خراسان

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله وانا اليه راجعون

تاکنون اخبار تاثرانگیز و وحشتناکی از فاجعه زلزله خراسان و خسارات جانی و مالی بسیاری که به برادران و خواهرانمان وارد شده است واصل شده . با عرض تسلیت به ملت عزیز، خصوصا بازماندگان این فاجعه ، از عموم ملت شریف تقاضا می کنم که بدون فوت وقت به کمک برادران و خواهران خود بشتابند و با هر وسیله ممکن آنان را نجات دهند. این فاجعه احتیاج به کمک همگانی دارد. برادران و خواهران محترم! برای نجات بندگان خدا پیا خیزید و عجله کنید و آنچه در این مورد صرف نمودید و خواستید از وجوه شرعیه محسوب نمائید، مورد قبول است . از خداوند تعالی رفع گرفتاری ملت شریف را مسئلت می نمایم .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 191

بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان مجلس خبرگان

مردم بی تفاوت نباشند نسبت به سرنوشتشان ، سرنوشت ما این قانون اساسی است

بسم الله الرحمن الرحيم

آن یک کلمه ای که می خواهم عرض کنم این است که آقایان همانطور که زحمت کشیدند این مدت و بحمدالله تمام کردند این خدمت را، در بلادشان که می روند، مردم را دعوت کنند به اینکه بی تفاوت نباشند راجع به آن چیزی که سرنوشتشان است . سرنوشت ما این قانون اساسی است ، اگر بنا باشد که مردم بی تفاوت باشند معنایش این است که به اسلام بی تفاوت ، به سرنوشتشان بی تفاوت ، به کشورشان بی تفاوت . و این علاوه بر اینکه ، انعکاسش در دنیا انعکاس بسیار ناجوری است ، پیش اسلام و اولیاً اسلام هم یک انعکاس بدی دارد. این یک تکلیفی است برای همه ما که راجع به اموری که مربوط به سرنوشت ملتمان ، مربوط به اسلام است ما بی تفاوت نباشیم بلکه با تمام قوه که داریم تعقیب کنیم که انشاءالله مسائل تمام بشود و قانون تصویب بشود، نه همین که اکثریت داشته باشند، این اکثریتی که فراندوم داشت آن اکثریت را طالبیم . والا- اکثریت که معلوم است ، اکثر مردم مسلمند و اکثر مردم اما ممکن است که یک وقتی این هیاهویی که در اطراف این مسائل شده است و اینهایی که می خواهند نگذارند این نهضت به ثمر برسد، تبلیغات سوء این طرف و آن طرف ، مع الاسف بعضی از خودمان هم بی توجه به مسائل باز راجع به قانون اساسی صحبتی می کنند، این صحیح نیست برای اینکه ملت این آقایان را تعیین کرده است . ما حق نداریم که چیزی که خود ملت تعیین کرده است ماها دخالت بکنیم . ما تابع ملت هستیم ، ملت این آقایان را تعیین کرده است آقایان هم این قانون را نوشته اند، تصویب کرده اند و آقایان هم اهل خبره هستند و آنطوری که ملت می خواستند اینها را تمام کردند. دیگر بعد از این هی صحبت کردن از اینکه (فلان ماده چطوری است ، با غرب نمی سازد ما تا آمدیم مغز این آقایان را از غرب زدگی خارج کنیم ، پشت هشتم ما شاید باشد، بشود این کار. من نمی دانم آقایان از غرب چه دیده اند؟

در غرب جز غارت ملت های مظلوم و خیانت و جنایت خبری نیست

غرب همین است که شما ملاحظه می کنید که اینطور جنایات می کنند. آنوقت آن کسی که جانی مطلق است می برند نگه می دارند و پشتیبانی از او می کنند. به حرف یک ملت مظلوم گوش نمی دهند،

نمی‌گذارند که شورای امنیت تشکیل بشود. پول‌های ایران را مثل دزدهای سرگردنه غارت می‌کنند، توقیف می‌کنند. غرب وضعش این است و این سازمان‌هایی هم که درست کرده‌اند برای خودشان همه برای منفعت غرب است، هیچ برای مظلوم‌ها نیست. شما شاید در طول این مجالسی که اینها درست کرده‌اند یک جا پیدا نکنید که اگر آمریکا یا آن دیگران که قدرت‌هاشان زیاد است منافعش با یک مملکت ضعیفی تصادم پیدا نکند اینها یک کاری برایشان کرده باشند. الان چند وقت است که لبنان مبتلا به این سرطان است، این مجلس‌ها چه کردند برای این در طول این مدتی که ما گرفتار این مسائل بودیم؟ در طول پنجاه و چند سال که ما گرفتار این مسائل و مصائب بودیم این مجلس‌ها برای ما چه کردند؟ اینها همین است که یک وقتی منافع بزرگ‌ها یک چیزی بکنند، اینها برایش به نفع بزرگ‌ها فعالیت بکنند، حفظ بکنند و یک کلاهی هم سر ماها بگذارند که یک همچون مجالسی هست و شوراها‌ی امنیت هست و سازمان ملل هست و این یک چیزهایی است که برای ماها درست کردند و ما را می‌خواهند بازی بدهند و ما هم بازی می‌خوریم، ما، این آقایانی که می‌روند سراغ اینکه ببینیم چطور یک چیزی باشد پسند غرب باشد، پسند غرب این است که ما همه چیزمان را تقدیمشان بکنیم و بی‌چون و چرا، این پسند غرب است. اگر آقایان این را می‌خواهند این پسند ملت ما نیست و اگر آقایان یک چیزی خیال می‌کنند که در غرب خبری است بدانند که در غرب خبری نیست جز جنایت، جز خیانت. من ملتشان را نمی‌گویم، این دولت‌ها - که الان (غرب) یعنی (دولت‌هایشان). در هر صورت من خواهش می‌کنم از این آقایان، از اینهایی که یا روشنفکرند یا خودشان را به روشنفکری زده‌اند که اینقدر با سرنوشت یک ملت بازی نکنند. الان شما می‌دانید مملکتتان ابتلاً به هزار جور مصیبت دارد، مواجه با قدرت بزرگی مثل آمریکا است. نباید حالا دیگر دسته‌دسته هر کدام یک چیزی بگویند، برخلاف مسیر ملت حرف‌ها بزنند - گفته بشود - امروز روزی است که همه‌شان با هم بنشینند تفاهم کنند و دست به دست هم بدهند تا این مصیبت‌ها رفع بشود. اگر ملی هستند برای خاطر ملتشان، اگر علاقه به اسلام دارند برای خاطر علاقه به اسلامشان و یک دسته‌ای هم معلوم بشود که اینها چکاره هستند. اینها - خوب، همیشه در همه جا بوده است. در هر صورت آن چیزی که الان لازم است برای همه ما این است که تعقیب کنیم و وادار کنیم اقشار مختلفه را، آقایان هر کدام از اهل هر بلدی هستند خطبای آنجا را، علمای آنجا را، روشنفکران آنجا را وادار کنند که به مردم افهام کنند که بی‌تفاوت نباشند که ما وقتی بنا باشد فراندم کنیم، ببینیم که یک فراندمی که مورد قبول ماهاست نباشد. و اما قضایایی که هست هیچ نباید از این قضایا ترسید، ما اینقدر ابتلاً - به این قضایا داشتیم و بیشتر از این مسائل و این ملت ما، هی تالب یک پرتگاهی رفته و آمده بیرون، حالا دیگر موضع ملت ما یک موضعی است که این مسائل دیگر نمی‌تواند متزلزلش کند، حالا هر چه می‌خواهند فریاد برنند و پول‌های ما را نگذارند بیاید و نگذارند شورای امنیت درست بشود. شورای امنیت هم درست شده بود چیزی نبود اما حالا - بفهمند دنیا که مسائل اینطوری است و این اشخاصی که ادعای این را می‌کنند که برای حقوق بشر چه دارند، این مسائل، این مردم هستند، این جمعیت هستند،

ما با

اینها ابتلاً داریم .

تمام امور به ید قدرتمند خداوند انجام می پذیرد

من امیدوارم که تا آخر با قدرت و با قوه و با اتکال به خدای تبارک و تعالی که فوق همه قدرت هاست ما پیش ببریم . همانطوری که با اتکال به خدا امور تاکنون خدای تبارک و تعالی کارها را انجام داده . ما خیلی از موارد می بینیم که یک چیزی عمل می کنیم خودمان هم درست سر در نمی آوریم که این چه خواهد شد می بینیم خوب پیش رفته است این جز این نبوده است که خدا، بنابراین بوده است که خدای تبارک و تعالی انجام این مسائل را بدهد و ما اطمینان داریم به اینکه خدای تبارک و تعالی وقتی که یک جمعیتی توجه به او داشتند مایوسشان نمی کند و ما هم متوجه به خدا هستیم و از خدای تبارک و تعالی می خواهیم که این مملکت را از این مفسده ها نجات بدهد و این مملکت را مستقر کند و این حکومت را مستقر کند که این حکومت اسلامی است انشاءالله .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 194

فرمان امام خمینی درباره آزادی زنان و سیاهپوستان گروگان

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای موسوی خوئینی ها و برادران و خواهران دانشجوی محترم ساکن در مرکز جاسوسی آمریکا

مرکز توطئه و جاسوسی به اسم سفارت آمریکا و اشخاصی که در آن بر ضد نهضت اسلامی ما توطئه نموده اند، از احترام سیاسی بین المللی برخوردار نیستند، تهدیدات و تبلیغات دامنه دار دولت امریکا به قدر پیشیزی نزد ملت ما ارزش ندارد، نه تهدید نظامی او عاقلانه است و نه تهدید اقتصادی او واجد اهمیت و کارتر یک اشتباه دارد و آن اینکه گمان می کند همه دولتها چشم بسته به خدمت او ایستاده اند و اشتباه بزرگ به زودی برای خودش هم روشن خواهد شد و طلیعه آن نیز مشهود است . ملت ایران به پا خاسته که نگذارد این لانه های جاسوسی در ایران به عمل ننگین خود ادامه دهند و تا استرداد محمد رضا پهلوی برای محاکمه و استرداد آنچه به یغما برده است ، این لانه جاسوسی و آن جاسوسان حرفه ای به حال خود باقی خواهند ماند. لکن برای آنکه اسلام برای زن ها حقوق ویژه ای قائل است و سیاهپوستان ، که عمری را تحت فشار و ظلم آمریکا به سر برده اند و شاید به طور الزام به ایران آمده باشند، نسبت به آنان در صورتی که جاسوسی آنها ثابت نشده باشد، تخفیف دهید. دانشجویان عزیز! سیاهپوستان و زنانی که جاسوسی آنان معلوم نیست ، به وزارت امور خارجه تحویل دهید که فوراً آنها را از ایران خارج نمایند. ملت شریف ایران اجازه آزادی بقیه را نمی دهد لذا دیگران در بازداشت هستند تا دولت آمریکا به خواست ملت عمل کند.

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 195

پیام امام خمینی به خواهران و برادران کرد

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر خواهران و برادران کرد که با وفاداری خود به اسلام و جمهوری اسلامی از توطئه خائنین به کشور جلوگیری کردید. گزارشات هیأت ویژه همانطور بود که متوقع از برادران و خواهران کرد بود که هرگز خود را از اسلام و ایران جدا نمی دانند و آنچه بدخواهان به آنان نسبت می دهند، چیزی جز افساد و توطئه گری نیست. اکنون من باید به شما برادران و خواهران کرد و سایر برادران مطالبی را تذکر دهم :

1 _ در این موقع حساس که ملت ما با چپاولگران که در راس آنها آمریکا مواجه هست و برای احقاق حق خود و به دست آوردن ذخائر هنگفتی که محمدرضا پهلوی به غارت برده و به محاکمه کشیدن این جانی قیام نموده و همه قشرهای ملت با هم در این امر حیاتی متحد و همصدا شده اند، برادران و خواهران کرد ما هر جا هستند باید به طور اولویت در این امر شرکت کنند و با سایر خواهران و برادران هماهنگ شوند و لازم است از اختلافاتی که بدخواهان ایجاد می کنند به طور قاطع جلوگیری کنند. برادران من ! امروز هر اختلافی به نفع آمریکا و دیگر اجانب است. آنان هستند که از اختلاف ما بهره گیری می کنند و ما را می خواهند به اسارت بکشند. بپاخیزید و توطئه گران را نصیحت کنید و در صورت عدم قبول از خود برانید و از مناطق خود بیرون کنید، یا آنان را گرفته تسلیم مقامات دولتی کنید.

2 _ اینجانب و همه ملت از ستم هائی که به شما برادران کرد در طول حکومت استبدادی شده است و از تبعیض هائی که بر خلاف اسلام بر شما روا داشته اند مطلع هستیم، لکن باید بدانید که این شما برادران نبودید که مورد ستم و ظلم واقع شدید، سایر برادران ترک و لر و عرب و بلوچ و فارس و ترکمن هم با شماها شریک بوده اند و همه محروم بودند از آنچه شما محروم بودید. شما اگر به زاغه نشینان و گودنشینان تهران توجه ننمائید، خواهید دید آنان از همه محرومترند. اینجانب می دانم که در حکومت موقت هم آنطور که خواست شما و ملت است رسیدگی نشده لکن باید بدانید باز در این امر همه برادران شما شریک می باشند و دولت موقت با کمال جدیت اشتغال به کار و سامان دادن بود لیکن آشفتگی ها به قدری زیاد است که اصلاح محتاج به زمان است. و من امیدوارم که

برای همه ملت و

برای شما برادران کرد و سائل رفاه حاصل شود. شما برادران می دانید که نوسازی و عمران در محیطی که آشفته است و مردم در امان نیستند، مشکل یا غیرممکن است. شما برادران غرب کوشش کنید و آرامش را حفظ کنید و بدانید که با آرامش کارها اصلاح می شود و به صلاح شما و به صلاح اسلام و مسلمین است.

3_ از هیأت ویژه می خواهم که به مذاکرات خود با کمال حسن نیت ادامه دهند و با شخصیت های مذهبی و سیاسی و ملی و سایر قشرها تماس بگیرند تا تأمین خواسته های آنان که خواست ما نیز هست به طور دلخواه بشود و آرامش و امن که از بزرگترین نعمت های الهی است در منطقه برقرار گردد و شما برادران کرد در کنار سایر برادران به طور رفاه و آسایش زندگی نموده و طمع اجانب برای همیشه از کشورمان قطع شود.

4_ اسلام بزرگ تمام تبعیض ها را محکوم نموده و برای هیچ گروهی ویژگی خاصی قرار نداده و تقوا و تعهد اسلام تنها کرامت انسانهاست و در پناه اسلام و جمهوری اسلامی، حق اداره امور داخلی و محلی و رفع هر گونه تبعیض فرهنگی و اقتصادی و سیاسی متعلق به تمام قشرهای ملت است منجمله برادران کرد که دولت جمهوری اسلامی موظف و متعهد به تأمین آن در اسرع وقت می باشد و مقررات و قوانین مربوط به آن به زودی انشاءالله تعالی تدوین می شود.

5_ اخیراً باز نظر شریف علماً اعلام و مشایخ عظام و روشنفکران و سایر برادران عزیز در سراسر ایران را به موضع حساس امروز ایران و جبهه گیریهای دشمنان میهن و اسلام در مقابل ملت عزیز و تشبثات همه جانبه آنان برای سرکوبی نهضت اسلامی و ملت معظم و برای اعاده سلطه همه جانبه بر کشور اسلامی ما جلب می کنم. آیا در این موقع تقاضای متواضعانه این خدمتگزار که روزهای آخر عمرش را می گذراند بجا نیست؟

6_ خواهران و برادران هم میهن در سراسر کشور! من دست خود را به پیش شما دراز می کنم و از شما به خاطر خدا و اسلام و کشور عاجزانه می خواهم که تمام توان خود را برای نجات کشورتان به کار برید و اسلحه های سرد و گرم یعنی قلم و بیان و مسلسل را از نشانه گیری به روی یکدیگر منحرف و به سوی دشمن های انسانیت که در رأس آن امریکاست نشانه روید.

بار الها! من مأموریت خود را که نصیحت به ملت است به قدر توان ضعیف خود انجام دادم و توای خدای بزرگ با قدرت لایزال خود قلوب ملت ما را پیوند برادرانه عطا نما (انک قریب مجیب)، سلام گرم من به ملت عزیز و برادران کرد و رحمت خداوند بر همه.

روح الله الموسوی الخمينی

بیانات امام خمینی در دیدار با استاندار اصفهان و اعضای بنیاد مسکن انقلاب اسلامی شهرستان قم

عمل خلاف مقاصد اسلامی ، ضرر به جمهوری اسلامی است

بسم الله الرحمن الرحيم

از اصفهان شکایات زیاد هست حتی همین دیروز یا پریشب یک کاغذی از آقای خادمی آمده بود و تعبیر ایشان در آن کاغذ این بود که در اطراف اصفهان مشغول غارت کردن مردمند این تعبیر ایشان است .

آقایان هم یک دسته می آیند اینجا، یک جمعیت زیادی آمدند اینجا، بعد هم نماینده ایشان آمدند اینجا، من گفتم که من از وضع آنجاهائی که مشغولند برای خدمت اطلاعاتی ندارم که دقیقا بتوانم بگویم که در کجا مطلب چه جور واقع می شود، من گرفتاریم زیاد است و نمی توانم هم به همه مسائل مطلع بشوم ، لکن من وظیفه ام هست که آقایان را متوجه کنم به این مطلب و آن این است که امروز که جمهوری اسلامی است و همه جناح ها در زیر پرچم اسلام مشغول انجام وظیفه هستند اگر خدای نخواستہ یک مطلبی برخلاف مقاصد اسلامی واقع بشود، این نه اینکه ضرر به همان کسی که این کار را انجام می دهد می خورد، این ضرر به مثلا اگر در پاسبان ها اینطور، پاسدار اینطور باشد این ضرر به اصل پاسدارهای جمهوری اسلامی می خورد، از آنجا هم یک قدم بالاتر می رود، به جمهوری اسلامی لطمه وارد می شود، از آنجا هم آنهایی که با اسلام مخالفند می گویند که این رژیم همان رژیم است ، به مردم می گویند دیدید، خوب از دست یک ظلمی شما رها شدید به دست یک ظلم دیگر یا ظالم دیگر مبتلا شدید. این در آن زمان اگر هر چه برای مان واقع می شد، بر ما واقع می شد، بر اسلام واقع نمی شد، اسلام از آن نتیجه هم می برد، لکن امروز که جمهوری اسلامی است و به اسم اسلام هر کس مشغول کاری هست ، اگر چنانچه یک خطائی واقع بشود، یک اشتباهی واقع بشود یا خدای نخواستہ یک عمدی پیدا بشود، امروز پای اسلام حساب می شود، آنها هم که بخواهند فضولی کنند و قلم های مسمومی که در داخل و خارج الان مشغول توطئه هستند و می بینند که منابع خودشان و اربابانشان از دست رفته و باید یک فکری بکنند که اوضاع را منقلب کنند، آنها مشغول این هستند که یک چیزی ببینند آن را اضافه کنند و آنقدر که می توانند باد بزنند به آن تا این نهضت را لکه دار کنند.

از این جهت وظیفه هر کسی که در هر جا مشغول خدمتی است، در راس همه خدمت ها این است که موازین اسلامی را حفظ بکنند. اگر بنا شد که مثلاً پاسدار اسلامی موازین اسلامی را حفظ نکند، این مثل این است که روحانی اسلامی موازین اسلام را حفظ نکند. همانطوری که اگر روحانی اسلامی موازین اسلامی را حفظ نکند، آن به اسلام صدمه وارد می شود، این هم وقتی الان شده است جزء دستگاه اسلام، جزو بنگاه اسلام، اگر بنا باشد که یک وقت خدای نخواستہ صدای مردم درآید از اینها، بگویند که اینها مثل سابق بودند، آنها هم که غرض دارند همین مسائل مطبوعات خارجی و در بوق هاشان بلند کنند که اینها دارند چه می کنند و چه می کنند و مسائل، مسائل کمونیستی است، نه مسائل اسلامی. آنوقت آنها هم بگویند که اسلام هم این است، فرقی ندارد، یک دسته هم که خودشان را به اسم اسلام شناسی جا زدند، اینها هم همان مسائل را به اسم اسلام درست بکنند، این پوسیدگی است که از باطن برای نهضت پیدا می شود که شما هر چه ظاهرش را خیلی پر سر و صدا درست کنید، تزیین کنید، یک وقت مطلع می شوید که از باطنش پوسید و رفت از بین . همانطور که گفتیم که مثل یک خربزه می ماند که خیلی هم به آن خدمت بکنید، خیلی هم کارهایش را درست بکنید، لکن در باطنش یک کرمی است که آن کرم دارد خرابش می کند، بعد هم خربزه را می کنید می بینید خربزه کرم زده است. کاری نباید بکنند، همه قشرهایی که الان مشغول خدمتند، قشر روحانی که مشغول خدمت است و مثلاً دادگاه ها و اینها، قشر پاسدارها، قشر نظامی ها، ارتشی ها، اینهایی که همه الان در خدمت اسلام و برای اسلام مشغولند، اینها کاری نکنند که ما به دست خودمان اسلام را از پا درآوریم، اسلام را در نظر خارج و داخل جوری جلوه بدهیم که برخلاف آنی است که هست، عدالت در کار نباشد، موازین در کار نباشد، یک برنامه اسلامی در کار نباشد، هرج و مرج و هر کی هر کاری دلش می خواهد بکند. آنکه من به حسب کلی باید بگویم و همه را تنبه بدهم این است که نباید در هر امری هی قدرت نمائی بشود. باید همه قشرهایی که مشغول برای خدمتند و خودشان هم می گویند برای اسلام است، باید گوششان به این باشد که اسلام چه می گوید ما هم به تبع او باشیم. اما من چه می فهمم و از اسلام خودم می خواهم بفهمم، این میزان نیست. هر مسأله ای، هر مطلبی کارشناس دارد. اگر یک مریضی بگوید که من چه کار دارم به نسخه، من خودم می خواهم خودم را معالجه کنم، این می میرد. مریض که بخواهد سر خود، خودش را علاج کند این منتهی به مردنش می شود. اگر بنا باشد که کارشناس های اسلام را ما کاری به آنها نداشته باشیم، آنها را ما کاری نداشته باشیم، خودمان هر چه به نظرمان رسید یا فرض کنید که آنها را که از خارج الهام می گیرند، از کمونیست ها و از مارکسیست ها الهام می گیرند، آنها هم نفوذ کنند در بین ما و هر طوری که آنها می خواهند عمل کنند، ما یک وقت بفهمیم که اسلام را می خواهند با مارکسیستی منطبق کنند، این است که خطر برای اسلام دارد. این خطر را باید همه تان توجه کنید به آن و با جدیت این خطر را رفعش بکنید، شکست از دشمن اهمیتی ندارد.

اگر آمریکا بریزد و ما را از بین ببرد، من به نظرم خیلی چیزی نیست، البته عظیم است اما از او عظیمتر شکست در مکتب است. شما مکتبی که دارید، جوری عمل به آن بکنیم، نمایشش بدهیم که در خارج ملت ها، و قلم هایمان به آن باد بزنند _ عرض می کنم _ هیاهو درست کنند و مکتب ما را شکست بدهند که ما نتوانستیم یا مکتب اسلام هم همین است که آنها می گویند. خوب الان یک دسته ای هستند که اینطور تأویل و تفسیر می کنند و اسلام را می خواهند بدنام کنند، اینها نمی دانند که آن چیزی که نمی دانند، این است که در اروپا شکست خود آن مسأله و تقاله ای که در اروپا کنارش ریختند، در خارج کنارش ریختند، اینها آمدند حالا در ایران و _ عرض می کنم _ در ممالک اسلامی می خواهند یک سر و صورتی به آن بدهند. حالا که نمی دانند این را، اینها چون مطلع از اسلام و از برنامه های اسلام و از وضع اسلام نیستند، خودسر هر کدام هر کار دلشان می خواهد بکنند. از هر کدام پرسید که چه، می گوید خوب ما انقلاب کردیم، خیال می کنند انقلاب کردیم یعنی هرج و مرج باشد. انقلاب که هرج و مرج نیست. البته لازمه هر انقلابی یک مفاسدی هست، اما آنهایی که متعهد هستند به این انقلاب و اعتقادشان این است که منقلب کردیم یک رژیم ظالم را به یک رژیم عادل، باید همه قشرها روی موازین عدل اسلامی رفتار کنند و هر کس خودش سر خود نباشد که هر چه دلش بخواهد بکند.

حالا من به عده ای که حالا آمده بودند و از رؤسای پاسدارها بودند، اینجا بودند، به آنها گفتم که بروند در تهران و با آن آقایانی که آنجا هستند یک جلسه ای قرار بدهند و مشورتی بکنند و یک راهی درست کنند که همه جا روی یک موازین عقلانی و روی موازین اسلامی عمل بشود و اگر چنانچه اینطور عمل بشود، من امیدوارم که انشاءالله پیروز بشویم و همه را، همه کارها مان اصلاح بشود.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

مصاحبه خبرنگار سی . بی . اس امریکا با امام خمینی

مترجم : حضرت آیت الله! آقای مک فار است از تلویزیون (سی بی اس) یکی از سه تا تلویزیون امریکا، برنامه ای دارند تحت عنوان شصت دقیقه که هر هفته روز یکشنبه پخش می شود و این برنامه یکی از پربیننده ترین برنامه ها و در عین حال یکی از مورد اعتمادترین برنامه ها از نظر امریکائی ها هست ، استدعا کردند از حضورتان سوالاتی بکنند در مورد وقایع اخیری که در این جریانات از سفارت امریکا هستند.

امام : بله مانعی ندارد اما من از ایشان تقاضا می کنم که تحریف نکنند بعضی از اشخاصی که آمدند اینجا مصاحبه کردند، حرف های ما را تحریف کردند، بعضی دروغ ها هم اضافه کردند و این خلاف آداب خبرنگاری است و من از شما تقاضا دارم که حرف ها درست بدون کم و زیاد بدون تحریف بدون دخالت خودتان در مسائل پخش بشود.

مترجم : به عرض تان می رساند حضرت آیت الله که اطمینان داشته باشید و ایشان یقین دارند که بعد از اینکه این مصاحبه پخش شد در امریکا حضرتعالی خیلی از نتیجه اش خوشحال خواهید بود، تشکر می کنند از پذیرششان که حضرتعالی و اظهار امیدواری می کنند که انشاءالله سرماخوردگی رفع شده باشد، رفع کسالت شده باشد. استنباط ایشان این است که حضرتعالی سوالات را رعایت فرمودید سوالاتی را که می خواند خدمتتان ، خیلی مهم هست تنها مساله این است که احتمالا در رابطه با جواب های حضرت آیت الله ایشان سوالاتی در همان رابطه خواهند کرد ولی در اصل سوال ها همین هست و آن سوالاتی که احتمالا در آن رابطه چیز بشود فقط به اصطلاح ارتباط پیدا می کند با سوالاتی که قبلا گذاشتند و بستگی به جواب حضرتعالی ، ممکن است سوالات به اصطلاح برای توضیح بیشتر، ولی اطمینان می دهند که واقعا این مصاحبه در سرتاسر دنیا تاثیر خواهد گذاشت و ایشان خودشان اهمیتش را تشخیص می دهند.

سوال : آیا حضرتعالی هنوز می فرمائید که اگر شاه به ایران باز نگردد گروگان های آمریکائی آزاد

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم. این مساله مربوط به ملت است. سی و پنج میلیون ملت ما خواستشان این است و باید ما بررسی کنیم راجع به اینکه چرا ملت ما می خواهد که شاه بیاید و تا نیاید دست از این گروگان ها برداشته نخواهد شد و چرا کارتر اینقدر اصرار دارد که شاه را نگه دارد اما راجع به اینکه چرا ملت ما اصرار دارد، قضیه این نیست که شاه بیاید ایران. ملت ما شاه را که دشمن خودش می داند می خواهد چه بکند، یک تحفه ای نیست برای ملت ما که بخواهد او را در موزه نگه دارد، بلکه مطلب این است که دو جهت هست که ملت ما می خواهند شاه بیاید و ما اصرار داریم، که این دو جهت یکیش اهمیتش بیشتر از دیگری است. یک جهت راجع به اینکه ما ملتی هستیم که الان اقتصادمان خیلی قوی نیست و دارائی های ایران بسیار در دست شاه مخلوع و بستگان اوست و این در بانک های امریکا و سایر کشورها متمرکز است. و اینها همه مال ملت است و اینکه ما اصرار داریم شاه را بیاوریم برای این است که معلوم بشود که این اموال فقرا که در دست اینها و عمال اینها هست در کجاها هست و باید برگردد به ملت. و مطلبی که اهمیتش بیشتر از این است، این است که ما می خواهیم او بیاید و ما ریشه این جنایاتی که این شخص در طول سی و هفت سال تقریبا به ایران کرده است و این خیانت هائی که به ایران کرده است و این آدم کشی های دستجمعی که کرده است ما به دست بیاوریم که این با امر کی بوده. یک انسان، یک آدم که می خواهد در یک مملکتی حکومت کند بی جهت اینقدر جنایت نمی کند. این عامل اشخاصی بوده است. خود ایشان هم می گوید من مامور بودم برای وطنم. ما می خواهیم آن آمر را پیدا بکنیم که آن که امر کرده است که ایشان در وطنش اینهمه جنایت بکند این کیست و چه اشخاصی هستند؟ از این جهت ملت ما اصرار دارد به اینکه این آدم بیاید و این دو مطلب ثابت بشود و در محاکمه، محکمه هر جور حکم کرد عمل بشود. و اما اینکه کارتر اصرار دارد به اینکه ایشان نیاید باید ما ببینیم که این از باب این است که آقای کارتر بشر دوست است و حس انساندوستی این آقا، این آقای کارتر او را وادار کرده است که اینقدر اصرار بکند و در مقابل ملت های اسلامی بایستد و ارباب بکند و آنهمه مطالب پیش بیاید و منطقه را به خطر بیندازد، این برای این است که یک آدمی است انساندوست و برای انساندوستی _ که _ این نحو می کند؟ ما در آقای کارتر این انساندوستی را سراغ نداریم برای اینکه از اعمال ایشان معلوم است که ایشان این حس را ندارند. کسی که یک جانی را در حفظ خودش و حمایت خودش به عنوان انساندوستی نگه می دارد نباید در ممالک بسیار، اینقدر جنایت ها را و اینقدر آدم کشی ها را علت باشد. این آدم انساندوست نیست و حس انساندوستی این چیز را نکرده است. اگر در ایشان حس انساندوستی بود، سی و پنج میلیون انسان هایی که در ایران بودند که یکی شان هم

محمدرضا بود و همه از یک ملت و از یک کشور هستند، چه شد که در ظرف سی و هفت سال آنهمه جنایات بر ما شد و اخیرا با دست این شخص آنهمه کشتار می شد و در حکومت آقای کارتر بود و ایشان ابد حس انساندوستی شان اسباب این نشد که یک تقاضائی لااقل از این شخص بکند که نکن این کار را، بلکه آنطور که ما می دانیم ایشان علاوه بر اینکه تقاضا نکرده اند تهییج هم کرده اند. و اما اینکه اصرار دارند و از جهت انسان دوستی معلوم شد نیست، معلوم می شود برای این است که اصرار او فاش نشود، اصرار روسای آمریکا فاش نشود. ما با بودن شاه در اینجا اصرار شخص کارتر و اصرار اسلاف او را فاش خواهیم کرد و به ملت آمریکا ارائه خواهیم کرد و ملت آمریکا می فهمد که گرفتار چه روسای جمهوری هستند که ملتشان را به تباهی کشیده است و آبروی ملتشان را در بین مسلمین از بین برده است. ما برای این می خواهیم که بیاید ایشان برای این جهت می خواهد که نیاید. این اصرار او به نیامدن برای اینکه خوف این را دارد که اصرار فاش بشود و ایشان دیگر نتوانند در مملکت خودشان یک زندگی صحیح داشته باشند و دیگر ریاست جمهوری ایشان هم فاتحه اش خوانده بشود و مملکت آمریکا هم اگر مطلع بشود از مسائل و مطلع بشود از مصائب ما و مطلع بشود و رسانه های گروهی به آنها بفهمانند که در این مملکت چه گذشته است و اینها از دست روسای جمهور آمریکا و دیگر روسای ابرقدرت، بر ما گذشته است اگر یک همچو احساسی را بکنند این طرفداری از کارتر را نمی کنند و من هم احتمال این را می دهم که طرفداری از کارتر یک قشر از اشخاصی است که تحت نظر خود آنها هستند نظیر آن طرفداری هایی که در اینجا از شاه می شد، از شاه مخلوع می شد که وقتی که مثلا رئیس جمهور آمریکا می آمد به ایران عده کثیری را می بردند به استقبال به اسم ملت، در صورتی که ملت هرگز از این امور اطلاع صحیح نداشت و هرگز حاضر نبود که استقبال بکند از شاه یا از مهمان های شاه لکن آنها عده زیادی داشتند که این کارها را انجام می دادند. من احتمال می دهم که آقای کارتر هم عدد زیادی از قبیل سازمان امنیت و اشخاصی که مربوط به خودش است داشته باشد و آنها به دانشجویهای ما در خارج این اهانت ها را می کنند و این سختی ها را می گیرند و خود آقای کارتر هم که آقای انساندوستی است دانشجویهای ما که برای تحصیل علم آنجا رفتند، در آنجا آنطور با آنها رفتار می کند و وادار می کند که آنها را اذیت کنند، وادار می کند که سگ به جان آنها بیندازند و آنطور جنایات را بکنند. این آقای انساندوست وضعش این است و ما که یک ملت مظلومی هستیم ما می خواهیم که آن کسی که به ما خیانت کرده است خودش و اساس کارها معلوم بشود.

سوال: ولی این جواب این نیست که آیا به اصطلاح اسرا آزاد خواهند شد یا نه؟ و ایشان آن جواب را می خواهند.

جواب : جواب شد، برای اینکه اسرا یعنی ملت نمی گذارد، ملت ما می خواهد و نمی شود غیر از این ما برخلاف ملت نمی توانیم عمل بکنیم .

سوال : آیا این اسرا بنابراین همین جا خواهند ماند برای همیشه ؟

جواب : خواهند بود تا شاه بیاید. اختیار این اسرا در دست کارتر است . این اسرا را می تواند کارتر اینجا آزاد کند مادامی که بفرستد مجرم ما را به ما تحویل بدهد و ما هم اسرا را.

سوال : و تنها در آن صورت است که شاه برگردانده بشود، در غیر این صورت و لا غیر؟

جواب : نه خیر اینقدر بخواهد سوال کند بیشتر از یک سوال را جواب نمی دهم . نه خیر بگوئید من وقت ندارم . ما باید، بیشتر از این وقت ندارم سوال کنید جوابتان را بدهم .

سوال : البته من نظرم این است که فقط مشخص بشود و هیچ جسارت خاصی ندارم .

جواب : مشخص است دیگر صحبتی نیست . مشخص است دیگر، نه وقت نیست ، طولانی نمی شود. من اینطور که طولانی می خواهد صحبت کند حالم مقتضی نیست و آنوقت جواب های دیگرش می ماند. اگر میل دارند همین یک جواب را بحث کنند.

سوال : حضرت آیت الله ، آقای کارتر می گوید که ، دولت ایران را متهم به عملیات تروریستی می کند و مصر می گوید که اگر خدای ناخواسته چنانچه صدمه ای به این اسرا وارد بشود رژیم شما مسؤول این مساله خواهد بود.

جواب : ملت سی و پنج میلیونی تروریست هستند؟! از آقای کارتر باید پرسید که تشخیص شما در مسائل سیاسی هم همین طور است که یک ملت سی و پنج میلیونی که همه پشتیبانی از اینها کردند باز شما می گوئید تروریست هستند! من دیدم کلامی که از ایشان صادر شده است . مع الاسف کلام عاقلانه ای نبوده است که اینها دانشجو نیستند اینها لات هستند، اینها تروریستند. شما دانشجوها با لات در منطق شما یکی هستند؟! لات ها و اراذل با دانشجوها را شما در منطقتان یکی می دانید؟! توهین به دانشجوها در سراسر کشورهای عالم نیست این مطلب ؟ ملت ما را شما تروریست می دانید؟ تشخیص شما در مسائل سیاسی هم همین طور است که ملت ما را تروریست بدانید؟! شما مطمئن باشید که ملت ما مسلم است و مسلم

تروریست نیست و با اینها با کمال رأفت عمل می کند، بهتر است از معامله شما با دانشجوهای ما در خارج کشور که آنطور شما دارید عمل می کنید. آیا عمل شما تروریستی است که دانشجوهای ما را آنطور اذیت می کنند و سگ ها را به جان آنها می ریزند، یا نگهداری اینها در یک محفظه ای که محل خودشان بوده است و همه جور آسایش برایشان فراهم است و آمدند دیدند و ما اجازه دادیم که هر روز بروند آنها را ببینند؟ این عمل تروریستی است یا این عمل انسانی است؟ و اعمالی که امثال شماها انجام می دهید یک اعمالی است که شبیه به اعمال تروریستی است.

سوال: حضرت امام، آقای سادات رئیس جمهور مصر که یک مرد بسیار مذهبی و یک مسلمان هست می گفتند که (با عرض معذرت از جسارت) که گفته ایشان نیست اینکه شما آبروی اسلام را می برید. در واقع ایشان جسارتش را به حدی رسانده که حضرت امام را یک مرد دیوانه توصیف کرده، ممکن است استدعا بکنم که حضرتعالی نظرتان را در مورد این اظهارات آقای سادات بفرمائید؟

جواب: اسلامی که پیش انور سادات هست غیر از اسلامی است که پیش مسلمین هست. اسلام انور سادات با مخالفت نص قرآن می سازد. قرآن کریم نصش هست که با دشمن های اسلام دوستی نکنید و ایشان با کارتر و بگین دوستی کردند برخلاف مسلمین. معلوم می شود که الفاظ در نظر شما هم یک معانی دیگری پیدا کرده است که او را مذهبی متعهد به اسلام می دانید و او را یک مسلم صحیح می دانید. در قرآن کریم هست کسانی که با دشمن های اسلام دوستی می کنند اینها مسلم نیستند. آقای سادات ادعای اسلام می کند لکن با دشمن های اسلام به مسلمین حمله می کند. آقای سادات می داند که در جنوب لبنان از دست اسرائیل چه می گذرد و بر فلسطین از دست این جانی چه می گذرد و او با او دوستی می کند و باز خودش را مسلم می داند. کارهای ایشان را باید با معیارهای اسلامی سنجید تا ببینیم که آیا آبروی اسلام را ایشان حفظ کردند و کارهای ملت ما را باید با معیارهای اسلامی سنجید تا ببینیم به اسلام خیانت کردند، آبروی اسلام را بردند. کارهای آقای سادات همین هاست که گفتم و امثال اینها، حتی ملت خودش هم با او موافق نیستند و مسلمین هم او را محکوم کردند. و اما کارهای ما از این قبیل است که ما یک ملتی بودیم در تحت فشار آمریکا و دیگر ابرقدرت ها، استقلال ما از دست رفته بود، آزادی ما از دست رفته بود، ذخائر ما به باد رفته بود و ما قیام کردیم، برای اینکه آزادی خودمان را به دست بیاوریم، قیام کردیم برای اینکه استقلال خودمان را به دست بیاوریم. آیا آقای سادات قیام برای حفظ استقلال، قیام برای حفظ اسلام، قیام برای تحقق جمهوری اسلامی را برخلاف اسلام می دانند؟! و آبروی اسلام را در خطر

می دانند که یک ملتی جباران را از بین ببرد و رژیم شاهنشاهی را از بین ببرد و رژیم جمهوری اسلامی برقرار کند؟ آیا این آبروی اسلام را از بین می برد؟! آیا ما که یک جانی را می گوئیم باید بیاید و محاکمه بشود، جانی که به اسلام خیانت کرده است، به قرآن کریم خیانت کرده است، به ملت مسلم خیانت کرده است، آیا ما که او را برای محاکمه می خواهیم آبروی اسلام را بردیم یا کسی که می گوید که طیاره من حاضر است برای پذیرفتن او و یک کسی که خیانتکار به اسلام و مسلمین است شما پذیرایی می کنید، آیا شما خیانت به اسلام کردید و آبروی اسلام را بردید یا ملت ما که می خواهند این جانی را بیاورند و محاکمه کنند و آن جنایاتی که کرده است و آن خیانت هائی که کرده است فاش کنند؟ این معلوم می شود که الفاظ اسلام و الفاظ خیانت، آن محتوای خودش را طور دیگری پیش آقای سادات هست، بنابراین اینها باید تصحیح بشود، محتوای هر کلمه ای باید به همان معنای خودش باشد.

سوال: بنابراین آیا سادات خائن به اسلام است؟

جواب: خیانت به اسلام و مسلمین کرده است. اینکه با کارتر و بگین در کمپ دیوید آن قرارداد را کرده است برخلاف مصالح مسلمین، این خیانت به اسلام است. اینکه حمایت از خائن بر مسلمین می کند خیانت به اسلام است. اینها همه خیانت به اسلام است و سادات خائن به اسلام است و من از ملت مصر می خواهم که این خائن را برکنار کنند، چنانکه ما آن خائن را برکنار کردیم.

سوال: حضرت آیت الله، در ازا آزادی اسرای زن و سیاهانی که دستور فرمودید، شما چه انتظاری از دولت آمریکا دارید؟

جواب: ما آزادی زن ها را و آزادی سیاه ها را برای این قائل شدیم که زن ها در اسلام یک احترام ویژه دارند و سیاهپوستان هم تحت فشار آمریکا بودند و ظلم بر آنها شده است و آنها را ما آنطور مقصر نمی دانیم بلکه آنها شاید تحت فشار بودند که اینجا آمدند و لهذا ما برای امثال امر اسلام و خدا این عمل را کردیم و انتظاری از آقای کارتر نداریم و پاداشی نمی خواهیم، تمام مطلب ما این است که کارتر، این خیانتکار را به ما پس بدهد و شخص مجرمی که در یک مملکتی به یک ملتی جرم کرده است، در تمام قوانین دنیا این است که باید پس داده بشود به خود آن مملکت و ایشان _ بر تمام _ برخلاف تمام موازین عقلی و عقلائی عمل می کند.

سوال: حضرت آیت الله، به نظر ما یک مرد بسیار بسیار مهربان می آید، یک مرد مقدسی، چهره

مقدس‌سی دارید. خیلی قیافه حضرت آیت الله مردمی هست و من هم به عنوان یک انسان فقط آرزو می‌کنم، دعا می‌کنم که خدای ناخواسته هیچگونه آسیبی به اصطلاح وارد نشود به روابط بین دو تا مملکت، چیز خارق‌العاده‌ای پیش نیاید.

سوال: حضرت امام آیا جنابعالی یا به طور کلی ایران در حال حاضر با امریکا در حال جنگ هستید؟

جواب: جنگ مقصود چیست؟ اگر مقصود این است که نظامی‌های ما با نظامی‌های امریکا در حال جنگند، همچو چیزی نیست و اگر جنگ اعصاب است، آقای کارتر جنگ اعصاب دارد پیش می‌آورد و ما از همه جنگ‌ها همیشه گریزان هستیم و ما ملتی هستیم که مسلم هستیم و سلم را برای همه ملت‌ها آرزو داریم، لکن آقای کارتر نمی‌گذارند این سلم باقی باشد. بقاً این سلم برای ما و برای ملت امریکا و برای ملت‌های منطقه به این است که آقای کارتر این انساندوستی‌شان را یک قدری کنار بگذارند و شاه..... کار نیست و ما با ملت امریکا ابداً خلافتی نداریم، نزاعی نداریم، ملت امریکا هم مثل سایر ملت‌ها پیش ما هستند و ما در سلم هستیم با همه ملت‌ها، لکن اگر چنانچه یک وقت آقای کارتر بخواهد یک عملی انجام بشود که برسد به آن مسائل، ما از آن هم استقبال می‌کنیم.

سوال: اگر حضرت آیت الله اینقدر اطمینان داشتید که سفارت امریکا یک لانه جاسوسی هست، چرا سفارت را تعطیل نفرمودید؟ چرا با امریکا قطع رابطه نفرمودید؟ چرا صبر کردید تا یک گروه جوان‌های ایرانی بروند و این کار را انجام بدهند، سفارت را تصرف بکنند؟

جواب: ما هرگز احتمال نمی‌دادیم که یک سفارت مرکز جاسوسی باشد و جوان‌های ما اگر این احتمال را دادند و رفتند آن غیر از آنی است که من احتمال بدهم، من احتمال این مطلب را هرگز نمی‌دادم، من احتمال نمی‌دادم که آقای کارتر برخلاف همه موازین بین‌المللی عمل بکند و اینجا را مرکز جاسوسی و مرکز توطئه و مرکز حکومت بر ملت قرار بدهد ما حالا بعد از اینکه جوان‌های ما رفتند و شاید آنها روی این احتمالات رفته باشند که من نمی‌دانم که آنها روی چه احتمال رفتند و مورد تأیید همه ملت‌ها شده است، الان ما فهمیدیم این مساله را و ما این مرکز جاسوسی را خواهیم بست و مادامی که کارتر در رأس امور است معلوم نیست که بتوانیم با دولت امریکا همکاری داشته باشیم.

سوال: ولی کارتر تا حداقل یک سال دیگر رئیس‌جمهور خواهد بود.

جواب : خوب قضیه روابط مربوط به دولت است و ما هر وقت توانستیم که صلاح دیدیم که روابط را به کلی قطع کنیم و دولت صلاح دانست این کار خواهد شد.

سوال : آیا این چیزی است که مورد بررسی هست در حال حاضر، آیا این قطع روابط یک چیزی است که الان دارد روی آن فکر می شود.

جواب : بررسی می شود.

سؤال : اجازه می فرمائید دو تا از سوالاتی که قبول فرمودید سوال کنند؟ در سال هزار و نهصد و هفتاد و شش ایشان از قرار با شاه مصاحبه ای کردند در کاخ نیاوران و در آن مصاحبه برای شاه قمست هائی از روانشناسانی که مال سازمان سیا بودند برایش خواندند، آنها این مرد را خیلی زیرک ولی قدرت طلب و خطرناک بررسی کرده بودند، هفته گذشته روزنامه نیوزویک تایم با جسارت بسیار در این مورد راجع به حضرت آیت الله نظر داد، نظر عده ای از شخصیت‌های مختلف را جویا شد، در واقع حضرت آیت الله یک روانشناسی گفت که روحیه انتقام در وجود شما بسیار قوی است ، ممکن است استدعا کنم در این مورد توضیح بفرمائید نظرتان را.

جواب : این روانشناس ها حفظی صحبت می کنند یا سیاسی ، حفظی بدون بررسی یا از روی سیاست بحث ها را می کنند. اما شاه را می گفتند که آدم باذکاوتهی است ، اگر ذکاوت داشت مبتلا نمی شد به این ابتلائی که الان مبتلا شده است و به نصیحت علما اسلام گوش می کرد، اینکه مبتلای به این بلیات شد برای این است کودن بود و ذهنش صاف بود، نه .

و اما آن جهت دیگر که خودخواه و قدرت طلب و اینها بود، همین طور هست و شاید یک مقدار هم برای همین جهت بود که ابتلائات پیدا کرد، و اما راجع به اینکه ، انتقامجو هستیم ، این را باید شما خودتان از این ملت و از این اجتماع ملت بر یک مطلب توجه داشته باشید، آیا سی و پنج میلیون جمعیت ما همه انتقامجو هستند و از روی انتقامجویی همچو قیامی کردند؟ یا سی و پنج میلیون خودشان را خواستند از زیر بار ظلم و ستم و چپاولگری و اینها خارج بکنند؟

این ملتی که می خواهند آزاد باشند، به کسی که آزادی آنها را سلب کرده است با او مخالفت می کنند این در لغت شما و در لغت این روانشناسان انتقامجویی است ؟ یک ملتی که می خواهند استقلال خودشان را به دست بیاورند و در مقابل کسانی که استقلال آنها را از آنها گرفته است قیام کردند، و نهضت کردند این در لغت روانشناسان شما انتقام جویی است ؟

ما چه انتقامجویی داریم ما می خواهیم که این شخص بیاید اینجا و ما جنایاتی که او کرده است اصولش و ریشه هایش را پیدا بکنیم و ملت های دنیا را خبردار بکنیم از اینکه دشمن بشریت چه اشخاصی هستند این انتقامجویی نیست ، بلکه این یک امر انسانی است که ملت قیام به او کرده و برای دفاع از خودشان قیام کردند، دفاع از مصالح یک مملکتی در لغت ما اسمش انتقامجویی نیست ممکن است در لغت روانشناسان شما اسمش انتقامجویی باشد و لغت ها جای خودش را عوض کرده باشند.

سوال : حضرت امام اجازه می فرمائید که ایشان بروند به سفارت سابق آمریکا و با گروگان ها صحبت بکنند و از سلامتی شان به اصطلاح و رفتار خوبی که با آنها می شود به دنیا بگویند.

جواب : مانعی ندارد خوب بروند آنجا جوان های آنجا هستند و آنها هم مانعی پیششان نیست که کسی برود ببیند _ آنها _ ببینند آنها سالمند و حالشان خوب است و در رفاه هستند ابد چیزی که موجب گرفتاری آنها باشد نیست ، فقط در یک محلی هستند که حفاظت می شوند و شما مطمئن باشید که آنها حفاظت می شوند و ابد آسیبی به آنها نخواهد وارد شد، اسلام اصلش با این امور با اسیر اسلام بسیار رفتار انسانی می کند و او را از همه جهات حفظ می کند و ما هم تابع اسلام هستیم و جوان های ما هم دانشجویهای اسلامی هستند و به آنها حتما بدانید که رفتار خوب می کند حتی من پسر را گفتم که باید آن جهت را شما گوشزد کنید و خودتان مشاهده کنید و ایشان گفتند که نه آنها حالشان خوب است و من امیدوارم که تا آخر هم حال اینها خوب باشد و ابد آسیبی به آنها وارد نشود و آنها از آمریکا بخواهند و از کارتر بخواهند که وسائل آزادی آنها را او فراهم کند، ملت ما یک امر مشروعی دارد، یک حرف مشروعی دارد این حرف را قبول کنند، اینها هم آزاد خواهند شد.

سوال : اجازه می فرمائید بگویم فقط خودشان بروند، می فرمائید که خودشان تنها بروند.

جواب : این را باید با آنها تفاهم کنند.

فرمان امام خمینی به حجت الاسلام نوری

بسمه تعالی

جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج میرزا حسین نوری دامت افاضاته

با توجه به درخواست هائی که از سوی دانشجویان اسلامی مقیم اروپا در مورد اعزام جنابعالی به اروپا شده است ، مقتضی است جنابعالی با سوابقی که دارید مسافرتی بدانجا بنمائید و از نزدیک به وضع آنان و احتیاجات و کمبودهائی که دارند رسیدگی کنید و در رفع آنها به هر نحو صلاح می دانید اقدام نمائید و به وظیفه حساس و خطیری که در این برهه از زمان دارند آنان را آشنا سازید تا به یاری خدای تعالی توطئه های دشمنان اسلام و معاندین را خنثی نمایند و از راه انتشارات و سخنرانی ها و دیگر وسائل ، جلوی تبلیغات شوم آنها را بگیرند. از خدای تعالی موفقیت همگان را در این راه خواستارم . سلام اینجانب را به عموم آنان ابلاغ نمائید.

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 210

بیانات امام خمینی در دیدار با جمعی از روحانیون

محرم امسال، ماه مبارزه با ام الفساد قرن آمریکا

بسم الله الرحمن الرحيم

این ماه محرم با ماه محرم سابق فرق ها دارد، از جمله فرق ها این است که ما در ماه محرم سابق مواجه بودیم با دستگاه ستمکار پهلوی چون دستگاه شاخه ای از فساد ام الفساد بود و در این ماه، در این ماه محرم مواجه هستیم با ام الفساد، با آنهایی که همه ملت های ضعیف را تحت سیطره خودشان قرار داده اند و در هر جا یک ماموری گذاشتند سر ملت ها برای چپاولگری. بحمدالله در آن مبارزه با آن شاخه کثیف به همت ملت عزیز ما و همت شما آقایان اهل منبر و خطبای سراسر کشور و خصوصاً قم که مبدأ خیرات همیشه بوده است، بحمدالله ملت ما با اتکال به خدای تبارک و تعالی و وحدت کلمه پیروز شد.

کارتر و امثال او، توده های بزرگ ملت ها را، جزء جهان حساب نمی کنند

آقای کارتر در یک کلامی گفته است که اگر چنانچه این اشخاص دیپلمات را که در این لانه جاسوسی هستند بخواهند بازداشت داشته باشند و آنها را محاکمه کنند خشم جهانیان برانگیخته می شود. جهان در نظر این مستکبرین غیر جهان است. مستکبرین، جهان را از آن دید خاص خود استکباری و آن بیماری روحی که در آنها هست نگاه می کنند و این بیماری موجب این شده است که توده های بزرگ ملت ها را اینها از جهان حساب نمی کنند. آقای کارتر خودش و یک عده ای که شاید تمام جمعیتشان را ما حساب بکنیم در تمام مملکت ها از این قریب سه میلیارد جمعیت دنیا پنجاه هزار نیستند. آنهایی که سران دولت هائی هستند که دیگران را وادار به جور و تعدی می کنند. این دید امثال ایشان این است که همه ملت ها، اینها چیزی نیستند، آنی که جزء جهان است و جهان است عبارت است از یک عده معدودی امثال کارتر و دار و دسته او و آنهایی که در سایر جاها هم مع الاسف جزء دار و دسته او شده اند، همه جهان را عبارت از این می دانند. این دید مستکبرین است که سایر قشرهای بزرگ ملت ها را آنهایی که دریایی هستند که کارتر و امثالش قطره است در مقابل آن دریاها، آنها را اینها نمی بینند یعنی این بیماری، اسباب این شده است که آنها را نبینند، از این جهت وقتی که در اریکه ریاست جمهور نشسته است و با آن دید بیمارگونه نگاه می کند و می بیند که چند تا وزیر در فلان جا و

چند تا مثلا- اشخاصی که راجع به مجالس خودشان هست و اینها، یا در جاهای دیگر عددی از این وابسته ها ممکن است که اینها خشمشان چه بشود، ایشان اینها را جهان حساب می کند و می گوید که اگر چنانچه این دیپلمات ها را (اینها را دیپلمات حساب می کند) اینهایی که جاسوسی شان به حسب شواهد ثابت شده است، اینها را دیپلمات حساب می کند و جهان را هم عبارت از همان که خودش بیند حساب می کند. این بیماری تا یک اندازه ای هم در محمدرضا بود و همین بیماری اسباب این شد که از بین رفت او. این بیماری که خودش را ببیند و چند تا از این تملق گوهایی که اطرافش هستند و آن دلچک هائی که دور و برش هستند، همین ها را ببیند و ملت را اصلا به حساب نیاورد، نفهمد که هر مملکتی ملتش اساس هستند، دولت ها یک اقلیتی هستند که باید برای خدمت این ملت باشند و اینها فهمند که دولت خدمتگزار ملت باید باشد، نه حاکم بر ملت. این بیماری در آن آدم هم بود که خودش را همه چیز می دانست و خودش را فرمانفرما و خودش را همه ملت می دانست دیگر برای دیگران اصلا چیزی قائل نبود و همین اسباب این شد که به این ملت این خیانت ها را کرد، همه آن خیانات هم روی همین خیال بود که نمی دید کسی را که بازخواست کند از ایشان، به نظرش نمی آمد که یک قدرت دیگری هم هست در مقابل سرنیزه و در مقابل مسلسل یک قدرت دیگری هم هست و این بیماری اسباب این شد که او مشغول شد به آن جنایات، روی همان زمینه که قدرتی غیر از خودش نمی دید و منتهی شد به اینکه دیدید و دیدیم. ایشان هم همان بیماری را یک قدری بیشتر دارد برای اینکه این بیماری در هر چه قدرت زیادتر باشد این بیماری در آن زیادتر است.

پناه دادن این مجرم (شاه) خودش یک شکست سیاسی است برای کارتر، لکن نمی تواند بفهمد

در شکست شاه، آمریکا (یعنی دولت آمریکا، ما هر وقت از آمریکا صحبت بکنیم یا از جای دیگری، مگر اینکه اسم ببریم، ملتشان مراد نیست ما با ملت ها هیچ مقابله ای نداریم. ملت ها هم با ما مقابله ندارند، ملت آمریکا) در شکست محمدرضا یک شکست اقتصادی خورد و یک قدری هم شکست سیاسی و هر چه هم کوشش کرد آقای کارتر برای اینکه محمدرضا را نگهدارد و اخیرا هم کرارا پیش ما فرستاد که مثلا ایشان باشد و فلان و بعد هم بختیار را می خواست نگه دارد ولی نتوانست و شکست خورد. آن یک شکستی بود، گر چه بزرگ بود لکن در مقابل این شکست دوم که خواهد خورد کوچک است. پناه دادن یک نفری که مجرم است و قریب سی و چند سال مجرم بوده است و 35 میلیون جمعیت ما به مجرمیت او شهادت می دهند (یک عده ای ممکن است که بدانند و شهادت ندهند) لکن 35 میلیون جمعیت دانند و صدها میلیون جمعیت سایر ممالک دنیا می دانند که این آدمی مجرم بود، آدمی ستمکار بود، جنایتکار بود و این ملت را آنقدر در جنایت کشید و این ملت را آنقدر محروم کرد و آنقدر حبس و تبعید و کشتار کرد، پناه دادن این، خودش یک شکست سیاسی است در دنیا لکن بیماری که آقای کارتر به آن مبتلاست این را نمی تواند بفهمد و باقی گذاشتن این

اشخاصی که جاسوس هستند و در این لانه جاسوسی هستند و نفرستادن این مجرم ملت ما را به ملت ما برنگرداندن ، این هم یک شکستی است که از این شکست دومی بالاتر است برای اینکه اگر ایشان نفرستند، ممکن است که اینها محاکمه بشوند و اگر محاکمه بشوند، کارتر می فهمد چه اش هست ، چه خواهد شد.

ما روی موج های نفت نشسته ایم ، و دنیا نفت می خواهد

کارتر گاهی ما را از نظامی ، گاهی ما را از جهات اقتصادی می ترساند و خودش هم می داند که این طبل میان تهی است که دارد می زند و نه همچون عرضه نظامی دارد و نه از او گوش می کنند. باز این اشتباه روی همان بیماری که این ابرقدرت ها دارند، این باز یک اشتباهی است که گمان می کند که تمام کشورها مثل یک انگشتر در دست اوست که اگر یک وقت گفت که مثلاً گندم نفروشید به ایران ، تمام کشورها دستشان را به سینه می گذارند و تعظیم می کنند و می گویند چشم ، و ایشان فهمید این را که حتی در کشور خودش هم از او اطاعت نکردند، وزیر کشاورزی خودش هم گفت که امری است غیر صحیح . و ما چه احتیاجی داریم به گندم آمریکا، ما نفت داریم ما آن را داریم که آن سیاستمدار بزرگ انگلستان در زمان جنگ (چرچیل) وقتی که مواجه بودند با آلمان و تقریباً (از ترس اینکه حالا دیگر باید شکست بخورند، وقتی که آمد در ظاهر (در مجلس انگلستان صحبت کرد و مصیبت های خودش را که ما چه شدیم ، چه شدیم ، کجا شکست خوردیم ، آخرش گفت که اما پیروزی مال آن است که روی موج های نفت نشسته است . ما روی موج های نفت نشسته ایم . شما غارت کردید ما را، نفت های ما را بردید در ازای آن به ما تفنگ و توپ دادید، آن توپ و تفنگی که و آن سلاح هایی که برای خودتان بود، نه برای ما. ما نفت داریم ، دنیا نفت می خواهد، آمریکا را نمی خواهد دنیا. دنیا کارتر را نمی خواهد، دنیا نفت می خواهد. ما که نفت داریم ، مملکت های دیگر به ما خضوع خواهند کرد، نه تو که می خواهی ریاست جمهوری پیدا بکنی راهش را نمی دانی تمام دست و پاهای این برای این است که در بعد از اینکه این دوره گذشت باز او را رئیس جمهور کنند لکن سوراخ دعا را گم کرد او خیال می کرد که اگر ارباب کند مملکت ایران را و اگر بگوید ما حصار اقتصادی دور ایران می کشیم و به اقتصاد ایران ضرر زنیم ملت ملت او برای او دست می زنند و بعد هم چنین می شود که رئیس جمهور بشود لکن فهمید این معنا را که الان قشر بزرگی از ملت که سیاهپوست ها بودند از او جدا شدند. پانصد نفر از ملاحای ، روحانیون مسیحی سیاهپوست برخلاف او چیز کردند. و برای ایران تظاهر کردند و بعد هم دیگران خواهند کرد جز آنی که آنها را از جهان می داند، بله آن عده ، اگر جهان عبارت از آن عده ای است که رفیق و دوست آقای کارتر هستند، تمام جهان با اوست نه آمریکا و اما اگر جهان آنی است که هست و به دوش مستضعفین است ، جهان عبارت از مستضعفین هستند، اگر جهان عبارت از آن واقعیتی است که هست ، که مستضعفین هستند که جهان را اداره می کنند و این مستکبرین جز فساد ایجاد نمی کنند چیز دیگر، جهان اگر آن هست آن جهان با شما موافق نیست . آن جهان موافق نیست که

یک رئیس جمهوری که ادعا می کند که من طرفدار حقوق بشر هستم ، آنقدر بشر را به تباهی بکشد و آنقدر بکشد. یک کسی که دعوی این می کند که من حقوق بشر را حفظ می کنم از او نمی پذیرند که تویی که می گویی من حقوق بشر را حفظ می کنم ، ایران بشر هستند، ایرانی ها بشر هستند، چه شد که در حکومت شما این چند سال و در حکومت اسلاف شما پنجاه سال این ملت اینهمه زجر دیدند و نه شما و نه اسلاف شما که مدعی این هستید که ما طرفدار حقوق بشر هستیم و نه مجلس هایی که تاسیس کردید، شماها برای اینکه ما را بازی بدهید هیچ یک کلمه ای نگفتید که چرا محمدرضا این کارها را می کند بلکه طرفداری کردید از او، بلکه کوشش کردید که باقی بماند او. مضحک این بود که در آنوقتی که شدت خفقان در ایران بود کارتر می گفت که آزادی زیاد به ایران دادند از این جهت این صداها درآمده است !! مردم فریاد که می زنند می گویند آزادی می خواهیم چون آزادی شان زیاد است !! اینها تخمه کردند از آزادی !! این روی همان بیماری است که اینها دارند.

ملت از موضع بحق خود یک قدم به عقب نخواهد رفت

ایشان گمان نکنند که ما یک قدم عقب برویم راجع به این مساله ای که داریم و این چیزی که حق ماست در دنیا، همه دنیا می دانند که در همه قوانین بین المللی است که مجرم باید برگردد در همان محلی که جرم کرده است و در آنجا محاکمه بشود. ما این مجرم را از او خواهیم که در اینجا محاکمه بشود. بله اگر مجرم ما را برگردانند، این خانه را هم که ما می بندیم ، خانه جاسوسی اینجا دیگر قابل این نیست که یک سفارتخانه ای بشود، مگر این بساط جاسوسی به هم بخورد و بخوانند یک سفارتخانه ای بشود، مگر این بساط جاسوسی به هم بخورد و بخوانند یک سفارتخانه باشد، نه یک محل جاسوسی ممکن است ، آن هم نه مسلم . ممکن است اگر او را برگردانند و این لانه جاسوسی را به هم زدند، روابطی که برای ما نفع دارد محفوظ باشد و مادامی که آن شخص در آنجا هست ما روابطمان را قطع نمی کنیم از باب اینکه باید اینها را حفظشان کنیم . اینهایی که الان بین ما هستند اینها جاسوس هستند، نه دیپلمات . معلوم شد که ایشان باز با آن دیدی که دارند و روی آن بیماری روانی که دارند و امثال اینها دارند، جاسوس ها را هم جزو دیپلمات ها می دانند. اینها باید خودشان را عوض کنند. این سران کشورهای بی که با ملت هایشان آنطور رفتار می کنند، با مستضعفین جهان آنطور رفتار می کنند، اینها باید افکارشان را عوض بکنند. این افکار دیگر در دنیا خریدار ندارد، این مال یک زمانی بود که آنوقت باز مردم بیدار نشده بودند. مردم در همه جا الان چشم و گوششان را باز کرده اند. ما می بینیم که در ظرف این چند سال و خصوصا این دو سال آخر کشور ما تحول در آن پیدا شده ، یعنی افراد یک افراد دیگر شدند، افراد همان هستند لکن افکارشان یک افکار دیگر شده ، عوض شده است این افکار. همانطوری که ملت ها تغییر و تحول پیدا کردند و این ملت ها، آن ملت های خواب نیستند که شما حکومت کنید برشان و آنها تسلیم محض باشند، شماها هم ، این سران کشورها اعم از آمریکا و غیر آمریکا باید خودشان را عوض بکنند، اگر خودشان را عوض نکنند، برای خودشان صلاح نیست و به تباهی کشیده می شوند.

مادامی که ما با هم اختلاف داریم ، این قدرت های بزرگ از ما استفاده می کنند

این را من گاهی با اشخاصی که از خارج آمدند گفتم که مشکل دولت ها یکی مشکله بین خودشان و ملت هایشان است . یک اشکال ، اشکالی است که بین ملت ها و دولت هاست که دولت ها خودشان را فرمانفرما و ولی امر و همه چیز می دانند و برای ملت هیچ قائل نیستند از این جهت از پشتیبانی ملت محرومند. ما آن چیزی را که مشهودمان بود همین خود ایران بود که در ایران مادامی که حکومت خودش را مسلط بر مردم ، فرمانفرمای مردم می دانست و شاهنشاه می دانست و آریامهر می دانست ، ملت همراه او نبود. اگر ملت همراه او بود ممکن نبود که از اینجا جای دیگر برود. این تحول پیدا کرد به یک حکومت دیگری که این حکومت دیگر البته محتوایش تا حالا باز اسلامی نیست اما یک نسیمی از اسلام آمده ، یک نسیمی آمده است همین مقدار که یک نسیمی آمده است دولت ها خودشان را فرمانفرما دیگر نمی دانند، همچو نیست که بفرستند و بگیرند و بزنند و حبس کنند، هیچ چنین چیزی نیست ، وقتی که آنها فرمانفرما نداشتند، ملت پشتیبانشان است . شما می بینید که الان هر اشکالی که برای دولت پیدا بشود ملت خودش پیشقدم است برای رفع آن . اگر این دولت ها از آن بیماری که عرض کردم بیرون بیایند و حل این مشکل ها را بکنند، حالا من راجع به این دولت های اسلامی می گویم این را، آن دولت های خارجی سر جای خودشان ، من برای این دولت های اسلامی می گویم که این دولت های اسلامی این مشکله را رفع بکنند، این مشکل کلیدش دست خودشان است ، عبرت بگیرند از ایران و وضع این دو حال که زمان محمدرضا و این زمان . آن روز اگر یک مشکلی برای دولت پیدا می شد ملت اگر این مشکل را اضافه نمی کرد رفع هم نمی کرد، اگر می توانست ، اضافه اش هم می کرد. امروز همین ملت اگر برای دولت یک پیشامدی بکند ملت خودش پیشقدم است . می بینیم که همان بیماری که محمدرضا به آن مبتلا بود و به طور زیادتر کارتر بر آن مبتلاست ، آنها هم مبتلا هستند، آنها هم خودشان را می بینند و یک دسته ای که اقلیتی هستند و به آنها چسبیده اند برای منافعشان ، ملت خودشان را نمی بینند، اصلا توجه ندارند که ملت هم یک چیزی است . و لهذا برخلاف موازین اسلامی ، برخلاف موازین عدل و انصاف هر چه ظلم می توانند بکنند به این مستضعفین بکنند جمع می کنند و می دهند به آن عده ای که دوروبرشان جمع است . اگر مشکلی برایشان پیدا بشود، ابتدا (ملت با آنها همراه نیستند، پشت می کنند ملت به آنها. اگر این مشکله را حکومت ها رفع بکنند، حالشان خوب می شود. و اگر مشکله بین خودشان هم رفع بکنند که با هم اینقدر اختلافات نداشته باشند، از تحت یوغ این ابرقدرت ها در می آیند. مادامی که ما با هم اختلاف داریم ، این قدرت های بزرگ استفاده از ما می کنند. مسلمین اگر با هم مجتمع بشوند، حکومت ها با هم تفاهم کنند ملت ها تفاهم خواهند کرد، ملت ها مخالف نیستند با هم ، حکومت ها نمی گذارند که ملت ها با هم تفاهم کنند. اگر این مشکله حکومت برداشته بشود از ممالک اسلامی ، هیچ قدرتی بالاتر از قدرت اسلام نیست و مسلمین برای اینکه بیش از یک میلیارد جمعیت دارند با خزائن فراوان.

رمز بقای اسلام و پیروزی نهضت، حفظ سنگر مساجد و مراسم سوگواری سیدالشهدا و روضه خوانی

ما حالا- بیائیم سراغ تکلیفمان در این زمان که مواجه هستیم با این قدرت بزرگ و با آن توهماتی که در ذهن این آقا هست. ما باید همانطوری که در این یک سال از محرم سال قبل و یک قدری جلوترش تا آنوقتی که سقوط کرد محمدرضا عمل کردیم، حالا هم همانطوری باید باشیم. حالا باید بیشتر قشرهای مختلف ملت به هم پیوند کنند. آن روز ممکن بود که یک دسته ای باشند که مثلا به خیالشان که خوب شاه مملکت است (از این حرف ها داشتند) شاه مملکت است خوب از خودمان است، ظل الله است، از این مزخرفات. در صورتی که ظل الله یک مساله ای است که اگر این صادر باشد از ائمه علیهم السلام برای حکومت ها کار را خیلی مشکل می کند برای اینکه ظل، سایه، آن چیزی است که از خودش هیچ ندارد، هر حرکتی هست از ذی ظل است. ظل الله پیغمبر اعظم است که از خودش هیچ نیست، هر چه هست وحی است، هر چه هست از خدای تبارک و تعالی است. اگر این مطلب را که وارد شده باشد که السلطان ظل الله، فاتحه همه سلاطین عالم را می خواند برای اینکه اینها ظل الله نیستند، اینها شیطانند. منتها این منطق ها با اشتباهاتی هم بود در کار. حتی از یک معمومی فاضل هم هست، کسی نقل کرد که من در مکه بودم، در همین گیرودارهایی که شاید همان سال قبل بوده، در همان گیرودارهای ما، شماها، با این شخص گفت من در مسجدالحرام نشسته بودیم رو به کعبه، گفتم که خوب اینجا الان خوب است دعائی بکنیم گفت نه ما تکلیف مان این است که عین آن به این معنا که دعا کنیم برای حفظ او... خوب این منطق ها گاهی بود اما این منطق ها نسبت به قدرت های خارجی اگر هم باشد خیلی کمتر است. دیگر خیلی اشتباه باید باشد یا خیلی خیانتکار انسان باید باشد که ملتش اگر با خارج هم، آن هم خارجی که غیر خودمان هست، خارجی که معلوم نیست که حالا آن هم خیلی به مبانی مذهبش هم عمل که حتما (نمی کند، خوب معلوم نیست اقتدایش هم خیلی باشد و با ملت ما مخالف است، در ملت ما باز قشری باشد که خلاف ملت باشد و موافق او، این باید خیلی کم باشد و لهذا در این زمان باید این وحدت قوی تر باشد، اگر آنوقت هم یک نق و نقی بود، حالا دیگر نباید باشد باید همه دستجمعی با هم باشیم و این راه را برویم و مطمئن باشید که پیروز خواهید شد. حق پیروز است. حق پیروز است منتها ما رمز پیروزی را باید پیدا بکنیم که رمز پیروزی ما چه بوده است و رمز بقای شیعه در این طول زمان، از زمان امیرالمومنین سلام الله علیه تا حالا، در زمان هایی که شیعه جمعیتش کم بوده است، ناچیز بوده است، حالا الحمدلله زیاد است اما آنوقت کم بوده، نه اینکه زیاد در مقابل دیگران، رمز بقای این مذهب و بقا ممالک اسلامی، ممالک شیعی باید ببینیم چه بوده است، ما آن رمز را باید حفظش بکنیم.

یکی از رمزهای بزرگی که بالاترین رمز است قضیه سیدالشهدا است. سیدالشهدا سلام الله علیه مذهب را بیمه کرد. با عمل خودش اسلام را بیمه کرد، نگه داشت و آن نهضتی که آن بزرگوار کرد و شکست داد ولو کشته شد لکن شکست داد بر اموی و بر دیگران، آن نهضت باید حفظ بشود. اگر ما

بخواهیم مملکتمان یک مملکت مستقلى باشد، یک مملکت آزادى باشد، باید این رمز را حفظ بکنیم، این مجالسى که در طول تاریخ برپا بوده است و با دستور ائمه عليهم السلام این مجالس بوده است، خیال نکنند بعضى از این جوان هاى ما که این مجالس، مجالسى بوده است که گریه در آن بوده است، حالا ما باید گریه دیگر نکنیم، این یک اشتباهى است که مى کنند. حضرت باقر سلام الله عليه (شما بهتر مى دانید) حضرت باقر سلام الله عليه وقتى که خواستند فوت کنند وصیت کردند که ده سال ظاهرا (که در منا اجیر کنند کسى را، کسانى را که برای من گریه کنند. این چه مبارزه اى است؟ حضرت باقر احتیاج به گریه داشت؟ حضرت باقر مى خواست چه کند گریه را؟ آنوقت هم در منا چرا؟ ایام حج و منا. این همین نقطه اساسى، سیاسى، روانى، انسانی است که ده سال در آنجا گریه کنند. خوب مردم مى آیند مى گویند چه خبر است چیست؟ مى گویند این اینطور بود. این توجه مى دهد نفوس مردم را به این مکتب و ظالم را منهدم مى کند و مظلوم را قوی مى کند. ما جوان ها دادیم. کربلا جوان ها داده، ما این را باید حفظش کنیم. این نمى شود اینطور باشد شما خیال بکنید که گریه است، خیر گریه نیست. یک مساله سیاسى، روانى، اجتماعى است. اگر قضیه گریه است تباکایش دیگر چیست؟ تباکى مى خواهد. تباکى دیگر یک چیزى شد؟ اصلا حضرت سید الشهدا چه احتیاجى به گریه دارد؟ ائمه اینقدر اصرار کردند به اینکه مجمع داشته باشید، گریه بکنید، چه بکنید، برای اینکه این حفظ مى کند این کیان مذهب ما را. این دستجاتى که در ایام عاشورا راه مى افتند خیال نکنند که ما این را تبدیل کنیم به راهپیمائى. راهپیمائى است خودش اما راهپیمائى با یک محتوای سیاسى، همانطوری که سابق بود بلکه بالاتر، همان سینه زنى، همان نوحه خوانى همان ها، همان ها رمز پیروزی ماست. در سرتاسر کشور مجلس روضه باشد، همه روضه بخوانند و همه گریه بکنند. از این هماهنگ تر چه؟ شما در کجا سراغ دارید که یک ملتى اینطور هماهنگ بشود؟ کى اینها را هماهنگ کرده؟ اینها را سیدالشهدا هماهنگ کرده است. در تمام کشورهای اسلامى، ملت های اسلامى در روز عاشورا و تاسوعا و مثلاً هشتم و چندم، این دستجات با آن عظمت (البته جهات غیر شرعى اش باید حساب بشود، باید جهات شرعى محفوظ بماند) این دستجات با آن عظمت، با آن محتوا همه جا، کى مى تواند یک همچین اجتماعى درست کند؟ در کجای عالم شما سراغ دارید که این مردم اینطور هماهنگ باشند، بروید هندوستان همین بساط، بروید پاکستان همین بساط، بروید اندونزی همین بساط، بروید عراق همین بساط، بروید افغانستان، هر جا بروید همین بساط، کى اینها را هماهنگ کرده؟ این هماهنگى را از دست ندهید. این جوان ها را اغفال مى کنند. این جوان های صاف دل ما، عزیز ما، صاف دل ما توجه به شیطنت اینهاى که تزریق مى کنند، ندارند آنها دیگران تزریقشان مى کنند اینها هم تزریق به اینها مى کنند. یک وقت بود که این دست ناپاک اجنبى آمد و بین روحانیون و قشرهای جوان را جدا کرد از هم. این اساس داشت. اینطور نبود که همین طور بیخود بیخودى باشد. هی تزریق کردند به ماها. به قشر ماها هی تزریق کردند که این فکلى ها چه، این ریش تراش ها چه، این فکلى ها چه. تزریق کردند به اینکه این آخوندها را انگلیس ها آورده اند. ماها را از هم جدا کردند، کى نفعش را برد؟ آنهایی که

می خواستند نفت های ما را ببرند. آنهایی که می خواهند نفت ما را ببرند، اینطور ما را از هم جدا می کنند، کنارمان می گذارند و این هماهنگی که ما باید داشته باشیم از بین می رود وقتی که از بین رفت این هماهنگی هر چه دلشان خواست می کنند و ما هم هیچ کاری نمی کنیم. امروز هم که نزدیک محرم است می بینیم که گفته می شود (حالا امیدوارم که صحیح نباشد) گفته می شود که بعضی از این جوان های پاکدل ما بازی خورده اند اگر یک آقایی بخواهد مثلا روضه بخواند می گویند که نه دیگر روضه لازم نیست. اینها ملتفت نیستند که آنهایی که با روضه مخالفند همان هایی بودند که با روحانیت مخالف بودند و همان هایی بودند که با دانشگاه مخالفند و همان ها هستند که با کارگر مخالفند و همان هایی هستند که با کشاورز مخالفند و همان ها هستند که می خواهند که ما را بدوشند و ما را ذلیل نگه دارند. این هماهنگی که در تمام ملت ما در قصه کربلا هست این بزرگترین امر سیاسی است در دنیا و بزرگترین امر روانی است در دنیا، تمام قلوب با هم متحد می شوند. اگر خوب راهش ببریم، ما برای این هماهنگی پیروز هستیم و قدر این را باید بدانیم و جوان های ما توجه به این مسائل داشته باشند.

دست هائی الان در کار است که می خواهند یکی یکی اشخاص موثر را از بین ببرند

جوان های ما ملتفت این معنا باشند که دست هایی الان در کار است که می خواهند یکی یکی اشخاص موثر را از بین ببرند، یکی یکی مجالس را از بین ببرند، مساجد را، محتوایش را از بین ببرند. ما همین مساجد و همین روضه ها و همین های هفتگی هم باز همین ها، همین ها توجه مردم را و همان هماهنگی را ایجاد می کند. شما اگر دولت های دیگر بخواهند یک هماهنگی بین تمام قشرها پیدا کنند میسر نیست بر ایشان، با صدها میلیارد تومان هم برایشان میسر نیست ما را سیدالشهدا اینطور هماهنگ کرده. ما برای سیدالشهدایی که اینطور هماهنگ کرده اظهار تاسف نکنیم، ما گریه نکنیم؟ همین گریه ها نگهداشته ما را. گول این شیاطینی که می خواهند این حربه را از دست شما بگیرند گول اینها را نخورند جوان های ما، همین ها هست که ماها را حفظ کرده، همین ها هست که مملکت ما را حفظ کرده. تکلیف آقایان است روضه بخوانند. تکلیف مردم است دسته های شکوهمند بیرون بیاورند، دسته های سینه زن شکوهمند. البته از چیزهائی که برخلاف مثلا چه هست از آنها پرهیز کنند اما دسته ها بیرون بیایند سینه بزنند، هر کاری که می کردند بکنند. اجتماعاتشان را حفظ کنند، این اجتماعات است ما را نگهداشته، این هماهنگی ها هست که ما را نگهداشته. گولشان می زنند این جوان های عزیز صاف دل را. می آیند توی گوشش می خوانند، خوب دیگر گریه می خواهیم چه کنیم؟ گریه می خواهیم چه کنیم یعنی چه؟ ما تا ابد هم اگر برای سیدالشهدا گریه بکنیم، برای سیدالشهدا نفعی ندارد، برای ما نفع دارد. همین نفع دنیائیش را شما حساب کنید، آخرتش سر جای خودش. همین نفع دنیائیش را حساب کنید و همین جهت روانی مطلب را که قلوب را چطور به هم متصل می کند. ما این سنگر را نباید از دست بدهیم و کسانی که کوشش دارند که این سنگر را از ما بگیرند آنهایی که از ما هستند و مردم صالحی هستند بازی خورده اند، پشت اینجا یک دست مرموز

فاسد مفسدى هست كه مى خواهد ملت ما را به تباهى بكشد و ما بايد بيدار باشيم ، ملت ما بايد بيدار باشد.

از مناقشات دست برداشته و تسليم راي ملت شويد

و كلمه آخرم اين است كه من از همه ملت مى خواهم ، از همه قشرهاى ملت كه ما امروز مواجه با يك اجنبى هستيم ، يك اجنبى كه مى خواهد اين مملكت ما را به غارت هر چه هست ببرد، ما كه الان مواجه با يك اجنبى هستيم ، با يك كسى كه جاسوسى ، مركز جاسوسيش براى همه ملت هاى مسلمين يا زيادتر از آنها مستضعفين در اينجا هم بوده است ، ديگر ما نبايد بنشينيم و هي نق بزنيم من به او و شما به او و آن به او. نويسنده هاى ما! گوينده هاى ما! كانون هاى عرض مى كنم كه ، كه هستند كانون هاى نويسنده ! كانون هاى وكلاى چه ! همه مملكت مال خودتان است ، آقا نگاهش داريد اين مملكت را، مملكت مال شماست ، مى خواهند ببرند، بايد نگاهش داريد. نگه داشتن به اين است كه هماهنگ بشويد. همين طورى كه مى بينيد اين درجه هاى كه شما اسمشان را مى گذاريد مثلا طبقه كذا طبقه پايين و من آنها را بالا مى دانم ، ببينيد چطور هماهنگند، اينها الله اكبر مى گويند، برويد بگرديد، كاش فيلم از همه بر مى داشتند بعد نشان مى دادند ببيند كى ها الله اكبر مى گويند. همين طبقه اند ما از اينها منت مى كشيم ، من دست اينها را مى بوسم ، ما مرهون همين طايفه هستيم كه امشب مى روند الله اكبر مى گويند و فردا راهپيمايى مى كنند. اينها را حفظ بكنيد نشينيد شما و بنويسيد و بگوئيد و مناقشه بكنيد و چه .

اين مجلس خبرگاني كه همه ملت يك دسته اى را تعيين کرده اند، ديگر هر كس در محل خودش يك كسى را وكيل كرد، شمائي كه مى گوئيد دموكراسى ، دموكراسى بهتر از اين چه كه شما پيدا كنيد كه در يك جايى يك كسى به روز گفته باشد توراى بده ، در تمام ايران پيدا بكنيد يك جايى كه الزام کرده باشد يك كسى را كه راي بده . حتى تبليغات هم كم شد ولي مردم مى شناختند اينها را، هر كسى اهل بلد خودش را مى شناخت و راي به او مى داده . با آن اكثريت قاطع كه پيدا كردند اينها، چرا ديگر مناقشه مى كنند؟ چرا بعدش هي چي گفتند مجلس خوب چيز، مجلس خوب . اين مجلسى است كه مردم مى خواهند، شما چكاره ايد؟ مجلسى كه مردم خودشان اشخاصى را فرستادند، وكيل كردند، اينها وكيل مردم بودند و وكيل مردم يك قانونى را يك قوانينى را چيز كردند و من تا آن اندازه كه نگاه كردم ، بلكه شايد همه اش را نگاه کرده باشم انحراف اسلامى هيچ ندارد، هيچ ابداء (شما آقايمان و همه آقايمان اهل منبر و همه خطبا و همه نويسنده ها و همه گوينده ها تايد كنيد. عيب است كه ما بنشينيم هي چيز بكنيم تا قانون اساسى مان را نتوانيم درست بكنيم . اين قانون اساسى ، قانون اساسى صحيحى است . راي بدهند به اين ديگر، الزامى نيست مى خواهند راي ندهند خودشان مى دانند. در اين جهت هم بايد آقايمان بگويند به مردم ، بيدار كنند مردم را در همه جا. اين آقايمان طلايى كه از قم مى روند به جاهاى ديگر و براى ترويج ، اينها هم بايد بگويند اين مطلب را و بمانند آنجا تا اين كار انجام بگيرد. همچنين روز دوازدهم

است ، چیزی نیست دیگر، خوب ایام عاشورا که هستند، دیگر نگذارند روز بعد از عاشورا برگردند، بمانند آنجا مردم را بیدار کنند، هدایت کنند مردم را. نویسنده های ما همین طور، گوینده های ما همین طور. فرض کن حالا یک چیزی هم مخالف رای فلان فرض کنید که متجدد هست ، خوب وقتی مردم رای دادند او هم باید بگذرد از آن . مردم رای دادند آنها وکیل شدند و گذشتند مطلب خود را، ثابت کردند این را حالا ما باید بگذاریم به آرا خود مردم و خود مردم هر چه رای دادند. من امیدوارم که انشاءالله همانطوری که آن محرم برای ما هدیه آورد و مجرم فرعی را از بین برد، همین طور این محرم هم برای ما هدیه بیاورد و مجرم اصلی ما را به جای خودش بنشانند. خداوند همه شما را حفظ کند و موفق و موید باشید.

ص: 220

پیام امام خمینی به مناسبت روز عرفه

بسم الله الرحمن الرحيم

ولکم فی رسول اللہ اسوه حسنه

صلوات و سلام خداوند بر رسول خدا پیامبر عظیم الشان که یک تنه قیام فرمود در مقابل بت پرستان و مستکبرین و پرچم توحید را به نفع مستضعفین به اهتزاز درآورد و از قلت عده و عدد نهراسید و با عده قلیل بدون ساز و برگ جنگی کافی و با نیروی ایمان و قدرت تصمیم بر سرکشان و ستمکاران تاخت و ندای توحید را در کمتر از نیم قرن بر بزرگترین معموره جهان به گوش جهانیان رسانید.

همه شما ای زائران بزرگوار بیت الله الحرام که از چهار سوی عالم به طرف خانه خدا، مرکز توحید و محل وحی و مقام ابراهیم و محمد، دو ابرمرد بت شکن و پرخاشگر بر مستکبرین، شتافتید و خود به مواقف کریمه ای که در عصر وحی زمین هائی خشک و کوهسار هائی بی آب و سبزه بود لکن محل هبوط ملائکه الله و هجوم جنود الله و توقف انبیاء الله و عباد الله الصالحین بود رساندید، حال بشناسید این مشاعر بزرگ را و مجهز شوید از مرکز بت شکنی برای شکستن بت های بزرگ که به صورت قدرت های شیطانی و چپاولگران آدمخوار درآمده اند و از این قدرت های تهی از ایمان نهراسید و با اتکال به خدای بزرگ در این مواقف عظیمه پیمان اتحاد و اتفاق در مقابل جنود شرک و شیطنت ببندید و از تفرق و تنازع بپرهیزید (و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم) رنگ و بوی ایمان و اسلام که اساس پیروزی و قدرت است با تنازع و دسته بندی های موافق با هواهای نفسانیه و مخالف با دستور حق تعالی زدوده می شود و اجتماع در حق و توحید کلمه و کلمه توحید که سرچشمه عظمت امت اسلامی است، به پیروزی می رسد.

ای مسلمانان جهان! شما را چه شد که در صدر اسلام با عده بسیار کم قدرت های عظیم را شکستید و امت بزرگ اسلامی انسانی ایجاد نمودید، اکنون با قریب یک میلیارد جمعیت و دارا بودن مخازن بزرگ که بالاترین حربه است در مقابل دشمن. اینچنین ضعیف و زبون شدید؟ آیا می دانید که تمام بدبختی های شما در تفرقه و اختلاف بین سران کشورهای شما بالنتیجه بین خود شماست؟ از جای برخیزید و قرآن کریم را به دست گرفته و به فرمان خدای تعالی گردن نهید و تا مجد و عظمت اسلام عزیز را اعاده کنید بیائید به یک موعظه خداوند گوش فرا دهید، آنجا که می فرماید: (قل انما

اعظکم بواحدہ ان تقوموا لله مثنی وفرادی (همه قیام کنید و برای خدا قیام کنید، قیام فرادی در مقابل جنود شیطانی باطن خودتان و قیام همگانی در مقابل قدرت های شیطانی اگر قیام و نهضت ما الهی و برای خدا باشد پیروز است. ای مسلمانان و ای مستضعفان عالم! دست به دست هم دهید و به خدای بزرگ رو آورید و به اسلام پناهنده شوید و علیه مستکبران و متجاوزان به حقوق ملت ها پرخاش کنید. ای زائران خانه خدا! در مواقع مشاعر الهی به هم پیوندید و از خداوند تعالی نصرت اسلام و مسلمین و مستضعفان جهان را بخواهید.

ای گویندگان! نویسندگان! در اجتماعات بزرگ، عرفات و مشعرومنا و مکه معظمه و مدینه منوره مسائل اجتماعی و سیاسی مناطق خود را به گوش برادران ایمانی برسانید و از هم طلب نصرت کنید. ای زائران خانه خدا! توطئه های راست و چپ بخصوص آمریکای چپاولگر و متجاوز و اسرائیل جنایتکار را به گوش عالمیان برسانید و از آنان استمداد کنید و جنایات این جنایتکاران را بشمارید و به خداوند متعال برای اصلاح حال مسلمین و قطع ایادی جنایتکاران التجأ پیدا کنید. و من به خواست خدای قادر مژده نصرت و پیروزی به شماها می دهم . (انه على ذلك قادر والسلام على رسول الله و على ائمة المسلمين و على عباد الله الصالحين و رحمة الله و برکاته .)

ذی الحجہ الحرام 1399

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 222

بیانات امام خمینی در جمع افسران نیروهای سه گانه ارتش جمهوری پاکستان در بازگشت از سفر حج

ما با همه ملت های مسلم برادریم و در شادی و غم آنها شریک هستیم

بسم الله الرحمن الرحيم

چه سعادتتی داشتید که مشرف شدید به مکه معظمه مرکز وحی و به مدینه منوره مرکز رسالت. خداوند از شما برادران به طور شایسته این زیارت ها را قبول فرماید. ما با همه ملت های مسلم برادر هستیم و در شادی و غم آنها شریک هستیم و امید این را داریم که آنها هم با غم ها و شادی های ما شریک باشند. امروز ملت ما مقابل است با قدرت شیطانی بزرگ که در طول سیصد سال این اجانب بر ما ملت ها، بر ملت های مسلمین، بر ملت های شرق حکومت های غیر مشروع کرده اند و در طول پنجاه سال هم در حکومت این رضاخان و محمدرضا به این ملت با دست آنها ظلم و خیانت کردند و جنایات آنها اخیرا بالا گرفت و این جنایات به پشتیبانی از ابرقدرت ها خصوصا آمریکا بود، به طوری که تحمل دیگر از این ملت ما برداشته شد و به اتکاً به خدای کریم و اسلام، با وحدت کلمه نهضت کردند و نظام شاهنشاهی را که یک نظام پوسیده غیرقانونی بود به هم زدند و جمهوری اسلامی را در اینجا برقرار کردند در این حال که ما مشغول هستیم برای سازندگی خرابی هایی که در طول این تسلط وحشت انگیز اجانب بر ما و تقاله های آنها که در این کشورها حکومت می کردند، امروز مواجه شدیم با دولت آمریکا و ما امیدواریم که ملت های برادر ما، ملت های اسلامی که همانطور که ما گرفتار بودیم بر ظلم و تعدی اجانب، آنها هم گرفتار بودند، امروز که ملت ما قیام کرده است آنها هم قیام کنند.

مسلمین باید در مقابل ابرقدرت ها ید واحد باشند

و موجب خرسندی است که پاکستان قیام کرده است و الان که من روزنامه را تیتیش را دیدم، دیدم که نوشته است که تمام پاکستان بر ضد آمریکا قیام کرده است و دانشگاه ها ظاهرا (نوشته بود که سه روز تعطیل شده است و این یک مژده ای بر ملت مظلوم ما هست که تنها نیست. مسلمین باید با هم ید واحد باشند (هم ید واحد علی من سواه) اینها باید دست واحد باشند، مجتمع باشند، یک باشند، خودشان را از هم جدا ندانند، مرزها را اسباب جدائی قلب ها ندانند. مرزها جدا، قلب ها با هم. مسلمین دارای قدرت بسیار هستند و دارای خزائن بسیار، اگر چنانچه با هم مجتمع بشوند، اگر چنانچه مسلمین با هم اتحاد پیدا کنند، با حفظ مرزهای خودشان، لکن قلب هایشان با هم متحد بشود، اینها جمعیت

بسیار کثیری هستند، یک میلیارد جمعیت شاید الان بیشتر باشند و خزائن بسیار دارند و احتیاج به هیچ کشوری ندارند و همه کشورها تقریباً (به آنها محتاج هستند. مع الاسف در اثر تبلیغات سوئی که در طول تاریخ شده است و مردم را از این ابرقدرت‌ها ترسانده اند، تبلیغات خود آن ابرقدرت‌ها این بوده است که ملت‌های ما را، ملت‌های شما را از اینها بترسانند، به طوری که ما گمان بکنیم که این ابرقدرت‌ها آسیب‌پذیر نیستند، اگر ملتی نفس بکشد، آنها نفسش را خفه می‌کنند.

آمریکا در مقابل مسلمین نمی‌تواند خودنمایی کند

لکن ما دیدیم که اینها تبلیغاتی بود که صحیح نبود و قدرت‌های بزرگ هم با مقدرات یک مملکتی وقتی که خود ملت با هم مجتمع شدند و نمی‌توانند بازی بکنند. و ما اتکال به خدا داریم، اتکال به اسلام داریم، پشتیبان ما اسلام و خداست و امید این را داریم که همه ملت‌های اسلامی به ما پیوندند. این نزاعی که، مبارزه‌ای که الان بین کفر و اسلام است، این منازعه بین ما و آمریکا نیست، بین اسلام است و کفر، اگر چنانچه غلبه کنند خدای نخواستہ اینها بر نهضت ما (که نخواهند کرد) این غلبه، غلبه بر اسلام است، غلبه بر مسلمین است. باید همه مسلمین بدانند که مقدرات ما الان تنها نیست که بین وجود و عدم است، مقدرات اسلام، مقدرات همه مسلمین است، همه مسلمین در این مساله با هم باید شرکت کنند که اگر این نهضت خدای نخواستہ به سستی گراید یا از بین برود حساب شرق و حساب تمام شرق و خصوصاً مسلمین خواهند به تباهی کشید. من از همه ملت‌های اسلامی، از همه مسلمین، از همه ارتش‌های اسلامی، از همه قوای انتظامی اسلامی، از همه روسای جمهور ممالک اسلامی می‌خواهم که با این نهضت ما همراه باشند. با این مقابله‌ای که ما بین کفر و اسلام است، نه ما بین ایران و آمریکا، ما بین تمام کفر و تمام اسلام است. مسلمین بپاخیزند، برخیزند و در این معارضه پیروز شوند و پیروز خواهند شد و از این طبل‌های میان‌تهی‌ترسند، نترسند که آمریکا یک قدرت بزرگ است، یک قدرت شیطانی است و می‌تواند که با یک روز همه را به هم بزند، اینها تبلیغات است آمریکا نمی‌تواند این کار را بکند، در مقابل مسلمین نمی‌تواند آمریکا خودنمایی کند. دنیا توجهش الان به این مبارزه است، دنیا الان توجه به این دارد که در این مبارزه چه خواهد شد و خود مملکت آمریکا در آن اختلاف واقع شده است، سیاه‌های آمریکا که در تحت ظلم آمریکا بودند الان آنها هم موافقت با ما دارند و ممکن است آنها هم قیام بکنند باید مسلمین در یک چنین موقع حساسی که ما مقابل ایستادیم در مقابل آمریکا و در مقابل دسایس شیطانی او، با ما موافقت کنند، با ما همراهی کنند، ما و خود را از هم بدانند، مملکت ایران را با سایر ممالک، با پاکستان، با عراق، با اندونزی، با تمام این ممالک اسلامی یک بدانند و همه قیام کنند و همه تظاهر کنند در مقابل این ظلمی که این شخص به ما دارد کند.

ملت ما شهادت را برای خود سعادت و شرف می داند

یک نفر مجرمی که پنجاه سال خانه های این مملکت را سوزانده است ، مردم این مملکت را به حبس انداخته است ، قتل های زیاد، قتل عام های زیاد کرده است و سنگفرش های خیابان ما را، اسفالت های خیابان ما را رنگین کرده است با خون جوان های ما، ذخائر ما را برداشته و دزدیده و برده است ، اینها برده اند پناه داده اند یک چنین مجرمی را و مخالف همه قوانین دنیاست که هر مجرمی که در یک جائی جرم کرد باید در محل خودش ، در همان جائی که جرم کرده محاکمه بشود. اینها با یک انگیزه های بیچگانه این را برده اند نگه داشتند و حالا هم که مطالبه آنها را می کنیم ، ما را می ترسانند از کشتی هایشان که آمدند در آب های نزدیک آب های خلیج و از طیاره هایشان و از اینها. ما از چه می ترسیم ؟ ما از طیاره های اینها می ترسیم ؟ ما از کشتی های اینها می ترسیم ؟ ما اشخاصی هستیم که در این راه ، شهادت را سعادت برای خودمان می دانیم . ملت ما الان هم از من می خواهند که دعا کنم که شهید بشوند، ملتی که شهادت را می خواهند، او را از چه می ترسانند؟ او را از مردن می ترسانند؟ اینها شهادت را شرف خودشان می دانند، آنها ما را از مردن می ترسانند؟ مردن برای آنها ترس دارد که قائل نیستند به ماورأ طبیعت . کسی که خدا را می شناسد، کسی که قیامت را اطلاع دارد بر آن ، کسی که اعتقاد دارد به ماورأ طبیعت ، این از چه می ترسد؟

آمریکا اشتباه می کند، آقای کارتر اشتباه می کند که خیال می کند که می تواند یک چنین کاری بکند، دنیا نمی گذارد که او چنین کاری بکند، خود ملت آمریکا نمی گذارد که او این کار را بکند. مگر یک کار آسانی است برای آمریکا که بیاید و ملت ما را قتل عام کند. یک کاری نیست که او بتواند این کار را بکند. بر فرض اینکه بتواند، ملت ما با چنگ و دندان آنها را نابود خواهند کرد و جوان های ما الان اعلام کرده اند که اگر اینها یک وقت بخواهند یک چنین کاری بکنند، سفارتخانه را با هر کس در آن هست منفجر می کنیم و اگر یک همچو بشود ما نمی توانیم این جوان هائی که الان در غرور جوانی هستند و ظلم دیدند، ما نمی توانیم آنها را کنترل کنیم . ما نمی توانیم جلوی یک ملتی را که پنجاه سال ظلم دیده است و پنجاه سال و بیش از سی و چند سال از یک آدمی ظلم دیده است ، از یک آدمی قتل عام ها دیده است ، برادرها را کشته اند، پدرها را کشته اند، زن ها و شوهرهایشان از بین رفته است ، یک همچو ملتی را ما نمی توانیم کنترل کنیم که اگر آمریکا بخواهد یک غلطی بکند، مردم بنشینند همین طور نگاه کنند که آقا بیایند و چتربازهایشان بیایند و امتحان کنند، بیایند ببینند چطور می توانند این کار را بکنند؟ تمامشان را از بین خواهیم برد و خودمان هم کشته می شویم ، آنها را هم از بین می بریم .

اگر ایران شکست بخورد مستضعفین شکست خورده اند

شما برادرها سلام مرا به ارتش خودتان برسانید و از قول من به آنها بگوئید که برادرهای شما در مقابل کفر گرفتار هستند، شما قیام کنید، ارتش پاکستان قیام کند در مقابل یک همچو ظلمی که الان

دارد به برادرهایشان می شود. یک همچو قیامی که الان ما کردیم ، در مقابل کفر است ، این نسبت به مقدرات شما هم تاثیر دارد. کسی خیال نکند که اگر ایران شکست بخورد، خودش باقی می ماند. اگر ایران شکست بخورد شرق شکست خورده است . اگر ایران شکست بخورد مستضعفین شکست خورده اند. باید همه با هم متحد، با هم قیام کنیم و این جرثومه فساد را از تاریخ بیرون کنیم و لااقل از ممالک خودمان اینها را برانیم که دیگر فکر اینکه بیایند در اینجا، مستشارهایشان بیایند در اینجا، مامورینشان بیایند در اینجا، چپاولگرانشان بیایند در اینجا و ما را چپاول کنند، این فکر را از سر آنها باید ما بیرون کنیم و بیرون می کنیم این فکر را از سرشان .

خداوند انشاءالله به شما همه برادرها سلامت بدهد، عزت بدهد، عافیت بدهد. خداوند اسلام را تقویت کند. خداوند لشکر مسلمین را تقویت کند. خداوند روسای مسلمین را که علاقه مند به اسلام هستند، خدمت به مسلمین می کنند، آنها را حفظ کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 226

پیام امام خمینی به جنبش های آزادیبخش جهان

سازمان های آزادیبخش مجتمع در الجزایر

بسم الله الرحمن الرحيم

تلگرام برادران محترم در پشتیبانی از ملت مظلوم ایران در قیام برای احقاق حق خود از دولت امریکا موجب تشکر گردید. شما می دانید که خیانتکاری که در طول حکومتش ایران را به تباهی کشیده و ملت شریف ما را در عزای فرزندان رشید خود نشانده و ذخائر کشور ما را به تاراج برده است، اکنون در پناه دولت آمریکا به سر می برد. از حقوق مسلم یک ملت است که جانی تبهکار را به محاکمه دعوت کند و از حقوق مسلم بین المللی است که تبهکار باید در محل تبهکاریش محاکمه شود. آقای کارتر با زور سرنیزه تمام حقوق انسانی را نقض می کند و در مقابل ملتی که می خواهد حقوق خویش را مطالبه کند، به توطئه و ارباب، دخالت نظامی و محاصره اقتصادی پرداخته است. در منطق آقای کارتر جواب درخواست بحق یک ملت را باید با قدرت و قوای نظامی داد و در این منطق، منطق قرون وسطایی و حکومت جنگل بر تمام ارزش های انسانی و قوانین بین المللی حکومت دارد.

این است منطق همه زورمندان و مستکبران در مقابل ملت ها و توده های ستمدیده. قدرت هائی که با تعلیمات انسانی آسمانی مهار نشده است، چشم ها را کور و عقل ها را آفت زده می کند. یکی از اشتباهات بزرگ آقای کارتر و امثال او آن است که عمق نهضت اسلامی عصر حاضر و نسل معاصر را نشناخته اند. آنان با افکار جنون آمیز قدرتمندان و بیماری روحی مستکبران به نهضت های معاصر و ملت های از قید اسارت روحی رها شده می نگرند و این اشتباهی است فتنه انگیز. باید ملت های اسلامی با وحدت ایمانی و قدرت الهی، آنان را برای همیشه از این اشتباه بیرون آورند، باید شرق و جمیع مستضعفین و ابرقدرت ها و مستکبرین خود را بیابند و خود گمشده را پیدا کنند. آنان از اسارت تبلیغات بلندگوهای شیطانی بیرون آمده و قدرت خدائی توده ای خویش را دریابند و اینان به زبونی واقعی خود در مقابل ملت های پیا خاسته واقف شوند تا آرامش، دنیا را فرا گیرد و دست ستمگران از جنایات کوتاه شود. برادران شجاع من که برای آزادی وطن های خود قیام کرده اید، ملت های خود را هشدار دهید و مغزها را از آثار تبلیغات چند صد ساله و خود باختگی در مقابل غرب و مستکبرین شستشو دهید و به نهضت ما که نهضت اسلامی و مستضعفین است پیوندید، که امروز اسلام عزیز در مقابل کفر و منطق در برابر زور واقع شده است و نهضت ما اسلامی است قبل از آنکه ایرانی

باشد، نهضت مستضعفین سراسر جهان است قبل از آنکه به منطقه ای خاص متعلق باشد. ای مسلمانان جهان! وای مستضعفین پیا خاسته! وای دریای بی پایان انسان ها! بپا خیزید و از کیان اسلامی و ملی خویش دفاع کنید. اسرائیل بیت المقدس را از مسلمین گرفت و با مسامحه دولت ها مواجه شد. اکنون چنانکه آثارش ظاهر شده است، امریکا و شاخه فاسد آن اسرائیل در صدد است که مسجدالحرام و مسجدالنبی را قبضه کند. باز هم مسلمانان نشسته و تماشاگرند و بی تفاوت. برخیزید و از اسلام و مرکز وحی دفاع کنید و از این هیاهوها نهراسید که امروز اسلام به شما محتاج است و شما در قبال خداوند متعال مسوول هستید. به خداوند تعالی اتکال نمائید و با وحدت کلمه به پیش روید. ما به پیروی از اسلام بزرگ از جمیع حمایت می کنیم و از شما و هر سازمانی در جهان که برای نجات کشور خویش پیا خاسته است پشتیبانی می کنیم. ما از مبارزات برادران فلسطینی و مردم جنوب لبنان در مقابل اسرائیل غاصب کاملاً (پشتیبانی می نمائیم و به خواست خدای تعالی بر دشمنان بشریت و اسلام پیروز خواهیم شد و امید است که نصر خدائی و فتح مسلمانان نزدیک باشد. از خداوند تعالی سلامت و سعادت همه را خواستارم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 228

مصاحبه خبرنگار ژاپنی با امام خمینی

خبرنگار ژاپنی: به نام تمام مردم ژاپن تشکر می‌کنم که اجازه داده اید که با شما مصاحبه کنیم. دفعه قبل، سال گذشته در نوفل لوشاتو بود که با شما یک مصاحبه ای کرده ایم که کوتاه بود. امسال را می‌خواهیم با عمق بیشتری واقعیت ایران را به مردم ژاپن نشان بدهیم و متأسفانه شناخت کاملی از ایران نداریم.

سوال: می‌گویند که در مبارزه ای که علیه امریکا شروع کرده اید، در مورد سایر کشورها، شما ژاپن را در جمع این متجاوزین می‌بینید یا تبعیضی قائل هستید؟

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم اول من راجع به آن حرفی که ایشان زده اند که ژاپنی‌ها اطلاع ندارند از اوضاع کشور ما، باید یک کلمه بگویم که چرا باید ژاپنی‌ها اطلاع نداشته باشند و چرا باید مطبوعات ژاپن و گروه تبلیغاتی ژاپن یک چنین مهمی که در دنیا واقع شده است و یک چنین ظلمی که در طول پنجاه سال بیشتر به ما شده است و یک چنین تعدی که دولت امریکا به ما روا داشته است، چرا نباید در مطبوعات ژاپن، در گروه تبلیغی ژاپن منعکس بشود تا مردم بی‌خبر باشند. این را من باید یک چنین احتمالی را بدهم که دست امریکا در کار است که نمی‌گذارد مسائل ما به دنیا برسد و مع‌الاسف به این اعترافی که شما کردید که ملت ژاپن اطلاع از مطالب ما ندارد، این احتمال پیش می‌آید که این فعالیت در ژاپن هم بوده است که نگذارند مسائل ما منعکس بشود و یا بالعکس منعکس بکنند. و اما راجع به سوالی که کردید راجع به ملت ما، حتی ملت امریکا و هر ملت دیگری، ملت ما و ما هیچ ابدا (مخالفتی با آنها نداریم و از آنها هم به ما ظلمی نشده است که ما مخالفت با آنها داشته باشیم، مسائل روی دولت ماست. ما الان منتظر این هستیم که ببینیم دولت های اروپائی، دولت های آسیایی ژاپن در این غصه ای که ما داریم و این مظلومیتی که برای ماست و این تعدیاتی که دولت امریکابر ما کرده است و این خلاف قوانینی که آقای کارتر می‌کند و یک نفر مجرم را پناه داده است و برای اینکه ما مطالبه آن مجرم را می‌کنیم، این هیاهو را در عالم راه انداخته است و ما را تهدید به حصر اقتصادی یا دخالت نظامی می‌کند، ما ببینیم که دولت های اروپایی و آسیایی،

دولت ژاپن در این قضیه چه عملی خواهند کرد، آیا با مظلوم ها موافقتند یا با ظالم؟ آیا با ما که دادخواهی می کنیم از همه عالم، در همه عالم دادخواهی خودمان را بلند می کنیم و مع الاسف نمی گذارند که صدای ما برسد به دولت ها، حالا ما ببینیم که آیا ژاپن و امثال ژاپن در این امتحانی که برای همه پیش آمده است، مقابله یک ملت مظلوم که همه چیزش را پنجاه سال بیشتر است برده از بین و یک دولت ظالم که همه چیز ما را برده است، آیا دولت ها در این باب چه می کنند؟ ما در اینجا حسابمان با دولت ها جدا می شود. در همین مبارزه، حساب ما با دولت ها معلوم می شود که دولت هائی که طرفداری ظلم بکنند پیش ما ممتازند از دولت هائی که طرفداری مظلوم را بکنند و اگر ژاپن هم در آن طرف واقع بشود، در صف ظالم ها واقع بشود، ما در صف مظلومین هستیم و با او هم موافقتی نداریم و اگر در صف مظلوم ها واقع بشود و کمک به مظلوم ها بکند، ما همانطور که با ملت ژاپن هیچ مخالفتی نداریم با دولت هم نخواهیم مخالفت داشت.

سوال: از زمانی که ما به ایران آمده ایم می بینیم که مردم ایران خیلی لطف دارند نسبت به ژاپنی ها و با محبت با آنها رفتار می کنند، می خواستیم بدانیم که آیا شما ژاپن را در اردوگاه غرب قرار می دهید یا اینکه او را متمایز می دانید از غرب؟

جواب: من جواب را الان دادم که ما با ملت ژاپن ابتدا (مخالفتی نداریم و با ملت امریکا هم مخالفتی نداریم، لکن آقای کارتر دارند منعکس می کنند در امریکا که ملت ایران با ملت امریکا مخالف است و این هم یکی از جنایاتی است که دارد واقع می شود در تاریخ که ما فریاد می زنیم که ما با آقای کارتر مخالف هستیم برای اینکه او برده است جانی ما را و حمایت از او می کند و او دارد منعکس می کند که ما با ملت امریکا مخالف هستیم و ملت امریکا را وادار می کند که از ما عصبانی بشوند و با ما مخالفت کنند، در صورتی که اینطور نیست. ما الان هم فریاد می زنیم که ما با کارتر که جانی ما را برده و حفظ کرده است و هیاهو در دنیا به راه انداخته است و برخلاف واقع دارد مطالب را منعکس جلوه می دهد و تحت تاثیر این قدرت های شیطانی صهیونیسم واقع شده است، ما از او فریاد می زنیم. ما با ملت ها به هیچ وجه مخالفت نداریم بلکه ما با مظلوم ها که ملت ها هم از طبقه مظلومین هستند موافق هستیم و با اشخاصی که ظلم می کنند، چه در مملکت خودشان و چه به ملت خودشان ظلم بکنند و چه به ملت های ضعیف ظلم بکنند، با آنها ما مخالف هستیم.

سوال: ایشان می گویند که کتاب شما را که در فرانسه به اسم حکومت اسلامی در آمده است که همان ولایت فقیه است، خواننده اند و در این کتاب خواننده اند که اسلام باید مذهب عفو اغماض

باشد، در حالی که پریشی که از افکار عمومی در فرانسه شده نشان می دهد که 79 درصد مردم فکر می کنند که مبارزه شما بر ضد شاه انتقام گیری شخصی شما بوده است ، در این باره نظرتان چیست ؟

جواب : این هم از مسائلی است که ابرقدرت ها، قدرت های بزرگ برای ما پیش آورده اند، ملت ها به واسطه اعمال قدرت بزرگ قدرت ها اطلاع از مسائل ما پیدا نکردند. اگر اطلاع پیدا کرده بودند، رای آنها غیر رای دولت ها بود. منطق ملت ها با منطق دولت ها فرق دارد وقتی دولت ها مسائل را وارونه برخلاف واقع جلوه می دهند، البته ملت ها هم منحرف می شود افکارشان . اینکه شما می گوئید که در فرانسه یک چنین امری واقع شده است و عفو و اغمازی که در اسلام مطرح است آنها مبدل کردند به انتقامجویی ، چنانچه آقای کارتر هم این مسائل را می گوید و در ملت خودش منتشر کرده است ، اینها برای این است که مسائل ما پیش مردم معلوم نیست ، مطالب ما را اگر بدانند که ما چه می گوئیم و در مقابل ما چه منطقی است ، ما می گوئیم که ما پنجاه سال مظلوم واقع شده ایم و تاریخ ما، تاریخ عالم اگر چنانچه ضبط کنند تاریخ ایران را، شاهد بر این بوده است که ما از زمانی که رضاخان آمده است در ایران و او را انگلیسی ها آوردند و تا این وقتی که محمدرضا بود که او را امریکائی ها تایید کردند و دنبال حرف های آنها بودند، ما در این پنجاه سال همه چیزمان به باد رفته است . ما یک ملت مظلوم هستیم . در این پنجاه سال ، ذخایرمان که باید صرف مستمندان ما، زاغه نشینان ما بشود، برده شده است ، به کاخ نشینان داده اند و ابرقدرت ها از آن استفاده کردند. ملت ما روی یک گنج بزرگی که آن نفت است ، نشسته اند و گرسنگی می خورند و امریکا و امثال امریکا این مخزن های ما را می بردند، چپاول می کردند در این پنجاه سال و می دادند به اشخاصی که کاخ نشین هستند و قدرت طلب هستند و می دادند به اجانب و در مقابلش برای این ملت هیچ چیز نبود.

یک مطلب ما این است که ما می گوئیم که این آدم که الان امریکا او را نگه داشته است و از او حمایت می کند و دنیا را متزلزل کرده است امریکا برای خاطر یک نفر جانی ، ملت ما می گویند که این جانی که به ما آنقدر خسارت مالی وارد آورده است و خسارات جانی این پدر و پسر برای ملت ما بار آورده اند، قتل عام هائی که در زمان این پدر و پسر واقع شده است و جوان هائی که از ما تلف شده است ، قبرستان های ما را اینها آباد کردند و خانه های ما را خراب و مملکت را خراب ، مملکت ما ویرانه ای شده است به واسطه بودن این شخص و پدرش در این مملکت و حکومت کردن آنها و به دست حکومت های بزرگ اینها را به ما سلطه داده اند و ما این مطلب را می گوئیم که ما یک ملت مظلوم هستیم که همه چیز ما را اینها از بین برده اند و ما حالا این مجرم خودمان را می خواهیم بیاوریم اینجا که این چیزهائی را که از ما

برده به بانک‌ها سپرده شده است، ما به دست بیاوریم و ما آن جانی اصلی را پیدا بکنیم که آن کسی که این آدم را وادار کرده است به این کار و مامور کرده است و به ما مسلط کرده است، ما می‌خواهیم این آدم را پیدا بکنیم که مخازن خودمان را که برده است و در بانک‌ها هست، کشف بکنیم و بگیریم و اینهمه جمعیت که از ما کشته است، ما نمی‌توانیم از او انتقام بگیریم تا اینکه کسی بگوید انتقامجویی است. یک نفر آدم در مقابل یک نفر آدم باید قصاص بشود. یک نفر آدم که از اول حکومتش تا حالا بیش از صد هزار جمعیت را از ما کشته است، ما چطور می‌توانیم از او انتقام بگیریم تا این منطق بیاید پیش که شما می‌خواهید انتقام بگیرید. ما می‌خواهیم اموالمان را از او پس بگیریم، ما می‌خواهیم بیاید اینجا و معلوم بشود به مظلوم‌های دنیا که ظالم اصلی کی هست، کیست که دنیا را اینطور مشوش کرده، آنهائی که اینها را مامور کرده‌اند، در حکومت‌هایی که به دست آنها در این مملکت‌های اسلامی و در سایر ممالکی که حکومت‌هایشان دست‌نشانده اینها هست، ببینیم که ظلم‌هایی که شده است از چه راهی شده است و کی این ظلم‌ها را کرده است و چه کسی وادار کرده است که این ظلم‌ها را بکنند. این را اگر چنانچه منطق دولت‌ها این است که این انتقامجویی است معلوم می‌شود منطق آنها غیر منطق مظلومان است، چنانچه همیشه اینطور بوده است که منطق ظالم یک منطق بوده است و منطق مظلوم‌ها منطق دیگر بوده است. ما با منطق مظلوم‌ها داریم صحبت می‌کنیم، نه با منطق ظالم‌ها.

ظالم‌ها البته از ما منافع ما را بردند و حالا که یک نفر کار گذاشته شده است که به آنها منفعتی نمی‌رسد آنها البته این مسائل را طرح می‌کنند و (قضیه انتقامجویی) والا اسلام تمامش عفو است، تمامش این است که کسانی که خلاف می‌کنند و البته مظلوم‌ها می‌توانند که از آنها چیز بگیرند، لکن اسلام مساله عفو است. لکن منطق آقای کارتر و امثال آقای کارتر غیر از این مطلب است. مائی که یک نفر آدم را می‌خواهیم که بفهمیم که ریشه فساد، چه کسی است و به دنیا معرفی کنیم این ریشه فساد را، تا اینکه فساد در دنیا از بین برود، مائی که می‌خواهیم یک نفر آدمی که اموال ما را برده است بیاید اینجا و بگوید اموال شما کجاهاست، تا ما برویم سراغ اموالمان و این ملتی که گرسنگی می‌خورد و اموالش در بانک‌های خارجی مانده است و آقای کارتر هم جلوی اموال او را گرفته است و این مظلوم‌ها را گرسنگی می‌دهد، منطق ما این است. این را آقای کارتر اسمش را انتقامجویی می‌گذارد و دولت‌هایی هم که تابع او هستند آنها هم اسمش را انتقامجویی می‌گذارند و در منطق مظلومین این اسمش انتقامجویی نیست، اسمش این است که می‌خواهند ملک خودشان را، مال خودشان را که باید صرف خودشان بشود، در بانک‌ها متمرکز نشود و آقای کارتر جلوی او را بگیرند و بگذارند بیاید که مردم زندگی بکنند در اینجا.

سوال : حضرت امام به نظر بسیاری از ناظران از پیروزی انقلاب به این سو، به نظر می آید که نظم حکومت رو به انحطاط دارد، شما در این باره چه فکر می کنید؟

جواب : این منطق چپاولگر است . باید ما مقایسه کنیم انقلاب اسلامی ایران را با انقلاب هائی که در دنیا واقع شده است ، ببینیم که آیا انقلاب هائی که در دنیا واقع شده است ، به مجردی که انقلاب شد و پیروز شد مردم نظم همه چیزها فوراً برقرار شد یا اینکه اینطور نبوده است ؟ ما به مجردی که انقلاب واقع شد و پیروز شدیم تمام راه ها باز بود بر دنیا، و تمام احزاب آزاد بودند و تمام جمعیت ها آزاد بودند و تا پنج ماه تمام این امور آزاد بود و ایران هم مشغول زندگی خودش بود و نظمش برقرار بود و بی نظمی به اینکه آنطوری که در مثل انقلاب اکتبر واقع شد، مثل انقلاب فرانسه واقع شد، این قتل و غارت ها نبود در ایران و الان هم ایران نظمش محفوظ است و خود مردم حفظ می کنند نظم را و این فرقی است که مابین انقلاب اسلامی با انقلاب های دیگر است . انقلاب اسلامی چون مردم مسلمان هستند، بدون اینکه یک ارتباطی بین حکومتی باشد که بخواهد یک نظمی را ایجاد بکند، مردم نظم را ایجاد کردند. به مجردی که انقلاب واقع شد و اوضاع آشفته شد، خود مردم اوضاع را به دست گرفتند و نظم را ایجاد کردند. و ما نظم را بعدها به طور کامل ، خود ملت ایجاد می کند. ملت ما موافق با حکومت اسلامی است ، رای داده به حکومت اسلامی ، رای قاطع قریب به اتفاق داده است به حکومت اسلامی و موظف می داند ملت ما به قواعد اسلام عمل کند و یکی از قواعد اسلام حفظ نظم است ، حفظ نظم را خود مردم دارند می کنند و این که گفته می شود که حکومت دارد رو به انحطاط می رود، نخیر حکومت دارد رو به اعتلا می رود، اشتباه می کنند آنها. ما یک ملتی بودیم که در تحت فشار ابرقدرت ها بودیم و الان از تحت فشار آنها بیرون آمدیم و داریم به پیش می رویم و این اعتلای ملت است . اعتلا به این نیست که شکم ما سیر باشد، اعتلا به این است که ما مسلکمان را و مکتبمان را به پیش ببریم و ما بحمدالله داریم مکتب را پیش می بریم و مکتبمان را گسترش خواهیم داد به همه ممالک اسلامی ، بلکه در همه جا که مستضعفین هستند و ما رو به اعتلا هستیم و بشر را رو به اعتلا می خواهیم ببریم . چطور گفته می شود که ما رو به انحطاط هستیم ؟ آنها خیال می کنند که انحطاط و اعتلا، سیر شدن شکم است . انسان حیوان نیست ، انسان هست . انسان که بعد مسائل انسانی را باید مراعات بکند، مملکت ما مسائل انسانی را دارد طرح می کند، دارد رو به اعتلا می رود، نه دارد رو به انحطاط می رود، اینها همه از تبلیغاتی است که امثال کارتر می کنند. و آنها منطق آنها، اعتلا این است که همه نفت ها را ما به آنها بدهیم خودمان بنشینیم اینجا و تماشا کنیم و انحطاط این است که ما نفتمان را از آنها بگیریم و تو دهانشان بزنیم . اگر این انحطاط است ما منحطیم لکن این انحطاط نیست ، این اعتلاست و ما مملکتمان را به پیش می بریم و دست

ظالم ها را کوتاه می کنیم از مملکت و اجازه نمی دهیم کسی دخالت در مملکتمان بکند و این اعتلاست ، نه انحطاط.

سوال : حضرت امام در نوفل لوشاتو شما وعده کردید که نه تنها آزادی ها حفظ می شوند، بلکه تعمیم نیز می یابند، در صورتی که بعد از پیروزی انقلاب دیده ایم که تظاهراتی بر ضد زنان شد و اقلیت های قومی مثل کردها تحت فشار قرار گرفتند و روزنامه ها و احزاب سیاسی ممنوع شد، آیا ممکن است این تناقض های ظاهری را برای ما روشن بفرمایید؟

جواب : این هم از همان ریشه همان اموری است که امثال کارتر پیش آوردند. باید دید که این تشنجاتی که در ایران واقع می شود، این را چه کسی دارد ایجاد می کند، قضیه کردستان را چه کسی دارد ایجاد می کند و ایجاد کرده است ؟ و چه کسی کوشش می کند که قضیه کردستان را خاتمه بدهد و برادران کرد را از آن ظلم هائی که بر ایشان شده است نجات بدهد؟ ما کوشش داریم که تمام قشرهای ملتمان در رفاه باشند و همانطوری که اسلام طرح کرده است هیچ یک از افراد ملتمان مظلوم واقع نشوند و هیچ یک از افرادمان ظلم نکنند این یک مطلبی است اسلامی و ما در صدد همین معنا هستیم و ما از اول که انقلابمان واقع شد تمام آزادی ها در ایران بود و مجالی به تمام دستجات ما دادیم و هیچ ابدا جلوگیری از هیچی نشد، لکن توطئه ها شروع شد. وقتی که دیدند آزادند توطئه ها شروع شد، توطئه قلمی که می خواستند مسیر ملت ما را منحرف کنند و اینها همان اشخاصی بودند که جیره خوار شاه سابق یا جیره خوار امریکا و امثال امریکا بودند و می خواستند که نهضت ما را به تباهی بکشند و ما بعد از پنج ماه که به همه فرصت دادیم ، توطئه گرها را پیدا کردیم ، قلم هائی که توطئه گر بودند و می خواستند باز سلطه اجانب را بر مملکت ما مسلط کنند، آنها را گفتیم که نباید این کار را بکنند و باید محکمه ببیند که آیا اینها چکاره هستند و دیدیم که بعد از اینکه بررسی شد، اینها از اسرائیل خیلی شان ارتزاق می کردند و بلندگوی اسرائیل بودند، بلندگوی امریکا بودند منتها با صورت های دیگر و یک ملتی حق دارد که کسی که بخواهد ملتش را به تباهی بکشد و توطئه کند و باز همان مسائل سابق را برای او پیش بیاورد، از آن جلوگیری بکند و الا ملت ما طرفدار آزادی است ، طرفدار همه جور آزادی است ولیکن طرفدار توطئه نیست ، طرفدار تباهی نیست .

زن هایی که تظاهر کرده اند همان زن هایی بودند که از تنه آن مسائل بودند، آنهایی بودند که شاه آنها را به عنوان (آزاد زنان) به میدان آورده بود و آنها را به تباهی کشیده بود، آنها هم چون از این وضعی که آن تباهی آورد، آن آزادی هایی که آنها می خواستند، می خواستند که جوان ها آزاد باشند که هر کاری می خواهند بکنند و می خواستند با تباهی ها هم آغوش باشند،

می خواستند کارهای برخلاف عفت بکنند و می دیدند که اسلام با کارهای خلاف عفت، با کارهایی که مملکت را به تباهی می کشد و ملت را به عقب می راند موافق نیست، آنها بودند که آمدند در خیابان ها و با آن صورت هایی که مردم دیدند تظاهر کردند. والا جلوی آزادی هرگز گرفته نشده است و نمی شود و مردم آزادند، الا آنجائی که بخواهند تباهی بکنند و بخواهند ملت را به عقب برانند.

سوال: مساله سفارت ایالات متحده، کشورهای بسیاری را نگران کرده، فکر می کنند گروگانگیری یک سابقه خطرناکی خواهد شد، آیا شما واقعا فکر می کنید که با گرفتن این 50 گروگان فشاری می آورید و در مقابل، شاه را می گیرید؟

جواب: کشورها معلوم می شود که در نظر شما هم همان هست که در نظر کارتر است. کشورها را این ابرقدرت ها خیال می کنند همان دستگاه دولتی است که وقتی دستگاه دولتی از یک چیزی ناراضی شد، کشور ناراضی است. در صورتی که دستگاه های دولتی نسبت به کشورها، نسبت به جمعیت هائی که اساس کشورها بر آنهاست، یک قطره ای در مقابل دریاست. باید دید که این عملی که ما کردیم چه بوده است و اگر این عمل منعکس بشود در دنیا به طور صحیح، ببینیم موافقین ما کیست، مخالفین ما کیست. آیا مظلوم ها در دنیا بیشتر است عددشان یا ظالم ها؟ وقتی که مطالعه بکنند در حال همه کشورهای دنیا می بینید که اکثریت قاطع با مظلوم هاست، ظالم ها یک عدد قلیلی هستند مجهز به جهاز شیطانی و مظلوم ها عدد کثیری هستند و همیشه در طول تاریخ ظالم ها عدد محدود بودند و مظلوم ها عددهای بسیار زیاد اگر مراد شما از ناراحتی، ناراحتی ظالم هاست، مطلب صحیحی است برای اینکه ظالم ها با امثال خودشان رفیق هستند و هر کسی به آن جنسی که دارد متمایل است، به اشباه خودش متمایل است. ظالم ها با ظالم ها همیشه هستند و اینها اقلیت هستند. اگر مطلب ما بر دنیا منعکس بشود، آنی که با آن مخالف است ظالم ها هستند که اقلیت دارند و آنی که موافق است مظلومین هستند که اکثریت قاطع دارند.

شما که می گوئید که ناراحت شدند و کشورها ناراحت شدند، همان منطق ابرقدرت ها را دارید تکرار می کنید و تحت تأثیر حرف های ابرقدرت ها واقع شدید که کشورها را عبارت از همان عده، همان پارک ها و همان عمارت های بزرگ و همان ها و همان کاخ نشین ها عبارت از ملت است و این جمعیت کثیر، بسیار کثیری که زاغه نشین هستند و خانه های گلی دارند، اینها اصلا از کشور نیستند و از ملت نیستند. اگر این مقصود است ما اینها را از هم جدا کنیم و می گوئیم که آنی که از این عمل ناراحت است، این دسته کاخ نشین و ابرقدرت و سرنیزه به دست است و آن که اگر مطلب ما را در دنیا منعکس بشود با ما موافقتند، و آن ملت ها هستند،

ملت‌ها که مثل یک دریائی هستند و یک سیل‌های خروشان هستند، آنها با ما موافقند. ما مسائلمان، مسائل مظلومین است و موافق با طبقات مظلوم و آنها با ما موافقند، اگر ظالم‌ها بگذارند صدای ما به آنها برسد و اگر نگذاشتند یا منعکس جلوه دادند، این مخالفت نیست، این مخالف آن عملی است که شده است که ما از آن عمل‌بری هستیم. ما تمام مسائلمان، مسائل مظلوم است در مقابل ظالم، غارت شده است در مقابل غارتگر، کشته شده است در مقابل کشته‌شده. اینها مسائل ماست و از اینها خارج نیست. ما می‌خواهیم مملکتمان مال خودمان باشد، مستقل باشیم. ما می‌خواهیم آزاد باشیم، مطبوعاتمان آزاد باشد، قلم‌هایمان آزاد باشد. ما می‌خواهیم ذخائر مملکتمان خرج مملکتمان بشود، گرسنه‌ها را سیر کنیم، برهنه‌ها را لباس بدهیم، بی‌خانه‌ها را خانمان دار کنیم. ظالم‌ها با این منطق مخالفند، با این مطلب که لانه جاسوسی که به اسم سفارت در ایران بوده است و جوان‌های ما لابد مطلع شدند بر اینکه مسائل جاسوسی در اینجاست و رفتند و آنجا را قبضه کردند، ظالم‌ها با این مساله جاسوسی موافقند همه‌شان. ظالم‌ها همه می‌خواهند که مساله جاسوسی رواج پیدا بکند و لانه‌های جاسوسی در ممالک مظلوم باشد لکن منطق مظلوم غیر از این منطق است. منطق مظلوم که اکثریت قاطع دنیا را تشکیل می‌دهد این است که باید هر مملکتی آزاد باشد، هر مملکتی مستقل باشد، هر مملکتی ذخائرش خرج خودش بشود. این منطق مظلوم‌هاست. منطق ظالم‌ها این است که باید اینها را غارت کرد، اینها آدم اصلاً نیستند. این ابرقدرت‌ها ما را اصلاً آدم نمی‌دانند مظلوم‌ها را در هر جا هست، در ممالک خودشان که هست. مظلوم‌ها را جزء بشر حساب نمی‌کنند. حقوق بشر می‌گویند، حقوق بشر یعنی حقوق ظالم‌ها، حقوق بشر یعنی اینکه حق دارند که تمام نفت‌های ما را ببرند و در از آن چیزی ندهند الا برای خودشان نفع داشته باشد، باید همه این ملت‌ها بی‌چون و چرا تحت قدرت آنها باشند و نفس نکشند. اینها منطق ظالم‌هاست که اقلیت هستند و اینها که ناچار باید آنها نگران باشند از این امری که در ایران پیدا شده است بر اینکه همه ظالم‌ها را ما اعلام می‌کنیم که در خطر هستند و از بین خواهند رفت و مملکت‌ها، مملکت‌های مظلومین است و خدای تبارک و تعالی اراده فرموده است که زمین را به این مستضعفین بدهد و این مستکبرین را از صحنه تاریخ خارج بکند و ما ابتداست که قیام کردیم برای این معنا و تمام ملت‌های مظلوم را پشتیبانی می‌کنیم و تمام ملت‌های مظلوم باید ظالم‌ها را از صفحه روزگار بیرون کنند و از تاریخ بیرون برانند. آن که با ما مخالف است طبقه ظالم است و طبقه ظالم یک اقلیت ناچیزی است و آنی که با ما موافق است و اگر مطلب ما را بشنود بسیار خوشحال می‌شود راجع به این لانه جاسوسی، آن عبارت از طبقه مظلوم است. شما ببینید که الان در ممالکی که دولت‌هایشان اگر اجازه به ایشان بدهند (الان هم که اجازه ندادند دولت‌ها) در بسیاری از ممالک مظلوم‌ها موافقت خودشان را با ما اظهار کردند، تظاهرات کردند بر ضد امریکا، تظاهر کردند و ظالم‌ها نمی‌گذارند که آنها تظاهر کنند، پلیس نمی‌گذارد که آنها تظاهر

کنند. اگر این سرنیزه برداشته بشود، تمام ممالکی که مظلوم هستند و اکثریت قاطعی که مظلومین هستند، اینها بر وفق ما هستند و این لانه جاسوسی را به منطق مظلومین این است که باید بسته بشود و منطق ظالمین این است که باید به حقوق خودشان برسند و این ظالم ها هستند کی می گویند حقی برای مظلومین نیست . این دستگاه هایی که برای حقوق بشر درست کردند، تمام دستگاه هایی است که برای چپاول بشر است . این دستگاه های شواری امنیت که با طمطراق اسمش را می برند، دیشب بعد از اینکه اجازه داد آقای کارتر به اینکه شورای امنیت باشد، می گوید که فقط راجع به این کسانی که گرفتار هستند و گروگان هستند، فقط راجع به اینها، اما راجع به شاه نباید شورای امنیت دخالت بکند. اما راجع به چیزهایی که آنها از ما برده اند، مظلومیتی که برای ما واقع شده است و ظلمی که بر ما شده است ، اجازه ندارد شورای امنیت دخالت بکند. شورای امنیت را از اول تکلیف آن را معین کرده اند که باید راجع به گروگان ها تو بحث بکنی و راجع به شاه نباید تو بحث بکنی و راجع به این مظلومیت هایی که بر ما واقع شده و بر ملت ما واقع شده است نباید دخالت بکنی . او می داند که اگر دخالت ، دخالت صحیح باشد خودش گرفتار خواهد شد، خودش به آن سرنوشتی که شاه پیدا کرده است خواهد گرفتار شد، از این جهت از اول معلوم کرده است که باید این نوکر مآب ها بنشینند و فقط گوش به فرمان آقای کارتر بدهند که ایشان اجازه بدهند که فقط راجع به این گروگان ها بحث بکنند. ما هرگز همچو بحثی را با آنها نمی کنیم و هرگز یک همچو شورای امنیتی را پذیرفته نداریم و نخواهیم پذیرفت .

والسلام

ص: 237

بیانات امام خمینی در جمع پاسداران مرکز تهران

در راس همه مسائل اسلامی ما، قضیه مواجهه با امریکاست

بسم الله الرحمن الرحيم

شما غافلید که الان با امریکا که مجهز به همه جهازهای درجه اول دنیاست یعنی یک قوه ای است که در دنیا مقابل ندارد روبرو هستید، اما ما مجهزیم به یک قدرت بالاتر از او و آن توجه به خدا و به اسلام است. ولی نباید فراموش کنیم ما مواجهیم با یک چنین قدرت بزرگ که علاوه بر قدرت تسلیحاتی، قدرت های بزرگ شیطانی هم دارد که الان در همه دنیا فعالیت و تبلیغات می کند و وادار می کند ممالک دیگر را که آنقدر که بتوانند تجهیز کنند. از این جهت من آن چیزی را که به صلاح ملت و به صلاح اسلام است و به صلاح شماست باید عرض کنم و آن اینکه تشنج صحیح نیست. قوای شما باید الان همه مجتمع در یک راه باشد. قوای فکری تان، قوای غیر فکری تان همه باید در یک راه بروند شما می خواهید برای اسلام خدمت بکنید. الان در راس همه مسائل اسلامی ما، قضیه مواجهه با امریکاست. امروز اگر قوای ما از هم منفصل شوند، به نفع امریکاست و الان دشمن ما امریکاست و باید تمام تجهیزات ما به طرف این دشمن باشد. مبدا یک وقتی یک تبلیغات سوئی بشود و نظرهای ما تشتت پیدا کند و افکارمان افکار مختلف بشود و در نتیجه ما یک افکاری داشته باشیم و شما یک افکاری داشته باشید و دستجات دیگر افکار دیگری داشته باشند. باید الان همه افکار یک چیز باشند. چطور در آن وقتی که ما مواجه با این قدرت شیطانی داخلی بودیم هیچ دیگر تشتتی در کار نبود، همه با هم یک فکر داشتید و همه الله اکبر گفتید و مقابله با یک چنین قدرتی می کردید. شما الان می دانید که مقابله ما با یک قدرتی است که قدرتش صدها برابر و بلکه زیادتر از آن قدرت قبلی است. شما امروز یک چنین حالی دارید و مملکت تان یک چنین حالی دارد. مملکت شما الان یک حالی دارد که اگر دیر بجنبیم، برای همیشه تا آخر از بین رفتیم. همه باید یکصدا باشند. سروصدای امروز، فقط مقابله با امریکاست. امروز هر سروصدائی بلند بکنید که غیر از این مسیر باشد، بدانید که بردش را آنها دارند. شما این را بدانید که من به شماها علاقه دارم، به پاسدارها علاقه دارم، پاسدارها بودند که مملکت ما را در چنین زمانی که هیچ کس نمی توانست حفظ بکند، حفظ کردند. الان هم حفظ می کنند، این یک علاقه الهی است که ما به شما داریم و این را بدانید که یک مطلبی که برخلاف صلاح شما باشد، برخلاف صلاح اسلام است و ما نخواهیم زد، لکن اگر یک مطلبی را من الان گفتم به شما که

باید راه را چطوری رفت ، بدانید که این هم صلاح شماست و هم صلاح مملکت تان .

مملکت اسلامی باید همه اش نظامی باشد

باید ما همه قوای مان را مجتمع کنیم برای نجات دادن یک کشور، باید اگر مسائلی برای ما پیش بیاید هر چه هم سخت باشد تحمل کنیم . باز من تکرار می کنم که بدانید شما با یک قدرتی مواجه هستید که اگر غفلت بشود، مملکت تان از بین می رود، غفلت نباید بکنید. غفلت نکردن به این است که همه قوا را و هر چه فریاد دارید سر امریکا بکشید، هر چه تظاهرات دارید بر ضد امریکا بکنید. قوای خودتان را مجهز بکنید و تعلیمات نظامی پیدا کنید و به دوستانتان تعلیم دهید، به همه اشخاصی که همین طوری راه می روند تعلیمات نظامی بدهید. مملکت اسلامی باید همه اش نظامی باشد و تعلیمات نظامی داشته باشد. یکی از ابواب فقه باب رمی است ، باب تیراندازی است ، آن وقت تیراندازی بوده ، حالا هم تیراندازی هست به یک طور دیگری .

در اسلام با اینکه رهان ، یعنی یک چیزی را بگذارند برای چیزی که نظیر قماربازی می شود حرام است ، برای تیراندازی حرام نیست ، برای اسب دوانی حرام نیست . سبق و رمایه یکی از مسائل فقه است برای اینکه برای همه افراد مستحب است که سواری را یاد بگیرند. حالا اتومبیل سواری و رانندگی را یاد بگیرند و برای همه است که تیراندازی را یاد بگیرند، فنون جنگی را یاد بگیرند. باید ملت ما جوان های شان مجهز باشند به همین جهاز و علاوه بر جهاز دینی و ایمانی که دارند مجهز به جهازهای مادی و سلاحی هم باشند و یاد گرفته باشند. اینطور نباشد که یک تفنگی که دست شان آمد ندانند که با آن چه کنند. باید یاد بگیرند و یاد بدهند. جوان ها را یادشان بدهید، همه جا باید اینطور بشود که یک مملکتی بعد از چند سالی که بیست میلیون جوان دارد، بیست میلیون تفنگدار داشته باشد و بیست میلیون ارتش داشته باشد و یک چنین مملکتی آسیب پذیر نیست و الان هم الحمدلله آسیب پذیر نیست . الان هم ما پشتیبانمان خداست و ما برای او نهضت کردیم ، برای پیاده کردن دین او نهضت کردیم ، و خدا با ماست و من امیدوارم که شکست برای شما نباشد.

امروز باید همه یک شعار بدهند

خداوند همه تان را حفظ کند و این معنائی را که عرض کردم توجه به آن داشته باشید به رفقانی که دارید، به دستجاتی که هستند و هر جا که هستند توجه بدهید که امروز یک روزی است که همه با هم یک مطلب را باید بگوئیم ، همان که الان شعار مردم شده . الان محرم است و همه دستجات بیرون می آیند و دستجات باید عزاداری بکنند. عزاداری مهم است ، در ضمن عزاداری همان شعارهایی هم که می دهند، بدهند ولی عزاداریشان هم باید باشد. خداوند همه شما را انشاءالله حفظ کند. من دعاگوی همه شما هستم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

پیام امام خمینی در رابطه با تشکیل شورای امنیت برای رسیدگی به امر جاسوس های آمریکائی

بسم الله الرحمن الرحيم

این روزها زمزمه آن است که شورای امنیت برای رسیدگی به امر گروگان ها که نزد ملت ما جاسوسی آنها ثابت است تشکیل شود. آقای کارتر پس از مانور نظامی و سیاسی راضی شده اند که شورای امنیت فقط برای رسیدگی به این امر تشکیل شود، غافل از آنکه ملت ما می داند که هر شورایی یا محکمه ای که تحت نفوذ مستقیم آمریکا تشکیل شود، از اول رای آنان دیکته شده است و محکومیت ملت مظلوم ما مورد استقبال آنان است. ملت ما با شورای امنیت فرمایشی که از اول تکلیف آن معلوم شده موافق نیست. رسیدگی به امر شاه مخلوع و امر جاسوسان در مرکز جاسوسی جز در ایران امکان ندارد زیرا علائم و شواهد جرم در ایران است و قابل انتقال به غیر از ایران نیست. ما قریب صدها هزار شهید دادیم و چندین میلیون شاهد و بیش از صد هزار معلول داریم که امکان ندارد به خارج روند و عرضه شوند و شهادت دهند. علاوه بر پرونده های بسیاری که در اینجا هست و رسیدگی به امر لانه جاسوسی باید در همان محل به اصطلاح سفارت صورت گیرد زیرا شواهد جرم در همان محل است با توجه به مراتب فوق تشکیل هر محکمه یا شورائی بر خلاف موازین قضائی و از نظر ملت ما مردود است. ملت عزیز ما باید بدانند که در این میدان پیروز و به خواست خداوند تعالی و با اتکاً به قدرت اسلام و ایمان، نقشه های شوم قدرتمندان یکی پس از دیگر نقش بر آب خواهند شد. من برای چندمین بار تکرار می کنم که در این امر حیاتی قشرهای ملت با هر مسلکی که دارند و با هر فکر سیاسی یا مذهبی که دارند لازم است وحدت خود را حفظ نموده و علیه جنایات بیشمار دولت امریکا موضعی خصمانه گرفته و اشکال تراشی و تفرقه اندازی که به سود دشمنان کشور ماست، نباشد.

والسلام علی عبادالله الصالحین

روح الله الموسوی الخمينی

فرمان امام خمینی به حجت الاسلام ربانی املشی

بسمه تعالی

جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج شیخ مهدی ربانی املشی دامت افاضاته

با توجه با مشکلاتی که در منطقه گیلان پیش آمده مقتضی است جنابعالی که در منطقه هستید مسافرتی به نقاط مختلف استان کرده و از نزدیک مشکلات را بررسی کرده و با مشورت علمای اعلام محل جناب حجت الاسلام آقای احسانبخش و آقایان محترم دیگر ایدهم الله تعالی در رفع آنها سعی کافی را مبذول دارید، اهالی محترم منطقه را با اتحاد کلمه و پرهیز از اختلاف و تفرقه در این موقعیت حساس دعوت نمایند. بدیهی است که سازمان های مختلف دیگر مانند سپاه پاسداران و ستاد جهاد سازندگی و گروه های دیگر نیز همکاری های لازمه را در این مورد با جنابعالی خواهند داشت و از ارشاد و راهنمایی های آن جناب بهره مند خواهند شد از خدای تعالی موفقیت همگان را خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 241

پیام امام خمینی به ملت ایران پیرامون همه پرسی قانون اساسی

بسم الله الرحمن الرحيم

خواهران و برادران! محرم ماهی است که به وسیله سید مجاهدان و مظلومان اسلام زنده شده و از توطئه عناصر فاسد و رژیم بنی امیه که اسلام را تالپ پرتگاه برده بودند رهائی بخشید. اسلام از اول پیدایش، با خون شهیدان و مجاهدان آبیاری شد و به ثمر رسید. اسلام در کشور ما می رفت تا به تباهی کشیده شود که با خون شهیدان ملت ما حیات خود را باز یافت.

در این موقع که بحمدالله تعالی قانون اساسی را نوشتند و به تصویب علما اعلام و روشنفکران رسید، عناصر توطئه گر که با قدم و قلم می خواستند جمهوری اسلامی تصویب نشود و رای نیاورد، اینک می خواهند به ثمر نرسد. قانون اساسی یکی از ثمرات عظیم، بلکه بزرگترین ثمره جمهوری اسلامی است و رای ندادن به آن به هدر دادن خون شهیدان ماست. مبدا تحت تاثیر دشمنان اسلام رفته و از رای دادن و حضور در حوزه های رای گیری خودداری کنید. اسلام بزرگتر از آن است که به واسطه یک اشکالی قابل رفع از اساس آن صرف نظر نماید. اگر اشکالی باشد ممکن است در متمم که در نظر گرفته اند رفع شود. عزیزان کرد و عرب و بلوچ و ترکمن و سایر قشرهای محترم! اسلام برای همه و به نفع همه است و جمهوری اسلامی انشاءالله تعالی تامین تمام نابسامانی ها را می کند. عناصری که در اطراف از آن جمله مناطق کردنشین و مناطقی که برادران اهل سنت هستند تبلیغ می کنند که مانع از رای دادن به قانون اساسی شوند دوستان شما نیستند، دلسوز برای شما و کشور شما نیستند از این تکلیف شرعی شما را باز ندارند، شما را باز در مقابل برادران خود قرار ندهند.

اینجانب در روز اخذ آراء رای مثبت دهم و از تمام برادران و خواهران عزیز خود از هر قشری و در هر مسلکی هستند تقاضا می کنم که به این قانون سرنوشت ساز رای مثبت بدهند. عزیزان من! امروز که ما در مقابل یک قدرت شیطانی قرار داریم، کشور ما را می خواهند به تباهی بکشند، نگذارید اساس جمهوری اسلامی سست شود و دشمنان اسلام دلشاد شوند. از خداوند متعال عظمت اسلام و مسلمین و توفیق همگان را خواستارم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

مصاحبه امام خمینی با پنج نفر از خبرنگاران مطبوعات اروپا

بسم الله الرحمن الرحيم

من آنچه از خبرنگارها انتظار دارم این است که مطالب من تصحیح نشود، همانطور که من گفته ام بخواهند منتشر کنند، بی کم و زیاد باشد، خودشان تصرف نکنند، عقاید خودشان را داخل نکنند در آن چیزی که من گفته ام، تحت تاثیر تبلیغات سوء واقع نشوند، مسائل ایران را آنطوری که من می گویم، همانطور منعکس کنند.

سوال: ما از کشورهای کوچک اروپائی می آئیم که ما هم در تحت فشار امپریالیسم امریکا هستیم و خیلی از شما تشکر می کنیم که وقت دادید و این کشورها را مخاطب قرار دادید. بعد از حوادث اخیر به نظر می رسد مداخله امریکا در ایران به نام حفظ جان گروگان ها تهدیدی جدی برای صلح جهانی خواهد بود. آیا حضرت امام تصور می فرمایند که امریکائیان حاضر به مواجهه با چنین خطری برای محمدرضای جنابتکار باشند یا آنها مقاصد دیگری دارند؟

جواب: ممکن است که آنها مقاصد دیگری داشته باشند چون ما آنطور بشردوستی در کارتر و آنهائی که مصادر امورند سراغ نداریم که حس بشردوستی آنها را وادار کرده باشد که محمدرضا را برنگردانند و دلیل این است که اینها در همین موضوع هم اگر چنانچه بشر دوست بودند، این معنا را نمی گفتند که ما برای خاطر مثلا چند تا بشر، 35 میلیون بشر را یا در محاصره اقتصادی می گذاریم که به خیال آنها، اینها از گرسنگی تلف بشوند، یا اینکه ما جنگ راه می اندازیم که مملکت خودشان و مملکت ما و بسیاری از ممالک دیگر به خاک و خون کشیده بشود. اینها به نظر می آید که قضیه، قضیه انسان دوستی نیست. قضایای دیگر در کار است که یک احتمال که شاید از احتمالات دیگر قوی تر باشد این است که آنها می دانند که به وسیله این شخص فاسد، چه جرم هائی ارتکاب کرده اند، خودشان مطلع هستند از این. شاید بسیاری از جرم هائی که محمدرضا ارتکاب کرده است، غیر از او و رؤسای جمهور اطلاع نداشته باشند، حتی شاید خود دستگاه دولتی هم، نه دولتی ما و نه دولتی آنها، شاید، و این اسراری باشد، این حد جرائم اسراری باشد پیش رئیس جمهور وقت و محمدرضا. آنچه به نظر

می‌رسد آقای کارتر خوف این معنا را دارد، وحشت زده شده الان که اگر چنانچه محاکمه بشود محمدرضا و ما او را محاکمه بکنیم، علاوه بر جرائم خودش که ثابت خواهد شد، جرائم دیگران که روسای جمهور وقت بوده‌اند و خصوصا آقای کارتر که در اخیر رئیس جمهور بوده، جرائم آنها هم ثابت خواهد شد و همانطوری که ما تقاضای محاکمه محمدرضا را کرده ایم و می‌کنیم و محاکمه انشاءالله خواهیم کرد، آنوقت تقاضای محاکمه روسای جمهور را هم خواهیم کرد. آنهایی که در این جرائم شریک بوده‌اند، هر مقامی که می‌خواهد باشد، کارتر باشد یا نیکسون باشد یا جانسون باشد و یا هر که باشد، ما تقاضای این را کنیم که آنها را محاکمه کنند و خوفی که الان کارتر دارد این است، او خوف این را دارد که جرائمش ثابت بشود و ما تعقیب کنیم او را برای جرائم و شانس او در ریاست جمهوری که طمعش را دارد، از بین برود. از این جهت به دست و پا افتاده است، به وسائل مختلف الان او دست و پا کند. شاید روزی نباشد که یکی، دو تا، سه تا از وزارت خارجه ما برای ما اوراقی می‌آید که از خارج آمده است، از ممالک مختلف که آنها تشبث کرده‌اند و آنها سفارش اینکه این گروگان‌ها را رها کنید و یک قدری مثلا چه بکنید و این مسائل. بنابراین انگیزه‌ای که آقای کارتر دارند، ما شاید شک نداشته باشیم که این انگیزه، انگیزه انسان دوستی نیست، این انگیزه، انگیزه این است که خوف دارد، او الان وحشترده شده است و حق هم دارد که وحشترده بشود برای اینکه آدمی که خائن هست، خائف است، می‌ترسد و ایشان خیال کرده بود که با یک مانورهایی که پیش بیاورد می‌تواند در امریکا برای خودش یک مقامی تحصیل کند و تمام نظرش هم به این است که در دوره آتی هم رئیس جمهور بشود، تمام نظر او این است. اصل این ابرقدرت‌ها، ما آنطوری که تجربه بر ایمان ثابت شده است، این قدرت‌های بزرگ، چه ابرقدرتها، چه قدرتهای مادون آنها، اینها اصلش به اینکه به بشر نظر داشته باشند حتی به بشر مملکت خودشان، اینها سودجو هستند، خودشان را می‌بینند، غیر خودشان چیزی را نمی‌بینند و برای خودشان فعالیت می‌کنند، حالا یک عده‌ای هم از مملکت خودشان به باد فنا برود، از ممالک دیگر به باد فنا برود، اینها شانس پیدا بکنند در ریاست جمهور چند سال، دیگر عالم هر چه می‌خواهد بشود، شده است. از این جهت من احتمال این را می‌دهم. من یک قصه‌ای دارم در پاریس، یکی از مقامات بالا آمده بودند پیش من، آنجا صحبت از اینکه یک وقت در چین که شلوغی واقع شده بوده است، چه شده بوده است که، حالا تفصیل را خوب یادم نیست و خوف این را داشتند که سفارتشان را که در چین هست آنجا چه بکنند، آن شخص گفته بود، برای من ترجمه کرده بودند، اینطور ترجمه کردند که می‌گوید که ما افرادی که از خودمان در آنجا بود، برایمان خیلی مطرح نیست، مبل‌ها مهم است، آنکه برای ما مهم است، آن مبل‌ها قیمتی بودند و ما خوف این را داشتیم که آن مبل‌ها از بین برود اما افراد بروند، بروند. اینطوری است مساله، آنهایی که تربیت انسانی ندارند، آنهایی که مذهب

نیستند، آنهایی که تحت فرمان های آسمانی تربیت نشده اند، آنها غیر از خودشان هیچ نمی بینند و تمام منافع را برای خودشان می خواهند آقای کارتر هم از آن اشخاصی است که تربیت آسمانی ندارد. اگر چنانچه شنیده باشید، این چند روز، یک دفعه رفته است کلیسا و دعا کرده که این افراد خارج بشوند، شما بدانید که این دعای او هم مثل دعا های محمدرضاست که مشهد می رفت و دعا کرد. اینها همان مثلی است که یکی از حکمای ما عبید زاکان گفته است که مژدگانی که گربه عابد شده است، همین است مساله. بنابراین هیچ احتمال این معنا که ایشان برای خاطر محمدرضا یک کاری را بکنند و انسان دوستی و اदार کرده باشد که آن کار را بکنند، ما همچو احتمالی را نمی دهیم. حالا- این امر محول به خود این آدم است که ببینیم چطور تشخیص می دهد، آیا تشخیص می دهد که برای به دست آوردن ریاست جمهوری این است که یک جنگی در دنیا راه بیندازد و مملکت خودش را به خرابی بکشد؟ اینطور تشخیص می دهد تا وارد بشود به جنگ؟ آن هم در جنگ شکست خواهد خورد. احتمال اینکه او در جنگ پیروز بشود نیست در کار و یا تشخیص می دهد که اگر چنانچه روی موازین عقلی و عقلانی رفتار کند که یک مجرمی که به این مملکت پنجاه و چند سال جرم کرده و جوان های ما را کشته و همه ذخائر ما را برده است و از بین برد و مملکت را به تباهی کشیده، او را تحویل بدهد. وقتی تحویل داد ما هم این اشخاصی را بر فرض اینکه اینها مجرم باشند که مجرم هم هستند، اینها را ما مجرم می دانیم که در اینجا هستند لکن اگر او را تحویل داد و اموال ما را هم تحویل داد، آنوقت ما مضایقه نداریم که اینها را عفوشان کنیم.

سوال: مطبوعات غرب دائما در مورد دیکتاتوری و هرج و مرج در ایران گزارشات دروغین طرح می نمایند، از آنجائی که اولین بار است که شما اروپا را مخاطب قرار می دهید، پاسختان در مورد این اکاذیب چیست؟

جواب: خود شما دارید می گوئید که دروغ دارند می گویند. من متاسفم از اینکه غرب با آن هیاهو که در دنیا راه انداخته است راجع به تمدن، راجع به انسانیت غرب و اینها، آنوقت این دستگاه مخابراتی آنها که حساسترین دستگاه است، اینطور باشد که مطالبی که در ایران اصلا وقوع پیدا نکرده، آنها در آنجا تبلیغ می کنند و نشر می دهند و اگر یک چیزی اینجا یک طور تحقق پیدا کرده، آنجا عکسش را منتشر می کنند. این چه ممالکی است که مطبوعاتشان اینطور است. این آزادی که این آقایان به این مطبوعات داده اند این آزادی سالم است؟ صحیح است؟ مطبوعاتی که لسان یک مملکت است، آبروی یک مملکت به آنها بسته است، اینها بنا بگذارند اینطور اراجیف را بنویسند؟ دروغ ها را بنویسند؟ مملکت را بگویند که دیکتاتوری است؟ کجای مملکت ما دیکتاتوری است؟ بیایند ببینند اشخاص، ببینند کجای این مملکت

چه دیکتاتوری کرده اند اینجا؟ اینجا همه دارند به آزادی رفتار می کنند، همه کاری را دارند می کنند و ما تا پنج ماه همچنین آزاد قرار دادیم همه جبهه ها و همه جناح ها را که اشخاصی که خیانتی به این مملکت کرده بودند، مشغول فعالیت و توطئه شدند. بعد از آنکه مشغول فعالیت و توطئه شدند که الان در همان لانه جاسوسی آمریکا جرم بعضی از این روزنامه نویس ها، بعضی از این مجله نویس ها، توطئه ، آنها در اینجا پرونده دارند و منعکس خواهد شد. ما بعد از چهار، پنج ماه به آنها مهلت دادیم ، همه احزاب آزاد، همه روزنامه ها آزاد، همه قلم ها و قدم ها و گفتارها آزاد. یقوت ملتفت شدیم که دست های خارجی در کار است ، مثل صهیونیسم و امریکا و اینها دارند توطئه می کنند و می خواهند مملکت ما را به خرابی بکشند و از این جهت دادگاه ، بعضی از این روزنامه هائی را که ثابت شد که اینها از امریکا و از صهیونیسم الهام می گیرند و توطئه می کنند، آنها را جلوشان را گرفته اند تا محاکمه بشوند، آنها بعد باید محاکمه بشوند اما گفته می شود که اینجا دیکتاتوری است ، چه دیکتاتوری در اینجا هست ؟ خوب شما که الان آمدید و در اینجا هستید، یک قدری گردش کنید اطراف مملکت را، گردش کنید، چه دیکتاتوری را شما ملاحظه می کنید در اینجا؟ و اما آشفتگی _ عرض می کنم _ که اینطور امور، این لازمه هر رژیم است که تبدیل به رژیم دیگر می شود. مگر فرانسه که ادعا می کند که متمدن ترین مثلا ممالک است ، بعد از اینکه در آنجا انقلاب شد، مثل انقلاب ما به این سفیدی و به این خوبی بود؟ چقدر آنجا کشته شده اند، در انقلاب شوروی چقدر آدم کشته شده است و سایر انقلابات . ما مدعی هستیم که انقلاب ما در عالم نظیر نداشته است برای اینکه اسلامی بوده است و چون اسلامی بود و تمام افراد ملت شرکت در این امر داشتند، یک انقلابی نبود که یک حکومتی بیاید و حکومتی را ببرد، یا یک نظامی بیاید و یک حکومتی را ساقط کند، آنطور نبود. یک ملتی قیام کرد و ملتی که اسلامی بود، ملتی که خودش را پایبند اخلاق و پایبند اسلام می دانست و می داند، اینها قیام کردند و حریف خودشان را بیرون کردند و غلبه کردند. همان روزی که غلبه کردند، تمام پایگاه ها، تمام فرودگاه ها باز بود، در صورتی که در انقلابات دیگر فرودگاه ها در آن بسته می شود، تمام مطبوعات را از بین می برند، تمام روزنامه ها را از بین می برند و نمی گذارند منتشر بشوند. همین حالا هم که گاهی جاها که ما می شنویم که یک کودتائی شده است ، دنبالش اختناق تام است و ما مدعی این معنا هستیم که هیچ انقلابی مثل انقلاب ما از باب اینکه ما تابع اسلام بودیم و اسلام دستور داشته و ما عمل می کردیم به آن دستور، آنطور نبوده است به این آرامی که بعد از پیروزی بر یک همچون قدرتی ، حتی آنها هم که به این ملت ، آنقدر زیاد به این ملت خیانت کردند، جنایت کردند، آنها را هم نریختند و بکشند، آنها را گرفتند و آوردند و آن هم عده ای شان را آوردند و نگهشان داشتند و در حبس هم که نگه داشتند، آنقدری که به ما اطلاع دادند و اشخاصی که ما فرستادیم و دیدند که در حبس هم با آنها خوشرفتاری کردند،

در صورتی که مجرم بودند، تا وقتی محاکمه کردند و بعد از آنکه محاکمه ثابت شد که این یک آدم، چقدر آدم کشته، چقدر خیانت کرده، آنوقت به جزای خودش رساندند. و اما سایر قشرهای ملت سر جای خودشان هستند و ما آشفتگی که نگرانی داشته باشد، ابدا نداریم. ما از همه انقلاب هایی که در عالم شده است، الان کم آشفته ترین هستیم و هیچ آشفتگی در مملکت ما نیست ولی خوب از آن تفاله های سابق، از آن اشخاصی که میل ندارند این مملکت به آرامش خودش باقی باشد، از آنها البته هستند. از خارج هم به آنها الهام داده می شود، به آنها کمک می شود، اینها یک مقداری هستند و لکن ما نگران از اینها هیچ نیستیم برای اینکه اساس امور دست خود ماست و ما کنترل امور را داریم و ابدا نگرانی در این کار نیست و اگر گفته اند که یک خلاف نظم و اینهاست، اینها هم جزو همان هاست که این روزنامه نویس هائی که اجیرند، اینهائی که الان هم از شاه اجرت می گیرند، الان هم الهام می گیرند از سایر کشورها، آنها اینطور اراجیف را درست کرده اند و الا مسائل اینطور نیست.

سوال: بعضی احزاب سیاسی در ایران چنین برداشت می نمایند که مجلس خبرگان طرح قانون اساسی را بر مبنای اصول اسلامی تدوین نموده ولی حقوق آنها را برای هرگونه فعالیت سیاسی در آینده نادیده گرفته اند، نظر حضرت امام چیست؟

جواب: این (بعضی از احزاب سیاسی) یا قانون اساسی را نگاه نکرده اند و به خودشان زحمت ندادند که قانون اساسی را نگاه کنند و روی آن مقاصد فاسدی که دارند، شروع کردند حرف می زنند و یا دیده اند و عمدا می خواهند خلاف بگویند. اصل بیست و ششم از قانون اساسی موجود، این قانون اساسی ما، احزاب و جمعیت ها و انجمن های سیاسی و انجمن های اسلامی، اقلیت های مذهبی آزادند. و شرط این است که توطئه نکرده باشند برای اینکه مملکت ما را، ملیت ما را، جمهوری اسلامی ما را نقض کنند. این متن قانون اساسی است لکن گرفتاری که ما از این، بعضی از این احزاب سیاسی، بعضی از اینها که منحرفند، گرفتاری که ما از اول داشتیم این بوده است که از اول که این ملت آمده است و با فریاد الله اکبر و با فریاد اینکه ما جمهوری اسلامی می خواهیم، قیام کرده است و همین ملت که فریاد کرد و کشته داده است، این ملت غلبه کرده است، از آن اول که اینها غلبه کردند، دستجات اینها روئیدند، یا از خارج آمدند و یا در داخل که در انزوا بودند بیرون آمدند. از سوراخ ها بیرون آمدند و شروع کردند کارشکنی، تا توانستند، شروع کردند به اینکه این جمهوری باشد، جمهوری اسلامی لازم نیست، اسلامیش بیخود است، بعد هم یک دسته دیگر جمهوری دموکراتیک باشد، اسلامیش لازم نیست، بعد هم یک دسته دیگر جمهوری اسلامی دموکراتیک باشد. مردم ما، ملت ما، صددرصد اگر نگوئیم، 98/2 درصد رای داده اند به

جمهوری اسلامی بعد یک دسته که جزء همان کمتر از دو قسمتی که از صد باقی مانده است، اینها شروع کردند به اینکه می خواستند که نگذارند اولاً که رأی مردم بدهند، حالا که رأی دادند، شروع کردند به اینکه اخلاص کنند بعد از آنکه از آن مرحله گذشت، همچنین قدم به قدم، سیاستشان سیاست قدم به قدم بود، از آن مرحله گذشت و دیدند که مردم رأی شان را داده اند، آمدند دنبال اینکه نگذارند قانون اساسی نوشته بشود، قانون اساسی را خواستند نوشته بشود. بعد که قانون اساسی را شروع کردند به نوشتن اینها باز شروع کردند اشکال تراشی. بعد که آراء مردم را جستجو کردند راجع به اینکه وکلای تان را مردم می خواستند وکلایشان را تعیین بکنند، اینها شروع کردند به سمپاشی که وکلا تعیین نشوند. بعد که وکلا تعیین شدند و مجلس، مجلس خبرگانی که مردم با یک آراء زیاد، اکثریت قاطع تعیین کردند، اینها شروع کردند به اینکه هی اشکال کنند به خبرگان یا اشکال کنند به اصولی که خبرگان گذرانده اند. بعد از اینکه از آن هم گذشت و حالا مجلس خبرگان قانون را تدوین کرده است، تثبیت کرده است و بعد هم بناست که به همه پرسى گذاشته بشود یعنی دموکراسی بالاتر از همه دموکراسی دنیا، یک دفعه رای عمومی برای افراد، یک دفعه رای عمومی باز برای قانون، الان هم اینها به دست و پا افتاده اند که اشکال بکنند به قانون اساسی یک اشکالشان این است که شما می بینید که برای احزاب سیاسی در آتیه چیزی نمانده. ما می خواهیم بینیم احزاب سیاسی و سایر جمعیت ها غیر از اینکه به آنها بگویند که همه شما آزاد هستید، سانسور هرگز نخواهد بود، اینها غیر از این چه می خواهند؟ می خواهند که، اینکه می گویند که برای ما مجال نگذاشته، برای آن شرط است که نقض ملیت ما را نکنند. این آقایان می خواهند نقض ملیت ما را بکنند؟ نقض جمهوری اسلامی ما را بکنند، این آقایان می خواهند نقض جمهوری اسلامی بکنند؟ توطئه بر ضد اسلام نکنند. این آقایان می خواهند توطئه بر ضد اسلام بکنند که می گویند که (برای ما جای فعالیت نگذاشته اند) معلوم می شود، ما از اینجا می شناسیم اینها را و ملت ما باید اینها را بشناسند که در عین حالی که قانون اساسی ما می گوید که همه احزاب، همه جمعیت ها، اقلیت های مذهبی و انجمن های اسلامی و انجمن های دیگر همه آزاد هستند، فقط گفته اند که شرطش این است که شما نقض ملیت ما را نکنید، نخواهید ملت ما را از بین ببرید، ملیت ما را نخواهید از بین ببرید، نقض جمهوری اسلامی ما را نکنید، نقض قانون اساسی ما را نکنید، نقض اسلام را نکنید، این شرطی که کرده اند اینها را ناراحت کرده که این آقایان اهل این هستند که می خواهند ملت ما را از بین ببرند، ملیت ما را از بین ببرند، می خواهند مملکت ما را تجزیه کنند که همچون آزادی به آنها ندادیم، می خواهند که قانون اساسی را بعد از اینکه تصویب هم شد و مردم هم گفتند، باز نقض بکنند. اگر نمی خواهند نقض بکنند، پس شما آزادی دارید، اگر می خواهید نقض بکنید، خوب اظهار کنید که ما می خواهیم نقض کنیم ملیت مملکتمان را، این مملکت را ما می خواهیم

ملیتش را اصلاً نقض نکنیم، این مملکت را ما می‌خواهیم که قانون اساسیش را نقض نکنیم، ما می‌خواهیم که جمهوری اسلامی را نقض نکنیم، جمهوری اسلامی که مردم همه قریب به اتفاق آراء رای به آن داده‌اند. شما چند نفر که حالا تازه یا از خارج آمده‌اید یا از این سوراخ‌ها که بودید یا خیر، بسیاری از اینها هم در آن دستگاه جزء عمال آنها بودند و جزء سیا بودند که بعدها یکی یکی پیدا خواهند شد و در این لانه جاسوسی هم اسماً بعضی از آنها پیدا شده است، بسیاری از اینها از این قماش مردمند. بنابراین قانون اساسی ما که تصریح می‌کند که همه آزادند، اینها می‌گویند که برای ما آزادی قرار نداده‌اند.

سوال: مذهب اسلام همیشه به خداوند رحیم اشاره می‌نماید، آیا تصور می‌فرمائید که عدالت خلق هم نسبت به سرنوشت جاسوسان آمریکائی قبل یا بعد از محاکمه آنان با گذشت رفتار خواهد کرد؟

جواب: مذهب اسلام عفو دارد، در موقعش گذشت‌های زیادی دارد، در موقعش برای مجرم‌هایی که جرمشان ثابت بشود حدود دارد، از آن طرف عفو دارد، از آن طرف برای مجرم در قوانین اسلام حد قرار داده شده است و جزا قرار داده شده است. بنابراین اینها اگر چنانچه مجرم باشند و جرمشان ثابت باشد، به حسب اسلام جزا برایشان هست لکن بر ولی امر است که در بعضی وقت‌ها که صلاح می‌داند عفو بکند. ما هم اگر چنانچه امریکا مجرم ما را تحویل ما بدهد و اموالی که در آنجاها هست و جلوگیری کرده‌اند، یا در بانک‌های آنها هست، به ما تحویل بدهند، ما بر فرض اینکه اینها مجرم باشند، همچنین اختیاری از طرف شارع داریم به اینکه عفو بکنیم و ممکن است عفویشان بکنیم.

سوال: آیا حضرت امام تصور می‌فرمایند که دول عربی که از اعمال جنایتکارانه امریکائی‌ها حمایت می‌کنند، توسط ملت‌هایشان که به اسلام وفادارند به مجازات خواهند رسید؟

جواب: ما خیلی مایل هستیم که دول عربی که دیده‌اند یک مملکتی، مطلعند که یک کشوری بیش از پنجاه سال و در زمان محمدرضا سی و چند سال به آن تباهی کشیده شده است و جوان‌های ما را آنطور قتل عام کرده است، خانه‌های ما را آنطور خراب کرده است، مملکت ما را آنطور به تباهی کشیده، اقتصاد ما را از بین برده، فرهنگ ما را از بین برده، ما متوقع بودیم که دولت‌های اسلامی با ما در این امر موافق باشند که ما می‌خواهیم یک مجرمی را از یک مجرمی بگیریم. ما میل داشتیم که این ممالک اسلامی، این رؤسای ممالک اسلامی که مطلعند از این جرم‌ها، نروند طرف ظالم و مجرم بزرگ و خودشان را به او متصل کنند. بیایند طرف. به حسب دستور اسلام بیایند طرف مظلومین و دادخواهی بکنند، بیایند و ببینند

مملکت ما چطور شده است و آنها طرفداری از ما نکنند، آنها مسلمند و ما مسلمیم. این شخص مجرم است، مجرم بزرگتر کارتر است که دارد ظلم به ما می کند چه شده است که باید دولت اسلامی بگوید من مسلم هستم و قرآن کریم او را وادار کرده است به اینکه با مسلمین ید واحد باشند و برادر باشند، چه شان شده است که اینها اینطور خودشان را در مقابل یک قدرتی باخته اند و بنابر اینکه باید به حسب اسلام با ما موافق باشند، اظهار موافقت با آنها می کنند؟ و باید این را بدانند که ممکن است که برای آنها هم همان پیش بیاید که برای محمدرضا پیش آمد و بهتر این است که نصیحت ما را گوش کنند و با ملت ما موافقت کنند و امریکا را محکوم کنند و این حربه ای که در دست آنهاست که حربه نفت است، این حربه را به کار ببرند. خارج به شما، اجانب به شما احتیاج دارند، شما به آنها احتیاج ندارید، چرا خودتان را ذلیل می کنید در مقابل اشخاص دیگر؟ خدای تبارک و تعالی می فرماید: عزت برای مؤمنین است، مؤمنین باید عزیز باشند، چرا خودتان را ذلیل می کنید برای یک خیال هائی که کردید که نمی شود این ابرقدرت ها چه بشود؟ امروز دیگر آن روزها نیست که نشود، همه کاری می شود، از این جهت محتمل است که اگر چنانچه اینها برنگردند به آن چیزی که دستور اسلام است، ملت های خودشان را هم، خود آنها هم به آنها همان کنند که ملت ما به محمدرضا کرد.

سوال: آیا تصور فرمائید سایر تمایلات و عقاید مذهبی و معنوی از قبیل کلیسای کاتولیک یا کلیسای ارتدکس در مبارزه شما علیه بی عدالتی اجتماعی و ستمگری شما را یاری خواهند کرد؟

جواب: آقای پاپ یک کسی را فرستاد اینجا و با ما مذاکره کرد و نظرش این بود که ما این اشخاصی را که در این لانه جاسوسی، جاسوسی می کردند رها کنیم. ما مسائلی را با آقای پاپ در میان گذاشتیم و جرائمی که در اینجا واقع شده بود و محتمل است که مثلاً به ایشان درست نرسیده باشد، به وسیله فرستاده اش برای ایشان شرح دادیم و گله کردیم از ایشان که شمائی که یک پدر روحانی خودتان را حساب می کنید و خودتان را نایب مسیح، عیسی مسیح می دانید باید آنطوری که عیسی مسیح رفتار می کرد، شما بکنید. اگر عیسی مسیح الان بود پیش ما، آقای پاپ و سایر رؤسای روحانی احتمال این را می دادند که او متصل بشود به کارتر و به شاه مخلوع و این ملت مظلوم را رها کند؟! این احتمال را آقای پاپ یا سایر روحانیون مسیح، روحانیون همه مذاهب این را احتمال می دادند که اگر عیسی مسیح بیاید در بین ماها، این به طایفه مظلومین متصل می شود یا به طایفه ظالم ها؟ ما مظلومین که پنجاه سال جوان های ما کشته شده اند، ذخائر ما برده شده است، فرهنگ ما به تباهی کشیده شده است، اختناق در این مملکت واقع شده است، همه چیز در زیر سلطه این پدر و پسر از بین رفته است و حالا ملت

ما قیام کرده است و او را کنار گذاشته است و آقای کارتر هم او را برده است، مجرم ما را برده است و آنجا نگه داشته است و ما از او مطالبه می کنیم که این مجرم ما را بدهد. این اشخاصی هم که گروگان هستند در اینجا، اینها هم معلوم نیست پیش ما که اصلش اینکه مأمور سفارت باشند، سفیر که اینها نیستند، کاردارشان هم که در اینجا نیست، اصل اینکه اینها از اجزای سفارت باشند و از دیپلمات ها باشند، این پیش ما اصلاً ثابت نیست بلکه خلافش بیشتر واضح است. این عده را ما عقیده مان این است که اینها آمده اند اینجا فقط برای جاسوسی و برای اینکه مملکت ما را به تباهی بکشند و شواهد زیاد الان در همین لانه جاسوسی هست. خوب ما اگر چنانچه عیسی مسیح سلام الله علیه تشریف بیاورند و این مطالبی را که ما به پاپ گفتیم، خدمت ایشان عرض بکنیم، ایشان ترتیب اثر به حرف ما نمی دهند؟! ایشان طرفداری از کارتر می کنند؟! طرفداری از شاه می کنند؟! یا طرفداری از این ملت مظلوم می کنند؟ اگر اعتقاد ایشان این است که نه، این طرفداری از ظالم می کند، این خلاف مذهب مسیح است. مذهب مسیح این نیست. پس آقای پاپ هم همچو اعتقادی ندارد. وقتی اعتقادشان این شد که پیغمبر بزرگ عیسی مسیح سلام الله علیه اگر تشریف داشتند، به داد این ملت مظلوم می رسیدند، دادخواهی می کردند از دشمن های این ملت مظلوم، حالا این روحانیون مسیح که آقای پاپ خودش را نایب حضرت مسیح می داند و روحانیون دیگر هم که آنها هم معتقد به مسیح هستند و خودشان را روحانیون مذهب مسیح می دانند، تابع مسیح می دانند، بعد از اینکه می دانند که اگر مسیح بود، با ما بود، خوب حالا آنها هم باید با ما باشند. قاعده این است که (به حسب مذهب مسیح من حرف می زنم، به حسب مقام مسیح من دارم می گویم) مقام بزرگ مسیح این اقتضای ما می کند که اعتراض کند به ظالم، ظالم را از ظلمش باز دارد. شما هم که روحانیت مسیح هستید و ملت ها هم که تابع حضرت مسیح هستند، آن ملت ها هم باید تبعیت از حضرت مسیح بکنند. مگر ملت ها هم عقیده شان بر این است که حضرت مسیح نعوذ بالله موافق با ظالم هست؟! و مخالف با مظلوم؟! و من گمان ندارم یک نفر مسیحی پیدا بشود یک همچو حرفی بزند. وقتی اینطور شد، ما، ملت امریکا که مسیحی هستند، ملت های دیگری که مسیحی هستند، علاوه بر اینکه به روحانیت مسیح توجه می کنیم و این حرف را می زنیم به آنها هم می گوئیم که شما ملت هائی که خودتان را مسیحی می دانید و تابع عیسی مسیح سلام الله علیه می دانید احتمال این را می دهید که حضرت مسیح اگر اینجا بودند مخالف با ما می کردند و موافقت با کارتر؟! این احتمال را می دادید؟! احتمال می دهید که اگر عیسی مسیح نعوذ بالله به جای کارتر بود، این اعمال را می کرد؟ جوان های ما را تا حالا عده ای کشته اند، جوان های ما را پلیس آنقدر اذیت کرده، سگ ها را به جان آنها انداخته است، این ملت مسیح احتمال این را می دهند که حضرت مسیح راضی به این امر باشند؟ یا نمی دهند؟ اگر احتمال می دهند که حضرت مسیح به ظلم راضی باشد، این با مسیحیت منافات دارد، این کفر به حضرت

مسیح است. ما منزله می کنیم حضرت مسیح را از همچو احتمالی و اگر این احتمال را نمی دهد، با ما باید باشد. مجرد اینکه آقای کارتر سرنیزه دارد و طیاره دارد، تانک دارد، توپ دارد، قدرت دارد، این نباید ملت ها را، دولت ها را، نه فقط دولت های مسلم را، نه، ملت های مسلم را، دولت مسیحی را، ملت های مسیحی را باید وادار کند به اینکه، اگر شما مسیحی هستید، اگر یهودی هستید، اگر مسلم هستید، اگر زرتشتی هستید، به هر مذهبی که هستید رؤسای مذهب شما با ما موافقت و مخالف با کارتر و امثال کارتر، شماها هم باید با ما موافق باشید. ما همان مطلبی را که به آقای پاپ گفتیم و گفتیم ما پیش شما دادخواهی می خواهیم، ما می خواهیم شما برسید به این امر ما، ما ملت مظلومی هستیم، شما برسید به این جنایاتی که اینها کردند و این جنایت بزرگی که الان کارتر دارد به ما می کند، ما الان متوجه به تمام مسیحیون دنیا و تمام یهودی های دنیا و تمام زرتشتی های دنیا و تمام مسلمین دنیا می گوئیم، تمام شماها مسؤول هستید برای اینکه همه شماها اگر چنانچه مذهب خودتان را تصدیق کرده باشید، لازمه تصدیق مذهب خودتان این است که صاحبان مذهب شما و کسانی که مذهب شما را آوردند، اینها در صف مظلومین هستند، نه در صف ظالم ها، شما هم باید در صف مظلومین باشید، شما باید موافقت با ما بکنید، نه موافقت با کارتر.

سوال: سیاست جمهوری اسلامی ایران نسبت به دول اروپائی چیست؟ آیا فکر می کنید که کشورهای اروپائی می توانند به اقتصاد ایران کمک کنند؟ و اگر جواب مثبت باشد، شرایط ایران برای قبول این کمک چیست؟

جواب: ما با همه ملت های عالم می خواهیم دوست باشیم، با همه دولت های عالم به حسب طبع اولی می خواهیم دوست باشیم، می خواهیم که روابط حسنه، با احترام متقابل نسبت به همه داشته باشیم، مگر اینکه دولت هائی باشند که با ما خلاف رفتار کرده باشند و بخواهند به ما ظلم بکنند، تحمیل بکنند، سلطه جوئی کنند بر ما، که ما با آنها مخالف هستیم و هرگز اجازه نخواهیم داد که آنها دخالتی در مملکت ما بکنند و آن سلطه جوئی هائی که آنوقت کردند، بکنند و با آنها البته نمی توانیم روابط داشته باشیم و با دولت هائی که با ما روابط حسنه داشته باشند، ما هم با آنها روابط حسنه داریم و اگر چنانچه ما احتیاج به یک چیزی داشتیم و آنها هم احتیاج به یک چیزی داشتند، خوب تبادل می شود. آنها فرض کنید که نفت می خواهند، ما تا یک عدد معدودی، محدودی ممکن است که بعضی از چیزها را بخواهیم، این یک مطلبی است که، یک مبادله ای است که بین افراد هست، بین ممالک هم هست، البته امرش با دولت هست و امرش با شورا عجالتا و بعد هم با دولت ها.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

مصاحبه خبرنگار روزنامه فرانسوی لوموند (اریک رولو) با امام خمینی

سوال : شما آمریکا را در حقیقت شدیداً ناراحت کرده اید و یا به زانو درآورده اید، از لحاظ اخلاقی توهین به آنها کرده اید، آیا زیادتر از این تا به کجا می خواهید بروید؟ به کجا می خواهید بروید؟ به کجا بسط می شود؟ آیا داخل جنگ می شوید؟

جواب : بسم الله الرحمن الرحيم . ما اول باید حساب ملت آمریکا را از دولت آمریکا جدا کنیم . ما به هیچ وجه مقابل با ملت آمریکا نیستیم . آقای کارتر است که به این ناراحتی دامن می زند از طریق جنگ اعصاب و ممکن است به دخالت نظامی منجر شود و ما به هیچ وجه ملت آمریکا را تحقیر نکرده ایم . آقای کارتر است که دشمن ما و ملت را که غارتگر ما و ملت است نگه داشته و در دنیا برخلاف واقع هیاهو پیا کرده است . جوانان ما جاسوسان را نگه داشته اند تا ثابت کنند اینها چکاره اند.

سوال : افکار عمومی آمریکا ضربه خورده و گفته می شود کارتر انتخاب دیگری جز جنگ ندارد و حتی از بمباران قم و گروگانگیری امام صحبت است ، حضرتعالی چه فکر می کنید؟

جواب : اما راجع به ضربه به افکار عمومی آمریکا، این اشتباه است . مسائل پیش عموم مردم نیست زیرا دولت آمریکا نمی گذارد اخبار صحیح به آنها برسد، فقط این رویدادها به یک گروه معدودی رسیده است ممکن است آن عده ای که طرفدار کارتر هستند یا جزء دستگاه او هستند یک ناراحتی هائی پیدا کنند لکن ملت آمریکا اینطور نیستند . ما این حرف ها را زیاد شنیده ایم . شاه سابق اگر یک کاری می کرد که ملت مخالف آن بود می گفت که ملت همه موافقند، حالا- هم همین طور است . آقای کارتر پیش ملتش طرد می شود و آقای کارتر باید کاری غیر از ریاست جمهوری پیدا کند چون به طوری که معلوم می شود نمی تواند ریاست کند. کسی که اعصابش ضعیف است و برای یک امر جزئی هیاهو راه می اندازد، قابل این نیست که رئیس جمهور آمریکا شود و به ملت آمریکا حکومت کند.

سوال: رؤسای دولت هائی که در تونس جمع بودند، به نفع ایران موضع نگرفتند (منظور کشورهای عربی است) چگونه می توانید روی همبستگی اعراب حساب کنید؟

جواب: ما امیدواریم همانطوری که ملت های عرب با ما موافقت، دولت های عرب هم با ما موافق باشند و دولت های عرب اگر به مسائل ایران توجه کنند که چه بوده و ما چه می خواهیم، ما آزادی از همه قید و بند هائی که تا حالا گرفتارش بودیم می خواهیم، ما می خواهیم مستقل باشیم و منافع ممالک اسلامی به جیب دیگران نرود، این چیزی نیست که با ما مخالفت کنند. ممکن است بعضی از رؤسای مسلمین هم روی اشتباهات و تبلیغاتی که بر ایشان شده، یک اشتباهاتی کنند لکن من امیدوارم که آنها از اشتباه بیرون بیایند و همه ممالک اسلامی با هم متحد بشوند و حساب خودشان را از حساب ابرقدرت هائی که می خواهند آنها را بچاپند، جدا کنند.

سوال: شما موضع دانشجویان ایرانی را تأیید کردید، آیا نگهداری گروگان ها با قوانین اسلامی مطابقت دارد، حتی در موقع جنگ؟

جواب: آنچه من به شما گفتم مثل اینکه اشتباه به شما رسیده و شاید باز این اشتباه را دستگاه های تبلیغات صهیونیستی کرده باشند. آنچه من گفتم این بود که ما نمی توانیم ملتی را که اینقدر از آمریکا ضربه دیده، اگر چنانچه آمریکا شاه را نگه دارد و این امر طولانی شود یا بخواهد مملکت ما را بمباران کند، ما نمی توانیم جوانان را کنترل کنیم. مردم ما پنجاه سال است که از آمریکا ضربه خورده اند. ممکن است که جوان های ما اینجاها را خودشان به هم بزنند. من اینطور گفتم، نه اینکه ما ابتدائاً این کار را می کنیم. الان هم آنها در کمال خوشی و آسایش هستند و تبلیغات آقای کارتر برخلاف این است لکن واقع این است. من فرستادم تحقیق کردم، به گروگان ها هیچ صدمه ای نرسیده است و اسلام با همه مردم دنیا می خواهد با خوبی رفتار کند. بله، اسلام با کسانی که توطئه گر هستند و بخواهند برخلاف مصالح مسلمین و مصالح بشر عملی بکنند با آنها هم سختگیری می کند.

سوال: درباره بحران کنونی ایران چه فکر می کنید؟

جواب: بحران کنونی ایران یک بحرانی نیست که ما از آن خوفی داشته باشیم. اما راجع به اینکه یک وقتی جنگی پیش می آید، ولو اینکه یک مطلبی است از شیخ الرئیس بوعلی سینا نقل می کنند که گفته است من از گاو می ترسم برای اینکه اسلحه دارد، عقل

ندارد، حال این ابرقدرت ها

اسلحه دارند، مع الاسف عقل ندارند و آقای کارتر هم ثابت کرد این مطلب را، معذک نخواهند گذاشت چنین کاری نکنند. ملت ها و دولت های بزرگ نمی گذارند که چنین جنگی پیش بیاید. جنگ پیش آمده معنایش جنگ جهانی سوم است و همین ابرقدرت ها از این جنگ می ترسند. ما ابتدا از این مسائل ترسی نداریم برای اینکه وضعمان این است که می بینید، وضع ملتمان این است که می بینید. ما قائلیم که اگر از این عالم رفتیم، به جای بهتری منتقل می شویم، اگر کسی از یک عالم بدی به یک جای خوبی برود، از چه می ترسد؟ ما هیچ ترسی نداریم، آنها باید بترسند که خیال می کنند عالم دیگری نیست، یا ظالم هستند و از رفتن به آن عالم ترس دارند. ما نه از آن بحران اقتصادی می ترسیم، نه از جهات دیگر و ما بنا گذاشتیم که خودمان بکاریم و خودمان هم زراعت را برداریم و محصولش را هم خودمان بخوریم و به کسی راه ندهیم تا بیاید منافعمان را ببرد، بنابراین بحرانی برای ما نیست. اروپا از این مسائل و بحران ها می ترسد و او هم حق دارد که بترسد و جلوگیری کند از این مسائل دولت فرانسه جلوگیری کند و سایر دولت ها جلوگیری کنند و کارتر را سر عقل بیاورند که مجرم ما را به دست ما بدهد، همه مسائل حل می شود

سوال: روحانیت شیعه همیشه در رأس مبارزات بوده است ولی آیا این هم صحیح است که روحانیت که در جهان به این پیچیدگی قادر به اداره مملکت نبوده، در کارهای تکنیکی از غیر روحانی استفاده نکنیم؟

جواب: این هم جزء تبلیغات سوئی است که برضد روحانیت می شود. آیا آقای کارتر که رئیس جمهور است همه کارها را خودش در آمریکا انجام می دهد؟ نه، افرادی را وا می دارد که کارها را انجام دهند. روحانیت نمی خواهد خودش کارخانه راه بیندازد یا طیاره ببرد. اینهایی که می گویند روحانیت باید دخالت نداشته باشد، نمی فهمند یا می فهمند و مردم را اغفال می کنند، این اشتباه است، روحانیت نظارت بر اوضاع دارد، کارها دست کارشناس های غیر روحانی است. روحانیون نظارتی بر امور دارند که غلطکاری نشود، یک وقت کودتا نشود، یک وقت ظلم به مردم نشود، روحانیت می خواهد جلو غارتگری و ستم و دزدی را بگیرد.

سوال: سوال آخرم این است، این مشکل به نظر می رسد که آمریکا بتواند شاه را پس بدهد و اگر این راه حل نباشد، چه راه حلی به نظر شما می رسد؟

جواب: ما سؤال می کنیم که چرا نمی تواند؟ چیزی که موافق همه قوانین بین المللی است، در همه قوانین است که اگر کسی به ملتی ظلم کرده، مال ملت را خورده است، مجرم است، باید بیاید

همان محل محاکمه شود. آقای کارتر در این مورد لج کرده، معلوم می شود ایشان یک آدم لجوجی هست یا اینکه نمی خواهد واقعیت مسائل را ادراک کند. مملکت خودش و مملکت دیگران و مملکت های عالم را به آتش می کشد که یک نفر آدم را آنجا چون رفیق و دوست سابقش بوده و جیبش را پر کرده، حالا دلش نمی خواهد او بیاید اینجا و محاکمه شود و مبادا معلوم شود که جیب آقای کارتر هم پر شده است و ما از او مطالبه کنیم، این یک مسأله ای نیست که نتواند اگر بخواهد روی قواعد عمل کند، می تواند و کسی جلوی او را نمی گیرد، حتی همه مملکت خودش هم از او تشکر می کنند که آن بساط را به هم زده و اگر چنانچه شاه را پس ندهند، هر چه می خواهد پیش آید ما پافشاری می کنیم و از هیچ چیز نمی ترسیم. شیخ الرئیس ولو این کلمه را گفته لکن ما نمی ترسیم از این اسلحه ای که دست بی عقل است، ما نمی ترسیم برای اینکه ما نمی خواهیم به این عالم خیلی عشق داشته باشیم برای اینکه این عالم چیزی ندارد. اینجا جز گرسنگی خوردن، ظلم کشیدن، تو سری خوردن از قدرت های بزرگ چیزی برای ملت ما نمانده است که بترسیم یا ملت ما بترسند، ما تا همه جا حاضریم برای این امر.

پیام امام خمینی به ملت ایران در رابطه با زلزله

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت شریف و خیرخواه ایران! خواهران و برادران ارجمند! با آنکه می دانم با احساس مسؤولیت و حس تعاونی که در همه قشرهای محترم است، برای نجات برادران و خواهران خود در این فصل سرما به مناطق زلزله زده خواهید رفت و با توان خود به مسلمانان و اطفال ناتوان کمک خواهید کرد لکن اینجانب نیز با احساس تکلیف از شما عزیزان می خواهم که فرصت را از دست نداده و به این عبادت اسلامی و انسانی بشتابید. راضی نشوید که شما و اطفال عزیزتان در آسایش باشید و خواهران و برادران و عزیزان آنان در رنج.

بدانید که این حوادث دردناک جنبه آزمایش و امتحان نیز دارد. همانطور که در زلزله قبل با آن همت بزرگ انسانی آنچنان به کمک شتافتید که در مدت کوتاهی زائد بر احتیاجات اولیه اسباب رفاه آنان را فراهم کردید، امیدوارم که در این ایام هم که سرما بیشتر است همانطور عمل کنید. اینجانب اجازه می دهم که از سهم امام (علیه السلام) و سادات محسوب نمائید. از خداوند متعال توفیق و سعادت و سلامت همگان را خواستار و نجات برادران و خواهران را خواهانم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 257

پیام امام خمینی در رابطه با پرهیز مردم از اختلاف

استقبال ملت از قانون اساسی ، موجب یأس دشمنان اسلام

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت شریف و مبارز ایران ایدهم الله تعالی

در این موقع حساس که کشور عزیز و اسلام بزرگ رو برو با آمریکای خونخوار است و لازم است همه قشرها با هم هماهنگ و همصدا در مقابل دشمن بزرگ بایستند و فرصت به دست عمال اجانب و ریشه های گندیده طرفداران رژیم سابق ندهند، مع الاسف گاهی شنیده شود که اشخاصی بی خبر از عمق مسائل ، تحت تأثیر بدخواهان غائله پیا می کنند و خدای نخواستہ موجب اختلاف و شکاف می شوند. من اکیداً از همه ملت شریف می خواهم که از مطالبی که باعث اختلاف و بهره برداری دشمن است احتراز کنید و به مراجع عظیم الشان و علمای اعلام احترام گذارید. برادران بدانید فاجعه ای که در منزل حضرت آیت الله شریعتمداری پیش آمد، به دست توطئه گران است که باید محکوم شود و توجه داشته باشند که این نحو امور را توطئه گران تکرار نکنند. من از همه قشرهای جوان دانشگاهی و مدارس علوم دینی و روشنفکران و دانشمندان و نویسندگان عاجزانه استدعا می کنم در این وقت حساس از هر گونه اختلاف دست برداشته و دشمن بزرگ را هدف قرار دهند. من امروز این امر را تکلیف شرعی الهی و وظیفه ملی می دانم . از خداوند تعالی وحدت کلمه ملت و عظمت اسلام و مراجع عالیقدر و پیروزی ملت مسلمان را خواستارم.

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 258

بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان مجلس خبرگان

بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان مجلس خبرگان

بسم الله الرحمن الرحيم

من از آقایان که در این مدت برای قانون اساسی و برای مجلس خبرگان زحمت کشیدید، تشکر می‌کنم و امیدوارم که خدمت شما به اسلام مورد نظر صاحبان اسلام باشد و موفق باشید که از این به بعد هم همه با هم خدمت کنیم برای اسلام.

این قانون اساسی که تحت نظر علما و کارشناسان اسلام تهیه شده، موجب نگرانی بعضی اشخاص هست و من هیچ نگران نیستم. قانون اساسی صحیح است و اگر بعض طوائف خیال می‌کنند که آن چیزی که آنها می‌خواهند در قانون اساسی نیست، این یک اشتباهی است و این را باید بدانند که اسلام برای همه است و قانون اساسی همه دردها را انشاءالله دوا می‌کند. و امیدواریم که اگر فرض کنید که یک نقیصه ای در کار باشد، بعدها در مجلس شورا این نقیصه رفع بشود. نگران نباشند هیچ یک از طوائف لکن توجه به یک مسأله داشته باشند و آن این است که قدم به قدم، از اول این نهضت تا حالا مواجه با مخالفت دسته‌ها بودیم و الان که از این جهت هم مأیوس شدند، گمان می‌کردند که قانون اساسی مورد توجه مردم نیست. خیلی خوشحال شده بودند از اینکه در این، راجع به شوراها شهر، مردم خیلی اقبال نکردند و آرزویشان این بود که در قانون اساسی هم مردم اقبال نداشته باشند، لکن دیدند که این قانون اساسی بهتر اقبال شد برایش، از اصل جمهوری اسلامی. حالا البته من درست به تحقیق نمی‌دانم نسبت چی است لکن تا حالا به ما گفتند نسبت از آن بالاتر است. حالا مأیوس شدند بعض طوائف، می‌بینند خوب این قدم هم برداشته شد.

امروز غائله به پا کردن، به نفع آمریکا و به ضرر اسلام است

دیگر چه بکنند؟ حالا افتادند به اینکه تظاهر کنند ما قانون اساسی را نمی‌خواهیم. با قلدری یک حرف داشتند که بگویند قانون فلان جا یک اشکالی دارد، بیائید این اشکال را مثلاً رفع کنید. یک وقت این است که افتادند به قلدری و یک دسته از اشخاص مغرض، از بستگان رژیم منحوس پهلوی، از بستگان امریکا افتادند میان مردم، یک دسته اشخاص ساده لوح هم تحت تأثیر واقع می‌شوند و خیال می‌کنند که اینها یک نظر صحیحی دارند. در صورتی که مسأله اینطور نیست، آنها نظر صحیح ندارند و

اینها اول تا حالا قدم به قدم که مخالفت کردند، حالا این قدم هم برداشته شد و دیدند همه ملت تقریباً موافق با قانون اساسی هستند، حالا می خواهند با قلدری کار را به پیش ببرند. یعنی خیال می کنند که در مقابل یک ملتی که همه این ریشه های فساد را دارد می کند و کنده است، باز می شود که یک عده ای قلدری کنند و بگویند که ما نمی خواهیم این را. چطور می شود در مقابل یک ملت چند نفر بگویند ما نمی خواهیم؟ اختیار دست شما نیست که بخواهید یا نخواهید. بخواهید یا نخواهید، این قانون اساسی تصویب شد و مردم به آن رأی دادند، قریب به اتفاق به آن رأی دادند و دیگر دست و پا کردن صحیح نیست.

و من امروز به همه ملت، به همه طوائف، به همه دیگر گروه ها عرض می کنم که امروز شما مخالفتان امریکا است، مخالفتان دولت های بزرگ است. امروز مملکت شما مقابل با یک همچو قدرت هائی است.

شما اگر اسلام را قبول دارید، خوب مملکت اسلامی را هم باید قبول داشته باشید، و اسلام در خطر است. و اگر چنانچه ملی هستید، خوب ملت شما در خطر است، کشور شما در خطر است. امروز بیائید باز تظاهر کنید و این او را بزند و اینطور مسائل واقع بشود، نه امری است که عقل او را قبول بکند، برخلاف موازین عقلی است و برخلاف شرع است بلا اشکال و از گناهان کبیره است که معلوم نیست که اگر کسی الان اسلام را صدمه بزند اصلاً قابل این باشد که توبه اش هم حتی قبول بشود. باید اشخاص روشن، اشخاص صحیح، این ریشه هائی که می خواهند این کارها را بکنند، این فسادها را ایجاد کنند، غائله می خواهند درست بکنند، اینها را نصیحت کنند، به اینها بگویند که آخر شما مسلمان هستید، چرا مسلمان باید با اسلام مخالفت کند. شما نمی دانید که دارید با اسلام مخالفت می کنید، شما نمی دانید که اگر اختلاف بین خود ما واقع بشود نتیجه اش را امریکا می برد و دولت های بزرگ. شما نمی فهمید این را، یا می فهمید و تعمد دارید. ملت حالا باید موازین دستش باشد، کسانی که امروز غائله ایجاد می کنند، اختلاف ایجاد می کنند این کسان را بشناسند که اینها عمل شان صحیح نیست و به اسم فلان آقا یک غائله ایجاد می کنند، به اسم فلان شخص یک غائله ایجاد می کنند. اینها نه مورد نظر فلان آقا و فلان انسان است، اینها یک اشخاصی هستند می خواهند غائله ایجاد کنند و این غائله هم به نفع امریکا تمام می شود، به ضرر اسلام تمام می شود، مخالف شرع اسلام است، از گناهان بسیار بزرگ است. امروز این اختلافات را از آن دست بردارند.

لزوم حفظ آرامش، جهت رفع گرفتاری ها

من این را اعلام می کنم که اگر کسی به من سب بکند، فحش بدهد، عکس مرا پاره کند، احدی حق ندارد که به او تعرض کند. حرام است تعرض کردن به کسی که به من سب کند، به من فحش بدهد، عکس مرا پاره کند، مرا بزند، هر کاری بکند، احدی حق ندارد در این وقتی که ما گرفتار هستیم در این

مصیبت بزرگ، با او مقابله بکند تا اینکه به زد و خورد برسد و غائله ایجاد بشود. امروز آرامش ما می خواهیم. غائله نگذارید ایجاد بشود. باید همه با هم دست به هم بدهیم و ایجاد غائله نشود و همه دست به هم بدهید، آرامش خودتان را حفظ کنید و همه توجه به این داشته باشید که این چیز، گرفتاری هائی که برای ملت ما پیش آمده این گرفتاری ها رفع بشود. این را به همه می گویم، به کردها عرض می کنم، به بلوچ ها عرض می کنم، به ترک ها عرض می کنم، به فارس ها عرض می کنم، به سیستانی ها عرض می کنم، به بلوچستان ها عرض می کنم، به عرب ها عرض می کنم، به همه ملت ها عرض می کنم که امروز اسلام در مقابل کفر واقع شده قضیه ایران نیست قضیه اسلام است، اسلام امروز در مقابل کفر واقع شده. همه ملت ها باید با ما موافقت کنند، همه اختلافاتشان را کنار بگذارند و با ما موافقت بکنند. سر یک امور جزئی چرا باید با هم اختلاف بکنند؟ من دیشب شنیدم که یک اختلافی اینجا واقع شد. خدا می داند که چقدر متاسفم از این معنا که یک عده جاهل، یک عده اشخاص که بی اطلاع از مسائل و از ریشه های مسائل هستند، این یک چیزی، یک کسی یک کاری می کند یک کس دیگر می زند او را. اشخاصی هستند می خواهند غائله ایجاد کنند. در همان سابق هم اینطور بود که یکی از خود سازمانی ها یکی را می کشت مردم خیال می کردند آن کشته شده است می ریختند به هم، بعد غائله ایجاد می شد. حالا ممکن است که یکی کسی از همان ریشه هائی که سابق بوده حالا باشد یک غائله ایجاد کند، یک کسی را بکشد، یک کسی را بزند، بعد اسباب این بشود که یک مملکتی به هم بریزد. این کار برخلاف شرع است، برخلاف انسانیت است، برخلاف ملیت است. دست از این کارها بردارند، برخلاف انسانیت است. چرا این کارها را می کنند؟ چه شده است که حالا شما به جان هم افتادید؟ چرا باید به جان هم بیفتید؟

خداوند انشاءالله همه شما را حفظ کند و این مملکت را از شر دشمنان انشاءالله حفظ کند و ما را بیدار کند از این خواب.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در دیدار با نماینده کیمایل سونگ رئیس جمهور کره شمالی

عمال آمریکا با چماق می خواهند قانون اساسی را نقض کنند

بسم الله الرحمن الرحيم

من از آقای رئیس جمهور و همچنین از ملت کره تشکر می کنم که در یک همچو موضع حساسی که کشور ما هست، آنها هم بر حسب خلق انسانیت طرفداری از ما می کردند. ما در طول پنجاه و چند سال گرفتار آمریکا و دولت های بزرگ بودیم و آلت فعلشان هم رضاخان و محمدرضا پهلوی بودند که آنقدر به این ملت فشار آوردند و آنقدر قتل و غارت کردند که بالاخره ملت به جان آمد و با تمام قوا با نداشتن هیچ اسلحه در مقابل اسلحه های مدرن ایستادند و با قدرت ایمان پیش بردند. آمریکا از آن قدم اول با وضع ما مخالف بود، تا توانست برای حفظ شاه فعالیت کرد، دست و پا کرد، برای من پیام فرستاد و بعد از اینکه شاه بیرون رفت و بختیار آمد، باز کوشش می کرد و تعقیب کردند که بختیار باقی باشد. بعد از اینکه بختیار رفت، اینها مشغول فعالیت شدند برای اینکه نهضت ما به ثمر نرسد و قدم به قدم دنبال کردند. آنهایی که دنبال او بودند، از عمال آمریکا بودند، از ریشه های فاسد رژیم سابق بودند، غائله ها پیا پی کردند که از اول فراندم برای جمهوری اسلام نشود و بعد که در این قدم شکست خوردند، قدم دوم پیش آمد و برای انتخابات مجلس خبرگان باز کارشکنی کردند عمال خبیث آمریکا و بعد که در آن قضیه هم شکست خوردند، راجع به فراندم قانون اساسی مشغول شدند به کارشکنی، صندوق ها را شکستند، مردم را بازداشتند از رأی دادن، ولی مردم ایران بحمدالله در این قدم فاتح شدند و رای قریب صددرصد به این قانون اساسی دادند. در عین حال که بعد از اینکه مردم هم نمایندگانشان رفت و نمایندگانشان را تعیین کردند برای بررسی قانون اساسی و همان نمایندگان مردم بودند که قانون اساسی را بررسی کردند و تصدیق کردند و بعد هم به فراندم گذاشته شد، مردم قریب به اتفاق رای دادند بر قانون اساسی معذک آمریکا از پاننشسته است و غائله ها پیا پی می کند و عجیب این است که اشخاصی که مدعی این هستند که روی اساس آزادی، روی اساس دموکراسی عمل می کنند (و هیچ دموکراسی بالاتر از این عملی که ما انجام دادیم که دو مرتبه به آراء عمومی قرار داده شده است، نیست) معذک حالا متوسل به چماق شده اند و با چماق می خواهند قانون اساسی را نقض کنند و قانون اساسی را تغییر بدهند غافل از اینکه ملت همان ملتند و مردم همان مردمند و ایمان مردم همان ایمان مردم است. اگر صد دفعه این قانون اساسی را بخواهند اصلاح بکنند، نمایندگان ملت باز

نمایندگانی هستند که علاقه به اسلام دارند، علاقه به کشور خودشان دارند و همین طوری که این قانون را اینها تصویب کردند آنها تصویب می کنند و اگر چنانچه صد دفعه به رفاندم بگذارند، مردم همان مردم هستند، مسلمان ها همان مسلمان ها هستند، علاقه مردم به کشور، به اسلام همان علاقه است و باز همان رای را خواهند داد و اینها بیخود دست و پا می کنند و شلوغکاری می کنند. و این آشوبی که الان در آذربایجان پیا کردند این هم با دست عمال آمریکا دارد انجام می گیرد و مردم شریف آذربایجان بدانند که عمال آمریکا هستند که الان دست به کار هستند و وادار می کنند مردم را به این آشوب ها و به اینکه یک وقت منجر به برادرکشی بشود.

آشوبی هم که در قم انجام شد باز به دست همان ها بود و آنها بودند که می خواستند نگذارند قانون اساسی تصویب شود. حالا هم با قانون اساسی مخالفت با قانون اساسی مخالفت با اسلام است و شما بیدار باشید، برادران آذربایجانی بیدار باشند که امروز که مواجه هستیم با یک همچو قدرتی و اسلام مواجه با کفر است و اسلام در خطر است، اینهایی که آشوب دارند پیا می کنند، در هر جای از مملکت که آشوب پیا بکنند، اینها اشخاصی هستند که مخالف با اسلام هستند و می خواهند که اسلام متحقق نشود، جمهوری اسلامی متحقق نشود و باید درست متوجه باشند. البته اگر چنانچه قانون اساسی یک اشتباهاتی فرض کنید در آن بشود (با اینکه نشده است، لکن اگر هم باشد) بعدها که مستقر شد حکومت اسلامی، جمهوری اسلامی مستقر شد، رئیس جمهوری تعیین شد، مجلس تحقق پیدا کرد، باز ممکن است که رسیدگی بشود، اگر نقصی داشته باشد، باز نمایندگان مردم این کار را بکنند. چماق کشی نمی تواند کاری را انجام بدهد، اشخاصی که چماق دارند می کشند و آشوب در آذربایجان پیا کرده اند، بعضی از آنها پرونده شان موجود است که روابط با آمریکا دارند، مردم بازی نخورند از اینها.

ما مجلسی را قبول داریم که ظلمهای آمریکا را بررسی کند، نه این مجالس فرمایشی

خداوند انشاءالله ملت ما را نجات بدهد از شر آمریکا. من امیدوارم که اگر صدای ما به مردم عالم برسد، ملت ها همه موافقتند، اگر ملت آمریکا هم بفهمند ما چه می گوئیم و کارتر و امثال کارتر در مملکت ما چه کردند در عرض این چندین سال، در عرض این پنجاه سال چه کردند با این مملکت ما، آنها هم با ما موافق می شوند و ما امیدواریم که در همین نزدیکی که پرونده های اینها تمام شود و پرونده های رؤسای جمهوری آمریکا درست تشکیل شود ما دولت آمریکا را با یک مجلسی از همه اشخاص حقوقدان مملکت ها، از همه فرستاده های دولت ها دعوت کنیم اینجا و بررسی کنند راجع به ظلم هائی که آمریکا راجع به این مملکت کرده است و ظلم هائی که وسیله آمریکائی ها به این مملکت شده است بررسی کنند تا معلوم بشود که آمریکا چکاره است در دنیا و چه می کند با ضعفها و چه می کند با مردم و ما امیدواریم در آن قدم هم پیروز بشویم و ما آمریکا را محکوم کنیم. این مجالسی که اینها درست کرده اند و ما را محکوم کردند، این از اول معلوم بود که ما محکوم هستیم، برای اینکه مجلسی

است به فرمایش خود کارتر تحقق پیدا می کند و آنها تخلف از قول ابرقدرت ها نمی کنند، بنابراین آن مجالس پیش ما ابداء ارزش ندارد و هر چه محکوم کنند ما را، غلط می کنند، محکوم کردند، غلط کردند، اشتباه کردند و ما اینهایی که در اینجا هستند، اینها را ما از اجزای سفارتخانه بودند، یک مطلبی بود که ممکن بود حق با آنها باشد اما ما اینجا را نه سفارتخانه می دانیم، اینجا مرکز جاسوسی است و نه آن افرادی که در آنجا هستند از سفرا و از اجزای سفارتخانه می دانیم و دیپلمات می دانیم، هیچ این حرف ها نیست، اینها همه جاسوس هستند و مجرم هستند و مجرمین باید در خود این مملکت رسیدگی به حالشان بشود و ما انشاءالله این مجلس را تهیه می کنیم برای رسیدگی به تمام این اوضاع و از ملت ها دعوت می کنیم که نمایندگانشان را در این مجلس بزرگ بفرستند و ما آمریکا را به او برسیم که باید چه بکنیم با او.

و من باز از همه ملت هائی که با این ملت ضعیف، با این ملت مظلوم موافقت کردند، پشتیبانی کردند، تشکر می کنم و از خدای تبارک توفیق همه انسان ها را، همه مستضعفین را می خواهم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان کرمانشاه (باختران)

پشتیبانی تمام قشرهای ملت از اشغال سفارت

بسم الله الرحمن الرحيم

من چهره های شما جوان ها را، چهره های ایمانی و نورانی شما دوستان عزیز را که می بینم که شما از فرسخ ها دور آمدید برای اسلام، پشتیبانی از احکام قرآن، پیاده آمدید، دانشجویان معظمی هستید که راه های دور را طی کردید و پیاده آمدید برای اظهار پشتیبانی از جمهوری اسلامی و از آنهایی که در آن لانه جاسوسی برای افشاگری خائنین هستند، بسیار تشکر می کنم و دعا به شما می کنم و از خدای تبارک و تعالی می خواهم که همه شما را موفق کند، همه سالم باشید و همه این راهی را که تاکنون رفته اید، باز دسته جمعی به آخر برسانید و به پیروزی نهائی که آرزوی همه ماست و به قطع کردن دست اجانب از کشورتان و قطع کردن دست دنباله های اجانب موفق بشوید. شما آقایان از راه های دور آمدید و پیام روستائیان، شهرستانی ها و دوستانی که در بین راه بودند رساندید که آنها همه از این راهی که راه اسلام است پشتیبانی می کنند.

اشخاصی که مفسده می کنند از آمریکا الهام می گیرند

سایر قشرهای ملت هم همینطور هستند، لکن مع الاسف در بین قشرهایی از مردم اشخاص مفسدی (اشخاصی که الهام می گیرند از آمریکا، از اجانب) هستند و مشغول مفسده هستند. لابد آقایان غائله ای که بوجود آوردند در تبریز شنیده اید، اینها تبریزی نیستند، اهل تبریز فکرشان این فکر نیست که با اسلام مبارزه کنند، تبریزی همیشه مثل سایر مسلمینی که در ایران هستند، می باشند. اینها که این غائله را به راه انداخته اند از خدمتگزارهای اجانب هستند و پرونده بعضی از آنها هم در همین لانه جاسوسی پیدا شد از سران همین ها که رفتند و رادیو و تلویزیون تبریز را گرفتند و بعد هم بیرونشان کردند، پرونده بعضی از اینها پیدا شد که مستقیماً با آمریکا در رابطه بودند و از جاسوسان آنها بودند. امروز هم من شنیدم که اینها رفته اند در دهات، دهات تبریز (بعد از آنکه اهالی محترم شهر تبریز ریختند و اینها را بیرون کردند) رفته اند در دهات و دهاتی ها را دارند بازی می دهند و می خواهند باز غائله ایجاد کنند و من به اهالی آذربایجان و به اهالی شهر تبریز، به مؤمنان متعهدی که در ایران هستند، هر جا هستند و در آذربایجان، در هر نقطه هستند و به برادرانی که در روستاها هستند، هشدار می دهم، تذکر

می‌دهم که اینهائی که می‌آیند بین شما و می‌گویند که فلانی حکم جهاد داده، اینها همه دروغ می‌گویند. جهاد بر علیه اسلام؟ جهاد برای خاطر کارتر؟ شما بیایید جهاد کنید که کارتر توفیق پیدا بکند و مملکتتان را بگیرد؟ اینهائی که می‌آیند اینها را می‌گویند، اینها نوکرهای سفارت هستند، بستگان سفارت هستند و اینها به محاکمه کشیده خواهند شد، اینها را دستگیر خواهند کرد، خود آذربایجانی‌ها اینها را دستگیر کنند تا محاکمه کنیم اینها را و این دشمن‌های اسلام را، دشمن‌های ایران را به جزای خودشان برسانیم. متوجه باشند روستائیان محترم، آنهائی که در بلاد متفرق هستند و از تبریز بودند، از علماً تبریز سؤال کنند، وقتی که می‌آیند در تبریز، بروند از علماً سؤال کنند، دست به کاری نزنند که اسباب این بشود که اسلام از دستتان برود یا اینکه کشتاری بشود. ما اگر بخواهیم اینها را با اسلحه از بین ببریم، همان خود تبریز اینها را از بین می‌برد، اگر ما بگوئیم، لکن ما نمی‌خواهیم اینطور بشود، ما می‌خواهیم آرامش باشد، ما می‌خواهیم مملکتمان آرام باشد تا بتوانیم اصلاح کنیم همه را.

ما الان مواجه هستیم با یک دشمن بزرگی، در این حالی که ما متوجه و مواجه با یک دشمنی هستیم که اساس اسلام را می‌خواهد از بین ببرد، کشورمان را می‌خواهد مثل سابق باز به دست بگیرد، یک مستی از ارادل، یک مستی از اشخاص از خدا بی‌خبر، یک مشت اشخاصی که از خانه هایشان چیزهای ننگ آور بیرون آمده است، دیگرانشان هم همینطور هستند، اینها آمدند در مقابل همه مسلمین به کمک کارتر و امثال کارتر فعالیت می‌کنند. اهالی آذربایجان متوجه باشند، اهالی روستاهای آذربایجان متوجه باشند، علماً آذربایجان توجه کنند، هدایت کنند، آنهایی که در روستاها هستند، بفرستند اینها را هدایت کنند که به دام این اشخاصی که مفسد هستند نیفتند. اینها اشخاصی هستند، آنها را بازی می‌دهند، خیال می‌کنند که با یک کلمه ای که گفتند و بازی دادند کارها درست می‌شود. باید اهالی محترم تبریز مجهز باشند برای جلوگیری از این مفسد ها و باید خودشان جلوگیری کنند، البته نباید به غیر آرامش باشد، باید با آرامش باشد و خدای نخواستہ یکوقت خونریزی نشود. در هر صورت شما از راه‌های دور می‌آیید برای پشتیبانی، آذربایجانی‌ها قیام می‌کنند برای پشتیبانی از اسلام، آنوقت یک گروهی بیخبر از خدا، بیخبر از اسلام، خائن به کشور ما، غائله می‌خواهند پیاکنند، جمع شده بودند و حرف‌های نامربوط زده بودند تا غائله ایجاد کنند و جلوگیری شد. رفتند آذربایجان غائله پیا کردند و حالا جلوگیری شده است، حالا رفته اند در دهات می‌خواهند غائله پیاکنند. خود دهاتی‌ها اینها را راه ندهند، اینها مفسد هستند، اینها فاسد هستند، اینها محاکمه باید بشوند، گول نخورند از اینها.

با وحدت کلمه و اسلام امور را به پیش ببریم

الان بین راه هستیم، ما الان مواجه هستیم به یک قدرتی که باید با وحدت کلمه، با اسلام پیش ببریم. اینها آمدند می‌خواهند نگذارند و می‌خواهند مانع بشوند از اینکه اسلام پیشرفت کند، اینها از اول مخالف اسلام بودند. اینها روزنامه‌هایی که نوشتند، قاچاقی نوشتند و اعلامیه‌هایی که قاچاقی

دادند، همه اش برخلاف اسلام است. باید اهالی محترم آذربایجان خصوصا و اهالی همه ایران بیدار باشند و دسته جمعی با هم برخلاف این دشمن بزرگ و مخالف این دشمن بزرگ بپا خیزیم و انشاءالله پیروز بشویم و پیروز خواهیم شد.

ما از این به بعد دیگر اجازه نخواهیم داد که اجانب در مملکت ما بیایند و آفائی کنند به ما، ما خودمان هستیم، هر چه هم می خواهند آنها فشار بیاورند و نقشه بچینند برای این که محاصره اقتصادی بکنند، ما از محاصره اقتصادی باکی نداریم. علاوه، مگر دنیا تابع آقای کارتر است که وقتی که بگوید باید محاصره اقتصادی بشود، همه دنیا بگویند که چشم، ما محاصره اقتصادی می کنیم. این از اشتباهاتی است که این ابرقدرت های خالی از عقل می کنند که خیال می کنند که حالائی که من یک قدرتی دارم تمام مردم، تمام عالم تابع من هستند، حتی در مملکت خودشان هم در همان پست های وزارتشان هم با ایشان موافقت ندارند و ایشان را تقبیح می کنند و ایشان را باید از صحنه سیاست خارج کنند.

آمریکا باید کارتر را از صحنه سیاست خارج کند

آمریکا باید کارتر را از صحنه سیاست خارج کند. کارتر بد سیاستمداری بود برای آمریکا، بد رئیس جمهوری بود برای آمریکا، آمریکا را بدنام کرد در دنیا، مسلمین را بر ضد آمریکا مجهز کرد کارتر و این کارتر لایق این نیست که رئیس جمهور آمریکا باشد. ملت آمریکا باید بدانند که کارتر را نباید رای به او بدهند برای اینکه کارتر خیانت کرده است به آمریکا و الان مشغول خیانت به آمریکاست، مشغول دسیسه است و برخلاف مصالح آمریکا دارد عمل می کند، چنانچه دانشمندان خود آمریکا این مطلب را دارند می گویند و بعدها هم خواهند گفت.

من از خدای تبارک و تعالی سلامت شما جوان ها را، سلامت تمام اهالی ایران و مؤمنین را خواستارم و دعا می کنم به شما، خدمتگزار شما هستم. خداوند همه شما را موفق کند. خداوند دشمنان شما را از بین ببرد و شما را پیروز کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

فرمان امام خمینی به مسؤولین امر، کمیته ها و سپاه پاسداران

بسم الله الرحمن الرحيم

شکایات زیادی از اطراف کشور شده است که به اسم بعضی از کمیته ها و دادگاه ها و به اسم بعضی از سپاهیان پاسدار، اشخاص شرور بدون جهت به منظور هرج و مرج به خانه های مردم می ریزند و خانه و اموال مردم را مصادره می کنند، زمین های مردم را می گیرند و درخت ها و باغات سرسبز را قطع می کنند و به کشاورزی صدمه وارد می سازند. من به تمام مسؤولین امر، تمام کمیته ها و دادگاه ها و سپاهیان پاسدار ابلاغ می کنم که با کمال قدرت و جدیت از این امور غیر مشروع جلوگیری کنند. کشور اسلامی است و باید به موازین اسلامی عمل شود. من در این چند روز، هیأتی برای رسیدگی به امور به اطراف ایران اعزام خواهم کرد و کسانی که برخلاف دستور اسلام تجاوز به مال و زمین های مردم می کنند به مجازات خواهند رسید. اهالی محترم کشور لازم است با مأمورین دولت و هیات ویژه که خواهم فرستاد همراهی کنند، با تشریک مساعی دست اشرار را از اینگونه تجاوزات کوتاه نمایند.

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 268

تاریخ : 20/9/58

فرمان امام خمینی به دکتر ابراهیم یزدی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی

شکایات بسیاری از استان های مختلف کشور رسیده است . جنابعالی که مورد اعتماد اینجانب هستید مأمور می باشید با هیاتی که به اینجانب معرفی خواهید نمود به استان های کشور سرکشی نموده و پس از رسیدگی به شکایات مردم از موارد اختلاف و اشخاص متخلف گزارشی تهیه نمائید تا درباره آنان تصمیم مقتضی گرفته شود تا در محاکم صالحه رسیدگی و متخلفین مجازات شوند. لازم است در هر نقطه با علمای اعلام و معتمدین محل تماس گرفته و با همکاری آنان مأموریت را انجام دهید.

بدیهی است تمام قشرهای مختلف کشور در این امر مهم از هیأت ویژه پشتیبانی می نمایند و موضوعات مورد اختلاف را با این هیات مطرح می نمایند.

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 269

بیانات امام خمینی در جمع خواهران و برادران کفن پوشی از بابلسر

مقصود عمل آمریکا این است که ملت را از آن راهی که می رفت منحرف کنند

بسم الله الرحمن الرحيم

من نمی دانم از شما خواهران و برادران که با این حال ، با کفن پوشی ، برای پشتیبانی از اسلام و جمهوری اسلام تا اینجا آمدید چطور تشکر کنم . من دعاگوی همه شما هستم و همانطور خدمتگزار همه شما . می دانید که در این موقعی که ما هستیم ، حساسترین موقعی است که در کشور ما می گذرد، از آن طرف مواجهه ملت ما با قدرت بزرگ امریکا با همه وسائل تبلیغاتی و وسائل جنگی که دارد و از آن طرف ریشه های رژیم سابق و منحرفین از دیانت اسلام که در گوشه و کنار مشغول فعالیت هستند و می خواهند نگذارند این جمهوری اسلامی به ثمر برسد.

اینکه گفتید در آنجا، در بابلسر، برای رد قانون اساسی و اینها اعلامیه ها دادند، اینها همین ها هستند که نمی خواهند اسلام در ایران تحقق پیدا بکند. اینها از اول دست و پا می کردند که این شخص فاسد را نگه دارند و بعد هم دست و پا می کردند که رژیم سلطنتی را نگه دارند و بعد هم دست و پا می کردند که بختیار را نگه دارند و بعد هم دست و پا می کردند که قانون اساسی سابق را که لازمه اش حفظ رژیم شاهنشاهی و رژیم سابق بود نگه دارند، در این مراحل شکست خورد. به مجردی که شکست خوردند صورت های خودشان را عوض کردند، در حال شکست شدند یک اشخاص ملی ، یک اشخاص دینی و اسم ها را تغییر دادند. یک وقتی شاهنشاه و آن بساط را می خواستند، بعد حرف ها تغییر کرد و اسم شد طاغوت . همین هائی که ، بعضی از همین هایی که حالا می گویند به رژیم سابق ، طاغوت ، طرفدار همین رژیم بودند و الان هم طرفدار رژیم و طرفدار آمریکا بعضی شان هستند، ملت ما در یک همچو موقع خطیری که مواجه است با امریکا و قاعده این بود که همه افراد ملت دست از همه مسائل بردارند و متوجه همین یک نقطه بشوند، اینها نمی دانند که اگر چنانچه این نهضت شکست بخورد و این ملت در مقابل امریکا شکست بخورد، دیگر نه آذربایجانی می ماند و نه ایرانی .

این اشخاص که در آذربایجان برای خدمت به آذربایجان دارند این فعالیت ها را می کنند و آن فسادها را می کنند، آنها نمی دانند که اگر مملکت ما به دست آنها بیفتد با اینها چه خواهند کرد، با این ملت شریف ایران چه خواهند کرد، با آذربایجان چه خواهند کرد، با خوزستان چه خواهند کرد، با کردستان چه خواهند کرد، با سیستان چه خواهند کرد، با بلوچستان چه خواهند کرد، با ترکمن صحرا

چه خواهند کرد، اینها غافلند از این معنا. ملت های شریف و توده های ملت شریف ما و ملت شریف ما و این قشرهای مختلف همه با جمهوری اسلامی موافقتند و با امریکا مخالف، لکن با صورت های دیگری، با ماسک های دیگری اشخاص در بین آنها نفوذ می کنند و آنها را اغفال می کنند و در یک موقعی که باید ما همه با آرامش خاطر روبروی این دیو بزرگ بایستیم و این شیطان بزرگ، منحرف می کنند ملت ما را از آن راهی که دارد می رود، راه ضلالت پیش شان می گذارند، همین قدر مقصود این است که ملت را از آن راهی که می رفت منحرف کنند تا امریکا بتواند کارهایش را انجام بدهد. امریکا از این وحدت کلمه ملت و از اینکه ملت ما به اینجا رسیده است که جوان های غیور کفن پوش شدند، شهادت می خواهند، از این وحشت دارد و از شکست سیاسی هم وحشت دارد و آن تابع این است که مهلت پیدا کنیم که جرائم امریکا را و رؤسای جمهوری امریکا را، بخصوص این رئیس جمهوری فعلی را، بر ملا کنیم، اینها از این مطلب وحشت دارند، وحشت زده شدند اینها، لکن می خواهند یک کاری بکنند که ما را مشغول بکنند به یک امور دیگری در داخل، می خواهند این نهضت را از داخل پیوسانند، می خواهند این نهضت را در داخل خودش اختلاف ایجاد کنند.

این اشخاص که فریاد می زنند ما طرفدار خلق هستیم، می خواهند شما را از مقصد اصلی (دشمنی با امریکا) منحرف کنند

غائله آذربایجان برای این مقصد است و شواهد برایش هست که برای همین مقصد است که ملت ایران را مشغول به خودش بکنند و از امریکا و از دشمن های اصلی منحرف کنند، اذهان را متوجه کنند به آذربایجان، با اینکه آذربایجان قضیه مهمی نیست، آذربایجان یک دسته مفسدند و یک کارهایی کردند و ملت آذربایجان همچو چیزهایی را محکوم می کنند، لکن اینها اشخاصی که درست مطالب دستشان نیست، قشرهایی که درست توجه به مطالب ندارند، اینها با تبلیغات سوء خودشان، با طرفداری از بعضی اشخاصی که خود آن آقا هم با آن مسائل موافق نیست، با این مردم ساده را اغفال می کنند و غائله درست می کنند. هر روز در یک جایی غائله درست می کنند و تمام مقصد این است که ملت ایران را از این راهی که دارد می رود، از این مواجهه ای که الان پیدا شده است ما بین ملت ایران و امریکا، از این باز دارند. تمام کوشش های این جمعیت ها این است که ما از این توجهی که الان پیدا کردیم و داریم، سایر مملکت ها را، حتی بعضی ممالک غربی را، متوجه به این مقصد بکنیم و امریکا از این باب وحشت زده شده است. می خواهند ما را به خودمان مشغول کنند و غائله درست کنند، در همین جاها جار و جنجال پیدا بشود، حتی در قم جار و جنجال پیدا بشود، در آذربایجان جار و جنجال پیدا بشود، در کردستان بشود، در هر جا، و ما مشغول بشویم به خودمان و از دشمن غافل بشویم. باید همه قشرهای ملت بیدار بشوند، متوجه باشند که گول این اشخاصی که فریاد می زنند که ما طرفدار خلق هستیم، ما فدائی خلق هستیم، آن اشخاصی که رفتند و تلویزیون تبریز را گرفتند و ادارات دولتی را گرفتند، اینها اشخاص هستند که می خواهند شما را، ملت را از آن مقصد اصلی باز دارند، از آن

مطلبی که ما الان می خواهیم امریکا را در تمام دنیا، رؤسای جمهوری، جمهوری امریکا را در تمام دنیا، آن چیزهائی، کارهائی را که کردند، فاش بکنیم. این یک مطلبی است که برای آنها بسیار ناگوار است و ناچارند که هی قشرها را وادارند در مقابل هم و بریزند به جان هم و بازی درست کنند، غائله درست کنند تا اینکه مجال ندهند به اینکه آن کار انجام بگیرد.

و ما باید هوشیار باشیم. ملت ما باید هوشیار باشند، توجه داشته باشند که امروز کار مشکلتر است از آن روزی که ما مواجه بودیم با محمدرضا. آن روز که ما مواجه بودیم با محمدرضا، همه ملت دشمن خودشان را فریاد می زدند که نه، آنهائی هم که دوست بودند با او آن وقت نمی توانستند اظهار کنند اما امروز ما مواجهیم با یک اشخاصی که اینها داخل هستند، از خود ملت می گویند هستیم و برخلاف مسیر ملت دارند حرکت می کنند و تحریکات می کنند، ما از تحریکاتشان مطلعیم.

ما امروز کارمان مشکل است از این باب که ما از یک طرف مواجهیم با امریکا و می خواهیم حساب او را بکشیم که ملت ما را چه کرده است. تا حالا یک طرف امریکا ایجاد کرده است یک دستجاتی را برای اینکه نگذارد این کار بشود، همه مقصد این است که نگذارند این دادگاهی که ما از تمام ملت ها می خواهیم در اینجا تشکیل بدهیم و امریکا را ببینیم، بررسی کنیم که در این چندین سال چه کرده است با این ملت و این ملت چه دیده است از او و خزائن این ملت کجا رفته است، در جیب چه کسی رفته است. تمام این حرف ها برای این است که نگذارند این عمل بشود.

الان آنطوری که به من اطلاع دادند، در خود تبریز و در اطراف تبریز هم پول دارند خرج می کنند و هم دارند اسلحه توزیع می کنند و این ملت بیچاره غافل است از این معنا که دارند چه با او می کنند. نمی دانید که این اسلحه ها را می دهند که شما برخلاف اسلام قیام کنید، این پولها را می دهند که شما برخلاف اسلام حرف بزنید، مبادی پولش هم به حسب احتمال معلوم است از کجاست. بیدار بشوند مردم، همه جا، شما که از بابلسر، از شمال آمدید بیدار باشید که مبادا در آنجا یک همچو غائله ای پیدا کنند، حاصل بشود، مبادا مردم و جوان های ما تحت تأثیر این اوراقتی که این خواهر گفتند که در آنجا منتشر می شود تحت تأثیر آن واقع بشوند، مبادا خیال بکنند که قانون اساسی، یک قانون اساسی، یک قانونی است که ملی نیست، یک قانونی است که اسلامی نیست. این قانون را اشخاصی که ملی بودند و اسلامی بودند، آنها این قانون را تصویب کرده اند. آنهائی که می گویند این قانون نیست، اینها برخلاف ملت دارند صحبت می کنند، اینها می خواهند این ملت به مقصد خودش نرسد والا ملت این را تصویب کرده است، بیدار بشوید، توجه داشته باشید که امروز روز این نیست که به این صداهای فاسد که دائما مشغول بوق زدن هستند گوش بدهید، امروز، روزی است که با مشت های گره کرده در مقابل همه بایستید و در مقابل امریکا بایستید. و ما انشاءالله امیدواریم که در همه این سنگرها پیروز بشویم و در همه این سنگرها اسلام پیروز بشود. خداوند ما را از شر کسانی که برخلاف مسیر اسلام دارند سیر می کنند نجات بدهد. خداوند ملت ما را از اشخاصی که برخلاف مسیر ملت دارند حرکت می کنند نجات بدهد.

والسلام علیکم ورحمة الله

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از جامعه پیشه وران اصفهان

تلاش و تبلیغات دشمنان اسلام در ممانعت از تحقق و معرفی اسلام

بسم الله الرحمن الرحيم

از آقایانی که تشریف آوردید متشکرم و آنطور که ایشان تذکر دادند شما به رایگان در خدمت مردم بودید که فی الحقیقه خدمت به اسلام است. شما می دانید که امروز کشور ما مبتلای به چه اموری هست در حالی که با یک قدرت بزرگی مثل امریکا مواجه هست، آنها هم همه طور دارند تبلیغات می کنند در خارج، تبلیغات دامنه دار در مطبوعات خارجی، در مجالسی که در خارج دارند، در اجتماعاتی که دارند تبلیغاتی به ضد کشور ما می کنند، به ضد نهضت ما می کنند و در داخل هم که مطلع هستید که باز عمال آنها مشغولند از اسلام می ترسند اینها تا حالا اسلام را اصلاً نمی دانستند چه هست، بعضی که آمده بودند، از خارج آمده بودند گفتند در فلان جا اصلاً اسلام را نشنیده بودند، اصلاً اسم اسلام را نشنیده بودند، آنجائی هم که اسم اسلام را شنیدند، معنای اسلام را نمی دانند. در ممالک خودمان هم که اسلامی هستند، اسلام را یک نیمه ای از آن جزئی از آن را اطلاع دارند، اسلام را اطلاع ندارند، اسلام شناسان ما هم یک ورقی از اسلام را اطلاع دارند، اسلام به آنطوری که هست نگذاشتند تا حالا ظهور پیدا بکند. کوشش های دائمی خلفای بنی امیه، خلفای بنی عباس، بعد هم خلفای دیگر و سلاطین و سلاطین ایران بالخصوص و بعد هم در عصرهای ما که مطلع هستید این دودمان فاسد، این پدر و پسر فاسد کوشش کردند به اینکه اسلام را نگذارند اصلاً ظهور پیدا بکند و این عمده تبلیغات خارجی بوده است دست های خارجی که با مطالعات فهمیده بودند که اگر اسلام تحقق پیدا بکند دست آنها کوتاه می شود، نگذاشتند که اسلام به آنطوری که هست تحقق پیدا بکند، اسلام را محصورش کردند در مدرسه ها و در مساجد آن هم، همان جهات عبادت که اگر فرض کنید از یک ملانی هم پرسیده می شد، همان جهات عبادی را توجه به آن داشت آن جهات دیگر توجه به آن نشده بود، در کتاب ها هست اما در کتاب ها مدفون شده بود اسلام، کتاب های علمی ما همه ابواب اسلام در آن هست، همانطوری که ابواب عبادات و وظائف عبادی هست ابواب حکومت و وظائف حکومت و جزئیات و قضاً و همه اینها، چیزهایی که مربوط به حکومت است در کتاب های ما هست، لکن همانجا مدفون شده است، فقط توی کتاب است.

اسلامی که آمده است برای اینکه در خارج یک وجود عینی پیدا بکند و مردم را در خارج تربیت بکند، تربیت همه جانبه در قطب های مختلف در بعدها یعنی آنطوری که انسان هست. انسان این هیكل موجود، این جثه موجود و این حواس موجودی که ما احساس می کنیم، این انسان نیست، به این معنا حیوانات و انسان مثل هم هستند، همه مادی هستند، همه این نحوه ادراکاتی منتها یک قدری کم و زیاد، یک بعد انسان عبارت از این موجود فعلی که دارای این حواس و دارای خواص هست، بعدهاهای دیگرش اصلا به آن توجه نشده است و یا کم توجه شده است. مع الاسف ما در دو زمان مبتلای به دو طائفه بودیم، در یک زمان ما مبتلا بودیم به یک جمعیتی که قرآن را وقتی که نگاه می کردند و تفسیر می کردند، تاویل می کردند، اصلا راجع به آن جهت بعد مادیش، بعد دنیائیش توجه نداشتند، تمام را بر می گرداندند به یک معنویاتی حتی قتال وقتی که در قرآن واقع شده بود. قتال با مشرکین. اینها قتال. با نفس. با نفس. تاویل به قتال با نفس می کردند، چیزهایی که مربوط به زندگی دنیائی بود تاویل می کردند به معنویات.

اینها یک بعد از قرآن را ادراک کرده بودند و آن بعد معنویش البته به طریق ناقص، آن بعد معنویش بود و همه جهات را به همین بعد بر می گرداندند و ما بعدها مبتلا شدیم یک عکس العملی در مقابل او که فعلا الان هست و از مدتی پیش این معنا تحقق پیدا کرده که در مقابل آن طائفه ای که قرآن را و احادیث را تاویل می کردند به ماورای طبیعت و به این زندگی دنیا اصلا توجه نداشتند، به حکومت اسلامی توجه نداشتند و به جهاتی که مربوط به زندگی است توجه نداشتند، این طائفه دوم عکس کردند، معنویات را فدای مادیات کردند آنها مادیات را فدای معنویات کرده بودند و اینها معنویات را فدای مادیات کردند، هر آیه ای که دستشان می رسد و بتوانند، تعبیر می کنند به یک امر دنیائی، کانه ماورای دنیا چیزی نیست. آنها کانه در نظرشان ماورای عالم غیب چیزی نبود. آنها در یک حدودی که خودشان داشتند درست بود حرفشان، اینها اعتقادشان این است یا مسائلی که طرح می کنند این است که ماورای این عالم خبری نیست همه این مسائل را فدای همین عالم می کنند.

نیل به دموکراسی و مادیات، تاویل نادرستی از خواسته های ملت ایران

شما می بینید حتی در اعمالی که از مردم صادر می شود در این نهضتی که همه قشرها شریک بودند شما از مرکز که تهران است بگیرید بروید از آن طرف تا آخر، از آن طرف هم تا آخر، از آن طرف هم تا آخر، یک وقت تمام مردم راجع به یک مطلب قیام کردند همه با هم همصدا شدند، صدا چه بود؟ صدا این بود که ما جمهوری اسلامی می خواهیم، ما این رژیم را نمی خواهیم و ما اسلام را می خواهیم. همه همصدا یک مطلب می گفتند بچه کوچکی که تازه رفته بود در دبستان یا قبل از آن هم بود همین مطلب را می گفت، آن مریض پیرمردی هم که در بیمارستان خوابیده بود او هم همین را می گفت. پشت بام ها هم وقتی که می رفتید همه اش الله اکبر بود و از اسلام بود.

لکن اینها همین

معنایی که همه دارند می گویند اسلام ، می گویند که همه اینها دمکراسی فریاد می کردند، در صورتی که اکثراً اینها کلمه دموکراسی به گوششان نخورده بود و معنای دموکراسی فاسدی که اینها می گویند، اگر به ایشان می گفتند اصلاً قبول نداشتند. اینها می گفتند اسلام . اینها که می خواهند همه چیز را تاویل بکنند، حتی اقوال مردم کوچه و بازار را هم تاویل می کنند به اینکه نه اینها که فریاد می کردند و خدا می گفتند و پیغمبر می گفتند _ عرض می کنم که _ جمهوری اسلامی می گفتند، نه اینها او را نمی خواستند اینها می خواستند همین زندگی مادیشان درست بشود. از این تنگ آمده بودند که معاششان درست نیست . آیا این معقول برای کسی هست که فریاد بزند برای شکمش و خودش را به کشتن بدهد؟! فریاد بزند برای شکمش و جوانش را بکشتن بدهد؟! این اصلاً معقول است ؟ اینهایی که داوطلبانه در میدان می رفتند و مقابل توپ و تانک و مسلسل می ایستادند و آن شیاطین به آنها حمله می کردند و اینها با مشت گره کرده به آنها حمله می کردند و غلبه هم کردند، اینها برای این بود که یک خانه خوبی داشته باشند؟! برای این بود که مبل و میزی داشته باشند؟! اصلاً تو ذهنشان آنوقت یک چنین چیزی بود یا خیر؟ همه می دیدند که باید ما برویم و اسلام را زنده کنیم . از حرف هاشان همین معنا بود، اعمالشان همین معنا بود، از ما دائماً این مطلب را حتی حالا می خواهند که شما دعا کنید ما شهید بشویم . آخر کسی دلش می خواهد شهید بشود برای شکم؟! کسی جوانش شهید بشود برای اینکه یک خانه خوبی داشته باشد؟! یا مساله این نیست ، مساله یک عالم دیگری است شهادت برای یک عالم دیگری ، آن شهادتی که همه اولیاً خدا، همه انبیا دنبالش بودند و بسیاری از اولیاً ما به شهادت رسیدند، آن معنا را می خواستند، مردم دنبال آن معنا هستند لکن حالا آنهایی که هم قرآن را همه چیز آن را به دنیا بر می گردانند، هم احادیث را، همه چیز آن را به دنیا بر می گردانند، اینها حتی همین فریادهای مردم را عوضی تاویل می کنند. قرآن راجع به معارف دارد، راجع به توحید دارد، راجع به نبوت دارد، راجع به عالم آخرت دارد، عوالمی که هیچ کس نمی تواند اطلاع پیدا کند الا به وحی ، همه چیز است قرآن ، اسلام همه چیز است ، این مثل رژیم های حکومتی نیست ، حکومت دارد، لکن رژیم ، یک رژیم حکومتی نیست مثل حکومت مثلاً-فرض کنید کارتری یا محمد رضائی .

هدف انبیا و ادیان الهی ، نجات انسان از ظلمات به نور

اسلام وقتی هم که جنگ می کرد، جنگ کردنش مثل جنگ کردن های کشورگشاها نبوده است که بخواهد یک کشوری را بگیرد. اسلام می خواسته آدم درست کند. آدم هائی که گرفتار بودند زیر چنگال مشرکین ، زیر چنگال ابرقدرت ها، اسلام و همه مکتب های توحیدی آمدند که این مردم را از این قید رها کنند، آزاد کنند از این قیدهایی که به قلوب اینها انداختند و همه چیز آنها را تحت قید و اسارت قرار دادند. اسلام برای آزادی از اسارت آمده ، نه فقط اسارت مادی که نفت ما را ببرند، پیش اسلام ، نفت یک چیز، مطرح نیست ، باید حفظ بشود اما مقصد اسلام نفت نیست ، مقصد اسلام خانه نیست ، مقصد بالاتر دارد و همه چیز در آن هست یعنی اسلام همانطوری که به جهات مادی این عالم و

جهات حکومتی این عالم، قضااً این عالم توجه دارد به جهات معنوی هم توجه دارد و توجه به جهات معنوی بالاتر از توجه به جهات مادی است. اسلام همه چیز است یعنی آمده است اسلام و همه مکتب های توحیدی آمده اند که این انسانی که یک موجود مادی است ابتدائاً مثل سایر موجودات مادی یعنی بعد از اینکه یک مراحلی سیر کرده حالا رسیده است که شده است یک موجودی مادی دارای چشم و گوش و حواس و خواص، سایر حیوانات هم همین را دارند، مکتب های الهی آمدند که این موجودی که قابل این است که همه چیز بشود، انسان یک نسخه کوچکی هست از همه عالم، یعنی جثه کوچک، یک نسخه ای از همه عالم هست، یعنی انسان در آن همه چیزهایی که در همه چیز هست، هست تمام عوالم غیب و شهود در انسان هست منتها یک مقداریش بالفعل است، یک مقداریش بالقوه است.

انبیا آمدند که دست این انسان را بگیرند، از این چاه بیرون ببرندش، دست انسان را بگیرند از این ظلمت ها بیرون ببرند و به نور برسانند (اللّه ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور) خدا اخراج می کند به وسیله انبیا بوسیله تعلیمات، تعلیمات انبیا برای این است که این ظلمت هایی که در اطراف یک موجودی هجوم به آن آوردند از همه اطراف دست آن ها را بگیرد و از این ظلمت ها بیرون بیاورد. ما وقتی در همین وضع فعلی که ملاحظه می کنیم گرفتار یک ظلمت هایی هستیم غیر از این ظلمت هایی که برای ما هست راجع به ماورأ طبیعت. در همین جا ما یک گرفتاری هایی داریم که اینها ظلمات اند و انبیا آمدند که ما را از این نجات بدهند.

استعمار فکری از نقشه های بزرگ ابرقدرت ها

در مقابل انبیا این ابرقدرت هایی که می خواستند همه چیز ما را ببرند و ما صدامان در نیاید و نفهمیم که دارند می برند، ندانیم که دارند ما را لخت می کنند، اینها آمدند نقشه ها کشیدند، یکی از نقشه های بزرگ اینها این است که مغزهای ما را از زمان بدزدند و به جای او یک مغز فرنگی بگذارند، که ما را همچو فرنگی درست بکنند که افکار ما افکار این بشود که هر چه ما داریم از آنجاست، استقلال فکری را از ما بدزدند، دزدیدند استقلال مغزی ما را، از ما دزدیدند. ما الان یک جمعیت سی و پنج میلیونی و شرق یک جمعیت چند میلیونی، چند صد میلیونی همچو تعلق به غرب و به این قدرت های بزرگ پیدا کردیم و همچو مغزهای ما متوجه به غرب است که وقتی در کارخانه های خودمان یک فاستونی را درست می کنند به اسم انگلیسی می خواهند آبش کنند به طور لاتین آنجا می نویسند و بعد هم می گویند فاستونی انگلیسی با اینکه فاستونی مال خودمان، مال اصفهان است لکن به اسم انگلیسی است، چرا؟ _ برای اینکه مشتری _ مغز همه اینجور شد، مغز بازار و مغز، خریدار اینجور شده که ما خودمان بلد نیستیم چیزی درست کنیم این را باید او درست کند. این که ما خودمان داریم از خودمان سلب می کنیم. ما خیلی چیزها داریم که آنجا ندارند، ما این کاشی سازی هایی که، این کاشی هایی که می ساختند سابق، در این مدرسه فیضیه اگر یکوقت رفتید ملاحظه کنید آن دری که از مدرسه فیضیه می خواهد وارد بشود به صحن مطهر حضرت معصومه یک کتیبه دارد، داشت. من حالا سی سال است

ندیدم او را، یک کتیبه آنجا دارد آن کتیبه را آنوقت که ما در مدرسه بودیم گفتید که یک عده ای از کارشناس های خارج آمدند و اینها را بررسی کردند و گفتند این را در هیچ جای دیگر نمی توانند درست کنند برای اینکه این مرکب از چند جور چیزهائی هست، رنگ هائی هست که هر کدامشان یک پخت خاص دارد که اگر کم و زیاد بشود فرق می کند یکیش چند درجه حرارت می خواهد یکیش چند درجه حرارت و این را جوری اینها درست کردند، آنوقت کارشناس های ما و صنایع ما طوری درست کردند که این چند جور حرارت را طوری درست کردند که روی اینجا خراب نشده. آنها نقل کردند که گفتند که این اصلاً قابل قیمت کردن نیست برای اینکه دنیا دیگر نمی تواند این را درست کند.

ما چنان مغزمان تهی شد که صنعت های خوبمان را دست ازش برداشتیم، صنعت های کاشیکاری، صنعت های منبت کاری، صنعت های قالی بافی، صنعت های زری بافی، مخمل بافی اینها همه را می کم کم با تبلیغات متفرقه که این دولت های فاسد هم به آن دامن زدند و این پدر و پسر هم به آن زیادتر دامن زدند یکی بعد از دیگری فراموش شد، صنعت های ما هم فراموش شد برای اینکه ما را عاشق غرب کردند و تا یک فاستونی را به اسم فاستونی انگلیسی ما نامگذاری نکنیم مشتری همامان نمی خردند. ما طبیب داریم در ایران لکن اگر بعضی از آقایان یادشان باشد، یکی از بستگان محمدرضا پهلوی مبتلا شده، همان که نقل می کردند، مبتلا شده بود به لوزتین، از خارج برای او طبیب آوردند عمل کنند. شما ببینید که این عمل چه عملی است، چه خیانتی است به یک ملت اعلام به اینکه ما برای لوزتین هم طبیب نداریم و چنین تو سری زدن به اطباء جراح های ما، چنین تو دهان زدن به اینهاست که اینها را عقب رانده است، خودشان را هم گم کردند. من یک وقت که بعضی اطباء آمده بودند اینجا و می گفتم که خوب شماها معلوم می شود در این مدت ها درس نخواندید که _ ما _ هر که مریض می شود می خواهد اروپا برود، گفتند ما داریم، طبیب داریم، لکن وضع جوری شده است که هر کس هر مرضی پیدا می کند راه می افتد برای خارج، این برای چیست؟ برای اینکه مغز ما دزدیده شده است و یک مغز دیگری جای آن گذاشته شده، مغز استعماری. یک مغز استعماری ما الان داریم و تا این مغز استعماری را ما عوض نکنیم یک مغز استقلالی جایش نگذاریم نمی توانیم این مملکت را اداره کنیم، هر چه بخواهید هم درست کنید نمی شود. کوشش کنید که این مغز عوض بشود، اساتید دانشگاه ما کوشش کنند که این جوان های ما مغزهاشان عوض بشود یک مغز استقلالی باشد، نه استعماری، و آن مغزی نباشد که درست کردند برای ما و مغز خودمان را از ما گرفتند، مستقل باشند فرهنگ هم باید اینطور باشد، اقتصاد هم باید اینطور باشد.

اتکا به خود، رمز استقلال

ما تا بنای بر این نگذاریم که خودمان هم یک آدمی هستیم برای خودمان می توانیم کار کنیم، ما به آن نان جوی که خودمان درست کنیم تا بنای بر این نگذاریم که همان نان جورا می خوریم و از خارج نمی خواهیم، نمی توانیم درست کنیم کار را ما تا بنای بر این نگذاریم که همان منسوجاتی که خودمان

درست می‌کنیم کافی مان هست منسوجات ما ترقی نمی‌کند و ما باز تابع غیر باید بشویم و دستمان پیش غیر دراز بشود.

چقدر برای یک مملکتی عیب است و سرشکستگی که دستش را دراز کند طرف امریکا که گندم بده، کشکول گدائیش را باز کند پیش دشمنش و از او بخواهد که رزقش را بدهد، چقدر برای ما سرشکستگی دارد. تا _ بنای بر این _ این ملت بنای بر این نگذارد که کشاورزیش را تقویت کند و بسازد به آنکه خودش به دست می‌آورد، ما نمی‌توانیم استقلال پیدا کنیم. تا این ملت بنای بر این نگذارد که ما باید همه چیز مان از خودمان باشد، ما باید قطع رابطه اقتصادی، رابطه فرهنگی از خارج بکنیم، فرهنگ از خود ما باید باشد اقتصاد هم از خود ما باید باشد، تا این بنا در توده‌ها نباشد و تا این مغزی که انگلی است و استعماری است عوض نشود و باورمان نیاید که ما هم آدم هستیم، نمی‌توانیم استقلال پیدا کنیم. ما باید کاری بکنیم که خودمان را، همه قشرهای ملت و همه جوانان ما باورشان بیاید که ما هم آدمیم. تبلیغات چنان کرده است که ما را از آدم بودن بیرون کرده است، باورمان آمده است که آنها هر چه هست، هستند. اگر بخواهیم این مملکت ما یک مملکت مستقلی باشد، محتاج به غیر نباشد، باید آن کشاورزش و آن کارگرش و آن کارمندش و همه قشرها بنای بر این بگذارند که ما خودمان یک موجودی هستیم، یک آدمی هستیم، مملکتمان هم یک مملکتی است، همه چیز هم دارد، یک مملکت غنی ای است. و چنان کردند که ما باید در آنجائی که چاه‌های نفتمان هست گرسنگی بخوریم، آنجائی که آب‌ها دارد هرز می‌رود و زمین‌های سرشار هست که همه چیز از آن می‌شود ایجاد بشود، زمین‌ها افتاده باشد و آب‌ها هم هرز برود. این یک کارهای استعماری بوده. یعنی می‌خواستند در محیط نفت مردم گدا باشند تا کارگر ارزان باشد تا بتوانند استعمارشان بکنند. همه جا را، هر جا را با یک نقشه ای عقب‌نگه داشتند تا استفاده کنند.

استقلال فکری شرط اول استقلال است

ما تا نفهمیم این مسائل را، توجه نکنیم به این مسائل و خودمان را نیابیم، این گمشده را پیدا نکنیم، این مغزی که گم شده است و به جای او یک مغز دیگری نشسته عوضش نکنیم نمی‌توانیم مستقل بشویم. استقلال مغزی شرط اول استقلال است. استقلال فکری شرط اول استقلال است که ما فکرهایمان را عوض کنیم، از این انگل بودن خودمان را در آوریم. باید ما اگر بخواهیم، اگر همه، همه ملت ادراک این معنا را کرده باشند که همه چیز ما را اینها برده اند و ما آنها را بیرون کرده ایم، باید خودمان خودمان را نگه داریم، اگر این نشود، بعدها باز همان مسائل کم کم با تدریج (حوصله آنها زیاد است) با تدریج همین مسائل سابق تحمیل بر ما می‌شود. و با دو چشم، یک دو چشم دیگر هم قرض نکنیم و نگاه نکنیم به اطراف خودمان و به مملکت و احتیاجات خودمان، کم کم به تدریج اینها باز به ما تحمیل می‌کنند، همه چیز را به ما تحمیل می‌کنند، با دست خودمان به ما تحمیل می‌کنند.

الان که می بینید این آشوب ها را در اطراف مملکت راه انداخته اند همه اش برای این است که نگذارند شما به حال خودتان باشید و آرامش در مملکت باشد و یک مملکت اسلامی درست بشود. اینها از اسلام می ترسند ضربه دیدند اینها از اسلام، اینها چند دفعه از اسلام ضربه دیده اند، از یک فتوای فقیه ضربه دیده اند، از یک پیر مردی که در کربلا بود و اسمش هم مرحوم آ میرزا محمد تقی بود ضربه دید انگلستان، بیرون کرد انگلستان را از آنجا، از عراق. اینها از اسلام و از ملای اسلام و از کاسب اسلام و از دانشمند اسلامی ضربه دیدند، چون ضربه دیدند الان آنها توجه به این دارند که نگذارند این کار انجام بگیرد، هر جا یک غائله درست می کنند، هر جا، یک اسمی با یک چیزی یک غائله درست می کنند یک وقت می روند کردستان غائله درست می کنند، یک وقت می آیند به آذربایجان که الان مبتلا به آن هستیم درست می کنند، بعد هم جای دیگر درست می کنند، اینطور نیست که دست بردارند. اینها یک منفعت بزرگی از دست داده اند و یک شکست سیاسی خورده اند. کارتر در دنیا الان شکست خورده، شکست سیاسی کارتر در این قضیه ای که طرح می کنند و اینها خوب لابد شنیدید در روزنامه ها بود که وزیر خارجه اش را فرستاد دوره گردی، این آقای انسان دوست، این آقای که برای انسان دوستی محمدرضای جانی را برده آنجا نگهش داشته یا توطئه گری را می خواهد از آنجا شروع بکند. این آدم انسان دوست وزیر خارجه اش را دوره گردی فرستاد برای اینکه ما را در اقتصاد در انزوا بنشانند و محاصره اقتصادی بکنند. این آقای انسان دوست همه دنیا را می خواهد بسیج کند که ما از گرسنگی بمیریم، خیال هم می کند که می تواند. مع الاسف _ با اسف _ کارتر که این وزیر خارجه اش که گردید دور، کسی به او اعتنا نکرد دست رد به سینه اش زدند گفتند نمی شود و همان مملکت خودش هم _ این که می خواست _ که می گفت که باید ما حصر اقتصادی بکنیم، همان در مملکت خودش هم مواجه شد با مخالفت، بعضی وزرا مملکتش هم مخالفت کردند. این آقای انسان دوست که به خاطر انسان دوستی این آدم را برده است و نگه داشته و ادعا می کند که ما انسان دوستیم که این را نگه داشتیم، پنجاه هزار جوان ما را در امریکا و در آنجاها می خواهد که به یک بهانه ای بیرون کند، حتی کشتار هم داشتیم ما، سگ ها هم به جان جوان های ما انداختند و اخیراً باز این بود که قاضی کذا گفته است که این خلاف قانون است، نباید بشود، اینجا هم شکست خورد، شکست اخلاقی، که اخلاقی در کار نبود که شکست بخورد. فاش شدن اینکه خلق اینها این است، جا زدن خودشان را به اینکه ما یک انسان دوست هستیم و هیاهو در اطراف اینکه انسان دوستی ما را وادار کرده است که یک آدم مفلوکی را بیاوریم اینجا معالجه کنیم !!

این مشت باز شد که مساله این نیست _ این مشت باز شد که مساله این نیست _ که این پنجاه نفر جاسوس را بخواهد نجات بدهد، اصلاً مطرح نیست پیش اینها آدم، آن که مطرح است پیش امثال آقای کارتر، همان است که این دوره هم رئیس جمهور بشود، همه دست و پا کردنش برای این است که این دوره هم باز رئیس جمهور بشود، بیش از این اصلاً ادراک نمی کند. انسان را اصلاً اینها چیزی نمی دانند. این آقایان انسان دوست دواهایی که می خواهند بفهمند که آیا مفید است یا مضر است

می فرستند پیش ما، صادر می کنند به شرق . همانطور که اطباء یک موش را، یک خرگوش را برای بعضی دواها تجربه می کنند و چکار می کنند که بفهمند که این دوا چه جوری است ، اینها ماها را تجربه می کنند.

وابستگی روشنفکران غربزده

اینها ماها را تجربه می کنند و مع الاسف در بین این روشنفکرهای ما که بعضی شان مطلبشان معلوم شد بین همین جزء شاخص ها همین آدمی بود که معلوم شد چکاره است ، مع الاسف همین ها باز از اینها تعریف می کنند برای اینکه مغز عوض شده است . یک کسی که پنجاه سال مغزش را آنها تربیت کرده اند و از مغز انسانی بیرونش کردند یک مغز غربی روی آن گذاشتند، این هر چه هم که ضربه از غرب به این مملکتش بخورد، به این کشورش بخورد باز از آنها تعریف می کند، باز هم دنبال این است که برگرداند. الان بعضی از این مفسدها که از ایران بیرونشان کردند رفتند در آنجا در پناه انگلستان ، آنجا رفتند توطئه گری ، برای اینکه باز برگردانند وضع را، باز همان مسائل را برگردانند مشغول توطئه هستند، اینجا هم روابط بینشان هست ، از اینجا هم باز روابط هست ، از اینجا روابط با امریکا هست ، روابط اشخاص برای توطئه گری با امریکا هست ، با انگلستان هم هست .

می خواهند (نقشه این است) که بعد از چند وقت دیگر همان مسائل را برگردانند، اینها هم خودشان را ملی می دانند و خودشان را روشنفکر می دانند و خودشان را نسبت به این مملکت دلسوز می دانند. ما باید بیدار باشیم ، ملت ما باید چشم هایش را باز کند، دو تا چشم هم قرض کند با چهار تا چشم نظر کند که این اشخاصی که مشغول این کارها هستند، اینها چکاره اند، اینها که مشغول این توطئه ها هستند، اینها رفقاشان چه کسانی اند، چه کسی با این معاشرت می کند. باید درست توجه بکنند و اگر درست توجه نکنند به تدریج ممکن است ما تحمیلیمان بشود همان مسائل ، البته نمی شود به این زودی .

تا ما خودمان را پیدا نکنیم ، نمی توانیم مستقل بشویم

اما ما اگر چنانچه خودمان شعور سیاسی نداشته باشیم ، اسلام در اینجا اگر تحقق پیدا نکند، اگر مملکت ما یک مملکت اسلامی نشود که برای استقلال ، برای آزادی ، آنطور طرح ها دارد و جایز نمی داند، حرام می داند که یک مسلمانی پیوند ببندد با یک غیر مسلمانی که می خواهد بر او سلطه پیدا بکند، اگر اسلام را ما در اینجا توانستیم با دست همه شما آقایان ، با دست همه ملت توانستیم که اسلام را در این مملکت پیاده کنیم ، اسلام همه چیز ما را بیمه می کند. دنبال این معنا باشید، فقط به انشاءالله و بسم الله و دعا کفایت نکنید، عمل کنید، باید عمل بکنید، یعنی باید در دانشگاه عمل بشود، در ادارات عمل بشود. فرم را از آن فرم فرنگی بیرون بکنید، یک فرم شرقی روی آن بگذارید، یک فرم انسانی روی آن بگذارید، اسلامی روی آن بگذارید، نترسند. یکی از مسائلی که ما مبتلا هستیم این است که

می ترسند اینها که اگر یک وقت بگویند که ما خودمان هم یک چیزی هستیم ، خوف دارند بگویند که ما آدم هستیم . از مسائلی که مبتلا ما به آن هستیم آدم عبارت از این است که چند تا کلمه مثلا فرنگی یاد بگیرد و دو سه دفعه هم که تو صحبت هایش می شود، در هر چه کلمه ای یک کلمه فرنگی جایش بگذارد. شما نطق ها را ببینید هر کس بیشتر الفاظ فرنگی در کلماتش باشد این بسیار دانشمند است . دانشمندی را به این می دانند که چند تا کلمه فرنگی در کلماتشان باشد. این برای این است که نطق ها هم استعماری است ، خود، خودش آدم استعماری شده است . شما بروید در امریکا آنهایی که صحبت می کنند ببینید یک کلمه فارسی در تمام صحبت هایشان ، در تمام کتاب هایشان اگر پیدا کردید لکن ما کتاب وقتی می نویسیم اسم هم که می گذارند اسمی باشد لغت فرنگی بگذارند، در بینشان تا چند تا اسم فرنگی با حروف لاتین هم جایش نگذارند فایده ندارد برای اینکه هم مشتری بیشتر پیدا می شود هم آن آقا بیشتر معروف می شود به اینکه این آقا خیلی دانشمند است . یک چند تا ایسم بگذارد، دیگر تمام است و هر چه هم مطلبش ، هر چه هم مطلبش تهی باشد از مغز با همین ها جبران می شود. ما تا خودمان را پیدا نکنیم ، لغت خودمان را استعمال نکنیم (نگوئید که لغت عربی هم از ما نیست . لغت عربی از ماست لغت عربی لغت اسلام است . اسلام از همه است . آن که از ما نیست این ایسم هایی است که ما را به گرفتاری انداخته) تا _ ما _ نویسندگان ما از این دام بیرون نروند، گویندگان ما از این دام بیرون نرود، کتاب های ما تطهیر نشود، خیابان های ما اسمانش تغییر نکنند و اجناس ما را اسم کذایی روی آن نگذارند (دواها را خودشان درست می کنند و اسم فرنگی روی آن می گذارند) تا ما خودمان را پیدا نکنیم و مغزهایمان عوض نشود نمی توانیم مستقل بشویم ، در هیچ چیز نمی توانیم مستقل بشویم . باید ما از حالا بنا بر این بگذاریم که خودمان آدم باشیم ، با لغت خودمان حرف بزنیم و با علم خودمان ، من نمی گویم که علم را از خارج یاد نگیریم ، خوب _ ما _ عقب نگه داشتند ما را، آنها الان خیلی از ما جلو هستند ما را عقب نگه داشتند لکن من می گویم که از آنها خوب هایش را یاد بگیرید بد هایش را الغا کنید، اینها بدها را به ما تعلیم می دهند خوب ها را نمی دهند. آقا مصیبت ما داریم . جوان های ما که در آنجا می روند، جوان ها را درس ، درس استعماری می دهند طبشان هم استعماری است نمی گذارند اینها ترقی بکنند. ما باید از آنها اگر چنانچه چیز خوبی دارند بگیریم ، مخالف نیستیم با این لکن به فکر این باشیم که خودمان درست بکنیم به فکر این باشیم که خودمان داشته باشیم . خوب بعضی ممالک بودند که اینها هم از غیر می گرفتند لکن بعد از آن کم کم خودشان بهتر از دیگران شدند. ژاپن اینطور بود، هندوستان اینطور بود خوب ما هم باید درست کنیم و آن قدم این است که ما بفهمیم که خودمان هم می توانیم ، هم هستیم یک چیزی . و من امیدوارم که آنطوری که خدای تبارک و تعالی مقرر فرموده است و آنطوری که اسلام را به ما عرضه داشتند بتوانیم ملت مستضعفی که آنها را در طول یا دو هزار و پانصد سال یا لاقل در این پنجاه سالی که ما شاهد آن بودیم ما را عقب نگه داشتند انشاءالله بتوانیم اسلام تحقق پیدا کند و ما خودمان برای خودمان باشیم و منافع مملکتمان برای خودمان باشد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

تاریخ : 22/9/58

فرمان امام خمینی به وزیر امور خارجه

جناب آقای قطب زاده ، وزیر امور خارجه ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

لازم است هر چه زودتر یک هیات بین المللی بررسی با مشورت شورای انقلاب تشکیل دهید تا سیاست تجاوزکارانه دولت آمریکا را در ایران ، خصوصا در طول حکومت شاه مخلوع خائن مورد بررسی قرار داده و در معرض افکار عمومی جهان قرار دهید تا سازمان بین المللی که زیر نفوذ آمریکا ایران را به اصطلاح محکوم کرده اند، از جنایات دولت امریکا نسبت به مردم محروم ما آگاهی بیشتری پیدا کنند. همچنین برای مقابله با تبلیغات سوء و تجاوزکارانه آمریکا در مورد گروگان ها در لانه جاسوسی آنها می توانید یک هیات مستقل بین المللی دعوت نمائید تا از آنان دیدار کنند.

والسلام

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 282

بیانات امام خمینی به حجت الاسلام ربانی شیرازی

بسمه تعالی

جناب مستطاب حجت الاسلام والمسلمین آقای شیخ عبدالرحیم ربانی دامت افاضاته

با توجه به مشکلاتی که در مناطق عشایری فارس وجود دارد جنابعالی ماموریت دارید جهت بررسی اوضاع و رفع مشکلات به مناطق مزبور بروید و با مشورت و کمک آقایان معتمدین محل و افراد ذیصلاح سعی کافی در این باره نمائید و ساکنین مناطق را به اتحاد و یگانگی و پرهیز از اختلاف و تفرقه دعوت کنید. بدیهی است که مقامات اجرائی نیز به وظیفه خود در پیروی از راهنمایی های آن جناب و همکاری های لازمه با شما عمل خواهند نمود. از خدای تعالی موفقیت جنابعالی را مسئلت دارم .

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 283

بیانات امام خمینی در دیدار با سرپرست اعضا و کارکنان کمیته های چهارده گانه امداد امام

خسارات معنوی، بیش از خسارات مادی نیاز به امداد دارد

بسم الله الرحمن الرحيم

من از شما خواهران و برادران که امروز تشریف آوردید و از کمیته امداد هستید، از مجاهدات شما تشکر می کنم و به همه شما دعا می کنم. شماها می دانید که ما خرابی های زیادی از هر جهت داشتیم و محتاج به امداد هستیم و ملت ما از جهات مختلفه محتاج به امداد است برای اینکه از ابعاد مختلفه به این مملکت و به این کشور و به این امت خسارت وارد شده است که جبران این خسارت ها محتاج به امداد است. یک امدادهائی در مقابل خسارت های مادی است، خسارت های جسمانی است که شما آقایان، خواهران و برادران مجاهده می کنید برای امداد به اینها که در این طول مدت در فقر بودند، جراحات بر آنها وارد شده است، صدمات بر آنها وارد شده است، اعضایشان نقص شده است و خانه هایشان از بین رفته است، زندگی هایشان خراب شده است، اینها یک خرابی هائی بوده است که از رژیم سابق بوده است و محتاج به مرمت است که بحمدالله شما برادرها و خواهرها و سایر اهل خیر کمک کردند و می کنند و جبران امید است که آسان باشد و زود. و یک خسارت های معنوی ای بر این مملکت وارد شده است، یک خسارتهای روحی بر این مملکت وارد شده است، یک خسارت های فرهنگی بر این مملکت وارد شده است که آن بیشتر محتاج به امداد است تا این خسارت های مادی و این جراحاتی که بر این افراد وارد شده است و این نقص اعضایی که وارد شده است و این فقرهایی که هست در این مملکت. آن خسارات معنوی بیشتر محتاج به امداد است و دیرتر قابل جبران است.

طرفداران طاغوت، امروز به حسب ظاهر طرفدار اسلامند

جبران خسارات معنوی محتاج به مطالعات است که مطالعه کنند کارشناس هائی که واقعا دلسوز بر این ملت هستند، نه آنهایی که اظهار دلسوزی می کنند، چون امروز این معنا که هر کسی انقلابی خودش را می داند، هر کس ملی خودش را می داند و هر کسی دلسوز خودش را برای ملت می داند، امروز یک کسب رایجی شده است، جزء کسب هاست این الان. کاسب ها یک وقت در دکان می نشینند و اجناس می فروشند، یک وقت در جاهای دیگر می نشینند و آن حرف هائی را که خودشان می داند، برای استفاده تحویل می دهند تا استفاده کنند. امروز الان وضع اینطور شده است، اشخاصی که در

زمان طاغوت طرفدار طاغوت بودند بلندگوی طاغوت بودند، پشتیبان طاغوت بودند، امروز طرفدار اسلامند، به حسب ظاهر، مخالف با طاغوت می گویند هستیم، مخالف با رژیم سابق می گویند هستیم. اینها اشخاصی هستند که هر روزی نان را به نرخ آن روز می خورند. اگر همین امروز هم مساله خدای نخواستہ برگردد، خواهید دید که همین قلم به دست هایی که، بعضی شان البته، بعضی شان هم متعهدند، همین بعضی از روشنفکرها، همین بعضی از قلم به دست ها، همین بعضی چیزنویس ها خواهید دید که همان مسائل سابق و باز دعاگو و ثناگوی برای همان رژیم هستند. امروز چون اینجا بیشتر به آن توجه دارند، آنها برای یک کسب اعتبار به اینجا متوجه شده اند ولی قلبشان اینجا نیست، فردا اگر چنانچه یک ورقی دیگر پیش بیاید، آنها پای آن بیرق سینه می زنند. اینها سینه زنند، بیرق اسلام بلند بشود پایش سینه می زنند لکن به اسلام کاری ندارند، بیرق کفر هم بلند بشود پایش سینه می زنند برای استفاده. امروز اگر چنانچه آمریکا غلبه پیدا کند، آنها سینه برای آمریکا می زنند. الان، الان که من اینجا ایستاده ام اشخاصی هستند که روابط با آمریکا دارند، روابط با کسانی که با آمریکا روابط دارند، دارند. اینها سینه زنند، پای هر علمی سینه می زنند، به نظرشان فرقی نیست ما بین علم اسلام و یا علم کفر، آن کسبش را می خواهد بکند - او می خواهد رایج - او خواهد اسم بلند کند، او می خواهد مردم او را به روشنفکری بشناسند، او می خواهد مردم او را به عرض می کنم که آن چیزهایی که پیش ملت رایج است بشناسند.

مخالفت پشت پرده با اسلام از صفات منافقین

امروز مردم متوجه به اسلامند، آنها هم به اسلام روی آورده اند، مردم انقلابی شده اند، یک دسته دیگر از جوان هایشان را دادند، یک دسته دیگر اموالشان از بین رفته، یک قشر دیگر فریاد زدند و اینها توی خانه ها نشسته بودند، اگر کمک نمی کردند، لااقل کاری نداشتند، تماشا می کردند ببینند کی جلو می افتد، در خارج نشسته بودند، در خارج ایران، در داخل ایران نشسته بودند و نظر دوخته بودند که ببینند کدام طایفه ای که با هم دارند جنگ می کنند اینها غلبه می کنند، هر کدام غلبه کردند بروند زیر علم آنها حالا مسلمان ها غلبه کردند، آمده اند زیر بیرق مسلمان ها، لکن شیطنت شان را دست بر نمی دارند. زیر، زیر، در ظاهر فریاد می کنند و اسلام را ترویج می کنند و رژیم سابق را طاغوت می گویند و رژیم فعلی را جمهوری اسلامی می گویند لکن در زیر پرده مخالفت می کنند با اسلام، مخالفت می کنند با جمهوری اسلامی. اگر امروز کارتر پیش بیاید، اینها سینه زن برای کارترند حالا هم در زیر دارند سینه می زنند برایش، الان هم روابط با آمریکا، هم مستقیم هست هم مع الواسطه. هر کس بیاید آنطوری است، منافقین اینطورند، پس این صفت منافقین است.

برخورد با منافقین، مشکلترا از برخورد با طاغوت ها

در زمان رسول الله هم آن گرفتاری که اسلام برای منافقین داشت و از دست منافقین داشت

از دست کفار نداشت، کفار را، ایستاده بودند و در مقابل هم جنگ هم می کردند و تو سر هم می زدند و پیش می بردند و یا عقب می نشستند. لکن با منافقین چه بکنند؟ منافقی که آمده و می گوید من برای اسلام هستم و اسلام آوردم، و مثل اسلام ابوسفیان و دار و دسته او، با او چه بکنند؟ این که دارد می گوید من مسلمانم، با مسلمان که نمی شود کاری کرد. این که ظاهرش آمده و اسلام و نماز هم می خواند و جماعت هم می خواند و پای منبر رسول الله هم می نشیند و اشک هم می ریزد، با این که نمی شود کاری کرد. امروز هم مسلمان ها مبتلای به دسته ای از منافقین هستند که کار این، کار مسلمان ها با این منافقین مشکلتر است با کارشان با محمدرضا. محمدرضا ایستاده بود و می زد و می کشت و تکلیف ملت با او معلوم بود، ملت می رفت به جنگش، اما یک دسته ای که در ظاهر اظهار اسلام می کنند، در ظاهر برای اسلام دعوت می کنند، در ظاهر حرف اسلام می زنند، قلم هایشان و قدم هایشان برای اسلام است لکن زیر پرده با اسلام مخالفند، مخالفت با اسلام می کنند در زیر پرده، با اینها باید چه بکنیم؟ کار با اینها بسیار مشکل است و حل مساله منافقین، پیغمبر اکرم هم نمی توانست حل بکند، حضرت امیر هم گرفتار اینها بود و حلش نمی شد، بکنی، حلش مشکل است.

اسلام از صدر تا امروز، مبتلای منافقین بوده است

آنچه ما امروز مبتلای به آن هستیم و آن دسته منافقینی که اظهار اسلام می کنند و کمر اسلام را می خواهند بشکنند، کار مسلمان ها با اینها مشکل است، حل مساله اینها بسیار مشکل است، این غیر از آنی است که نصیری است که مطلبش معلوم است و هویداست که مطلبش معلوم است. هویدا معلوم بود دشمن اسلام و مسلمین است و نصیری هم معلوم بود که مردم را چه کرده و تکلیف مردم با او معلوم بود و گرفتند آنها را و به جزای خودشان رساندند، اما آن آدم مقدس مابی که تسبیح هم دستش گرفته است و به اسلام هم دارد می گوید من خدمت می کنم، این مقدس ماب را چه باید بکنیم به او؟ این طایفه منافقین هم که نمی شود با آنها کاری کرد. اسلام از صدر، از اولی که اسلام پیدا شده تا حالا مبتلای به این جمعیت هست. و حل مساله اینها مشکلتر از هر مساله ای است برای اسلام و برای مسلمین. اشخاصی که فریاد برای اسلام می زنند و می زدند و عرض می کنم که از ملیت و از اسلامیت و از اینها می گفتند، بعد معلوم شد که این آقا که اینقدر اسلام ماب است و اینقدر ملی است رابطه دارد با آمریکا، بعضی از این روشنفکرهای ما اینطوری اند، منافقند. اگر صاف می ایستادند، مردانه می ایستادند، مثل آن فرض کنید که آدمی که می ایستد می گوید که من طرفدارم، در بین اینهایی که کشتند یکی شان ایستاد گفت که نخیر من طرفدار شاه هستم، حالا هم طرفدار شاه هستم. کشتندش، این مردانه ایستاد و مردانه هم مرد، به جهنم هم رفت. اما آنهایی که الان مبتلا ما به آنها هستیم که مردانه نمی آیند به میدان بگویند که آقا ما اسلام را نمی خواهیم، مردانه نمی آیند به میدان و بگویند که اسلام را برای سابق بوده حالا دیگر به درد نمی خورد. با اینها باید ما چه بکنیم؟ کمیته امداد شما نمی تواند حل این را بکند. شما کمیته امدادتان می توانید یک آدم مجروحی را، یک آدم ضعیفی را، یک آدم بینوایی را نجات بدهید و

خداوند انشاءالله شما را سلامت بدارد برای نجات این طایفه . اما نه _ کمیته _ کمیته شما و نه سایر قشرهای ملت می توانند حل این مساله را بکنند. حل مساله منافقین از اعظم مشکلاتی است که برای ملت ما و برای اسلام از اول بوده است . با معاویه باید چه کرد که امام جماعت است و برای خدا و (به قول خودش) برای اسلام ، برای خودش می خواهد هم جنگ بکند برای اسلام و هم چه بکند و اینها. منافق است ، به مردم شام حالی کرده است که من یک آدم مسلمانی هستم و مخالف امیرالمؤمنین هم که اصلاً مسلمان نیست ، این که امیرالمؤمنین را آنجا می گوید مسلمان نیست ، به طوری که وقتی می گویند به اهل شام که علی را کشتند در محراب عبادت ، می گویند مگر او نماز می خواند؟ تو مسجد چه می کرد علی ؟ با اینها باید چه کرد؟ جز پناه به خدای تبارک و تعالی .

مجاهدین صدر اسلام ، الکوی روش ما

نمی شود یک کسی بگوید من در جمهوری اسلام دارم کار می کنم و معذک ربا بخورد، این با اسلام نمی سازد. یک کسی در جمهوری اسلامی ، پاسبان جمهوری اسلامی ظلم بکند، پاسدار جمهوری اسلامی که باید پاسداری از اسلام بکند، به بندگان خدا ظلم بکند. باید خودتان را بپائید، متوجه باشید، همه قشرها را می گویم باید متوجه باشند که تخطی از احکام اسلام نکنند. توجه به اسلام داشته باشند و اتکاً به اسلام داشته باشند و امروز که ما با یک قدرت شیطانی _ مقابله هستیم _ مقابل هستیم و دنیا الان توجه به اینجا دارد، موج این مخالفت شما با این قدرت بزرگ در همه دنیا الان این موجش رفته است ، باید ما از این مبارزه بین اسلام و کفر سرفراز بیرون بیاییم . ما بر فرض اینکه شکست اقتصادی بخوریم ، شکست نظامی بخوریم لکن باید سرفراز بیرون بیاییم یعنی باید مثل مجاهدین صدر اسلام که می رفتند و مجاهده می کردند و کشته می شدند، ما هم باید همین طور باشیم . خداوند انشاءالله همه شما را حفظ کند و موفق و من از همه شما تشکر می کنم و به همه شما دعا می کنم و خدمتگزار همه تان هستم .

فرمان امام خمینی به ثقة الاسلام منهاج

بسمه تعالی

جناب مستطاب ثقة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمد منهاج دامت افاضاته

جنابعالی با سابقه ای که در امر تبلیغ دارید و با توجه به نیاز شدیدی که مسلمانان جهان به تبلیغ صحیح احکام مقدس اسلام دارند، مسافرتی به کشور استرالیا نموده و این وظیفه مهم اسلامی را در آن منطقه انجام دهید.

امید است ایرانیان مقیم آن کشور و سایر مسلمانان متعهد نیز در این باب همکاری های لازمه را با جنابعالی بنمایند. از خدای تعالی موفقیت جنابعالی را خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

فهرست آیات و روایات

موضوع	سوره	آیه	شماره صفحه
يُدَاثِرُ مَعَ الْجَمَاعَةِ	روایت	۲۲	
كُلُّ يَوْمٍ تَعُودُونَ أَرْضِ كَرْبَلَا	روایت	۳۱	
كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ	روایت	۱۶۰، ۷۷	
وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ	انفال	۴۶	۲۲۱
قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ يَوْمَ الْجَمْعِ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِزْفٍ	سبأ	۴۶	۲۲۲
أَفَلَمْ يَأْتِ الْبُرْجَانَازِقِينَ مِنَ الْغُلَامَاتِ إِلَى النُّورِ	بقره	۲۵۷	۲۷۶

فهرست راهنما

اروپا، ۲۱۰	آ
استبداد، ۲۹	آذربایجان، ۱۴، ۱۱۰، ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۷۰
استرالیا، ۲۸۸	آزادی، ۵۱، ۵۶، ۶۸، ۱۲۰، ۱۴۸، ۲۳۴، ۲۴۶
استعمار، ۱۰۷	آفریقا، ۷۹
استعمار فرهنگی ← فرهنگ استعماری	آمریکا، ۵۷، ۶۴، ۷۶، ۷۷، ۸۰، ۹۷، ۱۳۹
استقلال، ۱۰۹، ۱۴۹	۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳
استقلال فرهنگی، ۵۶، ۵۸، ۷۶، ۲۷۸	۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۶۹
اسرائیل، ۷۹، ۹۳، ۱۷۰، ۲۲۸	۱۷۱، ۱۹۶، ۲۰۲، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۲۴
اسلام، ۱۳، ۸۸، ۱۱۷، ۱۲۳، ۱۹۷، ۳۷۵	۲۲۵، ۲۲۹، ۲۳۸، ۲۴۳، ۲۵۰، ۲۵۳
۲۸۰، ۲۷۹	۲۶۲، ۲۶۳، ۲۷۱
اسلام‌شناسی، ۱۲۴، ۱۹۹، ۲۷۳	نیزنگاه کنید به: اشغال لانه جاسوسی
اشغال لانه جاسوسی آمریکا، ۱۴۰، ۱۴۹	آموزش نظامی، ۲۳۹
۱۵۸، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۸، ۱۸۹	
۱۹۵، ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۱۴، ۲۳۵، ۲۴۰	
۲۸۲، ۲۴۴	الف
اصفهان، ۱۹۸	ایر قدرت‌ها، ۹۹، ۲۲۴، ۲۳۶
اعدام‌ها، ۸۲، ۸۳، ۱۴۳	ابوجهاد، ۵
اعراب ← کشورهای عربی	احسانبخش، صادق (حجت‌الاسلام)، ۲۴۱
الجزایر، ۷، ۷۹	احمدشاه، ۱۰۳
امامت، ۱۷۴	احمدی (دکتر رضاخان)، ۸۲
امام جمعه اهواز، ۱۸۸	ادارات دولتی، ۶۱، ۷۶، ۸۱، ۸۳، ۱۰۲، ۱۳۳
امام جمعه بندرلنگه، ۱۴۵	۱۴۷، ۱۶۰
امام جمعه قوچان، ۴	ارتجاع، ۱۵۶
امام جمعه همدان، ۳	ارتش، ۳۷، ۴۴، ۴۷

امام حسین (ع)، ۳۰، ۲۱۶
 امام خمینی، ۸، ۹، ۱۹، ۳۰، ۴۹، ۹۸، ۱۰۴،
 ۱۲۷، ۱۵۷، ۲۰۸، ۲۶۰
 امام رضا (ع)، ۱۲۶
 امام علی (ع)، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۷۴
 امام محمد باقر (ع)، ۲۱۷

امر به معروف و نهی از منکر، ۱
 امیرالمؤمنین ← امام علی (ع)
 انبیا، ۲۷۶

انسان، ۱۱۵، ۲۷۴، ۲۷۶
 انقلاب اسلامی، ۴۰، ۴۷، ۵۱، ۶۸، ۸۸، ۹۸،
 ۹۹، ۱۰۱، ۱۱۵، ۱۲۰، ۱۳۰، ۱۳۱
 ۱۳۷، ۱۴۸، ۲۲۷، ۲۳۳، ۲۴۶، ۲۷۵

نیزنگاه کنید به: ثمرات انقلاب
 انورسادات ← سادات، محمد انور
 اهواز، ۱۸۸
 ایمان، ۹۳

ب

بازرگان، مهدی، ۱۴۷، ۱۵۰
 بختیار، شاپور، ۱۲۹، ۱۴۲، ۱۸۳
 بسیج، ۲۳۹

بندر انزلی، ۵۹
 بندرلنگه، ۱۴۵
 بنیاد مستضعفان، ۱۰۲

بهبهان، ۱۸۵
 بیت المقدس، ۵

پ

پاپ، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۲، ۲۵۰
 پاسدار، ۲۳۸

پاکسازی ادارات، ۳۷، ۷۶، ۸۳، ۱۰۲، ۱۶۰
 پاکستان، ۲۲۳
 پانزده خرداد، ۸۶
 پهلوی (دوره)، ۲۳۱
 پیامبران ← انبیا

ت

تبریز، ۲۶۵، ۲۷۲
 تبلیغات خارجی، ۲۳، ۱۱۸، ۲۷۳
 تحصیل در خارج، ۵۵
 تروریسم، ۱۱۱، ۱۶۶
 تسخیر سفارت آمریکا ← اشغال لانه
 جاسوسی آمریکا
 تظاهرات، ۱۵۰

تعلیمات نظامی ← آموزش نظامی
 تعلیم و تربیت، ۱
 تفرقه، ۱۶، ۲۶۰
 تفسیر قرآن، ۲۷۴
 تکلیف شرعی، ۲۴۲، ۲۵۸
 تلویزیون، ۱۱، ۱۲

ث

ثروتمندان ← سرمایه‌داران
 ثمرات انقلاب، ۱۱۹، ۱۲۱

ج

جمهوری اسلامی، ۱۵۵، ۱۹۸، ۲۸۷
 جنتی، احمد (حجت الاسلام)، ۱۸۸
 جوانان، ۸۱
 جهاد سازندگی، ۶۲، ۱۱۲، ۱۲۱
 جهان اسلام ← کشورهای اسلامی

دانشجویان ایرانی در اروپا، ۲۱۰	جهان سوم ← کشورهای جهان سوم
دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۲۶۵، ۱۶۵	ج
دانشگاه، ۶۹، ۷۱، ۷۴، ۱۰۷	جریک‌های فدائی خلق ← فدائیان خلق
دانشگاه و روحانیت، ۱۲۷، ۱۲۸	ح
دموکراسی، ۳۴، ۱۵۵	حج، ۱۱۶، ۲۲۱، ۲۲۳
دولت، ۷۰، ۹۲، ۹۳، ۱۱۲	حزب خلق مسلمان، ۱۴، ۲۷، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۷۱
دیکتاتوری ← استبداد	حزب دمکرات کردستان، ۲۲
ر	حسین بن علی (ع) ← امام حسین (ع)
راهپیمائی ← تظاهرات	حضرت علی (ع) ← امام علی (ع)
رابطه با آمریکا، ۵۸، ۲۰۸، ۲۱۴	حقوق بشر، ۵۸، ۲۳۷
رابطه با شوروی، ۵۸	حکومت اسلامی، ۱۶۸
رادیو تلویزیون، ۱۱، ۱۵، ۱۷، ۲۱، ۶۲	خ
ربانی املشی، مهدی (حجت الاسلام)، ۲۴۱	خادمی، حسین (حجت الاسلام)، ۱۹۸
ربانی شیرازی، عبدالرحیم (حجت الاسلام)، ۲۸۳	خلق مسلمان ← حزب خلق مسلمان
رژیم شاه مخلوع، ۳۹، ۴۸، ۹۲، ۱۰۰، ۱۰۳	خمینی الموسوی، روح الله ← امام خمینی
۱۵۹، ۱۳۳	خوئینی‌ها، محمد موسوی (حجت الاسلام)
رضاخان، ۳۱، ۳۲، ۶۰، ۱۳۹، ۱۷۹	← موسوی خوئینی‌ها، محمد (حجت الاسلام)
رفراندوم قانون اساسی، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۹۳	الاسلام)
۲۴۲	خودکفائی، ۴۰، ۶۰، ۶۱، ۷۱، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸
رکنی حسینی، محمدجواد (نقّه الاسلام)، ۱۴۵	۲۷۸، ۲۷۷، ۱۱۳، ۱۰۸
روحانیت، ۲۶، ۳۲، ۲۵۵	خوزستان، ۱۵۹
روحانیت و دانشگاه ← دانشگاه و روحانیت	د
روز عرفه، ۲۲۱	دادگاه‌های انقلاب اسلامی، ۵۰، ۱۳۵، ۱۷۲، ۲۶۸
روزنامه لوموند، ۲۵۳	دارو، ۷۶، ۲۷۹
روسیه ← شوروی	دانشجویان ایرانی در آمریکا، ۲۰۵
روشندلان، ۸	
روشنفکران، ۶۶، ۸۶، ۸۷، ۱۰۹، ۲۸۰	
روضة خوانی، ۳۱، ۲۱۸	
رهبری، ۱۲۶	

شریعتمداری، کاظم، ۲۵۸	ز
شورای امنیت ← سازمان ملل متحد	زاغه‌نشینان ← کوخ‌نشینان
شورای انقلاب، ۱۴۶، ۱۴۷	زبان عربی، ۲۸۱
شورای سلطنت، ۸۸	زراعت ← کشاورزی
شوروی، ۵۸	زلزله، ۱۹۰، ۱۹۱، ۲۵۷
شهادت، ۱۱۱، ۱۶۳، ۲۲۵، ۲۷۵	زمین، ۴۰
شهاد، ۲۴	زن، ۱، ۷۸، ۸۶، ۸۷، ۲۳۴
شهرداری، ۱۴۴، ۱۵۹	زندان، ۱۳۲، ۱۴۳، ۱۵۲
شیرازی، ابوالحسن (آیت‌الله)، ۱۸۹	ژ
شیرازی، محمدتقی (میرزا)، ۲۷۹	زاین، ۲۲۹، ۲۸۱
ص	س
صدر انقلاب، ۱۱۵	سادات، محمد انور، ۲۰۵، ۲۰۶
صنایع دستی، ۲۷۷	سازمان مجاهدین خلق ← منافقین خلق
صهیونیسم، ۱۷۰	سازمان ملل متحد، ۱۹۳، ۲۳۷، ۲۴۰، ۲۸۲
ض	سازندگی، ۱۷۶
ضدانقلاب، ۱۵، ۲۳، ۲۶، ۲۸، ۱۲۹، ۱۵۲	سانسور، ۳۰، ۵۷
۱۶۰، ۱۷۵، ۱۷۶، ۲۷۲	سیاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۲۶۸
ط	سرمایه‌داران، ۴۱، ۴۲، ۴۹، ۵۰، ۱۳۷
طالقانی، محمود (حجت‌الاسلام)، ۳۴، ۱۴۲	سعیدی، محمدرضا (حجت‌الاسلام)، ۱۴۲
۱۵۲	سفارت آمریکا ← اشغال لانه جاسوسی
طلاق، ۷۸، ۸۷	آمریکا
ع	سهام امام ← وجوه شرعی
عاشورا، ۲۱۷	سیاست خارجی، ۲۵۲
عراق، ۲۱	سی. بی. اس (تلویزیون آمریکا)، ۲۰۱
عربستان، ۱۱۵	سیزده آبان، ۹۷
عربی ← زبان عربی	ش
عرفات، یاسر، ۵	شاه مخلوع ← محمدرضا پهلوی
	شرق، ۵۷، ۷۱، ۷۲، ۷۵، ۱۰۵

۱۱۹، ۱۱۱	عزاداری سیدالشهداء، ۳۱، ۲۱۷، ۲۳۹
قانون اساسی، ۱۵۴، ۲۱۹، ۲۴۲، ۲۴۷، ۲۵۹	عشایر، ۶۰، ۲۸۳
۲۷۲، ۲۶۳	غفو، ۱۷۲
قدس ← بیت المقدس	علم، اسدالله، ۱۶۵
قرآن، ۲۷۴، ۲۷۵	علی بن ابیطالب (ع) ← امام علی (ع)
قرن ۱۵ هجری، ۷۳	علی بن موسی الرضا (ع) ← امام رضا (ع)
قطبزاده، صادق، ۲۸۲	عید، ۹۱
قم، ۶۳، ۲۶۳	عید غدیر، ۱۷۳
قوچان، ۴	غ
قوچانی، رمضانعلی (حجت الاسلام) ۴	غرب، ۵۶، ۷۶، ۱۹۲
قومیت، ۱۸، ۱۹۷	غربزدائی، ۵۷، ۵۸، ۷۲، ۷۴، ۷۵، ۷۹، ۱۰۸
ک	۲۸۱، ۲۷۸
کارتز، جیمی، ۱۸۰، ۱۸۳، ۲۰۳، ۲۰۷، ۲۱۱	غربزدگی، ۷۲، ۱۰۵، ۱۹۲، ۲۷۷، ۲۸۰
۲۱۳، ۲۴۴، ۲۵۳، ۲۵۶، ۲۶۷، ۲۷۹	۲۸۱
کارخانهها، ۶۱	ف
کانون نویسندگان، ۲۱۹	فناوی امام، ۷۸
کانون وکلا، ۲۱۹	فدائیان خلق، ۱۹، ۴۳، ۵۹، ۱۲۳، ۱۵۰، ۱۵۱
کردستان، ۱۸، ۲۲، ۲۴، ۵۹، ۱۰۲، ۱۲۳	۱۵۳
۱۵۰، ۱۶۹، ۱۹۶، ۲۳۴	فرار مغزها، ۸۲، ۸۴
کره شمالی، ۲۶۲	فرصت طلبان، ۲۸۴، ۲۸۵
کشاوری، ۴۰، ۶۰، ۶۱، ۷۰، ۷۱، ۱۱۳، ۲۷۸	فرهنگ، ۵۵، ۵۶، ۷۲
کشف حجاب، ۱۳۹	فرهنگ استعماری، ۵۵، ۷۴، ۱۰۶، ۲۷۶
کشورهای اسلامی، ۷۹، ۹۱، ۹۳، ۱۱۶، ۲۱۵	فرهنگ اسلامی، ۷۱
۲۲۱، ۲۲۴، ۲۴۹، ۲۵۴	فلسطین، ۵، ۶، ۷۹
کشورهای جهان سوم، ۱۰۶	فیضیه ← مدرسه فیضیه
کشورهای عربی، ۵	فیلم، ۱۱، ۱۲، ۱۲، ۱۸۱، ۲۰۲، ۲۸۲
کمیته امداد، ۲۸۴	ق
کمیته‌های انقلاب اسلامی، ۱۲۵، ۲۶۸	فاضی طباطبائی، محمدعلی (آیت الله) ۱۱۰
کوخ نشینان، ۲۰، ۵۲، ۸۴، ۸۵، ۱۳۶، ۱۴۴	
۱۶۶	

محاصره اقتصادی، ۱۸۳، ۱۸۴، ۲۱۳، ۲۶۷،

۲۷۹

مدرس، حسن (آیت‌الله)، ۴۲

مدرسه فیضیه، ۱۰۷، ۲۷۶

مدنی، اسدالله (حجت‌الاسلام)، ۳

مذهب، ۱۷۰

مردم ← ملت

مرعشی نجفی، شهاب‌الدین (آیت‌الله)، ۹

مروی، هادی (نقّه‌الاسلام)، ۱۸۵

مسائل اقتصادی، ۴۱

مسائل قومی ← قومیت

مستضعفین، ۴۱، ۴۲، ۴۹، ۸۴، ۱۰۳، ۱۴۴،

۱۴۷، ۱۶۶، ۲۱۳، ۲۱۹، ۲۲۸، ۳۳۶

مستکبرین، ۵۰، ۵۲

مسجدسلیمان، ۱۸۵

مسلمانان، ۲۲۱، ۲۲۸

مسیحیت، ۱۸۰، ۲۵۰

مشروطیت، ۶۵

مصاحبه، ۱۶۸، ۲۰۱، ۲۲۹، ۲۴۳، ۲۵۳

مصادره اموال، ۱۳۵، ۱۳۷، ۲۶۸

مصر، ۲۰۶

مطبوعات، ۱۰۴، ۱۰۹، ۲۴۶

مطبوعات خارجی، ۱۱۶، ۲۴۵

معلولین، ۲

معنویت، ۲۷۶

ملاقات‌های امام خمینی، ۹، ۳۰، ۴۹، ۹۸

ملت، ۱۳، ۲۸، ۳۳، ۳۵، ۸۱، ۸۳، ۹۲، ۱۵۴

۱۶۳، ۱۸۱، ۲۰۴، ۲۱۵، ۲۳۰

منافقین، ۲۸۵، ۲۸۶

منافقین خلق، ۱۲۴

منتظری، حسینعلی (حجت‌الاسلام)، ۳۴، ۱۴۲،

گ

گروگانگیری جاسوسان آمریکائی ← اشغال

لانه جاسوسی آمریکا

گروگان‌ها، ۲۰۹، ۲۴۹، ۲۵۱، ۲۵۴، ۲۶۴،

۲۸۲

گروگان‌های زن، ۱۹۵، ۲۰۶

گروگان‌های سیاهپوست، ۱۹۵، ۲۰۶

گروه‌های سیاسی، ۵۹، ۶۵، ۶۶، ۲۴۷، ۲۴۸

گودشینان ← کوخ نشینان

گیلان، ۲۴۱

ل

لانه جاسوسی آمریکا ← اشغال لانه

جاسوسی آمریکا

لاهوری، حسن (حجت‌الاسلام) ۱۴۲، ۱۵۲

لبنان، ۷۹

لوموند ← روزنامه لوموند

م

مادیات، ۱۲۵

مالکیت، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۸

مبارزه، ۱۸۴

مجاهدین خلق ← منافقین خلق

مجلس خیرگان (بررسی قانون اساسی)، ۲۷،

۲۸، ۳۳، ۳۴، ۵۲، ۱۹۲، ۲۱۹

مجلس سنا، ۱۵۴

مجلس شورای اسلامی، ۱۵۴

محمدرضا پهلوی، ۴۲، ۶۴، ۹۷، ۱۲۹، ۱۴۱،

۱۵۸، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۷۹، ۱۸۱، ۲۰۲،

۲۰۳، ۲۰۸، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۲۵،

۲۳۲، ۲۳۳

و	۱۵۲
وابستگی، ۱۰۸، ۶۳، ۵۶، ۴۱	منهاج، محمد (نقّه الاسلام)، ۲۸۸
وجوه شرعی، ۲، ۱۹۱، ۲۵۷	موسوی خمینی، روح الله ← امام خمینی
وحدت، ۱۳، ۲۳۸، ۲۶۱	موسوی خوئینی‌ها، محمد (حجت الاسلام)،
وحدت اسلامی، ۷۹، ۲۲۳	۱۹۵، ۱۱
ولایت فقیه، ۲۷، ۲۹، ۳۵، ۴۴، ۵۳، ۸۷، ۸۹	میرزا علینقی، ۱۰۳
۱۲۸، ۱۵۵، ۱۷۴	میرزای شیرازی، محمدتقی ← شیرازی،
ویتنام، ۵۸	محمدتقی (میرزا)
۵	ن
همدان، ۳	نایب حسین کاشی، ۱۰۳
همدانی، عبدالمجید، ۱۲۴	نجفی، شهاب‌الدین مرعشی (آیت الله) ←
هندوستان، ۲۸۱	مرعشی نجفی، شهاب‌الدین (آیت الله)
هیأت حسن نیت کردستان، ۱۴۶، ۱۹۷	نفت، ۱۶۱، ۲۵۰
ی	نماینده امام، ۳
یاس، ۱۱۸، ۱۲۲	نوری، حسین (حجت الاسلام) ۲۱۰
یزدی، ابراهیم، ۴۲، ۲۶۹	نویسندگان، ۶۶
یهودیان، ۱۷۰	نهضت‌های آزادیبخش، ۷۹، ۲۲۷
	نیروهای انتظامی، ۱۸۶
	نیروهای مسلح ← نیروهای انتظامی

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

